

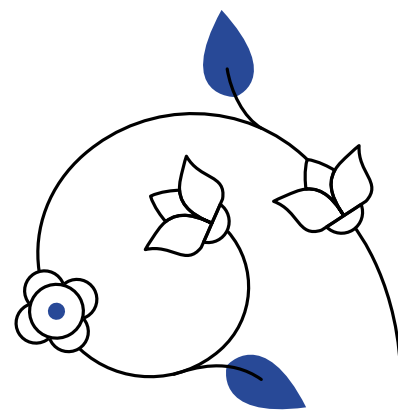


نشریه علمی

طراحی شهری شیراز مطالعات

شماره پی در پی ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۳ | سال اول | شماره ۱



صاحب امتیاز: «دانشگاه شیراز»
ناشر: «دانشگاه شیراز» با همکاری «انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران»

iuds.shirazu.ac.ir

iuds@shirazu.ac.ir

انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران

انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران

دانشگاه شیراز



زمینه هنر و معماری با موضوع طراحی شهری (طراحی شهری، معماری، معماری منظر، برنامه‌ریزی شهری، منظر شهری، طراحی محیط)

زمینه فعالیت و موضوعات قابل چاپ در نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران

- مطالعات و پژوهش‌های فاخر نظری، عملی و کاربردی در حوزه دانش طراحی شهری در ایران با تاکید بر ارتقا هویت ایرانی اسلامی
- مطالعات مرتبط با ارتقا هویت کالبدی و طراحی شهری ایرانی اسلامی
- بررسی رابطه کیفیت فضاهای عمومی شهری با ایمنی، امنیت، سلامت، عملکرد، هویت، کارایی، آسایش و راحتی استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی شهری
- مطالعات مرتبط با روش‌های ارزیابی کیفیت محیط و تحلیل فضاهای شهری در طراحی شهری
- تحلیل میزان زیست‌پذیری فضاهای شهری در حوزه رفتار شهروندی، کاربری و فعالیت، حمل و نقل و تسهیلات شهری
- تحلیل اثرات متقابل شرایط و کیفیت محیطی، آلودگی محیطی و تغییرات اقلیمی بر کیفیت و رضایت از زندگی شهروندان در فضاهای عمومی شهری
- ارزیابی اثرات محیطی، بصری، فرهنگی و اجتماعی ارتقا کیفیت فضاهای عمومی شهری
- مطالعات بازآفرینی شهری، زیبایی‌شناسی شهری، احساس و ادراک محیطی، روانشناسی محیطی، منظر شهری، تاب‌آوری و پایداری محیطی فضاهای عمومی شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه شیراز

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه شیراز

سردبیر

دکتر علیرضا صادقی | دانشیار، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، ایران

هیأت تحریریه داخلی (به ترتیب حروف الفبا)

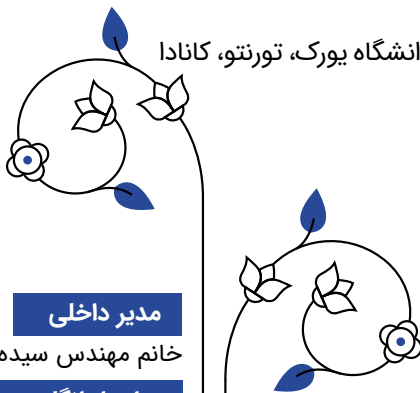
- دکتر قاسم حبیب آگهی | استاد، بخش عمران، دانشکده مهندسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
 دکتر سید بهشید حسینی | استاد، گروه فناوری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران
 دکتر مهدی خاکزند | دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران
 دکتر مریم روستا | دانشیار، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، ایران
 دکتر مهسا شعله | دانشیار، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، ایران
 دکتر سهند لطفی | دانشیار، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، ایران
 دکتر محمدرضا مثنوی | استاد، گروه طراحی محیط زیست، دانشگاه تهران، ایران
 دکتر غلامحسین معماریان | استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

هیأت تحریریه بین الملل (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر اردشیر انجمنی | استاد، بخش برنامه ریزی، معماری و امور عمومی، دانشگاه تگزاس، آرلینگتون، آمریکا
 دکتر احسان جوانمردی | دانشیار، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه نانجینگ، نانجینگ، چین
 دکتر ایوب شریفی | پروفسور، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه هیروشیما، هیروشیما، ژاپن
 دکتر مهیار عارفی | استاد، گروه شهرسازی، دانشگاه شاو شینگ، چین
 دکتر علی عسگری | پروفسور، دانشکده هنرهای لیبرال و مطالعات حرفه ای، دانشگاه یورک، تورنتو، کانادا

دوران این شماره

- دکتر مهدی بهرام پور | دکتری شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس
 دکتر نیلوفر پناهی | استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر
 دکتر آزاده جلالی | دکتری شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس تهران
 دکتر محمد حق‌شناس | استادیار دانشگاه کردستان
 دکتر مهدی خاکزند | دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
 دکتر مسعود دادگر | عضو هیات علمی دانشگاه علم و فرهنگ تهران
 دکتر الهام ضابطیان | دکتری شهرسازی پژوهشکده نظر
 دکتر آرزو علیخانی | استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
 دکتر هادی محمودی‌نژاد | دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران
 دکتر مهدی منتظرالحجه | دانشیار دانشگاه یزد
 دکتر هانیه هودسنی | استادیار دانشگاه هنر تهران
 دکتر منصور یگانه | دانشیار دانشگاه تربیت مدرس تهران
 دکتر زاهد یوسفی | استادیار دانشگاه کردستان



مدیر داخلی

خانم مهندس سیده آیدا حسینی

ویراستار انگلیسی

خانم دکتر نیلوفر پناهی

ویراستار فارسی

خانم زهرا نواب صفوی
 خانم صبا دباغ‌منش

طراح لوگو، طراح جلد و صفحه‌آرا

خانم مهندس فریبا کیان

مدارک مورد نیاز که باید همراه با فایل اصل مقاله (ارسال اولیه)، در سامانه بارگذاری گردد:

فرم مشخصات نویسندگان

فرم تعهدنامه نویسندگان

فرم تعارض منافع

شناسه ارکید ORCID (راهنمای دریافت شناسه)

فایل‌های مورد نیاز که باید بعد از دآوری و اخذ پذیرش، در سامانه بارگذاری گردد:

راهنمای ارسال فایل‌های لازم جهت چاپ مقاله

چکیده مبسوط انگلیسی (فایل راهنما)

بیانیه‌ها (فایل راهنما)

نکات برجسته (فایل راهنما)

هنگام نگارش مقاله و قبل از ارسال، مطالعه گردد:

شیوه نامه APA

منشور اخلاقی برای پژوهشگران

راهنمای نگارش مقاله برای نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران

- موضوع مقاله در چارچوب و زمینه دانش طراحی شهری باشد.

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد.

- حجم کلی مقاله حداکثر ۸۰۰۰ کلمه باشد.

- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان فارسی صحیح باشد و در انتخاب واژه ها دقت لازم مبذول گردد.

- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.

- مقاله در نرم‌افزار Word با حاشیه بالا ۲/۵، پائین ۲/۵، چپ ۲/۵ و راست ۳ سانتیمتر، با فاصله خطوط Single تایپ شود.

- مقاله های ارسالی باید دارای بخش های زیر باشد:

- **بخش اول:** به دو زبان فارسی و انگلیسی و شامل: عنوان کامل مقاله، نام و نام‌خانوادگی نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده مسئول با علامت ستاره مشخص شود)، رتبه علمی، رشته علمی، نام دانشگاه یا مؤسسه محل اشتغال و نشانی کامل برای کلیه نویسندگان شامل: نشانی پستی، شماره تلفن (همراه و ثابت) و پست الکترونیک. همچنین چنانچه مقاله مستخرج از طرح پژوهشی یا رساله باشد، عنوان طرح پژوهشی یا رساله نیز در صفحه اول درج گردد (به هنگام ثبت مقاله در پایگاه الکترونیکی، در یک فایل جداگانه ارائه شود و فایل اصلی مقاله ثبت شده باید فاقد نام نویسندگان باشد)

- **بخش دوم:** باید بدون نام و مشخصات نویسنده (نویسندگان) و شامل: چکیده، نکات برجسته و کلید واژه‌ها، به هر دو زبان فارسی و انگلیسی باشد.

چکیده مقاله به زبان فارسی (حداکثر ۳۰۰ کلمه) و کلیدواژه‌ها (بین ۳ تا ۵ واژه).

هدف از نوشتن نکات برجسته، ارائه نکات ارزشمند محتوایی به لحاظ تاثیر یافته های مقاله در پیشرفت علمی مرتبط با حوزه تخصصی مقاله است که به صورت دو الی سه جمله کوتاه باید نوشته شود.

صفحه دوم تا انتهای مقاله (یعنی بدنه اصلی مقاله) شماره عناوین اصلی و فرعی از راست به چپ درج شود.

- وجود عناوین زیر در تحقیق ضروری است:

۱. مقدمه: شامل بیان مسأله، اهداف تحقیق و ضرورت انجام تحقیق

۲. پیشینه تحقیق و مبانی نظری: تعاریف مفهومی ضروری، نتایج تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط به گونه‌ای که پشتیبانی کننده فرضیه ها و مدل مفهومی تحقیق باشد، ارائه مدل مفهومی/ فرضیه‌ها با ارایه توضیحات کافی و مستند ضروری است.

۳. روش‌شناسی و محدوده مورد مطالعه: طرح تحقیق، ابزار و روش گردآوری داده‌ها، روایی و پایایی ابزار (ضریب پایایی برای کلیه متغیرهای مکنون جداگانه و بر مبنای نمونه‌نمایی گزارش شود)، معرفی روش تحلیل داده‌ها (در صورتی که روش مورد استفاده جدید بوده و رایج نیست) جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری.

۴. یافته ها

در مقاله های کمی شامل:

گزارش مشخصات جمعیت شناختی نمونه مورد بررسی. به صورت توضیحی و مختصر (جدول و نمودارهای آن در ضمیمه برای بررسی داوران ذکر شود).

نتایج تحلیل‌های آماری: به صورت مختصر و توضیحی گزارش شود و به حداقل جداول اکتفا شود.

خروجی های اصلی نرم افزار به صورت عکس جهت تطابق ارائه شود.

در مقاله های مروری شامل:

بیان نتایج حاصل از پژوهش های بررسی شده که می تواند علاوه بر متن، به صورت جدول، نمودار و یا تصویر هم ارائه شود.

در مقاله های کیفی شامل:

بیان تحلیل های توصیفی از نتایج حاصل از تحقیقات صورت گرفته که می تواند علاوه بر متن، به صورت جدول، نمودار و یا تصویر هم ارائه شود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری: تفسیر و توضیح نتایج کمی و تشریح دلالت‌های آنها، ارایه یافته‌های اصلی تحقیق، مقابله و مقایسه نتایج تحقیق با یافته‌های پژوهش های مرتبط، پیشنهادها کاربردی، پیشنهاد تحقیقات آتی، محدودیت‌های تحقیق (کلیه موارد بدون تیر به ترتیب و در ادامه یکدیگر ارایه شوند).

- در صورت پذیرش مقاله، ارسال چکیده مبسوط الزامی است. چکیده مبسوط باید به زبان انگلیسی و بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ کلمه باشد، در فایل جداگانه و در بخش های ذیل تنظیم گردد:

1.Title 2.Introduction 3.Materials and Methods 4.Findings 6.Discussion and conclusion 7.Declarations 8.Keywords

- پی نوشتها: از قبیل واژگان لاتین و توضیحاتی که احياناً در متن از آنها احتراز شده است در انتهای مقاله و قبل از ذکر منابع به ترتیب درج شود.

- نحوه منبع نویسی مطابق فرمت انجمن روان شناسی آمریکا (APA) تنظیم شود. شیوه نامه APA

- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.

- جدول‌ها به تعداد محدود و دارای شماره و عنوان و توضیحات و منبع باشند که در بالای جدول آورده میشود.

- شکل ها و نمودارها به تعداد محدود با کیفیت خوب، تهیه شده و دارای شماره، عنوان، توضیح و منبع باشند که در بالای عکس یا نمودار آورده می شود.

- محل قرار دادن جدولها ، نمودارها و شکل ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.

- از ذکر واژگان غیر فارسی که برابر فارسی دارند، خودداری شود. چنانچه متداول فارسی واژه‌ای وجود نداشته باشد، با دادن شماره در بالای واژه‌ی استفاده شده، برابر لاتین آن در پی‌نوشت آورده شود.

- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.

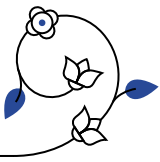
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگوی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می باشند.

- پس از ارسال مقاله امکان حذف، اضافه و یا تغییر ترتیب اسامی نویسندگان امکان پذیر نیست.

- مقاله‌هایی که دارای نوآوری علمی بوده و تکرار یک مدل خارجی یا داخلی نباشد، در اولویت قرار می‌گیرد.

- نشریه در ویرایش مقاله ها آزاد است.

- معرفی حداقل ۲ داور پیشنهادی برای داوری مقاله الزامی است.



نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران

بهار و تابستان ۱۴۰۳ | سال اول | شماره ۱



فهرست مقالات علمی

صفحه

- ۵ تدوین راهبردهای طراحی شهری توسعه محله شهری خلاق از منظر کارکردی فضایی
موردپژوهی: محله سنگ سیاه، شیراز
فاطمه شمس، محمدرضا پورجعفر، نرگس پیراحمدیان
- ۳۳ تبیین انگاره طراحی شهری مشارکتی در فرایند بازآفرینی شهری اجتماع محور براساس فلسفه رئالیسم اسلامی
نمونه موردی: سرای روغنی بازار وکیل
نسترن نژداغی
- ۵۵ سنجش وضعیت گردشگری کلان شهر شیراز براساس مؤلفه های پایداری محیطی در طراحی شهری
حسن افزا، علی شمس الدینی
- ۷۵ بررسی تأثیر محیط ساخته شده بر سالخوردگی در مکان با استفاده از روش بیبلیومتریک
دکتر آزاده لک، آرمین کیامرثی، مجتبی ذوالانواری
- ۹۳ ارائه راهبردهای طراحی شهری به منظور برندسازی و ارتقای هویت کالبدی
شهرهای جدید نمونه موردی: شهر جدید صدرا
مائده ولی بیگی، الیاس مودت
- ۱۱۷ سنجش شاخص های کالبدی-کاربری و اجتماعی در حیات شبانه و سرزندگی فضاهای شهری با رویکرد توسعه پایدار
مطالعه موردی: محله تاریخی ناسار سمنان
امیرحسین تکمیل، مهسا قانع
- ۱۴۱ بهبود حیات اجتماعی شبانه محورهای تاریخی-فرهنگی از طریق ارتقاء تصویر ذهنی شهروندان در شب
نمونه موردی: خیابان انقلاب (میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر)
منیره حقگوئی، محمدرضا پورجعفر، سوسن بصیری
- ۱۶۱ ارزیابی مؤلفه های کیفیت فضایی در فضای تاریخی گردشگری بین الحرمین شیراز؛ ارائه راهکارهای
طراحی شهری برای بازیابی هویت مکانی
امیرحسین عظیم پور، عرفانه قنبری، احمدرضا سواره
- ۱۸۵ اولویت بندی عملکردهای طراحی شهری مؤثر بر عناصر فرم شهری به منظور افزایش اجتماع پذیری فضاهای عمومی
نمونه موردی: فضاهای عمومی کلان شهر شیراز
سیده آیدا حسینی
- ۲۱۳ کاربرد نظریه نحو فضایی هیلبر در سنجش کیفیت فضای شهری
مطالعه موردی: خیابان کوئین در اوکلند
آناهیتا طبائیان، الناز بهزادپور
- ۲۳۳ تحلیل روابط بین شاخص های بازآفرینی شهری اجتماع محور در طراحی شهری با رویکرد مدل سازی ساختاری تفسیری
مورد مطالعاتی: محله بافت فرسوده کن تهران
پریا سنجیده، میرحسن موسوی، محمدحسن سلمانیان
- ۲۵۷ محیط های شهری چه نقشی بر سلامت روان شهروندان دارند؟ درس آموزی از مطالعات انجام شده در ایران
فاطمه شاهوران، هاجراسدپور

Formulating Urban Design Strategies for Developing a Creative Urban Neighborhood from a Functional-Spatial Perspective – Case Study: Sang-e Siah Neighborhood, Shiraz*

Fatemeh Shams^{1,**}, Mohamad Reza Pourjafar², Narges Pirahmadian³

1. PhD candidate in urban planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

3. MA in urban Design, Eram Higher Education Institute, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

The creative city theory tries to describe a quality that makes the mental image of a city more beautiful for citizens. The purpose of presenting the concept of quality of life in this theory is to modify the evolution of urban development from the concept of quantitative growth to sustainable urban development. In fact, urban creativity as a strategic approach can affect the qualities of living in the city. Therefore, the main purpose of this research is to present a strategy for realizing the idea of a creative city in urban neighborhoods and selecting the desired strategy. In order to achieve the research objective, the descriptive-analytical research method and the research methods of questionnaire, interview and observation were used. The statistical population of the research is all residents of Sang-e Siah neighborhood, which were equal to 6355 based on the study plan of the neighborhood zoning of Shiraz, and urban design experts. In the citizens group, a sample size of 363 people was selected by simple random selection using the Cochran formula, and in the experts group, 30 experts were selected. In this paper, the SWOT model and the Quantitative Strategic Planning Matrix (QSPM) were used to analyze the data and prioritize the strategies. Based on the results obtained from the SWOT model, the position of the creative city indicators in the functional-spatial dimension in the studied neighborhood is in a competitive position, considering all the factors obtained. The results obtained from the QSPM show that among the five important strategies, the strategy of strengthening local green spaces in order to increase the presence of people and strengthen social interactions among residents is recognized as the best strategy with the highest score.

Highlights

- The components of creative infrastructure, functional diversity, communications, and historical heritage recreation constitute the elements of the functional-spatial dimension of the creative city.
- The status of the creative city indicators in the functional-spatial dimension in the Sang-e Siah Neighborhood of Shiraz is in a competitive position.
- Increasing presence and strengthening social interactions of residents and promoting readability are at the top of the prioritized strategies of the Sang-e Siah Neighborhood.

ARTICLE INFO

Received	2024/06/24
Revised	2024/07/10
Accepted	2024/07/25
Available Online	2024/09/17

Keywords

Creative city
Urban Neighborhoods
SWOT Model
Quantitative Strategic Planning Matrix
Sang-e Siah Neighborhood Shiraz



Citation of the article

Shams, F., Pourjafar, M. R., & Pirahmadian, N. (2024). Formulating Urban Design Strategies for Developing a Creative Urban Neighborhood from a Functional-Spatial Perspective, Case Study: Sang-e Siah Neighborhood, Shiraz. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 5-32.

* This article is extracted from the master's thesis of the author Narges Pirahmadian, titled 'Measuring and Evaluating Creative City Indicators in Urban Neighborhoods with Emphasis on the Functional-Spatial Dimension Case Study: Sang-e-Siah Neighborhood of Shiraz City, supervised by the first author at Eram Higher Education Institute of Shiraz.

** Author Corresponding:

Email: f.shams@modares.ac.ir

Introduction: Today, the creative city is primarily defined as a place of attraction and display, where cultural and creative resources are primarily considered as “wealth generators.” Accordingly, the idea of the creative city is being developed on various scales to attract investors, businesses, skilled workers, and visitors, and to enhance the image of the city.

The effective role that the idea of the creative city can play, especially with its emphasis on cultural drivers and creative industries as drivers and enhancers of local economic performance, has led communities to increasingly pursue innovative perspectives in this area. This is pursued with much greater strength and attention in areas of historical value.

Creative cities are defined as a context that has adequate and adequate infrastructure to attract and nurture creative and talented individuals, and by utilizing the capacities and potentials of existing places and human capital, they take steps to improve the quality of life as a principle that is particularly emphasized in the creative city approach; Therefore, the need to address it, especially at the micro-local levels, is always felt.

Therefore, in this article, after examining the indicators of the creative city in various dimensions, strategies have been presented to strengthen the factors affecting the creation of creativity in urban neighborhoods, in order to provide a basis for improving the quality of life in urban neighborhoods. For this purpose, Sang-e Siah Neighborhood, which is one of the historical neighborhoods of Shiraz, has been selected as a case study. A historic neighborhood that in the past was characterized by the existence of various architectural identities within the spaces, the importance of access and transportation in the past, the existence of various urban landmarks, and in general the existence of numerous historical, religious, social, etc.

values, but now, due to several reasons, including the organic texture of the street network, the deterioration of existing units, the lack of attention to places with historical and cultural value and their potential to attract people, the weakness and absence of appropriate infrastructure, and numerous environmental, social, cultural and economic problems, is undergoing a downward trend in terms of quality of life.

The combination of these factors has caused a decrease in desirability and vitality, and as a result, it has not responded to the needs of residents and has lost its former efficiency. Therefore, the main question of the research is defined as: What are the strategies for developing a creative urban neighborhood from a functional-spatial perspective? In order to answer this question, first, the research literature is reviewed, then the research methodology is introduced, followed by a description of the discussion and findings, and finally, conclusions and strategies are presented.

Materials and Methods: The present study used descriptive-analytical and case study research methods and questionnaire, interview and observation research methods to present and prioritize effective strategies for creating creativity in urban neighborhoods in order to improve and promote the quality of life.

The sample of this study included residents of Sang-e Siah Neighborhood, which was 6355 people based on the study plan of neighborhoods in Shiraz, and urban experts and planners who were fully familiar with the current situation of the neighborhood.

In the citizens group, using the Cochran formula, the sample size was 363 people by simple random selection, and in the experts group, 30 people were selected as samples. In this study, an integrated analysis of the status of creative city indicators in Sang-e Siah Neighborhood at different levels was conducted using the SWOT model.

A questionnaire consisting of 43 questions, which included 13 components in accordance with the criteria identified for the creative city in the theoretical foundations of the research, was prepared. After its validity was confirmed using the opinions of experts, the reliability of the questions was first calculated for the entire questionnaire and then for each component separately with Cronbach’s alpha.

Given that Cronbach’s alpha, indicators obtained above 0.7 have appropriate reliability. According



to the aforementioned field studies, strengths, opportunities, threats, and weaknesses in the Sang-e Siah Neighborhood were identified and experts were asked to weight each of the identified internal or external factors based on their importance.

After that, matrices for evaluating internal and external factors in the field of realizing the idea of the creative city in the studied neighborhood were formed, and strategies were adapted and determined, and the category of strategies with higher implementation priority was selected. Next, experts were asked to determine the weight of attractiveness of each strategy from the set of selected strategies in relation to its constituent factors. The results of these actions were presented in a quantitative strategic planning matrix, and the identified strategies were prioritized based on that.

Findings: After extracting the strengths and weaknesses, threats, and opportunities of the Sang-e Siah Neighborhood of Shiraz at different levels and with a multifaceted approach, common and similar items were categorized and then, with the help of the weighting technique, the axes and items were ranked. In fact, coefficients were calculated for each item according to its importance and probability of existence or occurrence.

Thus, some ambiguous items were removed from the list and the rest were prioritized and ranked. In general, 35 internal factors (including 9 strengths and 26 weaknesses) and 39 external factors (including 17 opportunities and 22 threats) were identified. According to experts, among the strengths, the presence of valuable historical elements has the highest final score with a score of 0.13875.

Visual pollution caused by the disturbance of facades with a final score of 0.0504 is considered the most severe weakness. Also, among the external factors, the possibility of changing the use of old buildings to night uses such as ecotourism accommodation, restaurants and cafes with a final score of 0.13125 is the most effective opportunity and the inability of emergency vehicles to access the interior of the context with a final score of 0.04515 is considered the strongest threat.

The total score of the evaluation matrix of internal factors of the Sang-e Siah Neighborhood of Shiraz is 2.86043 and external factors are 2.98996. Considering the total final scores of internal and external factors, it can be said that competitive strategies are the first priority in order to achieve the best results in achieving the research objectives.

Discussion and Conclusion: What was examined in this research was the assessment of the status of the historical Sang-e Siah Neighborhood, Shiraz as a valuable area and a basis for realizing many of the ideals of the Creative City idea, from the perspective of the indicators of this idea. In line with the integrated analysis, the SWOT model and the quantitative strategic planning matrix were used by questioning the residents of the neighborhood as well as urban design experts.

According to the detailed analyses conducted, the Sang-e Siah Neighborhood, despite having many potential capacities and facilities, faces many threats from the perspective of the indicators of the development of the Creative Neighborhood, which adopting an appropriate strategy to overcome them can lead the situation to a desirable direction.

In a general summary, the strategies for using the sense of belonging of neighborhood residents to protect the neighborhood and use the existing potential to strengthen the participatory role of people in the development and improvement of the neighborhood, the presence of landmarks of the city and the culture of the region to create a desirable mental image, the creation of urban spaces with the capacity to attract and retain the creative urban classes, the prediction of service uses that guarantee the continued creative presence of citizens, the creation of a variety of uses and activities to respond to a diverse range of citizens, the existence of active frontages and the creation of leisure spaces and informal environments for the use of different age groups, the improvement of the quality of public areas as places that give identity, and the use of artists and their artistic expressions in the urban landscape can be key to creating creativity in historic neighborhoods.



Declarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

Conceptualization and study design: Fatemeh Shams; data collection and management: Narges Pirahmadian; data analysis and interpretation: Fatemeh Shams and Narges Pirahmadian; visualization: Narges Pirahmadian; drafting the initial manuscript: Narges Pirahmadian; manuscript review and revision: Mohammadreza Pourjafar and Fatemeh Shams; research project management: Mohammadreza Pourjafar and Fatemeh Shams; validation and final approval: All authors approved the final version of the manuscript.



Acknowledgments:

The authors sincerely thank the residents of Sang-e Siah neighborhood in Shiraz for their cooperation in providing the required information.



References

1. A Creative City Task Force (CCFT). (2008). *A creative city task force report*. London.
2. Anttiroiko, A. V. (2014). Creative city policy in the context of urban asymmetry. *Local Economy*, 29(8), 854–867. <https://doi.org/10.1177/0269094214542051>
3. Borén, T., & Young, C. (2016). Conceptual export and theory mobilities: Exploring the reception and development of the creative city thesis in the post-socialist urban realm. *Eurasian Geography and Economics*, 57(4–5), 588–606. <https://doi.org/10.1080/15387216.2016.1167957>
4. Bowitz, E., & Ibenholdt, K. (2009). Economic impacts of cultural heritage—Research and perspectives. *Journal of Cultural Heritage*, 10, 1–8. <https://doi.org/10.1016/j.culher.2009.03.002>
5. Cerisola, S., & Panzera, E. (2021). Cultural and creative cities and regional economic efficiency: Context conditions as catalyzers of cultural vibrancy and creative economy. *Sustainability*, 13(13), 7150. <https://doi.org/10.3390/su13137150>
6. European Commission. (2010). *Green paper—Unlocking the potential of cultural and creative industries*. Retrieved from <https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/1cb6f484-074b-4913-87b3-344ccf020eef/language-en> (accessed on December 8, 2018).
7. Faggian, A., Partridge, M., & Malecki, E. (2017). Creating an environment for economic growth: Human capital, creativity, or entrepreneurship? *International Journal of Urban and Regional Research*, 41, 997–1009. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12501>
8. Fleming Creative Consultancy. (2015). *Cultural and creative spillovers in Europe: Report on a preliminary evidence review*. Retrieved from [https://www.artscouncil.org.uk/sites/default/files/Cultural creative spillovers in Europe full report.pdf](https://www.artscouncil.org.uk/sites/default/files/Cultural%20creative%20spillovers%20in%20Europe%20full%20report.pdf) (accessed on June 24, 2021).
9. Florida, R. (2003). Cities and the creative class. *City & Community*, 2(1), 3–19. <https://doi.org/10.1111/1540-6040.00034>
10. Freestone, R., & Gibson, C. (2016). The cultural dimension of urban planning strategies: An historical perspective. In *Culture, urbanism and planning* (pp. 21–41). Routledge.
11. Gertler, M. S. (2004). *Creative cities: What are they for, how do they work, and how do we build them?* (pp. 1-13). Canadian Policy Research Network, Family Network.
12. Grodach, C. (2017). Urban cultural policy and creative city making. *Cities*, 68, 82-91. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.05.013>
13. Hani, U., Azzadina, I., Sianipar, C. P. M., Setyagung, E. H & Ishii, T. (2012). Preserving cultural heritage through creative industry :A lesson from Saung Angklung Udjo. *Procedia Economics and Finance* 193-200, 4, . [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(12\)00330-4](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(12)00330-4)
14. Hatuka, T., Rosen-Zvi, I., Birnhack, M., Toch, E., & Zur, H. (2018). The political premises of contemporary urban concepts: The global city, the sustainable city, the resilient city, the creative city, and the smart city. *Planning Theory & Practice*, 19(2), 160-179. <https://doi.org/10.1080/14649357.2018.1455216>
15. Jackson, M. R., Kabwasa-Green, F., & Herranz, J. (2006). *Cultural vitality in communities: Interpretation and indicators*. Culture, Creativity and Communities Program, Urban Institute. Available online at <https://www.urban.org>
16. Karvelyte, K. (2017). *Making a creative city with Chinese characteristics: Perspectives from Shanghai, Hong Kong, and Taipei* (Doctoral dissertation, University of Leeds). <https://etheses.whiterose.ac.uk>
17. Kozina, J., Bole, D., & Tiran, J. (2021). Forgotten values of industrial city still alive: What can the creative city learn from its industrial counterpart? *City, Culture and Society*, 25, 100395. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2021.100395>
18. Landry, C. (2012). *The creative city: A toolkit for urban innovators*. Routledge.
19. Lazzaro, E. (2021). Linking the creative economy with universities' entrepreneurship: A spillover approach. *Sustainability*, 13, 1078. <https://doi.org/10.3390/su13031078>
20. Light, D., Crețan, R., Voiculescu, S., & Jucu, I. S. (2020). Introduction: Changing tourism in the cities of post-communist Central and Eastern Europe. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 22, 465-477. <https://doi.org/10.1080/19448953.2020.1787577>
21. Markusen, A., & Nicodemus, A. G. (2018). Creative placemaking: Reflections on a 21st-century American arts policy initiative. In *Creative placemaking* (pp. 9-27). Routledge.
22. Monclús, J., & Medina, C. D. (2017). Urbanisme, Urbanismo, Urbanistica: Latin European Urbanism. In *The Routledge handbook of planning history* (pp. 147-160). Routledge.
23. Montalto, V., Moura, C. J. T., Langedijk, S., & Saisana, M. (2019). Culture counts: An empirical approach to measure the cultural and creative vitality of European cities. *Cities*, 86, 167-185. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.09.011>
24. Orankiewicz, A., & Turała, M. (2021). Exploring paths to creative city emergence: The example of three Polish cities. *Regional Science Policy & Practice*, 13(3), 659-672. <https://doi.org/10.1111/rsp3.12424>
25. Petit, S., & Seetaram, N. (2018). Measuring the effect of revealed cultural preferences on tourism exports. *Journal of Travel Research*, 58, 1262-1273. <https://doi.org/10.1177/0047287518800387>
26. Pięt, A. (2024). Use diversity in shaping vivid housing neighbourhoods on the example of Eindhoven. *Środowisko Mieszkaniowe/Housing Environment*.

- 
- 
27. Prayudi, P., Ardhanariswari, K. A., & Probosari, N. (2024). Destination branding management: The role of ministry of tourism and creative economy development in creating a creative city in Indonesia. In *2nd International Conference on Advance Research in Social and Economic Science (ICARSE 2023)* (pp. 171-181). Atlantis Press. https://doi.org/10.2991/978-94-6239-526-5_19
 28. Rafieian, M., & Shabani, M. (2015). Analysis of urban creativity indicators in the settlement system of Mazandaran Province. *Geography and Urban-Regional Planning*, 5 (16), 19-34. [In Persian].
 29. Ratiu, D. (2013). Creative cities and/or sustainable cities: Discourse and practices. *City, Culture and Society*, 4, 125-135. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2013.04.003>
 30. Redaelli, E. (2011). Analyzing the creative city governance: Relational processes in Columbus, Ohio. *City, Culture and Society*, 2, 85-91. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2011.10.001>
 31. Redaelli, E. (2016). Creative placemaking and the NEA: Unpacking a multi-level governance. *Policy Studies*, 37(4), 387-402. <https://doi.org/10.1080/01442872.2016.1188903>
 32. Richards, G., & Hannigan, J. (2017). *The SAGE handbook of new urban studies*. Sage Publications Ltd.
 33. Sarvar, R., & Khodaei, Y. (2016). Creative cities: A new approach to sustainable urban development. International Conference on Research in Science and Technology, Karin Institute of Superior Conferences. [In Persian].
 34. Sasaki, M. (2010). Urban regeneration through cultural creativity and social inclusion: Rethinking creative city theory through a Japanese case study. *Cities*, 27, S3-S9. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2010.03.002>
 35. Scott, A. J. (2006). Creative cities: Conceptual issues and policy questions. *Journal of Urban Affairs*, 28(1), 1-17. <https://doi.org/10.1111/j.0735-2166.2006.00256.x>
 36. Segovia, C., & Hervé, J. (2022). The creative city approach: Origins, construction and prospects in a scenario of transition. *City, Territory and Architecture*, 9(1), 29. <https://doi.org/10.1186/s40410-022-00151-0>
 37. Shahabian, P., & Rahgozar, A. (2012). The connection between creative environments and the city. *Manzar*, 4 (19), 67-73. [In Persian].
 38. Sheikh Azami, A., & Najm, F. (2019). An introduction to creative cities and urban quality of life. 1st International Conference and 2nd National Conference on Knowledge-Based Urban Planning, Architecture, Civil Engineering, and Art, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. [In Persian].
 39. Trip, J. J., & Romein, A. (2010). Creative city policy: Bridging the gap with theory. *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 101(4), 395-408. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9663.2010.00626.x>
 40. UNCTAD. (2008). *Creative economy report 2008*. United Nations Conference on Trade and Development. Available online: http://unctad.org/en/docs/ditc20082cer_en.pdf
 41. Vanolo, A. (2008). The image of the creative city: Some reflections on urban branding in Turin. *Cities*, 25, 370-382. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2008.08.001>
 42. Whiting, S., Barnett, T., & O'Connor, J. (2022). Creative City RIP. *M/C Journal*, 25(3). <https://doi.org/10.5204/mcj.2778>



Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





تدوین راهبردهای طراحی شهری توسعه محله شهری خلاق از منظر کارکردی فضایی مورد پژوهی: محله سنگ سیاه، شیراز*

فاطمه شمس^{۱*}، محمدرضا پورجعفر^۲، نرگس پیراحمدیان^۳

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲. استاد، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز، شیراز، ایران.

مشخصات مقاله

چکیده

تاریخ ارسال ۱۴۰۳/۰۴/۴
تاریخ بازنگری ۱۴۰۳/۰۴/۱۹
تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۵/۴
تاریخ انتشار آنلاین ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

نظریه شهر خلاق سعی می‌کند کیفیتی را شرح دهد که تصویر ذهنی شهر را برای شهروندان زیباتر سازد. هدف از مطرح کردن مفهوم کیفیت زندگی در این نظریه، اصلاح تکامل توسعه شهری از مفهوم رشد کمی به توسعه پایدار شهری است. در واقع، خلاقیت شهری به‌عنوان رویکردی راهبردی می‌تواند بر کیفیت‌های زیستن در شهر تأثیر بگذارد؛ بنابراین هدف اصلی از این پژوهش، ارائه راهبردی برای تحقق ایده شهر خلاق در محلات شهری و انتخاب راهبرد مطلوب است. در راستای دستیابی به هدف پژوهش، از روش توصیفی تحلیلی و شیوه‌های پژوهش پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش را تمام ساکنان محله سنگ سیاه که براساس طرح مطالعاتی محله‌بندی شهر شیراز برابر ۶۳۵۵ بوده‌اند، به‌همراه کارشناسان طراحی شهری تشکیل می‌دهد. در گروه شهروندان با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه با تعداد ۳۶۳ نفر به‌صورت تصادفی ساده و در گروه کارشناسان تعداد ۳۰ کارشناس انتخاب شده است. در این نوشتار برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل SWOT و ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM) به‌منظور اولویت‌بندی استراتژی‌ها بهره گرفته شده است. براساس نتایج حاصل از مدل SWOT، موقعیت شاخص‌های شهر خلاق در بُعد کارکردی فضایی در محله مورد مطالعه، با توجه به تمامی عوامل به‌دست‌آمده، در موقعیت رقابتی قرار دارد. نتایج به‌دست‌آمده از QSPM نشان می‌دهد که از بین پنج راهبرد مهم، راهبرد تقویت فضاهای سبز محلی در جهت افزایش حضورپذیری افراد و تقویت تعاملات اجتماعی میان ساکنان با کسب بیشترین امتیاز به‌عنوان بهترین راهبرد شناخته می‌شود.

واژگان کلیدی

شهر خلاق
محلات شهری
مدل سوات
ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی
محله سنگ سیاه شیراز

نکات شاخص

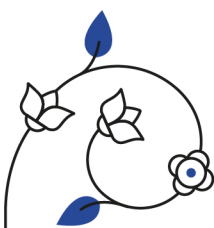
- مؤلفه‌های زیرساخت‌های خلاق، تنوع کارکردی، ارتباطات و بازآفرینی میراث تاریخی، عناصر بعد کارکردی-فضایی شهر خلاق را تشکیل می‌دهند.
- وضعیت شاخص‌های شهر خلاق در بعد کارکردی-فضایی در محله سنگ سیاه شیراز در موقعیت رقابتی قرار دارد.
- افزایش حضورپذیری و تقویت تعاملات اجتماعی ساکنین و ارتقاء خوانایی در صدر استراتژی‌های اولویت‌بندی‌شده محله سنگ سیاه جای می‌گیرند.

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

شمس، ف.، پورجعفر، م.، و پیراحمدیان، ن. (۱۴۰۳). تدوین راهبردهای طراحی شهری توسعه محله شهری خلاق از منظر کارکردی فضایی: مورد پژوهی محله سنگ سیاه، شیراز. *نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران*، ۱(۱)، ۳۲-۵.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده نرگس پیراحمدیان با عنوان «سنجش و ارزیابی شاخص‌های شهر خلاق در محلات شهری با تأکید بر بعد کارکردی فضایی مطالعه موردی: محله سنگ سیاه شهر شیراز» به راهنمایی نویسنده اول در مؤسسه آموزش عالی ارم شیراز است.

** آدرس پستی نویسنده مسئول: f.shams@modares.ac.ir





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Formulating Urban Design Strategies for Developing a Creative Urban Neighborhood from a Functional-Spatial Perspective – Case Study: Sang-e Siah Neighborhood, Shiraz*

Fatemeh Shams^{1**}, Mohamad Reza Pourjafar², Narges Pirahmadian³

1. PhD candidate in urban planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
2. Professor, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
3. MA in urban Design, Eram Higher Education Institute, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

The creative city theory tries to describe a quality that makes the mental image of a city more beautiful for citizens. The purpose of presenting the concept of quality of life in this theory is to modify the evolution of urban development from the concept of quantitative growth to sustainable urban development. In fact, urban creativity as a strategic approach can affect the qualities of living in the city. Therefore, the main purpose of this research is to present a strategy for realizing the idea of a creative city in urban neighborhoods and selecting the desired strategy. In order to achieve the research objective, the descriptive-analytical research method and the research methods of questionnaire, interview and observation were used. The statistical population of the research is all residents of Sang-e Siah neighborhood, which were equal to 6355 based on the study plan of the neighborhood zoning of Shiraz, and urban design experts. In the citizens group, a sample size of 363 people was selected by simple random selection using the Cochran formula, and in the experts group, 30 experts were selected. In this paper, the SWOT model and the Quantitative Strategic Planning Matrix (QSPM) were used to analyze the data and prioritize the strategies. Based on the results obtained from the SWOT model, the position of the creative city indicators in the functional-spatial dimension in the studied neighborhood is in a competitive position, considering all the factors obtained. The results obtained from the QSPM show that among the five important strategies, the strategy of strengthening local green spaces in order to increase the presence of people and strengthen social interactions among residents is recognized as the best strategy with the highest score.

Highlights

- The components of creative infrastructure, functional diversity, communications, and historical heritage recreation constitute the elements of the functional-spatial dimension of the creative city.
- The status of the creative city indicators in the functional-spatial dimension in the Sang-e Siah Neighborhood of Shiraz is in a competitive position.
- Increasing presence and strengthening social interactions of residents and promoting readability are at the top of the prioritized strategies of the Sang-e Siah Neighborhood.

Citation of the article

Shams, F., Pourjafar, M. R., & Pirahmadian, N. (2024). Formulating Urban Design Strategies for Developing a Creative Urban Neighborhood from a Functional-Spatial Perspective, Case Study: Sang-e Siah Neighborhood, Shiraz. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 5-32.

* This article is extracted from the master's thesis of the author Narges Pirahmadian, titled 'Measuring and Evaluating Creative City Indicators in Urban Neighborhoods with Emphasis on the Functional-Spatial Dimension Case Study: Sang-e-Siah Neighborhood of Shiraz City', supervised by the first author at Eram Higher Education Institute of Shiraz.

** Author Corresponding

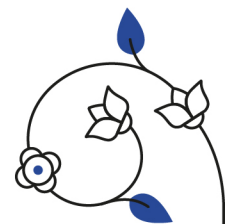
Email: f.shams@modares.ac.ir

ARTICLE INFO

Received	2024/06/24
Revised	2024/07/10
Accepted	2024/07/25
Available Online	2024/09/17

Keywords

Creative city
Urban Neighborhoods
SWOT Model
Quantitative Strategic Planning Matrix
Sang-e Siah Neighborhood Shiraz



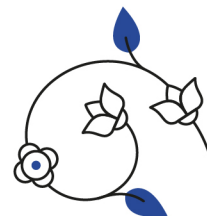
مقدمه و بیان مسئله

در سرتاسر جهان، شهرها به‌طور مداوم برای دستیابی به منابع انسانی و مالی که برای موقعیت بهتر خود در اقتصادهای جهانی و ملی ضروری می‌دانند، رقابت می‌کنند. برخی از شهرها به‌دنبال بهبود جایگاه خود در این محیط رقابتی، با چارچوب‌بندی مدیریت شهری در مفاهیم نوظهور و با اجرای چشم‌اندازهای مرتبط با قدرت، نوآوری، موفقیت و رفاه در تصور عموم هستند. در میان مفاهیم مختلف، برخی شامل شهر جهانی، شهر پایدار، شهر تاب‌آور، شهر خلاق و شهر هوشمند، بیش از سایرین مورد توجه واقع شده‌اند و در برنامه‌ریزی استراتژیک شهر مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Hatuka et al, 2018). در واقع، شهر خلاق یک الگوی سیاست جهانی است که شهرهای سراسر جهان همچنان در آرزوی دستیابی به آن هستند (CCTF, 2008). به‌این ترتیب در اوایل دهه ۱۹۹۰، در مواجهه با صنعتی‌زدایی (Segovia and Hervé, 2022)، افزایش بیکاری و افزایش تحرک جهانی سرمایه، متخصصان و گردشگران شهر خلاق برای سیاست‌مداران، برنامه‌ریزان، مدافعان و دست‌اندرکاران هنر و فرهنگ به بخش مهمی از تخیل شهری جدید تبدیل شدند (Whiting et al, 2022).

شهر خلاق یک اصطلاح چندظرفیتی است که می‌تواند در زمینه‌های مختلف به کار رود (شهباییان و رهگذر، ۱۳۹۱). این اصطلاح در ابتدا معنای بسیار گسترده‌ای داشت و عموماً به «شهرهای حل مسئله» اطلاق می‌شد. این ایده برای برجسته کردن نیاز به «پاسخ‌های خلاقانه‌تر به مشکلات شهری» ایجاد شد (رفیعیان و شعبانی، ۱۳۹۴). امروزه اصطلاح شهر خلاق یکی از گفتمان‌های سیاسی تعیین‌کننده چرخش فرهنگی در توسعه شهری محسوب می‌شود. همان‌طور که راشو^۱ (۲۰۱۳) به‌طور دقیق توضیح می‌دهد، این مفهوم اکنون معمولاً به‌عنوان «اصطلاح کوتاهی در گفتمان سیاست برای ایده‌های معاصر درباره فرهنگ و شهر و در گفتمان انتقادی‌تر برای مشکلات توسعه فرهنگی شهری» استفاده می‌شود (Ratiu, 2013). امروزه شهر خلاق اساساً به‌عنوان مکانی برای جاذبه و نمایش تعریف می‌شود که در آن منابع فرهنگی و خلاق عمدتاً «مولد ثروت» تلقی می‌شوند (Redaelli, 2011). بر این اساس، ایده شهر خلاق برای جذب سرمایه‌گذاران، مشاغل، کارگران ماهر و بازدیدکنندگان و تقویت وجهه شهر در مقیاس‌های مختلف توسعه می‌یابد (Karvelyte, 2017). در اوایل دهه ۲۰۰۰، دیدگاه جدیدی از تفکر چارلز لندری^۲ و ریچارد فلوریدا^۳ پدیدار شد که نشان می‌دهد استفاده از خلاقیت و استعداد شهروندان، صاحبان مشاغل، مقامات شهری و همه کسانی که نقشی در ایجاد فضاهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرها دارند به‌عنوان افرادی که هم شکل‌دهنده و هم استفاده‌کننده شهر هستند، می‌تواند راهکار ارزشمندی برای تغییر وضعیت فعلی شهرهای امروزی گردد (سرور و خدایی، ۱۳۹۵).

نقش مؤثری که ایده شهر خلاق، به‌خصوص با تأکید بر پیشران‌های فرهنگی و صنایع خلاق به‌عنوان محرک و تقویت‌کننده عملکرد اقتصادی محلی می‌تواند ایفا کند (European Commission, 2010)، موجب شده است که جوامع بیش‌ازپیش دنباله‌رو دیدگاه‌های بدیعی در این حوزه باشند (UNCTAD, 2008). این امر در مناطق دارای ارزش تاریخی، با قدرت و توجه بسیار بیشتری دنبال می‌شود (Cerisola & Panzera, 2021).

با توجه به آنچه بیان شد، شهرهای خلاق به‌عنوان بستری تعریف می‌شوند که دارای زیرساخت‌های مناسب و کافی برای جذب و پرورش افراد خلاق و بااستعداد هستند. آن‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مکان‌های موجود و سرمایه‌های انسانی در جهت ارتقای کیفیت زندگی به‌عنوان اصلی که در رویکرد شهر خلاق به‌طور ویژه بر آن تأکید می‌شود، گام برمی‌دارند؛ لذا ضرورت پرداختن به آن، به‌ویژه در سطوح خرد محلی، همواره احساس می‌شود (Faggian et al, 2017). از این‌رو در این نوشتار پس از بررسی شاخص‌های شهر خلاق در ابعاد گوناگون، راهبردهایی جهت تقویت عوامل تأثیرگذار بر ایجاد خلاقیت در محلات شهری ارائه شده است تا از این طریق زمینه ارتقای کیفیت زندگی در محلات شهری فراهم آید. به این منظور محله سنگ سیاه که یکی از محلات تاریخی شهر شیراز است به‌عنوان مورد پژوهی انتخاب شده است. محله‌ای تاریخی که در گذشته به علت وجود هویت‌های معماری گوناگون درون فضاها، اهمیت دسترسی و حمل‌ونقل، وجود نشانه‌های شهری گوناگون و به‌طور کلی وجود ارزش‌های متعدد تاریخی، مذهبی، اجتماعی و... بوده است، اما هم‌اکنون به دلایل متعددی از جمله بافت ارگانیک شبکه معابر، فرسودگی واحدهای موجود، کمبود و نارسایی فضاهای آموزشی، ورزشی، بهداشتی و فضای سبز، توجه نکردن به اماکن با ارزش تاریخی و فرهنگی و توان بالقوه آن‌ها در جذب افراد و ضعف و نبود زیرساخت‌های مناسب و مشکلات عدیده زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روند نزولی را از نظر کیفیت زندگی طی می‌کند که مجموعه این عوامل سبب کاهش مطلوبیت و سرزندگی و در نتیجه پاسخگو نبودن به نیازهای ساکنان شده و کارایی



گذشته خود را ندارد. از همین رو، پرسش اصلی پژوهش چنین تعریف می‌شود که راهبردهای توسعه محله شهری خلاق از منظر کارکردی فضایی کدام‌اند؟ در راستای پاسخ به این پرسش، ابتدا به مرور ادبیات پژوهش، سپس به معرفی روش‌شناسی پژوهش و پس از آن تشریح بحث و یافته‌ها و در انتها به نتیجه‌گیری و ارائه راهبردها پرداخته شده است.

مبانی نظری

ریشه جنبش شهرهای خلاق را باید در تغییر اوضاع اجتماعی اقتصادی و سیاسی پس از جنگ جهانی دوم جست‌وجو کرد، وقتی که کشورهای پیشرفته صنعتی بهره‌وری را افزایش دادند، تولید سنتی را به کشورهای درحال توسعه انتقال دادند و با حمایت از خدمات، دانش، خلاقیت و نوآوری، وارد عصر فراصنعتی شدند (Kozina et al, 2021). چارلز لندری، خالق مفهوم شهر خلاق، معتقد است باید بستری برای تفکر و برنامه‌ریزی و عمل ایجاد کرد تا به حل خلاقانه مشکلات در شهر کمک کند. همان‌طور که لندری (۲۰۰۰) اشاره می‌کند، شهرهای موفق ویژگی‌های مشترکی شامل آدم‌های آگاه، سازمان‌های خلاق و فرهنگ سیاسی با اهداف سیاستی به‌وضوح مشخص دارند. او همچنین بر دو عامل اصلی استعداد و فرهنگ تأکید می‌کند که بر ظهور و رشد خلاقیت تأثیر می‌گذارند و به‌عنوان منبعی برای خلاقیت درک می‌شوند.

استعداد، همراه با گشودگی، ممکن است از طریق فراهم کردن دسترسی ساکنان به آموزش تقویت شود؛ درحالی‌که فرهنگ به‌عنوان منبع درون‌زای شهر و ارزش اساسی آن تلقی می‌شود (Landry, 2012). به بیان دیگر، مفهوم شهر خلاق بر این باور است که صنایع خلاق به‌عنوان یک ویژگی عمومی زندگی اجتماعی، فرصت‌هایی برای ایجاد کسب‌وکار و شغل و افزایش جذابیت جوامع محلی فراهم می‌کند. به‌عنوان بخشی از این روند، هنر و فرهنگ و خلاقیت به موضوعات مهمی در برنامه‌ریزی شهری و توسعه صنعتی تبدیل شده است (Monclús & Medina, 2017; Scott, 2006; Freestone and Gibson, 2006). خلاقیت امکان ترکیب موفقیت‌آمیز این ویژگی‌ها را برای ایجاد هم‌افزایی از نظر پتانسیل‌های توسعه فراهم می‌کند.

برنامه‌ریزان شهری سعی می‌کنند شهرهای خود را با نیازهایی که آینده به ارمغان می‌آورد، با استفاده از محیط ساخته‌شده و زیرساخت‌ها در کنار منابع فرهنگی، صنایع خلاق (فرهنگی) و استعدادهای در جهت دستیابی به کارایی اقتصادی هماهنگ کنند. استراتژی‌های توسعه شهرها در دو دهه گذشته اغلب از دستور کار شهر خلاق مطابق با مفاهیم ارائه‌شده توسط فلوریدا (۲۰۰۳) پیروی می‌کنند که رویکرد آن بر گرایش سرمایه‌انسانی است. فلوریدا فرض می‌کند که افراد خلاق با ترکیبی از سه عامل معروف توسعه اقتصادی و فناوری و استعداد به مکان‌های خاصی کشیده می‌شوند (Florida, 2003; Orankiewicz & Turała, 2021). از همین رو، استراتژی شهر خلاق این است که به‌جای تمرکز صرف بر توسعه جامعه، به بهره‌برداری از منابع فرهنگی برای جذب نیروی کار بسیار ماهر و انعطاف‌پذیر که شهر خلاق به آن نیاز دارد، می‌پردازد (Grodach, 2017). بر این اساس، شهرهای خلاق از طریق جذب و حفظ استعدادهای خلاق، در پیشبرد توسعه اقتصادی نقش اساسی دارند که به‌نوبه خود باعث نوآوری و رشد در شهر می‌شود.

لندری شهر خلاق را مکانی تعریف می‌کند که در آن فرهنگ و ارزش‌ها پایه و اساس ظهور و رشد خلاقیت را تشکیل می‌دهند و انگیزه‌ای برای توسعه ایجاد می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، شهرهای خلاق، همان‌طور که مفهوم‌سازی شده است، مناطق شهری هستند که دسته‌ای از افراد خلاق از جمله هنرمندان، طراحان، کارآفرینان و متخصصان صنایع را جذب و حفظ می‌کنند. مفهوم شهرهای خلاق بر اهمیت خلاقیت و نوآوری در توسعه شهری تأکید می‌کند و ارتباط نزدیکی با ظهور طبقه خلاق دارد که شامل افرادی است که از طریق کار خلاقانه و مبتنی بر دانش به رشد اقتصادی کمک می‌کنند (Prayudi et al, 2017; Faggian et al, 2024). ایده شهر خلاق به شیوه‌های مختلف استفاده شده است که اغلب به ابزارسازی خاصی از خلاقیت در زمینه شهری مربوط می‌شود. همچنین از نظر تئوری به‌عنوان نوعی استعاره برای نشان دادن قدرت صنایع فرهنگی و خلاق در احیای فضاهای شهری استفاده می‌شود. همچنین با ایده بازآفرینی شهرها از طریق خلاقیت هم‌خوانی دارد و بسیاری از پروژه‌های شهر خلاق به برنامه‌های بازآفرینی مربوط می‌شوند که می‌توان کم‌وبیش برنامه‌ریزی کرد (Rich-ards & Hannigan, 2017; Borén & Young, 2016).

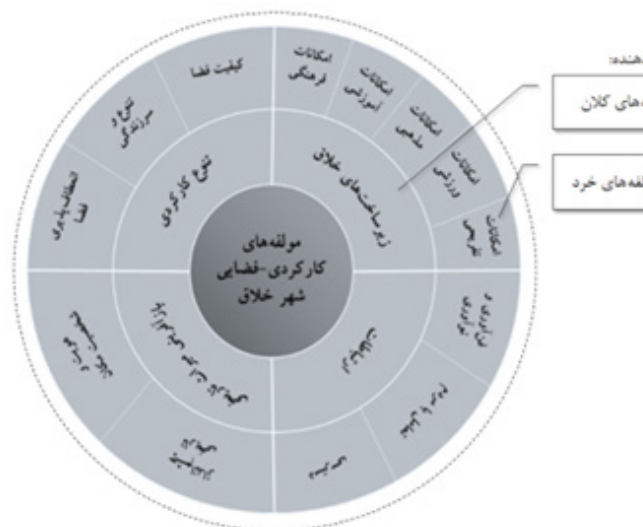
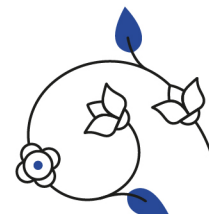
همان‌طور که اشاره شد، ایجاد محیطی خلاق برای موفقیت اقتصادی شهرها حیاتی است؛ چراکه موجب افزایش کارایی و بهره‌وری و تسهیل تعاملات فرهنگی اجتماعی می‌شود (Cerisola & Panzera, 2021; Montalto et al, 2019). با

توجه به گرایش جهانی به ایده شهر خلاق، مهم است بدانیم این ایده چگونه با رشد اقتصادی ارتباط دارد و جوامع محلی با ویژگی‌ها و موقعیت‌های مختلف، از چه طریقی باید آن را در سیاست‌های توسعه اقتصادی خود ادغام کنند (Anttiroiko, 2014). تضاد شدیدی به‌ویژه میان گفتمان طبقاتی خلاق جهانی و واقعیت‌های جوامع محلی وجود دارد (Comunian, 2011). از آنجا که اوضاع جوامع محلی متفاوت است، هریک از آن‌ها پیش‌شرط‌های خود را برای توسعه شهر خلاق دارند که در نهایت تعیین می‌کند چه جنبه‌هایی از نظریه‌ها و ابزارهای شهر خلاق به بهترین نحو برای تلاش‌های توسعه‌شان مناسب است. چنین دیدگاه ظریفی از شهر خلاق، تا حد زیادی در ادبیات فعلی درباره توسعه اقتصادی محلی نادیده گرفته شده است (Markusen et al, 2018; Anttiroiko, 2014; Redaelli, 2016).

شهروندان نیازهای کیفیت زندگی را براساس شهر، فرهنگ‌سازی، فراغت، مصرف و تسهیلات رفاهی شهری اولویت‌بندی می‌کنند که به‌طور فزاینده‌ای برای ارتقای مکان‌هایی است که شهر را به «ماشین فراغت» تبدیل می‌کند. این امر نشان‌دهنده تغییر در تفکر درباره فضای شهری است و نیز آنچه به‌عنوان توسعه یک شهر درک می‌شود (شیخ‌اعظمی و نجم، ۱۳۹۸). این موضوع بیش از هرچیز، در مناطق تاریخی که بستر میراث و اندوخته‌های فرهنگی و اجتماعی عمیقی است، می‌تواند متجلی شود. سرریزهای فرهنگی و خلاق این‌گونه مناطق فرآیندی است که طی آن فعالیت در هنر، فرهنگ و صنایع خلاق، تأثیر گسترده‌تری بر مکان‌ها، جامعه یا اقتصاد از طریق سرریز مفاهیم، ایده‌ها، مهارت‌ها و دانش دارد و به‌مثابه پیشران اصلی توسعه خلاقانه این نواحی قلمداد می‌شود (Lazzaro, 2021; Fleming Creative Consultancy, 2015).

علاوه بر این، ساکو چارچوب مفهومی سرریزهای فرهنگی را برای توسعه خلاق محلی و دسترسی افراد به کار برده است. او هشت مؤلفه پایه‌ای شامل نوآوری، رفاه فرهنگی، پایداری اجتماعی، انسجام اجتماعی، مدل‌های جدید کارآفرینی، یادگیری مادام‌العمر، قدرت نرم و هویت محلی در این راستا شناسایی می‌کند. در واقع، افراد جامعه محلی می‌توانند ظرفیت بیان خود را گسترش دهند، انتظارات و باورها را مرور کنند و هویت اجتماعی‌شان را تغییر دهند. نشاط فرهنگی را می‌توان به‌عنوان شاهدهی بر ایجاد، اشاعه، اعتبار بخشیدن و حمایت از هنر و فرهنگ ریشه‌دار محلی به‌عنوان بعدی از زندگی روزمره در جوامع در نظر گرفت (Jackson et al, 2021; Bowitz et al, 2009) که از طریق حضور و جذابیت مکان‌ها و امکانات فرهنگی محلات تاریخی شفاف‌تر بیان می‌شود (Montalto et al, 2019). نمونه‌های ناب این ایده را می‌توان در پروژه‌های گردشگری فرهنگی مشاهده کرد که در چند دهه اخیر، بسیار بیش از گذشته، در محدوده‌های شهری با قدمت بر تأکید روی چشم‌اندازهای تاریخی، مورد توجه مدیران شهری، برنامه‌ریزان، تسهیلگران و دیگر تصمیم‌گیران قرار گرفته‌اند (Light et al, 2020; Petit & Seetaram, 2018).

ادبیات شهرهای خلاق توجه را به تنوع در همه ابعاد به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی در شکل دادن به تحولات خلاق جلب می‌کند. تریپ و رومین^۴ (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که تنوع فرهنگی و اجتماعی هر دو ضروری است. دسترسی نیز به‌عنوان عامل مهم در نظر گرفته می‌شود و همچنین انواع مختلفی از امکانات رفاهی مربوط به استراحت و تفریح، مانند وجود رستوران‌ها، جشنواره‌ها، رویدادهای موقت و سایر فعالیت‌هایی که امکان تعامل را ایجاد می‌کند، به‌عنوان یک محیط جذاب در نظر گرفته می‌شود (Trip & Romein, 2010). عواملی که ثابت می‌کند فضای شهری مطابق با اصول نواحی خلاقانه طراحی شده است، شامل تنوع در مقیاس‌ها و کاربری‌ها، ساختمان‌هایی از ادوار مختلف، زندگی پر جنب‌وجوش خیابانی، فضاهای مناسب برای عابران پیاده و تأمین انواع مختلف خدمات است. مسائل اجتماعی، مدارا و پیشنهاد مسکن در دسترس نیز از ویژگی‌های مهم هستند (Pię, 2024). براساس مطالب ذکر شده و با تکیه بر مطالعات تجربی پیشین و جست‌وجو در منابع معتبر داخلی و خارجی و نظریه‌پردازان شهر خلاق و در نهایت اندیشه‌های پژوهشگران، زیرمؤلفه‌ها و مؤلفه‌های بعد کارکردی فضایی شهر خلاق استخراج گردیده است (تصویر ۱).



تصویر ۱: مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های بعد کارکردی فضایی شهر خلاق، نگارندگان

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی در ارتباط با شهرهای خلاق صورت گرفته است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. در پژوهش «تیین چارچوب توسعه هسته‌های تاریخی شهری با رویکرد شهر خلاق، نمونه موردی: هسته تاریخی شهر همدان»، ملامیرزایی و سجاذزاده (۱۴۰۱) نشان دادند که شاخص‌هایی چون توجه به نقش مشارکت کنشگران اجتماعی در هسته تاریخی شهر، توسعه مراکز خدماتی نوین و دانش‌بنیان، بازآفرینی خاطرات و هویت کالبدی و تاریخی و حمایت از کارآفرینان شهری، از تأثیرگذارترین اولویت‌های تحقق رویکرد شهر خلاق در بافت تاریخی همدان هستند. علی‌پور و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش «تحلیل کارایی محلات شهری بوشهر از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق» با استفاده از پتانسیل‌های شهر بوشهر راهکارهایی مانند توسعه مکان‌هایی برای جذب نخبگان، صیانت از قشر خلاق، تنوع اجتماعی در جامعه، سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های فناوری را به کار گرفتند. عربیون و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مبانی و راهبردهای شهر خلاق در یک نگاه» به بررسی نظریه شهر خلاق از دیدگاه اندیشمندان مختلف حوزه شهری و سپس به استخراج ویژگی‌ها و شرایطی پرداختند که بتوان به‌واسطه حضور آن‌ها زمینه لازم را برای ایجاد شهر خلاق فراهم نمود و در نهایت استراتژی‌های به‌کارگیری در شهر خلاق را بیان کردند.

سرور و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل کارایی محلات شهری از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق، مطالعه موردی: شهر بناب» به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد محلات خلاق، نیازمند مشارکت و مسئولیت متقابل شهروندان و مسئولان است و نیاز به افراد خلاق در سطح محلات برای یاری رساندن به مدیران شهری به‌شدت احساس می‌شود.

در تحقیقی دیگر با عنوان «رتبه‌بندی محلات شهر سردشت از نظر حرکت به‌سوی خلاقیت با تأکید بر تحقق شهر خلاق با استفاده از تأسیس موسوی (۱۳۹۳) اشاره کرد راهکارهایی از جمله تشکیل انجمن‌های نخبگان و اتاق فکر نخبگان مدیریت شهری، توزیع مناسب خدمات و امکانات علمی و فنی، اختصاص فضا به اقدار خلاق جامعه و ارائه اینترنت به شهروندان، در توسعه محله خلاق بسیار تأثیرگذار است. صادقی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «چگونگی شکل‌گیری شهر خلاق با بررسی تأثیر محیط بر انسان، نمونه موردی: بوستان حضرت ابراهیم شهر تهران»، ابتدا به بررسی فضاهای عمومی و خصوصیات انسان می‌پردازد و سپس فضاهای شهری مطلوب را برای سوق دادن ذهن انسان به فعالیت و پرورش شهروندان خلاق نشان می‌دهد. در این راستا مؤلفه‌های فضای عمومی که در شکل‌گیری خلاقیت توسط انسان عادی مؤثرند، بیان می‌شود. در نهایت نتایج پژوهش بیانگر این نکته است که هر انسان عادی می‌تواند در شکل‌گیری شهر خلاق مؤثر باشد.

ساساکی^۵ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «بازآفرینی شهری از طریق خلاقیت فرهنگی و شمول اجتماعی: بازاندیشی نظریه شهر خلاق از طریق مطالعه موردی: ژاپن» نشان داد که تأثیر نظریه فلوریدا به این برداشت نادرست رایج منجر شده است که شهرها با جمع شدن افراد طبقه خلاق پیشرفت می‌کنند. حال آنکه، جذب افراد طبقه خلاق به‌طور خودکار یک شهر خلاق را نمی‌سازد. تحلیل‌های تجربی شهر کانازاوا روشن می‌کند که شهر خلاق به «نظام تولید مبتنی بر فرهنگ» نیاز دارد. نظامی

متعادل از تولید فرهنگی و مصرف فرهنگی که از سرمایه‌های فرهنگی انباشته بهره می‌برد (Sasaki, 2010). هنی^۶ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش «حفظ میراث فرهنگی از طریق صنعت خلاق» به این مهم دست یافتند که پنج عامل آموزش و آموزش هنر، همکاری با دولت برای به رسمیت شناختن و ارتقای بین‌المللی، همکاری با مؤسسه آموزشی، گسترش استراتژی بازاریابی و مشارکت جامعه محلی در فرایند تولید، از عوامل کلیدی توسعه شهر خلاق از طریق صنایع خلاق است (Hani et al, 2012). تریاپ و رومین (۲۰۱۰) در مقاله خود با عنوان «سیاست شهر خلاق: پر کردن شکاف با نظریه» با پرداختن به این سؤال که چگونه بینش مفهومی شهر خلاق را می‌توان به یک رویکرد عملیاتی دقیق برای سیاست محلی تبدیل کرد، دریافتند توسعه شهر خلاق نیازمند اقدام جمعی دولت، کارآفرینان خلاق و مؤسسات دانشی است که اغلب به‌عنوان ماریپیچ سه‌گانه شناخته می‌شوند (Trip & Romein, 2010). گرتلر^۷ (۲۰۰۴) در کتابی با عنوان «شهرهای خلاق: برای چه هستند، چگونه کار می‌کنند و چگونه آن‌ها را می‌سازیم؟» بیان می‌کند درحالی‌که اقدامات محلی، چه دولتی و چه خصوصی، نیروی اولیه برای ایجاد شهرهای خلاق‌اند، بدون تردید سیاست‌ها و تصمیم‌های نظارتی اتخاذشده توسط سطوح ارشد دولت به همان اندازه حیاتی هستند (Gertler, 2004). فلوریدا (۲۰۰۳) در کتابی با عنوان «شهرها و طبقه خلاق» به بیان و معرفی طبقه خلاق و شاخص‌های خلاقیت می‌پردازد که تحت عنوان تکنولوژی و تحمل و استعداد است (Florida, 2003). آنترویکو (۲۰۱۴) در پژوهش خود با مروری بر فرصت‌های دولت‌های محلی برای استفاده از تفکر خلاق شهری در سیاست توسعه محلی، چگونگی ارتباط رویکردهای شهر خلاق با عدم تقارن ساختاری شهری را بررسی می‌کند، اینکه چگونه عوامل ساختاری تلاش‌های دولت‌های محلی را برای ترجمه نظریه‌های شهر خلاق به سیاست‌های توسعه شهری مشروط می‌کنند. در بخش تجربی نیز سه رویکرد رشد‌محور از این‌انواع ایدئال، جامعه، تجارت و سیاست‌های شهر خلاق نهادگرا با ارائه سه مورد از جوامع خلاق فنلاند بحث می‌شوند (Anttiroiko, 2014).

ذکر این نکته لازم است که هرچند پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه شهرهای خلاق، به بررسی و ارزیابی شاخص‌های شهر خلاق در جهت ارتقای کیفیت شهر و محلات شهری پرداخته‌اند، تمرکز بر ارائه راهبردهای خلاقانه در بافت‌های شهری به‌منظور بهبود کیفیت زندگی در محله واجد ارزش تاریخی از طریق مدل سوات و ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی، جنبه نوآوری پژوهش حاضر است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به‌منظور ارائه و اولویت‌بندی راهبردهای مؤثر در ایجاد خلاقیت در محلات شهری در راستای بهبود و ارتقای سطح کیفیت زندگی، از روش‌های تحقیق توصیفی تحلیلی و موردی و شیوه‌های تحقیق پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده استفاده کرده است. نمونه این تحقیق شامل ساکنان محله سنگ سیاه است که براساس طرح مطالعاتی محله‌بندی شهر شیراز ۶۳۵۵ نفر بوده و متخصصان و برنامه‌ریزان شهری که با وضعیت موجود محله مورد مطالعه کاملاً آشنا بودند، انتخاب شده‌اند. در گروه شهروندان با بهره‌گیری از فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۶۳ نفر به‌صورت تصادفی ساده و در گروه کارشناسان ۳۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

در این پژوهش، تحلیل یکپارچه وضعیت شاخص‌های شهر خلاق در محله سنگ سیاه در سطوح مختلف با استفاده از مدل سوات انجام گرفته است. هدف از استفاده از این مدل، توسعه و اتخاذ استراتژی مناسب بین عوامل داخلی و خارجی، در حوزه اهداف تحقیق بوده است که شامل چهار مرحله است: ارزیابی عوامل خارجی و داخلی، تطبیق و تعیین استراتژی‌ها، تشکیل ماتریس داخلی و خارجی و اولویت‌های اجرایی و تهیه ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی. وزن‌دهی به نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در ماتریس سوات و تعیین وزن جذابیت هر راهبرد نسبت به عوامل خارجی یا داخلی شکل‌دهنده آن، با استفاده از مصاحبه با گروه نمونه از متخصصان صورت گرفته است. در ادامه روند پیشبرد پژوهش، پرسش‌نامه‌ای شامل ۴۳ سؤال تهیه شد که دربرگیرنده ۱۳ مؤلفه مطابق با معیارهای شناسایی‌شده شهر خلاق در بخش مبانی نظری پژوهش بود و پس از تأیید روایی آن با استفاده از نظرات متخصصان، پایایی سؤالات ابتدا برای کل پرسش‌نامه و سپس به‌صورت هر مؤلفه جداگانه با آلفای کرونباخ محاسبه شد. با توجه به اینکه آلفای کرونباخ شاخص‌ها بالای ۰/۷ به دست آمده است، از پایایی مناسبی برخوردارند.



بنا بر مطالعات میدانی ذکرشده، تعداد نقاط قوت، فرصت، تهدید و ضعف موجود در محله سنگ سیاه شناسایی شد و از متخصصان خواسته شد که براساس میزان اهمیت، هرکدام از عوامل داخلی یا خارجی شناسایی شده را وزن دهی کنند. پس از آن ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی درزمینه تحقق ایده شهر خلاق در محله مورد مطالعه تشکیل شد و تطبیق و تعیین استراتژی‌ها و تدوین راهبردها صورت گرفت و دسته راهبردهای دارای اولویت اجرایی بالاتر انتخاب شد. در ادامه از متخصصان خواسته شد تا وزن جذابیت هر راهبرد از مجموعه راهبردهای منتخب را نسبت به عوامل تشکیل دهنده خود، مشخص نمایند. نتایج حاصل از این اقدامات در ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی ارائه شد و براساس آن راهبردهای شناسایی شده اولویت‌بندی شدند.

محدوده مورد مطالعه

محله سنگ سیاه یکی از محلات موجود در منطقه هشت شهرداری شیراز (منطقه تاریخی فرهنگی) است که در غربی‌ترین بخش این منطقه واقع شده است و درحال حاضر، بسیاری از فعالیت‌های مختلف مرکزی و تعداد چشمگیری از بناها و مجموعه‌های باارزش تاریخی را در خود جای داده است. محدوده مورد مطالعه از شمال به خیابان لطفعلی‌خان زند، از جنوب به بلوار سیبویه، از شرق به خیابان‌های شهید دستغیب، نه دی و حضرتی و از غرب به خیابان قائنی شمالی محدود می‌شود. از مهم‌ترین بناهای شاخص موجود در محله می‌توان به آرامگاه سیبویه، بقعه بی‌بی دختران، بقعه سیدتاج‌الدین غریب، مسجد مشیر، کلیسای آرامنه و خانه فروغ‌الملک اشاره کرد. براساس طرح مطالعاتی محله‌بندی شهر شیراز، جمعیت محدوده مطالعه شده حدود ۶۳۵۵ نفر برآورد شده و مساحتی معادل ۶۸ هکتار از سطح شهر را اشغال کرده است. با توجه به مطالب بیان شده و بررسی‌های میدانی صورت گرفته در محله سنگ سیاه، می‌توان چنین بیان کرد که این محله با مسائل و مشکلاتی ازجمله تخریب برخی بناها و فرسودگی کالبد بافت، اوضاع نامناسب اقتصادی و پایین بودن سطح درآمد، ضعف زیرساخت‌ها و کمبود خدمات شهری، نبود استحکام بناها، کاربری‌های نازل اجتماعی، نبود ایمنی و امنیت و... دست‌وپنجه نرم می‌کند که تمام عوامل یادشده سبب کاهش زیست‌پذیری و سرزندگی و سرانجام افول کیفیت زندگی در این محله شده است.

جدول ۱: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی تحلیل محله سنگ سیاه، نگارندگان

ماتریس SWOT			
امتیاز وزنی	رتبه	وزن	
نقاط قوت (S)			
۰/۱۳۸۷۵	۳/۷۵	۰/۰۳۷	۱S: وجود عناصر ارزشمند تاریخی
۰/۱۰۹۱	۳/۴۱	۰/۰۳۲	۲S: وجود کاربری‌های تجاری و بازار به منظور برطرف کردن نیازهای روزانه ساکنان
۰/۰۸۳۷	۲/۷۰	۰/۰۳۱	۳S: ارگانیک بودن بافت محله
۰/۰۹۳۶	۳/۱۲	۰/۰۳۰	۴S: نفوذپذیری مطلوب پیاده به بافت
۰/۱۱۵۲	۳/۶۰	۰/۰۳۲	۵S: تردد گردشگران در بافت
۰/۱۰۰۵	۳/۳۵	۰/۰۳۰	۶S: وجود تنوع عملکردی در بافت
۰/۰۹۲۸	۳/۲۰	۰/۰۲۹	۷S: وجود کاربری‌های فرهنگی مانند فرهنگسرای سیبویه
۰/۰۷۴۸۸	۳/۱۲	۰/۰۲۴	۸S: وجود کاربری‌های مذهبی به‌عنوان نشانه در محله
۰/۰۸۹۶	۳/۲۰	۰/۰۲۸	۹S: وجود پوشش گیاهی در برخی از فضاهای عمومی محله
نقاط ضعف (W)			
۰/۰۹۰۱۶	۳/۲۲	۰/۰۲۸	۱W: قدمت زیاد و فرسودگی کالبدی اکثریت بناهای محله
۰/۰۵۸۱۷	۲/۷۷	۰/۰۲۱	۲W: ریزدانی اکثر پلاک‌های سایت مورد مطالعه
۰/۰۵۵۶	۲/۷۸	۰/۰۲۰	۳W: کیفیت نامطلوب ساخت‌وسازها در محله
۰/۱۰۴	۳/۲۵	۰/۰۳۲	۴W: کم‌توجهی به خانه‌های تاریخی و رهاسازی و در نهایت فرسایش و تخریب آن‌ها

ادامه جدول ۱: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی تحلیل محله سنگ سیاه، نگارندگان

۰/۰۶۵۷۲	۲/۱۲	۰/۰۳۱	۵W: کم توجهی به بناهای شاخص و نقاط استراتژیک دید در ساخت و سازهای جدید
۰/۰۵۰۴	۲/۱۰	۰/۰۲۴	۶W: آلودگی بصری ناشی از آشفته نماها
۰/۰۹۲۰۷	۲/۷۹	۰/۰۳۳	۷W: نبود تناسب برخی از مصالح مصرفی با شرایط بافت تاریخی
۰/۰۷۳۹۵	۲/۵۵	۰/۰۲۹	۸W: تعداد بالای زمین بایر و تشدید ناامنی
۰/۰۷۹۲	۲/۴۰	۰/۰۳۲	۹W: نفوذناپذیری بافت برای خدمت‌رسانی
۰/۰۵۱۶	۲/۱۵	۰/۰۲۴	۱۰W: استفاده از کوچه‌های باریک محلی به‌عنوان محل پارک خودروها و ایجاد اغتشاشات بصری در محله
۰/۰۵۲۲۱	۲/۲۷	۰/۰۲۳	۱۱W: کف‌سازی نکردن مناسب در کوچه‌ها
۰/۰۵۷	۲/۲۸	۰/۰۲۵	۱۲W: تفکیک نکردن مسیر پیاده از سواره در معبرهای محلی
۰/۰۵۶۲۵	۲/۲۵	۰/۰۲۵	۱۳W: عرض کم معابر محلی
۰/۰۱۰۷۳	۲/۹۰	۰/۰۳۷	۱۴W: نبود درهم‌تنیدگی اجتماعی (ارتباط اجتماعی ضعیف میان ساکنان)
۰/۱۱۰۹۶	۲/۹۲	۰/۰۳۸	۱۵W: نبود حس تعلق به محله در مهاجرانی که به شکل گروهی و مجردی در خانه‌های تاریخی ساکن‌اند.
۰/۰۷۲۹	۲/۷۰	۰/۰۲۴	۱۶W: وضعیت نامطلوب بهداشت معابر، آبراهه و جوی‌های محله
۰/۰۹۱۸۴	۲/۸۷	۰/۰۳۲	۱۷W: حضور معتادان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر در محله (رفتارهای محل امنیت)
۰/۰۵۷۸۹	۲/۲۳	۰/۰۲۶	۱۸W: نبود میلمان شهری مناسب
۰/۰۷۲۷۵	۲/۹۱	۰/۰۲۵	۱۹W: کمبود فضاهای نشستن و تعاملات اجتماعی مناسب در محله
۰/۰۷۸۰۳	۲/۸۹	۰/۰۲۷	۲۰W: نبود پیوستگی و توالی نشانه‌ها در محله
۰/۰۹۵۰۴	۲/۸۸	۰/۰۳۳	۲۱W: خروج ساکنان بومی از محله به دلیل از بین رفتن حس تعلق
۰/۰۷۹۴۶	۲/۷۴	۰/۰۲۹	۲۲W: ازدحام سواره مربوط به حمل و نقل بازارچه میوه در دروازه کازرون
۰/۰۸۲۱۵	۲/۶۵	۰/۰۳۰	۲۳W: کیفیت نامطلوب روشنایی معابر و کاهش امنیت اجتماعی
۰/۰۷۰۴۶	۲/۷۱	۰/۰۲۵	۲۴W: تردد و تجمع موتورسیکلت‌ها در پیاده‌روها
۰/۰۷۴۸	۲/۸۰	۰/۰۲۷	۲۵W: توجه نکردن به گروه‌های آسیب‌پذیر (معلولان و نابینایان) در طراحی مسیرها
۰/۰۷۸۶۸	۲/۸۱	۰/۰۲۷	۲۶W: وجود موانع فیزیکی و نبود محل عبور معلولان و نابینایان
۲/۸۶۰۴۳	-	۱	مجموع امتیازات

جدول ۲: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی تحلیل محله سنگ سیاه، نگارندگان

ماتریس SWOT			
امتیاز وزنی	رتبه	وزن	نقاط فرصت (O)
۰/۱۳۱۲۵	۳/۷۵	۰/۰۳۵	۱O: امکان تغییر کاربری بناهای قدیمی به کاربری‌های شبانه مانند اقامتگاه بومگردی، رستوران، کافه و ...
۰/۱۰۵	۳/۵۰	۰/۰۳۱	۲O: وجود زمینه لازم برای ناماسازی مناسب با بافت تاریخی به دلیل نیاز ساختمان‌ها به مرمت
۰/۰۶۷	۳/۳۵	۰/۰۲۰	۳O: امکان ایجاد پارکینگ با تبدیل زمین‌های بایر به پارکینگ‌ها و فضاهای چندمنظوره
۰/۰۶۵۵۲	۳/۱۲	۰/۰۲۱	۴O: امکان بهبود وضعیت دفع آب‌های سطحی
۰/۱۰۴۴	۳/۶۰	۰/۰۲۹	۵O: امکان ایجاد پارک و فضای سبز باز عمومی در زمین‌های بایر



ادامه جدول ۲: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی تحلیل محله سنگ سیاه، نگارندگان

۰/۰۹۰۱۶	۳/۲۲	۰/۰۲۸	۶O: امکان نظارت بر پاکیزگی معابر و جوی‌ها و مدیریت پسماند و بازیافت زباله‌ها
۰/۰۸۶۴	۳/۲۰	۰/۰۲۷	۷O: امکان کاشت درختان و پوشش گیاهی متناسب با اقلیم
۰/۰۶۸۲	۳/۱۰	۰/۰۲۲	۸O: امکان تقویت فضای همگانی در مساجد
۰/۰۸۶۵۸	۳/۳۳	۰/۰۲۶	۹O: امکان حفظ هویت بصری از طریق رعایت تعداد طبقات هماهنگ در جداره
۰/۰۹۹۹	۳/۷۰	۰/۰۲۸	۱۰O: امکان افزایش خوانایی با تقویت توالی نشانه‌ها و تقویت مسیریابی با استفاده از کاربری‌های مذهبی
۰/۱۱۳۱۵	۳/۶۵	۰/۰۳۱	۱۱O: امکان زنده‌سازی سوابق ذهنی در بافت قدیم محله و افزایش حس تعلق و خوانایی بافت در تصاویر ذهنی اهالی
۰/۰۸۱۶۵	۳/۵۵	۰/۰۲۳	۱۲O: امکان بازسازی بناها طبق مصالح و تکنولوژی هماهنگ با محله و مطابق اقلیم
۰/۰۷	۳/۵۰	۰/۰۲۰	۱۳O: امکان افزایش نفوذپذیری محله به‌واسطه ارگانیک بودن
۰/۰۷۷۲۸	۳/۲۲	۰/۰۲۴	۱۴O: امکان ایجاد مسیر مخصوص نابینایان در پیاده‌روها
۰/۰۸۵	۳/۴۰	۰/۰۲۵	۱۵O: امکان افزایش حضورپذیری افراد در محله به‌دلیل وجود امنیت
۰/۰۹۵۸۵	۳/۵۵	۰/۰۲۷	۱۶O: امکان جانمایی مطلوب کاربری‌ها در محله و افزایش سطح فضای سبز در محله و ایجاد آسایش اقلیمی
۰/۰۹۶۱۲	۳/۵۶	۰/۰۲۷	۱۷O: امکان سایه‌اندازی و پاکیزگی هوا با کاشت درختان و امکان استفاده از پوشش گیاهی برای کاهش آلودگی‌ها به‌منظور افزایش حضورپذیری
نقاط تهدید (T)			
۰/۰۸۳۷۲	۳/۲۲	۰/۰۲۶	۱T: امکان کاهش حضورپذیری و تعاملات اجتماعی در محله به‌دلیل نبود فضای نشستن و تعاملات اجتماعی و کمبود فضای سبز
۰/۰۵۲۶۳	۲/۷۷	۰/۰۱۹	۲T: امکان کاهش خوانایی و نفوذپذیری به‌واسطه نبود پیوستگی و توالی نشانه‌ها
۰/۰۶۹۵	۲/۷۸	۰/۰۲۵	۳T: پایین آمدن تعلق خاطر ساکنان و افزایش مهاجرت از محله به‌دلیل فرسودگی بافت و کمبود امنیت
۰/۰۹۷۵	۳/۲۵	۰/۰۳۰	۴T: امکان ایجاد فرسودگی بافت اجتماعی
۰/۰۶۱۴۸	۲/۱۲	۰/۰۲۹	۵T: امکان کاهش حضورپذیری افراد به‌واسطه نبود مبلمان شهری مناسب
۰/۰۵۴۸	۲/۱۰	۰/۰۲۶	۶T: امکان کاهش امنیت محله به‌خصوص برای حضور بانوان و کودکان در ساعاتی از شبانه روز به‌دلیل نبود روشنایی مناسب
۰/۰۶۴۱۷	۲/۷۹	۰/۰۲۳	۷T: امکان کاهش حضورپذیری افراد به‌دلیل اغتشاشات موجود
۰/۰۶۸۸۵	۲/۵۵	۰/۰۲۷	۸T: امکان تأثیر منفی فرسودگی بر مشارکت مردم و احتمال متروکه‌شدن بخش‌هایی از بافت
۰/۰۶۹۶	۲/۴۰	۰/۰۲۹	۹T: امکان افزایش جرم‌خیزی و کاهش تمایل افراد به سکونت در محله به‌دلیل وجود تعداد زیاد زمین بایر
۰/۰۴۵۱۵	۲/۱۵	۰/۰۲۱	۱۰T: نبود امکان دسترسی مناسب اورژانس به درون بافت
۰/۰۴۵۴	۲/۲۷	۰/۰۲۰	۱۱T: امکان افزایش ترافیک به‌دلیل نبود پارکینگ و پارک نامناسب خودروها
۰/۰۵۰۱۶	۲/۲۸	۰/۰۲۲	۱۲T: امکان افزایش جرم‌خیزی به‌دلیل نبود دید ناظر به فضا در برخی از پلاک‌های ریزدانه
۰/۰۴۹۵	۲/۲۵	۰/۰۲۲	۱۳T: امکان کاهش ایمنی به‌واسطه نبود کف‌سازی مناسب در کوچه‌ها
۰/۰۸۱۲	۲/۹۰	۰/۰۲۸	۱۴T: امکان کاهش تمایل افراد به سکونت در محله به‌دلیل کیفیت نامطلوب ساخت‌وساز



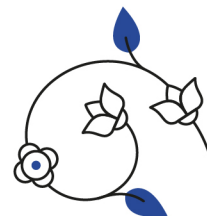
۰/۰۸۴۶۸	۰/۹۲	۰/۰۲۹	۱۵T: امکان کاهش ایمنی و تمایل دوچرخه‌سواران به دلیل نبود مسیر دوچرخه
۰/۰۶۲۱	۲/۷۰	۰/۰۲۳	۱۶T: امکان افزایش ترافیک و هرج و مرج به دلیل نبود پارکینگ کافی
۰/۰۷۷۴۹	۲/۸۷	۰/۰۲۷	۱۷T: امکان کاهش ایمنی پیاده‌روها به دلیل تردد موتور سیکلت در پیاده‌روها
۰/۰۵۷۹۸	۲/۲۳	۰/۰۲۶	۱۸T: امکان کاهش حضور گروه‌های آسیب‌پذیر به دلیل طراحی نامناسب و بی‌توجهی به این گروه
۰/۰۷۵۶۶	۲/۹۱	۰/۰۲۶	۱۹T: امکان کاهش ایمنی و حضورپذیری معلولان و نابینایان
۰/۰۷۲۲۵	۲/۸۹	۰/۰۲۵	۲۰T: امکان کاهش ایمنی در محله به واسطه اختلاط سواره و پیاده
۰/۰۷۳۹۸	۲/۷۴	۰/۰۲۷	۲۱T: امکان افزایش آلودگی ناشی از موجودات موذی و بیماری‌های واگیردار
۰/۰۶۸۹	۲/۶۵	۰/۰۲۶	۲۲T: امکان افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدناپذیر به دلیل طراحی نامناسب ابنیه
۲/۹۸۹۹۶	-	۱	مجموع امتیازات

مرحله دوم: تطبیق و تعیین استراتژی‌ها

در این مرحله استراتژی‌هایی تدوین می‌شود که از نقاط قوت بهره می‌گیرد، نقاط ضعف را از پیش رو برمی‌دارد، از فرصت‌ها استفاده می‌کند و با تهدیدها مواجه می‌شود. در این مرحله راهبردها در چهار گروه بر طبق جدول ۳ تدوین می‌شود.

جدول ۳: راهبردهای تحقق ایده شهر خلاق در محله سنگ سیاه شیراز، نگارندگان

فرصت‌ها	تهدیدها	S WOT
<p>راهبردهای تهاجمی - رقابتی SO</p> <p>SO11: تقویت عناصر ارزشمند در جهت افزایش خوانایی و حس تعلق ساکنان</p> <p>SO13: بهره‌گیری از ارگانیک بودن بافت در جهت افزایش نفوذپذیری</p> <p>SO2: بسترسازی برای مرمت بناهای تاریخی و بافت ارزشمند در جهت افزایش جذب گردشگردان</p> <p>SO8: تقویت قرارگاه‌های رفتاری و فضای همگانی با بهره‌گیری از مساجد در محله سنگ سیاه</p> <p>SO10: افزایش خوانایی با تقویت توالی نشانه‌ها و تقویت مسیریابی با استفاده از کاربری‌های مذهبی در محله</p> <p>SO11: زنده‌سازی سوابق ذهنی در بافت قدیم محله و افزایش حس تعلق و خوانایی بافت در تصاویر ذهنی اهالی محله با استفاده از عناصر قدیمی و واجد ارزش بافت</p>	<p>راهبردهای تنوع ST</p> <p>ST1: تقویت فضاهای سبز محلی در جهت افزایش حضورپذیری افراد و تقویت تعاملات اجتماعی میان ساکنان</p> <p>ST2: تقویت نشانه‌های موجود در جهت تأمین خوانایی</p> <p>ST4: تأمین ایمنی و امنیت در محدوده</p> <p>ST6: تلاش در جهت فرهنگ‌سازی در پذیرش گردشگری و تأمین امنیت اجتماعی در راستای جلوگیری از بروز تخلفات بالادست تخلفات اجتماعی</p> <p>ST9: در نظر گرفتن تمهیدات لازم در بافت جهت فراهم نمودن آسایش معلولان و نابینایان</p>	<p>نقاط قوت</p>
<p>راهبردهای بازنگری WO</p> <p>WO1: تغییر کاربری بناهای قدیمی به کاربری‌های شبانه مانند رستوران و کافه</p> <p>WO2: ایجاد و ترمیم نمای ساختمان‌ها متناسب با بافت تاریخی محله</p> <p>WO12: افزایش جذابیت و رضایت‌مندی محیطی و جذابیت و نفوذپذیری بدنه شهری در تمام اوقات شبانه‌روز</p> <p>WO4: بهبود سیستم جمع‌آوری آب‌های سطحی</p> <p>WO5: استفاده از زمین‌های بایر موجود در جهت ایجاد پارک و فضای سبز عمومی</p>	<p>راهبردهای تدافعی WT</p> <p>WT3: جلوگیری از مهاجرت ساکنان بومی و افزایش حس تعلق خاطر با انجام اقدامات لازم در جهت کاهش فرسودگی بافت</p> <p>WT5: جلوگیری از کاهش حضورپذیری افراد با فراهم نمودن مبلمان شهری مناسب</p> <p>WT6: تأمین روشنایی مطلوب در معابر و فضاهای موجود در راستای القای امنیت لازم برای حضور زنان، کودکان و سالم‌خوردگان</p> <p>WT8: سامان‌دهی کالبدی و فعالیتی در بافت در جهت ارتقای روابط اجتماعی</p> <p>WT10: ایجاد تمهیدات لازم جهت تردد خودروهای اورژانسی درون بافت</p>	<p>نقاط ضعف</p>

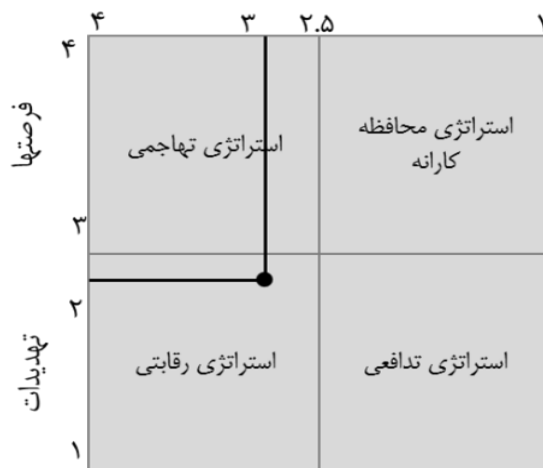


راهبردهای بازنگری WO	راهبردهای تدافعی WT	نقاط ضعف
W۸O۲: بهره‌گیری از زمین‌های بایر در جهت ایجاد پارکینگ و فضاهای چندمنظوره	W۱۱T۱۳: تأمین ایمنی افراد با فراهم نمودن تمهیدات لازم جهت ارتقای کیفیت محیط فیزیکی معابر	
W۱۶O۱۶: در نظر گرفتن تمهیدات لازم در راستای مدیریت پسماند و بازیافت زباله‌ها در جهت افزایش سلامت عمومی	W۳T۱۴: تأمین کیفیت مطلوب ساخت‌وسازهای محدوده جهت افزایش تمایل افراد به سکونت در بافت	
W۲۰O۱۰: افزایش خوانایی با تقویت توالی نشانه‌ها و تقویت مسیریابی با استفاده از کاربری‌های مذهبی در محله و امکان جهت‌یابی در شب	W۱۹T۱: در نظر گرفتن فضای نشستن و تعاملات اجتماعی در محله	
W۲۰O۱۱: زنده‌سازی سوابق ذهنی در بافت قدیم محله و افزایش حس تعلق و خوانایی بافت در تصاویر ذهنی اهالی	W۲۴T۱۷: در نظر گرفتن تمهیداتی به‌منظور کنترل حرکت موتورسیکلت‌ها	
W۲۵O۱۴: در نظر گرفتن اصول و ضوابط مربوط به طراحی معابر برای معلولان و افراد نابینا	W۲۵T۹: در نظر گرفتن ضوابط مربوط به طراحی برای افراد نابینا و معلولان	
	W۱۶T۲۱: به حداقل رساندن آلودگی‌های زیست محیطی	
	W۲۷T۲۰: طراحی معابر و پیاده‌روها مطابق با آیین‌نامه معابر شهری	

به‌طور کلی ۳۵ عامل داخلی (شامل ۹ قوت و ۲۶ ضعف) و ۳۹ عامل خارجی (شامل ۱۷ فرصت و ۲۲ تهدید) شناسایی شد. براساس نظر متخصصان، در میان نقاط قوت، وجود عناصر ارزشمند تاریخی، با امتیاز ۰/۱۳۸۷۵ و دارای بیشترین امتیاز نهایی است. آلودگی بصری ناشی از آشفتگی نماها با امتیاز نهایی ۰/۰۵۰۴ شدیدترین نقطه ضعف محسوب می‌شود. همچنین، در میان عوامل خارجی، امکان تغییر کاربری بناهای قدیمی به کاربری‌های شبانه مانند اقامتگاه بوم‌گردی، رستوران و کافه با امتیاز نهایی ۰/۱۳۱۲۵ مؤثرترین فرصت و نبود امکان دسترسی مناسب خودروهای اورژانسی به درون بافت، با امتیاز نهایی ۰/۰۴۵۱۵ قوی‌ترین نقاط تهدید به شمار می‌روند.

مرحله سوم: تشکیل ماتریس داخلی و خارجی و اولویت‌های اجرایی

با توجه به جدول‌های ۲ و ۳ و ماتریس ارائه‌شده که نشان‌دهنده موقعیت محله سنگ سیاه شهر شیراز است، مجموع امتیاز ماتریس ارزیابی عوامل داخلی محله سنگ سیاه شهر شیراز برابر ۲/۸۶۰۴۳ و عوامل خارجی برابر ۲/۹۸۹۹۶ به دست آمده است. با توجه به مجموع امتیازهای نهایی عوامل داخلی و خارجی، می‌توان گفت برای دستیابی به بهترین نتایج در جهت نیل به اهداف پژوهش استراتژی‌های رقابتی در اولویت اول هستند (تصویر ۲).



تصویر ۲: ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی SWOT محله سنگ سیاه، نگارندگان

بحث و تحلیل یافته‌های پژوهش

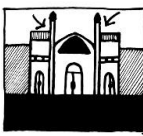


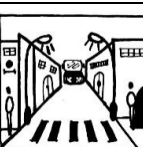

براساس تحلیل‌های انجام‌شده در جدول ۴ استراتژی‌های ایجاد محله خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی به‌ترتیب در جدول شماره ۵ آمده است. با توجه به امتیازدهی متخصصان، در میان راهبردهای ارائه‌شده، راهبرد تقویت فضاهای سبز محلی در جهت افزایش حضورپذیری افراد و تقویت تعاملات اجتماعی میان ساکنان و تقویت نشانه‌های موجود برای تأمین خوانایی در میان راهبردهای ذکرشده در اولویت بالاتری قرار دارند (جدول ۵).

جدول ۵: اولویت‌بندی استراتژی‌های محله خلاق با تأکید بر بُعد کارکردی فضایی، نگارندگان

رتبه	امتیاز	استراتژی‌های ایجاد محله خلاق با تأکید بر بُعد کارکردی فضایی
۱	۰/۲۱۶	تقویت فضاهای سبز محلی در جهت افزایش حضورپذیری افراد و تقویت تعاملات اجتماعی میان ساکنان
۲	۰/۲۰۵	تقویت نشانه‌های موجود در جهت تأمین خوانایی
۳	۰/۱۶۸	تلاش در جهت فرهنگ‌سازی در پذیرش گردشگری و تأمین امنیت اجتماعی در راستای جلوگیری از بروز تخلفات به‌ویژه تخلفات اجتماعی
۴	۰/۱۳۵	در نظر گرفتن تمهیدات لازم در بافت جهت فراهم کردن آسایش معلولان و نابینایان
۵	۰/۰۹۱	تأمین ایمنی و امنیت در محدوده

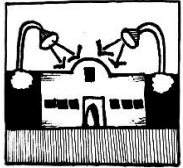
پس از بررسی و تدوین مؤلفه‌های شهر خلاق و عوامل ایجاد خلاقیت در شهرها و تأثیرگذاری آن‌ها بر ارتقای سطح کیفیت زندگی در محلات شهری، تحلیل یکپارچه محله سنگ سیاه با رویکرد چندجانبه و اولویت‌بندی راهبردهای تحقق‌یافته شهر خلاق در محله مورد مطالعه، در این بخش و در قالب جدول ۶ اهداف، راهبردها و سیاست‌های معطوف به راهبردهای تحقق‌یافته شهر خلاق در محله سنگ سیاه تبیین شده است.

جدول ۶: اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی در جهت دستیابی به محله‌ای خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی، نگارندگان

هدف کلان	هدف خرد	راهبرد	سیاست	تصویر
دستیابی به محله‌ای خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی	ارتقای سطح کیفیت بصری و منظر عینی محله	افزایش خوانایی با تقویت توالی نشانه‌ها و تقویت مسیریابی با استفاده از کاربری‌های مذهبی در محله و امکان جهت‌یابی در شب	تقویت نشانه‌های هویتی شاخص مانند آرامگاه سیدتاج‌الدین غریب، مسجد مشیر و... در سطح محله	
			ایجاد سکانس‌های فضایی متنوع در طول مسیر معابر محلی	
			طراحی ورودی‌ها برای ایجاد قرارگاه و افزایش خوانایی (ورودی پارک، ورودی فضاهای باز عمومی، ورودی حمام و...)	
			نورپردازی مناسب تقاطع‌ها و نقاط فعال خیابان‌های محله در شب	
			استفاده از نورپردازی خاص به‌منظور شناسایی ورودی‌های خیابان و هدایت در مسیر	


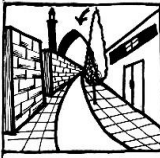

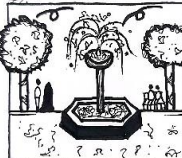
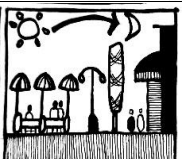


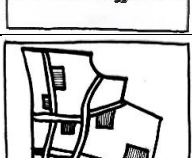


جدول ۶: اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی در جهت دستیابی به محله‌ای خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی، نگارندگان

هدف کلان	هدف خرد	راهبرد	سیاست	تصویر
دستیابی به محله‌ای خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی	ارتقای سطح کیفیت بصری و منظر جمعی محله	افزایش خوانایی با تقویت توالی نشانه‌ها و تقویت مسیریابی با استفاده از کاربری‌های مذهبی در محله و امکان جهت‌یابی در شب	تقویت نشانه‌های هویتی شاخص مانند آرامگاه سیدتاج‌الدین غریب، مسجد مشیر و... در سطح محله	
			ایجاد سکانس‌های فضایی متنوع در طول مسیر معابر محلی	
			طراحی ورودی‌ها برای ایجاد قرارگاه و افزایش خوانایی (ورودی پارک، ورودی فضاهای باز عمومی، ورودی حمام و...)	
			نورپردازی مناسب تقاطع‌ها و نقاط فعال خیابان‌های محله در شب	
			استفاده از نورپردازی خاص به منظور شناسایی ورودی‌های خیابان و هدایت در مسیر	
			طراحی کتج‌ها به منظور افزایش خوانایی و نفوذپذیری در محدوده گره‌های اصلی معابر محلی	
			حفظ و بارز نمودن نقاط ارزشمند تاریخی	
			اجتناب از هر نوع ساخت‌وساز که دید به عناصر و بناهای شاخص و تاریخی را مخدوش می‌کند.	
			حفظ و تقویت نشانه‌های ذهنی ساکنان	



ادامه جدول ۶: اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی در جهت دستیابی به محله‌ای خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی، نگارندگان

هدف کلان	هدف خرد	راهبرد	سیاست	تصویر
دستیابی به محله‌ای خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی	ارتقای حس حضورپذیری و امنیت اجتماعی در طول شبانه‌روز	افزایش جذابیت و رضایت‌مندی محیطی و جذابیت و نفوذپذیری بدنه شهری در تمام اوقات شبانه‌روز	حفظ و تقویت کاربری‌های باسابقه و ارزشمند با همان نام	
			حفظ و تقویت شاخص‌های کالبدی که یادآور خاطرات جمعی هستند.	
			استقرار کاربری‌های متنوع و فراغتی در طول مسیرهای محله به نحوی که جاذب گروه‌های مختلف جمعیتی در طول شبانه‌روز باشد.	
			به‌کارگیری فضاهای سبز عمومی همراه با آب‌نما به‌منظور تلطیف هوا	
			در نظر گرفتن عملکردهای پایا در شب به‌منظور جوابگویی به وابستگی فعالیت با توجه به حضورپذیری خیابان‌ها در طول شبانه‌روز (مانند ساندویچ‌فروشی‌ها، سوپرمارکت‌ها و...)	
			طراحی فضاهای مکث جمعی برای افزایش ارتباطات چهره به چهره و تعاملات اجتماعی	
			تأمین مطلوب خدمات شهری متناسب با توقعات افراد از فضاهای شهری (نظیر مبلمان شهری، کف‌سازی و...)	
			استقرار فعالیت‌های خدماتی و آموزشی مورد نیاز زندگی روزمره مردم در خیابان‌های محلی	
			تأمین ایمنی افراد با فراهم نمودن تمهیدات لازم به‌منظور ارتقای کیفیت محیط فیزیکی معابر	ارتقای کیفیت شبکه حرکت و دسترسی و تأمین ایمنی



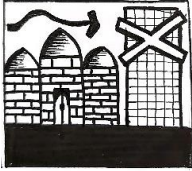


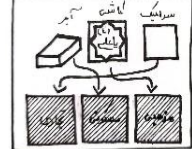
ادامه جدول ۶: اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی در جهت دستیابی به محله‌ای خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی، نگارندگان

تصویر	سیاست	راهبرد	هدف خرد	هدف کلان
	توجه به تداوم پیاده‌روها در طول مسیر			دستیابی به محله‌ای خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی
	پرهیز از اختلاف سطح‌های ناگهانی و اندک در کف به نحوی که برای عابران درک‌پذیر باشد.			
	تأمین روشنایی مناسب در مسیرهای محله در طول شب			
	کف‌سازی متناسب با حرکت عابرین پیاده در طول پیاده‌روها			
	حذف کردن موانع دید در عرصه مسیر			
	پرهیز از کف‌سازی‌هایی که لغزنده هستند.			
	پر کردن حفره‌ها و پستی‌بلندی‌ها به منظور جلوگیری از سرنگونی افراد روی صندلی چرخدار			
	جلوگیری از اختلاف پوشش‌های کف در یک مسیر کوتاه و هماهنگ کردن کف‌پوش‌ها به منظور ممانعت از خطر لغزندگی افراد	در نظر گرفتن تمهیدات لازم در بافت جهت فراهم آوردن آسایش معلولان و نابینایان		
	حذف همه موانع از قبیل نرده و پله در محل ارتباط با معابر			

ارتقای کیفیت شبکه حرکت و دسترسی و تأمین ایمنی



ادامه جدول ۶: اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی در جهت دستیابی به محله‌ای خلاق با تأکید بر بعد کارکردی فضایی، نگارندگان

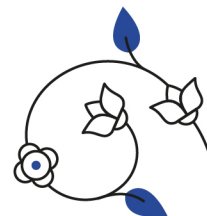
هدف کلان	هدف خرد	راهبرد	سیاست	تصویر
حفاظت تاریخی معماری از فضاها و بناها		ایجاد و ترمیم نمای ساختمان‌ها متناسب با بافت تاریخی محله	توجه به بروز تداوم تاریخی ناشی از فرایند طبیعی تغییرات در سطح محله	
			استفاده از آجر در نمای ساختمان‌ها به عنوان عنصر اصلی معماری ایرانی	
			استفاده نکردن از هرگونه تندیس یا المانی که یادآور معماری غربی باشد.	
			استفاده از مصالح بنا با توجه به کاربری	

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

شهر خلاق به عنوان مفهومی که در آن خلاقیت به عنوان یک عامل استراتژیک در توسعه شهری تلقی می‌شود، در ابتدا در پاسخ به مشکلات فزاینده شهرنشینی مطرح شده است، اما امروزه به یکی از مؤثرترین پیشران‌های توسعه شهری به‌ویژه در سطوح محلی تبدیل شده است. ایده شهر خلاق طرفدار این است که فرهنگ خلاقیت در نحوه عملکرد ذی‌نفعان شهری تعبیه شود؛ به نحوی که با تشویق و مشروعیت بخشیدن به استفاده از تخیل در حوزه‌های عمومی و خصوصی و اجتماعی، بانک ایده‌ها و راه‌حل‌های بالقوه در مواجهه با هر مسئله شهری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های در دسترس فراهم آید. در راستای نیل به این هدف، بسیج همه شهروندان، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌های دولتی و خصوصی برای انباشت ایده‌ها، استعدادها، مهارت‌ها و پتانسیل‌ها برای جریان‌سازی اجتماعی ضرورت دارد. آنچه در این پژوهش بررسی شد، ارزیابی وضعیت محله تاریخی سنگ سیاه واقع در شهر شیراز به عنوان محدوده واجد ارزش و زمینه‌ساز تحقق بسیاری از آرمان‌های ایده شهر خلاق، از منظر شاخص‌های این ایده بود. در راستای تحلیل یکپارچه از مدل سوات و ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی با پرسشگری از اهالی محله و همچنین متخصصان طراحی شهری بهره گرفته شده است. با توجه به تحلیل‌های مبسوط انجام‌شده، محله سنگ سیاه با وجود ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه بسیار، از منظر شاخص‌های توسعه محله خلاق، با تهدیدهای فراوانی روبه‌رو است که اتخاذ استراتژی مناسب در مرتفع کردن آن، می‌تواند وضعیت را به سمت مطلوبی هدایت کند. بنا بر آنچه پیش‌تر آمد، برخی ایده‌های طراحی شهری مرتبط با تحقق ایده شهر خلاق در محله سنگ سیاه به شرح زیر است:

الف) تقویت خوانایی و حفاظت از میراث تاریخی: محدوده مطالعه آثار تاریخی زیاد است و حفاظت از آن‌ها نقش بسیار مهمی در حفظ هویت محله دارد؛ بنابراین شاخص کردن نشانه‌های موجود، راهی برای تقویت خوانایی در محدوده است. همچنین نتایج حاصل از پرسش‌نامه بیانگر این است که حفظ گونه‌ها و آثار تاریخی و وجود معماری منحصر به فرد و جذاب در خلاقیت محله تأثیرگذار است.

ب) وجود تنوع عملکردی: با توجه به این موضوع که کاربری‌های بایر و بدون فعالیت در سطح محدوده دیده می‌شوند، می‌توان برای حل این معضل با مکان‌یابی کاربری‌های متنوع و مورد نیاز ساکنان و فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال، سطح درآمد و کیفیت زندگی ساکنان محله را ارتقا بخشید. تحلیل داده‌های حاصل در ارتباط با مؤلفه عملکردی بیانگر این مهم است



که فراهم کردن زیرساخت‌های شهری نظیر مبلمان‌های شهری و تنوع در آن‌ها، وجود فضاهای چندکارکردی، اختلاط کاربری و تنوع فعالیت‌ها، وجود فضاهای عمومی انعطاف‌پذیر برای برگزاری مراسم‌ها و کاربری‌های مشوق از جمله عوامل مؤثر در دستیابی به محله‌ای خلاق است.

ج) تأمین ایمنی و امنیت در محدوده: همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، یکی از معضلات اساسی در محدوده مطالعه، مسئله نبود ایمنی و امنیت است. بنا بر نتایج حاصل برای حل این معضل می‌توان با نورپردازی مناسب معابر و فضاهای موجود، جانمایی کاربری‌های فعال در شب و... در سطح محدوده زمینه، حذف مسیرهای دارای نقاط کور و مستعد بزه که برای افراد محله، به‌خصوص قشر آسیب‌پذیر تردد و انجام فعالیت‌های روزمره در طول شب و ساعات تاریکی و حتی بعضی روزها را دچار مشکل می‌کند، فراهم کرد که به دنبال آن امنیت نیز برقرار خواهد شد. همچنین، تفکیک مسیرهای سواره و پیاده و فراهم کردن تسهیلات برای تردد افراد آسیب‌پذیر و معلول از جمله عوامل مؤثر در دستیابی به محله‌ای خلاق است.

در یک جمع‌بندی کلی راهکارهای استفاده از احساس تعلق ساکنان محله برای حفاظت از محله و استفاده از پتانسیل‌های موجود در جهت تقویت نقش مشارکتی مردم در عمران و بهسازی محله، وجود نشانه‌هایی از شهر و فرهنگ منطقه جهت ایجاد تصویر ذهنی مطلوب، خلق فضاهای شهری با ظرفیت جذب و نگهداری طبقات خلاق شهری، پیش‌بینی کاربری‌های خدماتی که تضمین‌کننده تداوم حضور خلاقانه شهروندان است، ایجاد تنوع کاربری و فعالیت‌ها جهت پاسخگویی به طیف متنوعی از شهروندان، وجود جداره‌های فعال و ایجاد فضاهای فراغتی و محیطی غیررسمی برای استفاده گروه‌های سنی مختلف، ارتقای کیفیت عرصه‌های همگانی به‌عنوان مکان‌های هویت‌بخش و استفاده از هنرمندان و نمودهای هنری آنان در منظر شهری در جهت ایجاد خلاقیت در محله‌های تاریخی می‌تواند راهگشا باشد.

بیانیه‌ها

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ تضاد منافی مرتبط با این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به‌صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده‌پردازی و طراحی مطالعه: فاطمه شمس؛ گردآوری و مدیریت داده‌ها: نرگس پیراحمدیان؛ تحلیل و تفسیر داده‌ها: فاطمه شمس و نرگس پیراحمدیان؛ تصویرسازی: نرگس پیراحمدیان؛ نگارش پیش‌نویس اولیه: نرگس پیراحمدیان؛ بازبینی و اصلاح مقاله: محمدرضا پورجعفر و فاطمه شمس؛ مدیریت پروژه تحقیقاتی: محمدرضا پورجعفر و فاطمه شمس؛ اعتبار سنجی و تأیید نهایی: تمام نویسندگان نسخه نهایی مقاله را تأیید کرده‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از ساکنین محله سنگ سیاه شیراز که در تکمیل اطلاعات مورد نیاز با ایشان همکاری نمودند، تشکر می‌کنند.

پی‌نوشت

1. Ratiu
2. Charles Landry
3. Richard Florida
4. Trip & Romein
5. Sasaki
6. Hani
7. Gertler



منابع

۱. رفیعیان، م.، شعبانی، م. (۱۳۹۴). تحلیل شاخص‌های خلاقیت شهری در نظام سکونتگاهی استان مازندران، جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۵ (۱۶)، ۱۹-۳۴.
۲. سرور، ر.، و خدایی، ی. (۱۳۹۵). شهرهای خلاق رویکردی نوین به توسعه پایدار شهری. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. مؤسسه سرآمد همایش کارین.
۳. شهبان، پ.، رهگذر، ع. (۱۳۹۱). پیوند محیط خلاق با شهر، منظر، ۴ (۱۹)، ۶۷-۷۳.
۴. شیخ اعظمی، ع.، نجم، ف. (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر شهرهای خلاق و کیفیت زندگی شهری. اولین کنفرانس بین‌المللی و دومین کنفرانس ملی به‌سوی شهرسازی، معماری، عمران و هنر دانش‌بنیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
5. A Creative City Task Force (CCFT). (2008). A creative city task force report. London.
6. Anttiroiko, A. V. (2014). Creative city policy in the context of urban asymmetry. *Local Economy*, 29(8), 854–867. <https://doi.org/10.1177/0269094214542051>
7. Borén, T., & Young, C. (2016). Conceptual export and theory mobilities: Exploring the reception and development of the creative city thesis in the post-socialist urban realm. *Eurasian Geography and Economics*, 57(4–5), 588–606. <https://doi.org/10.1080/15387216.2016.1167957>
8. Bowitz, E., & Ibenholdt, K. (2009). Economic impacts of cultural heritage—Research and perspectives. *Journal of Cultural Heritage*, 10, 1–8. <https://doi.org/10.1016/j.culher.2009.03.002>
9. Cerisola, S., & Panzera, E. (2021). Cultural and creative cities and regional economic efficiency: Context conditions as catalyzers of cultural vibrancy and creative economy. *Sustainability*, 13(13), 7150. <https://doi.org/10.3390/su13137150>
10. European Commission. (2010). Green paper—Unlocking the potential of cultural and creative industries. Retrieved from <https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/1cb6f484-074b-4913-87b3-344ccf020eef/language-en> (accessed on December 8, 2018).
11. Faggian, A., Partridge, M., & Malecki, E. (2017). Creating an environment for economic growth: Human capital, creativity, or entrepreneurship? *International Journal of Urban and Regional Research*, 41, 997–1009. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12501>
12. Fleming Creative Consultancy. (2015). Cultural and creative spillovers in Europe: Report on a preliminary evidence review. Retrieved from https://www.artscouncil.org.uk/sites/default/files/Cultural_creative_spillovers_in_Europe_full_report.pdf (accessed on June 24, 2021).
13. Florida, R. (2003). Cities and the creative class. *City & Community*, 2(1), 3–19. <https://doi.org/10.1111/1540-6040.00034>
14. Freestone, R., & Gibson, C. (2016). The cultural dimension of urban planning strategies: An historical perspective. In *Culture, urbanism and planning* (pp. 21–41). Routledge.
15. Gertler, M. S. (2004). Creative cities: What are they for, how do they work, and how do we build them? (pp. 1-13). Canadian Policy Research Network, Family Network.
16. Grodach, C. (2017). Urban cultural policy and creative city making. *Cities*, 68, 82-91. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.05.013>
17. Hani, U., Azzadina, I., Sianipar, C. P. M., Setyagung, E. H. & Ishii, T. (2012). Preserving cultural heritage through creative industry: A lesson from Saung Angklung Udjo. *Procedia Economics and Finance* 193-200, 4. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(12\)00330-4](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(12)00330-4)
18. Hatuka, T., Rosen-Zvi, I., Birnhack, M., Toch, E., & Zur, H. (2018). The political premises of contemporary urban concepts: The global city, the sustainable city, the resilient city, the creative city, and the smart city. *Planning Theory & Practice*, 19(2), 160-179. <https://doi.org/10.1080/14649357.2018.1455216>
19. Jackson, M. R., Kabwasa-Green, F., & Herranz, J. (2006). Cultural vitality in communities: Interpretation and



- indicators. Culture, Creativity and Communities Program, Urban Institute. Available online at <https://www.urban.org>
20. Karvelyte, K. (2017). Making a creative city with Chinese characteristics: Perspectives from Shanghai, Hong Kong, and Taipei (Doctoral dissertation, University of Leeds). <https://etheses.whiterose.ac.uk>
 21. Kozina, J., Bole, D., & Tiran, J. (2021). Forgotten values of industrial city still alive: What can the creative city learn from its industrial counterpart? *City, Culture and Society*, 25, 100395. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2021.100395>
 22. Landry, C. (2012). *The creative city: A toolkit for urban innovators*. Routledge.
 23. Lazzaro, E. (2021). Linking the creative economy with universities' entrepreneurship: A spillover approach. *Sustainability*, 13, 1078. <https://doi.org/10.3390/su13031078>
 24. Light, D., Crețan, R., Voiculescu, S., & Jucu, I. S. (2020). Introduction: Changing tourism in the cities of post-communist Central and Eastern Europe. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 22, 465-477. <https://doi.org/10.1080/19448953.2020.1787577>
 25. Markusen, A., & Nicodemus, A. G. (2018). Creative placemaking: Reflections on a 21st-century American arts policy initiative. In *Creative placemaking* (pp. 9-27). Routledge.
 26. Monclús, J., & Medina, C. D. (2017). Urbanisme, Urbanismo, Urbaniística: Latin European Urbanism. In *The Routledge handbook of planning history* (pp. 147-160). Routledge.
 27. Montalto, V., Moura, C. J. T., Langedijk, S., & Saisana, M. (2019). Culture counts: An empirical approach to measure the cultural and creative vitality of European cities. *Cities*, 86, 167-185. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.09.011>
 28. Orankiewicz, A., & Turała, M. (2021). Exploring paths to creative city emergence: The example of three Polish cities. *Regional Science Policy & Practice*, 13(3), 659-672. <https://doi.org/10.1111/rsp3.12424>
 29. Petit, S., & Seetaram, N. (2018). Measuring the effect of revealed cultural preferences on tourism exports. *Journal of Travel Research*, 58, 1262-1273. <https://doi.org/10.1177/0047287518800387>
 30. Pięć, A. (2024). Use diversity in shaping vivid housing neighbourhoods on the example of Eindhoven. *Środowisko Mieszkańciew/Housing Environment*.
 31. Prayudi, P., Ardhanariswari, K. A., & Probosari, N. (2024). Destination branding management: The role of ministry of tourism and creative economy development in creating a creative city in Indonesia. In *2nd International Conference on Advance Research in Social and Economic Science (ICARSE 2023)* (pp. 171-181). Atlantis Press. https://doi.org/10.2991/978-94-6239-526-5_19
 32. Ratiu, D. (2013). Creative cities and/or sustainable cities: Discourse and practices. *City, Culture and Society*, 4, 125-135. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2013.04.003>
 33. Redaelli, E. (2011). Analyzing the creative city governance: Relational processes in Columbus, Ohio. *City, Culture and Society*, 2, 85-91. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2011.10.001>
 34. Redaelli, E. (2016). Creative placemaking and the NEA: Unpacking a multi-level governance. *Policy Studies*, 37(4), 387-402. <https://doi.org/10.1080/01442872.2016.1188903>
 35. Richards, G., & Hannigan, J. (2017). *The SAGE handbook of new urban studies*. Sage Publications Ltd.
 36. Sasaki, M. (2010). Urban regeneration through cultural creativity and social inclusion: Rethinking creative city theory through a Japanese case study. *Cities*, 27, S3-S9. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2010.03.002>
 37. Scott, A. J. (2006). Creative cities: Conceptual issues and policy questions. *Journal of Urban Affairs*, 28(1), 1-17. <https://doi.org/10.1111/j.0735-2166.2006.00256.x>





38. Segovia, C., & Hervé, J. (2022). The creative city approach: Origins, construction and prospects in a scenario of transition. *City, Territory and Architecture*, 9(1), 29. <https://doi.org/10.1186/s40410-022-00151-0>
39. Trip, J. J., & Romein, A. (2010). Creative city policy: Bridging the gap with theory. *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 101(4), 395-408. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9663.2010.00626.x>
40. UNCTAD. (2008). Creative economy report 2008. United Nations Conference on Trade and Development. Available online: http://unctad.org/en/docs/ditc20082cer_en.pdf
41. Vanolo, A. (2008). The image of the creative city: Some reflections on urban branding in Turin. *Cities*, 25, 370-382. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2008.08.001>
42. Whiting, S., Barnett, T., & O'Connor, J. (2022). Creative City RIP. *M/C Journal*, 25(3). <https://doi.org/10.5204/mcj.2778>



ABRIDGED PAPER

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Definition of Participative Urban Design Paradigm in The Community-led Urban Regeneration Based on Islamic Realism Philosophy – Case Study: Sara-y- Roghani in Vakil BazaarNastaran Najdaghi^{1,*}

1.Ph.D in Islamic Urbanism, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, University of Islamic Art,Tabriz, Iran.

ABSTRACT

During the evolution of the urban regeneration approach, attention to social participation has led to formation of community-led urban regeneration. Based on the views of the theorists, social participation can also create social sustainability. Since the sufficient skills and knowledge are needed to take part in decision making process with the aim of social participation in local development projects and urban spaces designing, it seems that the lack of educating and training required was due to failure social participation during urban regeneration projects. In addition, it is necessary to produce conceptual framework for educating, training and learning citizens based on creed, native culture and identity of Islamic-Iranian society. Gathering data has been done with questionnaire, interview, and field study. This study is applied research and done with descriptive and analytical methods. The results show there is a significant positive relationship between social education and sustainable urban regeneration. The training and educating will be assumed as means to achieve enabling, empowering, capacity building and institutionalization for urban projects beneficiaries. As a final conclusion, it should be said that conscious participative urban design requires education, which should be explained in the context of the Islamic worldview and the principles of education in Islam. In the case study surveying it's been realized that it necessary to define benefits of project implementation for beneficiaries to achieve their participation.

Highlights

- Based on the findings of this research, community-led urban regeneration is an impactful approach for the successful implementation of participatory urban design projects in historical contexts.
- Engaging local communities (stakeholders) and the target audience of urban space design projects depends on providing social education.
- Determining the benefits for each local actor in the community-led urban design process is one of the most important and impactful actions.
- The philosophical foundations of Islamic realism determine the principles of social education in the process of engaging public participation.
- In the urban space design project aimed at regenerating the historical Zone of Shiraz, the participation of shopkeepers and stakeholders increased after announcing the necessary incentives to create added value for properties and business rights.

ARTICLE INFO

Received	27/06/2024
Revised	09/04/2024
Accepted	22/04/2024
Available Online	15/06/2024

Keywords

Participation
Design
Urban Regeneration
Community-led
Islamic Realism



© 2024, IUDS. All rights reserved.



Citation of the article

Nejadaghi, N. (2024). Explaining the concept of participatory urban design in the process of community-based urban regeneration based on the philosophy of Islamic realism (Case study: Saray-e Roghani, Vakil Bazaar). *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 33-54.

* Shiraz-Roudaki St.-Department of Urbanism and Architecture- Shiraz Municipality.

Author Corresponding:

Email: najdaghi@ut.ac.ir

Phone: +989129513162

Introduction: During the evolution of the urban regeneration approach, attention to social participation has led to formation of community-Led urban regeneration. Social participation can improve social capital, sense of place and responsibility to the place, through community-Led urban regeneration process.

As the art of qualifying public spaces, its activities' platform is urban environment and space, given the social, ethnic and historical features of citizens and structural and physical requirements, urban design tends to make the urban space more at the service of the people and in this regard, in addition to the welfare of citizens, meet their emotional and psychological needs. Urban design focused on making places for people and the process of creating a better place for people.

The main emphasis in urban design issues such as creating a place of interdisciplinary, public areas, group activities, interactive creation and social justice and civil participation. needs of public participation in improvement of cities status is not unknown.

Based on the views of the theorists, social participation can also create social sustainability. Since the sufficient skills and knowledge are needed to take part in decision making process with the aim of social participation in local development projects and urban spaces designing, it seems that the lack of educating and training required was due to failure social participation during urban regeneration projects. Due to the nature of this approach and intervention platform, the position of education must be clarified in this process. There are many instruments to use during this intervention, but the rule of education is not clarified in this process, yet. Disregarding for the role of residents who live in urban neighbors is the most important reason of failure to implement urban space design development projects with high quality in Iran. It is the result of lack of planning to attract participation neither teaching them, not to learn all people with the aim transferring experiences and to make appropriate methods to paradigm shift in the participants, on the other hand there are not enough awareness and expertise in the urban manager groups and the administrative experts. In addition, it is necessary to produce conceptual framework for educating, training and learning citizens based on creed, native culture and identity of Islamic-Iranian society.

Materials and Methods: The This study includes specifying the position of social education during common participation attraction process and also making clear the theoretical and philosophical basis of Islamic Ideology about social education with emphasized on the role of community and participation concept in the procedure of urban designing. Gathering data has been done with questionnaire, interview, and field study. This study is applied research and done with descriptive and analytical methods.

Findings: The results show there is a significant positive relationship between social education and sustainable urban regeneration. It is therefore suggested that educating residents will be set as the target of sustainable urban regeneration plans as a pivotal element of urban designing and making decision. Finally, the results of study representative that based on Islamic realistic philosophy, the paradigm is educating and training from society and for society are the main purpose. The conclusion shows that educating and training to society have no expected results.

Discussion and Conclusion: The values of this society have been specified based on anthropology. With the aim of explaining the relationship between education-training and urban regeneration and also defining its role and position in the community-led urban regeneration process, in this study by using qualitative analysis and content analysis method, theories have been reviewed to compose the community-led urban regeneration through training.

The results of study contain investigating the participatory approach as a designing paradigm will lead to the success of urban regeneration projects and there is an important issue that social training and social educating are not only instruments to achieve urban regeneration objectives but those should be



considered as executables to attract citizen's participation.

In addition, the training and educating will be assumed as means to achieve enabling, empowering, capacity building and institutionalization for urban projects beneficiaries. In this study the theories are divided into two categories based on their nature. The first one contains the viewpoints about the relation between education and participation in common. And the other one contains the theories that includes philosophy of education in Islamic-Realism.

According to research findings it is obvious that over the past decade, along with changing the view of environmental sustainability to social sustainability, education and training are implemented to building capacity and social empowerment with aim to increase social capacity. These all lead to increase social participation and common abilities to take part in local development and urban space designing.

The citizens who are educated and trained enough, are ready to participate in decision making, designing and implementation of urban regeneration projects. Finally, community-led urban regeneration can happen with the building capacity through education and training continuously. Likewise, in order to Islamic thought's nature about social education and training and social behaviors in the community, defining the aims, principles, methods and contents of social education and training affected Islamic thought organize the main purposes of this study.

The method of this research as its purpose is decisive and based on its social science nature is descriptive. With the purpose to define attribute of social education and training affected Islamic theology, two viewpoints are compared: Islamic Realistic philosophy and its Etebariat theory versus some theories about participation in urbanism and urban planning those have been based on social education and training.

There are hierarchical aims based on Islamic philosophy and in accordance with these goals, the characteristics of education to the community have been explained. In general, despite the differences in the titles used to explain the theoretical and philosophical foundations of each of the two views there are similarities in the general orientation of explaining the role of education and training to the community to strengthen social responsibility and participation in both perspectives.

As a final conclusion, it should be said that conscious participative urban design requires education, which should be explained in the context of the Islamic worldview and the principles of education in Islam. Based on case study surveying it revealed the education and training can improve the achievements and participation goals. During the implementation of this project tradesman refused to participate at the first, then, after some negotiation and explanation about the probable rewards and especially receiving their opinions about the priorities in infrastructure, space design, urban furniture, planting, facades, shades and materials for pedestrian flooring, they decided to be a part of this project.

Based on the findings of this research, community-Led urban regeneration is an impactful approach for the successful implementation of participatory urban design projects in historical contexts.

- Engaging local communities (stakeholders) and the target audience of urban space design projects depends on providing social education.
- Determining the benefits for each local actor in the community-Led urban design process is one of the most important and impactful actions.
- The philosophical foundations of Islamic realism determine the principles of social education in the process of engaging public participation.
- In the urban space design project aimed at regenerating the historical Zone of Shiraz, the participation of shopkeepers and stakeholders increased after announcing the necessary incentives to create added value for properties and business rights.

Declarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

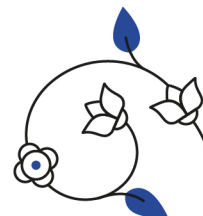
Conceptualization and study design: Fatemeh Shams; data collection and management: Narges Pirahmadian; data analysis and interpretation: Fatemeh Shams and Narges Pirahmadian; visualization: Narges Pirahmadian; drafting the initial manuscript: Narges Pirahmadian; manuscript review and revision: Mohammadreza Pourjafar and Fatemeh Shams; research project management: Mohammadreza Pourjafar and Fatemeh Shams; validation and final approval: All authors approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments:

The authors sincerely thank the residents of Sang-e Siah neighborhood in Shiraz for their cooperation in providing the required information.

References

1. Abdi Danshpur, Z. (2015). Introduction to planning theories with a special focus on urban planning (3rd ed.). Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian].
2. Alavitar, A. (2003). Exploring citizen participation models in urban governance (Vol. 2). Municipalities Organization. [In Persian].
3. Assefa, G., & Frostell, B. (2007). Social sustainability and social acceptance in technology assessment: A case study of energy. *Technologies in Society Journal*, 29, 63-78. <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2007.01.012>
4. Bahrini, S. H., Izadi, M. S., & Mofidi, M. (2014). Approaches and policies of urban renewal (from reconstruction to sustainable urban regeneration). *Urban Studies*, 9, 17-28. [In Persian].
5. Baker, M., Coaffee, J., & Sherriff, G. (2006). Achieving successful participation: Literature review. Department for Communities and Local Government.
6. Bevilacqua, C., Calabro, J., & Maione, C. (2013). The role of community in urban regeneration: Mixed use area approach in USA. In *Proceeding REAL CORP 2013* (pp. 20-23). Rome: Tagungsband.
7. Calthorpe, P., & Fulton, W. (2001). *The regional city*. Island Press.
8. Colantonio, A., & Dixon, T. (2011). *Urban regeneration & social sustainability: Best practice from European cities*. Wiley-Blackwell.
9. Goteck, J. A. (2001). *Philosophical schools and educational thoughts* (M. Pak Seresht, Trans.). Tehran: Samt Press. [In Persian].
10. Habibi, M., & Saeidi Rezvani, N. (2005). Participatory urban planning: A theoretical exploration in the context of Iran. *Fine Arts Journal*, 24, 15-24. [In Persian].
11. Hanachi, P. (2012). *Urban restoration in historical fabrics of Iran*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian].
12. Hanachi, P., & Fadaei Nejad, S. (2011). Development of a conceptual framework for the preservation and integrated regeneration in cultural-historical fabrics. *Fine Arts Journal*, 46, 15-26. [In Persian].
13. Healey, P. (1996). The communicative turn in planning theory and its implications for spatial strategy formation. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 23, 217-234. <https://doi.org/10.1068/b230217>
14. Hillier, J. (2010). *Shadows of power: A story of foresight in land use planning* (K. Pouladi, Trans.). Tehran: Publications of Iranian Society of Consulting Engineers.
15. Hosseini, S. J. (2008). *Sustainable public participation in the renovation and regeneration of decayed urban fabrics*. Mashhad: Sokhan Gostar Press. [In Persian].
16. Islami, G., & Kamel-Nia, H. (2013). *Collective architecture: From theory to practice*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian].
17. Izadi, M. S. (2006). *A study on city center regeneration: A comparative analysis of two different approaches to the revitalization of historic city centers in Iran* (Doctoral dissertation, Newcastle University).
18. Large Scale Urban Distressed Areas (LUDA). (2003). *Appraisal of urban rehabilitation literature and projects, including a glossary of terms and a preliminary set of indicators characterizing LUDA*. Dresden.
19. Maleki, H. (2005). *Islamic education: A macro-level approach*. Tehran: Abed Press. [In Persian].
20. Mangan, A. P. (2011). *Social exclusion and problematic areas of Europe: Urban renewal management* (A. Aghvami



- Moghaddam, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian].
21. McCarthy, J. (2011). Partnership, collaborative planning, and urban regeneration (M. Khalilnejadi, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian].
 22. McDonald, S., Malys, N., & Maliene, V. (2009). Urban regeneration for sustainable communities: A case study. *Technological and Economic Development of Economy*, 15(1), 49-59. <https://doi.org/10.3846/1392-8619.2009.15.49-59>
 23. Misbah Yazdi, M. T. (1981). Educational goals from the Islamic perspective. Tehran: Samt Press. [In Persian].
 24. Misbah Yazdi, M. T. (2003). Islamic legal theory: The reciprocal rights of people and government (M. Naderi & M. Karimi-Nia, Trans., Vol. 1 & 2, 1st ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Press. [In Persian].
 25. Motahari, M. (1995). A journey through the life of the Prophet Muhammad. Tehran: Sadra Press. [In Persian].
 26. Motahari, M. (2001). Fitrah. Tehran: Sadra Press. [In Persian].
 27. Nabavian, S. M. (2009). Philosophy of rights. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Press. [In Persian].
 28. Nedaee, H. (1995). A brief review of the foundations of education in Islamic realism: The impact of philosophical concepts on different aspects of education. *Misbah Scientific Journal*, 4(15), 7-16. [In Persian].
 29. Petts, J., & Leach, B. (2000). Evaluation methods for public participation: Literature review. Environment Agency.
 30. Pourahmad, E., Habibi, K., & Keshavarz, M. (2010). Evolution of urban regeneration as a new approach in decayed urban fabrics. *Iranian Islamic City Studies Journal*, 1, 53-55. [In Persian].
 31. Roberts, P. (2000). The evolution, definition, and purpose of urban regeneration. In *A handbook, British Urban Regeneration Association*. London: SAGE Publications.
 32. Salehi, E., Moradi, E., & Firouzi, E. (2015). A comprehensive look at Islamic education from the perspective of martyr Morteza Motahari with emphasis on its principles, goals, and educational methods. *Journal of Research on Islamic Education*, 22(25), 9-37. [In Persian].
 33. Sharafi, M., & Barkpour, N. (2010). Typology of citizen participation techniques in urban planning based on different levels of participation. *Architecture and Urbanism Letter*, 2(4), 77-101. [In Persian].
 34. Shari'atmadari, A. (1964). Education and training. *Educational Journal*, 1, 1-10. [In Persian].
 35. Shari'atmadari, A. (1996). Philosophical epistemology and education. *Culture Academy Journal*, 3(5), 1-16. [In Persian].
 36. Sharifian Sani, M. (2001). Urban culture: Citizen participation, urban governance, and urban management. *Urban Management Journal*, 8, 42-55. [In Persian].
 37. Tabatabai, M. H. (1982). *Al-Mizan commentary* (N. Makarem Shirazi, Trans., Vol. 20). Tehran: Allameh Foundation Press. [In Persian].
 38. Tabatabai, M. H. (1991). *Nihayat al-Hikmah* (S. Shirvani, Trans., Vol. 1). Tehran: Al-Zahra Press. [In Persian].
 39. Tabatabai, M. H. (2006). *Principles of philosophy and the method of realism* (Vols. 1-3). Qom: Sadra Press. [In Persian].
 40. Turok, I. (2004). Urban regeneration: What can be done and what should be avoided? *Proceedings of the Istanbul Conference on Urban Regeneration*. Istanbul: Lutfi Kirdar Exhibition Centre.

Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





تبیین انگاره طراحی شهری مشارکتی در فرایند بازآفرینی شهری اجتماع محور براساس فلسفه رئالیسم اسلامی - نمونه موردی: سرای روغنی بازار وکیل

نسترن نژداغی^{*۱}

۱. دکتری شهرسازی اسلامی، گروه شهرسازی، دانشکده شهرسازی و معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
تاریخ ارسال ۱۴۰۲/۰۴/۷ تاریخ بازنگری ۱۴۰۲/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۵/۰۳ تاریخ انتشار آنلاین ۱۴۰۳/۰۶/۲۶	رویکرد بازآفرینی شهری در سیر تطور تاریخی خود، بر مقوله مشارکت اجتماعی تأکید کرده است که منجر به شکل گیری رویکرد بازآفرینی شهری اجتماع محور گردیده است. مشارکت مردمی در فرایند بازآفرینی به پایداری اجتماعی خواهد انجامید. از آنجایی که مهارت و آگاهی کافی برای ورود به عرصه مشارکت در فرایند طراحی و خلق فضاهای شهری امری ضروری است، به نظر می رسد دلیل عدم مشارکت تاکنون، حاصل فقدان آموزش های مورد نیاز بوده است. با هدف تعیین نقش و جایگاه آموزش در فرایند بازآفرینی شهری اجتماع محور، در پژوهش حاضر با بهره گیری از روش تحقیق کیفی و راهبرد تحلیل محتوا، خاستگاه فلسفی و نظری موضوع در فلسفه رئالیسم اسلامی، واکاوی گردیده است که در نهایت منجر به تشکیل مدل بازآفرینی شهری اجتماع محور از طریق آموزش شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد اتخاذ رویکرد مشارکت به عنوان پارادایم طراحی، به موفقیت پروژه های بازآفرینی شهری منجر خواهد شد و براساس یافته های مورد پژوهی برای جلب مشارکت ذی نفعان در پروژه های طراحی شهری، آموزش به عنوان قدم اول و عامل تأثیرگذار، نقش مهمی ایفا خواهد کرد. آموزش در این مفهوم به معنای آگاهی بخشی، اطلاع رسانی، نظرسنجی، زمینه ساز مشارکت اجتماعی، عامل حساس سازی و مسئولیت پذیری شهروندان و همچنین عامل خلق فضاهای شهری با کیفیت و پاسخگو به نیازهای مخاطبان خواهد بود. برای نیل به این هدف، مبانی فلسفی اندیشه اسلامی در باب آموزش، تحلیل گردیده است تا اهداف، اصول، روش و محتوای آموزش متأثر از اندیشه اسلامی ارائه شود. این پژوهش از منظر هدف تحقیق بنیادی و براساس ماهیت موضوع و حیطة مورد پژوهش در علوم اجتماعی، توصیفی تحلیلی محسوب می گردد. نتایج تحقیق نشان می دهد، آموزش با هدف طراحی شهری مشارکتی، با جامعه و برای جامعه محقق می شود و نه آموزش به جامعه، که با اهمیت بخشی به نقش ذی نفعان در این فرایند، متأثر از رویکردی پایین به بالا، براساس خواسته های جامعه تدوین می گردد و در قالب اصول طراحی مشارکتی به جامعه ارائه می شود.
واژگان کلیدی	نکات شاخص
مشارکت طراحی بازآفرینی شهری اجتماع محور رئالیسم اسلامی	<ul style="list-style-type: none">- براساس یافته های این پژوهش، بازآفرینی شهری اجتماع محور، رویکردی تأثیرگذار در اجرای موفق پروژه های طراحی شهری مشارکتی در بافت تاریخی است.- جلب مشارکت اجتماعات محلی (ذینفعان) و مخاطبان پروژه های طراحی فضاهای شهری در گرو انجام آموزش های اجتماعی است.- تبیین نفع هر یک از بازیگران محلی در فرایند طراحی شهری اجتماع محور، مهم ترین و تأثیرگذارترین اقدامات است.- مبانی فلسفی رئالیسم اسلامی، تعیین کننده اصول آموزش اجتماعی در فرایند جلب مشارکت مردمی است.- در پروژه طراحی فضاهای شهری با هدف بازآفرینی بافت تاریخی شیراز، مشارکت کسبه و ذینفعان پروژه، پس از اعلام مشوق های لازم برای ایجاد ارزش افزوده املاک و سرقتی ها، افزایش یافت.

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

نژداغی، ن. (۱۴۰۳). تبیین انگاره طراحی شهری مشارکتی در فرایند بازآفرینی شهری اجتماع محور براساس فلسفه رئالیسم اسلامی (نمونه موردی: سرای روغنی بازار وکیل). نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران، (۱)، ۳۳-۵۴.

*آدرس: شیراز، خیابان رودکی، نبش ساحلی، ساختمان معاونت شهرسازی و معماری شهرداری شیراز.

آدرس پستی نویسنده مسئول: najdaqhi@ut.ac.ir

تلفن: ۰۹۱۲۵۹۱۳۱۶۲



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Definition of Participative Urban Design Paradigm in The Community-led Urban Regeneration Based on Islamic Realism Philosophy, Case Study: Sara-y- Roghani in Vakil Bazaar

Nastaran Najdaghi^{1,*}

1.Ph.D in Islamin Urbanism, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, University of Islamic Art,Tabriz, Iran.

ABSTRACT

During the evolution of the urban regeneration approach, attention to social participation has led to formation of community-Led urban regeneration. Based on the views of the theorists, social participation can also create social sustainability. Since the sufficient skills and knowledge are needed to take apart in decision making process with the aim of social participation in local development projects and urban spaces designing, it seems that the lack of educating and training required was due to failure social participation during urban regeneration projects. In addition, it is necessary to produce conceptual framework for educating, training and learning citizens based on creed, native culture and identity of Islamic-Iranian society. Gathering data has been done with questionnaire, interview, and field study. This study is applied research and done with descriptive and analytical methods. The results show there is a significant positive relationship between social education and sustainable urban regeneration. The training and educating will be assumed as means to achieve enabling, empowering, capacity building and institutionalization for urban projects beneficiaries. As a final conclusion, it should be said that conscious participative urban design requires education, which should be explained in the context of the Islamic worldview and the principles of education in Islam. In the case study surveying it's been realized that it necessary to define benefits of project implementation for beneficiaries to achieve their participation.

ARTICLE INFO

Received 27/06/2024
Revised 09/04/2024
Accepted 22/04/2024
Available Online 15/06/2024

Keywords

Participation
Design
Urban Regeneration
Community-led
Islamic Realism

Highlights

- Based on the findings of this research, community-Led urban regeneration is an impactful approach for the successful implementation of participatory urban design projects in historical contexts.
- Engaging local communities (stakeholders) and the target audience of urban space design projects depends on providing social education.
- Determining the benefits for each local actor in the community-Led urban design process is one of the most important and impactful actions.
- The philosophical foundations of Islamic realism determine the principles of social education in the process of engaging public participation.
- In the urban space design project aimed at regenerating the historical Zone of Shiraz, the participation of shopkeepers and stakeholders increased after announcing the necessary incentives to create added value for properties and business rights.

Citation of the article

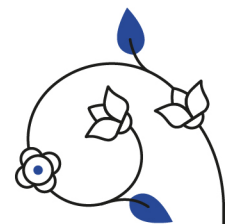
Nejadaghi, N. (2024). Explaining the concept of participatory urban design in the process of community-based urban regeneration based on the philosophy of Islamic realism (Case study: Saray-e Roghani, Vakil Bazaar). *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 33-54.

* Shiraz-Roudaki St.-Department of Urbanism and Architecture- Shiraz Municipality.

Author Corresponding:

Email: najdaghi@ut.ac.ir

Phone: +989129513162



مقدمه

مشارکت در فرایند توسعه شهری دهه‌های اخیر در ایران، به دلایل مختلفی تاکنون محقق نشده است. این مهم از یک سو حاصل بی‌اعتمادی مردم به مجموعه مدیریت شهری و مهم‌تر از آن بی‌اعتمادی طراحی‌گران توسعه و مدیران شهری به توانایی مردم در تصمیم‌سازی و تعیین راهکارهای توسعه محلی است (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴) و از سوی دیگر نتیجه فقدان آموزش‌های شهروندی و عدم انتقال اطلاعات از سوی مدیریت شهری به مردم، نبود زیرساخت‌های آموزشی اجتماعی به ذی‌نفعان، بیگانگی مردم با مجموعه تصمیم‌ساز، طراح و اجراکننده پروژه‌های توسعه شهری (منگن، ۱۳۹۰) و دخیل نبودن مردم در ساختار قدرت تصمیم‌گیری برای توسعه محله و توزیع ثروت است. مسائل برشمرده شده دلایلی است که نشان می‌دهد نقش مشارکت ذی‌نفعان در برنامه‌های بازآفرینی شهری پایدار در ایران نادیده گرفته شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل ناموفق بودن اجرای پروژه‌های بازآفرینی شهری در ایران بی‌توجهی به نقش مخاطبان و ذی‌نفعان محدوده‌های ناکارآمد شهرهاست. این مهم حاصل چند عامل است: فقدان برنامه‌ریزی لازم برای جلب مشارکت هرچه بیشتر ساکنان و آموزش آن‌ها، نقص آموزش در زمینه مرمت شهری در ایران، فقدان آموزش به مخاطبان و استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری با هدف انتقال تجربه‌ها و الگوهای مناسب برای همراه نمودن و مجهز کردن شهروندان به مهارت‌های برنامه‌ریزی، طراحی شهری و مدیریت محلی در فرایند تصمیم‌سازی - طراحی - تصویب و اجرای پروژه‌های کیفیت‌بخشی به فضاهای شهری و نبود تخصص و آگاهی کافی حاصل از نبود آموزش‌های مناسب برای مدیریت شهری و مجموعه کارشناسان اجرایی (حناچی، ۱۳۹۱)؛ از این رو با توجه به لزوم تدوین چارچوب مفهومی متناسب با اعتقادات، فرهنگ و هویت بومی جامعه ایرانی اسلامی (حناچی و فدائی‌نژاد، ۱۳۹۰) باید الگوهای بومی برای مشارکت هرچه بیشتر شهروندان و مخاطبان فضاهای شهری، مبتنی بر فرهنگ و اندیشه متناسب با الگوی ایرانی اسلامی تدوین گردد؛ بنابراین در فرایند مذکور، تشخیص ابزارهای اجرایی و تبیین شیوه‌های اجرای طراحی شهری مشارکتی در خلق فضاهای شهری باکیفیت تحت رویکرد بازآفرینی شهری اجتماع‌محور و همچنین مبانی نظری و فلسفی اسلامی آن به‌عنوان عامل سازنده فرهنگ، بستر اجتماعی در باب مشارکت و آموزش با توجه به نقش اجتماع و به تبع آن مشارکت، پایداری و رفتار اجتماعی، مسئله‌ای لازم و مهم است. به همین دلیل آنچه در پژوهش حاضر مد نظر است، تدوین ویژگی‌های آموزش به‌عنوان رکن اساسی برای جلب مشارکت بر پایه اصول فلسفه رئالیسم اسلامی است که در فرایند طراحی فضاهای شهری ذیل رویکرد بازآفرینی شهری اجتماع‌محور ارائه خواهد شد.

تبارشناسی مفهوم بازآفرینی شهری اجتماع محور

مفهوم اجتماع برای نخستین بار طی دهه‌های ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ در قالب رویکردهای اجتماع‌مدار در برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری و مرمت شهری، مطرح گردید و سپس در سال ۱۳۹۴ در انگلستان، از طریق تأکید بر مشارکت گروه‌های اجتماعی درون شهرها در برنامه‌های مهارت‌آموزی فنی و حرفه‌ای و تدوین بودجه مالی مستقل برای چنین اقداماتی، گسترش یافت (Izadi, 2006)؛ به نقل از پورا احمد و حبیبی و کشاورز، (۱۳۸۹). طی دهه‌های بعدی با تحقق عملی اختیار دادن به جامعه محلی از طریق فعالیت، سازمان‌دهی، رهبری و ظرفیت‌سازی در جامعه محلی، تغییرات چشمگیری حاصل شد (پورا احمد و حبیبی و کشاورز، ۱۳۸۹).

در سیر تطور تاریخی مبحث بازآفرینی، دیدگاه غالب و متأخر، مقوله پایداری اجتماعی است که در مکان پایدار تجلی می‌یابد. به عقیده عاصفا و فراستل پایداری اجتماعی قطعیت توسعه است، درحالی‌که پایداری‌های زیست‌محیطی و اقتصادی اهداف توسعه پایدار و ابزارهای رسیدن به آن است (Frostell & Assefa, 2007)؛ بنابراین مفهوم اعتباربخش و ضامن پایداری در فرایند بازآفرینی شهری، مقوله اجتماع است. توروک نیز با تأکید بر ویژگی‌های مکان معتقد است که بازآفرینی شهری در جوهره و ذات خود بر آن است تا با شرکت دادن ساکنان و دیگر ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان با در بر گرفتن اهداف و فعالیت‌ها و با کار مشترک بین تمامی دست‌اندرکاران، طبیعت مکان را تغییر دهد (Turok, 2004). همچنین رویکرد بازآفرینی شهری به این نتیجه رسیده است که برای اجرای موفق پروژه‌های بازآفرینی به مهارت‌ها و به کار بستن نیروها، منابع و ذخایر انرژی، ابتکار عمل جوامع محلی، رویکرد از پایین به بالا به قصد بنا نهادن سرمایه اجتماعی و مشارکت جوامع محلی به صورت خودیاری در توسعه نیاز است (al et McDonald, 2009). بنابراین لازمه بازآفرینی شهری پایدار، همکاری اجتماعات محله‌ای و رسیدن به توافق عمومی است.



لازم است یک اتحاد و ائتلاف راهبردی تشکیل شود و ظرفیت گروه‌های ذی‌نفع برای مشارکت و رهبری فرایند بازآفرینی شهری توسعه یابد. هر موضوعی که حس مکان و آگاهی‌های مردم را دربارهٔ محلهٔ خودشان تصریح می‌نماید، جزء مقولات بازآفرینی شهری پایدار به حساب می‌آید (Fulton & Calthorpe, 2001).



شکل شماره ۱: سیر تکاملی سیاست‌های بازآفرینی شهری (رویکرد متأخر) مأخذ: (Dixon & Colantonio, ۲۰۱۱)

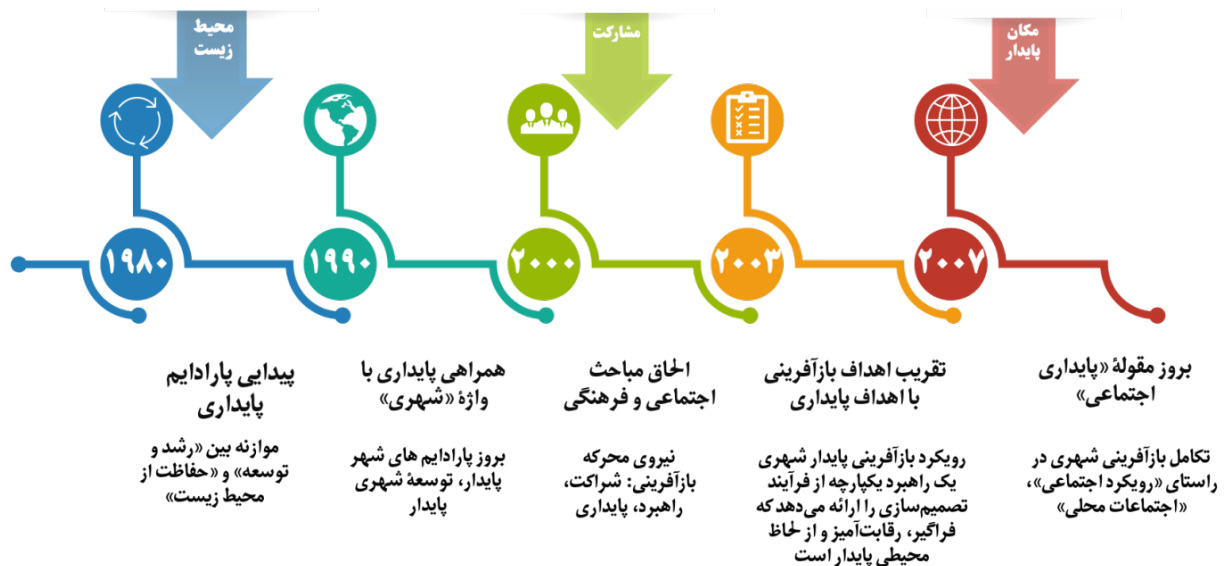
به عقیدهٔ بویلاک و همکارانش، هرچه مشارکت مردم و شراکت‌های خصوصی - عمومی افزایش یابد، بازآفرینی پایدارتری محقق می‌گردد (Bevilacqua, 2013؛ به نقل از بحرینی و ایزدی و مفیدی، ۱۳۹۲). در سیر تحول معنایی پارادایم پایداری در فرایند بازآفرینی شهری از پایداری زیست‌محیطی به پایداری اجتماعی و اتخاذ رویکرد اجتماع‌محور در مواجهه با مکان، در مجموع پارادایم مکان‌های پایدار شکل گرفته است (بحرینی و ایزدی و مفیدی، ۱۳۹۳). رویکرد بازآفرینی پایدار شهری، راهبردی یکپارچه از فرایند تصمیم‌سازی ارائه می‌دهد که فراگیر، رقابت‌آمیز و از لحاظ محیطی پایدار است (LUDA, 2003) و همان‌گونه که مشاهده می‌شود، پایداری در گروه مؤلفه‌های اجتماعی تبیین می‌گردد. کلتونیو و دیکسون (۲۰۱۱) با اعتقاد بر اینکه در سال‌های اخیر شناخت مقولهٔ پایداری اجتماعی به‌عنوان بخش اساسی توسعهٔ پایدار به حساب آمده است، بحث بازآفرینی شهری پایدار را در ابعاد سیاستی و نهادی مورد تأیید قرار می‌دهند. حاصل پژوهش‌های صورت‌گرفته توسط آن‌ها در چند شهر اروپایی حاکی از آن بوده است که: «مبتنی بر تحلیل سیر تحول بازآفرینی در طول زمان، مشاهده می‌شود که مضامین سنتی نظیر نیازهای اساسی شامل: مسکن و سلامتی زیست‌محیطی، تعلیم و تربیت و مهارت‌ها، عدالت، کاهش فقر و افزایش سرزندگی، به‌طور فزاینده‌ای کامل‌تر شده و یا با مفاهیمی چون هویت، حس مکان و فرهنگ، قدرتمند شدن مشارکت و دسترسی، سلامتی و امنیت، سرمایهٔ اجتماعی، رفاه، شادی، کیفیت زندگی و منافع شبکه‌های اجتماعی و یا به عبارتی اهداف نرم در مقابل اهداف سخت، جایگزین می‌گردند» (Dixon & Colantonio, 2011). در جدول زیر، جمع‌بندی نظریات و منابع بررسی شده در باب مؤلفه‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور ارائه شده است.

جدول شماره ۱: جمع‌بندی مؤلفه‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور

مؤلفه‌های بازآفرینی شهری پایدار اجتماع‌محور	نظریه پردازان و مأخذ
- مشارکت و رهبری گروه‌های ذینفع در فرایند بازآفرینی شهری و طراحی برنامه‌ریزی راهبردی بر پایهٔ چشم‌انداز که توسط جوامع محلی تعیین شود - رسیدن به توافق عمومی حاصل همکاری اجتماعات محله‌ای	LUDA, 2003
- جایگزینی مفهوم پایداری اجتماعی به جای پایداری زیست‌محیطی در پارادایم پایداری مکان	Assefa & Frostell, 2007
- شرکت دادن ذینفعان و ذینفوذان به صورت هم‌زمان، بعنوان اساس بازآفرینی - هدف‌گذاری، فعالیت و کار مشترک در فرایند طراحی، تصویب و اجرای پروژه	Turok, 2004
- اعتماد به ابتکار عمل جوامع محلی - مشارکت اجتماع محلی به صورت خودیاری - توجه به سرمایه اجتماعی و پتانسیل‌های موجود برای طراحی فضاهای شهری	McDonald et al, 2009
- رسیدن به توافق عمومی حاصل همکاری اجتماعات محله‌ای - ارتقای حس مکان از طریق آموزش و طراحی فضای شهری - ارتقای آگاهی مردم	Calthorpe & Fulton, 2001
- مشارکت مردم در طراحی، برنامه‌ریزی و سرپرستی	Bevilacqua, 2013
- تأکید بر مضمون مشارکت، در فرایند طراحی، تصمیم‌سازی و اجرا برای همبستگی اجتماعی - جایگزین شدن مضامین سنتی چون نیازهای اساسی، شامل مسکن و سلامتی زیست‌محیطی، تعلیم و تربیت و مهارت‌ها، عدالت، کاهش فقر و سرزندگی، با مفاهیمی چون هویت، حس مکان و فرهنگ، قدرتمند شدن مشارکت و دسترسی، سلامتی و امنیت، سرمایه اجتماعی، رفاه، شادی، کیفیت زندگی و منافع شبکه‌های اجتماعی؛ اهداف نرم در مقابل اهداف سخت از طریق مشارکت در طراحی فضاهای شهری	Colantonio & Dixon, 2011



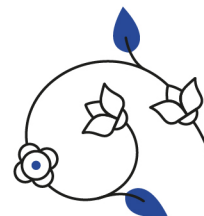
با هدف بازشناسی سیر تطور مفهوم بازآفرینی شهری اجتماع محور، به ناچار بایستی سیر شکل‌گیری مفهوم پایداری را دنبال کرد و به تبیین نقش اجتماع در پایدار نمودن محیط پرداخت. با پیدایش مفهوم پایداری و متأثر از آن در فرایند برنامه‌ریزی توسعه شهرها، موازنه بین «رشد و توسعه» و «حفاظت از محیط‌زیست» مطرح گردید. در ادامه و در همراهی رو به تکامل دو صفت «پایداری» و «شهری»، پارادایم توسعه شهری پایدار شکل گرفت که هر دو تحت معیارهای زیست‌محیطی تبیین شده‌اند. پس از آن با الحاق مباحث اجتماعی و فرهنگی به ادبیات برنامه‌ریزی توسعه شهری، پارادایم برنامه‌ریزی مشارکتی پا به عرصه نهاد و نیروی محرکه بازآفرینی شهری، شراکت، راهبرد و پایداری تبیین گردید. از این زمان مفهوم شراکت به اندازه پایداری، دارای اهمیت شد و اهداف بازآفرینی با اهداف پایداری همسو گشت. در نهایت در پی شکل‌گیری مفهوم «پایداری اجتماعی»، تکامل بازآفرینی شهری بر پایه دو مؤلفه رویکرد اجتماعی و اجتماعات محلی، در قالب بازآفرینی شهری اجتماع محور، صورت پذیرفت. در شکل شماره ۲، تبارشناسی بازآفرینی شهری اجتماع محور و تأثیر آن از مفهوم پایداری، ارائه شده است.



شکل شماره ۲: روند شکل‌گیری مفهوم بازآفرینی شهری اجتماع محور (مأخذ: نگارنده براساس جمع‌بندی از منابع موجود)

نقش آموزش در بازآفرینی شهری اجتماع محور

مقوله اجتماع محوری در بازآفرینی شهری به اعتبار پایداری اجتماع، با برنامه‌های اجتماع محل پایدار، همان‌گونه که در سند ODPMS در کشور انگلستان با عنوان «جوامع پایدار: ساختن برای آینده» توسط دفتر نخست‌وزیر در سال ۲۰۰۳ تهیه شد، ارائه شده است. آن‌ها با این فرض که رابطه مستقیم و پراهمیتی بین اشتغال و کیفیت زندگی وجود دارد، به اجرای آموزش‌های ابتکاری با موضوع مهارت‌آموزی، کارآفرینی و شراکت^۱ در کسب‌وکار اقدام کردند (مک‌کارتی، ۱۳۹۰)؛ اما نقطه اشتراک تجربه‌های اقدامات در انگلستان، اسکاتلند و آمریکا مسئله عدم همکاری و شراکت مؤثر اجتماع محلی ارزیابی گردید. به عقیده هاروی، تغییر شیوه حکمرانی شهری از رویکرد «مدیریتی» دهه ۱۹۶۰ به رویکردهای کارآفرینانه‌تر دهه ۱۹۸۰، توانسته است بر طرح‌ها و عملیات شراکت محلی تأثیرات درخور ملاحظه‌ای بگذارد (Harvey, 1989). این نوع حکمرانی در پی شکل‌دهی به فرهنگ گروهی و توانمندسازی خواهد بود، نه مدیریت از طریق ساختارهای مستبدانه سلسله‌مراتبی (Healey, 1996)؛ از این رو ماهیت آموزش‌های اجتماعی از مقوله اقتصاد و معیشت به مهارت‌های برقراری ارتباط اجتماعی و مشارکت در فرایند توسعه محله تغییر پیدا خواهد کرد. بازآفرینی شهری پایدار برای اجرایی شدن به ظرفیت‌سازی محلی نیاز دارد. بنا به ارزیابی اقدامات بازآفرینی شهری در تجربه اسکاتلند و انگلستان، مشخص شده است که یکی از اقدامات مهم، ایجاد آگاهی مردم محلی از نیازها، ارتقای پتانسیل برای عدالت در توزیع خدمات و ارتقای انگیزه مشارکت‌کنندگان محلی است (مک‌کارتی، ۱۳۹۰). تاکنون برنامه اقدام مدون یا تجربه‌ای در ارائه آموزش به ساکنان محله‌های هدف بازآفرینی شهری، با هدف جلب حداکثری مشارکت تدوین نشده است؛ اما به نظر می‌رسد راهکار رسیدن به این هدف، آموزش‌های اجتماعی است.



تبیین رابطه بین آموزش و مشارکت ذی نفعان

برای مشارکت دو رکن تاکنون برشمرده شده است: تشخیص و استقلال فردی، احساس خودمختاری (علوی تبار، ۱۳۸۰)؛ ولی رکن اساسی سوم وجود مهارت و آگاهی کافی برای ورود به عرصه مشارکت در فرایند توسعه محلی است. ماهیت و محتوای پرورش انسان‌ها برای کسب آمادگی و مهارتی لازم برای ورود به عرصه مشارکت دربرگیرنده سه فرایند مهم است: (۱) فرایند درونی کردن ارزش‌های مشارکت؛ (۲) فرایند نهادینه‌سازی و کاهش اختلالات (واگرایی و ناهمگنی‌ها) اجتماعی؛ (۳) فرایند تکوین و تقویت جامعه مدنی (چلبی، ۱۳۷۵) که نیل به هرکدام از موارد برشمرده شده، مستلزم اجرای آموزش است. مجموعه نظریاتی که تاکنون در خصوص رابطه بین مشارکت و آموزش ارائه شده است، عموماً به موضوع رفتار انسان و مشارکت او در تحقق اهداف در سازمان‌ها پرداخته است. از این جمله آرچریس، یکی از نظریه‌پردازانی که به مقوله آموزش پرداخته است، اعتقاد دارد که می‌توان از طریق آموزش، افراد را از لحاظ روانی به سمت انجام فعالیت مشخص سوق داد (حسینی، ۱۳۸۷). با تاسی از این دیدگاه می‌توان انتظار داشت که با اجرای آموزش‌هایی که محتوای مناسب و رویه مطلوب داشته باشد، به جلب حداکثری ساکنان محلات هدف بازآفرینی در فرایند نیل به اهداف برنامه‌ها، دست یافت. در میان نظریات مشارکت، مجموعه‌ای از نظریات شهرسازی مشارکتی که مشخصاً به تأثیر مقوله آموزش در آن‌ها پرداخته شده است، در ادامه ارائه می‌شود.

الف) نظریه اسکات دیویدسون: دیویدسون در سال ۱۹۹۸، برای سطوحی که شهروندان در هریک از گام‌های فرایند طراحی - تصویب - اجرای پروژه‌های شهری مشارکت خواهند کرد، گردونه‌ای ارائه داد. به عقیده دیویدسون بین این سطوح سلسله‌مراتب خاصی حاکم نیست و اساساً به همین دلیل از استعاره گردونه به‌جای نردبان استفاده می‌کند، اما سطوح چهارگانه‌ای را که در نظر گرفته است، شامل: (۱) اطلاع‌رسانی؛ (۲) مشاوره؛ (۳) مشارکت و (۴) مقتدرسازی است که برای هریک شیوه‌ای به‌منظور اجرا بیان کرده است.



شکل شماره ۳: مدل مشارکت دیویدسون (دیویدسون، ۱۹۹۸؛ به نقل از شریفیان ثانی، ۱۳۸۰)

ب) نظریه پتس و لیچ: جودیت پتس و باربارا لیچ (۲۰۰۰) در تبیین مدل چهارسطحی مشارکت خود، معیارهایی را در نظر گرفتند: اهمیت به جامعیت طیف‌های مشارکت‌کننده، مدیریت نتایج مورد انتظار، مدیریت زمان انجام مشارکت برای اجتناب از فرسودن و خسته شدن مشارکت‌کنندگان، شفافیت در برقراری ارتباطات، اجتناب از نتیجه‌گیری‌های از پیش تعیین شده، محوریت قرار دادن برنامه‌ریزی بر اصل مشارکت، تنظیم راهبردهای مشارکتی، پیوند با فرایندهای دموکراتیک، متعادل کردن دیدگاه‌های متضاد از طریق تصمیم‌گیری در مسائل عمیق با نقش‌آفرینان اصلی و اطلاع‌رسانی به سطح گسترده‌تر مشارکت‌کنندگان،

استفاده مؤثر از همه منابع در دسترس، بازمهارت‌آموزی و آموزش عملی و مستمر برای همه، آمادگی دائمی برای تغییر در نحوه تفکر و تصمیم‌گیری و در نهایت تعادل بخشی بین سرعت و انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری به صورت توأمان. آن‌ها با این معیارها به تعیین مؤلفه‌های این مدل چهارسطحی اقدام کردند (Sherriff and Coaffee, Baker, 2006). در این مدل شیوه‌های مشارکت بالقوه در تصمیم‌سازی در چهار سطح متفاوت و سه نوع مشارکت طبقه‌بندی می‌شوند که این سه نوع شامل سنتی^۴ (در جدول با علامت T مشخص شده است)، مشاوره نوآورانه^۵ (IC) و مشارکت نوآورانه^۶ (ID) است. آن‌ها همچنین معیارهایی را برای انتخاب، اجرای طرح و ارزیابی روش‌های مشارکت عمومی تعیین کرده‌اند (Leach & Petts, 2000).

سطح چهار مشارکت گسترده	سطح سه مشارکت و مشاوره	سطح دو بازخورد آگاهی بخشی	سطح یک آموزش، آگاهی بخشی
<ul style="list-style-type: none"> • کمیته های مشاوره جامعه / گروه های ارتباطی (ID) • برنامه ریزی برای واقعیت های موجود (ID) • تشکیل هیئت های منصفه/ داوری از شهروندان (ID) • چشم‌اندازسازی مشارکتی با توافق عمومی (ID) • چشم‌اندازسازی بوسیله ارتباط اینترنتی (ID) 	<ul style="list-style-type: none"> • کارگاه ها (IC) • گروه های تمرکز / انجمن ها (IC) • خانه باز (IC) • خانه باز (در اینترنت) (IC) 	<ul style="list-style-type: none"> • نمایش‌ها و نمایشگاه‌های غیررسمی (T) • خطوط تلفن (T) • اینترنت (IC) • کنفرانس تلفنی (IC) • جلسات عمومی (T) • نظرسنجی‌ها، مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها (T) • نظرسنجی مشورتی (IC) 	<ul style="list-style-type: none"> • نشریه‌ها و بروشورها (T) • خبرنامه‌ها (T) • نمایش‌ها و نمایشگاه‌های غیررسمی (T) • تبلیغات (T) • روزنامه‌های محلی (T) • روزنامه‌های ملی (T) • فیلم‌ها (IC) • بازدید از سایت (T)

شکل شماره ۴: مدل چهارسطحی مشارکت ذی‌نفعان پتس و لیچ

ج) نظریه انجمن بین‌المللی مشارکت مردمی IAP۲: در میان انواع نظریه‌ها راجع به سطوح مشارکت، گستره پنج‌سطحی IAP۲ ارائه شده توسط انجمن بین‌المللی مشارکت مردمی، جامع‌ترین و بهترین طبقه‌بندی را در دامنه مشارکت محدود و مشارکت واقعی شرح می‌دهد. در این تقسیم‌بندی آموزش مستمر به مردم و بازآموزی از تجربیات اجرایی، اصل اساسی نظریه را تشکیل می‌دهد.

جدول شماره ۲: گستره مشارکت براساس IAP۲ (مأخذ: شرفی و برک‌پور، ۱۳۸۹)

سطح مشارکت	توانمندسازی ^۷	همکاری با مردم ^۸	درگیر ساختن مردم ^۹	مشورت ^{۱۰}	آگاهی‌رسانی ^{۱۱}
اهداف مشارکت	دادن اختیار تصمیم‌گیری نهایی به مردم	شریک بودن با مردم در تمامی ابعاد تصمیم‌گیری، شامل تکوین آلت‌ناتیوها و تعیین راه‌حل‌های منتخب	کار مستقیم با مردم در تمام طول فرایند به منظور دادن اطمینان به مردم که نگرانی‌ها و علایق آن‌ها به‌شکلی مداوم در تمام فرایند در نظر گرفته خواهد شد.	گرفتن بازخوردها از مردم در زمینه تحلیل‌ها، آلت‌ناتیوها و تصمیم‌ها	تأمین اطلاعات جامع و عینی به منظور کمک به مردم در فهم مشکلات، گزینه‌ها، فرصت‌ها و راه‌حل‌ها

جدول شماره ۳: جمع‌بندی نظریات مربوط به نقش آموزش در مشارکت اجتماعی شهروندان در فرایند طراحی - تصویب - اجرای پروژه‌های طراحی فضای شهری

جمع‌بندی	نظریه‌های مشارکت شهروندان در فرایند طراحی - تصویب - اجرا و تبیین نقش آموزش در آنها
اسکات دیویدسون 1998	نقش آموزش را در سه سطح اطلاع‌رسانی، مشاوره و مقتدرسازی، از مدل چهارسطحی مشارکت، تأثیرگذار می‌داند.



جدول شماره ۳: جمع‌بندی نظریات مربوط به نقش آموزش در مشارکت اجتماعی شهروندان در فرایند طراحی - تصویب - اجرای پروژه‌های طراحی فضای شهری

پتس و لیچ	Petts & Leach	2000
آموزش را سطح یکم از مدل چهارسطحی مشارکت ذینفعان دانسته اند.		
انجمن بین‌المللی مشارکت مردمی	IAP2	2012
گستره مشارکت پنج سطحی ارائه می‌دهد و به آگاهی‌رسانی به عنوان یکی از سطوح اساسی معتقد است که ذیل آن تامین اطلاعات جامع و عینی به منظور کمک به مردم در فهم مشکلات، گزینه‌ها، فرصت‌ها و یا راه‌حل‌ها را ارائه می‌دهد.		

عرصه‌های تجلی مشارکت اجتماعی در فرایند طراحی شهری

فراهم آوردن امکان مشارکت جامعه محلی در طراحی، به روش‌های مختلف برای ارتباط با مخاطبان پروژه نیازمند است تا با استفاده از این ابزارها، بتوان به اطلاعات لازم برای طراحی پاسخگو به نیازهای استفاده‌کنندگان از فضا، دست یافت. نمودار زیر طیف میزان مشارکت شهروندان و جامعه محلی را در فرایند طراحی شهری نشان می‌دهد که ابزارهای تحقق هر یک را نیز در بر می‌گیرد.



شکل شماره ۵: طیف مشارکت شهروندان و جامعه محلی به‌عنوان مخاطبان پروژه‌های طراحی شهری

فرایند طراحی مشارکتی با هدف بهره‌بردن از مشارکت استفاده‌کنندگان از فضای شهری، نیازمند انتخاب درست بین روش‌های مختلف برای ارتباط با مشارکت‌جویان است تا از راه ابزارهای مشارکت بتوان اطلاعات لازم را به دست آورد و رابطه بین متخصص و کاربر را ایجاد کرد (اسلامی و کاملی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۲۲). تکنیک‌های طراحی شهری مشارکتی ابزارهایی است که می‌توان در مرحله مناسب (در طراحی یا فرایند برنامه‌ریزی پروژه‌ها) برای ارتقای کیفی نتایج از آن‌ها استفاده کرد. با هدف تشویق جوامع به مشارکت و دوری از بی‌توجهی به مکان، همچنین افزایش درک موضوعات مربوط به طراحی شهری و یافتن بهترین راه‌حل‌ها از طریق شناخت کامل نیازهای جوامع محلی مخاطب پروژه‌های طراحی شهری، باید با ابزارهای مختلف بین تیم طراحی - تصویب طرح و جامعه محلی مخاطب طراحی، ارتباط دوسویه برقرار کرد. ظرفیت‌سنجی، انتخاب ابزار مناسب جلب مشارکت و درنهایت تدوین سازوکار مناسب برای تفویض قدرت تصمیم‌گیری، و رای سیر فرایند تصمیم‌سازی مشارکتی، از جمله اثربخش‌ترین اقدامات برای جلب مشارکت ذی‌نفعان پروژه‌های خلق فضاهای شهری است.



تبیین مفهوم آموزش اجتماعی براساس فلسفه رئالیسم اسلامی در مقایسه با نظریه‌های طراحی شهری مشارکتی

همان‌گونه که در نظریه‌های شهرسازی و طراحی شهری مشارکتی بیان شده است، مشارکت شهروندان در فرایند توسعه محله (Roberts, 2000)، خلق فضاهای شهری باکیفیت و پاسخگو به نیازهای شهروندان هدف اصلی است که متناسب با آن اصول، روش‌ها و محتوا تدوین شده است. در این دیدگاه، مشارکت حق شهروندان تلقی می‌شود (عبدی دانشپور، ۱۳۹۴). در مقابل، در اندیشه اسلامی مشخصاً به موضوع مشارکت اشاره‌ای نشده است، اما مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌عنوان هدف تعیین گردیده است. در متون اسلامی از نقش‌پذیری افراد در جامعه اسلامی، هم به‌عنوان حق و هم تکلیف یاد شده است (شریعتمداری، ۱۳۴۳ و طباطبایی، ۱۳۸۵).

همچنین در مقابل دو اصل اساسی الزام آگاهی برای مشارکت (Hillier, 2009) و وابستگی پایداری مکان به پایداری اجتماعی (Frostell & Assefa, 2007)، ذیل فلسفه اسلامی مشارکت اجتماعی در گرو آگاهی از نفع حاصل از آن خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۴ و مطهری، ۱۳۸۰). به‌طورکلی علی‌رغم تفاوت‌هایی که در عناوین به‌کاررفته در تبیین مبانی نظری و فلسفی هریک از دو دیدگاه وجود دارد، می‌توان مشابهت‌هایی در جهت‌گیری کلی تبیین نقش آموزش و تعلیم به اجتماع برای تقویت مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی، در هر دو دیدگاه یافت. با هدف مقایسه مؤلفه‌های آموزش مبتنی بر اندیشه اسلامی با نظریات موجود در زمینه مشارکت شهروندان و آموزش اجتماعی، در جدول ۴، به بررسی موضوع پرداخته شده است.

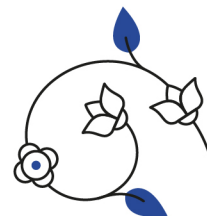
جدول شماره ۴: مقایسه مؤلفه‌های آموزش اجتماعی در نظریه‌های شهرسازی و طراحی شهری مشارکتی با اندیشه اسلامی

مبانی نظری اندیشه اسلامی در باب آموزش و مشارکت اجتماعی	نظریه های شهرسازی و طراحی شهری مشارکتی	
«پرورش نیروی تفکر، پرورش حس مسئولیت اجتماعی» (گوتک، ۱۳۸۰). «پرورش نیروی اراده و اختیار، پرورش حس زیباگرایی» (صالحی و دیگران، ۱۳۹۴)	مشارکت شهروندان در خلق فضاهای شهری با کیفیت و توسعه محله (Roberts 2000)	هدف
«هماهنگی با فطرت، عدالت‌جویی، جامعیت» (مطهری، ۱۳۷۴) نیاز آفرینی (مطهری، ۱۳۸۰) «بهره‌گیری از اراده، تناسب و تلازم عقل و علم، انسانیت دوستی و اخلاق‌مداری» (مطهری، ۱۳۷۴)	تعیین مقوله مشارکت بعنوان حق شهروندی (عبدی دانشپور، ۱۳۹۴) آگاهی از تصمیمات و برنامه‌ها (Hilier 2009) پایداری مکان مستلزم پایداری اجتماعی است (Assefa and Frostell 2007)	اصول
تعقل (مطهری، ۱۳۷۴) «استفهام، محبت و ملاحظت، تکریم، عادت‌داند» (ملکی، ۱۳۸۴) نقش الگویی (صالحی و دیگران، ۱۳۹۴)	قائل به نظریه پراکسیس اجتماعی (Hilier 2009) تبیین پارادایم برنامه‌ریزی با مردم (عبدی دانشپور، ۱۳۹۴) ارائه طیفی از انواع مشارکت براساس اهمیت نقش مردم (Davidson 1998, Petts & Leach 2000)	روش
اخلاق‌مداری حرفه‌ای، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حساس‌سازی نسبت به محیط سکونت	آگاهی‌رسانی - توانمندسازی - ظرفیت‌سازی	محتوا

یافته‌های پژوهش

تبیین ویژگی‌های آموزش به اجتماع براساس فلسفه رئالیسم اسلامی با هدف جلب مشارکت

بر پایه جهان‌بینی اسلامی، انسان دارای فطرت است و گرایش‌های فطری دارد. مانند ظرفی کاملاً خالی نیست و بالقوه دارای استعدادهایی است که می‌تواند با تعلیم و تربیت به‌تدریج و کم‌کم شکوفا شود؛ یعنی انسان موجودی است تربیت‌پذیر (طباطبایی، ۱۳۶۱، ج ۲۰). از طرفی انسان بالضروره موجودی اجتماعی است و از جامعه تأثیر می‌گیرد و بر آن نیز تأثیر می‌گذارد (طباطبایی، ۱۳۷۰). با توجه به اینکه از نظر علامه طباطبایی، انسان دو بعد جسم و روح دارد و روح دارای اصالت است، تعلیم و تربیت نیز باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند هم جنبه‌های جسمانی و نیازهای مادی و هم جنبه‌های روحانی و نیازهای معنوی وی را در بر گیرد و اولویت و اصالت را به ابعاد معنوی انسان بدهد و در واقع تربیت جسمانی را در خدمت رشد معنوی انسان قرار دهد. همگانی و عمومی بودن تعلیم و تربیت را نیز می‌توان از دیدگاه علامه طباطبایی استنتاج کرد. تا جایی که یکی از

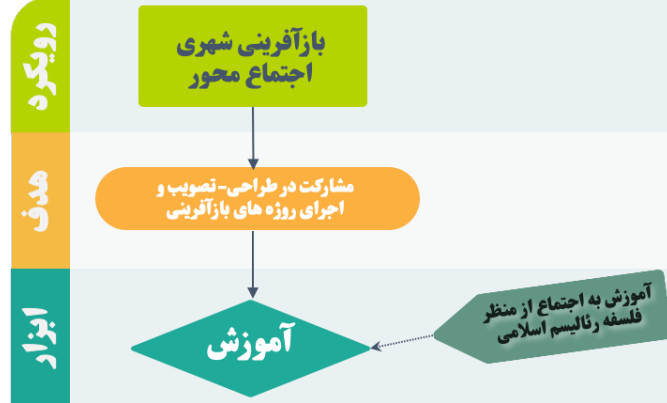


حقوق اساسی انسان بر شمرده می‌شود و از طرفی تکلیفی است بر دوش انسان برای سیر تکامل معنوی در راستای حرکت جوهری. بنابراین آموزش بر پایه جهان بینی اسلامی، هم حق است و هم تکلیف. همچنین از آنجایی که در فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام به معرفت نفس تأکید شده است، اولین گام در آموزش، شناخت انسان و توانایی‌های بالقوه مادی و معنوی او خواهد بود تا مسیر کمال مشخص گردد؛ از این رو می‌توان اذعان کرد که در فرایند آموزش متأثر از فلسفه رئالیسم اسلامی، با هدف جهت‌دهی به رفتار اجتماعی، اصالت به رفتار انسانی داده می‌شود (ندایی، ۱۳۸۹) و می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که بر پایه این جهان بینی، **آموزش از جامعه و آموزش برای جامعه اصل است و نه آموزش به جامعه**. در این جامعه ارزش‌ها بر اساس انسان‌شناسی تبیین می‌گردند و فعالیت‌های انسان در اجتماع، بدون کسب معرفت (پرورش عقل)، اتکاپذیر و لزوماً درست نیست (شریعتمداری، ۱۳۷۵). بر مبنای آنچه ذکر شد و تلفیق دیدگاه‌های پژوهشگران فلسفه رئالیسم اسلامی، می‌توان ویژگی‌های ده‌گانه‌ای را برای آموزش متأثر از این جهان بینی، به شرح زیر برشمرد (مصباح، ۱۳۶۰):

- تبیین‌کننده حقوق شهروندان در مقابل تکالیفشان: در روابط اجتماعی، انسانی که صاحب حق است، مکلف نیز هست. نمی‌توان گفت که یک انسان صرفاً دارای حق بر دیگران است و دیگران در برابر او فقط دارای تکلیف‌اند. بلکه هر انسانی در کنار حقوقی که بر دیگران دارد، تکالیفی نیز در قبال آن‌ها دارد؛ زیرا با توجه به اینکه از یک طرف، غرض از فرض حقوق برای انسان‌ها و موجوداتی که در عالم ماده با او در ارتباط هستند، فراهم کردن زمینه برای به کمال رساندن آن‌هاست و از طرف دیگر، هدف آفرینش، تکامل همه انسان‌ها یا حداکثر ممکن از آن‌هاست، نمی‌توان بعضی از موجودات را صاحب حق و برخی را تنها مکلف دانست (نبویان، ۰۹۳۱ و مصباح یزدی، ۲۸۳۱).
- متکی بر تفویض نقش اجتماعی به ساکنان: آموزش رفتار اجتماعی در فرایند توسعه محلات هدف، با این هدف بنیادین صورت می‌گیرد که جامعه محلی در قبال مسئولیت‌ها آمادگی ایفای نقش بیابد. یکی از موارد آموزشی در این رابطه، توانایی تعریف مسئله، توانایی اولویت‌بندی مسائل موجود، مهارت پاسخ به مشکلات و تقویت روحیه مطالبه‌گری است.
- توجه به اصل استمرار در آموزش و فرایندمحور بودن و تدریجی بودن کسب مهارت: با در نظر گرفتن اینکه فرایند رشد اکتسابی در انسان، تدریجی و گام‌به‌گام است، می‌بایست با استمرار آموزش‌ها در زمان و تدوین برنامه‌های متنوع تئوری و عملی، احتمال موفقیت را افزایش داد.
- در پی یافتن پاسخ برای تفاوت‌های فردی و گروهی: از آنجایی که انسان‌ها در توانایی‌ها، قابلیت‌ها، آموزش‌پذیری، اثرگذاری و حرکت در مسیر رشد اجتماعی با یکدیگر متفاوت‌اند و عواملی نظیر سن، سواد، نژاد و شرایط محیطی اجتماعی در این فرایند تأثیر خواهد داشت، باید سیاست‌گذاری‌ها، اجرای برنامه‌ها، آموزش و هر نوع برخورد یاری‌گرانه با جامعه هدف، به گونه‌ای واقع‌گرایانه، دارای انعطاف باشد.
- بر پایه تعیین اولویت‌های محتوای آموزشی: با توجه به برخی از بنیادهای انسان‌شناختی آموزش متأثر از فلسفه واقع‌گرایی اسلامی، اصل اولویت‌گذاری محتوایی اهمیت بسیار زیادی دارد. طبقه‌بندی اهداف آموزش اجتماعی به سه دسته کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بر این اساس ضروری است که صورت پذیرد.
- اهمیت به آموزش‌دهنده، به‌عنوان رکن آموزشی: از آنجایی که رشدیابی، کمال‌جویی و شکوفایی قابلیت‌های انسان تنها در بستر زندگی اجتماعی امکان می‌یابد، توانایی، دانش و مهارت افرادی که در راه آموزش به جامعه هدف قدم می‌گذارند، بسیار حائز اهمیت است. همه‌جانبه‌نگری، مدیریت در زمانی، مدیریت هم‌زمانی، اشراف به علوم فنی و کارشناسی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، روان‌شناسی اجتماعی و علوم روابط انسانی، تسلط به قوانین حاکم بر رفتار فردی و اجتماعی، از جمله مهارت‌های مورد نیاز این افراد است.
- تبیین نفع ساکنان در پروژه‌های خلق فضاهای شهری: بر پایه اصل تساوی طرفین در تبیین اعتباریات که ناظر بر رفتار اجتماعی در اسلام است، نفع ساکنان در پروژه‌های طراحی شهری و تعیین نقش و تأثیر مسئولیت‌پذیری هریک در بهره‌مندی از این انتفاع، بایستی تبیین گردد و مشخصاً به اطلاع جامعه هدف رسانده شود. در صورتی که این نفع برای ساکنان مبهم باشد یا اساساً وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت مشارکت جامعه محلی در توسعه حاصل گردد.



شکل شماره ۶: نقش آموزش بر پایه فلسفه رئالیسم اسلامی در فرایند بازآفرینی شهری اجتماع محور و طراحی مشارکتی



مؤلفه‌های آموزش به اجتماع در فرایند طراحی مشارکتی فضاهای شهری براساس فلسفه رئالیسم اسلامی

در فرایند طراحی مشارکتی فضاهای شهری، مهم‌ترین عامل آموزش است که هم شامل ذی‌نفعان می‌گردد و هم ذی‌نفعان. بر پایه اهداف و ویژگی‌های برشمرده شده برای آموزش به اجتماع براساس فلسفه رئالیسم اسلامی، مؤلفه‌های آن برای اجرایی کردن فرایند آموزش به اجتماع طی بازآفرینی شهری اجتماع محور در بستر شهر ایرانی اسلامی، بدین ترتیب تبیین می‌گردند:

- شناخت نیازهای واقعی جامعه هدف با رویکرد مشارکتی؛
- اولویت‌بندی نیازهای ذی‌نفعان؛
- ظرفیت‌سازی برای تشخیص مسائل عاجل و بنیادین و تدوین طرح‌های بازآفرینی شهری؛
- ایجاد مهارت تشخیص نفع عمومی در میان ذی‌نفعان در فرایند بازآفرینی اجتماع محور؛
- آگاهی‌بخشی به ذی‌نفعان در خصوص ساختارهای موجود طراحی، تصمیم‌گیری و اجرا؛
- نهادسازی در جامعه مخاطب طرح با هدف ظرفیت‌سازی اجتماعی برای مطالبه‌گری؛
- آموزش شهروندی با هدف تبیین حقوق و تکالیف شهروندی؛
- تأسیس نهاد بازآفرینی محله به‌عنوان رابط بین مدیریت شهری و ذی‌نفعان پروژه‌های طراحی فضاهای شهری؛
- ظرفیت‌سازی در مدیریت شهری برای تفویض برخی اختیارات در سطح محلی به نهادهای بازآفرینی اجتماع محور؛
- آموزش رهبری گروه^{۱۲} و کسب توافق جمعی بر سر موضوعات طراحی به ذی‌نفعان؛
- برنامه‌ریزی آموزش به ساکنان متناسب با فرایند تدریجی بازآفرینی شهری اجتماع محور به‌صورت مستمر و فرایند محور؛
- تشکیل گروه‌های اجتماعی و نهادهای محلی؛
- تدوین آموزش‌های اجتماعی و مهارت‌های متناسب با اهداف بازآفرینی و راهکارهای اجرای آن به تفکیک برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت؛
- آموزش به تسهیلگران با هدف ایجاد مهارت برقراری تعامل سازنده با ذی‌نفعان با نقش میانجی‌گر؛
- آموزش به تسهیلگران در زمینه بازشناسی مبانی قانونی حقوق و تکالیف شهروندی؛
- آموزش به مجموعه مدیریت شهری در زمینه تشخیص ذی‌نفعان و حدود تفویض اختیارات تصمیم‌گیری به آن‌ها در پروژه‌های بازآفرینی شهری اجتماع محور؛
- نهادسازی در درون مجموعه مدیریت شهری با هدف اهمیت‌بخشی به طراحی فضاهای شهری مشارکتی با هدف برقراری عدالت اجتماعی.

نتایج آموزش به ذی‌نفعان در فرایند طراحی شهری مشارکتی ذیل رویکرد بازآفرینی شهری اجتماع محور

در فرایند بازآفرینی شهری در بافت تاریخی شهر شیراز، مجموعه مستحدثات دوره زندیه به‌عنوان اولین اولویت مرمت شهری و بازطراحی فضاهای شهری، در نظر گرفته است. هم‌زمان با نهادسازی در مجموعه مدیریت شهری، آموزش به ذی‌نفعان به‌صورت مستمر برنامه‌ریزی و اجرا شد و همچنین بستر طراحی شهری مشارکتی ذیل رویکرد بازآفرینی شهری اجتماع محور،



در قالب گام‌های زیر ایجاد گردید.

جدول شماره ۵: اقدامات مرتبط با ظرفیت‌سازی برای طراحی شهری مشارکتی در بافت تاریخی شیراز

نهادسازی

- تشکیل دفتر محلی پروژه زندگی

آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی

- شناخت نیازهای فضایی و اولویت‌بندی آن‌ها با مشارکت ذی‌نفعان

آموزش ذی‌نفعان

- آموزش به کسبه و ذی‌نفعان در خصوص مسیر تصمیم‌سازی، تصویب و اجرای پروژه‌ها

بسترسازی

- ایجاد بستر مشارکت ذی‌نفعان در آتلیه طراحی پروژه

ظرفیت‌سازی

- برگزاری دوره‌های آموزش مدیریت شهری در خصوص تأثیر مشارکت در برنامه‌ریزی و طراحی شهری

فرایند طراحی فضای شهری با مشارکت ذی‌نفعان پروژه بازآفرینی سرای روغنی، درنهایت به جلب مشارکت کسبه در اجرای طرح نیز منجر شد. با توافق به‌عمل‌آمده مقرر گردید تأمین بخشی از مصالح مورد نیاز از قبیل سایبان‌ها، خرید سنگ‌های کفسازی پروژه و... توسط کسبه صورت پذیرد. وضعیت فضای سرای روغنی پیش از طراحی و اجرای پروژه بازآفرینی، بدین شرح بوده است:

- فرسودگی فضا به‌لحاظ عملکردی: متروک شدن حجره‌ها یا تبدیل شدن آن‌ها به انبار، تبدیل شدن فضای میانی سرا به پارکینگ؛
- فرسودگی ساختارهای موجود به‌لحاظ کالبدی: کفسازی نامناسب، پوشاندن پیشخوان حجره‌ها با ایرانیت، کمبود پوشش گیاهی و المان‌های تلطیف‌کننده فضا و...؛
- آشفتگی بصری و عدم دعوت‌کنندگی فضا برای شهروندان و گردشگران به‌رغم پتانسیل فراوان؛
- وجود آلودگی‌های صوتی و لرزه‌ای به‌دلیل ورود خودرو به محدوده سرا.



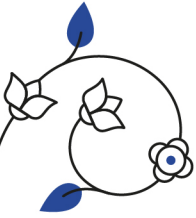
شکل شماره ۸: طرح پیشنهادی بازآفرینی شهری اجتماع‌محور در فضای شهری



شکل شماره ۷: وضعیت سرای روغنی پیش از انجام اقدامات بازآفرینی شهری اجتماع‌محور

طی مذاکرات مستقیم با ذی‌نفعان پروژه مذکور، استراتژی‌های طراحی بدین ترتیب تدوین شد:

با توجه به از میان رفتن بخشی از سرا در جریان احداث خیابان کریمخان زند در دوره پهلوی اول و عدم امکان بازسازی این بخش، بازآفرینی این سرا مبتنی بر الحاق فضای میان سرا به فضای عمومی و یکپارچه‌سازی آن با پیاده‌راه و کیل طرح‌ریزی گردید. بدین ترتیب به‌عنوان اولین قدم تخریب دیواره حائل بین این فضا با محدوده مجاور خود - پیشخوان دروازه ورودی بازار و کیل - اجرا شد و به‌دلیل قرارگیری املاک تجاری موجود در طرح در بَرِ معبر اصلی، ارزش افزوده ایجادشده منجر به ترغیب



بیشتر ذی‌نفعان برای مشارکت در اجرای پروژه گردید؛ تا حدی که برای مذاکره با نهادهای متولی اماکن مذهبی و تغییراتی که در طرح مد نظر بود، پیش قدم شدند.



شکل شماره ۹: سرای روغنی در بافت تاریخی شیراز پس از اجرای پروژه بازآفرینی شهری

تأثیرات ناشی از اجرای پروژه:

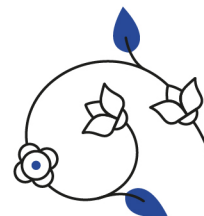
- ارتباط کالبدی مجموعه با فضای پیشخوان دروازه بازار و کیل و ایجاد ارزش افزوده اماکن و سرفعلی؛
- احیای فعالیت در حجره‌های متروک، انبارها و همچنین تغییر کاربری شماری از حجره‌ها از انبار به فروشگاه و کافه؛
- ارتقای سیما و منظر فضا؛
- تجهیز فضای شهری ایجادشده برای گذران اوقات فراغت شهروندان؛
- افزایش دسترسی شهروندان و گردشگران به فضای شهری ایجادشده.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی یافته‌ها در بخش مبانی نظری آموزش به اجتماع براساس فلسفه رئالیسم اسلامی نشان می‌دهد که هدف از آموزش اجتماعی فراتر از جلب حداکثری مشارکت مردمی در فرایند بازآفرینی شهری است و به اهداف خردتری تقسیم می‌شود؛ از جمله پرورش نیروی فکر، پرورش حس مسئولیت اجتماعی، پرورش نیروی اراده و اختیار و پرورش حس زیباگرایی. از طرفی با سیر مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اجتماعی از منظر رئالیسم اسلامی، چنین استنتاج می‌گردد که به‌لحاظ معرفت‌شناسی در این مکتب به پرورش عقل و تفکر اهمیت خاصی داده شده است؛ همچنین از نظر هستی‌شناسی نظام تربیتی رئالیسم اسلامی «خدا محور» است و توحید بر کل دستگاه تربیتی و جنبه‌های مختلف آن حاکم است. درباره تأثیر مقوله هستی‌شناسی بر محتوا نیز، همسو با دیدگاه متافیزیک مکتب رئالیسم اسلامی، تکیه بر رشد عقلانی و اخلاقی است. با بررسی مبانی ارزش‌شناسی فلسفه رئالیسم اسلامی، این‌چنین دریافت می‌گردد که اصولاً ارزش‌های اخلاقی، روح نظام تربیتی در رئالیسم اسلامی را تشکیل می‌دهد. کمال انسان در این دیدگاه در گرو کسب فضایل اخلاقی و تقویت گرایش‌های فطری است و درنهایت مبنای انسان‌شناسی این فلسفه بر این اصل استوار است که آموزش اجتماعی هم حق است و هم تکلیف.

بر پایه جهان‌بینی اسلامی، آموزش از جامعه و آموزش برای جامعه اصل است و نه آموزش به جامعه. در این جامعه ارزش‌ها براساس انسان‌شناسی تبیین می‌گردند. ویژگی‌های آموزش متأثر از این جهان‌بینی بر پایه دو اصل مرتب بر ادراکات اعتباری، اصل کلام-سخن و اصل تساوی طرفین، بدین شرح قابل ذکر است: مبتنی بر شناخت انسان‌شناسانه جامعه هدف، دارای قابلیت آگاهی بخشی از قدرت و توانایی فراگیران و نقشی که در تصمیم‌سازی دارند، تعریف‌کننده دستاوردهای مشارکت آگاهانه و مضرات مشارکت ناآگاهانه، تبیین‌کننده حقوق شهروندان در مقابل تکالیفشان، متکی بر تفویض نقش اجتماعی به ساکنان، توجه به اصل استمرار در آموزش و فرایندمحور بودن و تدریجی بودن کسب مهارت، در پی یافتن پاسخ برای تفاوت‌های فردی و گروهی، بر پایه تعیین اولویت‌های محتوای آموزشی، اهمیت به آموزش‌دهنده به‌عنوان رکن آموزشی، تبیین نفع ساکنان در پروژه‌های توسعه شهری.

در اجرای پروژه بازآفرینی شهری اجتماع‌محور در بافت تاریخی شیراز، با هدف جلب مشارکت ذی‌نفعان در طراحی فضای



سرای روغنی بازار وکیل، به‌عنوان اولین قدم آموزش به ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان انجام شد که در قالب بسترسازی و ظرفیت‌سازی، اقداماتی برای آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی و اولویت‌بندی نیازهای طراحی فضا صورت پذیرفت. تعیین شیوه، محتوا و ماهیت آموزش‌ها ملهم از فلسفه رئالیسم اسلامی، آموزش از جامعه و آموزش برای جامعه انجام شد و درنهایت مهم‌ترین اصل برای جلب مشارکت، تعیین سهم و ارزش اقتصادی هریک از گروه‌های ذی‌نفعان، به‌عنوان دستاوردهای پروژه تشخیص داده شد. دومین عامل تأثیرگذار، تفویض نقش اجتماعی و سرانجام اولویت‌بندی آگاهانه از اقدامات، به‌عنوان نتیجه‌گیری از موردپژوهی، به دست آمده است.



شکل شماره ۱۰: فرایند جلب مشارکت در طراحی فضای شهری براساس فلسفه رئالیسم اسلامی با هدف بازآفرینی شهری اجتماع‌محور

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- تعیین شیوه‌های درآمدزایی و تأسیس صندوق‌های اقتصادی و درآمدی پروژه‌های بازآفرینی شهری در بافت تاریخی با رویکرد ارتقای صنعت گردشگری؛
- سنجش پتانسیل‌های کسب درآمد در بافت تاریخی؛
- تعریف بسته‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با رویکرد شهر خلاق، اقتصاد خلاق و گردشگری خلاق در بافت تاریخی؛
- تدوین سازوکار قانونی کسب درآمد از چرخه اقتصادی گردشگری برای مجموعه مدیریت شهری؛
- تهیه برنامه بازآفرینی آموزش‌محور در بافت تاریخی شیراز؛
- شیوه‌های تعیین ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در پروژه‌های بازآفرینی شهری؛
- تهیه برنامه‌های آموزش به ساکنان و مدیران در خصوص مشارکت در بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا؛
- تدوین برنامه برای رویدادهای تأثیرگذار در فرایند بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا در بافت تاریخی شیراز.

بیانیه‌ها

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ تضاد منافی مرتبط با این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده‌پردازی و طراحی مطالعه؛ گردآوری و مدیریت داده‌ها؛ تحلیل و تفسیر داده‌ها؛ تصویرسازی؛ نگارش پیش‌نویس اولیه؛ بازبینی و اصلاح مقاله؛ مدیریت پروژه تحقیقاتی؛ نسترن نژادغی؛ اعتبار سنجی و تأیید نهایی، نویسنده نسخه نهایی مقاله را تأیید نموده است.

تشکر و قدردانی

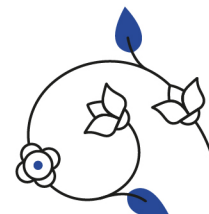
موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است

پی‌نوشت

- 1 Corporation
- 2 Scott Davidson
- 3 Judith Petts & Barbara Leach
- 4 Traditional
- 5 Innovative Consultative
- 6 Innovative Deliberative
- 7 Empower
- 8 Collaborate
- 9 Involve
- 10 Consult
- 11 Inform
- 12 Leadership

منابع

۱. اسلامی، غ. و کامل‌نیا، ح. (۱۳۹۲). معماری جمعی از نظریه تا عمل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. بحرینی، س. ح.، ایزدی، م. س.، و مفیدی، م. (۱۳۹۳). رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). مطالعات شهری، ۹، ۱۷-۲۸.
۳. پوراحمد، ا.، حبیبی، ک. و کشاورز، م. (۱۳۸۹). سیر تحول بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. شهر ایرانی اسلامی، ۱، ۵۳-۵۵.
۴. حبیبی، م. و سعیدی رضوانی، ن. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران. هنرهای زیبا، ۲۴، ۱۵-۲۴.
۵. حسینی، س. ح. (۱۳۸۷). مشارکت پایدار مردمی در نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده شهری. مشهد: انتشارات سخن گستر.
۶. حناچی، پ. (۱۳۹۱). مرمت شهری در بافت‌های تاریخی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. حناچی، پ. و فدایی‌نژاد، س. (۱۳۹۰). تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی-تاریخی. هنرهای زیبا، ۴۶، ۱۵-۲۶.
۸. شرفی، م. و برک‌پور، ن. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی تکنیک‌های مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری، بر مبنای سطوح مختلف مشارکت. نامه معماری و شهرسازی، ۲ (۴)، ۷۷-۱۰۱.
۹. شریتمداری، ع. (۱۳۴۳). تعلیم و تربیت. مجله تعلیم و تربیت، ۱، ۱-۱۰.
۱۰. شریتمداری، ع. (۱۳۷۵). شناخت‌شناسی فلسفی و آموزش. جمله‌نامه فرهنگستان علوم، ۳ (۵)، ۳-۱۶.
۱۱. شریفیان ثانی، م. (۱۳۸۰). فرهنگ شهری: مشارکت شهروندی؛ حکمرانی شهری و مدیریت شهری. مدیریت شهری، ۸، ۴۲-۵۵.
۱۲. صالحی، ا.، مرادی، ا. و فیروزی، ا. (۱۳۹۴). نگاهی جامع به تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری با تأکید بر اصول، اهداف و روش‌های تربیتی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۲ (۲۵)، ۹-۳۷.
۱۳. طباطبایی، م. ح. (۱۳۶۱). تفسیر المیزان (ترجمه ن. مکارم شیرازی، جلد ۲۰). تهران: نشر بنیاد علامه.
۱۴. طباطبایی، م. ح. (۱۳۷۰). نه‌ایه‌الحکمه (ترجمه و شرح ش. شیروانی، جلد ۱). تهران: انتشارات الزهرا.



۱۵. طباطبایی، م. ح. (۱۳۸۵). اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج. ۱ و ۲ و ۳). قم: انتشارات صدرا.
۱۶. عبدی دانشپور، ز. (۱۳۹۴). درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری (چاپ سوم). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. علوی‌تبار، ع. (۱۳۸۲). بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (جلد دوم). سازمان شهرداری‌ها.
۱۸. گوتک، ج. ا. (۱۳۸۰). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی (ترجمه م. پاک‌سرشت). تهران: انتشارات سمت.
۱۹. مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۶۰). اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات سمت.
۲۰. مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۸۲). نظریه حقوقی اسلام: حقوق متقابل مردم و حکومت (نگارش م. نادری و م. کریمی‌نیا، جلد اول و دوم، چاپ اول). قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۱. مطهری، م. (۱۳۷۴). سیری در سیره نبوی. تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. مطهری، م. (۱۳۸۰). فطرت. تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. مک‌کارتی، ج. (۱۳۹۰). شراکت، برنامه‌ریزی تعاونی و بازآفرینی شهری (ترجمه م. خلیل‌نژادی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. ملکی، ح. (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت اسلامی: رویکرد کلان‌نگر. تهران: انتشارات عابد.
۲۵. منگن، ا. پ. (۱۳۹۰). طرد اجتماعی و پهنه‌های مسئله‌دار اروپا؛ مدیریت نوسازی شهری (ترجمه ع. اقوامی مقدم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. نیویان، س. م. (۱۳۸۸). فلسفه حق. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۷. ندایی، ه. (۱۳۷۴). نگاهی گذرا به مبانی تعلیم و تربیت در رئالیسم اسلامی: تأثیر مقولات فلسفی بر جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت. مجله علمی پژوهشی مصباح، ۴ (۱۵)، ۷-۱۶.
28. Assefa, G., & Frostell, B. (2007). Social sustainability and social acceptance in technology assessment: A case study of energy. *Technologies in Society Journal*, 29, 63-78. <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2007.01.012>
29. Baker, M., Coaffee, J., & Sherriff, G. (2006). Achieving successful participation: Literature review. Department for Communities and Local Government.
30. Bevilacqua, C., Calabro, J., & Maione, C. (2013). The role of community in urban regeneration: Mixed use area approach in USA. In *Proceeding REAL CORP 2013* (pp. 20-23). Rome: Tagungsband.
31. Calthorpe, P., & Fulton, W. (2001). *The regional city*. Island Press.
32. Colantonio, A., & Dixon, T. (2011). *Urban regeneration & social sustainability: Best practice from European cities*. Wiley-Blackwell.
33. Healey, P. (1996). The communicative turn in planning theory and its implications for spatial strategy formation. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 23, 217-234. <https://doi.org/10.1068/b230217>
34. Hillier, J. (2010). *Shadows of power: A story of foresight in land use planning* (K. Pouladi, Trans.). Tehran: Publications of Iranian Society of Consulting Engineers.
35. Izadi, M. S. (2006). *A study on city center regeneration: A comparative analysis of two different approaches to the revitalization of historic city centers in Iran* (Doctoral dissertation, Newcastle University).
36. Large Scale Urban Distressed Areas (LUDA). (2003). *Appraisal of urban rehabilitation literature and projects, including a glossary of terms and a preliminary set of indicators characterizing LUDA*. Dresden.
37. McDonald, S., Malys, N., & Maliene, V. (2009). Urban regeneration for sustainable communities: A case study. *Technological and Economic Development of Economy*, 15(1), 49-59. <https://doi.org/10.3846/1392-8619.2009.15.49-59>
38. Petts, J., & Leach, B. (2000). Evaluation methods for public participation: Literature review. Environment Agency.
39. Roberts, P. (2000). The evolution, definition, and purpose of urban regeneration. In *A handbook*, British Urban Regeneration Association. London: SAGE Publications.
40. Turok, I. (2004). Urban regeneration: What can be done and what should be avoided? *Proceedings of the Istanbul Conference on Urban Regeneration*. Istanbul: Lutfi Kirdar Exhibition Centre.





ABRIDGED PAPER

ORIGINAL REASERCH PAPER

Assessing the Tourism Status of Shiraz Metropolitan City Based on Environmental Sustainability Components in Urban DesignHasan Afza¹, Ali Shamsoddini^{2,*}

1.M.A in Urban Planning, Apadana university, Shiraz, Iran.

2.Associate proff in Urban Planning, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

Sustainable tourism, relying on the concept of sustainable development, wants the tourism industry to have the least impact on the host society and the environment while being economically profitable. In the 21st century, the advancement of technology makes human time freer and have more time. For this reason, this century has been called the century of the tourism industry. Due to the technological, cultural, political, social and economic infrastructures created in the 21st century, the phenomenon of tourism will be an inevitable reality in human behavior and action to satisfy his curious spirit. Therefore, this research has been conducted with the aim of analyzing the tourism situation of Shiraz city based on sustainability components. The method used was descriptive-analytical. The social, economic and environmental dimensions were analyzed by the indicators of each with the T-Tech model. The results of the analyzes for each component were in a positive direction for the metropolis of Shiraz.

ARTICLE INFO

Received 02/07/2024

Revised 18/07/2024

Accepted 04/08/2024

Available Online 16/09/2024

Keywords

city
tourism
sustainability
Shiraz city
exemplary T-Tech model

Highlights

- Tourism is a multifaceted activity encompassing economic, social, cultural, political, and environmental dimensions.
- Tourism has the potential to enhance indicators of social justice, improve living standards, promote public welfare, and achieve regional balance and equity.
- Proposed strategies are outlined across three scales: short-term, medium-term, and long-term.



Citation of the article

Afza, H., & Shamseddini, A. (2024). Assessing the components of Shiraz city based on environmental sustainability elements in urban design. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 55-74.

*Author Corresponding:

Email: Ali.shamsoddini@yahoo.com

Introduction: The tourism industry has emerged as one of the most significant phenomena of the contemporary world in recent decades. Its remarkable growth over the past half-century has had substantial economic and cultural impacts on nations, prompting some scholars to refer to this era as the "Century of Tourism." Tourism serves as an effective tool for economic and social development, playing an unparalleled role in creating jobs, generating income, and enhancing urban and rural infrastructures. Particularly in countries grappling with challenges such as high unemployment rates and limited economic resources, tourism has become a sustainable source of revenue and a means to reduce reliance on single-product economies.

Cities, as historical and cultural hubs, have always attracted the attention of tourists. Urban tourism, which specifically identifies cities as destinations, serves a dual purpose: functioning as both the starting point and the endpoint of tourist journeys. This type of tourism, with its historical, cultural, and man-made attractions, contributes to strengthening urban identity and economic vitality. Tourist-friendly cities increasingly rely on modern spaces such as shopping centers and cultural complexes alongside their natural and cultural heritage. This approach necessitates meticulous planning to manage resources, mitigate negative impacts, and ensure the sustainable utilization of attractions.

The significance of tourism as a means of sustainable development has also captured the attention of researchers and policymakers. Sustainable tourism development is based on principles such as preserving environmental quality, maintaining biodiversity, and respecting the cultures of host communities. Comprehensive studies and strategic planning are essential to fully utilize this potential. This approach holds particular importance for cities like Shiraz, which boast a rich array of historical and cultural attractions.

Sustainable tourism not only focuses on economic dimensions but also encompasses social and cultural aspects. Goals of this approach include preserving cultural heritage, fostering intercultural interactions, and minimizing the adverse effects of tourism. Studies indicate that urban tourism development should align with environmental, cultural, and social capacities. In other words, tourism growth should not lead to the degradation of natural resources or harm cultural structures.

Tourism, as one of the world's largest industries, includes various types such as cultural, ecotourism, religious, and health tourism. Each type requires unique infrastructure and planning. Specifically, in cities with cultural and historical appeal, tourism can bolster local identity and promote international interactions. However, challenges such as pressure on local resources, population density, and increased pollution necessitate smart management.

In this context, leveraging advanced technologies and implementing smart tourism destinations as an emerging trend has enabled the optimal utilization of resources and improved tourist flow management. This trend enhances tourist experiences while reducing environmental impacts, supporting the concept of sustainable tourism.

In summary, the tourism industry is one of the key pillars of sustainable development in the contemporary world. Tourist-friendly cities, with their abundant cultural and natural resources, can play a vital role in boosting local economies, fostering cultural interactions, and preserving natural heritage. However, success in this domain requires comprehensive planning and a sustainability-oriented approach that balances environmental, social, and cultural resources.

Materials and Methods: This study is applied research in terms of its objective and descriptive-analytical in nature and method. It employs a quantitative approach for data collection. The research utilized field methods conducted by the researcher, employing random sampling. The statistical population comprises all officials and employees of Shiraz Municipality, and the sample size was determined using the unlimited population sampling formula. Based on Cochran's formula for an unlimited population, the minimum sample size was 196. To account for potential questionnaire dropouts, 210 questionnaires were distributed, and 197 were analyzed. Data collection was conducted through both library and field methods. In the library section, the researcher identified key components by reviewing relevant books, articles, and theses. Data collection in the field section utilized a researcher-developed questionnaire



with a 5-point Likert scale.

Findings: Numerous indicators can be analyzed in the context of sustainable tourism. This section examines indicators related to economic, social, and environmental dimensions using a single-sample T-model. The indicators for each dimension are as follows:

Social Dimension:

- Preservation of cultural heritage.
- Organization of cultural festivals to promote traditions.
- Satisfaction with urban security.
- Percentage of households with access to welfare services in the region.

Economic Dimension:

- Regional tourism demand.
- Tourist perceptions of service quality versus cost in the region.
- Availability of telecommunication services such as phone and mail.
- Government collaboration with NGOs in tourism.
- Provision of official tourist accommodations like hotels and guesthouses.

Environmental Dimension:

- Implementation of waste management programs in the region.
- Noise pollution levels throughout the day.
- Construction density per unit area.
- Awareness of environmental issues.

Experts assessed the status of the study components. The indicators for Shiraz were evaluated positively, with most items exceeding baseline values, except for the percentage of households with access to welfare services in the social dimension. Effective management and planning for Shiraz's tourism, considering its extensive attractions and rich history, can significantly enhance employment opportunities for citizens.

Discussion and Conclusion: Tourism encompasses a broad spectrum of economic, social, cultural, political, and environmental dimensions. The extensive scope of this activity necessitates principled planning and effective management for its development. Naturally, any planning effort must begin with a clear understanding of basic concepts in tourism and accurate analyses. Therefore, it is essential to examine tourism from various perspectives, define and analyze its fundamental components, evaluate different theories, and classify them comprehensively.

Many perceive tourism's importance solely in terms of income generation and job creation. However, its significance extends beyond economic benefits. With strategic and planned development, tourism can improve social justice indicators, enhance living standards, increase public welfare, and achieve regional balance.

Shiraz is one of the most popular destinations for domestic and international tourists, renowned for its numerous historical, religious, natural, and cultural attractions, as well as its economic and service sector strengths, particularly in higher education and healthcare. As outlined in the draft National Tourism Development Plan, Shiraz is the center of Iran's fifth tourism region, encompassing the provinces of Fars, Isfahan, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad, and Bushehr, with over 150 historical, cultural, and natural attractions.

Based on the results of this study, three categories of strategies are proposed for implementation in the short, medium, and long term:

Short-Term Strategies:

Establish dedicated social networks for tourism destinations.

Provide technical support for the development and promotion of tourism-related pages.

Conduct specialized training courses for tourism stakeholders to promote sustainable urban development.

Develop an elite educational system in tourism.

Facilitate internal communications through urban development systems.
Respond swiftly to existing needs and demands in tourism destinations.
Revise and standardize tourism destination indices.
Identify key stakeholders to address their needs effectively.

Medium-Term Strategies:

Create databases of structural deficiencies and human resources in tourism destinations.
Empower various sectors within tourism destinations.
Prioritize project delegation in tourism destinations.
Redesign reporting, evaluation, and monitoring systems in tourism destinations.
Streamline and integrate human development processes in health tourism destinations.
Establish an optimal value chain in tourism destinations.

Long-Term Strategies:

Improve legal support for tourism promotion activities.
Foster a culture of accountability in tourism destinations.
Strengthen a spirit of service in tourism destinations.
Uphold the dignity of tourism destinations by promoting urban values and norms.
Implement integrated media structures and information dissemination systems for urban tourism.

DDeclarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

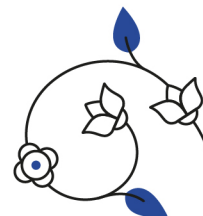
Conceptualization and study design: Hasan Afza, Ali Shamseddini; data collection and management: Hasan Afza; data analysis and interpretation: Hasan Afza, Ali Shamseddini; preparation of tables, charts, maps, and illustrations: Hasan Afza; drafting of the manuscript: Ali Shamseddini, Hasan Afza; review and revision of the manuscript: Ali Shamseddini, Hasan Afza; validation and final approval: Ali Shamseddini.

Acknowledgments:

The authors sincerely thank the residents of Sang-e Siah neighborhood in Shiraz for their cooperation in providing the required information.

RReferences

1. Alipour, A., Alipouri, E., & Hamidi, M. S. (2020). Spatial analysis of tourism capacity in desert and arid regions and its role in social sustainability: A case study of Yazd province. *Spatial Analysis of Environmental Hazards Journal*, 7(1). [In Persian].
2. Alizadeh, S. D. (2010). Examining the social damages of tourism in the Thamen area of Mashhad metropolis. Master's Thesis, Payam Noor University, Tehran. [In Persian].
3. Anabestani, A. A., Aliziyari, Y., & Anabestani, Z. (2013). Investigating the impacts of the Padeh Tourism Company on urban development in Shandiz. *Tourism Planning and Development Journal*, 2(5). [In Persian].
4. Anvari Arya, M., & Nasaj, M. (2007). Examining and explaining the role of tourism industry in urban spaces. *Regional Conference on Geography, Tourism, and Sustainable Development, Islamshahr*. [In Persian].
5. Ashrafzadeh, M., Madadi Khademi, N., & Bandani, S. (2010). Environmental impacts assessment of coastal tourism projects: A case study of the international tourist city of Persian Gulf. *Environmental Studies Research*. [In Persian].
6. Bell, S., & Morse, S. (2013). *Measuring sustainability: Learning from doing*. Routledge.
7. Bennet, J. A., & Strydom, J. W. (2001). *Introduction to travel and tourism marketing*. Johannesburg: Juta.
8. Cooper, C. P. (1981). Spatial and temporal patterns of tourist behaviour. *Regional Studies*, 15, 359-371. <https://doi.org/10.1080/00343408112331321521>



9. Dinari, E. (2005). Urban tourism in Iran and the world. Mashhad: Vazhgan Khord Press. [In Persian].
10. Fennell, D. A. (1999). Ecotourism: An introduction. Routledge.
11. Ghedami, M., & Aligholizadeh Firouzjani, N. (2012). Assessing destination tourism development within the framework of sustainability: A case study of Tameshkal Village, Tonekabon County. Geographical Research Quarterly Journal, 1. [In Persian].
12. Hasnavi, S., & Khodapanah, M. (2014). Impact of tourism on economic growth in developing countries: Two approaches of static and dynamic panel. Strategic and Macro Policies Journal, 2(6). [In Persian].
13. Hawkins, S. (2007). The World Bank's role in tourism development. Annals of Tourism Research, 34(2), 348-363. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2007.01.007>
14. Howes, H. (2000). Sustainable development comes of age: The Thames environment 21 experience. In K. Williams, E. Burton, & M. Jenks (Eds.), Achieving sustainable urban form (pp. 235-252). Routledge.
15. Inskip, E. (1991). Tourism planning. New York: Van Nostrand Reinhold.
16. Kazemi, M. (2006). Tourism management. Tehran: Samt. [In Persian].
17. Mahmoudi Meymand, M., & Moghaddami, E. (2011). Modern global tourism management: Understanding concepts, principles, and tourism marketing. Tehran: Mekam Publications. [In Persian].
18. Papli Yazdi, M. H., & Saqaei, M. (2007). Tourism (Nature and Concepts). Tehran: Samt. [In Persian].
19. Pinkster, F. M., & Boterman, W. R. (2017). When the spell is broken: Gentrification, urban tourism, and privileged discontent in the Amsterdam canal district. Cultural Geographies, 24(3), 457-472. <https://doi.org/10.1177/1474474017706176>
20. Rahnami, M. T. (2007). Tourism geography textbook. Faculty of Geography, University of Tehran. [In Persian].
21. Sharpley, R., & Julia, T. (2014). Rural tourism (R. Manshizadeh & F. Nasiri, Trans.). Tehran: Manshi Publications. [In Persian].
22. Taghvaei, M., & Safar Abadi, E. (2013). The role of urban management in achieving sustainable urban tourism development: A case study of Kermanshah city. Geographical Studies of Arid Regions. [In Persian].
23. World Tourism Organization (UNWTO). (2014). A specialized agency of the United Nations, International Forum on Sustainable Development of Tourism and Innovation. Cartagena de Indias, Colombia, 24 June.

Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





سنجش وضعیت گردشگری کلان شهر شیراز براساس مؤلفه‌های پایداری محیطی در طراحی شهری

حسن افزا^۱، علی شمس‌الدینی^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی آبدانا، شیراز، ایران.
۲- دانشیار گروه شهرسازی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

مشخصات مقاله

گردشگری پایدار، با اتکا بر مفهوم توسعه پایدار، می‌خواهد صنعت گردشگری در عین سوددهی اقتصادی، کمترین تأثیر را بر جامعه میزبان و محیط زیست داشته باشد. در قرن بیست و یکم، پیشرفت فناوری موجب می‌شود تا وقت انسان بیش از پیش آزاد شود و زمان بیشتری داشته باشد. به همین دلیل این قرن، قرن صنعت گردشگری نام گرفته است. به دلیل زیرساخت‌های فناوری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد شده در قرن بیست و یکم، پدیده گردشگری واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در رفتار و عمل انسان برای ارضای روح کنجکاو او خواهد بود؛ از این رو این پژوهش با هدف تحلیل وضعیت گردشگری شهر شیراز براساس مؤلفه‌های پایداری انجام شده است. روش به کار رفته به صورت توصیفی تحلیلی بوده است. ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به وسیله شاخص‌های هریک با مدل تی تک‌نمونه تحلیل شد. نتایج تحلیل‌ها برای هر مؤلفه در جهت مثبت برای کلان شهر شیراز بوده است.

واژگان کلیدی

شهر
گردشگری
پایداری
شهر شیراز
مدل تی تک‌نمونه‌ای

نکات شاخص

- گردشگری فعالیتی گسترده با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی است.
- گردشگری قادر است شاخص‌های عدالت اجتماعی، ارتقای سطح زندگی، رفاه عمومی، تعادل و توازن منطقه‌ای را بهبود بخشد.
- راهبردهای پیشنهادی، در سه مقیاس کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت ارائه گردیده است.

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

افزا، ح. و شمس‌الدینی، ع. (۱۴۰۳). سنجش مؤلفه‌های شهر شیراز براساس مؤلفه‌های پایداری محیطی در طراحی شهری. *نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران*، (۱۱)، ۷۴-۵۵.

*نویسنده مسئول: علی شمس‌الدینی

آدرس پستی نویسنده مسئول: Ali.shamsoddini@yahoo.com





ORIGINAL REASERCH PAPER

Assessing the Tourism Status of Shiraz Metropolitan City Based on Environmental Sustainability Components in Urban Design

Hasan Afza¹, Ali Shamsoddini^{2,*}

1.M.A in Urban Planning, Apadana university, Shiraz, Iran.

2.Associate proff in Urban Planning, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

Sustainable tourism, relying on the concept of sustainable development, wants the tourism industry to have the least impact on the host society and the environment while being economically profitable. In the 21st century, the advancement of technology makes human time freer and have more time. For this reason, this century has been called the century of the tourism industry. Due to the technological, cultural, political, social and economic infrastructures created in the 21st century, the phenomenon of tourism will be an inevitable reality in human behavior and action to satisfy his curious spirit. Therefore, this research has been conducted with the aim of analyzing the tourism situation of Shiraz city based on sustainability components. The method used was descriptive-analytical. The social, economic and environmental dimensions were analyzed by the indicators of each with the T-Tech model. The results of the analyzes for each component were in a positive direction for the metropolis of Shiraz.

ARTICLE INFO

Received	02/07/2024
Revised	18/07/2024
Accepted	04/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

city
tourism
sustainability
Shiraz city
exemplary T-Tech model

Highlights

- Tourism is a multifaceted activity encompassing economic, social, cultural, political, and environmental dimensions.
- Tourism has the potential to enhance indicators of social justice, improve living standards, promote public welfare, and achieve regional balance and equity.
- Proposed strategies are outlined across three scales: short-term, medium-term, and long-term.

Citation of the article

Afza, H., & Shamseddini, A. (2024). Assessing the components of Shiraz city based on environmental sustainability elements in urban design. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 55-74.

*Author Corresponding: Ali Shamsoddini

Email: Ali.shamsoddini@yahoo.com



مقدمه

صنعت گردشگری، یکی از پدیده‌های مهم هزاره سوم، طی نیم‌قرن گذشته است. این صنعت با رشد تصاعدگونه خود تأثیر بسزایی در رشد و پویایی اقتصادی و تبادلات فرهنگی کشورها داشته است؛ به طوری که بسیاری از صاحب‌نظران، قرن حاضر را قرن گردشگری نام نهاده‌اند (اشرف‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۴). از گردشگری به‌عنوان گذرگاه توسعه، اهرمی قدرتمند در الگوواره توسعه (هواکینز^۱، ۲۰۰۷: ۳۵۰) بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین صنعت در جهان (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲) و رکن اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند. این صنعت در بسیاری از کشورها به‌عنوان یکی از عوامل مهم ایجاد درآمد، اشتغال، کاهش نرخ بیکاری، رشد بخش خصوصی و توسعه ساختارهای زیربنایی در نظر گرفته می‌شود. در سالیان گذشته، شهرها به‌طور عام به‌عنوان نواحی مبدأ صدور گردشگر و مکان‌های غیرشهری به‌عنوان مقصد گردشگران معرفی شده‌اند. شهرها همواره در طول اعصار و قرون متمادی، با توجه به اینکه کانون قدرت و تصمیم‌گیری بوده‌اند، در درون خود آستان حوادث و جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیار هستند که امروزه در کانون توجه گردشگران قرار گرفته است. امروزه یکی از فضاهای گردشگری که مورد توجه گردشگران واقع شده، فضاهای شهری است. گردشگری شهری دارای ماهیت دوگانه است؛ به این معنا که از یک سو شهر به‌معنای اصلی‌ترین مبدأ گردشگران

به شمار می‌آید و دوم اینکه شهر به‌عنوان مقصد گردشگری مد نظر قرار می‌گیرد. آنچه مربوط به گردشگری شهری است، عموماً شهر را به‌عنوان مقصد گردشگری در نظر دارد و در واقع، هدف از ورود گردشگر به فضای شهری، یعنی شهر مقصد گردشگری است و به‌قصد بازدید از جاذبه‌های گردشگری شهر وارد فضای آن می‌شود (راهنمایی، ۱۳۸۶: ۲۰). شهرها دارای جاذبه‌ها و تأسیسات گردشگری فراوان و غنی هستند که در ظهور و توسعه آن‌ها نقش اساسی ایفا می‌کنند. امروزه گردشگری برای بسیاری از مدیران و مسئولان شهری به‌صورت امر اقتصادی بااهمیتی درآمده است که مستلزم ارزیابی صحنه رقابت، تعریف و تعیین هدف‌ها، داوری میان گزینه‌های گوناگون در زمینه سرمایه‌گذاری و آمایش و ایجاد ساختار مناسب و تجارتي فرآورده‌های گردشگری شهری است (دیناری، ۱۳۸۴: ۱۱).

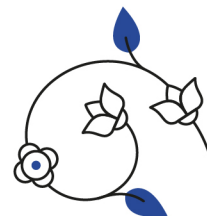
چنانچه بخواهیم از این صنعت به‌عنوان یکی از منابع مالی در چرخه اقتصاد و برآورده کردن نیازهای فرامعیشی انسان به تفرج، به‌صورت پایدار استفاده کنیم، انجام مطالعات جامع برای دستیابی به برنامه مدون و تعیین سیاست‌های اصولی در توسعه سازگار با محیط‌زیست ضروری به نظر می‌رسد (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). گردشگری پایدار، حفظ کیفیت محیط‌زیست و جاذبه‌های طبیعی منابع، حفظ تنوع زیستی، حفظ تداوم فرهنگ جامعه، به حداقل رساندن آثار منفی گردشگری در محیط، تأمین نیازهای گردشگران، استفاده پایدار از منابع، تلفیق گردشگری با برنامه‌ریزی و... است (Fennell, 1999)؛ از این‌رو نوشتار حاضر نیز با درک مسئله فوق، می‌کوشد اثرات گردشگری بر پایداری جامعه میزبان را بررسی کند. بدین منظور شهر شیراز با توجه به حجم عظیم جاذبه‌ها به‌عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شده است و درباره پایداری مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی (زیست‌محیطی و زیرساخت‌ها) و شاخص‌های آن به‌صورت تحلیلی بررسی شده است.

مبانی نظری

گردشگری

گردشگری واژه‌ای فرانسوی است که از واژه تور گرفته شده و در فرهنگ لغت معانی زیر برایش آورده شده است: طی کردن پیرامون، سیر و گردش کردن (محلای، ۱۳۸۰: ۲). گردشگری پدیده‌ای در حال گسترش است که روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود و با توجه به دگرگونی‌های صورت‌گرفته در جوامع و روند جهانی شدن میزان تمایل مردم نقاط مختلف جهان به این صنعت به‌طور روزافزونی افزایش یافته است (محمودی و مقدمی، ۱۳۹۰). در سال ۱۹۶۳، کنفرانس گردشگری در شهر روم، واژه گردشگر را چنین تعریف کرد: گردشگر کسی است که به‌طور موقت مسافرت می‌کند و در کشور محبوب خود حداقل ۲۴ ساعت اقامت می‌نماید و در ضمن، هدف از مسافرت را استفاده از تعطیلات، تأمین سلامتی، مطالعه و پژوهش، موارد مذهبی و ورزشی عنوان می‌کند.

گردشگری نیازی انسانی است. گردشگری پدیده‌ای اجتماعی است که شامل تعاملات و روابط میان اشخاص، سازمان‌ها و گروه‌های ذی‌نفع گوناگون، به‌ویژه بین گردشگران و ساکنان محلی است (شارپلی، ۲۰۱۴). گردشگری انواع مختلفی دارد و



شناخت انواع گردشگری برای برنامه‌ریزی در این عرصه اهمیت اساسی دارد. در یک تقسیم‌بندی، گردشگری به سه نوع فرهنگی، طبیعت‌گردی و ماجراجویانه تقسیم شده است که به‌طور مختصر از آن به‌عنوان گردشگری ACE یاد می‌شود. برای گردشگری انواع مختلف و گاهی متفاوتی را برشمردند که این به‌دلیل نگاه‌های متفاوت به این صنعت است. در مجموع می‌توان گردشگری را براساس یک سری عوامل چون انگیزه، هدف و یا مقصد مد نظر به چند دسته تقسیم کرد: گردشگری فرهنگی، طبیعت‌گرا (طبیعی)، تاریخی، تفریحی، تجاری، شهری، روستایی، قومی و عشایری، مذهبی، ورزشی، سلامت بهداشتی، آموزشی و علمی و گردهمایی و... (پاپلی یزدی، ۱۳۸۶).

جدول ۱. مفاهیم گردشگری از دیدگاه صاحب‌نظران

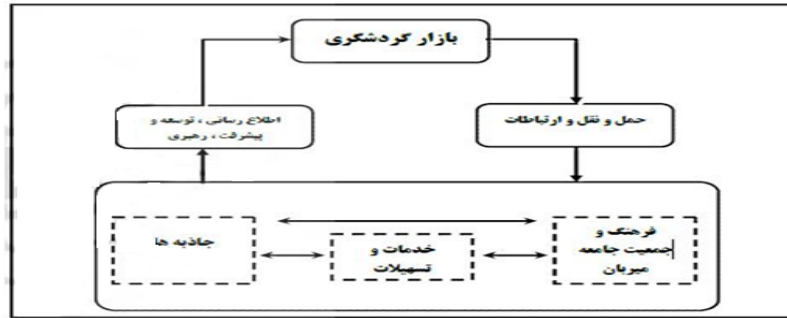
گردشگری پدیده‌ای چندبعدی است که شامل عزیمت به مقصدهایی خارج از محل سکونت عادی و مطالعه آن منطقه است. در واقع گردشگری پدیده‌ای متشکل از عناصر پویا، ایستا و غیرمستقیم است.	ماتیسون و وال (۱۹۸۲)
گردشگری شامل سفر غیرساکنان گردشگر و ماجراجویان به یک مقصد است، تا زمانی که این سفر به سکونت دائمی تبدیل نشده است. گردشگری ترکیبی است از گردش و تجارت.	مورفی (۱۹۸۵)
گردشگری فعالیتی چندجانبه بوده و از آنجاکه در مراحل مختلف آن از مبدأ تا مقصد، خدمات درخواست و عرضه می‌شود، از لحاظ جغرافیایی نیز پیچیده است. علاوه بر این احتمالاً در هر کشوری یا منطقه‌ای تعداد زیادی مبدأ یا مقصد وجود دارد که اغلب آن‌ها دارای هر دو خصوصیت حرکت (مبدأ) و پذیرش (مقصد) هستند.	پیرس (۱۹۸۹)
عمل جابه‌جایی به خارج از جامعه برای تجارت یا تفریح و نه برای انجام کار روزمره یا تحصیل را گردشگری گویند.	گی، ماکنز و چوی (۱۹۸۹)
گرچه سفر و گردشگری همواره به‌صورت یک صنعت تعریف می‌شود، بهترین دیدگاه این است که آن را بازار تمام‌عیاری بدانیم که بیانگر تقاضا و الگوهای مصرف‌گرایی فرآیندهای بازدیدکنندگان برای تولیدات بسیار متنوع مسافرپسند است.	میدلتون (۱۹۹۸)
از دیدگاه بین‌المللی، گردشگر، بازدیدکننده‌ای است که طول اقامت او در یک کشور، ۲۴ ساعت یا بیشتر باشد و حداقل یک شب را در کشور بازدید شده بگذراند.	بیچریل
گردشگری عبارت است از مجموعه کارهایی که یک فرد در سفر و در مکانی غیر از محیط عادی خود برای مدتی که کمتر از ۲۴ ساعت و بیشتر از یک سال نیست، انجام می‌دهد. هدف آن سرگرمی، تفریح، استراحت، ورزش، دیدار با اقوام و آشنایان، کسب‌وکار، مأموریت، شرکت در سمینار یا کنفرانس، درمان، مطالعه، تحقیق، فعالیت‌های مذهبی و فعالیت‌هایی از این قبیل است.	سازمان جهانی گردشگری

اهمیت گردشگری

اهمیت گردشگری از این حیث است که به‌عنوان وسیله‌ای برای توسعه اجتماعی و اقتصادی، مطرح شده و توسط جامعه بین‌المللی از طریق طرح‌های متعدد به تصویب رسیده است. این صنعت وابستگی شدید خود را از میراث طبیعی و تنوع زیستی و اثر خود را به‌عنوان یک ابزار استراتژیک ایجاد کرده است؛ تغییری در ذهن مجموعه‌ای از جامعه که به‌دنبال حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان یک عنصر ضروری برای ترویج مقاصد گردشگری است (Organiza- Tourism World, 2014, tion). توسعه این صنعت برای کشورهای درحال توسعه که با معضلاتی از جمله بیکاری زیاد، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک‌محصولی روبه‌رو هستند، اهمیت فراوانی دارد؛ چراکه این دسته از کشورها اقتصاد و منبع درآمد پایدار ندارند و در گذر زمان باید به منابع درآمدی پایدار روی آورند (حسون و خداناه، ۱۳۹۳).

گردشگری امروزه در بسیاری از مناطق توانسته است تحولات زیادی در بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع شهری پدید آورد (عناستانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۹). به‌طوری‌که شهرها و گردشگری روابط مکملی دارند؛ چراکه تمامی انواع گردشگری به‌نوعی به کانون‌ها و خدمات شهری نیازمند هستند. خواسته‌ها، نیازها، الگوها، جریان‌ها و شیوه‌های ساکنان و بازدیدکنندگان همیشه یکسان نیستند و می‌توانند به‌طرز وحشتناکی متفاوت باشند یا به رقابت برای منابع یکسان (برای مثال دارایی) منجر شوند که به نارضایتی و خصومت ختم می‌شود (Boterman and Pinkster, 2017). در برخی زمینه‌ها که به‌موجب آن قرار گرفتن در معرض فرصت‌های گردشگری بسیار محدود یا غیرموجود است، افراد ممکن است از مزایای سفر و تجربه مکان‌ها یا فرصت‌های جدید آگاه نباشند. برای این گروه‌ها، ممکن است لازم باشد که اطلاع‌رسانی و آموزش داده شود تا اولویت‌های گردشگری را توسعه دهند.

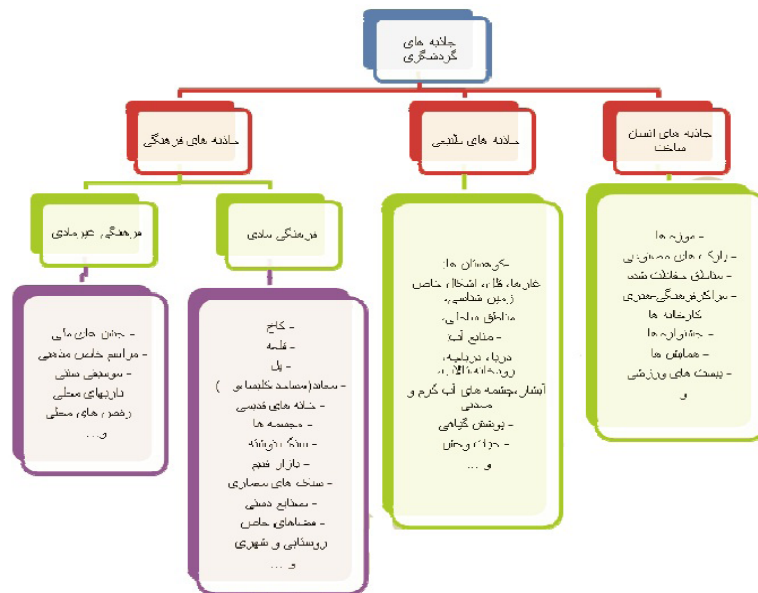




شکل ۱. عوامل شکل دهنده محیط گردشگری (علیزاده، ۱۳۸۹: ۳۹)

مقاصد گردشگری

گردشگری بیش از هر فعالیت اقتصادی و صنعتی دیگر در جهان، موجب تحرک سرمایه و انتقال پول شده است و به عنوان بزرگ ترین صنعت خدماتی جهان از حیث درآمدزایی شناخته می شود (زروکی و اولیایی نسب، ۱۳۹۶). داده ها یا منابع اصلی برای تولید فعالیت های گردشگری سایت های تاریخی، منابع طبیعی و میراث اجتماعی فرهنگی موجود در یک مکان هستند (یکنسی، ۲۰۱۴). امروزه مقاصد مختلفی که گردشگران متمایل اند اوقات فراغت خود را دور از محیط شهر و انواع مختلف آلودگی و شلوغی در آنجا بگذرانند، بسیار متنوع است و تنها شامل لکه ها و پهنه های بکر طبیعی نیست. منابع مختلف، تقسیم بندی های متفاوتی را از جاذبه های گردشگری از دیدگاه های مختلف ارائه کرده اند. رایج ترین الگوی استناد در اغلب مطالعات، الگوی پیشنهادی سازمان جهانی گردشگری است که در نمودار زیر ارائه شده است.



شکل ۲. دسته بندی انواع جاذبه های گردشگری (Inskeep, ۱۹۹۹)

جاذبه های طبیعی: جاذبه های طبیعی موجود در مقصد، غالباً اولین موضوعی است که توجه گردشگر را جلب می کند که اصولاً ترکیب متنوعی از منابع طبیعی را می توان به منظور ایجاد محیطی جذاب برای توسعه گردشگری به کار گرفت.

جاذبه های فرهنگی: در صنعت گردشگری، فرهنگ به عنوان عامل جذب عمل می کند. برای گردشگرانی که سفر می کنند، فعالیت ها، رویدادها و محصولات فرهنگی، همچون نیروی الهام بخش و جذاب بر آنان اثر می گذارد. جاذبه های



فرهنگی شامل تمام تجلی‌ها و تبلورهای بیرونی و رسمی فرهنگ هر کشور است که می‌توان آن‌ها را دید، نمایش داد یا به‌نوعی عرضه کرد.

جاذبه‌های انسان‌ساخت: به همه عناصر و پدیده‌های مصنوع دارای ارزش و حائز تعریف معیار جذابیت، جاذبه انسان‌ساخت گفته می‌شود. مقاصد گردشگری با توجه به پتانسیل‌ها و منابع گردشگری مختلفی که در بر دارند، ممکن است یک یا چند نوع از جاذبه‌های گردشگری را به گردشگران به‌عنوان محصول گردشگری ارائه کنند. گردشگری شامل همه خدمات و ویژگی‌هایی است که در کنار هم قرار می‌گیرند تا آنچه مسافر می‌خواهد، فراهم آورد. صاحب‌نظران گردشگری در دنیا، چهار فضای کلی را به‌عنوان مقاصد گردشگری مشخص کرده‌اند که عبارت‌اند از:

- فضای روستایی یا جهانگردی سبز؛
- فضای کوهستانی برای ورزش‌های کوهستانی؛
- فضای ساحلی با ویژگی‌های خاص خود و
- فضای شهری (انوری مینا و نساج مینا، ۱۳۸۶: ۳۰).

فضاهای شهری در شهرهای معاصر را که برای گردشگر آن به‌عنوان یک جاذبه محسوب می‌شوند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: فضاهای مدرن یا جدید نظیر پارک‌ها، مراکز فروش مدرن، فرهنگسراها، میدان‌ها و پلازاها؛ فضاهای سنتی نظیر بازارها، امازاده‌ها، گورستان‌ها، باغ‌ها، مسجدها و دیگر مکان‌های تاریخی (انوری مینا و نساج مینا، ۱۳۸۶: ۳۵).

وجود جاذبه‌های متعدد تاریخی فرهنگی و جاذبه‌های ویژه و انسان‌ساخت در نقاط شهری با رشد گردشگری در دهه‌های اخیر باعث شده است تا این مقاصد مورد هجوم گردشگران قرار گیرند. بسیاری از مسئولان این نقاط شهری نیز به‌علت بی‌توجهی به آثار نامناسب گردشگری و توجه صرف به مزایای اقتصادی این صنعت، باعث تسریع این فرایند مخرب شده‌اند. از دیگر سو، در بسیاری از طرح‌هایی که برای این نقاط شهری تهیه می‌شود، کوچک‌ترین توجهی به مقوله گردشگری و آثار آن بر روند توسعه شهر نشده است (کازسی و پوتیه، ۱۳۸۲: ۴۵). از این رو، انجام مطالعات برای شناسایی و تجزیه و تحلیل تأثیرات گردشگری، مضاف بر طرح‌های مطلقاً کالبدی در این نقاط لازم است.

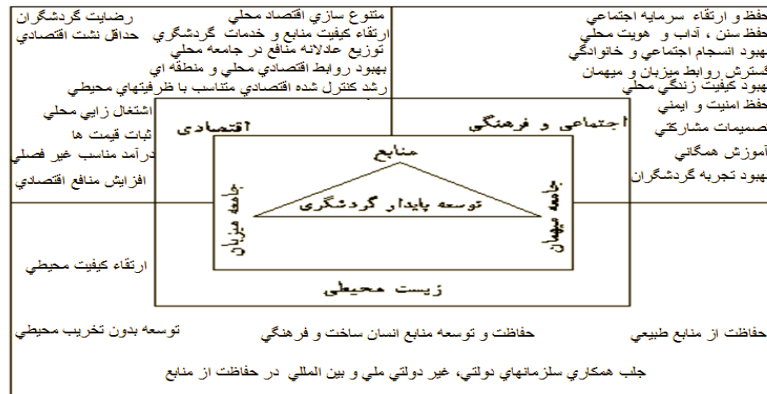
این مطالعات رهنمودهای کلی را برای توسعه پایدار گردشگری فراهم می‌کند. طرح‌های توسعه و عمران شهری به‌صورت کلی و با توجه به نیازهای ساکنان شهر تهیه و اجرا می‌شود و در بعضی مواقع، ملزومات مربوط به توسعه گردشگری که از ویژگی‌های بارز و منحصربه‌فرد بعضی از شهرهاست، در این طرح‌ها نادیده گرفته می‌شود. لازم است برای این‌گونه شهرها مطالعاتی انجام شود که علاوه بر توسعه کالبدی، توسعه گردشگری آن را نیز مورد توجه قرار دهد. شهرهایی با ویژگی گردشگری در حجم انبوه به دلیل داشتن ویژگی‌های منحصربه‌فرد و آمیختگی کالبد شهری با محیط طبیعی و عجین شدن زندگی ساکنان با ویژگی‌های محیطی جغرافیایی، باید از حالت ویژه‌ای در تهیه طرح‌های توسعه شهری برخوردار باشند (Cooper, 1981: 351). لذا لازم است مطالعاتی با مضامین توسعه کالبدی همراه با نگرش به توسعه گردشگری، در قالب توجه همه‌جانبه به توسعه پایدار از طریق توجه ویژه به مطالعات محیطی جغرافیایی، جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی، نظام اقتصادی و فعالیتی، میراث فرهنگی، گردشگری و حفظ و احیای میراث فرهنگی، نظام حمل‌ونقل، توسعه شهری و نظام مدیریتی و قانونی در چارچوب نقش‌های شهر تهیه شود (Bennet, 2001: 54).

اصول توسعه پایدار گردشگری

حرکت از گردشگری انبوه به سمت رویکرد گردشگری پایدار آغاز شده است (قدمی و علیقلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۰). قبل از تأکید بر پایداری گردشگری، لازم است دوباره به اصول پایداری توجه ویژه‌ای کرد؛ این اصول عبارت‌اند از: مدیریت زمین و منابع آب سطحی برای نیل به حقوق برابر بین نیازهای جامعه و نیازهای محیطی، مدیریت مخاطرات محیطی برای منفعت مردم و محیط‌های طبیعی و محافظت از دارایی‌ها، نگهداری و بهبود کیفیت هوا، زمین و آب از طریق پیشگیری و کنترل آلودگی، نیل به کاهش ضایعات از طریق به حداقل رساندن، استفاده مجدد و بازیابی و بهبود استانداردها، نگهداری و افزایش ارزش‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی (Howes, 2000: 252). امروزه الگوی پایداری به‌طور عام و در صنعت گردشگری به‌طور خاص به دغدغه جهانی تبدیل شده است و در پژوهش‌های توسعه گردشگری، مفهوم پایداری، کانون اصلی مباحث عملی و دانشگاهی جهان شده است (بل و مورس^۲، ۲۰۱۳). مهم‌ترین اصول استفاده‌شده برای پایداری در گردشگری عبارت‌اند از: الف) پایداری؛ عم از



اکولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، (ب) آموزشی و (ج) مشارکت محلی. به منظور برنامه ریزی و مدیریت موفق گردشگری، باید عوامل اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به خوبی درک و شناسایی شوند. توسعه گردشگری پایدار از اصول اساسی است. این اصول بایستی در چهارچوب ظرفیت پذیری و سنجش مرزهای آن و در قالب تعیین خط مشی ها و برنامه ریزی های یکپارچه محلی به مرحله اجرا گذارده شود. در هماهنگی با مفهوم توسعه پایدار، عوامل زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی از بیشترین اهمیت برخوردارند (کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).



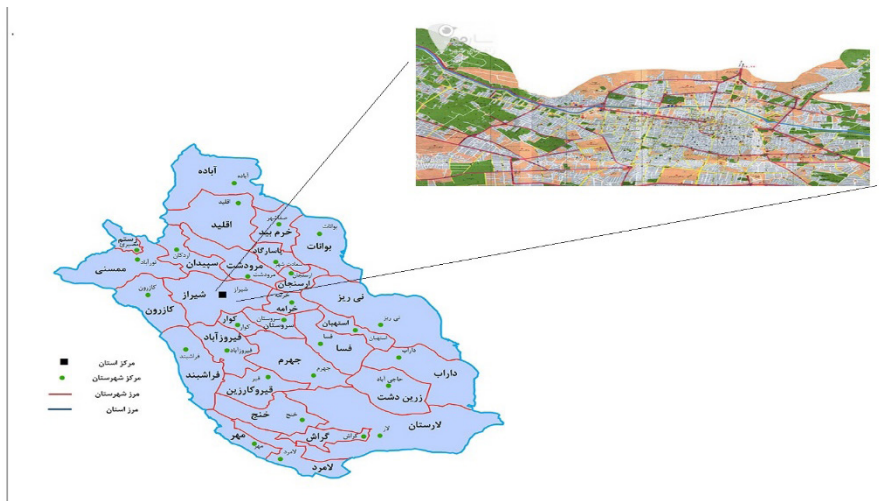
شکل ۳. مدل مفهومی توسعه پایدار گردشگری (مأخذ: قدمی و فیروزجایی، ۱۳۹۱: ۶)

با توجه به اینکه حمایت از توسعه پایدار گردشگری با انتخاب راه حل های نوآورانه و خلاق در تمام زمینه ها امکان پذیر می شود (کوکه^۴ و همکاران، ۲۰۱۱)، این موضوع فرصتی به پژوهشگران داده است تا مفاهیم مرتبط با هوشمندسازی مقاصد گردشگری را بررسی کنند (گرتزل^۵ و همکاران، ۲۰۱۵). در چنین وضعیتی، گردشگری هوشمند به تدریج به صورت روند نوظهوری در حال رشد و توسعه است (ژانگ^۶، ۲۰۱۵). هرچند، واضح است که توسعه ها به دلایل بسیاری هنوز در مراحل آغازین خود به سر می برند، انتظار می رود گردشگری هوشمند به شدت در بین شهرهای جهان و مقاصد گردشگری رشد کند (گرتزل و همکاران، ۲۰۱۶).

روش شناسی و شناخت محدوده

پژوهش حاضر از نظر هدف در حیطه تحقیقات کاربردی و براساس ماهیت و روش، پژوهش توصیفی تحلیلی است. همچنین به لحاظ جمع آوری داده ها نیز کمی است. روش گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر به صورت میدانی است که توسط محقق انجام شده و از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شده است. جامعه آماری نیز شامل تمامی مسئولان و کارمندان شهرداری شیراز می شود و به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه گیری کوکران ۱۹۶ نفر است که در این پژوهش با توجه حداقل حجم نمونه برای جامعه نامحدود با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران ۱۹۶ نفر است که در این پژوهش با توجه به احتمال ریزش پرسش نامه ها، تعداد ۲۱۰ پرسش نامه تقسیم شد و تعداد ۱۹۷ پرسش نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش گردآوری داده ها کتابخانه ای و میدانی است. در بخش کتابخانه ای محقق با مطالعه کتابها و مقاله ها و پایان نامه های مرتبط، مؤلفه ها را شناسایی کرده و برای جمع آوری داده ها از روش میدانی و پرسش نامه محقق ساخته با طیف ۵ ارزش لیکرت استفاده شده است. ابزار جمع آوری در این پژوهش پرسش نامه محقق ساخته است.

اولین اشاره به نام شیراز، روی لوح های گلی ایلامی به ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد بازمی گردد که در ژوئن ۱۹۷۰، در هنگام کندن زمین برای ساخت کوره آجرپزی در گوشه جنوب غربی شهر یافت شده است. شهر شیراز، مرکز استان فارس، به طول ۴۰ کیلومتر و عرضی متفاوت بین ۱۵ تا ۳۰ کیلومتر، با مساحت ۱۲۶۸ کیلومتر مربع، به شکل مستطیل و از لحاظ جغرافیایی در جنوب غربی ایران و در بخش مرکزی فارس قرار دارد. اطراف شیراز را رشته کوه های نسبتاً مرتفعی به شکل حصار استوار احاطه کرده اند که از لحاظ سوق الجیشی و حفظ شهر اهمیت ویژه ای دارند. این شهر از سمت غرب به کوه دراک، از سمت شمال به کوه های بمو، سبزپوشان، چهل مقام و باباکوهی (از رشته کوه های زاگرس) محدود شده است.



شکل ۴. نقشه موقعیت شهر شیراز

در شیراز، این منطقه شیراز قدیم است که طی فرایندهای رشد و توسعه شهری و افزایش جمعیت به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از کل شهرداری آمده است و ویژگی‌های خاص خود را دارد. وجود ۴۰۰ اثر بار ارزش، ۸ دروازه و ۱۲ مرکز و چند محور فرهنگی می‌تواند تبلوری از شیوه زندگی، روابط اجتماعی، آداب‌ورسوم، باورها، تاریخ و هنر و به‌طور کلی بیانگر هویت تاریخی و فرهنگی هر دوره باشد.



بحث و تحلیل

شیراز با وجود چهره‌های شاخص ادبی و فرهنگی و تاریخی در عرصه ملی و بین‌المللی به پایتخت شعر و ادب ایران مشهور است و علاوه بر جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی، با دارا بودن اماکن و بقاع فراوان مذهبی و وجود حرم حضرت شاهچراغ (ع) به‌عنوان سومین حرم اهل بیت در ایران شناخته شده است. از سوی دیگر، مطابق پیش‌برنامه ملی توسعه و گردشگری، وظیفه بزرگی بر دوش شهر قرار گرفته و آن را با بیش از ۱۵۰ جاذبه تاریخی فرهنگی و طبیعی، مرکز پنجمین منطقه گردشگری کشور، به‌عنوان قلب پرشیا معرفی می‌کند (مهندسان مشاور شهر و خانه، ۱۳۸۲: ۲).

نوع جاذبه	تعداد	درصد
تاریخی فرهنگی	۱۲۴	۸۲/۷
تاریخی طبیعی	۸	۵/۳
طبیعی	۱۸	۱۲
جمع کل	۱۵۰	۱۰۰

(مأخذ: مهندسان مشاور شهر و خانه، ۱۳۸۲: ۲)

شاخص‌های بی‌شماری در ابعاد و بحث گردشگری پایدار می‌تواند تحلیل شود. در این بخش شاخص‌هایی برای مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌وسیله مدل تی تک‌نمونه‌ای بررسی شده است. شاخص‌های هر مؤلفه به‌ترتیب عبارت‌اند از:

بعد اجتماعی:

- میزان حفاظت از میراث فرهنگی؛
- برگزاری جشنواره‌های فرهنگی برای حفظ و شناساندن آداب‌ورسوم؛

رضایت از امنیت شهر؛

- درصد خانوارهای برخوردار از خدمات رفاهی در منطقه.

بعد اقتصادی:

- تقاضای گردشگری منطقه؛
- تصور گردشگران از رابطه کیفیت و قیمت خدمات در منطقه؛
- وجود ارتباطات راه دور مانند خدمات تلفن و پست در منطقه؛
- همکاری دولت با سازمان های غیردولتی در زمینه گردشگری؛
- عرضه اقامتگاه رسمی گردشگری مانند هتل و مهمانسرا و ...

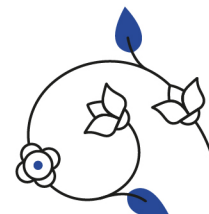
بعد زیست محیطی:

- اجرای طرح مدیریت بازیافت زباله در منطقه؛
- وضعیت آلودگی صوتی در طول شبانه روز؛
- تراکم ساخت و ساز در واحد سطح منطقه؛
- ارتقای سطح آگاهی های زیست محیطی.

جدول ۳. بررسی مؤلفه های گردشگری پایدار برای شهر شیراز با آزمون تی تک نمونه ای

Test Value = 3							شاخص های (اجتماعی)
میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	سطح معناداری (Sig)	مقدار آماره t	انحراف معیار	میانگین	
حد بالا	حد پایین						
۱/۶۶۳	۱/۴۰۳	۰/۰۳	.۰۰۰	۲۳/۶۰۸	.۵۰۳	۳/۰۳	میزان حفاظت از میراث فرهنگی
۱/۴۱۰	۱/۱۵۶	۰/۲۸	.۰۰۰	۲۰/۲۷۵	.۴۹۰	۳/۲۸	برگزاری جشنواره های فرهنگی جهت حفظ و شناساندن آداب و رسوم
۱/۴۳۷	۱/۱۹۶	۰/۳۱	.۰۰۰	۲۱/۷۴۱	.۴۶۹	۳/۳۱	رضایت از امنیت شهر
۱/۶۷۴	-۱/۳۲۵	-۰/۵۰	.۰۰۰	۱۷/۱۷۶	.۶۷۶	۲/۵۰	درصد خانوارهای برخوردار از خدمات رفاهی در منطقه
Test Value = 3							شاخص های (اقتصادی)
میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	سطح معناداری (Sig)	مقدار آماره t	انحراف معیار	میانگین	
حد بالا	حد پایین						
۱/۳۰۴	۱/۰۹۵	۱/۲۰۰	.۰۰۰	۲۳/۰۴۳	.۴۰۳	۴/۲۰	تقاضای گردشگری منطقه
۱/۴۰۰	۱/۱۶۵	۱/۲۸۳	.۰۰۰	۲۱/۸۷۶	.۴۵۴	۴/۲۸	تصور گردشگران از رابطه کیفیت و قیمت خدمات در منطقه
۱/۳۴۱	۱/۰۵۸	۱/۲۰۰	.۰۰۰	۱۷/۰۱۹	.۵۴۶	۴/۲۰	وجود ارتباطات راه دور مانند خدمات تلفن و پست در منطقه
۱/۲۰۳	.۸۲۹	۱/۰۱۶	.۰۰۰	۱۰/۸۶۷	.۷۲۴	۴/۰۱	همکاری دولت با سازمان های غیردولتی در زمینه گردشگری





عرضه اقامتگاه رسمی گردشگری مانند هتل و مهمانسرا و...							
۱/۴۱۰	۱/۱۵۶	۱/۲۸۳	.۰۰۰	۲۰/۲۷۵	.۴۹۰	۴/۲۸	
Test Value = 3							
میزان اختلاف در سطح اطمینان ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	سطح معناداری (Sig)	مقدار آماره t	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌های (زیست‌محیطی)
حد بالا	حد پایین						
۱/۳۷۰	۱/۰۹۵	۱/۲۳۳	.۰۰۰	۱۷/۹۳۹	.۵۳۲	۴/۲۳	اجرای طرح مدیریت بازیافت زباله در منطقه
۲/۰۱۳	۱/۷۲۰	۰/۸۶۶	.۰۰۰	۲۵/۵۲۴	.۵۶۶	۳/۸۶	وضعیت آلودگی صوتی در طول شبانه‌روز
۱/۵۹۴	۱/۱۳۸	۱/۳۶۶	.۰۰۰	۱۱/۹۹۸	.۸۸۲	۴/۳۶	تراکم ساخت‌وساز در واحد سطح منطقه
.۷۲۶	.۰۴۰	.۳۸۳	.۰۲۹	۲/۲۳۴	۱/۳۲۸	۳/۳۸	ارتقای سطح آگاهی‌های زیست‌محیطی

وضعیت مؤلفه‌های پژوهش به‌وسیله کارشناسان در دسترس بررسی شده است. نتایج شاخص‌ها در جهت مثبت برای شهر شیراز ارزیابی شد. به‌جز شاخص درصد خانوارهای برخوردار از خدمات رفاهی در منطقه در بُعد اجتماعی، مابقی موارد عددی بالاتر از حد مینا را نشان می‌دهد و برای شهر شیراز مورد تأیید است. مدیریت و برنامه‌ریزی گردشگری کلان‌شهر شیراز با این قدمت و وجود جاذبه‌های بی‌شمار می‌تواند مؤثر و در جهت توسعه و بهبود اشتغال هرچه بیشتر شهروندان باشد.

نتیجه‌گیری

گردشگری فعالیتی گسترده با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی است و گستردگی این فعالیت به‌اندازه‌ای است که توسعه آن بدون برنامه‌ریزی اصولی و مدیریت صحیح امکان‌پذیر نیست. طبیعی است که پیش‌نیاز انجام هر برنامه‌ریزی، توجه به تعاریف واژگان پایه در زمینه گردشگری و انجام تحلیل‌های درست و دقیق در این رابطه است؛ بنابراین لازم است گردشگری از جنبه‌های گوناگون بررسی شود، ارکان اصلی آن نیز به‌درستی تعریف و تحلیل شود، همچنین نظریه‌های مختلف در این باره ارزیابی شود و در نهایت طبقه‌بندی آن به‌درستی و البته به‌طور کامل انجام پذیرد. بسیاری، اهمیت گردشگری را صرفاً در ایجاد درآمد و فرصت‌های شغلی می‌دانند، در حالی که اهمیت و عظمت گردشگری به منافع اقتصادی محدود نمی‌گردد. در صورت برنامه‌ریزی و توسعه برنامه‌ریزی شده، گردشگری قادر است به بهبود شاخص‌های عدالت اجتماعی، ارتقای سطح زندگی، رفاه عمومی، تعادل و توازن منطقه‌ای منجر شود. شیراز یکی از مقاصد محبوب گردشگری برای گردشگران داخلی و خارجی است. این شهر به‌دلیل داشتن جاذبه‌های فراوان تاریخی، مذهبی، طبیعی و فرهنگی و همچنین موقعیت اقتصادی و خدماتی، به‌ویژه از نظر آموزش عالی و خدمات درمانی، همواره مورد توجه گردشگران ایران و جهان و متقاضیان منطقه‌ای خدمات برتر بوده است. شیراز مطابق پیش‌نویس برنامه ملی توسعه گردشگری، با داشتن بیش از ۱۵۰ جاذبه تاریخی، فرهنگی و طبیعی، مرکز پنجمین منطقه گردشگری کشور شامل استان‌های فارس، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر است. در این پژوهش کلان‌شهر شیراز با مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توسط چند تن از کارشناسان تأیید شده است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود سه دسته از راهبردهای زیر در سه بخش بلندمدت و میان‌مدت و کوتاه‌مدت اجرایی شود.

راهبردهای کوتاه‌مدت

- ایجاد شبکه‌های اجتماعی اختصاصی ویژه مقاصد گردشگری؛
- حمایت فنی از فرایند توسعه و ترویج پیچ‌های مربوط به مقاصد گردشگری؛
- برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه متولیان گردشگری در جهت توسعه پایدار شهری؛



- ایجاد نظام آموزشی نخبه پرور در حوزه گردشگری؛
- تسهیل ارتباطات درونی از طریق طراحی سامانه‌های توسعه شهری؛
- واکنش مثبت و سریع به خواسته‌ها و نیازهای موجود در مقاصد گردشگری؛
- اصلاح ساختار و استانداردسازی شاخص‌های مقاصد گردشگری؛
- شناسایی ذی‌نفعان کلیدی در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای آنان در مقاصد گردشگری.

راهبردهای میان‌مدت

- ایجاد بانک‌های اطلاعاتی از موجودی‌ها و کاستی‌های ساختاری و منابع انسانی در مقاصد گردشگری؛
- قدرت بخشی به بخش‌های مختلف موجود در مقاصد گردشگری؛
- اولویت بخشی در واسپاری پروژه‌ها در مقاصد گردشگری؛
- بازتعریف و طراحی سیستم گزارش دهی، ارزشیابی و نظارت در حوزه مقاصد گردشگری؛
- چابک سازی و یکپارچه سازی فرایندهای توسعه سیستم‌های انسانی در مقاصد گردشگری سلامت؛
- شکل گیری زنجیره ارزش مطلوب در مقاصد گردشگری.

راهبردهای بلندمدت

- بهبود حمایت‌های حقوقی از ترویج فعالیت‌های گردشگری؛
- ایجاد فرهنگ پاسخ‌گویی به مخاطبان در مقاصد گردشگری؛
- تقویت روحیه جهادی در مقاصد گردشگری؛
- کرامت بخشی به مقاصد گردشگری با بسط ارزش‌ها و هنجارهای شهری؛
- پیاده سازی اپلیکیشن و ساختار یکپارچه رسانه‌ای و نشر اطلاعات در حوزه گردشگری شهری.

بیانیه‌ها

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ تضاد منافی مرتبط با این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده پردازی و طراحی مطالعه: حسن افزا، علی شمس الدینی؛ گردآوری و مدیریت داده‌ها: حسن افزا؛ تحلیل و تفسیر داده‌ها: حسن افزا، علی شمس الدینی؛ جداول، نمودارها، نقشه‌ها و تصاویر: حسن افزا؛ نگارش پیش نویس مقاله: علی شمس الدینی، حسن افزا؛ بازبینی و اصلاح مقاله: علی شمس الدینی، حسن افزا؛ اعتبار سنجی و تأیید نهایی: علی شمس الدینی.

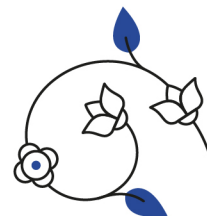
تشکر و قدردانی

نویسندگان از ساکنین محله سنگ سیاه شیراز که در تکمیل اطلاعات مورد نیاز با ایشان همکاری نمودند، تشکر می‌کنند.

پی‌نوشت

- 1.Hawkins
- 2.Ekinci
- 3.Bell & Morse
- 4.Cooke
- 5.Gretzel
- 6.Zhuang





منابع

۱. اشرف‌زاده، م.، مددی خادمی، ن.، و بنیادی. (۱۳۸۹). ارزیابی آثار محیط‌زیستی پروژه‌های گردشگری ساحلی (مطالعه موردی: شهر جهانگردی بین‌المللی خلیج فارس). پژوهش‌های محیط‌زیست.
۲. انوری آریا، م.، و نساج، م. (۱۳۸۶). بررسی و تبیین نقش صنعت جهانگردی در فضاهای شهری. همایش منطقه‌ای جغرافیا، گردشگری و توسعه پایدار، اسلام‌شهر.
۳. پاپلی یزدی، م.، ح.، و سقایی، م. (۱۳۸۶). گردشگری (ماهیت و مفاهیم). تهران: سمت.
۴. تقوایی، م.، و صفربادی، ا. (۱۳۹۲). نقش مدیریت شهری در دستیابی به توسعه پایدار گردشگری شهری؛ مطالعه موردی: شهر کرمانشاه. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک.
۵. حسوند، س.، و خدایانه، م. (۱۳۹۳). تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه: دو رویکرد پانل ایستا و پانل پویا. سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۶.
۶. دیناری، ا. (۱۳۸۴). گردشگری شهری در ایران و جهان. مشهد: واژگان خرد.
۷. رهنمایی، م. ت. (۱۳۸۶). جزوه درسی جغرافیای توریسم. دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
۸. شاریلی، ر.، و جولیا. (۲۰۱۴). گردشگری روستایی (ترجمه ر. منشی‌زاده و ف. نصیری). تهران: منشی.
۹. علی‌پور، ع.، علی‌پوری، ا.، و حمیدی، م. س. (۱۳۹۹). تحلیل فضایی ظرفیت توریسم نواحی کویر و بیابان و نقش آن در پایداری اجتماعی (مورد: استان یزد). تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، (۱)۷.
۱۰. علی‌زاده، س. د. (۱۳۸۹). بررسی آسیب‌های اجتماعی گردشگری در منطقه ثامن کلانشهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور، تهران.
۱۱. عنابستانی، ع. ا.، علی‌زیاری، ی.، و عنابستانی، ز. (۱۳۹۲). بررسی آثار شرکت گردشگری پدیده بر توسعه شهری در شاندیز. مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال دوم، شماره ۵.
۱۲. قدمی، م.، و علیقلی‌زاده فیروزجانی، ن. (۱۳۹۱). ارزیابی توسعه گردشگری مقصد در چهارچوب پایداری؛ نمونه موردی: دهستان تمشکل، شهرستان تنکابن. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱.
۱۳. کاظمی، م. (۱۳۸۵). مدیریت گردشگری. تهران: سمت.
۱۴. محمودی میمند، م.، و مقدمی، ا. (۱۳۹۰). مدیریت نوین توریسم جهانی: شناخت مفاهیم، اصول و بازاریابی توریسم. تهران: مهکام.
15. Bell, S., & Morse, S. (2013). *Measuring sustainability: Learning from doing*. Routledge.
16. Bennet, J. A., & Strydom, J. W. (2001). *Introduction to travel and tourism marketing*. Johannesburg: Juta.
17. Cooper, C. P. (1981). Spatial and temporal patterns of tourist behaviour. *Regional Studies*, 15, 359-371. <https://doi.org/10.1080/00343408112331321521>
18. Fennell, D. A. (1999). *Ecotourism: An introduction*. Routledge.
19. Hawkins, S. (2007). The World Bank's role in tourism development. *Annals of Tourism Research*, 34(2), 348-363. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2007.01.007>
20. Howes, H. (2000). Sustainable development comes of age: The Thames environment 21 experience. In K. Williams, E. Burton, & M. Jenks (Eds.), *Achieving sustainable urban form* (pp. 235-252). Routledge.
21. Inskip, E. (1991). *Tourism planning*. New York: Van Nostrand Reinhold.
22. Pinkster, F. M., & Boterman, W. R. (2017). When the spell is broken: Gentrification, urban tourism, and privileged discontent in the Amsterdam canal district. *Cultural Geographies*, 24(3), 457-472. <https://doi.org/10.1177/1474474017706176>
23. World Tourism Organization (UNWTO). (2014). *A specialized agency of the United Nations, International Forum on Sustainable Development of Tourism and Innovation*. Cartagena de Indias, Colombia, 24 June.





ABRIDGED PAPER

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Examining the Impact of the Built Environment on Aging in Place Using a Bibliometric ApproachAzadeh Lak^{1,*}, Armin Kiamarsi², Mojtaba Zolanvari³

1.Associate Professor, Department of Urban and Regional Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2.Master's Student in Urban Design, Department of Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3.Master's Student in Urban Design, Department of Urban Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

The article explores the concept of "aging in place," which refers to the ability of older adults to remain in their homes and familiar neighborhoods. This approach is based on the idea that by maintaining social interactions and physical activities, older adults can continue living in environments where their physical, social, and psychological needs are met. The article examines the impact of the growing elderly population globally, particularly in Iran. According to global statistics, the elderly population is expected to increase significantly in the coming decades, underscoring the need for new policies and urban planning in areas like infrastructure and services. Many elderly individuals face challenges, including access to healthcare and housing adaptation.

Using data retrieved from the Scopus database and analyzed in VOSviewer software, it was found that developed countries have introduced aging in place as one of the main solutions to these challenges. This approach emphasizes the importance of social participation for the elderly, creating safe environments, and ensuring easy access to services. Elder-friendly urban environments not only improve their quality of life but also help prevent isolation and psychological issues. The article also highlights the challenges faced by developing countries, including Iran, and stresses the need for greater attention to this issue in urban and social policies. Research shows that leading countries such as the United States, Canada, and the United Kingdom have produced the most studies and articles on aging in place, whereas countries like Iran have paid less attention to this topic. Overall, the concept of aging in place, emphasizing the physical environment, social connections, and active participation of the elderly in society, has been proposed as a sustainable solution to enhancing the quality of life for older adults.

Highlights

- The rapid growth of the elderly population in Iran emphasizes the need for a comprehensive overhaul of urban and social infrastructure to address their specific needs.
- The concept of aging in place is built on three key pillars: the physical environment, social interaction, and physical and mental health, all of which are essential for enhancing the elderly's quality of life.
- Designing urban environments with a focus on safety and accessibility helps preserve the independence of older adults and facilitates their daily lives.
- Developing social spaces and fostering opportunities for collective interactions prevent social isolation among the elderly and strengthen their sense of belonging to the community.
- Prioritizing the needs of the elderly in urban planning not only enhances their quality of life but also contributes to broader social sustainability.

ARTICLE INFO

Received	09/07/2024
Revised	26/07/2024
Accepted	12/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Aging in Place
Built Environment
Neighborhood
Elderly



Citation of the article

Lak, A., Kiamarshi, A., & Zolanvari, M. (2024). Investigating the impact of the built environment on aging in place using a bibliometric method. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 75-92.

Introduction: This research underscores the significance of designing environments tailored to the needs of older adults. Its objective is to examine the impact of physical, social, and healthcare environments on the quality of life of seniors and to mitigate the challenges posed by an aging population. Given the lack of sufficient attention to this issue in Iran, the study highlights the need to integrate suitable design principles into urban policies to prevent adverse outcomes in the future.

The concept of “aging in place” focuses on the ability of older adults to live in familiar environments while maintaining independence and social engagement. It is based on three main pillars: personal health, social environment, and physical environment. Using data from the Scopus database and VOSviewer software, the study highlights that developed countries like the United States, Canada, and the United Kingdom have extensively researched this topic, while developing nations like Iran have paid comparatively less attention.

Designing senior-friendly environments, including infrastructure such as ramps, safe sidewalks, and easy access to essential services, can improve the quality of life and reduce physical and mental health issues. Additionally, providing appropriate public spaces for social interactions prevents isolation and enhances mental well-being. The study emphasizes that inadequate attention to aging in place can lead to severe social, economic, and health-related challenges in the future. Proper urban planning can help prevent these issues and improve the overall quality of life for older adults.

Materials and Methods: This study uses the bibliometric method, which is a type of analysis for exploring trends and research topics based on scientific data. The research data was retrieved from Scopus, one of the most comprehensive academic databases globally. Key terms such as aging in place, built environment, and neighborhood were selected for the search. The study covers articles published between 1980 and 2024, and irrelevant papers or incomplete data were excluded.

The collected data was first processed in Excel to standardize keywords and identify relevant authors. Then, VOSviewer software was used for graphical analysis. This analysis involved examining co-occurrence of keywords, identifying collaboration networks, and analyzing relationships between topics. The maps created in this software displayed the level of focus different countries have placed on aging in place and the built environment’s impact.

The results of this analysis revealed that developed countries such as the United States, Canada, and the United Kingdom have the most contributions in this field. Additionally, the increasing number of publications in recent years reflects a growing focus on aging and the built environment. This method provides an effective way to identify research strengths, weaknesses, and gaps, offering a valuable tool for making recommendations in urban and social policy-making.

Findings: 1. The Relationship Between Aging and the Built Environment:

The built environment plays a crucial role in supporting older adults. Properly designed environments can enhance independence, quality of life, and social participation, while reducing isolation and psychological issues.

2. Social Interaction and Community Bonding:

Social spaces like parks, cultural centers, and public venues strengthen social interactions among older adults, fostering a sense of belonging and security.

3. Elder-Friendly Urban Design:

- Ensuring access to green spaces and safe pedestrian pathways.
- Equipping pathways with appropriate facilities like benches and clear signage.
- Designing adaptable environments to meet the changing needs of older adults.

4. Differences Between Developed and Developing Countries:

Developed countries such as the United States and the United Kingdom have conducted extensive research and policymaking in the field of “aging in place,” whereas in developing countries like Iran, this concept has received less attention.

5. Integrating Social, Physical, and Health Indicators:



Success in supporting older adults depends on creating environments that enhance physical and mental health while promoting social interactions.

This study employed bibliometric methods to analyze data from related articles, emphasizing the importance of designing environments compatible with aging and its associated concepts.

Discussion and Conclusion: The study underscores the vital importance of designing urban environments that cater to the specific needs of aging populations. A successful approach requires addressing three interconnected components: the physical environment, physical and mental health, and the social environment. Thoughtful urban design can enhance the quality of life for older adults by promoting their independence, reducing feelings of isolation, and encouraging social engagement.

To achieve these goals, the physical environment should prioritize accessibility and safety. Creating pedestrian-friendly pathways, equipping spaces with durable and adaptable urban furniture, and ensuring the availability of green areas can significantly improve mobility and comfort for older adults. Moreover, healthcare facilities and essential medical services should be easily accessible within neighborhoods, complemented by calming, aesthetically pleasing spaces that foster relaxation and alleviate stress.

Social integration plays an equally critical role. Urban planners should design spaces that promote community bonding, such as libraries, cultural centers, and recreational hubs near residential areas. Organizing local events and intergenerational programs can foster meaningful connections and enhance older adults' sense of belonging. Additionally, supportive housing and access to counseling services are necessary to address the diverse challenges they face.

In conclusion, integrating these elements into urban planning not only improves the independence and well-being of older adults but also creates more inclusive and sustainable communities. By addressing their physical, social, and health-related needs in a holistic manner, urban environments can support "Aging in Place" as a practical and empowering concept for the aging population.

Declarations

Conflict of Interest

The authors of this study (Dr. Azadeh Lak, Armin Kiamerthi, Mojtaba Zolanvari) declare that there are no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not use any financial support from government or private organizations for advancing the study.

Ethical Approval

This study does not include clinical trials involving humans, animals, or sensitive data.

Informed Consent

All participants in this study have provided their written informed consent.

Authors' Contributions

Study concept and design: Dr. Azadeh Lak, Data collection and management: Armin Kiamerthi and Mojtaba Zolanvari, Data analysis and interpretation: Dr. Azadeh Lak, Armin Kiamerthi, and Mojtaba Zolanvari, Visualization: Armin Kiamerthi, Initial manuscript draft: Armin Kiamerthi and Mojtaba Zolanvari, Manuscript review and editing: Armin Kiamerthi and Mojtaba Zolanvari, Research project management: Dr. Azadeh Lak, Validation and final approval: Dr. Azadeh Lak, Armin Kiamerthi, and Mojtaba Zolanvari

Acknowledgments

The authors would like to thank Dr. Alireza Sadeghi and the editorial board of the Iranian Urban Design Studies Journal for providing technical advice and meaningful support.

References

1. Aliakbarzadeh Arani, Z., & colleagues. (2022). Place attachment and aging: A scoping review. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 32(1), 91-108. <https://doi.org/10.1080/10911359.2021.2008605>

2. Arruda, H., & colleagues. (2022). VOSviewer and bibliometrix. *Journal of the Medical Library Association*, 110(3), 392. <https://doi.org/10.5195/jmla.2022.1367>
3. Bigonnesse, C., & Chaudhury, H. (2020). The landscape of "aging in place" in gerontology literature: Emergence, theoretical perspectives, and influencing factors. *Journal of Aging and Environment*, 34(3), 233-251. <https://doi.org/10.1080/26892618.2020.1760213>
4. Buffel, T., & colleagues. (2012). Ageing in urban environments: Developing 'age-friendly' cities. *Critical Social Policy*, 32(4), 597-617. <https://doi.org/10.1177/0261018311430457>
5. Burnham, J. F. (2006). Scopus database: A review. *Biomedical Digital Libraries*, 3(1), 1-8. <https://doi.org/10.1186/1742-5581-3-1>
6. Canham, S. L., & colleagues. (2022). Aging in the right place: A conceptual framework of indicators for older persons experiencing homelessness. *The Gerontologist*, 62(9), 1251-1257. <https://doi.org/10.1093/geront/gnac080>
7. Iran Statistics Center. (2016). Population and Housing Census. [In Persian].
8. Kan, H. Y., & colleagues. (2020). Measuring the built environment for aging in place: A review of neighborhood audit tools. *Journal of Planning Literature*, 35(2), 180-194. <https://doi.org/10.1177/0885412219876202>
9. Oladinrin, O., Gomis, K., Jayantha, W. M., Obi, L., & Rana, M. Q. (2021). Scientometric analysis of global scientific literature on aging in place. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(23). <https://doi.org/10.3390/ijerph182312405>
10. Pani-Harreman, K. E., & colleagues. (2021). Definitions, key themes and aspects of 'ageing in place': A scoping review. *Ageing & Society*, 41(9), 2026-2059. <https://doi.org/10.1017/S0144686X20001308>
11. Pani-Harreman, K. E., & colleagues. (2022). The conceptualisation of vital communities related to ageing in place: A scoping review. *European Journal of Ageing*, 19(1), 49-62. <https://doi.org/10.1007/s10433-021-00648-7>
12. Rose, K., & colleagues. (2023). Experiences of ageing in place in Australia and New Zealand: A scoping review. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 33(3), 623-645. <https://doi.org/10.1002/casp.2593>
13. Rosenwohl-Mack, A., & colleagues. (2020). A new conceptual model of experiences of aging in place in the United States: Results of a systematic review and meta-ethnography of qualitative studies. *International Journal of Nursing Studies*, 103, 103496. <https://doi.org/10.1016/j.ijnurstu.2019.103496>
14. Secretariat of the National Seniors Council. (2016). The status of elderly population density in Iranian cities. [In Persian].
15. Wiles, J. L., & colleagues. (2012). The meaning of "aging in place" to older people. *The Gerontologist*, 52(3), 357-366. <https://doi.org/10.1093/geront/gnr098>
16. World Health Organization (WHO). (2022). Ageing and health. Retrieved from <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/ageing-and-health>
17. Yarker, S., & colleagues. (2024). Theorizing "place" in aging in place: The need for territorial and relational perspectives. *The Gerontologist*, 64(2), gnad002. <https://doi.org/10.1093/geront/gnad002>



Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





بررسی تأثیر محیط ساخته شده بر سالخوردگی در مکان با استفاده از روش بیبلیومتریک

دکتر آزاده لک^{۱*}، آرمین کیامرثی^۲، مجتبی ذوالانوار^۳

۱. دانشیار بخش طراحی و برنامه‌ریزی شهری منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد طراحی شهری دانشگاه شهید بهشتی، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد طراحی شهری دانشگاه شیراز، ایران.

مشخصات مقاله

تاریخ ارسال	۱۴۰۳/۰۴/۱۹
تاریخ بازنگری	۱۴۰۳/۰۵/۰۵
تاریخ پذیرش	۱۴۰۳/۰۵/۲۲
تاریخ انتشار آنلاین	۱۴۰۳/۰۶/۲۶

چکیده

این مقاله تبیین‌گر مفهوم سالخوردگی در مکان است که بیانگر ماندگاری سالمندان در خانه‌ها و محله‌های آشناست. این رویکرد بر این اساس است که سالمندان با حفظ تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های فیزیکی، بتوانند در محیط‌های آشنا زندگی کنند و نیازهای فیزیکی، اجتماعی و روانی آن‌ها تأمین شود. در این مقاله، تأثیر افزایش جمعیت سالمندان در جهان و به‌ویژه ایران بررسی شده است. براساس آمارهای جهانی، جمعیت سالمندان در دهه‌های آینده به میزان درخور توجهی افزایش خواهد یافت که این امر نیاز به برنامه‌ریزی و سیاست‌های جدید در زمینه زیرساخت‌ها و خدمات شهری را پُررنگ می‌کند؛ به‌ویژه که بیشتر سالمندان با مشکلاتی نظیر دسترسی به خدمات درمانی و مناسب‌سازی مسکن مواجه‌اند.

واژگان کلیدی

سالخوردگی در مکان
محیط ساخته شده
محله
سالمندان

با استفاده از دریافت اطلاعات از پایگاه داده scopus، پالایش و اصلاح داده‌ها و مدل‌سازی آن‌ها در نرم‌افزار VOSviewer دریافت شد که در کشورهای توسعه‌یافته، سالخوردگی در مکان به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های اصلی در پاسخ به این چالش‌ها معرفی شده است. این رویکرد بر اهمیت مشارکت اجتماعی سالمندان، ایجاد فضای ایمن و دسترسی آسان به خدمات تأکید دارد. محیط‌های شهری مناسب سالمندان نه تنها به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه از انزوای و مشکلات روانی جلوگیری می‌کند. این پژوهش همچنین به بررسی چالش‌های موجود در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، پرداخته و اهمیت افزایش توجه به این موضوع در سیاست‌های شهری و اجتماعی را مورد تأکید قرار داده است. مطالعه در این حوزه نشان می‌دهد که کشورهای پیشرو مانند ایالات متحده، کانادا و انگلستان بیشترین تحقیقات و مقالات را در زمینه سالخوردگی در مکان تولید کرده‌اند، در حالی که کشورهای دیگری مانند ایران، کمتر به این موضوع پرداخته‌اند. به‌طور کلی، مفهوم سالخوردگی در مکان با تأکید بر محیط فیزیکی، ارتباطات اجتماعی و مشارکت فعال سالمندان در جامعه به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های پایدار برای بهبود کیفیت زندگی سالمندان مطرح شده است.

نکات شاخص

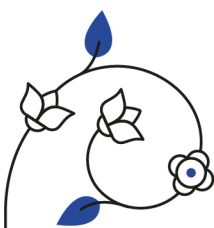
- افزایش سریع جمعیت سالمندان در ایران ضرورت بازنگری گسترده در زیرساخت‌های شهری و اجتماعی را برای پاسخگویی به نیازهای آنان ایجاد کرده است.
- مفهوم سالخوردگی در مکان بر پایه سه مؤلفه اصلی محیط کالبدی، اجتماعی، و سلامت جسمی و روانی استوار است که همگی در ارتقای کیفیت زندگی سالمندان نقش حیاتی دارند.
- طراحی محیط‌های شهری با تأکید بر ایمنی و دسترسی آسان می‌تواند به حفظ استقلال سالمندان کمک کرده و زندگی روزمره آنان را تسهیل کند.
- ایجاد فضاهای اجتماعی و فرصت‌های تعامل جمعی، از انزوای اجتماعی سالمندان جلوگیری کرده و حس تعلق آن‌ها به جامعه را تقویت می‌کند.
- توجه ویژه به نیازهای سالمندان در برنامه‌ریزی شهری نه تنها کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود می‌بخشد، بلکه موجب ارتقای پایداری اجتماعی در سطح کلان می‌شود.

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

لک، آ.، کیامرثی، آ. و ذوالانوار، م. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر محیط ساخته شده بر سالخوردگی در مکان با استفاده از روش بیبلیومتریک. نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران، (۱)، ۷۵-۹۲.

*دکتر آزاده لک؛ دانشیار بخش طراحی و برنامه‌ریزی شهری منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی.

آدرس پستی نویسنده مسئول: a_lak@sbu.ac.ir





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Examining the Impact of the Built Environment on Aging in Place Using a Bibliometric Approach

Azadeh Lak^{1*}, Armin Kiamarsi², Mojtaba Zolanvari³

1. Associate Professor, Department of Urban and Regional Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Master's Student in Urban Design, Department of Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Master's Student in Urban Design, Department of Urban Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

The article explores the concept of "aging in place," which refers to the ability of older adults to remain in their homes and familiar neighborhoods. This approach is based on the idea that by maintaining social interactions and physical activities, older adults can continue living in environments where their physical, social, and psychological needs are met. The article examines the impact of the growing elderly population globally, particularly in Iran. According to global statistics, the elderly population is expected to increase significantly in the coming decades, underscoring the need for new policies and urban planning in areas like infrastructure and services. Many elderly individuals face challenges, including access to healthcare and housing adaptation.

Using data retrieved from the Scopus database and analyzed in VOSviewer software, it was found that developed countries have introduced aging in place as one of the main solutions to these challenges. This approach emphasizes the importance of social participation for the elderly, creating safe environments, and ensuring easy access to services. Elder-friendly urban environments not only improve their quality of life but also help prevent isolation and psychological issues. The article also highlights the challenges faced by developing countries, including Iran, and stresses the need for greater attention to this issue in urban and social policies. Research shows that leading countries such as the United States, Canada, and the United Kingdom have produced the most studies and articles on aging in place, whereas countries like Iran have paid less attention to this topic. Overall, the concept of aging in place, emphasizing the physical environment, social connections, and active participation of the elderly in society, has been proposed as a sustainable solution to enhancing the quality of life for older adults.

Highlights

- The rapid growth of the elderly population in Iran emphasizes the need for a comprehensive overhaul of urban and social infrastructure to address their specific needs.
- The concept of aging in place is built on three key pillars: the physical environment, social interaction, and physical and mental health, all of which are essential for enhancing the elderly's quality of life.
- Designing urban environments with a focus on safety and accessibility helps preserve the independence of older adults and facilitates their daily lives.
- Developing social spaces and fostering opportunities for collective interactions prevent social isolation among the elderly and strengthen their sense of belonging to the community.
- Prioritizing the needs of the elderly in urban planning not only enhances their quality of life but also contributes to broader social sustainability.

ARTICLE INFO

Received	09/07/2024
Revised	26/07/2024
Accepted	12/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Aging in Place
Built Environment
Neighborhood
Elderly

Citation of the article

Lak, A., Kiamarathi, A., & Zolanvari, M. (2024). Investigating the impact of the built environment on aging in place using a bibliometric method. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 75-92.

*Author Corresponding: Ali Shamsoddini

Email: a_lak@sbu.ac.ir



مقدمه

سالمندی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهانی در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت بررسی و تجسس در امر سالخوردگان زمانی واضح‌تر می‌شود که با گریزی ابتدایی در آمار و ارقام نتایجی از افزایش تعداد سالمندان آشکار می‌شود. براساس گفته‌های WHO تعداد افرادی که شصت سال یا بیشتر (براساس نظر WHO و UN سالمندی از ۶۰ یا ۶۵ سالگی به بالا در نظر گرفته می‌شود) دارند به‌وضوح در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۹، این تعداد در حدود یک میلیارد نفر بوده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ این تعداد به ۱,۴ میلیارد نفر و در سال ۲۰۵۰ به ۲,۱ میلیارد نفر برسد (WHO ۲۰۲۲). کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ در سال ۱۳۳۵ تنها ۴ درصد از جمعیت کل کشور در سنین ۶۵ سال و بیشتر بودند، اما با گذشت زمان سهم جمعیتی آن‌ها رو به افزایش گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵ جمعیتی نزدیک به ۳,۴۵۵,۱۶۳ نفر بالای ۶۵ سال در مناطق شهری ایران زندگی می‌کردند (آمار ۱۳۹۵) و انتظار می‌رود در سال ۱۴۳۰ تقریباً یک‌پنجم از جمعیت کشور (حدود ۱۸,۷ درصد) این سنین را تجربه کنند. همچنین طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ نفوس و مسکن از تعداد ۳,۴۰۶,۹۳۲ خانوار ساکن در شهرستان تهران تعداد ۹۱۸,۲۷۵ خانوار حداقل یک عضو بالای ۶۰ سال داشت که تقریباً ۲۷ درصد افراد ساکن در این شهر را شامل می‌شود.

افزایش سریع جمعیت سالمندان نیازمند بازنگری در سیاست‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای کاهش مشکلات احتمالی مرتبط با این پدیده است. سالمندان به دلایل مختلف، از جمله کاهش توانایی‌های جسمی و افزایش وابستگی، به مراقبت نیاز دارند و با مشکلاتی مانند دسترسی به خدمات بهداشتی، مسکن مناسب و همچنین مشارکت اجتماعی مواجه هستند. تحقیقات نشان داده است که پیشرفت علمی می‌تواند راه‌حلی را برای مواجهه با این مسئله مطرح کند. در راستای پاسخ به این چالش‌ها، نگرش‌های مختلفی درباره سالمندی مطرح شده است. یکی از این نگرش‌ها، رویکرد «سالخوردگی در مکان» (Place in Aging) است که بر حفظ استقلال و ماندگاری سالمندان در خانه و جامعه‌ای که به آن تعلق دارند، تأکید می‌کند. این رویکرد به سالمندان اجازه می‌دهد تا در محیط آشنا و در کنار خانواده و دوستان خود به زندگی ادامه دهند. همچنین، رویکردهای دیگری مانند «سالمندی فعال» (Aging Active) بر اهمیت مشارکت اجتماعی و فعالیت فیزیکی سالمندان در طول زندگی تمرکز دارد. «سالمندی سالم» (Aging Healthy) نیز به حفظ سلامت جسمی و روانی سالمندان از طریق مراقبت‌های پزشکی و تغییرات در سبک زندگی اشاره می‌کند. در کنار این‌ها، مفهوم «سالمندی پایدار» (Sustainable Aging) به حفظ رفاه سالمندان در بلندمدت با در نظر گرفتن اثرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی تأکید دارد.

رویکرد «سالخوردگی در مکان» به‌عنوان یکی از مفاهیم متأخر سالمندی در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در ایران کمتر به آن پرداخته شده است. این در حالی است که با افزایش سریع جمعیت سالمندان در ایران، نیاز به توجه به این مفهوم بیش از پیش احساس می‌شود؛ بنابراین هدف این مقاله، ارزیابی بی‌طرفانه پژوهش‌های علمی محققان و مؤسسات پژوهشی به‌منظور بررسی موضوع و چالش‌های آن در حوزه‌های مختلف و بررسی رابطه بین سالمندی و محیط ساخته شده از طریق مرور بیبلیومتریک است. این مقاله با مرور مطالعات و مقالات علمی، قصد دارد مؤلفه‌های اصلی این رویکرد را استخراج کند و رابطه سالخوردگی در مکان را با محیط‌های شهری و مسکونی تبیین نماید. این بررسی می‌تواند به‌عنوان بخشی از سیاست‌گذاری علمی، روندهای نوظهور پژوهشی مانند حوزه‌های جدید و نقاط تمرکز علمی که نیاز به توجه ویژه دارند، یا موضوعات در حال رشد و افت را شناسایی و پیگیری کند (Oladinrin, 2021).

روش‌شناسی

ماهیت روش‌شناسی این پژوهش براساس مطالعه، بررسی و پایش اطلاعات جهت بررسی کلیدواژه‌های موضوع سالخوردگی در مکان در تحقیقات انجام شده است. انجام این روند دارای مراحل است که در ادامه روش‌شناسی شرح داده شده است، اما به‌صورت خلاصه شامل بررسی داده‌های ورودی است که در واقع همان پژوهش‌های صورت‌گرفته از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۴ پیروان موضوع مطرح شده از طریق پایگاه داده اسکوپوس است. پس از دریافت این داده‌ها از پایگاه com.scopus و حذف داده‌های اضافه و تکراری در نرم‌افزار excel، مدل‌سازی کلیدواژه‌ها در نرم‌افزار VOSviewer صورت گرفته است (Burnham, 2006).



دریافت داده‌های ورودی از پایگاه داده اسکوپوس

پایگاه داده اسکوپوس (Scopus) یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین منابع علمی در جهان است که توسط شرکت Elsevier مدیریت می‌شود. این پایگاه داده، بیش از ۸۲ میلیون رکورد از مقالات علمی، کنفرانس‌ها و اسنادها در رشته‌های مختلف علمی مانند علوم پزشکی، مهندسی، علوم اجتماعی و علوم انسانی را شامل می‌شود. یکی از دلایل اعتبار اسکوپوس، پوشش گسترده و جامع آن از مجلات علمی معتبر و داوری شده است. این پایگاه با دقت فراوان مقالات را انتخاب می‌کند و اطلاعاتی به‌روز و باکیفیت در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد؛ همچنین ابزارهای تحلیلی اسکوپوس به کاربران اجازه می‌دهد تا روندهای پژوهشی و نقاط تمرکز تحقیقاتی را شناسایی نمایند و از آن برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری علمی استفاده کنند.

برای انجام این پژوهش سه کلیدواژه neighborhood, environment built, place in aging جست‌وجو شده است. در نتیجه این جست‌وجو که صرفاً شامل مقالات علمی پژوهشی و کتاب‌های معتبر علمی بوده است، تعداد ۳۵۰ مقاله به دست آمد. در ادامه با حذف مقالات تکراری و با اطلاعات ناقص مجموعاً ۳۲۰ مقاله انتخاب شده‌اند.

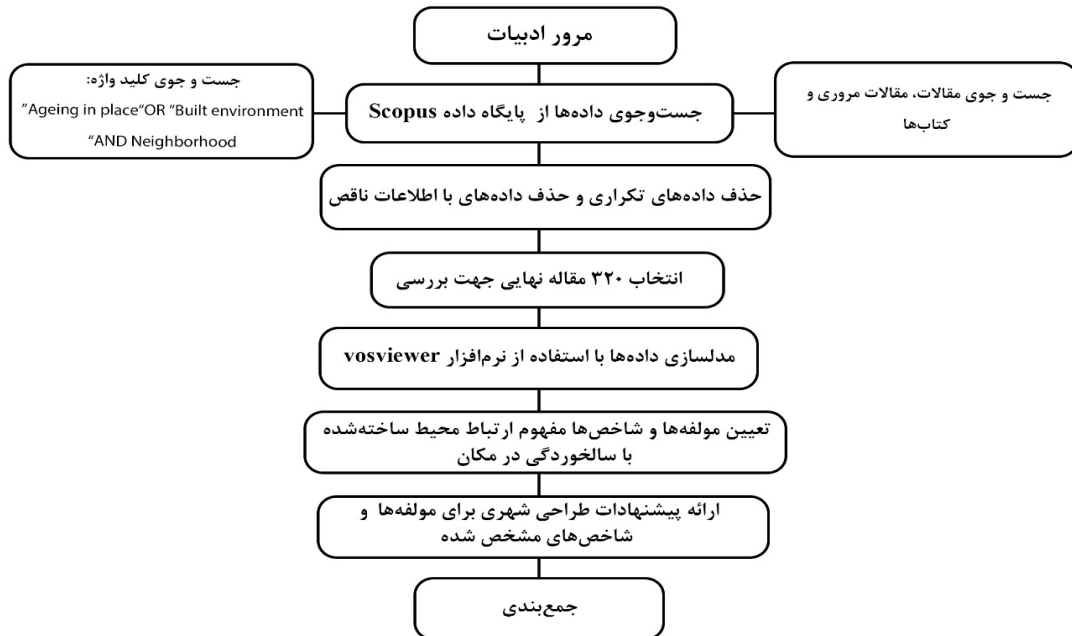
اصلاح کلیدواژه‌های نویسندگان در نرم‌افزار اکسل

با توجه به اینکه موضوع اصلی این مقالات place in aging بود این واژه در پایش داده‌ها از کلیدواژه‌های نویسندگان حذف شد. علاوه بر این، واژه‌های مترادف با کلیدواژه سالخوردگی که برخی از آنان شامل کلیدواژه‌های seniors, elderly, aging هستند نیز حذف شدند. برخی واژه‌ها با نوشتارهای متفاوت ولی معنای یکسان نیز به‌شکل واحد درآمدند؛ برای مثال واژه‌های neighbourhood, neighbouroods و neighborhoods که همگی شکل‌های گوناگون واژه‌ی neighborhood هستند، به‌شکلی واحد درآمدند.

ورود داده‌ها به نرم‌افزار VOSviewer

VOSviewer نرم‌افزاری است که برای تجزیه و تحلیل و نمایش شبکه‌های علمی طراحی شده و به‌ویژه در تحلیل داده‌های استنادات علمی، همکاری‌های بین محققان و شبکه‌های موضوعی کاربرد دارد. این نرم‌افزار قادر است داده‌های علمی بزرگ مانند پایگاه‌های داده Scopus و Science of Web را تجزیه و تحلیل کند و نتایج را به‌صورت گرافیکی و بصری نمایش دهد. با استفاده از الگوریتم‌های خوشه‌بندی، VOSviewer می‌تواند روابط میان مقالات، نویسندگان و کلمات کلیدی را شبیه‌سازی کند و الگوهای مختلف در داده‌های علمی را شناسایی نماید. ویژگی‌های اصلی VOSviewer شامل قابلیت تحلیل دقیق داده‌ها، نمایش گرافیکی شبکه‌ها و امکان تعامل با نمودارهاست که به پژوهشگران کمک می‌کند تا ساختار علمی و روابط میان مقالات و موضوعات را بهتر درک کنند. این نرم‌افزار معمولاً در تحلیل‌های کتاب‌شناختی (analysis bibliometric) و مطالعات علم‌سنجی برای ارزیابی علمی و شناسایی روندهای پژوهشی کاربرد دارد (al et Silva, Arruda, 2022). در این مرحله داده‌های اصلاح‌شده اکسل وارد نرم‌افزار viewer VOS شد و نمایش گرافیکی از هم‌رویدادی (occurrence-co) کلیدواژه‌های استفاده‌شده توسط نویسندگان (keywords author) گرفته شد.





شکل ۱: روش‌شناسی پژوهش

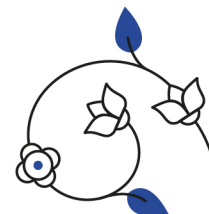
یافته‌ها / نتایج و بحث

بررسی مفهوم سالموردگی در مکان

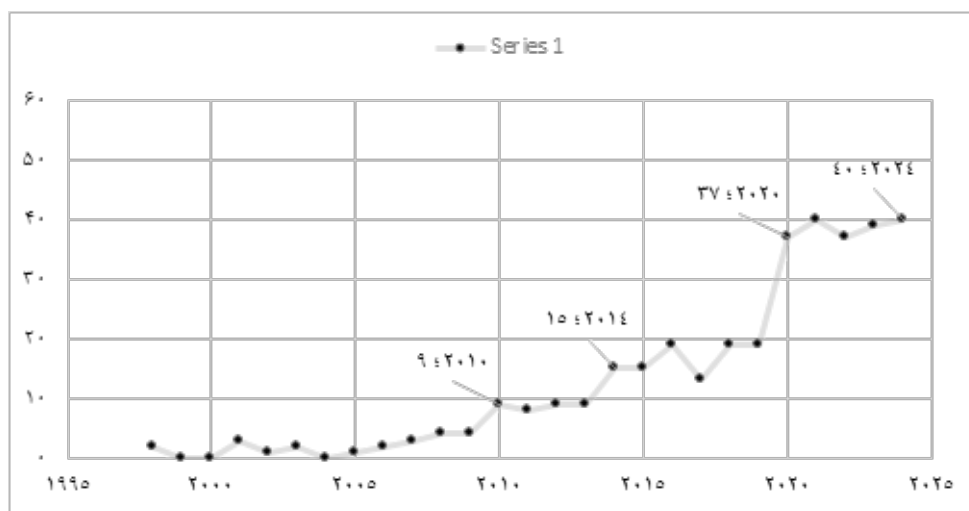
سالموردگی در مکان به توانایی سالمندان برای ماندن در خانه‌ها و جوامع خودشان با افزایش سن، به جای نقل مکان به مراکز مراقبتی، با تأکید بر حفظ استقلال، مشارکت اجتماعی و روابط عاطفی سالمندان با محیط زندگی آشنای سالمند اشاره می‌کند. نحوه تجربه مفهوم سالموردگی در مکان به ابعاد فیزیکی، اجتماعی و احساسی محیط زندگی وابسته است و نقش مهمی در تقویت عزت نفس و احساس امنیت سالمندان ایفا می‌کند. از دیگر عوامل کلیدی مؤثر در موفقیت سالموردگی در مکان می‌توان دلبستگی به مکان را نام برد که شامل جنبه‌های فیزیکی، اجتماعی، روانی و اقتصادی محیط است و تمایل سالمندان به ماندن در خانه‌ها و محله‌هایشان را تقویت می‌کند. خاطرات و ارتباطات اجتماعی سالمندان با این محیط‌ها باعث ایجاد پیوند عمیق عاطفی می‌شود که برای حفظ استقلال و احساس تعلق سالمندان ضروری است. با این حال، تجربه سالموردگی در مکان برای همه یکسان نیست و به ویژگی‌های فردی، روابط اجتماعی، و دسترسی به خدمات حمایتی بستگی دارد (Wiles, al et Leibing, 2012, Chaudhury and Bigonnesse, 2020, Mack-Rosenwohl, al et Schumacher, 2020, Kozlowski, Rose, 2022, al et Duren van, Harreman-Pani, 2022, al et Zanjari, Arani Aliakbarzadeh, al et Doran, Yarker, 2023).

مفهوم «سالموردگی در مکان» (AIP) در سه دهه گذشته توجه خدمات‌دهندگان، سیاست‌گذاران و محققان را در سطح بین‌المللی به خود جلب کرده است. سالموردگی در مکان اولین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح شد، در دهه ۱۹۹۰ به سرعت گسترش یافت و از آغاز هزاره جدید به‌طور فزاینده‌ای در ادبیات علمی مورد بحث قرار گرفت (Wiles, al et Leibing, 2012, Chaudhury and Bigonnesse, 2020). با این حال رابطه محیط ساخته شده با سالموردگی در مکان (با توجه به داده‌های به دست آمده از پایگاه داده اسکوپوس) از سال ۱۹۸۸ با انتشار دو مقاله با عناوین «مشارکت دادن سالمندان در فرایند طراحی» و «طرح اقدام: ائتلاف اقدام ملی اصلاحات خانه» مطرح شد و از آن زمان به بعد، به غیر از سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴، این موضوع همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است.

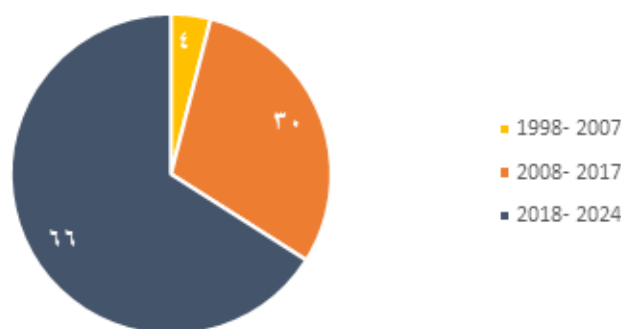
بررسی پایگاه داده اسکوپوس نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۴، تعداد ۳۵۰ مقاله و کتاب در ارتباط با نقش محیط ساخته شده و محله در مفهوم «سالموردگی در مکان» (AIP - Place in Aging) منتشر شده است. روند انتشار مقالات و کتاب‌های



مرتبط با این مفهوم در سال‌های مختلف نسبتاً پایدار بوده و افت محسوسی نداشته است. باین‌حال، در سال ۲۰۲۰ تعداد مقالات به ۳۷ مقاله رسید که نشان‌دهنده رشد چشمگیر نسبت به سال‌های گذشته است. این افزایش هم‌زمان با اوج‌گیری همه‌گیری ویروس کرونا می‌تواند حاکی از تأثیر این رویداد جهانی بر افزایش اهمیت و توجه به موضوع سالخوردگی در مکان باشد. همه‌گیری کرونا نیاز به بازبینی در نحوه زندگی سالمندان و نقش محیط‌های مسکونی و محله‌های آن‌ها را برجسته‌تر کرد و این امر به افزایش توجه به این حوزه از پژوهش منجر شد. همچنین مقایسه تعداد مقالات منتشرشده در دهه‌های مختلف نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷، تعداد ۱۴ مقاله (معادل ۴ درصد از کل مقالات)، از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ تعداد ۱۰۵ مقاله (معادل ۳۰ درصد) و از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ تعداد ۲۳۱ مقاله (معادل ۶۶ درصد) به چاپ رسیده‌اند. این آمار به‌وضوح روند رو به رشد توجهات علمی به ارتباط بین محیط ساخته‌شده و سالخوردگی در مکان را نمایش می‌دهد. کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا و انگلستان در صدر هستند که نشان‌دهنده تولید گسترده مقالات و ارجاعات علمی در این حوزه است. این موضوع می‌تواند به‌دلیل تجربه‌های پیشرفته این کشورها در طراحی شهری و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی برای سالمندان در مقایسه با کشورهای نظیر ایران باشد.



نمودار ۱: تعداد مقالات منتشرشده در هر سال در پایگاه داده اسکوپوس



نمودار ۲: نسبت تعداد مقالات چاپ‌شده در بازه زمانی ۱۰ سال

کشورهای فعال در زمینه رابطه میان محیط ساخته‌شده و سالخوردگی در مکان

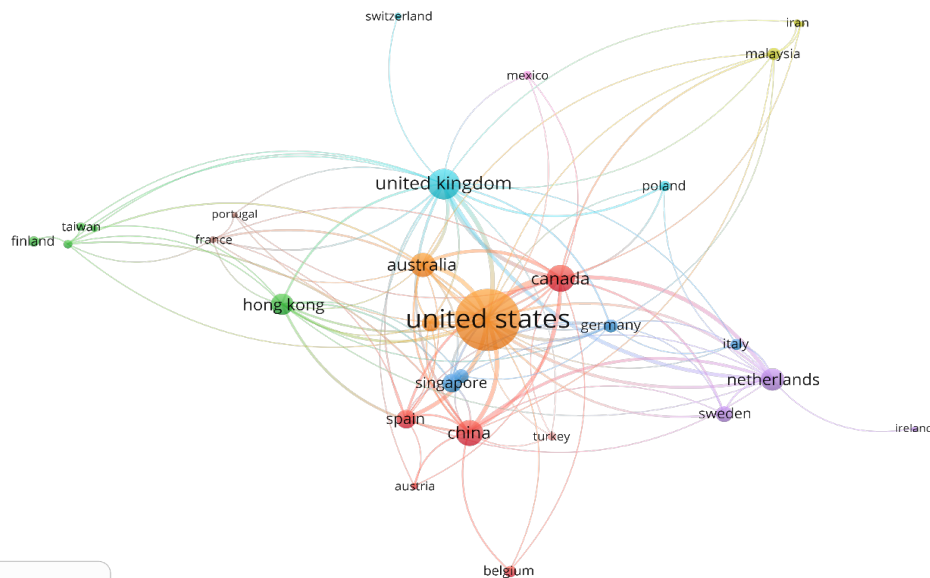
جدول شماره ۱ در خصوص مقالات و ارجاعات ارائه‌شده درباره سالخوردگی در مکان و ارتباط آن با محیط فیزیکی است که نشان‌دهنده پراکندگی و اهمیت موضوع در کشورهای مختلف است. این اطلاعات به ما کمک می‌کند تا بفهمیم کدام کشورها بیشترین سهم را در پژوهش‌های مرتبط با سالخوردگی و طراحی محیط‌های مناسب برای افراد مسن دارند.



جدول ۱: تعداد، ارجاعات و قدرت اتصال مقالات چاپ شده در کشورهای مختلف

÷	نام کشور	تعداد مقالات	ارجاعات	قدرت اتصالات
کشورهای فعال	ایالات متحده آمریکا	۱۳۷	۲۷۸۲	۱۰۸
	انگلستان	۳۴	۱۲۳۸	۶۶
	کانادا	۲۶	۱۹۸۳	۷۸
	چین	۲۵	۴۰۱	۵۲
	استرالیا	۲۲	۳۶۸	۴۶
	هلند	۱۹	۷۴۹	۴۵
	هنگ کنگ	۱۷	۴۴۱	۲۵
	اسپانیا	۱۳	۱۵۶	۲۷
	سنگاپور	۱۳	۱۸۹	۱۷
	ایران	۲	۱۸	۳

در شکل ۱، نقشه استخراج شده از نرم افزار VOSviewer، به وضوح میزان فعالیت و همکاری علمی میان کشورهای پیشرو مانند ایالات متحده، انگلستان، کانادا، استرالیا و چین در حوزه سالخوردگی در مکان (AIP) را در مرکز نقشه نمایش می دهد. این کشورها با داشتن پیوندهای قوی تر و تعداد بیشتری از مقالات و ارجاعات، به عنوان هسته های اصلی این پژوهش جهانی مشخص شده اند. در مقابل، کشورهایی نظیر ایران، مکزیک و سایر کشورهایی که کمتر روی مفهوم AIP کار کرده اند، در حاشیه نقشه قرار دارند. این موقعیت، کمبود فعالیت پژوهشی و همکاری های بین المللی در این حوزه را در مقایسه با کشورهای پیشرو به خوبی نشان می دهد.



شکل ۲: مدل سازی تعداد، ارجاعات و قدرت اتصال مقالات چاپ شده در کشورهای مختلف با نرم افزار VOSviewer

محیط ساخته شده و ارتباط آن با مفهوم سالخوردگی در مکان

محیط ساخته شده به تمام فضاها و ساختارهای فیزیکی نظیر ساختمان ها، خیابان ها، پارک ها و سایر زیرساخت ها اشاره می کند. محیطی که توسط انسان ها طراحی و ایجاد می شود و افراد در آن زندگی می کنند و با آن ها تعامل برقرار می سازند. این محیط شامل عناصری است که می تواند بر کیفیت زندگی افراد تأثیر بگذارد؛ به ویژه برای سالمندان که به دنبال حفظ



استقلال و راحتی خود در خانه‌ها و جوامع خودند. طراحی محیط‌های مناسب و کارآمد می‌تواند به سالمندان کمک کند تا در طول سال‌های پیری، کمتر با چالش‌های جسمی و اجتماعی روبه‌رو شوند. (Kan, al et Forsyth, 2020). ارتباط میان محیط ساخته‌شده و مفهوم سالخوردگی در مکان را می‌توان از ابعاد گوناگونی بررسی کرد. برای مثال در اولین مورد، دسترسی‌پذیری و ایمنی عناصر کلیدی است که باید در طراحی این محیط‌ها در نظر گرفته شود. ویژگی‌هایی مانند رمپ‌ها، آسانسورها و مسیرهای پیاده‌روی امن، به سالمندان اجازه می‌دهد که به راحتی و بدون خطر رفت‌وآمد کنند و از خدمات ضروری، مانند مراکز بهداشتی و فروشگاه‌ها استفاده نمایند. این امکانات نه تنها ایمنی را افزایش می‌دهد، بلکه به حفظ استقلال و کیفیت زندگی سالمندان نیز کمک می‌کند (Buffel, Phillipson et al. 2012, Pani-Harreman, Bours et al. 2021).

محیط ساخته‌شده بر تعاملات اجتماعی و احساس تعلق به جامعه تأثیر می‌گذارد. فضاهایی مانند پارک‌ها و مراکز اجتماعی که برای سالمندان در دسترس هستند، می‌توانند به افزایش تعاملات اجتماعی و کاهش انزوای فرد کمک کنند. ارتباطات اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، برای سلامت روانی و احساسی سالمندان بسیار مهم است و می‌تواند به ایجاد حس تعلق و حمایت اجتماعی در آن‌ها کمک کند (Buffel, Phillipson, al et 2012, Canham, al et Weldrick, 2012). در نهایت، محیط ساخته‌شده می‌تواند با داشتن قابلیت انطباق و انعطاف پاسخگوی نیازهای متغیر سالمندان با افزایش سن باشد. این ویژگی می‌تواند شامل امکان انجام تغییرات در خانه، مانند نصب میله‌های کمکی یا عریض کردن درها باشد که به سالمندان کمک می‌کند تا با محدودیت‌های فیزیکی خود سازگار شوند. با توجه به تغییر نیازها و ترجیحات سالمندان، طراحی محیط‌های ساخته‌شده باید به گونه‌ای باشد که بتوانند به راحتی به تغییرات پاسخ دهند و از سالخوردگی موفق در مکان حمایت کنند (Buffel, Phillipson, al et 2012, Harreman-Pani, Bours, al et 2021, Weldrick, Canham, al et 2022).

به‌طور خلاصه، میان محیط ساخته‌شده و سالخوردگی در مکان، رابطه پیچیده‌ای وجود دارد که به عوامل اجتماعی، عاطفی و فیزیکی وابسته است. این عوامل در مجموع می‌توانند کیفیت زندگی و بهزیستی سالمندان را تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین، طراحی و برنامه‌ریزی محیط‌های شهری به گونه‌ای که نیازهای سالمندان را برآورده کرده و احساس امنیت و تعلق را تقویت نماید، ضروری است. این رویکرد نه تنها به سالمندان کمک می‌کند که در محیط‌های خود باقی بمانند، بلکه به کیفیت زندگی آن‌ها نیز می‌افزاید (Kan, al et Forsyth, 2020, Harreman-Pani, Bours, al et 2021).

مفاهیم تبیین‌کننده نقش محیط کالبدی در سالخوردگی در مکان

نقش محیط کالبدی در «سالخوردگی در مکان» به‌عنوان یک پدیده چندلایه، با تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی، محیط کالبدی زندگی و سلامت فردی (جسمانی و روانی)، کاملاً درک‌پذیر است.

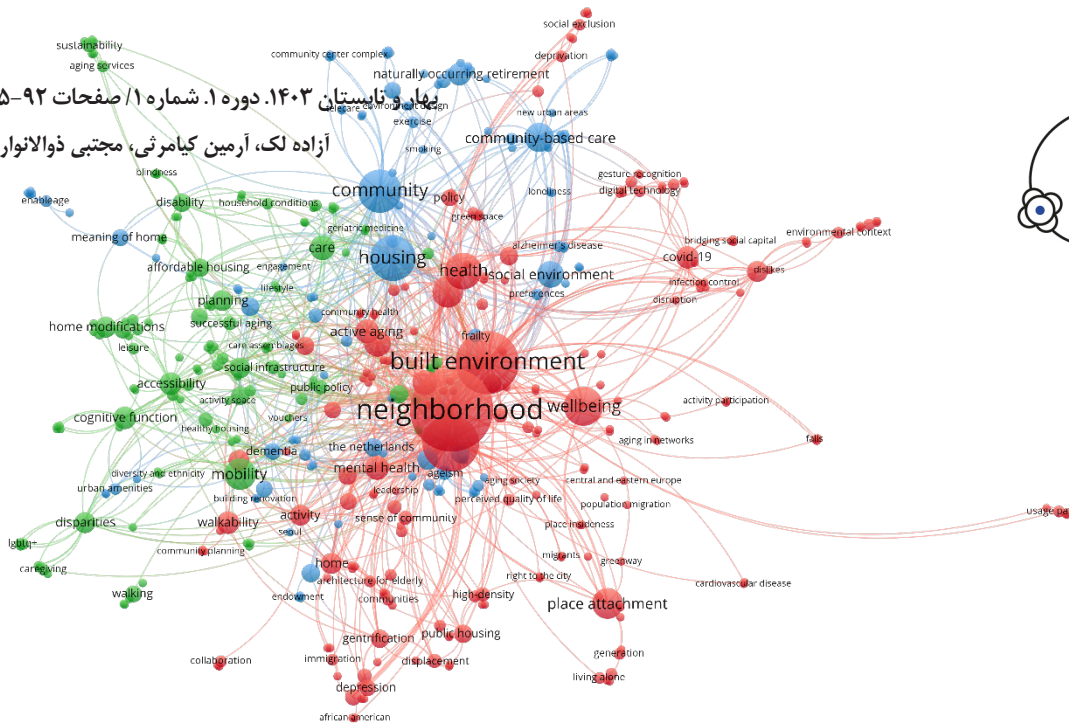
مؤلفه محیط اجتماعی: محیط اجتماعی سالمندان به‌عنوان یک عنصر کلیدی در فرایند «سالخوردگی در مکان» به‌شدت تحت تأثیر طراحی شهری و زیرساخت‌های فیزیکی است. ارتباطات اجتماعی سالمندان با افراد دیگر و حس تعلق به جامعه می‌تواند به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر بگذارد. هرچه فضاهای عمومی بیشتر بر تعاملات اجتماعی تمرکز داشته باشند، به ایجاد روابط معنادار و شبکه‌های حمایت اجتماعی کمک می‌کنند. برای مثال، فضاهای عمومی دلبخیر مانند پارک‌ها، نیمکت‌ها و مراکز تجمع محلی محیطی را برای سالمندان فراهم می‌کنند که نه تنها احساس انزوا را کاهش می‌دهد، بلکه حس امنیت روانی و اجتماعی بیشتری نیز در آن‌ها ایجاد می‌کند. این حس امنیت می‌تواند به‌ویژه در دورانی که ارتباطات اجتماعی ممکن است چالش‌برانگیزتر باشد، حیاتی باشد. وجود همبستگی بین‌نسلی و تعاملات میان گروه‌های سنی مختلف نیز به تقویت این حس تعلق کمک می‌کند. فضاهایی که نسل‌های مختلف در آن‌ها حضور دارند، می‌توانند به تبادل تجربیات و ارتقای روابط اجتماعی سالمندان و نسل‌های جوان‌تر کمک کنند. به همین ترتیب، مراکز اجتماعی سالمندان به‌عنوان مکان‌هایی برای ملاقات، آموزش و فعالیت‌های تفریحی به آن‌ها این امکان را می‌دهند که در زندگی اجتماعی فعال باقی بمانند. این مراکز همچنین می‌توانند به‌عنوان نقاط دسترسی برای دریافت خدمات اجتماعی و درمانی عمل کنند و حس جامعه‌پذیری را تقویت نمایند. در نهایت، دسترسی به خدمات بهداشتی و روان‌شناسی اجتماعی و برگزاری رویدادهای اجتماعی محلی، مانند جشن‌ها و نمایشگاه‌ها، می‌تواند به سالمندان کمک کند تا در زندگی اجتماعی مشارکت بیشتری داشته باشند. این نوع فعالیت‌ها نه تنها باعث تقویت روابط اجتماعی می‌شود، بلکه حس تعلق به محیط زندگی را نیز افزایش می‌دهد.



به این ترتیب، طراحی مؤثر فضاهای اجتماعی و توجه به نیازهای سالمندان می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی آن‌ها و تقویت تعاملات اجتماعی ایفا کند که به حفظ سلامت روانی و جسمانی آن‌ها کمک می‌کند.

مؤلفه محیط کالبدی: محیط کالبدی زندگی نقش اساسی در حفظ استقلال سالمندان دارد و طراحی شهری باید به گونه‌ای باشد که زندگی روزمره آن‌ها را ساده‌تر کند. وجود مسیرهای پیاده‌روی امن و در دسترس، نه تنها به تسهیل حرکات روزانه کمک می‌کند، بلکه احساس امنیت و آرامش را نیز برای سالمندان فراهم می‌آورد. به علاوه، طراحی فضاهای عمومی باید شامل امکانات بدون مانع باشد تا سالمندان بتوانند به راحتی از این فضاها استفاده کنند. فضاهای سبز و دلپذیر، مانند پارک‌ها و باغ‌ها، به سالمندان فرصتی برای فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی می‌دهند و به تقویت روابط اجتماعی آن‌ها کمک می‌کنند. وجود خدمات ضروری نزدیک به محل زندگی از دیگر عوامل کلیدی در حفظ استقلال سالمندان است. دسترسی آسان به مراکز درمانی، فروشگاه‌ها و خدمات اجتماعی، نیاز به جابه‌جایی‌های طولانی را کاهش می‌دهد و به سالمندان این امکان را می‌دهد که زندگی خود را به‌طور مستقل و بدون نیاز مداوم به کمک دیگران مدیریت کنند. این موضوع به افزایش عزت‌نفس سالمندان و احساس خودکفایی آن‌ها منجر می‌شود و بهبود کیفیت زندگی را به دنبال دارد. در نهایت، نورپردازی مناسب و طراحی ایمن در فضاهای عمومی نیز نقش مهمی در تقویت احساس امنیت سالمندان دارد. طراحی فضایی که شامل سطوح ضدلغزش و مسیرهای ایمن است، خطر حوادث را کاهش می‌دهد و سالمندان را ترغیب به استفاده از این فضاها می‌کند. این امر نه تنها به حفظ استقلال آن‌ها کمک می‌کند، بلکه با فراهم آوردن فرصت‌های بیشتر برای تعامل اجتماعی و فعالیت‌های جمعی، سلامت روانی و جسمانی آن‌ها را نیز تقویت می‌کند. به این ترتیب، محیط کالبدی زندگی می‌تواند به‌طور چشمگیری بر کیفیت زندگی سالمندان تأثیر بگذارد و بستری را فراهم آورد که آن‌ها بتوانند در محیطی امن و حمایتگر سالخورده شوند.

سلامت فردی (جسمانی و روانی): سلامت فردی ارتباط مستقیمی با کیفیت محیط کالبدی دارد و طراحی مناسب این محیط می‌تواند تأثیرات مثبتی بر زندگی سالمندان بگذارد. دسترسی به فضاهای باز و طبیعت، از جمله پارک‌ها و باغ‌ها، می‌تواند به تقویت سلامت جسمانی آن‌ها کمک کند و فعالیت‌های بدنی ساده مانند پیاده‌روی یا تمرینات سبک را تسهیل کند. این فضاها فرصتی را فراهم می‌آورند که سالمندان بتوانند با فعالیت‌های بدنی منظم به حفظ تناسب اندام و جلوگیری از بیماری‌های مزمن بپردازند که این امر به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها می‌انجامد. علاوه بر این، محیطی که از نظر بصری دلپذیر، روشن و امن باشد، استرس و اضطراب روانی را کاهش می‌دهد. وجود نورپردازی مناسب و طراحی ایمن در فضاهای عمومی می‌تواند احساس امنیت را برای سالمندان به ارمغان بیاورد و آن‌ها را ترغیب کند تا از این فضاها استفاده کنند. همچنین، حضور در فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی در این فضاها می‌تواند روابط اجتماعی آن‌ها را تقویت کند و به کاهش احساس تنهایی و انزوا کمک کند که خود عاملی است برای بهبود سلامت روانی سالمندان. سرانجام، آرامش حاصل از محیط‌های مثبت و حمایتگر می‌تواند به بهبود سلامت روانی سالمندان کمک کند و از مشکلات روانی ناشی از انزوای اجتماعی یا استرس محیطی جلوگیری نماید. حمایت اجتماعی و ارتباطات بین‌فردی که در این فضاها تقویت می‌شود، به سالمندان کمک می‌کند تا احساس تعلق و مشارکت در جامعه داشته باشند. در نتیجه، طراحی مؤثر و توجه به کیفیت محیط کالبدی می‌تواند به‌طور درخور توجهی بر سلامت فردی و کیفیت زندگی سالمندان تأثیر بگذارد و آن‌ها را در مسیر سالخوردگی سالم و مستقل یاری کند. در نهایت، یکپارچگی میان این سه مؤلفه در طراحی محیط کالبدی، به معنای ایجاد فضایی است که نه تنها از نظر فیزیکی با نیازهای سالمندان سازگار باشد، بلکه از نظر اجتماعی و روانی نیز رفاه و سلامت آن‌ها را تضمین کند. این مسئله از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا به سالمندان امکان می‌دهد تا در محیط زندگی خود، با کمترین وابستگی به دیگران و با حسی از استقلال و آرامش، سالخورده شوند.



شکل ۳: مدل سازی هم‌آهنگی کلیدواژه‌های نویسندگان (keywords autor) مقالات مرتبط با تأثیر محیط ساخته شده بر سالخوردگی در مکان با نرم‌افزار VOSviewer

جمع‌بندی و پیشنهادهای طراحی شهری

برای تبیین مؤلفه‌های کالبدی، سلامت فردی و محیط اجتماعی، میتوان شاخص‌هایی تعیین کرد و برای اجرای هرکدام در محیط شهری پیشنهادهایی ارائه داد:

جدول ۲: مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و پیشنهادهای طراحی شهری

مؤلفه	شاخص‌ها	پیشنهاد‌های طراحی شهری
محیط کالبدی	دسترسی آسان به فضاها و امکانات	- استفاده از مبلمان شهری قابل تنظیم - ایجاد فضاها و چندمنظوره - تجهیز مسیرهای حرکت به علامت‌های راهنما و هشدار - در نظرگیری عرض کافی برای پیاده‌روها و حذف موانع فیزیکی
	فضاهای سبز و پارک‌ها	- ایجاد دسترسی به فضاهای سبز در شعاع مناسب از محل سکونت سالمندان و تجهیز فضاها به امکانات تفریحی - ایجاد مسیرهای پیاده‌روی با سایه‌بان طبیعی از درختان برای محافظت از سالمندان در برابر گرمای زیاد
	طراحی نورپردازی مناسب	- نصب چراغ‌های کم‌مصرف و نرم در مسیرهای پیاده‌روی و فضاهای شهری - به‌کارگیری نورهای متمرکز برای روشن کردن نقاط کلیدی مانند راهروها، ورودی‌ها و پله‌ها در ساختمان‌های عمومی
سلامت فردی	ایمنی و آرامش در فضاهای عمومی	- استفاده از مصالح مقاوم در برابر لغزش و سطوح ضد‌ضربه برای کاهش خطرات فیزیکی - آب‌خوری‌ها و دستشویی‌های دسترسی‌پذیر
	فعالیت‌های فیزیکی مناسب	- طراحی مسیرهای مخصوص پیاده‌روی در فضاهای باز و اطراف پارک‌ها - برگزاری رویدادهای ورزشی گروهی در فضاهای عمومی
	دسترسی به خدمات پزشکی	- ایجاد شبکه‌ای از کلینیک‌ها و مراکز پزشکی کوچک و دسترسی آسان به آن‌ها از طریق حمل‌ونقل عمومی - ایجاد ایستگاه‌های سلامت در محله‌ها برای بررسی منظم فشار خون، قند خون و سایر شاخص‌های سلامتی
حمایت از سلامت روان	- تخصیص فضاهایی در پارک‌ها به آرامش با استفاده از طراحی طبیعی، آب‌نماها و باغچه‌های گل	

ادامه جدول ۲: مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و پیشنهادهای طراحی شهری

ارتباطات اجتماعی	- ایجاد کافه‌ها و فضاهای جمعی در نزدیکی محل زندگی سالمندان - برگزاری رویدادهای محلی	محیط اجتماعی
مشارکت فعال در جامعه	- برنامه‌ریزی دوره‌های آموزشی و فرهنگی ویژه سالمندان در کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی و ورزشی محلی	
پشتیبانی اجتماعی	- ایجاد دفاتر مشاوره و حمایت اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی سالمندان برای ارائه خدمات مختلف از جمله مشاوره و گروه‌های حمایتی	
ارتباطات بین‌نسلی	- برگزاری برنامه‌های داوطلبانه و آموزشی بین‌نسلی - برگزاری رویدادهای خانوادگی چندنسلی	

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه موضوع «سالخوردگی در مکان» در ایران به‌اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است، آماده نبودن زیرساخت‌های شهری و اجتماعی برای پاسخ به نیازهای جمعیت سالمندان می‌تواند در آینده پیامدهای جدی به همراه داشته باشد. این مفهوم که به معنای زندگی سالمندان در محیط‌های آشنا و حمایتی است، بر سه مؤلفه اصلی سلامت فردی، محیط اجتماعی و محیط کالبدی استوار است. هریک از این مؤلفه‌ها در حفظ کیفیت زندگی سالمندان نقشی حیاتی ایفا می‌کنند. در نبود طراحی مناسب فضاهای عمومی، دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و رفاهی و محیط‌های مسکونی غیربهبوده، سالمندان با مشکلات جسمی و روانی بیشتری روبه‌رو می‌شوند که نه تنها منجر به کاهش کیفیت زندگی آن‌ها می‌شود، بلکه فشار بیشتری بر سیستم‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی وارد می‌کند و هزینه‌های درخور توجهی بر جامعه تحمیل می‌نماید. توجه به این موضوع و برنامه‌ریزی مناسب می‌تواند از بروز این چالش‌ها جلوگیری و به بهبود وضعیت زندگی سالمندان کمک کند.

در مؤلفه محیط کالبدی، محیط فیزیکی زندگی سالمندان باید به‌گونه‌ای طراحی شود که استقلال آن‌ها حفظ گردد. وجود زیرساخت‌هایی مانند رمپ‌ها، پیاده‌روهای ایمن و آسانسورها می‌تواند به تسهیل حرکت و انجام کارهای روزمره آن‌ها کمک کند. همچنین، دسترسی نزدیک به خدمات ضروری مانند مراکز درمانی و فروشگاه‌ها، به سالمندان اجازه می‌دهد که بدون نیاز مداوم به کمک دیگران، زندگی خود را مدیریت کنند. این امر به افزایش عزت‌نفس و خودکفایی آن‌ها کمک می‌کند و کیفیت زندگی روزمره‌شان را بهبود می‌بخشد.

در مؤلفه سلامت، طراحی محیط‌های فیزیکی نقش مهمی در حفظ سلامت جسمی و روانی سالمندان دارد. دسترسی به فضاهای باز و طبیعت، مانند پارک‌ها و باغ‌ها، می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای فعالیت‌های بدنی سالمندان فراهم کند. همچنین، استفاده از طراحی ایمن و نورپردازی مناسب در فضاهای عمومی، استرس و اضطراب را کاهش می‌دهد و به بهبود سلامت روانی آن‌ها کمک می‌کند. این عوامل باعث می‌شوند سالمندان بتوانند با انجام فعالیت‌های فیزیکی ساده، سلامت جسمی خود را حفظ و از بیماری‌های مزمن پیشگیری کنند.

در مؤلفه محیط اجتماعی، تأکید بر تعاملات اجتماعی سالمندان است. فضاهای عمومی که تعاملات اجتماعی را تشویق می‌کنند، نقش مهمی در جلوگیری از احساس انزوا و تنهایی سالمندان ایفا می‌کنند. پارک‌ها، مراکز اجتماعی و فضاهای تفریحی مکان‌هایی هستند که سالمندان می‌توانند در آن‌ها با دیگران ارتباط برقرار سازند و حس تعلق به جامعه را تقویت کنند. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و استفاده از این فضاها نه تنها سلامت روانی سالمندان را تقویت می‌کند، بلکه حس ارزشمندی و مفید بودن را نیز در آن‌ها تقویت می‌نماید.

هریک از این سه مؤلفه با تأثیرگذاری بر کیفیت زندگی سالمندان، به تحقق سالخوردگی سالم و مستقل کمک می‌کنند. تعاملات اجتماعی، سلامت جسمانی و امنیت محیطی همگی از طریق طراحی صحیح محیط ساخته شده تقویت می‌شوند. در نتیجه، محیط ساخته شده که از نظر فیزیکی، اجتماعی و بهداشتی با نیازهای سالمندان سازگار است، می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی آن‌ها و ایجاد وضعیت مناسب برای سالخوردگی در مکان، نقشی تعیین‌کننده داشته باشد.

در نهایت، طراحی شهری که به این سه مؤلفه توجه کند، می‌تواند سلامت جسمی و روانی و اجتماعی سالمندان را تضمین کند و به ایجاد فضایی کمک کند که در آن سالمندان با احساس امنیت و آرامش بیشتری زندگی کنند.



به این ترتیب، سالخوردگی در مکان نه تنها به حفظ استقلال و تعامل اجتماعی سالمندان منجر می شود، بلکه پایداری اجتماعی و بهبود کلی کیفیت زندگی آن ها را نیز تضمین می کند.

بیانیه ها

تعارض منافع

نویسندگان این پژوهش (خانم دکتر لک، آرمین کیامرثی، مجتبی ذوالانوار) اعلام می کنند که هیچ تضاد منافی مرتبط با این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به صورت کتبی اعلام کرده اند.

مشارکت نویسندگان

ایده پردازی و طراحی مطالعه: خانم دکتر آزاده لک؛ گردآوری و مدیریت داده ها: آرمین کیامرثی و مجتبی ذوالانوار؛ تحلیل و تفسیر داده ها: خانم دکتر لک و آرمین کیامرثی و مجتبی ذوالانوار؛ تصویرسازی: آرمین کیامرثی؛ نگارش پیش نویس اولیه: آرمین کیامرثی و مجتبی ذوالانوار؛ بازبینی و اصلاح مقاله: آرمین کیامرثی و مجتبی ذوالانوار؛ مدیریت پروژه تحقیقاتی: خانم دکتر آزاده لک؛ اعتبار سنجی و تأیید نهایی: خانم دکتر آزاده لک و آرمین کیامرثی و مجتبی ذوالانوار

تشکر و قدردانی

نویسندگان از آقای دکتر علیرضا صادقی و هیئت تحریریه نشریه مطالعات طراحی شهری ایران برای ارائه مشاوره فنی و حمایت های معنوی تشکر می کنند.



منابع

۱. اشرفزاده، م.، مددی خادمی، ن.، و بنیادی. (۱۳۸۹). ارزیابی آثار محیط زیستی پروژه های گردشگری ساحلی (مطالعه موردی: شهر جهانگردی بین المللی خلیج فارس). پژوهش های محیط زیست.
۲. انوری آریا، م.، و نساج، م. (۱۳۸۶). بررسی و تبیین نقش صنعت جهانگردی در فضاهای شهری. همایش منطقه ای جغرافیا، گردشگری و توسعه پایدار، اسلام شهر.
۳. پاپلی یزدی، م.، ح.، و سقایی، م. (۱۳۸۶). گردشگری (ماهیت و مفاهیم). تهران: سمت.
۴. تقوایی، م.، و صفربادی، ا. (۱۳۹۲). نقش مدیریت شهری در دستیابی به توسعه پایدار گردشگری شهری؛ مطالعه موردی: شهر کرمانشاه. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک.
۵. حسونند، س.، و خدایانه، م. (۱۳۹۳). تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه: دو رویکرد پانل ایستا و پانل پویا. سیاست های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۶.
۶. دیناری، ا. (۱۳۸۴). گردشگری شهری در ایران و جهان. مشهد: واژگان خرد.
۷. رهنمایی، م. ت. (۱۳۸۶). جزوه درسی جغرافیای توریسم. دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
۸. شاریلی، ر.، و جولیا، (۲۰۱۴). گردشگری روستایی (ترجمه ر. منشی زاده و ف. نصیری). تهران: منشی.
۹. علی پور، ع.، علی پوری، ا.، و حمیدی، م. س. (۱۳۹۹). تحلیل فضایی ظرفیت توریسم نواحی کویر و بیابان و نقش آن در پایداری اجتماعی (مورد: استان یزد). تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، (۱)۷.
۱۰. علی زاده، س. د. (۱۳۸۹). بررسی آسیب های اجتماعی گردشگری در منطقه تامن کلانشهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران.
۱۱. عنابستانی، ع. ا.، علی زبیری، ی.، و عنابستانی، ز. (۱۳۹۲). بررسی آثار شرکت گردشگری پدیده بر توسعه شهری در شانندیز. مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، سال دوم، شماره ۵.
۱۲. قدیمی، م.، و علیقلی زاده فیروزجانی، ن. (۱۳۹۱). ارزیابی توسعه گردشگری مقصد در چهارچوب پایداری؛ نمونه موردی: دهستان تمشکل، شهرستان تنکابن. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱.
۱۳. کاظمی، م. (۱۳۸۵). مدیریت گردشگری. تهران: سمت.
۱۴. محمودی میمند، م.، و مقدمی، ا. (۱۳۹۰). مدیریت نوین توریسم جهانی: شناخت مفاهیم، اصول و بازاریابی توریسم. تهران: مهکام.

15. Bell, S., & Morse, S. (2013). Measuring sustainability: Learning from doing. Routledge.

16. Bennet, J. A., & Strydom, J. W. (2001). Introduction to travel and tourism marketing. Johannesburg: Juta.

17. Cooper, C. P. (1981). Spatial and temporal patterns of tourist behaviour. Regional Studies, 15, 359-371. <https://doi.org/10.1080/00343408112331321521>

18. Fennell, D. A. (1999). Ecotourism: An introduction. Routledge.

19. Hawkins, S. (2007). The World Bank's role in tourism development. *Annals of Tourism Research*, 34(2), 348-363. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2007.01.007>
20. Howes, H. (2000). Sustainable development comes of age: The Thames environment 21 experience. In K. Williams, E. Burton, & M. Jenks (Eds.), *Achieving sustainable urban form* (pp. 235-252). Routledge.
21. Inskip, E. (1991). *Tourism planning*. New York: Van Nostrand Reinhold.
22. Pinkster, F. M., & Boterman, W. R. (2017). When the spell is broken: Gentrification, urban tourism, and privileged discontent in the Amsterdam canal district. *Cultural Geographies*, 24(3), 457-472. <https://doi.org/10.1177/1474474017706176>
23. World Tourism Organization (UNWTO). (2014). A specialized agency of the United Nations, International Forum on Sustainable Development of Tourism and Innovation. Cartagena de Indias, Colombia, 24 June.

Strategies for Urban Design to Enhance Branding and Physical Identity of New Cities – A Case Study of Sadra New City*

Maede Valibeygi^{1,*}, Elias Mavedat²

1. Master's Student in Urban Design, Department of Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.

2. Professor, Department of Urban Planning, Department of Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.

ABSTRACT

New cities, as part of the urban development process in Iran, face multiple challenges, including a lack of identity and a sense of belonging among residents. The new city of Sadra, as an example of these cities, requires approaches that can strengthen its physical and cultural identity. In this context, branding, as an effective strategy in urban design, can help create a distinct and attractive identity for this city. This article examines and presents urban design strategies aimed at branding, which will assist in enhancing the physical identity of the new city of Sadra. Considering the social, cultural, and economic needs of this city, efforts will be made to identify existing challenges and opportunities and to propose practical solutions for improving its physical identity. This research is of an applied nature and has been conducted through a combination of field methods and library studies. In the field section, data have been collected through direct observation of public spaces and interviews with residents and specialists. Additionally, using SWOT analysis, the existing strengths, weaknesses, opportunities, and threats have been identified, and actionable strategies for enhancing the physical identity of the city are presented. The significance of this topic lies in the fact that through branding and strengthening physical identity, it is possible to enhance residents' sense of belonging and commitment to the city and improve their quality of life. This research can assist responsible entities in sustainable development and identity enhancement of urban spaces, providing solutions to the existing challenges in this area.

ARTICLE INFO

Received	15/07/2024
Revised	31/07/2024
Accepted	15/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Branding
Urban Branding
Urban Identity
Physical Identity
New Town
New Town Sadra

Highlights

- The Necessity of Developing and Improving Public Spaces to Enhance Social Interaction and Community Participation
- The Importance of Preserving Cultural Identity in Urban Design to Enhance Urban Branding
- The Lack of Transportation Infrastructure and the Importance of Improving Accessibility to Attract Investors and New Residents
- The Need for Greater Resident Participation in Urban Decision-Making Processes
- Using SWOT Analysis to Identify Improvement Strategies and Growth Opportunities in Sadra City



Citation of the article

Valibeigi, M., & Moddat, E. (2024). Proposing urban design strategies for branding and enhancing the physical identity of new towns (Case study: Sadra New Town). *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 93-116.

* This article is extracted from the master's thesis of the author Maede Valibeygi, titled 'Strategies for Urban Design to Enhance Branding and Physical Identity of New Cities: A Case Study of Sadra New City', supervised by Dr. Elias Modat at Jundi-Shapur University of Technology, Dezful.

**Author Corresponding: Ali Shamsoddini

Email: maedevalibeigi1997@gmail.com

Introduction: In today's rapidly urbanizing world, new cities face numerous challenges related to urban development, particularly in establishing a unique identity and fostering a sense of belonging for their residents. These cities, especially those in developing regions like Iran, often lack the physical and cultural characteristics that would allow them to resonate with their inhabitants and attract new residents. As a result, issues such as social isolation, weak community engagement, and poor investment in local development may arise. The new city of Sadra, located near Shiraz, Iran, offers a poignant example of a new urban development struggling to establish its identity and sense of community.

The creation of a strong urban identity is essential for enhancing social cohesion and improving the overall quality of life. New cities that fail to build such an identity often suffer from disengaged residents and a general lack of investment in community development. In the case of Sadra, despite its potential, these challenges are quite apparent. Many residents report feeling disconnected from their surroundings, and this sense of disconnection often leads to decreased participation in local initiatives and a lack of investment in the city's development. Given these challenges, it is crucial to explore innovative urban design strategies that can enhance the city's physical and cultural identity, thereby improving social cohesion and making the city more attractive and livable.

Branding, which involves creating a distinct and attractive image for the city, is one such strategy that can significantly contribute to the development of a city's identity. Urban branding, through effective design and planning, can resonate with both the current residents and potential newcomers, fostering a deep connection to the city. This paper aims to explore and recommend urban design strategies that focus on branding and identity enhancement for Sadra New City. It examines how such strategies can be integrated into the urban development process to overcome existing challenges and contribute to a more cohesive, vibrant, and sustainable urban environment.

Materials and Methods: The research methodology employed in this study combines both qualitative and quantitative approaches to gain a comprehensive understanding of the challenges facing Sadra and to propose effective strategies for its urban development. A mixed-method approach was chosen to ensure that both subjective and objective data were gathered from a variety of sources. Field studies were conducted to directly observe the physical conditions of public spaces in Sadra. These observations focused on key aspects such as accessibility, maintenance, and the degree to which these spaces facilitated social interactions among residents. The findings revealed that many public spaces were underutilized and poorly maintained, which hindered their potential to serve as vibrant community hubs. These observations highlighted a critical need for the revitalization of public spaces to enhance community engagement and strengthen the physical identity of the city.

In addition to field observations, structured interviews were conducted with a diverse range of stakeholders, including residents, local business owners, and urban planners. The interviews aimed to gather insights into the perceptions of the city's identity and the challenges it faces. Participants were selected to represent the diversity of the community, including varying ages, professions, and socio-economic backgrounds. Their feedback provided valuable perspectives on the city's current state and potential improvements.

The quantitative aspect of the research involved administering surveys to residents of Sadra to assess their sense of belonging, awareness of urban branding efforts, and satisfaction with the current state of the urban environment. The survey responses offered statistical data that complemented the qualitative findings, enabling a more nuanced understanding of the factors affecting the city's identity and social cohesion.

Findings: The research uncovered several key findings that are essential for understanding the challenges facing Sadra New City and for developing effective urban design strategies:

1. Lack of Public Spaces: One of the most significant issues identified in the research was the lack of accessible, well-designed public spaces. Many respondents expressed a desire for more parks, recreational areas, and cultural spaces where they could interact with their neighbors and participate in community



events. Public spaces are critical for fostering social cohesion, and their absence limits the city's ability to create a sense of community.

2. Inadequate Cultural Representation: Another important finding was the absence of cultural elements in the city's design. Residents felt that the city's physical environment did not adequately reflect local traditions and cultural values. This lack of cultural representation led to a sense of disconnection, with many feeling that the city's identity was generic and lacked a unique sense of place.

3. Transportation Infrastructure: The study also revealed that Sadra suffers from inadequate transportation infrastructure. Many residents reported difficulties with accessibility, especially in terms of public transportation and pedestrian pathways. Improved transportation networks would not only facilitate mobility but also contribute to the city's physical identity by enhancing its connectivity and accessibility.

4. Limited Community Engagement: A critical issue identified through the research was the limited involvement of residents in the urban planning process. Many respondents indicated that they felt disconnected from decision-making processes and were not sufficiently engaged in shaping the future of their city. This lack of participation undermines the sense of ownership and belonging among residents. Using SWOT analysis, the study identified several strengths, weaknesses, opportunities, and threats related to Sadra's urban development. Strengths include the city's potential for cultural richness, a strong sense of community spirit, and its location near Shiraz, which could attract tourism and investment. However, weaknesses include infrastructural deficits, a lack of awareness regarding urban branding, and insufficient public spaces. Opportunities for improvement include leveraging Sadra's cultural heritage, enhancing its sustainability practices, and capitalizing on its location to attract businesses and tourists. Threats include socio-economic disparities, environmental challenges, and the potential for urban decay if issues are not addressed.

Discussion and Conclusion: The findings of this research suggest that the branding and physical identity of Sadra New City can be significantly enhanced through targeted urban design strategies. The key areas for improvement identified in this study include the development of public spaces, the integration of cultural elements, the enhancement of transportation infrastructure, and the promotion of resident participation in urban planning.

Incorporating these strategies into the city's development will help create a more vibrant, inclusive, and attractive urban environment. For example, creating well-designed parks and cultural centers will not only improve the physical landscape of Sadra but also serve as focal points for community engagement, fostering social cohesion among residents. Similarly, integrating local cultural elements into the city's architecture and public art will help establish a unique identity for the city that resonates with its residents and attracts newcomers.

Improving transportation infrastructure will enhance the city's accessibility and facilitate better movement for residents and visitors alike. Finally, involving residents in the planning and development process through workshops, public forums, and other participatory mechanisms will foster a sense of ownership and belonging, ensuring that the city evolves in a way that meets the needs and desires of its inhabitants.

In conclusion, this research offers valuable insights for urban planners and policymakers working on the development of new cities, particularly in Iran. By focusing on urban branding and community engagement, Sadra can emerge as a model for new cities that prioritize the creation of a strong sense of identity and belonging. The strategies proposed in this study not only aim to improve the city's physical appearance but also to cultivate a thriving, connected community that will drive the city's long-term success.

Declarations

Conflict of Interest

I, Maede Valibeigi, and my colleague, Professor Elyas Mavedat, declare that there is no conflict of interest in this research.

Funding

This research received no financial support from any organization.

Ethical Approval

This study did not involve clinical trials or sensitive data and did not require ethical approval.

Informed Consent

This research did not involve human participants and thus did not require informed consent.

Authors' Contributions

Conceptualization and study design: Maedeh Valibeigi; Data collection and management: Maedeh Valibeigi; Data analysis and interpretation: Maedeh Valibeigi; Illustration: Maedeh Valibeigi; Drafting the initial manuscript: Maedeh; Reviewing and revising the manuscript: Maedeh Valibeigi and Elias Modat; Research project management: Maedeh Valibeigi; Validation and final approval: Maedeh Valibeigi and Elias Modat.

Acknowledgments

I would like to thank my supervisor, Professor Elyas Mavedat, for his guidance, and Professor Alireza Sadeghi, Editor-in-Chief of the Journal of Urban Design Studies in Iran, for accepting this article. I also appreciate Shiraz University for accepting this article in their journal, and Industrial University of Jundi Shapur, Dezfoul for their support.

References

- Bafandkar, E., & Karami, F. (2017). Explanation of factors influencing urban branding based on the proposed model by Martinez et al.; Case study of Shiraz. *Brand Management Quarterly*, 9, 173-189. [In Persian].
- Bazrgar, M. R. (2017). Examining the role of urban elements in strengthening physical identity; Case study of Shiraz. *Urban Research and Planning Journal*, 30, 83-100. [In Persian].
- Bezi, K., & Afrasiabi Rad, M. S. (2009). Measuring and evaluating the success and efficiency of new cities (Case study: Sadra new city). *Urban and Regional Studies and Research*, 2, 111-134. [In Persian].
- Dehkhoda, A. A. (1966). *Dehkhoda Dictionary* (Vol. 349). Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Ejzeshkahi, M. (2002). A stepwise development model for new cities: The experience of new cities in England. *Geographical Researches*, 543, 95-115. [In Persian].
- Fergishshodeh, G., Abedi, M., Mirghadri, S. M. R., & Khani Zadeh, M. A. (2018). The application of transit-oriented development (TOD) in urban land-use planning (Case study: Sadra new city). *Architectureology Journal*, 6, 1-9. [In Persian].
- Foudian, M., Karkeh Abadi, Z., & Kamyabi, S. (2021). Analyzing the position of creative city indicators for branding and achieving urban sustainable development. *Geographical Studies of Mountain Regions*, 1, 127-142. [In Persian].
- Lezgi, E., & Siyami, Q. (2017). Explanation of urban branding components with an emphasis on its economic dimensions (Case study: Mashhad metropolis). *Geographical Research Journal*, 3, 152-162. [In Persian].
- Mahmoodiazari, S., & Davoodpour, Z. (2019). Investigating the role of urban branding in realizing the concept of creative cities (Case study: Urmia). *Urban Structure and Function Studies*, 18, 109-141. [In Persian].
- Mirmaqtadai, M. (2004). Criteria for identifying and assessing the physical identity of cities. *Fine Arts Journal*, 19, 29-38. [In Persian].
- Mokhtari Malek Abadi, R., Ghafari, S. R., & Larabi, M. (2022). Investigating the role and position of urban management in urban branding (Case study: Isfahan). *Spatial Planning Journal*, 3, 25-46. [In Persian].
- Rahimian, E. (2017). A framework for urban branding in Iran based on the Mana Systems Model. *Scientific Journal of the Iranian Architectural and Urban Planning Association*, 13, 197-207. [In Persian].
- Rehan, R. M. (2013). Urban branding as an effective sustainability tool in urban development. *HBRC Journal*, 9 (4), 222-230. <https://doi.org/10.1016/j.hbrcj.2013.05.001>
- Rostami, M. R., Feyz, D., Zarei, A., Rostegar, A., & Maleki Minbash, R. (2018). Factors influencing Islamic branding. *Islamic Management Journal*, 2, 11-40. [In Persian].



15. Saadatfar, E., & Sandigol, S. (2014). Analyzing the night view of Imam Reza (AS) street with an approach to enhancing identity, focusing on lighting. National Conference on Architecture, Urban Planning, and Sustainable Development, 1, 8-1. [In Persian].
16. Sarvar, R., Tavakolan, A., & Gholami, G. (2021). Determining indicators for creating new cities using the AHP method and evaluating the achievement of new city creation goals (Case study: Pardis new city). Geographical Information Scientific Journal, 122, 189-206. [In Persian].



Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





ارائه راهبردهای طراحی شهری به منظور برندسازی و ارتقای هویت کالبدی شهرهای جدید - نمونه موردی: شهر جدید صدرا*

مآنده ولی بیگی^{۱*}؛ الیاس مودت^۲

۱. دانشجوی طراحی شهری، دانشکده شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، ایران.
۲. عضو هیئت علمی گروه شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، ایران.

مشخصات مقاله

چکیده

تاریخ ارسال ۱۴۰۳/۰۴/۲۵
تاریخ بازنگری ۱۴۰۳/۰۵/۱۰
تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۵/۲۵
تاریخ انتشار آنلاین ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

شهرهای جدید ایران، از جمله شهر جدید صدرا، با چالش‌های متعددی نظیر کمبود هویت و حس تعلق ساکنان روبه‌رو هستند. برندسازی به‌عنوان یک استراتژی مؤثر و خلاقانه در طراحی شهری، می‌تواند به ایجاد هویتی متمایز و جذاب برای این شهر کمک کند. این مقاله به بررسی و ارائه راهبردهای طراحی شهری می‌پردازد که با هدف برندسازی، به ارتقای هویت کالبدی و فرهنگی شهر جدید صدرا کمک خواهد کرد. در این راستا، نیازهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی این شهر شناسایی می‌شوند تا چالش‌ها و فرصت‌های موجود به‌دقت بررسی و راهکارهای عملی و جامع برای بهبود هویت کالبدی ارائه شود. تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و به‌صورت ترکیبی از روش‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها از طریق مشاهده مستقیم فضاهای عمومی و مصاحبه با ساکنان و متخصصان جمع‌آوری شده‌اند. علاوه بر این، با استفاده از تحلیل SWOT، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود شناسایی و راهبردهای اجرایی مناسب برای ارتقای هویت کالبدی ارائه می‌شود. اهمیت این موضوع در این است که برندسازی و تقویت هویت کالبدی می‌تواند به تقویت حس تعلق و پایبندی ساکنان به شهر و همچنین بهبود کیفیت زندگی آنان منجر شود. این پژوهش می‌تواند به نهادهای مسئول در زمینه توسعه پایدار و هویت‌بخشی به فضاهای شهری کمک کند و راهگشای چالش‌های موجود در این زمینه باشد. با توجه به اهمیت هویت در زندگی شهری، توجه به این مسائل می‌تواند نقشی کلیدی و اساسی در آینده شهر جدید صدرا ایفا کند و به ارتقای کیفیت زندگی ساکنان آن کمک کند.

واژگان کلیدی

برندینگ
برندسازی شهری
هویت کالبدی،
شهر جدید،
شهر جدید صدرا

نکات شاخص

- لزوم توسعه و بهبود فضاهای عمومی برای تقویت تعامل اجتماعی و مشارکت جامعه
- ضرورت حفظ هویت فرهنگی در طراحی شهری برای ارتقای برند شهری
- کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و اهمیت بهبود دسترسی برای جذب سرمایه‌گذاران و ساکنان جدید
- نیاز به مشارکت بیشتر ساکنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری
- استفاده از تجزیه و تحلیل SWOT برای شناسایی استراتژی‌های بهبود و فرصت‌های رشد در شهر صدرا

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

ولی بیگی، م. و مودت، ا. (۱۴۰۳). ارائه راهبردهای طراحی شهری به منظور برندسازی و ارتقای هویت کالبدی شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید صدرا). نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران، (۱)، ۱۱۶-۹۳.

* این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مآنده ولی بیگی، با عنوان «بررسی و طراحی برندسازی شهری با رویکرد ارتقای هویت شهر جدید؛ نمونه موردی شهر جدید صدرا» به راهنمایی دکتر الیاس مودت در دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول استخراج شده است.

** نویسنده مسئول: مآنده ولی بیگی

آدرس پستی نویسنده مسئول: maeavalibeigi1997@gmail.com





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Strategies for Urban Design to Enhance Branding and Physical Identity of New Cities: A Case Study of Sadra New City*

Maede Valibeygi^{1,*}, Elias Mavedat²

1. Master's Student in Urban Design, Department of Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.
2. Professor, Department of Urban Planning, Department of Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.

ABSTRACT

New cities, as part of the urban development process in Iran, face multiple challenges, including a lack of identity and a sense of belonging among residents. The new city of Sadra, as an example of these cities, requires approaches that can strengthen its physical and cultural identity. In this context, branding, as an effective strategy in urban design, can help create a distinct and attractive identity for this city. This article examines and presents urban design strategies aimed at branding, which will assist in enhancing the physical identity of the new city of Sadra. Considering the social, cultural, and economic needs of this city, efforts will be made to identify existing challenges and opportunities and to propose practical solutions for improving its physical identity. This research is of an applied nature and has been conducted through a combination of field methods and library studies. In the field section, data have been collected through direct observation of public spaces and interviews with residents and specialists. Additionally, using SWOT analysis, the existing strengths, weaknesses, opportunities, and threats have been identified, and actionable strategies for enhancing the physical identity of the city are presented. The significance of this topic lies in the fact that through branding and strengthening physical identity, it is possible to enhance residents' sense of belonging and commitment to the city and improve their quality of life. This research can assist responsible entities in sustainable development and identity enhancement of urban spaces, providing solutions to the existing challenges in this area.

ARTICLE INFO

Received 15/07/2024
Revised 31/07/2024
Accepted 15/08/2024
Available Online 16/09/2024

Keywords

Branding
Urban Branding
Urban Identity
Physical Identity
New Town
New Town Sadra

Highlights

- The Necessity of Developing and Improving Public Spaces to Enhance Social Interaction and Community Participation
- The Importance of Preserving Cultural Identity in Urban Design to Enhance Urban Branding
- The Lack of Transportation Infrastructure and the Importance of Improving Accessibility to Attract Investors and New Residents
- The Need for Greater Resident Participation in Urban Decision-Making Processes
- Using SWOT Analysis to Identify Improvement Strategies and Growth Opportunities in Sadra City

Citation of the article

Valibeigi, M., & Moddat, E. (2024). Proposing urban design strategies for branding and enhancing the physical identity of new towns (Case study: Sadra New Town). *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 93-116.

* This article is extracted from the master's thesis of the author Maede Valibeygi, titled 'Strategies for Urban Design to Enhance Branding and Physical Identity of New Cities: A Case Study of Sadra New City', supervised by Dr. Elias Modat at Jundi-Shapur University of Technology, Dezful.

**Author Corresponding: Ali Shamsoddini
Email: maedevalibeigi1997@gmail.com



مقدمه

احداث شهرهای جدید به عنوان سکونتگاه‌های تازه شهری در جهان سابقه نسبتاً طولانی دارند؛ اما شروع اجرای گسترده شهرهای جدید را باید از قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم از کشور انگلستان دانست. انقلاب صنعتی و صنایع در شهرها به کمبود مسکن، نیاز به جابه‌جایی جمعیت و صنایع از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و ایجاد سکونتگاه‌های جدید شهری منجر شد. در ایران نیز به عنوان سیاستی فراگیر از نیمه دهه ۱۳۶۰ آغاز شد. شهرهای جدید در ایران مراحل ابتدایی توسعه‌شان را طی می‌کنند و با مسائل و مشکلات عدیده روبه‌رو هستند (اجزا شکوهی، ۱۳۸۱). با وجود این تاریخچه نسبتاً غنی، شهرهای جدید در ایران، به‌ویژه شهر صدر، با چالش‌های هویتی متعددی روبه‌رو هستند که ضرورت هویت‌سازی و برندسازی را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد.

شهرهای جدید، هویت‌هایی دانسته می‌شود که در مراحل اولیه رشد و توسعه خود، به نابسامانی‌هایی دچار شده‌اند و برای اینکه بتوانند از نظام‌های متنوع اجتماعی و اقتصادی بهره ببرند، باید از طریق راه‌حل‌های خلاقانه به مجرای متعارف توسعه شهری هدایت شوند (بهزادفر و دیگران، ۱۳۹۹ برگرفته از: دیجکسترا، آنونی، کوزوسکا، ۲۰۱۱). هویت شهر و شهروندان از هم تفکیک‌ناپذیر است و این دو در ساختار هویت شهری تأثیر متقابل دارند. محیط شهری بازتاب نیازها و ارزش‌های انسانی بوده و شامل دو عنصر ذهنی و عینی است که به ویژگی‌های فیزیکی شهر اشاره می‌کند. این دو بعد، «هویت شهری» و «هویت شهر» را متمایز می‌کنند.

شهرها باید مانند انسان‌ها دارای شخصیت و قابلیت تمایز باشند. هویت، فرد را از جامعه متمایز و حس تعلق را تقویت می‌کند. در فرایند جهانی شدن، حفظ هویت برای جوامع در حال توسعه چالشی است. شناخت عوامل مؤثر بر هویت کالبدی به تقویت حس تعلق و ایجاد شهری سرزنده کمک می‌کند. توجه به هویت کالبدی به عنوان یک عنصر کلیدی در توسعه شهری ضروری است؛ زیرا بر کیفیت زندگی ساکنان تأثیر می‌گذارد و به افزایش مشارکت اجتماعی کمک می‌کند. تقویت هویت کالبدی می‌تواند به شکوفایی جوامع و ارتقای زندگی شهری منجر شود.

برندسازی آگاهانه، هویت تازه‌ای به شهرها در آینده خواهد بخشید. در محیط جدید بین‌المللی شده، مکان‌ها تلاش‌های چندگانه‌ای را به منظور توصیف ویژگی متمایز از خود انجام می‌دهند. افزون بر عوامل اقتصادی سنتی و زیرساخت‌های شهری، عوامل نرم نظیر کیفیت زندگی، زیبایی‌شناختی شهری و خط‌مشی‌های توسعه محلی در زمره معیارهای محلی توسعه قلمداد می‌شوند. در چهارچوب اخیر، نقش خط‌مشی‌گذاری، بازاریابی مکان و برندسازی به صورت روزافزونی در تمام دنیا اهمیت یافته است (فؤادیان، ۱۴۰۰ برگرفته از: متاکساز، ۲۰۱۰).

برندسازی شهری رویکردی جدید به سمت توسعه شهری شهرهای پایدار است. نام تجاری شهر، جنبه جدیدی از ارتباطات شهری و بازاریابی تصویر شهر را به شیوه‌های مختلف بهبود می‌بخشد. با تبدیل تصویر بصری شهر به تصویر برند، ویژگی‌های منحصر به فرد شهر نمایان می‌شود و تصویر شهری پایدار ایجاد می‌شود (Rehan Mohammed Reeman, 2013). ضرورت پژوهش در این حوزه از آنجا ناشی می‌شود که برندسازی و تقویت هویت کالبدی در شهرهای جدید مانند صدر، نه تنها به ارتقای کیفیت زندگی ساکنان کمک می‌کند، بلکه احساس تعلق و هویت اجتماعی را نیز تقویت می‌سازد. در دنیای امروز، ایجاد هویتی قوی و متمایز می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار شهری منجر شود. از همین رو، این تحقیق هم به بررسی هویت کالبدی و برندسازی در شهر صدر می‌پردازد و هم به دنبال ارائه راهکارهایی است که بتواند به شکوفایی و توسعه پایدار این شهرها کمک کند.

بنابراین در این پژوهش به بررسی و تحلیل نظرات پژوهشگران در راستای دو مؤلفه هویت کالبدی، برندسازی و بررسی شاخص‌های مستخرج در شهر جدید صدر با هدف ارائه راهبردهای طراحی آن در شهرهای جدید صدر می‌پردازیم.

اهداف تحقیق

هدف کلی

هدف این مقاله بررسی و ارائه راهبردهای طراحی شهری است که از طریق برندسازی به ارتقای هویت کالبدی شهر جدید صدر کمک کند. با توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی این شهر، تلاش می‌شود با شناسایی چالش‌ها و فرصت‌ها، نقاط قوت و ضعف موجود را شناسایی کنیم و راهکارهای عملی برای بهبود هویت کالبدی ارائه دهیم.



اهداف جزئی

بررسی شاخص‌های برندینگ شهری و هویت کالبدی

- ارزیابی و تحلیل وضع موجود شهر صدرا و بررسی میزان برخوردارگی از برندینگ شهری و هویت کالبدی شهر و ارائه آن به وسیله جدول سوات
- ارائه راهبردها و سیاست‌هایی اجرایی به منظور ایجاد برندینگ شهری و نهایتاً ارتقای هویت کالبدی شهر جدید صدرا

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی است که ترکیبی از روش‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای در آن استفاده شده است. هدف از این رویکرد جامع، دستیابی به درک عمیق‌تری از هویت کالبدی و وجود شاخص‌ها و زیرشاخص‌های برندسازی و هویت کالبدی شهر جدید صدرا و شناسایی راهبردهای مؤثر در طراحی شهری است. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی منابع موجود شامل مقالات علمی، کتب تخصصی و گزارش‌های مرتبط با طراحی شهری، برندسازی شهری و هویت کالبدی پرداخته شده است.

در بخش بررسی میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مشاهده مستقیم، بررسی فضاهای عمومی و معماری، عناصر هویتی موجود در شهر جدید صدرا و مصاحبه با ساکنان و متخصصان شهر استفاده شده است. نهایتاً براساس نتایج به دست آمده از طریق تحلیل SWOT، راهبردها و سیاست‌های اجرایی برای ارتقای هویت کالبدی شهر جدید صدرا ارائه خواهد شد. این راهبردها به نهادهای مسئول کمک خواهد کرد تا در توسعه پایدار و هویت‌بخشی به فضاهای شهری به شکل مؤثرتری اقدام کنند.

محدوده مورد مطالعه

شهر جدید صدرا در مقایسه با ۱۸ شهر جدید کشور، نزدیک‌ترین فاصله را با مادرشهر شیراز دارد. این شهر براساس مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، در شمال غرب شیراز مکان‌یابی شده و نقشه طرح جامع آن در تاریخ ۱۳۷۴/۱۱/۲۳ با ظرفیت ۳۰۰ هزار نفر تأیید شده است. طرح تفصیلی نیز در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۰۵ به تصویب کمیسیون ماده ۵ استان رسیده است. محدوده قانونی شهر صدرا حدود ۵ هزار هکتار است و در مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه و ۲۴ تا ۵۲ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۴۹ تا ۲۹ درجه و ۵۱ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. حریم شهر (با احتساب محدوده قانونی) ۱۷ هزار هکتار مساحت دارد و میانگین ارتفاع آن ۱۸۳۵ متر از سطح دریاست. این شهر آب‌وهوای گرم و خشک دارد و به دلیل موقعیتش بین دو رشته کوه ملوس جان و روشکن، نسیم دائمی از غرب به شرق دارد. دمای آن به‌طور میانگین ۲ تا ۳ درجه خنک‌تر از شیراز است. (فرگی ششده و دیگران، ۱۳۹۷، برگرفته از: شهرداری صدرا، ۱۳۹۴).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برند

برندها به‌عنوان ابزارهایی برای متمایز کردن محصولات و خدمات از رقبا عمل می‌کنند. انجمن بازاریابی آمریکا (برند) را به‌عنوان یک نام، واژه، اصطلاح، نماد، علامت، نشان، طرح یا ترکیبی از موارد معرفی می‌کند که معرف اختصاصی کالاها و خدمات گروهی از تولیدکنندگان است و آن‌ها را از سایر تولیدکنندگان و رقبا متمایز می‌سازد (محمودی آذر و داودپور، ۱۳۹۸ برگرفته از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۰). برند معمولاً به محصول یا خدمتی با ارزش اعتباری و اجتماعی فراوان اشاره می‌کند؛ به عبارت دیگر، برندها هویت اجتماعی خاصی دارند که احساس مالکیت را در مشتریان ایجاد می‌کنند (رستمی و دیگران، ۱۳۹۷، برگرفته از: کایوفمن و همکاران، ۲۰۱۶). این برندها منبعی قوی برای ایجاد مزیت رقابتی و وفاداری مشتریان به شمار می‌آیند.



برندسازی

برندسازی یکی از مهم‌ترین اقدامات برای هر صاحب برند است؛ زیرا مؤلفه‌ای است که مشتریان را از خریدار به هوادار و طرفدار تبدیل می‌کند و آن‌ها را تشویق می‌کند بدون نیاز به تلاش برند، به تبلیغ محصول بپردازند. برندسازی دانشی است که با برتری دادن به برند، اعتبار و شهرت آن را در بازار رقابتی افزایش می‌دهد و به فروش و قیمت بیشتر محصولات منجر می‌شود (مختاری ملک‌آبادی و دیگران، ۱۴۰۱ برگرفته از امیر جاوید، ۱۴۰۰). این فرایند، استراتژی آگاهانه‌ای است که ویژگی‌های خاص محصول را به‌عنوان ارزش‌های اصلی معرفی می‌کند تا مصرف‌کنندگان با اطمینان بیشتری آن‌ها را تشخیص دهند (لزگی و صیامی، ۱۳۹۶، برگرفته از: DeChernatony, Dall'olmo, 1998). اگرچه برندسازی در ابتدا به مدیریت و برنامه‌ریزی بیشتری نیاز دارد، اما درنهایت به رضایت مشتری و تمایز محصول از رقبای منجر می‌شود.

برندسازی شهری

برندسازی یکی از فرایندهای اصلی در خلق نامی منحصربه‌فرد و حفظ آن است (بافندکار و کاظمی، ۱۳۹۶). برند شهری، ترکیبی پیچیده از تصورات و انطباقات مخاطبان درباره شهر، ساکنان آن و جذابیت‌های گردشگری است. برندسازی شهری، راهبردی جامع و بلندمدت است که به ارتقای اعتبار و خوش‌نامی شهر و افزایش توانمندی‌های رقابتی کمک می‌کند (بافندکار و کاظمی، ۱۳۹۶).

برندسازی نه تنها برای محصولات فیزیکی، بلکه برای شهرها نیز کاربرد دارد و می‌تواند به ترویج حس تعلق و جذب گردشگر کمک کند. در این راستا، شهرها به بازیگران تأثیرگذار در رقابت‌های جغرافیایی تبدیل شده‌اند (رحیمیان، ۱۳۹۶). برندسازی شهری به ایجاد شخصیت مثبت برای شهر و تعریف چشم‌انداز استراتژیک قانع‌کننده برای آن کمک می‌کند. کنترل و همکاران چهار دلیل عمده برای اهمیت برندسازی شهرها ذکر کرده‌اند:

- تغییرات جهانی و رقابت بین شهرها؛
- زوال و اشتهار منفی شهرها؛
- افزایش رقابت برای جذب منابع؛
- خودحاکمیتی و تأمین بودجه محلی.

براون و همکاران (۲۰۱۳) با بررسی نقش ساکنان در برند شهری به این نتیجه رسیدند که ساکنان به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از برند، سفیران آن و رأی‌دهندگان، نقش بسزایی در موفقیت برند شهری دارند (بافندکار و کاظمی، ۱۳۹۶).

البته باید یادآوری کرد که پژوهشگران بسیاری درباره موضوع برند و برندسازی شهری تحقیق و تفحص کرده‌اند و نظریات متفاوتی درباره مفهوم برندسازی بیان کرده‌اند که در اینجا در جدول ۱ به برخی از این مفاهیم می‌پردازیم:

جدول ۱: تعاریف برندسازی شهری از محققان، منبع: رحیمیان، ۱۳۹۶

نام محقق و سال	توضیح مفهوم
نیکرسون (۱۹۹۹)	برندسازی شهری ایجاد ارتباط بین مردم و تصویری از شهرشان است.
هال (۱۹۹۹)	هدف اساسی برندسازی شهری فراهم کردن سازگاری و تمرکز راهبرد ارتباطات است.
کای (۲۰۰۲)	برندسازی شهری به معنی انتخاب ترکیبی از عوامل برند (شامل نام، واژه، اصطلاح، نماد، علامت، نشان، طرح و یا ترکیبی از موارد فوق) است که با ایجاد تصویری مثبت منجر به شناخت و تمایز شهر مورد نظر از سایر شهرها می‌شود.
رینیسو (۲۰۰۳)	برندسازی شهری روشی برای افزایش جاذبه شهر و نقطه اساسی شناخت شهر است.
جولیو (۲۰۰۵)	برندسازی شهری تلاشی برای ایجاد و غنی‌سازی کیفیت زندگی شهری است.



شاخص انهالت

این شاخص اولین بار توسط سیمون انهالت در سال ۲۰۰۵ مطرح شد. مهم‌ترین مؤلفه‌های برند شهری از نظر انهالت عبارت‌اند از:

- میزان شناخته شدن شهر مدنظر در دنیا؛
 - زیبایی شهر؛
 - فرصت اقتصادی و آموزشی شهر؛
 - میزان جذابیت شهر؛
 - سبک زندگی شهری پرشور و نشاط (محمودی آذر و داودپور، ۱۳۹۸ برگرفته از: کریس، ۲۰۱۴).
- ساکنان یک شهر: در اینجا بر مهمان‌نوازی، میزان خون‌گرم بودن ساکنان و تعصب مردم یک شهر نسبت به غریبه‌ها تأکید می‌شود (محمودی آذر و داودپور، ۱۳۹۸ برگرفته از: غفوریان و همت‌پور، ۱۳۹۲).
- درنهایت، پیش‌شرط‌های زندگی در شهر، تأثیر بسزایی در ساخت آن دارد. نحوه و روش زندگی، تهیه مسکن و احتیاجات استانداردهای عمومی نظیر مدارس، بیمارستان‌ها، حمل‌ونقل عمومی و تسهیلات ورزشی از این جمله‌اند (محمودی آذر و داودپور، ۱۳۹۸ برگرفته از: خزایی آذر، ۱۳۹۱). در ادامه (در جدول ۲) به شاخص‌های برند به نقل از انهالت می‌پردازیم:

جدول ۲: شاخص‌های برند شهری، منبع: نگارنده به نقل از انهالت

شاخص‌های برند شهری به نقل از انهالت	
حضور	وضعیت و موقعیت بین‌المللی شهر، اثرگذاری بین‌المللی شهر
مکان	ظاهر شهر و عوامل فیزیکی، نظیر تمیزی محیط
پتانسیل	فرصت‌های شهر برای توسعه در آینده
تحرك	پویایی و هیجان شهر، فعالیت‌های جالب برای ساکنان و بازدیدکنندگان
مردم	صداقت و صمیمیت مردم شهر و تنوع فرهنگی
پیش‌زمینه‌ها	زیرساخت‌های اساسی و تسهیلات عمومی شهر

هویت

دهخدا در لغت‌نامه خود با اشاره به ریشه هُو، هویت را به مفهوم غایت جوهر یا تمام صفات مثبت (ذات باری تعالی) بیان کرده است (دهخدا، ۱۳۴۵). هویت شهر، پل ارتباطی میان انسان و محیط است که از طریق عواملی همچون فرهنگ، سابقه تاریخی، عملکرد و نمادهای شهر ایجاد می‌شود.

می‌توان گفت هویت یک شهر از دو طریق ایجاد می‌شود:

- **عوامل غیرشهرسازانه:** این عوامل فرهنگ و سابقه تاریخی را شامل می‌شوند که معمولاً از گذشته وجود داشته‌اند و نیازی به برنامه‌ریزی خاص برای ایجاد آن‌ها نیست.
- **عوامل شهرسازانه:** این عوامل به‌طور آگاهانه برای ایجاد هویت ذهنی در محیط یا شهر، طراحی و برنامه‌ریزی می‌شوند؛ مانند ساخت نمادها، طراحی ویژه و برندسازی.

در جهانی که افراد، شرکت‌ها و شهرها در حال رقابت با یکدیگرند، برندسازی می‌تواند به افزایش بهره‌وری و متمایز شدن کمک کند. همان‌طور که انهالت بیان می‌کند، امروز جهان به بازار بزرگی تبدیل شده است که هر کشور، شهر یا منطقه برای جلب گردشگران، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های جهانی باید با دیگر مناطق رقابت کند.

هویت، مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که موجب تشخیص فرد یا اجتماع از دیگران می‌شود. این امر درباره شهر نیز صدق می‌کند و باعث می‌شود شهر، شخصیت مستقل و یگانه‌ای پیدا کند (سعادت‌فر و سندگل، ۱۳۹۳). هویت شهری به‌واسطه



ایجاد و تداعی خاطرات عمومی در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را در آن‌ها فراهم می‌آورد. به‌طور کلی، هویت واژه‌ای چندپهلوی است که تعابیر متعددی برای آن وجود دارد و برخی تعابیر به دلیل تشابه معنایی، ممکن است به‌جای آن به کار روند (سعادت‌فر و سندگل، ۱۳۹۳، برگرفته از: اصلانلو، ۱۳۸۸).

مفهوم کالبد در معماری و طراحی شهری

در ادبیات طراحی شهری، واژه **شکل** (فرم) شهر به‌عنوان مترادف **کالبد** در نظر گرفته می‌شود و به ساختار فیزیکی بناها، خیابان‌ها، پارک‌ها و سایر عناصر محیطی اشاره دارد. کوین لینچ در کتاب «سیمای شهر» فرم شهر را به‌عنوان مظاهر جسمی و رؤیت‌پذیر شهر تعریف کرده است. کالبد شهر به عناصر مصنوع و بی‌جان (ساختمان‌ها) اشاره می‌کند و شکل شهر، رکن اساسی طراحی شهری است که امکان وقوع فعالیت‌های شهری را فراهم می‌کند. این شکل شامل مورفولوژی، بافت فیزیکی و کارکردهای اداری و صنعتی است.

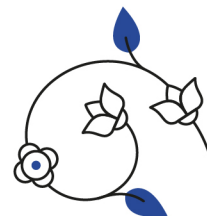
هویت کالبدی

در فرهنگ‌نامه دهخدا، کالبد به معنای کالب است که قالب هر چیز باشد. در طراحی شهری، واژه فرم مترادف کالبد تلقی می‌شود. هویت کالبدی به مجموعه صفات و ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که جسم شهر را از شهرهای دیگر متمایز می‌کند و شباهت آن را با هویت خودی آشکار می‌سازد. این صفات باید به‌گونه‌ای باشند که جسم شهر در عین تداوم زمانی، دچار تحول و تکامل نیز شود و به پیدایش یک کل منجر گردد (میرمقتدایی، ۱۳۸۳).

هویت کالبدی شهری به ویژگی‌ها و عناصر فیزیکی و فضایی اشاره دارد که به شهر یا ناحیه خاص، شخصیت و تمایز می‌بخشد. این هویت شامل ساختارهای معماری، خیابان‌ها و فضاهای عمومی است و به تعامل انسان‌ها با این فضاها و تجربیات اجتماعی و فرهنگی وابسته است. در ادامه، به تعریف هویت کالبدی از دید برخی اندیشمندان پرداخته می‌شود (جدول ۳).

جدول ۳: تعریف هویت کالبدی از دید برخی از اندیشمندان، منبع: بذرگر، ۱۳۹۶

نظریه پرداز	مفهوم و تعریف هویت (کالبدی)	عوامل زیربنایی هویت (کالبدی)	نتیجه‌گیری
راپاپورت	خصوصیتی که قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می‌آورد و عناصر شهری را از یکدیگر متمایز می‌سازد.	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی	هویت، مستلزم داشتن دو کیفیت «تفاوت برون‌گروهی» و «تشابه درون‌گروهی» خصوصیات به‌طور هم‌زمان است.
کوین لینچ	حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به‌عنوان مکان متمایز از سایر مکان‌ها شناسایی کند، به‌گونه‌ای که شخصیتی منحصر به فرد داشته باشد.	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی	هویت منجر به حس تشخیص، خوانایی و عملکرد عاطفی و حس تعلق به محیط می‌شود.
کریستوفر الکساندر	هویت، تجسم کالبدی کیفیت‌های بی‌نام در بناهاست.	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی	کیفیت‌هایی که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا و یا طبیعت بکر هستند، تجسم کالبدی هویت‌اند.
والتر بور	هویت، همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث باز شناختن یک مکان و خوانایی محیط می‌شود.	وجود تنوع و جذابیت در فرم و عملکرد محیط	هویت منجر به خوانایی و حس تعلق به محیط می‌شود.



ادامه جدول ۳: تعریف هویت کالبدی از دید برخی از اندیشمندان، منبع: نگارندگان

ادوارد رلف	هویت ارتباط متقابل «ترکیب ظاهری و کالبدی نمادها»، «عملکردها و فعالیت‌های قابل مشاهده» و مفاهیم نمادها در محیط است.	فضای کالبدی، مفاهیم و فعالیت‌ها در محیط	در مکان‌های شهری واجد هویت، تعامل بین ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌ها و مفاهیم در محیط دیده می‌شود.
گوردن کالن	هویت، توجه به شخصیت‌های فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی در محیط‌های شهری از طریق به جلوه درآوردن ویژگی‌های خاص هر محیط است.	سبک‌های طراحی کالبدی، جزئیات، خصوصیات، برجستگی‌ها و شیوه‌هایی که بناها در قالب آن‌ها شکل می‌گیرند.	یک محیط شهری مطلوب باید هویت و شخصیتی مستقل از هویت فرد داشته باشد.
جین جیکوبز	هویت در رابطه با فعالیت‌ها و زندگی خیابان‌های شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری تعریف می‌شود.	جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری	تنوع در فعالیت‌های فضاهای شهری، اختلاط و ترکیب کاربری‌ها و عمده کردن حیات انسانی و اجتماعی در هویت محیط اهمیت دارد.

شاخص‌های هویت کالبدی

هویت کالبدی هر شهر شامل ویژگی‌ها و عناصر فیزیکی است که در شکل‌گیری شخصیت و جذابیت آن نقش دارند. این شاخص‌ها نمایانگر طراحی شهری و تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی ساکنان و تجربه بازدیدکنندگان هستند. در ادامه، مهم‌ترین شاخص‌های هویت کالبدی که به ارزیابی هویت فیزیکی شهرها کمک می‌کنند، بررسی می‌شود. جدول زیر مؤلفه‌های هویت کالبدی از بزرگر (۱۳۹۶) را معرفی می‌کند.

جدول ۴: عوامل زیربنایی هویت کالبدی، منبع: بزرگر، ۱۳۹۶

مؤلفه	توضیحات
تاریخی بودن	پیوند با تاریخ گذشته شیراز و ساکنان آن
بومی بودن (زمینه‌گرایی)	ارتباط با جغرافیا و فرهنگ خاص شیراز
متمايز بودن	داشتن خوانایی و امکان تشخیص از بافت شهری پیرامون
پذیرا بودن	تنوع فعالیت‌ها، تسهیلات جانبی و امکان دسترسی و بهره‌برداری از فضای شهری پیرامون
طراحی، فرم و معماری	خاص بودن از نظر سبک معماری و داشتن فرم خاص
محسوریت فضایی	اندازه و مقیاس انسانی، ارتفاع، تناسب اندازه‌ها
نما	برخورداري از مصالح، رنگ و بدنه بافت مناسب

شهر جدید

مفهوم شهر جدید، نخستین بار در قرن نوزدهم توسط ابنزر هاوارد در خصوص باغ‌شهرهای انگلستان مطرح شد. بنیاد اصلی شهرهای جدید به خودکفایی، استقلال، تعادل جمعیت و اشتغال مربوط می‌شود و هدف اصلی آن‌ها تنظیم سیاست نظام شهری است.

شهرهای جدید پس از جنگ جهانی دوم، الگویی برای حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و محیطی شهرهای بزرگ بودند و در کشورهای مختلف برای جذب سرریزهای جمعیتی و توسعه نواحی عقب‌مانده به کار گرفته شدند (سرور و دیگران، ۱۴۰۱). این شهرها به حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کنند و هویت‌های در حال توسعه‌ای هستند که در مراحل اولیه رشد، با نابسامانی‌هایی مواجهند. برای بهره‌برداری از نظام‌های اقتصادی و اجتماعی، باید از طریق راهکارهای خلاقانه به مسیر متعارف توسعه شهری هدایت شوند (بهزادفر و دیگران، ۱۳۹۹).

پیشینه شهر جدید

در اینجا (جدول ۵) به بررسی‌های برخی پژوهشگران درباره موضوع شهر جدید و پیشینه شهرهای جدید و نتایج حاصل از آن می‌پردازیم.



جدول ۵- جدول پیشینه شهرهای جدید، منبع: بهزادفر و دیگران، ۱۳۹۹

عنوان پژوهش	پژوهشگران	هدف	نتایج
تدوین شاخص رقابت پذیری انگلستان	رابرت هاگینز و همکاران (۲۰۰۳)	استخراج شاخص های ارزیابی شهرهای انگلستان و رتبه بندی آنها	هدف دستیابی به شاخص سه سطحی رقابت پذیری شهرهای انگلستان است. انتشار رتبه بندی هر ساله مناطق دوازده گانه، انگلستان به صورت دوره ای برای بررسی میزان پیشرفت یا پسرفت آنها منتشر می شود.
رقابت منطقه ای در فنلاند	یان هوواری و همکاران (۲۰۰۰)	تدوین شاخص ارزیابی شهرهای فنلاند و رتبه بندی آنها	مهم ترین عوامل تأثیرگذار در مزیت رقابتی شهرهای فنلاند سرمایه انسانی، نوآوری، تجمع و قابلیت دسترسی است. بین سرانه درآمد و اشتغال به عنوان پیامدهای رقابت پذیری و معرف ها و معین ها به عنوان منابع رقابت پذیری باید تفکیک قائل شد.
توسعه اقتصادی منطقه ای	رابرت استیمسون و همکاران (۲۰۰۶)	سنجش رقابت پذیری منطقه ای و استخراج راهبردهای توسعه	زیرساخت راهبردی کسب و کار به عنوان اولویت اول سرمایه گذاری در بین زیرساخت ها و صنایع مواد غذایی اولویت اول سرمایه گذاری در بین خوشه های صنعتی تأثیر تعیین کننده ای در رقابت پذیری منطقه ای دارند.
بررسی مفاهیم رقابت پذیری	عبدالرزاق رئیسی رضا نوروزی (۱۳۹۳)	استخراج عوامل مؤثر بر رقابت پذیری اقتصادی	رقابت بین شرکت ها در ذات بازار وجود دارد تا به امروز یک تعریف پذیرفته شده از رقابت پذیری وجود دارد، ولی مفاهیم مختلف تلاش می کنند به گونه ای آن را توانایی برای به دست آوردن و توانایی برای جذب تعریف کنند.
شناسایی و اولویت بندی عوامل ریشه ای تأثیرگذار در ارتقای رقابت پذیری منطقه ای مورد مطالعاتی استان کردستان	مهدی ده جانی (۱۳۹۳)	شناسایی و اولویت بندی مهم ترین عوامل رقابت پذیری منطقه ای بوده که در توسعه استان کردستان تأثیرگذارند	در سطح عامل ها عامل اقتصادی با ۲۴ درصد و عامل نهادی سیاسی با ۱۸ درصد و در سطح دوم معیارهایی چون کارآمدی نظام تولید با ۴۴ درصد و سیاست گذاری دولتی با ۴۳ درصد، بیشترین تأثیر را در ارتقای رقابت پذیری منطقه ای استان کردستان دارند. در بخش پیشران های اقتصادی بخش های جنگل داری ساختمان و کشاورزی به ترتیب ۳۲/۱، ۱۷/۱ و ۴۰/۱ رقابت پذیرترین بخش های فعالیتی محسوب می شوند.
شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر در رقابت پذیری منطقه ای در استان گیلان	نیوشا مدنی و نادر زالی (۱۳۹۵)	شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر در رقابت پذیری منطقه ای در استان گیلان	در سطح اول شاخص ارزیابی «زیر شاخص اقتصادی» و «زیر شاخص سیاسی نهادی» و در سطح دوم عوامل کارآمدی نظام تولید و «سیاست گذاری دولتی» بیشترین تأثیر را در رقابت پذیری منطقه ای استان گیلان دارند.

تحلیل مطالعات پیشین نشان می دهد که ادبیات رقابت پذیری در توسعه همه جانبه شهرهای ایران هنوز ضعیف است و پژوهشگران در مراحل ابتدایی تدوین الگوهای بومی توسعه پایدار براساس اهداف رقابت پذیری قرار دارند. این پژوهش به طور ویژه به شهر جدید صدرا پرداخته است و تلاشی برای غنی سازی ادبیات رقابت پذیری در کشور محسوب می شود و می تواند مفید واقع شود.

تجزیه و تحلیل داده ها و ارائه چهارچوب نظری هویت شهر صدرا

زمانی که بحث از یک شهر جدید در برنامه ریزی و طراحی شهری در میان است، انتخاب سیستم های حمل و نقل، تأسیسات، تسهیلات و زیرساخت های شهری انتظار دستیابی به استاندارد بالاتری نسبت به شهرهای موجود می رود. شهروندان شهر جدید که محل سکونت خود را از یک کلان شهر یا شهر کوچکی در منطقه با امید و آرزوهای بسیار به یک شهر جدید انتقال داده اند، به طور





طبیعی انتظارات بیشتری نسبت به سکونتگاه قبلی خود هم در زمینه مسکن و هم خدمات و به‌طور کلی امور شهری دارند (بزی و افراسیابی‌راد، ۱۳۸۸ برگرفته از، اعتماد، ۱۳۷۶)

اما صدرا، با وجود نامش که به ملاصدرا اشاره دارد، بی‌هویت و بی‌شناسنامه است. در حال حاضر، این شهر به کارگاه ساختمانی بزرگی تبدیل شده و دچار اغتشاش فضایی است. تداخل عملکردی و رعایت نکردن حریم عبور خط لوله گاز نیز بر وضعیت شهری تأثیر منفی می‌گذارد و عبور این خط از شهر، موقعیت خاصی را به آن تحمیل می‌کند.

در ادامه به بررسی جنبه‌های مختلف شهر صدرا می‌پردازیم:

صدرا از جهت کالبدی و فضاهای عمومی

شهر جدید صدرا شامل دو منطقه کوهستانی و دشت است. ساخت‌وساز در این شهر پراکنده و ناهماهنگ است و فضاهای خالی بخش زیادی از بافت شهری را تشکیل می‌دهند. از فضاهای عمومی مهم، اکوپارک به مساحت ۱.۵ هکتار وجود دارد که پتانسیل گردشگری دارد؛ اما کمبود عرصه‌های عمومی و تمایل نداشتن ساکنان به حضور در فضاهای شهری، ارتباط مردم با شهر را تضعیف کرده است. پارک نجوم به دلیل طراحی نامناسب، غالباً خالی‌ازسکنه است و دیگر فضاهای سبز نیز هنوز احداث نشده‌اند. مراکز تجاری هم بستر مناسبی برای حضور عموم نیستند و صدرا بیشتر به خوابگاهی برای ساکنان شیراز تبدیل شده است. طراحی شهری فاقد ضوابط مشخص است و نماها به نبود انسجام بصری در شهر منجر شده‌اند. این وضعیت بر کیفیت زندگی تأثیر منفی می‌گذارد و حس تعلق را کاهش می‌دهد. به همین دلیل، نیاز به توسعه فضاهای عمومی و تفریحی احساس می‌شود تا حس تعلق و امنیت تقویت شود. گسترش نامناسب ساخت‌وسازها و کمبود توده نسبت به فضا، به شکل نگرفتن هویت یکپارچه در صدرا منجر شده است.



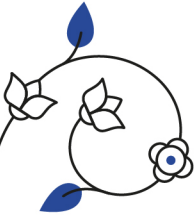
تصویر ۱. عدم پیوستگی ساختمان‌ها و ایجاد نکردن فضای تعریف‌شده در برخی مناطق شهر و وجود فضاهای خالی بسیار در سطح شهر (منبع: ویکی پدیا)

صدرا از جهت حمل‌ونقل و خدمات عمومی

در شهر صدرا، خدمات اساسی نظیر پمپ‌بنزین، پمپ گاز و آتش‌نشانی در فاز ۱ قرار دارند و نیازهای اصلی ساکنان را تأمین می‌کنند؛ اما برخی خدمات دیگر مانند پارکینگ و ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی یا وجود ندارد یا در مراحل بررسی است. حمل‌ونقل عمومی شامل اتوبوس و تاکسی است؛ ولی کمبود پایانه‌های مشخص برای اتوبوس‌ها، مدیریت جابه‌جایی مسافران را دشوار می‌کند و نبود ایستگاه‌های مناسب باعث نارضایتی می‌شود. این چالش‌ها نشان‌دهنده نیاز به برنامه‌ریزی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و خدمات عمومی در صدراست که می‌تواند کیفیت زندگی ساکنان را بهبود بخشد و ارتباطات بین بخش‌های مختلف شهر را تسهیل کند.

صدرا از جهت آرایش کالبدی

ورودی اول صدرا، پس از پیچ تنگ‌جلاب، نمای شهر را نشان می‌دهد؛ اما به‌لحاظ کالبدی به‌درستی تعریف نشده است و نشانه‌ای برای مرز صدرا و حومه ندارد. ورودی دوم از سمت گویم، فرصتی برای ایجاد دروازه‌های شاخص به مرکز شهر فراهم می‌آورد. شهر، فاقد ضوابط مشخص برای آرایش جداره‌های ساختمان‌هاست. از آغاز ساخت‌وسازها در سال ۱۳۷۲، نماها به‌صورت ناهماهنگ و بدون نظم شکل گرفته و استفاده نادرست از رنگ‌ها و مصالح به اغتشاش بصری منجر شده است. همچنین، بسیاری از زمین‌ها بایر مانده است و معابر شکل نگرفته‌اند. بلوک‌های بزرگ آپارتمانی باعث نامشخص شدن جداره‌های محورها و پراکندگی توده‌های ساختمانی شده‌اند. نکته مثبت معماری، سقف‌های شیب‌دار سفالی در باغ‌شهرهاست که به هویت شهر کمک کرده است. در میادین، عناصر نشانگر وجود



دارد که جهت‌یابی را تسهیل می‌کند؛ اما در سایر نقاط نشانه‌های شهری کمی دیده می‌شود.

صدرا از جهت عناصر طبیعی و معماری

شکل‌گیری شهر خطی صدرا در امتداد شرق به غرب، مناظر زیبای ارتفاعات شمالی و تپه‌های جنوبی را نمایان می‌کند؛ اما نبود توده‌های ساختمانی مناسب تهدیدی برای کریدورهای بصری است و تجدیدنظر در تراکم‌های ساختمانی ضروری است. توده‌های ارتفاعی حاشیه‌معبّر باید دید ناظر را به عناصر طبیعی هدایت کند و کریدورهای بصری می‌تواند خوانایی شهر را بهبود بخشد. ایجاد مسیرهای کوه‌پیمایی و فضاهای تفریحی، به دلیل محدودیت دسترسی به تپه‌های جنوبی، چالش‌برانگیز است. صدرا به لحاظ آب‌وهوا و خاک، ظرفیت خوبی برای رشد گیاهان دارد؛ اما حاشیه خیابان‌ها معمولاً خالی از پوشش گیاهی است و ناهماهنگی درخت‌ها باعث آشفتگی بصری شده است. نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح برای حفظ و بهبود شرایط زیست‌محیطی و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی احساس می‌شود.

صدرا از جهت تنوع فرهنگی

شهر صدرا به‌عنوان یک جامعه اجتماعی دوقطبی، شامل دو بخش اصلی شهر و باغ‌شهر است. قطب شهر عمدتاً از اقشار متوسط و پایین‌شهری تشکیل شده و قطب دیگر شامل حومه‌نشینان مرفه است. ساکنان این دو بخش معمولاً از شیراز هستند و برخی به دلیل کمبود مسکن و کار و برخی به‌عنوان انتخابی برای گذران تعطیلات، در این منطقه سکونت دارند که به جدایی‌گزینی اجتماعی منجر می‌شود و فرایند توسعه صدرا را به چالش می‌کشد. ساختار اجتماعی صدرا شامل تنوعی از اقشار مانند کارکنان دولتی و متخصصان است که به تدریج به دنبال امکانات رفاهی هستند و این تمایلات به ایجاد فضاهایی مانند مراکز خرید لوکس و مکان‌های تفریحی در حومه شهر منجر شده است. اقشار متوسط و بالای شهری به دلیل سواد بالا و جایگاه مؤثر در تصمیم‌گیری، سبک زندگی مصرفی را در پیش گرفته‌اند و به‌سرعت با فرهنگ شهری هماهنگ می‌شوند.

صدرا از جهت سیما و منظر و ایمنی

شهر صدرا با چالش‌های جدی در زمینه سیما و ایمنی اجتماعی روبه‌روست که کیفیت زندگی ساکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نبود ضوابط مناسب برای آرایش جداره‌ها، ناهماهنگی در نمای ساختمان‌ها و اغتشاش بصری را به همراه دارد و بسیاری از ساختمان‌ها بدون نما رها شده‌اند. زمین‌های بایر و معابر ناقص مشکلات را تشدید می‌کند و ناهمخوانی عرض معابر با توده‌های ساختمانی احساس ناامنی را افزایش می‌دهد. پراکندگی ساخت‌وساز و ایجاد بلوک‌های آپارتمانی فضاهای شهری را خلوت می‌کند و عبور و مرور را برای زنان و کودکان دشوار می‌سازد. نورپردازی نامناسب در فضاهای عمومی، حضور افراد در شب را کاهش و احساس ناامنی را افزایش می‌دهد. همچنین، ساکنان موقت مانند کارگران ساختمانی به نارضایتی ساکنان دامن می‌زنند. برای بهبود وضعیت ایمنی و اجتماعی، اتخاذ تمهیدات طراحی شهری مناسب و نورپردازی کافی ضروری است تا نظارت عمومی و امنیت را تسهیل کند و کیفیت زندگی را ارتقا دهد.

تبیین شاخص‌ها و معیارها

این پژوهش به بررسی نقش برند شهری در ارتقای هویت کالبدی شهر جدید می‌پردازد و تأکید می‌کند که تشخیص، تمایز و منحصر به فرد بودن، ویژگی‌های مشترک هویت و برند هستند. پتانسیل نهفته در هویت مکان می‌تواند به برندسازی کمک کند و این فرایند موجب تقویت ابعاد هویت نیز می‌شود؛ بنابراین، هویت و برند به‌طور متقابل با یکدیگر در ارتباط هستند. جدول ۶ مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت کالبدی و برندسازی را ارائه می‌دهد.



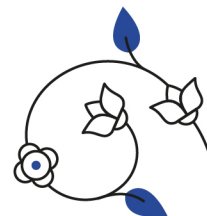
جدول ۶: SWOT مؤلفه‌های هویت کالبدی و برند شهری، منبع: نگارندگان

ردیف	شاخص	توضیحات	قوت	فرصت	ضعف	تهدیدها
۱	حضور	تعاملات اجتماعی، میزان مشارکت ساکنان در امور شهری و نحوه استفاده از اراضی می‌شود.	وجود فضاهای عمومی و پارک‌ها که امکان تعامل اجتماعی را فراهم می‌کند وجود اکوپارک ۱٫۵ هکتاری به‌عنوان نقطه تجمع اجتماعی میادین گل‌ها و اسفار که جهت یابی را تسهیل و تعاملات اجتماعی را تشویق می‌کند.	فرصت برگزاری جشنواره‌ها و بازارچه‌های محلی برای جذب ساکنان و تقویت حس تعلق به مکان. امکان ایجاد عرصه‌های همگانی روی تپه ماهوره امکان ایجاد پارک‌ها و فضاهای اجتماعی جدید برای افزایش تعامل و فعالیت‌های فرهنگی.	نبود عرصه‌های همگانی مناسب در بافت شهر نبود شهروندان در شهر هنگام شب جلب نظر نکردن و مشارکت ساکنان در فرایندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهری	طراحی نامناسب که منجر به احساس ناامنی یا راحت نبودن در فضاهای حضور نداشتن شهروندان در شهر هنگام شب کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی مناسب که می‌تواند به کاهش دسترسی به فضاهای عمومی و تضعیف تعاملات اجتماعی منجر شود.
۲	مکان	ظاهر شهر و عوامل فیزیکی، نظیر تمیزی محیط	وجود باغ‌شهرها در شهر دید به ارتفاعات شمالی شهر از تقریباً بیشتر عرصه‌های شهر وجود کریدورهای بصری وجود مسیل‌ها و رودرها در صدرا قرارگیری صدرا در بستری توپوگرافیک و شیب‌دار قرارگیری صدرا بین دو دسته ارتفاعات و امکان تهویه هوای شهر هنگام شب توسط بادهای گذرنده از دامنه کوه به سمت شهر	امکان ایجاد پوشش گیاهی سبز بر تپه‌ها و ارتقای سیمای آن‌ها امکان ایجاد تمرکز بصری بر پهنه‌های مسلط ارتفاعی بهره‌برداری از مناظر طبیعی و ایجاد فضاهای تفریحی و فرهنگی برای جذب گردشگران و ساکنان استفاده از تاریخ و فرهنگ محلی برای رویدادهای اجتماعی که حس تعلق را تقویت می‌کند.	خط آسمان شکسته به دلیل رعایت نکردن اصول در بارگذاری تراکم نبود امکان نظارت بر معابر به دلیل پراکندگی ساخت‌وساز وجود قطعات خالی در بافت صدرا و ایجاد فضای جرم خیز مکان‌یابی نامناسب توده‌های ارتفاعی در سطح شهر تخلیه زباله ساختمانی در سطح شهر	تخلیه زباله و مصالح ساختمانی در فضاهای خالی شهر دخل و تصرف در عناصر طبیعی مانند ارتفاعات جهت ایجاد ابنیه مصنوعی توسعه بی‌رویه و نامنظم می‌تواند به تضعیف هویت مکان و کاهش کیفیت زندگی منجر شود. توجه نکردن به ایجاد و نگهداری فضاهای سبز می‌تواند احساس تعلق و تعامل اجتماعی را کاهش دهد.
۳	پتانسیل	فرصت‌های شهر برای توسعه در آینده	وجود دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی که سبب ارتقای سطح علمی و فرهنگی می‌شود. وجود اکوپارک برای جذب گردشگران و مسافران	فرصت ایجاد کانون حمل‌ونقل به دلیل عبور مترو شیراز از صدرا امکان تبدیل مسیل‌ها به محوره‌های سبز خطی	تبدیل صدرا به یک خوابگاه بزرگ برای شهروندان شیرازی وجود ساکنان موقت در بافت و ایجاد ناامنی	گذران اوقات فراغت و تفریح شهروندان صدرا در شیراز (خارج از صدرا) تسطیح رودرها و ساخت‌وساز روی آن‌ها



ادامه جدول ۶: SWOT مؤلفه‌های هویت کالبدی و برند شهری، منبع: نگارندگان

۴	تجزیه	پویایی و هیجان شهر، فعالیت‌های جالب برای ساکنان و بازدیدکنندگان	وجود پارک علمی آموزشی در جنوب صدرا و وجود پارک نجوم و سهند در شهر نزدیکی به کلان‌شهر شیراز وجود فضاهای خالی و زمین‌های قابل توسعه برای ایجاد پایانه‌های حمل‌ونقل و مسیرهای جدید دسترسی به مسیرهای اصلی و بزرگراه‌ها که امکان جابه‌جایی سریع و آسان به سایر نقاط شهر و مناطق اطراف را فراهم می‌کند.	امکان ایجاد مسیرهایی جهت کوهپیمایی و گذران اوقات فراغت در دامنه ارتفاعات برنامه‌ریزی رویدادها و کمپین‌ها برای تشویق به استفاده از حمل‌ونقل پایدار، مانند دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی. امکان سرمایه‌گذاری و توسعه خدمات حمل‌ونقل عمومی برای افزایش دسترسی و کاهش ترافیک	استفاده نکردن از فضاهای شهری و پارک‌ها مثل پارک نجوم تبدیل مراکز خرید به فروش مصالح، مشاوران املاک کمبود پیاده‌روها و مسیرهای امن برای عابران ناهماهنگی در خدمات حمل‌ونقل عمومی	کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی مناسب می‌تواند به افزایش ترافیک، نارضایتی ساکنان و کاهش دسترسی به خدمات منجر شود. نبود مسیرهای مناسب پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، ایمنی عابران را کاهش می‌دهد و استفاده از حمل‌ونقل پایدار را تضعیف می‌کند.
۵	مردم	صداقت و صمیمیت مردم شهر و تنوع فرهنگی	آمادگی برای پذیرش فرهنگ‌های متفاوت در شهر جدید نوع فرهنگی ساکنان که می‌تواند به غنای اجتماعی و فرهنگی شهر کمک کند و فرصت‌های تبادل فرهنگی را افزایش دهد.	امکان تقویت گردشگری، فرهنگی امکان برگذاری رویدادهای فرهنگی توسعه برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی که می‌تواند به تقویت حس تعلق و تعامل میان ساکنان کمک کند.	نبود تنوع فرهنگی به دلیل جذب نکردن جمعیت‌های مختلف فرهنگی به شهر کمبود انسجام اجتماعی، که می‌تواند به نبود تعامل و مشارکت ساکنان در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شود.	تبدیل صدرا به خوابگاه بزرگ برای شهروندان شیرازی افزایش مهاجرت به شیراز که می‌تواند به کاهش جمعیت و مشارکت ساکنان در صدرا و تضعیف هویت محلی منجر شود.
۶	پیش زمینه‌ها	زیرساخت‌های اساسی و تسهیلات عمومی شهر	وجود کاربری‌های فرهنگی مذهبی مثل مسجد، حسینیه، کانون پرورش فکری وجود دانشگاه آزاد به‌عنوان قطب آموزشی در شهر وجود بیمارستان پیوند اعضا و تقویت بعد علمی صدرا وجود حمل‌ونقل عمومی (اتوبوس) و ارتباط با شیراز	امکان نورپردازی در سطح شهر و تقویت حضور شهروندان در سطح شهر و فضاهای شهری فرصت ایجاد کانون حمل‌ونقل به دلیل عبور مترو شیراز از صدرا امکان ایجاد مبلمان شهری در سطح شهر و فضاهای شهری	تغییرات اقلیمی و محیطی که می‌تواند به خطرات طبیعی و چالش‌هایی برای توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی شهر منجر شود. افزایش ناهماهنگی در برنامه‌ریزی شهری که می‌تواند به پراکندگی نامناسب ساخت‌وساز و کاهش کیفیت زندگی ساکنان منجر شود.	
۷	تاریخی بودن	پیوند با تاریخ گذشته و ساکنان آن	نداشتن تاریخچه در شهر جدید، به‌عنوان نقطه‌قوت، امکان ایجاد تاریخچه‌ای نوین از طریق رویدادها و فرهنگ‌ها را فراهم می‌کند.	امکان طراحی نوآورانه در شهر جدید و ایجاد جذابیت که سبب ایجاد هویت خاص می‌شود. امکان ایجاد موزه‌ها یا مراکز فرهنگی که به تاریخ معاصر و فرهنگ محلی پرداخته شود.	نداشتن احساس تعلق شهروندان به شهر نبود تاریخ غنی و میراث فرهنگی قوی که می‌تواند بر هویت و برندینگ شهر تاثیر منفی بگذارد. نبود جاذبه‌های گردشگری	سرمایه‌گذاری نکردن روی فرهنگ و هنر
۸	بومی بودن (زمینه‌گرایی)	در ارتباط با جغرافیا و فرهنگ خاص	وجود اقلیم مناسب و امکان کاشت گیاهان داشتن فضاهای سبز و طبیعی که سبب ارتقای کیفیت زندگی و جذابیت شهر می‌شود.	امکان تبدیل مسیل‌ها به محورهای سبز خطی	کمبود فضای سبز در صدرا به دلیل شکل نگرفتن بیشتر پارک‌ها و فضاهای سبز پیش‌بینی شده وجود ساکنان موقت در بافت و ایجاد ناامنی	با ورود مهاجران و افراد از مناطق مختلف، ممکن است فرهنگ محلی تحت تاثیر قرار گیرد و هویت بومی کاهش یابد.



ادامه جدول ۶: SWOT مؤلفه‌های هویت کالبدی و برند شهری، منبع: نگارندگان

<p>۹</p> <p>تمایز بودن</p>	<p>داشتن خوانایی و امکان تشخیص از بافت شهری پیرامون</p>	<p>وجود عناصر نشانه‌ای در میدان‌های گل‌ها و اسفار دید به مناره مسجد از ورودی صدرا دریافت دید یکپارچه به شهر بعد از گذر از پیچ تنگ جلاب وجود بازارچه‌های سه‌پند و زندیه در صدرا جهت خوانایی</p>	<p>فرصت ایجاد نشانه کالبدی و عملکردی درون شهر امکان شاخص‌سازی پهنه‌های ارتفاعی در خوانایی عملکردی آن‌ها</p>	<p>نبود نشانه دروازه‌ای هنگام ورود به شهر و اکتفا به ایستگاه نگهبانی کمبود نشانه‌های کالبدی و عملکردی ویژه در سطح شهر شکل‌گیری ضعیف میدان بهارستان به عنوان بزرگ‌ترین میدان در سطح شهر نبود نشانه‌های ذهنی در سطح شهر</p>	<p>طراحی‌های مشابه و یکسان در ساختمان‌ها و فضاهای عمومی به نبود خوانایی در شهر منجر می‌شود. نداشتن توجه به طراحی‌های عمومی و کمبود مناسب</p>
<p>۱۰</p> <p>پذیرا بودن</p>	<p>تنوع فعالیت‌ها، تسهیلات جانبی و امکان دسترسی و بهره‌برداری از فضای شهری پیرامون</p>	<p>وجود خط مترو شیراز - صدرا به عنوان یک شهر جدید، پذیرای ساکنان از نقاط مختلف کشور است که این تنوع می‌تواند به غنای فرهنگی و اجتماعی شهر کمک کند. وجود برخی فضاهای عمومی، مانند پارک‌ها و میدان‌ها، که امکان تعامل اجتماعی و گردهمایی ساکنان را فراهم می‌آورد؛ حتی اگر این فضاها به‌طور کامل توسعه نیافته باشند.</p>	<p>فرصت ایجاد کانون حمل‌ونقل به دلیل عبور مترو شیراز از صدرا فرصت ایجاد مسیرهای پیاده و دوچرخه‌دورن بافت با توجه به نزدیکی به شهر شیراز و آثار تاریخی آن، صدرا می‌تواند به یک مقصد گردشگری جذاب تبدیل شود. راه‌اندازی برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به تقویت حس تعلق و مشارکت اجتماعی کمک کند.</p>	<p>نبود عرصه‌هایی مانند محور مجهز، مسیر تردد پیاده میادین شهری در بافت نبود خدمات و امکانات کافی برای حمایت از تعاملات اجتماعی و فرهنگی، مانند مراکز فرهنگی و اجتماعی فقدان استراتژی مشخص برای توسعه شهر که به پراکندگی و ناهماهنگی در توسعه فضایی منجر شده است.</p>	<p>گذران اوقات فراغت و تفریح شهروندان صدرا در شیراز (خارج از صدرا) رشد غیرمنظم و پراکنده شهر می‌تواند به کمبود فضاهای عمومی و کاهش کیفیت زندگی ساکنان منجر شود نداشتن توجه به نیازهای فرهنگی و اجتماعی ساکنان می‌تواند احساس بیگانگی و نارضایتی را افزایش دهد.</p>
<p>۱۱</p> <p>طراحی، فرم و معماری</p>	<p>خاص بودن از نظر سبک معماری و داشتن فرم خاص</p>	<p>وجود انواع مختلف فرم‌ها و نماهای ساختمانی می‌تواند به جذابیت بصری شهر بیفزاید و حس تنوع را در محیط ایجاد کند وجود سقف‌های شیب‌دار به هویت بصری شهر تبدیل شده است.</p>	<p>امکان استفاده از معماری پایدار امکان طراحی شهری مشارکتی (استفاده از نظرات و ایده‌های ساکنان در فرایند طراحی شهری برای ایجاد فضایی متناسب با نیاز جامعه)</p>	<p>وجود تعاونی‌های مسکن در رأس ساخت‌وسازها و یکسانی بناهای ساخته شده قرارگیری تجمع‌های ارتفاعی و ساختمان‌های بلندمرتبه به‌صورتی یکنواخت در بافت</p>	<p>امکان از بین رفتن کریدورهای بصری و کانون‌های دریافت منظر با ایجاد ساخت‌وساز ساخت‌وساز پراکنده در بافت و وجود فضاهای خالی در مقیاس وسیع</p>
<p>۱۲</p> <p>محصوریت فضایی</p>	<p>اندازه و مقیاس انسانی، ارتفاع، تناسب اندازه‌ها</p>	<p>توجه به رعایت سلسله‌مراتب خیابان‌ها در اکثر خیابان‌های شهر جدید صدرا برخی از محله‌ها و فضاهای مسکونی در صدرا به دلیل طراحی محصور و دیوارها، حس امنیت و آرامش را برای ساکنان فراهم می‌کند که می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی کمک کند.</p>	<p>امکان تقویت کریدورهای بصری به سمت ارتفاعات و باغ‌شهرها با بارگذاری مناسب تراکم با توجه به سلسله‌مراتب خیابان‌ها، می‌توان فضاهای عمومی و تعامل‌پذیر بیشتری طراحی کرد که به ارتقای زندگی اجتماعی و فرهنگی ساکنان کمک کند.</p>	<p>ایجاد بلوک‌های آپارتمانی درون قطعات بزرگ و نبود تعریف جداره پراکندگی ساخت‌وساز در صدرا شکل‌گیری جداره‌های ضعیف در صدرا به دلیل پراکندگی ساخت‌وسازها متناسب نبودن عرض شبکه معابر با تراکم توده‌های شکل‌گرفته در مجاور آن</p>	<p>ساخت‌وساز پراکنده در بافت و وجود فضاهای خالی در مقیاس وسیع امنیت ضعیف در سطح شهر به دلیل پراکندگی ساخت‌وساز توجه نکردن به نیازهای کاربران که اگر طراحی خیابان‌ها به نیازهای واقعی ساکنان توجه نکند، ممکن است به کاهش رضایت و احساس تعلق منجر شود و استفاده از فضاهای شهری را محدود کند.</p>



ادامه جدول ۶: SWOT مؤلفه‌های هویت کالبدی و برند شهری، منبع: نگارندگان

اقتصاد نسبتاً پایین ساکنان و اقدام به ساخت ابنیه با کیفیت متوسط تنوع بیش از حد در نماها ممکن است به نبود انسجام بصری منجر شود که می‌تواند احساس بی‌نظمی و سردرگمی را در بین ساکنان و بازدیدکنندگان ایجاد کند.	نبود ضوابط جهت آرایش مناسب سیمای جداره استفاده از مصالح و رنگ نامناسب و ناهماهنگ در نمای ساختمان‌ها اجرا نکردن نما در برخی ساختمان‌ها کاشت انواع گیاهان در محلات مسکونی توسط ساکنان و ایجاد اغتشاش بصری	امکان ایجاد نما و آرایش منسجم و طراحی شده برای ساختمان‌های شهر با ارائه ضوابط امکان طراحی نماها مطابق با شرایط آب و هوایی با توجه به تنوع نماها، امکان ایجاد پروژه‌های طراحی شهری و بهبود فضاهای عمومی وجود دارد که می‌تواند هویت بصری شهر را تقویت کند و جذب گردشگر را افزایش دهد.	وجود پوشش گیاهی در جداره معابر نوساز بودن اکثر خانه‌ها و نماها در شهر جدید وجود نماهای مختلف با طراحی‌های متنوع می‌تواند جذابیت بصری شهر را افزایش دهد و به ایجاد هویت شهری کمک کند.	برخورداری از مصالح، رنگ و بدنه بافت مناسب	۳	۱۳
--	---	--	--	---	---	----

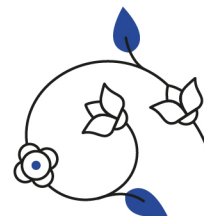
در جدول SWOT، مؤلفه‌های کلیدی برندسازی و هویت کالبدی شهر جدید صدرا بررسی شدند. این تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی می‌کند. هویت کالبدی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از برندسازی، نقش مهمی در شکل‌دهی تصویر کلی شهر دارد. با ارتقای این مؤلفه‌ها، می‌توان کیفیت زندگی ساکنان و جذابیت شهر برای بازدیدکنندگان را بهبود بخشید. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط متقابل میان این دو حوزه نیازمند یک چهارچوب نظری جامع است. در ادامه، به بررسی چهارچوب نظری می‌پردازیم که مؤلفه‌های هویت کالبدی را به مؤلفه‌های برندسازی مرتبط می‌کند.

جدول ۷: چهارچوب نظری: ارتباط میان برندینگ شهری و هویت کالبدی، منبع: نگارندگان

شاخص‌های برند شهری (به نقل از انهالت)	عوامل زیربنایی هویت (کالبدی)
مکان (ظاهر شهر و عوامل فیزیکی، نظیر تمیزی محیط)	وجود تنوع و جذابیت در فرم و عملکرد محیط فضای کالبدی، مفاهیم و فعالیت‌ها در محیط خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی سبک‌های طراحی کالبدی، جزئیات، خصوصیات، برجستگی‌ها جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری
پتانسیل (فرصت‌های شهر برای توسعه در آینده)	جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی
تحرك (پویایی و هیجان شهر، فعالیت‌های جالب)	وجود تنوع و جذابیت در فرم و عملکرد محیط فضای کالبدی، مفاهیم و فعالیت‌ها در محیط
مردم (صداقت و صمیمیت مردم شهر و تنوع فرهنگی)	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری
پیش‌زمینه‌ها (زیرساخت‌های اساسی و تسهیلات عمومی شهر)	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی فضای کالبدی، مفاهیم و فعالیت‌ها در محیط جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری سبک‌های طراحی کالبدی، جزئیات، خصوصیات، برجستگی‌ها
حضور (وضعیت و موقعیت بین‌المللی شهر، اثرگذاری بین‌المللی شهر)	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی

نتیجه‌گیری

در عصر حاضر، طراحی شهری به‌عنوان ابزاری کلیدی در شکل‌گیری هویت کالبدی و فرهنگی شهرها مورد توجه قرار گرفته است. شهر جدید صدرا به‌عنوان نمونه موردی، چالش‌ها و فرصت‌های برندسازی هویت شهری را نمایان می‌سازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طراحی شهری می‌تواند به تقویت هویت محلی و جذب جمعیت‌های متنوع فرهنگی کمک کند. روش‌شناسی مناسب در ارائه راهبردهای طراحی شهری اهمیت زیادی دارد. انتخاب رویکردهای مناسب، از جمله مشارکت جامعه محلی و توجه به عناصر فرهنگی



و تاریخی، می‌تواند تأثیر بسزایی بر موفقیت برندسازی داشته باشد. همچنین، استفاده از تکنیک‌های نوین و فناوری‌های مدرن می‌تواند کیفیت فضاهای عمومی و جذابیت بصری شهر را افزایش دهد. توجه به پایداری محیطی و اجتماعی نیز به حفظ هویت فرهنگی و بهبود کیفیت زندگی ساکنان کمک می‌کند. راهبردهای زیر (جدول ۸) براساس تحلیل SWOT شهر صدرآ و ترکیب چهارچوب نظری ارائه شده شکل گرفته‌اند و هدف آن‌ها ایجاد هویتی مثبت در شهر جدید صدرآست.

جدول ۸: راهبردها و سیاست‌های طراحی برای هویت برندسازی و هویت کالبدی، منبع: نگارندگان

شاخص‌های برند شهری	عوامل زیربنایی هویت (کالبدی)	راهبردها	سیاست‌ها
ظاهر شهر و عوامل فیزیکی، نظیر تیزی محیط) مکان	وجود تنوع و جذابیت در فرم و عملکرد محیط	طراحی فضاهای عمومی متنوع و انعطاف‌پذیر تنوع در معماری ایجاد کاربری‌های مختلط	طراحی فضاهای عمومی و خصوصی به‌گونه‌ای که بتوانند عملکردهای متنوعی را در خود جای دهند طراحی و ساخت ساختمان‌ها با فرم‌ها و مصالح متنوع، با توجه به بستر فرهنگی و تاریخی منطقه توسعه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی
	فضای کالبدی، مفاهیم و فعالیت‌ها در محیط	تقویت تعاملات اجتماعی از طریق طراحی فضاهای عمومی طراحی پایدار و محیط‌زیستی	طراحی میداين و فضاهای سبز به‌صورت باز و دعوت‌کننده ایجاد پارک‌های اکولوژیک با گیاهان بومی و سیستم‌های آبیاری هوشمند برای بهبود زیبایی و کاهش مصرف آب. طراحی مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری در این فضاها برای افزایش فعالیت‌های اجتماعی
	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی	برگزاری رویدادهای فرهنگی در فضاهای عمومی تحلیل نیازها و خواسته‌های ساکنان ایجاد هویت بصری منحصر به فرد	ایجاد تقویم سالانه برای جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها تشکیل کمیته‌های محلی برای شناسایی نیازها طراحی المان‌های شهری با نمادهای محلی
	سبک‌های طراحی کالبدی و جزئیات، خصوصیات، برجستگی‌ها	توجه به جزئیات طراحی ایجاد استانداردهای طراحی تمرکز بر طراحی کاربردی و کارآمد شناسایی و تقویت خصوصیات متمایز ایجاد نمادهای محلی توسعه برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی	تدوین راهنمای طراحی شهری برای شهر آموزش و کارگاه‌های تخصصی تدوین استانداردهای طراحی کاربردی ایجاد بانک اطلاعاتی از خصوصیات محلی حمایت از هنرمندان محلی برگزاری جشنواره‌های محلی
	جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری	ایجاد و پیروی از برنامه‌های جامع شهری توسعه مدل‌های مشارکتی توجه به توسعه پایدار	تدوین استانداردهای برنامه‌ریزی ایجاد شورای مشورتی شهری پشتیبانی از پروژه‌های اجتماعی
فرصت‌های شهر برای توسعه در آینده)	جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری	تدوین برنامه‌های متوازن توسعه تشویق به ایجاد همکاری‌های بین‌دستگاهی	ایجاد کمیته‌های مشورتی با حضور ساکنان تدوین راهنماهای عملی برای توسعه پایدار
	خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی	تحلیل جامعه‌شناختی برای درک نیازها توسعه فضاهای یادبود و یادآوری	برگزاری کارگاه‌های مشارکتی توسعه شبکه‌های اجتماعی محلی تشویق به مشارکت در پروژه‌های هنری



ادامه جدول ۸: راهبردها و سیاست‌های طراحانه برای هویت برندسازی و هویت کالبدی، منبع: نگارندگان

<p>ارتقای زیبایی بصری فضاها از طریق طراحی منظر و استفاده از عناصر طبیعی برگزاری رویدادهای فرهنگی و اجتماعی در فضاهای عمومی برای جذب ساکنان و بازدیدکنندگان</p>	<p>بهبود جذابیت بصری برگزاری رویدادهای فرهنگی</p>	<p>وجود تنوع و جذابیت در فرم و عملکرد محیط</p>	<p>تحرک (پویایی و هیجان شهر، جالب)</p>
<p>تدوین استانداردهای طراحی برای فضاهای عمومی برگزاری دوره‌های آموزشی برای آشنایی با استفاده بهینه از فضا</p>	<p>ایجاد فضاهای چندمنظوره با قابلیت‌های متنوع طراحی فضاهای باز و سبز برای فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی</p>	<p>فضای کالبدی، مفاهیم و فعالیت‌ها در محیط</p>	<p>صداقت و صمیمیت مردم شهر و تنوع فرهنگی</p>
<p>برگزاری کارگاه‌های آموزشی درباره تاریخ و فرهنگ محلی حمایت از شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های محلی تشویق مشارکت در پروژه‌های هنری و فرهنگی</p>	<p>ایجاد برنامه‌های فرهنگی برای ترویج هویت محلی تحلیل نیازها و خواسته‌های ساکنان از طریق پژوهش‌های اجتماعی توسعه فضاهای یادبود برای تقویت حس تعلق</p>	<p>خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی</p>	<p>پیش‌زمینه‌ها (زیرساخت‌های اساسی و تسهیلات عمومی شهر)</p>
<p>تشکیل کمیته‌های مشورتی با مشارکت ساکنان برگزاری جلسات عمومی برای جمع‌آوری بازخورد از جامعه</p>	<p>تدوین برنامه‌های متوازن توسعه شهری بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در برنامه‌ریزی</p>	<p>جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری</p>	<p>تأمین بودجه برای پروژه‌های طراحی فضاهای عمومی با تمرکز بر مفهوم‌سازی و زیباسازی استفاده از مصالح سبز و افزایش فضای سبز در طراحی فضاهای عمومی</p>
<p>برگزاری جشنواره‌های محلی با محوریت تاریخ و فرهنگ حمایت از پروژه‌های پژوهشی در زمینه تاریخ و جامعه‌شناسی شهر ایجاد بسترهای قانونی برای حفاظت از آثار فرهنگی و اجتماعی</p>	<p>ایجاد برنامه‌های نوآورانه برای معرفی تاریخ و فرهنگ محلی تقویت فعالیت‌های اجتماعی با محوریت شناسایی و حفظ فرهنگ محلی طراحی فضاهای تعاملی که ساکنان را به اشتراک‌گذاری تجربیات خود ترغیب کند.</p>	<p>خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی</p>	<p>تأمین بودجه برای پروژه‌های طراحی فضاهای عمومی با تمرکز بر مفهوم‌سازی و زیباسازی استفاده از مصالح سبز و افزایش فضای سبز در طراحی فضاهای عمومی</p>
<p>تأمین بودجه برای پروژه‌های طراحی فضاهای عمومی با تمرکز بر مفهوم‌سازی و زیباسازی استفاده از مصالح سبز و افزایش فضای سبز در طراحی فضاهای عمومی</p>	<p>توسعه فضاهای اجتماعی با تأکید بر تعامل و مشارکت استفاده از طراحی زیست‌محیطی برای ارتقای کیفیت فضاها</p>	<p>فضای کالبدی، مفاهیم و فعالیت‌ها در محیط</p>	<p>برگزاری نمایشگاه‌های طراحی برای معرفی سبک‌های جدید و محلی ایجاد گواهینامه‌های کیفیت برای پروژه‌های طراحی مبتنی بر جزئیات حمایت مالی از طراحان و معمارانی که به خلاقیت و نوآوری در طراحی توجه دارند.</p>
<p>ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای نظرسنجی و جمع‌آوری نظرات ساکنان طراحی دستورالعمل‌های مشخص برای ارزیابی پروژه‌های شهری حمایت از پروژه‌های برنامه‌ریزی که به توسعه پایدار توجه دارند.</p>	<p>ایجاد طرح‌های برنامه‌ریزی مشارکتی با توجه به نیازهای محلی ایجاد طرح‌های برنامه‌ریزی مشارکتی با توجه به نیازهای محلی توسعه استراتژی‌های نوین برای ادغام فضاهای عمومی و خصوصی</p>	<p>جنبه‌های برنامه‌ریزی شهری</p>	<p>حمایت از پروژه‌های هنری و فرهنگی که داستان‌های ساکنان را روایت کنند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای آشنایی ساکنان با روان‌شناسی جمعی تدوین راهنمایی برای بهبود تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی</p>
<p>برگزاری نمایشگاه‌های طراحی برای معرفی سبک‌های جدید و محلی ایجاد گواهینامه‌های کیفیت برای پروژه‌های طراحی مبتنی بر جزئیات حمایت مالی از طراحان و معمارانی که به خلاقیت و نوآوری در طراحی توجه دارند.</p>	<p>ترویج طراحی با الهام از فرهنگ محلی و نیازهای ساکنان استفاده از متریک‌های بومی و پایدار در ساخت‌وساز توسعه جزئیات طراحی که به ایجاد هویت بصری منحصربه‌فرد کمک کنند</p>	<p>سبک‌های طراحی کالبدی، جزئیات، خصوصیات، برجستگی‌ها</p>	<p>ترویج روایت‌سازی محلی برای شکل‌دهی به تاریخچه شهر ایجاد برنامه‌های اجتماعی برای تقویت حس تعلق ساکنان طراحی فضاهای عمومی که به تعاملات اجتماعی و فرهنگی کمک کنند</p>
<p>حمایت از پروژه‌های هنری و فرهنگی که داستان‌های ساکنان را روایت کنند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای آشنایی ساکنان با روان‌شناسی جمعی تدوین راهنمایی برای بهبود تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی</p>	<p>ترویج روایت‌سازی محلی برای شکل‌دهی به تاریخچه شهر ایجاد برنامه‌های اجتماعی برای تقویت حس تعلق ساکنان طراحی فضاهای عمومی که به تعاملات اجتماعی و فرهنگی کمک کنند</p>	<p>خصوصیات تاریخی، اجتماعی و روان‌شناسی</p>	<p>بین‌المللی شهر (وضعیت بین‌المللی موقعیت شهر، اثرگذاری حضور)</p>





بیانیه‌ها تعارض منافع

اینجانب، مآنده ولی بیگی، و همکارم، استاد الیاس مودت، اعلام می‌کنیم که هیچ‌گونه تضاد منافی در انجام این پژوهش وجود ندارد و این تحقیق به‌طور مستقل و بدون هرگونه فشار یا مداخله از سوی نهادهای مرتبط انجام شده است.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به‌صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده پردازی و طراحی مطالعه: مآنده ولی بیگی؛ گردآوری و مدیریت داده‌ها: مآنده ولی بیگی؛ تحلیل و تفسیر داده‌ها: مآنده ولی بیگی؛ تصویرسازی: مآنده ولی بیگی؛ نگارش پیش‌نویس اولیه: مآنده؛ بازبینی و اصلاح مقاله: مآنده ولی بیگی و الیاس مودت؛ مدیریت پروژه تحقیقاتی: مآنده ولی بیگی؛ اعتبار سنجی و تأیید نهایی: مآنده ولی بیگی و الیاس مودت.

تشکر و قدردانی

از استاد محترم، جناب آقای دکتر الیاس مودت، به‌خاطر راهنمایی‌ها و پشتیبانی علمی‌شان در طول انجام این پژوهش تشکر می‌کنم. همچنین از استاد محترم، جناب آقای دکتر علی‌رضا صادقی، به‌عنوان سردبیر نشریه مطالعات طراحی شهری ایران برای دقت نظر و حمایت‌های علمی‌شان در راستای پذیرش و انتشار این مقاله قدردانی می‌کنم. از دانشگاه شیراز نیز به‌خاطر پذیرش این مقاله در نشریه خود صمیمانه تشکر می‌کنم. در نهایت، از دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول به‌خاطر فراهم آوردن امکانات آموزشی و پژوهشی و همچنین حمایت‌های علمی در طول انجام این تحقیق تشکر می‌نمایم.

منابع

۱. اجزاشکوهی، م. (۱۳۸۱). یک مدل توسعه مرحله‌ای برای شهرهای جدید: تجربه شهرهای جدید انگلستان. تحقیقات جغرافیایی، ۵۴۳، ۹۵-۱۱۵.
۲. بافندکار، ا.، و کریمی، ف. (۱۳۹۶). تبیین عوامل مؤثر در برندسازی شهری براساس مدل پیشنهادی مارتینز و همکاران؛ مطالعه موردی شهر شیراز. فصلنامه مدیریت برند، ۹، ۱۸۹-۱۷۳.
۳. بذرگر، م. ر. (۱۳۹۶). بررسی نقش المان‌های شهری در تقویت هویت کالبدی؛ مطالعه موردی شهر شیراز. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۳۰، ۱۰۰-۸۳.
۴. بزی، خ.، و افراسیابی‌راد، م. ص. (۱۳۸۸). سنجش و ارزیابی میزان موفقیت و کارایی شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید صدرا). مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۲، ۱۳۴-۱۱۱.
۵. دهخدا، ع. ا. (۱۳۴۵). لغتنامه دهخدا (جلد ۳۴۹). تهران: دانشگاه تهران.
۶. رحیمیان، ا. (۱۳۹۶). ارائه چهارچوب برندسازی شهری در ایران بر مبنای مدل سیستم‌های مانا. نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱۳، ۲۰۷-۱۹۷.
۷. رستمی، م. ر.، فیض، د.، زارعی، ع.، رستگار، ع.، و ملکی مینباش رزگانه، م. (۱۳۹۷). عوامل تأثیرگذار بر برندسازی اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، ۲، ۴۰-۱۱.
۸. سرور، ر.، توکلان، ع.، و غلامی، غ. (۱۴۰۰). تعیین شاخص‌های ایجاد شهر جدید با استفاده از روش AHP و ارزیابی میزان دستیابی به اهداف ایجاد شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید پردیس). فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی، ۱۲۲، ۱۸۹-۲۰۶.
۹. سعادت‌فر، ا.، و سندنگل، س. (۱۳۹۳). بررسی منظر شبانه خیابان امام رضا (ع) با رویکرد ارتقای هویت و با تأکید بر نورپردازی. همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار، ۸-۱.
۱۰. فرگی‌ششده، غ.، عابدی، م.، میرقادری، س. م. ر.، و خانی‌زاده، م. ع. (۱۳۹۷). کاربرد رویکرد توسعه حمل‌ونقل محور (تی او دی) در برنامه‌ریزی کاربری زمین‌های شهری (نمونه مطالعه: شهر جدید صدرا). نشریه معماری‌شناسی، ۶، ۹-۱.
۱۱. فوادیان، م.، کرکه‌آبادی، ز.، و کامیابی، س. (۱۴۰۰). تحلیل جایگاه شاخص‌های شهر خلاق در راستای برندسازی و دستیابی به توسعه پایدار شهری. فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۱، ۱۳۲-۱۲۷.
۱۲. لزگی، ا.، و صیامی، ق. (۱۳۹۶). تبیین مؤلفه‌های برندینگ شهری با تأکید بر ابعاد اقتصادی آن (نمونه موردی: کلان‌شهر مشهد). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳، ۱۶۲-۱۵۲.
۱۳. محمودی‌آذر، ش.، و داوودپور، ز. (۱۳۹۸). بررسی نقش برندسازی شهری در تحقق مفهوم شهر خلاق (مطالعه موردی: ارومیه). مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۱۸، ۱۴۱-۱۰۹.
۱۴. مختاری ملک‌آبادی، ر.، غفاری، س. ر.، و لارابی، م. (۱۴۰۱). بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری در برندسازی شهری (مورد مطالعه: شهر اصفهان). برنامه‌ریزی فضایی، ۳، ۴۶-۲۵.
۱۵. میرمقتدایی، م. (۱۳۸۳). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها. نشریه هنرهای زیبا، ۱۹، ۳۸-۲۹.



16. Rehan, R. M. (2013). Urban branding as an effective sustainability tool in urban development. HBRC Journal, 9 (4), 222-230. <https://doi.org/10.1016/j.hbrcj.2013.05.001>



Assessment of Physical-Land Use and Social Indicators in Nightlife and Urban Space Vitality with a Sustainable Development Approach – Case Study: Nasar Historical District in Semnan

Amirhossein Takmil¹, Mahsa Ghane^{2,*}

1. Ph.D. Candidate, Department of Urban Planning, University of Tehran, Kish International Campus, Iran.

2. Ph.D. Candidate, Department of Urban Planning, University of Tehran, Kish International Campus, Iran.

ABSTRACT

Urban environments undergo distinct and varied uses throughout different times of the day and night, providing a unique window into the rhythms and needs of urban life. These variations in usage patterns offer invaluable insights for urban planners, designers, and policymakers to observe and analyze how people interact within public spaces, enabling them to make informed decisions on how to foster thriving urban areas. Increasing the vibrancy and vitality of urban spaces at night is especially crucial, as it encourages a more dynamic and inclusive urban atmosphere, offering spaces where social, cultural, and economic activities can flourish beyond regular business hours. However, achieving this objective requires a careful and committed approach to sustainable development principles. Ignoring these principles can lead to negative outcomes, such as resource inefficiencies, increased pollution, or social imbalances, ultimately detracting from the long-term well-being of urban communities. By emphasizing sustainable practices, cities can ensure that nighttime vibrancy positively impacts urban spaces, creating a holistic framework where environmental, social, and economic dimensions are balanced, and the city's vitality is enhanced in a meaningful, enduring way. In this study, the physical-land use and social dimensions are chosen as two foundational and impactful elements shaping nightlife and urban vitality, each playing a significant role in fostering continuity and dynamism within urban environments. The primary goal is to assess these physical-land use and social indicators within the nightlife and vitality of urban spaces in the historical fabric of Semnan, with a sustainable development approach. This applied research adopts a descriptive-analytical methodology with a qualitative approach, focusing on the Nasar Historical District of Semnan. Based on a review of relevant studies, 14 indicators were developed within the two dimensions of physical-land use and social factors. Data were collected through a questionnaire distributed to experts in the field, with 21 participants selected through purposive sampling. For data analysis, structural interpretive modeling using MICMAC software was employed. Results reveal six distinct categories (influential factors, risk, target, influential, direct, and regulatory) within the distribution matrix. Ultimately, recreational and relaxation land uses, safety, the quantity and scale of public spaces, nighttime employment, public parks, social interactions, and cultural events and festivals showed the highest influence. Security, cafes and restaurants, recreational and relaxation land uses, nighttime employment, social interactions, and street vending demonstrated the highest susceptibility to influence.

Highlights

- The study identifies 14 critical physical-land use and social indicators influencing nighttime vitality in urban spaces.
- Recreational land use, public parks, and amenities are categorized as risk indicators requiring strategic management for sustainable urban vitality.
- Cinemas and the scale and quantity of public spaces are identified as the most influential factors in enhancing nighttime vitality.
- Nighttime employment, social interactions, and cultural events are highly receptive to external factors and pivotal for urban nighttime vibrancy.
- Safety and legibility, while traditionally key indicators, are secondary factors in the specific context of the Nasar Historical District.

ARTICLE INFO

Received	16/07/2024
Revised	31/07/2024
Accepted	15/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Nightlife
Vitality
Sustainable Development
MICMAC
Nasar Historical District Semnan



Citation of the article

Takmil, A., & Ghaaneh, M. (2024). Evaluating physical-functional and social indicators in nighttime urban life and the vitality of urban spaces with a sustainable development approach. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 117-140.

*Tehran university.

Author Corresponding:

Email: mahsaghane92@ut.ac.ir

Phone: +989129352849

Introduction: Today, cities worldwide face a complex array of economic, social, and environmental challenges, which profoundly impact urban vitality, diminishing the quality of life and vibrancy in many urban areas. Issues such as economic instability, social fragmentation, environmental degradation, and rising demands for sustainable infrastructure place mounting pressure on urban environments and residents alike. Within this challenging landscape, urban spaces play an essential role as hubs for social interaction and community life, providing a foundation for civic engagement, cultural exchange, and economic activity.

For these spaces to truly thrive, they must cultivate a dynamic, accessible, and welcoming atmosphere that accommodates the diverse needs of residents and visitors.

A crucial strategy in achieving this urban vitality is through the support of vibrant nighttime activities, which add a distinct layer of appeal to urban spaces, transforming them into lively destinations and integral aspects of a city's identity. Nighttime activities encourage people to engage with public spaces beyond standard business hours, boosting foot traffic, fostering social interaction, and invigorating the local economy. Activities such as dining, entertainment, cultural events, and public performances not only generate economic momentum but also strengthen the sense of belonging and security among residents and visitors.

In response to these needs, cities are increasingly shifting their focus to a range of consumer and recreational activities that contribute to the revitalization of urban centers, attracting dynamic visitors and investment while also retaining middle and upper social classes. Nightlife, in particular, enables access to an array of urban services and activities throughout the night, creating a continuity of urban life that extends well beyond the daytime. This continuity is instrumental in sustaining the energy and vibrancy of urban spaces, reinforcing their role as thriving community centers.

Theorists who emphasize the importance of nightlife identify three principal components—physical form, function, and meaning—as core elements of successful urban spaces. These components are essential in structuring nighttime urban life, shaping spaces that are not only appealing but also supportive of sustainable city growth. In fostering these three elements, cities can enhance their social, economic, and environmental development, advancing a holistic approach to urban sustainability.

Consequently, planning for nighttime life has become a fundamental aspect of urban policy, with a strong emphasis on creating safe, accessible, and enjoyable environments after dark. Effective nighttime planning considers the need for supportive infrastructure, safety measures, and lively programming, crafting an inclusive setting that promotes both social and economic engagement.

As such, initiatives for nighttime urban life are increasingly integrated into broader urban policies, aiming not only to boost economic activity but also to establish a resilient, inclusive, and interconnected urban landscape that celebrates community identity and collective experiences. This approach to nighttime urban life marks a pivotal step toward revitalizing local economies and promoting sustainable, long-term development.

In this context, enhancing nighttime life and urban space vitality is crucial for improving quality of life across environmental, social, and economic dimensions. Achieving this enhancement without sustainable development considerations would lead to undesirable outcomes. Therefore, this study identifies physical-land use and social dimensions as two foundational and direct factors shaping nighttime vitality in urban spaces. These dimensions were selected due to their immediate and measurable impacts on the quality and dynamism of urban environments.

The primary objective of this research is to provide a more precise and practical analysis of the role of physical and social factors in sustainable development and the improvement of urban nighttime life. These dimensions directly influence the quality and vibrancy of urban spaces, making them critical to the study's purpose. The historical Nasar neighborhood in Semnan has been selected as the case study for this research.

Through a comprehensive review of literature and relevant studies, this research identified 14 key indicators in the physical-land use and social dimensions. For the physical-land use dimension, the



indicators include retail spaces, recreational and rest facilities, nighttime employment, public parks, theaters and cinemas, cafes and restaurants, legibility, scale and quantity of public spaces, and safety (absence of obstacles, appropriate slopes, etc.). In the social dimension, indicators such as security, social interactions, street music, cultural events and festivals, and street vending were identified.

Materials and Methods: Data for this study were collected using a structured questionnaire targeting domain experts, with a purposive sample of 21 respondents. To analyze the data, structural-interpretive modeling (ISM) was applied using the MICMAC software. ISM was particularly chosen for its ability to assess and rank relationships among the indicators, as well as to demonstrate both the impact and susceptibility levels of each indicator. In this regard, this study employed ISM to rank and measure the influence and sensitivity of indicators related to urban vitality and nighttime activity.

This study identifies 14 indicators in the physical-land use and social dimensions, drawn from a literature review and relevant studies. These indicators include:

Physical-Land Use Indicators:

- Retail spaces
- Recreational facilities
- Nighttime employment
- Public parks
- Theaters and cinemas
- Cafes and restaurants
- Legibility
- Public space scale and quantity
- Safety (e.g., absence of obstacles, proper slopes)

Social Indicators:

- Security
- Social interactions
- Street music
- Cultural events and festivals
- Street vending

Findings: The study results reveal six identifiable categories on the dispersion map: influential factors, risks, objectives, impacts, direct influences, and regulatory factors. The analysis identified six categories of indicators:

1. **Influential Factors:** Cinemas and public space scale/quantity, with high influence but low receptivity.
2. **Risk Indicators:** Amenities, recreational-use spaces, and public parks, with high potential for impact.
3. **Key Determinants:** Nighttime employment, restaurants and cafes, safety, and social interactions, which are highly receptive to external factors.
4. **Dependent Factors:** Retail, street music, and street vending, with high receptivity but low influence.
5. **Independent Variables:** Safety and legibility, functioning as secondary elements in the study area.

The findings emphasize the importance of safety and public spaces as foundational elements for fostering vibrant nighttime activity.

Discussion and Conclusion: Among these, amenities and recreational-use spaces, along with public parks, are recognized as risk indicators within the selected area. These indicators possess a high potential to become key factors in fostering nighttime vitality and spatial vibrancy within the Nasar neighborhood of Semnan. Given their considerable flexibility and potential impact, these elements require precise and strategic management. If not effectively guided, these factors could pose challenges that detract from the quality of urban life. Therefore, policymakers should focus carefully on these

indicators to fully leverage their potential.

The target indicators, including nighttime employment, safety, restaurants and cafés, and social interactions, have been identified as key determinants of nighttime vibrancy within the study area. These indicators are far more receptive to external changes than they are influential themselves. This insight highlights that effective management of these variables can be instrumental in achieving sustainable development goals. Strengthening these indicators can contribute not only to enhancing nighttime vitality but also align with sustainability objectives. Additionally, the indicators for cinemas, along with the scale and quantity of public spaces, demonstrate the highest levels of influence with minimal receptivity to external changes. These indicators, given their systemic impact, have been classified as the primary influential factors in the urban landscape.

The indicators for retail, street music, and street vending show high receptivity to external influences but exert relatively low influence themselves. These activities are significantly affected by other urban factors, indicating that their improvement and vibrancy in the context of nighttime life are contingent on strengthening other key indicators. Consequently, prioritizing safety and enhancing public spaces could improve these variables and thereby enhance the quality of nighttime urban life. Finally, safety and legibility indicators have been identified as independent variables with low levels of influence and receptivity. While this finding contrasts with certain other studies that consider these indicators as primary factors, the current research suggests that in this specific area, they function as secondary elements and warrant further investigation.

In comparing the vitality and nighttime life indicators for the Nasar neighborhood based on influence and receptivity, it is evident that recreational land use, safety, the scale and quantity of public spaces, nighttime employment, public parks, social interactions, and cultural events have the highest levels of influence. Meanwhile, indicators such as safety, cafes and restaurants, recreational land use, nighttime employment, social interactions, and street vending are the most receptive to external factors.

Declarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

Conceptualization and study design: Fatemeh Shams; data collection and management: Narges Pirahmadian; data analysis and interpretation: Fatemeh Shams and Narges Pirahmadian; visualization: Narges Pirahmadian; drafting the initial manuscript: Narges Pirahmadian; manuscript review and revision: Mohammadreza Pourjafar and Fatemeh Shams; research project management: Mohammadreza Pourjafar and Fatemeh Shams; validation and final approval: All authors approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments:

No acknowledgments have been reported by the authors.

References

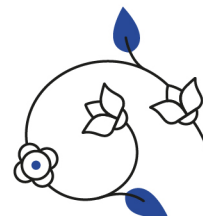
1. Abedini, E., & Karimi, R. (2016). Measuring livability in cities based on the FANP method (Case study: Fifteen districts of Urmia city). *Environmental Studies*, 24(4), 735-752. [In Persian].
2. Alderton, A., Davern, M., Nitvimol, K., Butterworth, I., Higgs, C., Ryan, E., & Badland, H. (2019). What is the meaning of urban liveability for a city in a low-to-middle-income country? Contextualising liveability for Bangkok, Thailand. *Globalization and Health*, 15(1), 1-13.
3. Almeida, D. N., & Fumega, J. M. G. (2012). How can planning for sustainability improve Costa de Caparica's nightlife?



- International Journal of Urban Sustainable Development, 4(1), 111-123.
4. Al-Thani, S. K., Amato, A., Koç, M., & Al-Ghamdi, S. G. (2019). Urban sustainability and livability: An analysis of Doha's urban-form and possible mitigation strategies. *Sustainability*, 11(3), 786.
 5. Bavinton, N. (2010). Putting leisure to work: City image and representations of nightlife. *Journal of Policy Research in Tourism, Leisure & Events*, 2(3), 236-250.
 6. Becherucci, M. E., & Pon, J. P. S. (2014). What is left behind when the lights go off? Comparing the abundance and composition of litter in urban areas with different intensity of nightlife use in Mar del Plata, Argentina. *Waste Management*, 34(8), 1351-1355.
 7. Brands, J., Schwanen, T., & van Aalst, I. (2014). Spatiotemporal variations in nightlife consumption: A comparison of students in two Dutch cities. *Applied Geography*, 54, 96-109.
 8. del Mar Martínez-Bravo, M., Martínez-del-Río, J., & Antolín-López, R. (2019). Trade-offs among urban sustainability, pollution, and livability in European cities. *Journal of Cleaner Production*, 224, 651-660.
 9. Elsemary, Y. (2015). Qualitative conceptions of livability between theory and applications in Egypt. In *International Conference on IT, Architecture and Mechanical Engineering (ICITAME'2015)*, May 22-23, Dubai, UAE.
 10. Farrer, J. (2018). Nightlife and night-time economy in urban China. In *The SAGE Handbook of Contemporary China* (pp. 1112-1130).
 11. Fu, B., Yu, D., & Zhang, Y. (2019). The livable urban landscape: GIS and remote sensing extracted land use assessment for urban livability in Changchun Proper, China. *Land Use Policy*, 87, 104048.
 12. Ghadimi, S. D., & Karami, G. (2017). Nightlife in metropolises with an emphasis on the influence of cultural factors on urban space (Case study: New activities center in Tehran). *Hefthesar Environmental Studies*, 6(20), 27-40. [In Persian].
 13. Ghaznfarpoor, H., Sadaat Kish, M., Soleimani Damaneh, M., & Afzali Niniz, M. (2019). Measuring vitality and nightlife in Naghsh-e Jahan Square, Isfahan, with an emphasis on urban security sustainability. *Sustainable City Quarterly*, 2(2), 87-106. [In Persian].
 14. Gough, M. Z. (2015). Reconciling livability and sustainability: Conceptual and practical implications for planning. *Journal of Planning Education and Research*, 35(2), 145-160.
 15. Gough, M. Z. (2015). Reconciling livability and sustainability: Conceptual and practical implications for planning. *Journal of Planning Education and Research*, 35(2), 145-160.
 16. Grazian, D. (2009, December). Urban nightlife, social capital, and the public life of cities. In *Sociological Forum* (Vol. 24, No. 4, pp. 908-917). Oxford, UK: Blackwell Publishing Ltd.
 17. Hedayatnejad Kashi, S. M., Hadiani, Z., Haji Nejad, A., & Asgari, A. (2019). Urban vitality as an interdisciplinary concept (Exploring principles, dimensions, and indicators). *Urban Structure and Function Studies*, 6(20), 75-107. [In Persian].
 18. Hollands, R., & Chatterton, P. (2003). Producing nightlife in the new urban entertainment economy: Corporatization, branding, and market segmentation. *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(2), 361-385.
 19. Jacobs, J. (2016). The death and life of great American cities. *Vintage*.
 20. Jiang, W. (2017). The role of urban nightlife in perceived social integration: Perspectives of international students in Nanjing (Master's thesis). [Name of Institution].
 21. Karami, A., & Rezaei Rad, H. (2020). Effective strategies for creating and strengthening 24-hour urban spaces (Case study: Sattar Khan street). *Urban and Regional Development Planning Quarterly*, 3(6), 169-197. [In Persian].
 22. Kashef, M. (2016). Urban livability across disciplinary and professional boundaries. *Frontiers of Architectural Research*, 5(2), 239-253.
 23. Laam, H. (2011). Dilemmas of the nightlife fix: Post-industrialization and the gentrification of nightlife in New York City. *Urban Studies*, 48, 3449-3465.
 24. Liu, J., Nijkamp, P., Huang, X., & Lin, D. (2017). Urban livability and tourism development in China: Analysis of sustainable development by means of spatial panel data. *Habitat International*, 68, 99-107.
 25. Lowe, M., Whitzman, C., Badland, H., Davern, M., Aye, L., Hes, D., ... & Giles-Corti, B. (2015). Planning healthy, liveable and sustainable cities: How can indicators inform policy? *Urban Policy and Research*, 33(2), 131-144.
 26. McAndrews, C., & Marshall, W. (2018). Livable streets, livable arterials? Characteristics of commercial arterial roads associated with neighborhood livability. *Journal of the American Planning Association*, 84(1), 33-44.
 27. Mecca, M. (2020). Adolescents' daily places to discover nightlife in Barcelona, Spain. *Children's Geographies*, 1-13.
 28. Ngesan, M. R., & Karim, H. A. (2012). Night time social behavior in urban outdoor spaces of Shah Alam. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 50, 959-968.
 29. Nofre, J. (2020). The touristification of nightlife: Some theoretical notes. *Urban Geography*, 1-10.
 30. Okulicz-Kozaryn, A. (2013). City life: Rankings (livability) versus perceptions (satisfaction). *Social Indicators Research*, 110(2), 433-451.
 31. Omuta, G. E. (1988). The quality of urban life and the perception of livability: A case study of neighbourhoods in Benin City, Nigeria. *Social Indicators Research*, 20(4), 417-440.
 32. Saitluanga, B. L. (2014). Spatial pattern of urban livability in Himalayan Region: A case of Aizawl City, India. *Social Indicators Research*, 117(2), 541-559.
 33. Shamsuddin, S., Hassan, N. R. A., & Bilyamin, S. F. I. (2012). Walkable environment in increasing the liveability of a city.

Procedia - Social and Behavioral Sciences, 50, 167-178.

34. Song, H., Pan, M., & Chen, Y. (2016). Nightlife and public spaces in urban villages: A case study of the Pearl River Delta in China. *Habitat International*, 57, 187-204.
35. Stanislav, A., & Chin, J. T. (2019). Evaluating livability and perceived values of sustainable neighborhood design: New Urbanism and original urban suburbs. *Sustainable Cities and Society*, 47, 101517.
36. Tang, H. T., & Lee, Y. M. (2016). The making of sustainable urban development: A synthesis framework. *Sustainability*, 8(5), 492.
37. Tomalty, R., & Mallach, A. (2015). Differences in livability and sustainability. In *America's urban future* (pp. 51-70). Island Press.
38. Van Liempt, I., Van Aalst, I., & Schwanen, T. (2015). Introduction: Geographies of the urban night.
39. Wang, Y., Zhu, Y., & Yu, M. (2019). Evaluation and determinants of satisfaction with rural livability in China's less-developed eastern areas: A case study of Xianju County in Zhejiang Province. *Ecological Indicators*, 104, 711-722.
40. Wey, W. M., & Huang, J. Y. (2018). Urban sustainable transportation planning strategies for livable city's quality of life. *Habitat International*, 82, 9-27.
41. Yassin, H. H. (2019). Livable city: An approach to pedestrianization through tactical urbanism. *Alexandria Engineering Journal*, 58(1), 251-259.
42. Zanella, A., Camanho, A. S., & Dias, T. G. (2015). The assessment of cities' livability integrating human wellbeing and environmental impact. *Annals of Operations Research*, 226(1), 695-726.



Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





سنجش شاخص‌های کالبدی-کاربری و اجتماعی در حیات شبانه و سرزندگی فضاهای شهری با رویکرد توسعه پایدار - مطالعه موردی: محله تاریخی ناسار سمنان

امیرحسین تکمیل^۱، مهسا قانع^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش، ایران.
۲. دانشجوی دکتری، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش، ایران.

مشخصات مقاله

چکیده

تاریخ ارسال ۱۴۰۲/۰۴/۲۶
تاریخ بازنگری ۱۴۰۳/۰۵/۱۰
تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۵/۱۷
تاریخ انتشار آنلاین ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

در مدت‌زمان‌های متفاوت از روز و شب محیط شهر دارای استفاده‌های متفاوتی است که این امر می‌تواند به‌عنوان آگاهی و تجربه برای طراحان شهری به‌منظور مشاهده زندگی روزانه در فضاهای عمومی قرار گیرد. در این راستا ارتقای حیات شبانه و سرزندگی فضاهای شهری امری مهم و حیاتی برای ارتقای کیفیت زندگی در ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی است. تحقق این امر بدون توجه به ابعاد توسعه پایدار نتایج نامطلوبی را به بار خواهد آورد. در این پژوهش ابعاد کالبدی-کاربری و اجتماعی به‌عنوان دو بعد بنیادین و مستقیم در شکل‌دهی به حیات شبانه و سرزندگی شهری انتخاب شده‌اند. بدین ترتیب هدف پژوهش حاضر سنجش شاخص‌های کالبدی-کاربری و اجتماعی در حیات شبانه و سرزندگی فضاهای شهری با رویکرد توسعه پایدار در بافت تاریخی سمنان است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کیفی در محله تاریخی ناسار سمنان صورت گرفته است. با بررسی مطالعات مرتبط شاخص‌های تحقیق (۱۴ شاخص) در دو بعد کالبدی-کاربری و اجتماعی تدوین گردید. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است و جامعه آماری آن شامل متخصصان حوزه‌اند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۲۱ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. به‌منظور تحلیل پرسش‌نامه از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد در صفحه پراکندگی شش دسته (عوامل: تأثیرگذار، ریسکی، هدف، تأثیرپذیر، مستقیم و تنظیم‌کننده) قابل‌شناسایی هستند. در نهایت شاخص‌های کاربردی‌های تفریحی و استراحت، امنیت، کمیت و مقیاس فضاهای عمومی، شغل شبانه، پارک عمومی، تعاملات اجتماعی و رویدادهای فرهنگی و جشن‌ها بیشترین تأثیرگذاری و شاخص‌های امنیت، کافی‌شاپ و رستوران، کاربردی‌های تفریحی و استراحت، شغل شبانه، تعاملات اجتماعی و دست‌فروشی‌ها بیشترین تأثیرپذیری را داشته‌اند.

واژگان کلیدی

حیات شبانه
سرزندگی
توسعه پایدار
میک‌مک
محله تاریخی ناسار سمنان

نکات شاخص

- این پژوهش ۴۱ شاخص کلیدی در ابعاد کالبدی-کاربری و اجتماعی که بر پویایی زندگی شبانه در فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد، شناسایی کرده است.
- کاربردی‌های تفریحی، پارک‌های عمومی و امکانات رفاهی به‌عنوان شاخص‌های ریسک شناخته شده‌اند که نیاز به مدیریت استراتژیک برای حفظ پایداری پویایی شهری دارند.
- سینماها و مقیاس و تعداد فضاهای عمومی به‌عنوان تأثیرگذارترین عوامل در بهبود پویایی زندگی شبانه شناسایی شده‌اند.
- اشتغال شبانه، تعاملات اجتماعی و رویدادهای فرهنگی، به‌عنوان شاخص‌های بسیار حساس به عوامل بیرونی، نقش اساسی در پویایی زندگی شبانه شهری دارند.
- ایمنی و خوانایی، علی‌رغم اینکه به‌طور سنتی شاخص‌های کلیدی محسوب می‌شوند، در بافت تاریخی ناسار نقش ثانویه‌ای ایفا می‌کنند.

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

تکمیل، ا. و قانع، م. (۱۴۰۳). سنجش شاخص‌های کالبدی-کاربری و اجتماعی در حیات شبانه و سرزندگی فضاهای شهری با رویکرد توسعه پایدار. نشریه علمی مطالعات طراحی شهری/ایران، (۱۱)، ۱۴۰-۱۱۷.

*دانشگاه تهران.

آدرس پستی نویسنده مسئول: mahsaghane92@ut.ac.ir

تلفن: ۰۹۱۲۹۳۵۲۸۴۹





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Assessment of Physical-Land Use and Social Indicators in Nightlife and Urban Space Vitality with a Sustainable Development Approach – Case Study: Nasar Historical District in Semnan

Amirhossein Takmil¹, Mahsa Ghane^{2,*}

1. Ph.D. Candidate, Department of Urban Planning, University of Tehran, Kish International Campus, Iran.

2. Ph.D. Candidate, Department of Urban Planning, University of Tehran, Kish International Campus, Iran.

ABSTRACT

Urban environments undergo distinct and varied uses throughout different times of the day and night, providing a unique window into the rhythms and needs of urban life. These variations in usage patterns offer invaluable insights for urban planners, designers, and policymakers to observe and analyze how people interact within public spaces, enabling them to make informed decisions on how to foster thriving urban areas. Increasing the vibrancy and vitality of urban spaces at night is especially crucial, as it encourages a more dynamic and inclusive urban atmosphere, offering spaces where social, cultural, and economic activities can flourish beyond regular business hours. However, achieving this objective requires a careful and committed approach to sustainable development principles. Ignoring these principles can lead to negative outcomes, such as resource inefficiencies, increased pollution, or social imbalances, ultimately detracting from the long-term well-being of urban communities. By emphasizing sustainable practices, cities can ensure that nighttime vibrancy positively impacts urban spaces, creating a holistic framework where environmental, social, and economic dimensions are balanced, and the city's vitality is enhanced in a meaningful, enduring way. In this study, the physical-land use and social dimensions are chosen as two foundational and impactful elements shaping nightlife and urban vitality, each playing a significant role in fostering continuity and dynamism within urban environments. The primary goal is to assess these physical-land use and social indicators within the nightlife and vitality of urban spaces in the historical fabric of Semnan, with a sustainable development approach. This applied research adopts a descriptive-analytical methodology with a qualitative approach, focusing on the Nasar Historical District of Semnan. Based on a review of relevant studies, 14 indicators were developed within the two dimensions of physical-land use and social factors. Data were collected through a questionnaire distributed to experts in the field, with 21 participants selected through purposive sampling. For data analysis, structural interpretive modeling using MICMAC software was employed. Results reveal six distinct categories (influential factors, risk, target, influential, direct, and regulatory) within the distribution matrix. Ultimately, recreational and relaxation land uses, safety, the quantity and scale of public spaces, nighttime employment, public parks, social interactions, and cultural events and festivals showed the highest influence. Security, cafes and restaurants, recreational and relaxation land uses, nighttime employment, social interactions, and street vending demonstrated the highest susceptibility to influence.

Highlights

- The study identifies 14 critical physical-land use and social indicators influencing nighttime vitality in urban spaces.
- Recreational land use, public parks, and amenities are categorized as risk indicators requiring strategic management for sustainable urban vitality.
- Cinemas and the scale and quantity of public spaces are identified as the most influential factors in enhancing nighttime vitality.
- Nighttime employment, social interactions, and cultural events are highly receptive to external factors and pivotal for urban nighttime vibrancy.
- Safety and legibility, while traditionally key indicators, are secondary factors in the specific context of the Nasar Historical District.

Citation of the article

Takmil, A., & Ghaaneh, M. (2024). Evaluating physical-functional and social indicators in nighttime urban life and the vitality of urban spaces with a sustainable development approach. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 117-140.

*Tehran university.

Author Corresponding:

Email: mahsaghane92@ut.ac.ir

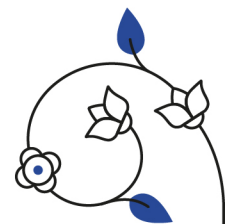
Phone: +989129352849

ARTICLE INFO

Received	16/07/2024
Revised	31/07/2024
Accepted	15/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Nightlife
Vitality
Sustainable Development
MICMAC
Nasar Historical District Semnan



مقدمه

امروزه شهرها با چالش‌های بسیاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مواجه شده‌اند (Jacobs, 2016; Huang and Wey, 2018) که این چالش‌ها سرزندگی را به شدت کاهش می‌دهد (عابدینی و کریمی، ۱۳۹۵). در این راستا فضاهای شهری یکی از مکان‌های مهم حضور اجتماعی شهروندان است که برای ادامه حیات، به سرزندگی و آسایش مخاطبان خود نیازمند است و فعالیت شبانه در این فضاها موجب جذاب‌تر شدن این مناطق برای بازدیدکنندگان می‌شود (غضنفرپور و همکاران، ۱۳۹۸)؛ از این رو می‌توان گفت برنامه‌ریزی برای زندگی شبانه به عنصری اساسی تبدیل شده و یکی از موضوعات مهم سیاست شهری برای تحریک اقتصاد محلی است (Burger and Mallet, 2015; al et Brands, 2014). به همین منظور امروزه شهرها به طور فزاینده‌ای توجه خود را به فعالیت‌های متنوع معطوف کرده‌اند تا مناطق داخلی شهر را احیا کنند، بازدیدکنندگان و سرمایه‌های پویا را جذب نمایند و طبقات اجتماعی متوسط و بالاتر را در شهر حفظ کنند (al et Brands, 2014).

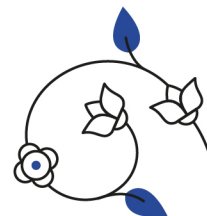
زندگی شبانه دسترسی به تمام خدمات و فعالیت‌های شهری در تمام ساعات شبانه‌روزی است. با توجه به مؤلفه‌هایی که نظریه‌پردازان برای ایجاد زندگی شبانه بیان کرده‌اند، مؤلفه‌های اصلی فضای شهری (کالبد، عملکرد و معنا) در ایجاد تعریف زندگی شبانه و امکان ایجاد وضعیتی مساعد برای ایجاد شهر پایدار در جهت رشد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌تواند بسیار مؤثر باشد (قدیمی و کرامتی، ۱۳۹۶). جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم شهری تأکید دارند که استقرار فعالیت‌های زندگی شبانه به سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی شهرها کمک می‌کند (Mecca; Grazian, 2009; al et Song, 2015; Burger and Mallet, 2016; Pon and Becherucci, 2001; Hollands; Chatterton and, 2003).

از سویی دیگر، هدف توسعه شهری اجتناب از خلق مناطق تک‌عملکردی و ایجاد ترکیبی از فعالیت‌های روزانه و زندگی شبانه در مناطق مختلف شهری است (Pon and Becherucci, 2014)؛ از این رو پرداختن به موضوع ارتقای سرزندگی با تأکید بر پایداری در این گونه فضاها بسیار حائز اهمیت است. در این راستا پیچیدگی و ارتباط موضوع منجر به در نظر گرفتن پایداری و سرزندگی در شهرها به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ جهانی قرن شده است. فقدان مطالعات قبلی درباره چگونگی ارتباط پایداری اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی شهری با سرزندگی شهر ممکن است تا حدودی به دلیل پیچیده و بهم پیوسته بودن این روابط باشد (al et Bravo-Martínez Mar del, 2019).

با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت پرداختن به موضوع حیات شبانه و سرزندگی از جمله مسائل مهم شهری است. در اکثر شهرهای کشورمان فضاهای همگانی امن و فعال در شب که افراد اوقات فراغت خود را در آن سپری کنند، وجود ندارد. در این خصوص پژوهش‌های مختلفی با موضوع حیات شبانه و سرزندگی صورت گرفته است که اکثر آن‌ها در خارج از کشور انجام شده است (al et Bravo-Martínez, 2019; al et Liu, 2017; al et Brands, 2014; al et Song, 2016; al et Liempt Van, 2015) و تحقیقات داخلی محدود بوده است (غضنفرپور و همکاران، ۱۳۹۸؛ هدایت‌نژاد کاشی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کرمی و رضایی رادف، ۱۳۹۹). با این حال علی‌رغم اهمیت توجه به حیات شبانه و سرزندگی در طول شبانه‌روز، تاکنون به سنجش حیات شبانه و سرزندگی با رویکرد پایداری پرداخته نشده است.

گفتنی است که در این پژوهش، ابعاد کالبدی-کاربری و اجتماعی به عنوان دو بعد بنیادین و مستقیم در شکل‌دهی به حیات شبانه و سرزندگی شهری انتخاب شده‌اند. انتخاب این دو بعد به دلیل تأثیرات فوری و قابل سنجش آن‌ها در کیفیت و پویایی فضاهای شهری بوده است. بُعد کالبدی شامل ساختار فیزیکی و زیرساخت‌های محیطی است که به طور مستقیم بر تجربه شهروندان در فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد. در عین حال، بُعد اجتماعی به روابط و تعاملات اجتماعی و نحوه استفاده از فضاها توسط افراد اشاره می‌کند که نقشی کلیدی در ایجاد سرزندگی و مشارکت جمعی دارد. سایر ابعاد، هرچند مهم، در این تحقیق به دلیل تمرکز ویژه بر این دو بُعد اصلی و محدودیت‌های منابع تحقیقاتی به طور گسترده بررسی نشده‌اند.

هدف این پژوهش، ارائه تحلیلی دقیق‌تر و کاربردی‌تر از نقش ابعاد کالبدی و اجتماعی در توسعه پایدار و بهبود زندگی شبانه شهری بوده است؛ چراکه این دو بُعد به طور مستقیم در تعریف کیفیت و سرزندگی فضاهای شهری تأثیرگذارند. در این راستا محله تاریخی ناسار سمنان به عنوان نمونه موردی این پژوهش انتخاب شده است؛ زیرا این محله دارای ارزش تاریخی و فرهنگی



فراوانی است و در عین حال با چالش‌های متعددی در زمینه حفظ و ارتقای سرزندگی شبانه و اجتماعی روبه‌روست. ناسار به‌عنوان یکی از محله‌های قدیمی و با هویت شهری خاص، نمایانگر تعامل پیچیده‌ای بین ابعاد کالبدی-کاربری و اجتماعی است. این محله با وجود پتانسیل‌های تاریخی و معماری، به دلیل کمبود فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی شبانه و کاهش ارتباطات اجتماعی، نیازمند بازنگری و تقویت پایداری شهری در این زمینه است. بررسی این شاخص‌ها می‌تواند به شناسایی عوامل مؤثر در کاهش یا تقویت حیات شبانه و سرزندگی کمک کند و راهکارهایی برای توسعه پایدار این محله تاریخی ارائه دهد.

با توجه به توضیحات فوق در پژوهش حاضر سعی شده است به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود: عوامل مؤثر در حیات شبانه و سرزندگی در محله تاریخی ناسار سمنان کدامند؟ عوامل تأثیرگذار به چه میزان بر سرزندگی و حیات شبانه در محله تاریخی ناسار سمنان اثر گذاشته است؟

پیشینه تحقیق و مبانی نظری

در این پژوهش سعی بر آن است که به اهمیت حیات شبانه و سرزندگی در طول شبانه‌روز پرداخته شود. از آنجایی که سرزندگی فضاها از موضوعات بسیار مهمی است که در رأس سیاست‌ها و برنامه‌های شهری لحاظ شده است، بیشتر تمرکز بر افزایش سرزندگی در طول روز بوده و کمتر توجهی به ساعات شب (زندگی شبانه) شده است؛ همچنین با توجه به این مهم که حفظ و ارتقای حیات شبانه منجر به رونق اقتصادی، افزایش تعاملات اجتماعی و تبدیل فضاها به فضاهای پر جنب و جوش می‌شود، بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، با توجه به موضوع اصول پایداری که حفظ و ایجاد آن بسیار مهم و حیاتی است، ضروری است به این موضوع که آیا حیات شبانه و سرزندگی در راستا و همسو با اهداف و ابعاد پایداری حرکت می‌کنند یا خیر، پرداخته شود؛ بنابراین در ادامه به مطالعه حیات شبانه و سرزندگی با رویکرد پایداری در فضاهای شهری پرداخته خواهد شد.



زندگی شبانه و سرزندگی در فضاهای شهری

تغییرات اجتماعی و فرهنگی دهه‌های اخیر اهمیت شب را به‌عنوان مفهوم مکانی و زمانی ضروری برای مناطق شهری افزایش داده است؛ به‌گونه‌ای که در قرن بیستم، تحولات متعددی در نحوه استفاده و درک جامعه از روشنایی شهری اتفاق افتاد. این امر باعث رشد اوقات فراغت و سایر فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت و فرهنگ‌سازی در دوره شب گردید؛ به‌طوری که شب در میان سیاست‌های شهری اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرد. بنابراین باید در زمینه‌های پیچیده شهری و همچنین سایر فرایندهای برنامه‌ریزی قرار گیرد (Fumega and Almeida, ۲۰۱۲).

در حال حاضر زندگی شبانه شهری به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مدرن در نظر گرفته می‌شود (al et Song, ۲۰۱۶) و ارجاعات روزافزون سیاست‌های شهری به اقتصاد شبانه جهت احیای حیات شبانه شهری، این مفهوم را به‌عنوان یک مؤلفه استاندارد در متن «شهر پسا صنعتی» علامت‌گذاری می‌کند (Bavinton, 2010). در این راستا نظریه‌پردازان و اندیشمندان مختلفی همچون جیکوبز^۱ (۱۹۶۱) و پاتنام^۲ (۲۰۰۰)، به اهمیت زندگی شبانه در خصوص مزایای اجتماعی (افزایش تعاملات اجتماعی، سرزندگی، ایجاد هویت و سرگرمی، تبدیل فضاها به فضاهای پر جنب و جوش) در شهرها پرداخته‌اند (Jiang, 2017; Laam, 2011). در سایر مطالعات صورت گرفته نیز بر اهمیت نقش حیات شبانه در حفظ و ارتقای سرزندگی تأکید شده است؛ تاجایی که می‌توان آن را به‌عنوان فاکتور مهم سرزندگی برشمرد (Karim and Ngesan, 2012; Marshall, 2018; Kozaryn-Okulicz, 2013).

جنبه‌های سرزندگی شهری مانند قابلیت پیاده‌روی در محل حمل‌ونقل عمومی و دسترسی به پارک‌های باکیفیت و فضای باز عمومی با نتایج و رفتارهای سلامتی ارتباط مثبت داشته است (al et Alderton, ۲۰۱۹). از آنجایی که قابلیت پیاده‌روی در محله، حمل‌ونقل عمومی و دسترسی به پارک‌های باکیفیت و فضای باز عمومی از فاکتورهای حیات شبانه نیز هست (McAr- al et thur, 2019; Chatterton and Hollands, 2003; al et Song, 2016; Farrer, 2018); می‌توان گفت حیات شبانه و سرزندگی در ابعادی می‌توانند علت و معلول یکدیگر باشند.

علاوه بر مزایای اجتماعی بیان شده، نقش زندگی شبانه شهری در مزایای سیاسی و تجاری شهرها نیز مهم است؛



به طوری که گسترش سرگرمی‌های شبانه یک استراتژی مشترک برای تحریک اقتصاد محلی است (Jiang; 2011, Laam). و منجر به ارتقای شهرهای جهانی به‌عنوان مقصد گردشگری و سرمایه‌گذاری خواهد شد (Jiang, 2017) در این زمینه، فلوریدا (۲۰۰۴، ص ۲۲۵)، مبتکر پارادایم‌های «طبقه خلاق» و «شهر خلاق» نیز معتقد است که زندگی شبانه پرجنب‌وجوش یکی از اجزای ترکیبی از گزینه‌های سبک زندگی است که دولت‌های شهری باید برای جذاب کردن شهرها طبقه خلاق ارائه دهند (Laam, 2011).

با توجه به اهمیت وجود زندگی شبانه، در گام بعدی نوبت به شناسایی فضاهایی است که به حیات شبانه کمک می‌کند؛ از جمله فروشگاه‌ها، کافه‌ها، رستوران‌ها، بازی‌های تفریحی، سالن‌های سینما، فضاهایی برای برگزاری رویدادهای فرهنگی به صورت زنده و همچنین مکان‌هایی که برای ورزش و تفریح در اواخر شب باز هستند، ورزش‌های شبانه، ورزش‌های آماتوری در عصرها، تفریح در فضاهای عمومی و تئاترهای محله. همه این گزینه‌ها نشان‌دهنده اشکال جایگزین زندگی شبانه است و نقشی اساسی در شیوه‌های اوقات فراغت بسیاری از مردم بازی می‌کند؛ همچنین برای بسیاری از افراد جذاب است، چراکه منجر به سرزندگی فضاها می‌شود و در رفاه جامعه نیز نقش دارد (Hol-; 2016, al et song; 2020, Nofre; 2014, Pon and Becherucci; 200, chatteron and land, al et McArthur; 2019, Saitluanga; 2014, Karim and Nqesan; 2011).

با توجه به مطالب بالا، نقش حیات شبانه در سرزندگی، کمک به کیفیت زندگی، افزایش تعاملات شهری و رونق اقتصادی، بیش از پیش مشخص می‌شود؛ همچنین می‌توان گفت از آنجایی که بخشی از این فعالیت‌ها بدون هزینه است، متقاضیان بسیاری دارد. می‌توان نتیجه گرفت که زندگی شبانه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در سرزندگی شهری در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شناخته شده است و در ایجاد تصویری از شهر که نشان‌دهنده زندگی فرهنگی غنی باشد، نقشی اساسی ایفا می‌کند.

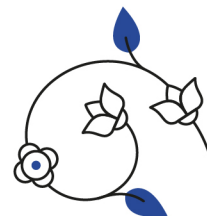
سرزندگی، پایداری و توسعه پایدار

سرزندگی مفهومی جامع و کلی بدون تعریف دقیق یا توافق جهانی است (Saitluanga, 2014) و توسط گروه‌های مختلف تعاریف متفاوتی مطرح شده است (Kashef, 2016). منشأ سرزندگی شهری سابقه طولانی دارد. در غرب، اندیشه سرزندگی را می‌توان در یونان باستان جست‌وجو کرد، جایی که فیلسوفان اغلب در خصوص روابط بین فعالیت‌های انسانی و تأثیرات آن بر طبیعت می‌اندیشیدند (Omuta, 1988). مفهوم سرزندگی در شهرسازی با کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا نوشته جین جیکوبز آغاز شد. پیشنهاد او ایجاد شهرهای مناسب، قابل سکونت و سرزنده برای سکونت انسان‌ها بود (Jacobs, 2016). سازمان بهداشت جهانی^۳ نیز مفهوم «سرزندگی» را در سال ۱۹۶۱ پیشنهاد داد که باید حداقل چهار شرط اساسی داشته باشد: ایمنی، سلامتی، راحتی و آسایش (al et Liu, 2017).

بنا بر مطالعات دیگر می‌توان گفت سرزندگی به دیدگاه‌های متفاوت در خصوص کیفیت زندگی در محیط زندگی انسان‌ها اشاره می‌کند (Kashef, 2016) و منجر به ارتقای کیفیت زندگی می‌شود (al et Shamsuddin, 2012). در بعضی از منابع نیز سرزندگی معادل واژه کیفیت زندگی معنا شده است (Elsemary, 2015, al et Liu 2015, Saitluanga, 2014). سرزندگی شهر را می‌توان به توانایی شهر در فراهم آوردن شرایط مناسب برای رشد و پیشرفت زندگی شهروندان نسبت داد (al et Bravo-Martínez, 2019). مطابق با نظر نیومن و همکاران (۱۹۹۶) سرزندگی یکی از نیازهای انسان برای آسایش اجتماعی، سلامتی و رفاه است و شامل رفاه فردی و اجتماعی می‌شود (al et Zanella, 2015).

دستیابی به سرزندگی، بهبود محیط ساخته‌شده، ایمنی، مشارکت عمومی، هویت فرهنگی و رضایت گردشگر را تضمین می‌کند و به‌طور هم‌زمان، ساکنان محلی را تشویق می‌کند تا در توسعه شهر به‌عنوان مکان بهتری برای بازدیدکنندگان مشارکت بیشتری داشته باشند (al et Liu, 2017). در مطالعه‌ای نشان داده شده است که سرزندگی شهری با مفهوم عوامل تعیین‌کننده اجتماعی سلامت همسو است و شواهد حاکی از آن است بهبود سرزندگی می‌تواند باعث سلامتی و رفاه ساکنان شود و هم‌زمان اثرات زیست‌محیطی شهر را نیز کاهش دهد (al et Lowe, 2015).

در این راستا هر تلاشی برای ارتقای سرزندگی باید مبتنی بر درک رفتارهای اساسی جغرافیایی و پویایی جامعه و محیط بیوفیزیکی آن و همچنین تعاملات آن‌ها صورت گیرد. به عبارت دیگر، بررسی سرزندگی شهر نیاز به چشم‌انداز جامع دارد که هم‌زمان عوامل کاملاً گوناگون اما به‌هم‌پیوسته مربوط به رونق اقتصادی، محیط طبیعی و انسجام اجتماعی را مورد توجه قرار



دهد (al et Bravo-Martínez, 2019). بنابراین با توجه به مطالب گفته شده می توان گفت اهمیت پرداختن به موضوع سرزندگی به گونه ای است که امروزه به عنوان یکی از مؤلفه های مهم مزیت رقابتی شناخته می شود (al et Zanella, 2015). شهرهای سرزنده اغلب قابل پیاده روی هستند، در مقیاس انسانی طراحی شده اند و ترکیبی از گروه های اقتصادی اجتماعی دارند (al et Thani-Al, 2019). در کنار این روندها، سرزندگی انسان به یک پارامتر مهم و مهم تر از توسعه پایدار شهری تبدیل شده است (al et Liu, 2017; Kashef, 2016).

سرزندگی ارتباط تنگاتنگی با موضوع پایداری دارد که رویکرد پژوهش حاضر نیز هست؛ از این رو در ادامه به بررسی موضوع سرزندگی و پایداری پرداخته می شود. «سرزندگی» و «پایداری» از مفاهیم مشهور برنامه ریزی شهری و گفتمان عمومی هستند (Gough, 2015). به بیانی دیگر، این دو مفهوم مهم ترین و نهایی ترین هدفی هستند که زندگی شهری به دنبال آن است (Huang and Wey, 2018). همچنین، گفته شده است که سرزندگی بخشی از مفهوم پایداری است و به عنوان هدف و تئوری توسعه پایدار شهری عمل می کند. به عبارت دیگر، شهر سرزنده چهره دیگر شهر پایدار است؛ زیرا هر دو دارای یک هدف اصلی اند: دستیابی به توسعه نهایی با کمترین مصرف منابع و تأثیرات زیست محیطی برای اطمینان از رفاه انسان و زمین (Lee and Tang, 2016; Yassin, 2019).

در این راستا برنامه ریزی شهری تأکید ویژه ای بر پایداری و سرزندگی شهر می کند؛ چراکه به طور هم زمان در ارتقای کیفیت زندگی ساکنان شهری نقش بسزایی دارد (Huang and Wey, 2018; al et Fu, 2019). بنابراین برنامه های توسعه پایدار کشورها به ترتیب به برنامه ریزی، طراحی، تحقق و ارتقای مداوم پایداری و سرزندگی شهرها و محله ها در مقیاس های متوسط و خرد می پردازد (al et Thani-Al, 2019).

گفتنی است که با وجود ارتباط نزدیک پایداری و سرزندگی این دو مفهوم دارای تفاوت هایی هستند. به نظر می رسد پایداری مفهوم ایدئالگراتری نسبت به سرزندگی است (al et Thani-Al, 2019; Mallach and Tomalty). پایداری مفهومی دست نیافتنی تلقی می شود که درک آن از نظر تئوری دشوار است، عملیاتی شدن و اجرای آن حتی دشوارتر است و بیشتر به سطح جهانی اشاره دارد (Gough, 2015). همچنین پایداری به عنوان متعادل کننده اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی شناخته می شود؛ اما سرزندگی به زیرمجموعه اهداف پایداری گفته می شود که به طور مستقیم بر اعضای جامعه تأثیرگذار است. دامنه سرزندگی نسبت به پایداری محدودتر است و بیشتر در مقیاس محلی سنجیده می شود (Stanislav, 2019; Chin and

سرزندگی مربوط به شرایط موجود یک مکان برای دستیابی به اثرات فوری در تأمین نیازهای شهری جامعه ساکن است (al et Thani-Al, 2019). سرزندگی و پایداری در زمینه و مفهوم نیز متفاوت اند. سرزندگی یک مفهوم سیال دارد که بسته به ارزش ها و زمینه های جامعه تغییر می کند، در حالی که پایداری ثابت است و مجموعه ای از اهداف بلندمدت را براساس سه بُعد فرصت اقتصادی، کیفیت محیط و برابری اجتماعی دنبال می کند (Chin & A, Stanislav).

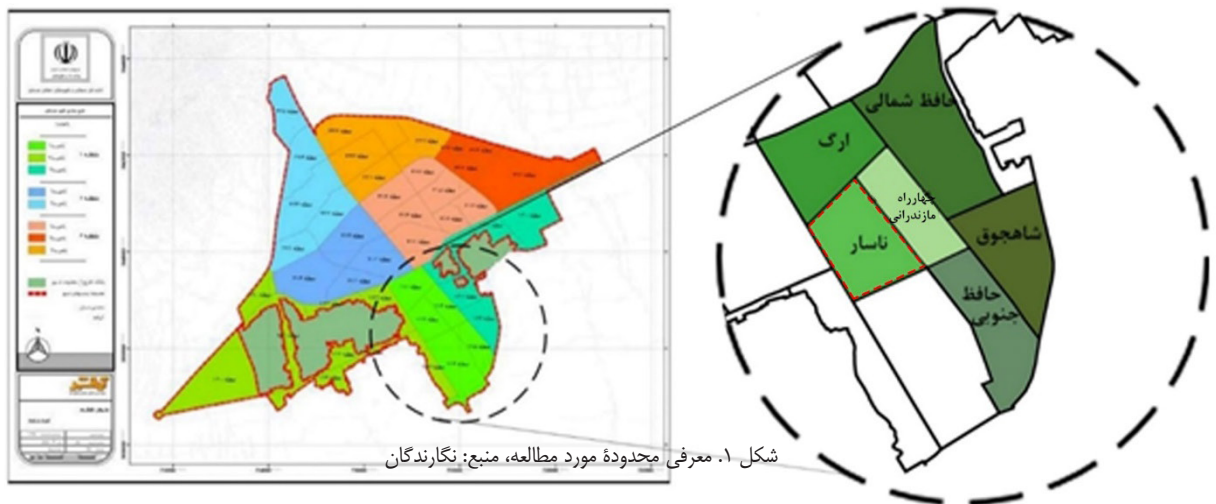
با توجه به توضیحات بالا می توان اشاره کرد حیات شبانه یکی از مؤلفه های اصلی سرزندگی است و سرزندگی خود بخشی از پایداری است. شهروندان با ادغام حیات شبانه، سرزندگی و اصول پایداری کیفیت زندگی بهتری را تجربه خواهند کرد؛ همچنین حیات شبانه و سرزندگی به ارتقای کیفیت زندگی در ساعات مختلف شبانه روز می پردازد؛ از این رو شناسایی مؤلفه های آن و تطبیق آن با اصول پایداری به ارتقای کیفیت زندگی در ابعاد مختلف اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی می انجامد. این بدان معناست که حیات شبانه و سرزندگی در یکپارچه سازی برای دستیابی به توسعه پایدار کار می کند.

معرفی محدوده مورد مطالعه

محلّه تاریخی ناسار (شکل ۱)، یکی از قدیمی ترین مناطق شهر سمنان، با قدمت تاریخی و فرهنگی غنی، به عنوان نمونه مورد مطالعه در این پژوهش انتخاب شده است. این محله که در بخش مرکزی شهر سمنان واقع شده، به دلیل دارا بودن بافت قدیمی و معماری منحصربه فرد، دارای ارزش های تاریخی و هویتی بسیاری است. ناسار به واسطه کوچه های باریک، بناهای خشتی و خانه های سنتی، نمایانگر گذشته ای پر از تعاملات اجتماعی و فرهنگی است که نقش مهمی در شکل دهی به هویت شهری ایفا کرده است.

با این حال، محلّه ناسار در سال های اخیر با چالش هایی همچون فرسودگی بافت کالبدی، کاهش فعالیت های شبانه و کمبود

خدمات و فضاهای عمومی روبه‌رو بوده است. این عوامل باعث کاهش سرزندگی و حیات شبانه در محله شده و به مرور زمان از جذابیت آن به‌عنوان یک فضای شهری پویا کاسته است. به‌دلیل این ویژگی‌ها، ناسار به‌عنوان یک نمونه ایدئال برای احیای سرزندگی و تعاملات اجتماعی در فضای شبانه آن کمک کند.



شکل ۱. معرفی محدوده مورد مطالعه، منبع: نگارندگان

بررسی شاخص‌های کالبدی-کاربری و اجتماعی انتخاب شده است تا به کمک این تحلیل‌ها، راهکارهایی برای بهبود و تقویت پایداری و سرزندگی شبانه در این محله ارائه شود.

انتخاب این محله به‌دلیل ظرفیت‌های بالقوه آن برای توسعه پایدار و نقش مهمی که می‌تواند در ارتقای کیفیت زندگی شهری و جذب گردشگر ایفا کند، حائز اهمیت است. بررسی و تحلیل ابعاد کالبدی-کاربری و اجتماعی در این محله، می‌تواند به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های موجود و ارائه راهکارهایی برای احیای سرزندگی و تعاملات اجتماعی در فضای شبانه آن کمک کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ نوع و هدف پژوهش کاربردی و روش جمع‌آوری داده‌های آن توصیفی-تحلیلی است. از نظر نوع روش‌شناسی، پژوهش حاضر از نوع ساختاری است. از دیدگاه روش‌شناسی، این تحقیق به‌عنوان پژوهشی ساختاری طبقه‌بندی می‌شود. روش ساختاری به‌طور خاص برای تحلیل روابط بین شاخص‌ها به کار می‌رود. یکی از مزیت‌های این روش، علاوه بر رتبه‌بندی معیارها، توانایی آن در نمایش میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری شاخص‌هاست. این پژوهش برای رتبه‌بندی و سنجش میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری شاخص‌های سرزندگی و حیات شبانه از روش ساختاری بهره گرفته است. روند انجام تحقیق به این صورت است که ابتدا شاخص‌های مورد بررسی براساس مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی شناسایی شده‌اند (جدول ۱).

در مرحله بعد، شناسایی روابط میان شاخص‌ها انجام می‌شود. به این منظور، یک ماتریس $n \times n$ از شاخص‌های شناسایی شده تشکیل می‌گردد و روابط میان شاخص‌ها توسط خبرگان به‌صورت مقادیر عددی ۰ (بدون تأثیر)، ۱ (تأثیر کم)، ۲ (تأثیر متوسط) و ۳ (تأثیر زیاد) ارزیابی می‌شود. در این پژوهش، برای انتخاب خبرگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. معیارهای انتخاب خبرگان شامل تسلط نظری بر موضوع تحقیق، تجربه عملی، تمایل و توانایی همکاری در پژوهش و در دسترس بودن است. برای تعیین تعداد نمونه، مطالعات قبلی که از تکنیک مدل‌سازی ساختاری-تفسیری استفاده کرده‌اند و گروهی از خبرگان را در نظر گرفته‌اند، بررسی شده است؛ معمولاً در این نوع مطالعات تعداد خبرگان بین ۱۰ تا ۲۵ نفر است. در این پژوهش با توجه به معیارهای ذکر شده، ۲۱ نفر از خبرگان و متخصصان شهری انتخاب شدند.



جدول ۱. شناسایی ابعاد و شاخص‌های حیات شبانه و سرزندگی

بزهش‌های صورت گرفته										ابعاد	شاخص‌ها	
et al., 2016	Song	Ngesan and Karim 2011	Hollands and Chatterton, 2003	McArthur et al., 2019	Zanella et al., 2015	Wang et al., 2019	Saitluanga, 2014	Farrer, 2018	Jiang, 2017			Alderton et al., 2019
*	*	*	*	*		*						خرده‌فروشی‌ها
*	*	*	*	*		*	*	*	*		*	کاربری‌های تفریحی و استراحت
											*	مشاغل شبانه
		*					*	*		*		پارک‌های عمومی
					*			*				تئاتر و سینما
			*	*		*		*	*			کافی‌شاپ و رستوران
			*									خوانایی
*										*		مقیاس و کمیت فضاهای عمومی
*			*				*					ایمنی (عدم وجود دست‌انداز، شیب مناسب و...)
			*	*	*							امنیت
*	*	*	*						*			تعاملات اجتماعی
		*						*			*	موسیقی خیابانی
			*									رویدادهای فرهنگی و جشن‌ها
*												دست‌فروشی‌ها



در مرحله بعد، اطلاعات تکمیل شده توسط خبرگان در ماتریس وارد می‌شود که مبنای تحلیل‌های بعدی قرار می‌گیرد. از این روابط، نتایج متعددی استخراج می‌شود و در نهایت، شاخص‌ها براساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری روی نمودار پراکنده می‌شوند. گفتنی است که به دلیل محدودیت‌های نرم‌افزار MICMAC در نام‌گذاری داده‌ها، اطلاعات به صورت جدول شماره ۲ وارد نرم‌افزار شده‌اند.

جدول ۲. نام‌گذاری ورودی داده‌ها به نرم‌افزار میک‌مک

ردیف	داده	شناسه
۱	خرده‌فروشی‌ها	خرده‌فروشی
۲	کاربری‌های تفریحی و استراحت	تفریحی

ادامه جدول ۲. نام‌گذاری ورودی داده‌ها به نرم‌افزار میک‌مک

۳	مشاغل شبانه	شغل شبانه
۴	پارک‌های عمومی	پارک
۵	تئاتر و سینما	سینما
۶	کافی‌شاپ و رستوران	رستوران
۷	خوانایی	خوانایی
۸	مقیاس و کمیت فضاهای عمومی	کمیت فضا
۹	ایمنی (عدم وجود دست‌انداز، شیب مناسب و ...)	ایمنی
۱۰	امنیت	امنیت
۱۱	تعاملات اجتماعی	تعاملات
۱۲	موسیقی خیابانی	موسیقی
۱۳	رویدادهای فرهنگی و جشن‌ها	جشن
۱۴	دست‌فروشی‌ها	دست‌فروشی

بحث و یافته‌ها

همان‌طور که مطرح شد، مطابق با هدف پژوهش و مطالعات صورت‌گرفته، ۱۴ شاخص در دو بعد کالبدی-کاربری و اجتماعی شناسایی شده‌اند (جدول ۲). نتایج بیانگر آن است که تعداد تکرار ۲ بار و درجهٔ پرشدگی ۹۰٫۸۱ درصد است که نشان می‌دهد عوامل انتخاب‌شده تأثیر زیادی بر هم گذاشته‌اند. ماتریس این پژوهش بر اساس شاخص‌های آماری با دو بار چرخش از مطلوبیت و بهینه‌گی ۱۰۰ درصد برخوردار بوده که حاکی از روایی بالای پرسش‌نامه و پاسخ‌های آن است (جدول ۳).

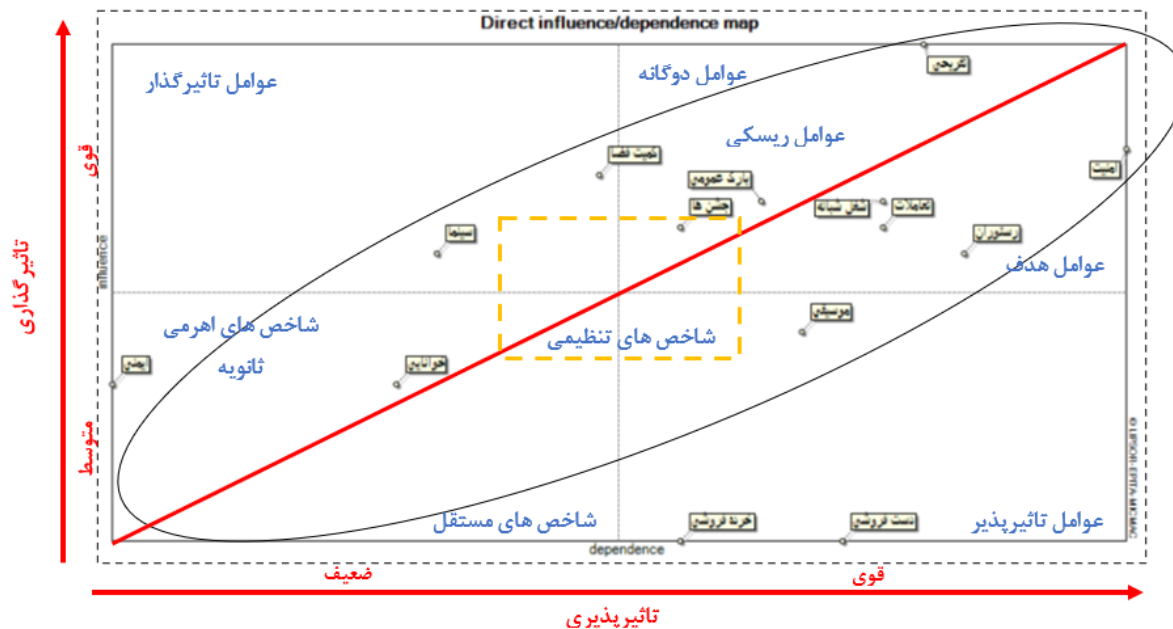
شاخص	اندازهٔ ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفر	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	مجموع	درجهٔ پرشدگی
مقدار	۱۴	۲	۱۸	۴۳	۴۳	۹۲	۱۷۸	٪۹۰٫۸۱

تبیین شاخص‌های کالبدی-کاربری و اجتماعی در حیات شبانه و سرزندگی فضاهای شهری

پراکنش شاخص‌ها در نمودار پراکندگی نشان‌دهندهٔ میزان پایداری یا ناپایداری سیستم است. در تحلیل اثرات متقاطع با استفاده از نرم‌افزار MICMAC، دو نوع پراکنش تعریف شده است که به‌عنوان سیستم‌های پایدار و ناپایدار شناخته می‌شوند. در سیستم‌های پایدار، پراکنش شاخص‌ها به‌شکل حرف L است؛ بدین معنا که برخی شاخص‌ها تأثیرگذاری فراوانی دارند و برخی دیگر تأثیرپذیری زیادی نشان می‌دهند. در این نوع سیستم‌ها، جایگاه شاخص‌ها مشخص است و شامل سه دسته شاخص می‌شود: الف) شاخص‌های بسیار تأثیرگذار، ب) شاخص‌های مستقل و ج) شاخص‌های تأثیرپذیر.

در مقابل، سیستم‌های ناپایدار پیچیدگی بیشتری نسبت به سیستم‌های پایدار دارند. در این سیستم‌ها، شاخص‌ها در امتداد محور قطری نمودار، از جنوب غربی به شمال شرقی پراکنده می‌شوند و اغلب حالتی میان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهند. این امر شناسایی و ارزیابی شاخص‌های کلیدی را دشوارتر می‌کند. با این حال، حتی در این سیستم‌ها نیز روش‌هایی برای شناسایی و گزینش شاخص‌های کلیدی وجود دارد. در سیستم‌های ناپایدار نیز شاخص‌های تأثیرگذار، دوجبه‌ای، تنظیمی، تأثیرپذیر و مستقل قابل مشاهده هستند.

با توجه به این توضیحات، می‌توان نتیجه گرفت که پراکنش شاخص‌ها در این پژوهش که در شکل ۲ نمایش داده شده است، منطبق با سیستم ناپایدار است؛ بنابراین در ادامه، موقعیت هریک از شاخص‌ها تشریح خواهد شد:



شکل ۲. پراکنش شاخص‌ها در پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم برگرفته از نرم‌افزار میک‌مک

شاخص تأثیر گذار^۴

شاخص‌های تأثیر گذار، ورودی سیستم محسوب می‌شوند. این شاخص‌ها که در ناحیه شمال غربی نمودار قرار دارند، عموماً توسط سیستم کنترل پذیر نیستند؛ زیرا خارج از دسترس سیستم قرار دارند و اثرگذاری آن‌ها از اثرپذیری‌شان بیشتر است. شاخص‌های تأثیر گذار بیشتر از آنکه تحت تأثیر سیستم قرار بگیرند، بر سیستم تأثیر می‌گذارند و جزء بحرانی‌ترین مؤلفه‌ها هستند؛ زیرا تغییرات سیستم وابسته به آن‌هاست و میزان کنترل بر این شاخص‌ها بسیار مهم است. براساس نقشه پراکنش شاخص‌ها، شاخص‌های سینما و مقیاس و کمیت فضاهای عمومی به‌عنوان بحرانی‌ترین عوامل شناخته شده‌اند. این شاخص‌ها به دلیل تأثیرگذاری بسیار و تأثیرپذیری اندک، در زمره شاخص‌های تأثیر گذار قرار گرفته‌اند و نشان می‌دهند که وضعیت کلی سیستم به شدت تحت تأثیر آن‌هاست.

نتایج تحلیل نشان می‌دهد که این شاخص‌ها به‌عنوان ورودی‌های سیستم، از کنترل مستقیم سیستم خارج هستند و به‌نوعی عوامل محیطی ثابت محسوب می‌شوند که بر سیستم تأثیر عمیقی می‌گذارند، اما سیستم توانایی تأثیرگذاری بر آن‌ها را به‌صورت مستقیم ندارد. با توجه به اینکه این شاخص‌ها تأثیرات عمده‌ای بر پایداری و سرزندگی شبانه محل دارند، توجه به آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های شهری و سیاست‌گذاری‌ها ضروری است. برای مثال، فراهم آوردن فضاهای عمومی مناسب با مقیاس کافی و دسترسی به سینما به‌عنوان یکی از جاذبه‌های فرهنگی، می‌تواند نقش مؤثری در بهبود کیفیت حیات شبانه داشته باشد.

از سوی دیگر، این یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت یا شکست در مدیریت و توسعه حیات شبانه، تا حد زیادی وابسته به شناسایی و مدیریت صحیح این شاخص‌هاست. برنامه‌ریزی‌های شهری باید بر مبنای درک عمیق از تأثیر این شاخص‌ها تدوین شود و تلاش شود تا از طریق سیاست‌های حمایتی و مشارکتی، شاخص‌های تأثیر گذار مانند فضاهای عمومی و امکانات فرهنگی تقویت شوند. سرانجام، این تحلیل نشان‌دهنده ضرورت اتخاذ رویکردهای پایدار در برنامه‌ریزی شهری است که بتواند به‌صورت غیرمستقیم بر بهبود وضعیت این شاخص‌ها تأثیر بگذارد و درعین حال از نتایج مثبت آن‌ها در افزایش سرزندگی و پایداری فضاهای شهری استفاده کند. این یافته مطالعات پیشین را تأیید می‌کند که بر اهمیت این دو شاخص تأکید داشته‌اند (al et Song, 2016; al et Alderton, 2019; al et Zanella, 2015; Farrer, 2018).

شاخص‌های دووجهی^۵

نتایج تحلیل MICMAC نشان می‌دهد که برخی شاخص‌ها هم‌زمان بسیار تأثیرگذار و تأثیرپذیرند و به‌عنوان شاخص‌های دووجهی شناخته می‌شوند. این شاخص‌ها که در قسمت شمال شرقی نمودار قرار دارند، به‌دلیل ماهیت ناپایدارشان، با عدم پایداری سیستم همراه هستند. هرگونه تغییر در این شاخص‌ها می‌تواند واکنش‌ها و تغییرات گسترده‌ای در دیگر شاخص‌ها به‌دنبال داشته باشد و در نتیجه، کنترل و مدیریت آن‌ها برای بهبود پایداری سیستم اهمیت زیادی دارد. این شاخص‌های دووجهی به دو دسته تقسیم می‌شود:

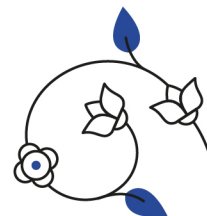
شاخص‌های ریسک: امکانات تفریحی و استراحت و کاربری‌های پارک به‌عنوان شاخص‌های ریسک سیستم شناسایی شده‌اند. این شاخص‌ها پتانسیل فراوانی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارند. به‌دلیل ناپایداری ذاتی آن‌ها، هرگونه تغییر در این شاخص‌ها می‌تواند سیستم را به سوی نقاط بحرانی سوق دهد. بنابراین، مدیریت صحیح این شاخص‌ها برای جلوگیری از عدم تعادل در سیستم ضروری است. به‌ویژه اینکه با توجه به نقش مهم فضاهای تفریحی و پارک‌ها در حیات شبانه، ایجاد و حفظ آن‌ها به‌عنوان عوامل کلیدی در پایداری و سرزندگی شبانه باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. در بافت تاریخی محله ناسار که به‌دلیل محدودیت‌های فیزیکی و کالبدی، اغلب با کمبود فضاهای عمومی و تفریحی روبه‌رو هستند، مدیریت این شاخص‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. هرگونه تغییر در این شاخص‌ها، مثلاً ایجاد یا بازآفرینی فضاهای تفریحی جدید، می‌تواند تأثیرات چشمگیری بر سرزندگی محله ناسار داشته باشد. بهبود این فضاها، با توجه به ارزش تاریخی و فرهنگی محله، می‌تواند به جلب گردشگران و افزایش تعاملات اجتماعی کمک کند و به پایداری محله در شب و روز بیفزاید.

شاخص‌های هدف: شاخص‌هایی مانند شغل شبانه، امنیت، رستوران‌ها و کافه‌ها و تعاملات اجتماعی به‌عنوان شاخص‌های هدف شناسایی شده‌اند. این شاخص‌ها بیشتر تحت‌تأثیر سایر عوامل قرار دارند تا اینکه خود تأثیرگذار باشند. به همین دلیل، می‌توان آن‌ها را به‌عنوان نتایج تکامل سیستم در نظر گرفت. تغییر و بهبود این شاخص‌ها می‌تواند به تغییرات مثبتی در سیستم منجر شود؛ از این‌رو، این شاخص‌ها نمایانگر اهداف سیستم هستند و دستکاری و بهینه‌سازی آن‌ها می‌تواند به توسعه پایداری و بهبود سرزندگی و امنیت شبانه منجر شود. در محله تاریخی ناسار که پتانسیل‌های فرهنگی و گردشگری زیادی دارد، توجه به ایجاد زیرساخت‌های مرتبط با شغل‌های شبانه، نظیر رستوران‌ها و کافه‌ها، می‌تواند به توسعه اقتصاد شبانه و تقویت تعاملات اجتماعی کمک کند. امنیت شبانه نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل، نه‌تنها بر رفاه ساکنان، بلکه بر جلب گردشگران و جذب فعالیت‌های اقتصادی در شب تأثیرگذار است. بدین ترتیب می‌توان گفت در بافت تاریخی محله ناسار که از نظر فیزیکی و اجتماعی ویژگی‌های خاص خود را دارد، شاخص‌های ریسک و هدف از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. توسعه و مدیریت دقیق این شاخص‌ها می‌تواند به سرزندگی شبانه و پایداری اجتماعی و اقتصادی این بافت کمک کند؛ از این‌رو، برنامه‌ریزی شهری باید بر اساس ویژگی‌های خاص بافت تاریخی ناسار تنظیم شود و با تمرکز بر شاخص‌های ریسک و هدف، به بهبود زیرساخت‌های شهری و تقویت فضاهای اجتماعی و تفریحی پرداخته شود تا توسعه پایداری در این محله تحقق یابد.

شاخص‌های تأثیرپذیر^۶

این شاخص‌ها در قسمت جنوب شرقی نمودار قرار دارند و تأثیرگذاری کم و تأثیرپذیری زیادی دارند؛ بنابراین نسبت به تکامل شاخص‌های دووجهی و تأثیرگذار بسیار حساس هستند. این شاخص‌ها خروجی سیستم به حساب می‌آیند که در این پژوهش شاخص‌های خرده‌فروشی، موسیقی و دست‌فروشی به‌عنوان شاخص‌های تأثیرپذیر شناخته شده‌اند. این شاخص‌ها در بافت تاریخی محله ناسار، به‌دلیل ماهیت پویا و تعاملات اجتماعی چشمگیری که در فضاهای شهری ایجاد می‌کنند، به‌شدت تحت‌تأثیر سایر عوامل مانند امنیت، زیرساخت‌های شهری و میزان تعاملات اجتماعی قرار دارند. برای مثال، موسیقی و دست‌فروشی به‌عنوان عناصر پویا و جاذب جمعیت، می‌توانند فضای شهری را در شب تقویت کرده و به پویایی اجتماعی کمک کنند. با این حال، این شاخص‌ها به‌طور مستقل تأثیرگذاری زیادی ندارند و بیشتر به شرایط موجود و تغییرات محیطی وابسته هستند. در صورت بهبود وضعیت اجتماعی و زیرساخت‌های مرتبط، این شاخص‌ها نیز به‌سرعت تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند و به رشد سرزندگی شبانه کمک خواهند کرد.





بدین ترتیب می‌توان گفت در بافت تاریخی محله ناسار، شاخص‌های خرده‌فروشی، موسیقی و دست‌فروشی به‌عنوان شاخص‌های خروجی سیستم نشان‌دهنده حساسیت زیاد این فضاها به تغییرات محیطی و اجتماعی است. با توجه به وابستگی این شاخص‌ها به دیگر شاخص‌ها، بهبود شرایط زیرساختی و ایجاد فضای امن و جذاب برای فعالیت‌های شبانه می‌تواند تأثیر مستقیمی بر این شاخص‌ها بگذارد و به ارتقای سرزندگی شبانه محله کمک کند. برنامه‌ریزی و مدیریت مؤثر این شاخص‌ها، می‌تواند ضمن تقویت فضای شهری، به دستیابی به اهداف توسعه پایدار در این محله یاری رساند.

شاخص‌های تنظیمی^۷

این شاخص‌ها در نزدیکی مرکز ثقل نمودار قرار دارند؛ در واقع حالت تنظیمی دارند و گاهی همچون اهرم ثانویه عمل می‌کنند. این شاخص براساس سیاست‌های مسئولان قابل ارتقا به شاخص‌های تعیین‌کننده یا شاخص‌های هدف و ریسک هستند. در این پژوهش، شاخص رویدادهای فرهنگی و جشن به‌عنوان شاخص تنظیمی شناخته شده است. رویدادهای فرهنگی و جشن‌ها، به‌عنوان شاخص‌های تنظیمی، این قابلیت را دارند که بسته به سیاست‌ها و تصمیم‌های مدیران شهری، به شاخص‌های هدف یا شاخص‌های ریسک تبدیل شوند.

بدین ترتیب در بافت تاریخی محله ناسار، برنامه‌ریزی و اجرای رویدادهای فرهنگی و جشن‌ها می‌تواند به تقویت تعاملات اجتماعی، جذب گردشگران و افزایش سرزندگی شبانه کمک کند. با مدیریت صحیح و ایجاد فرصت‌های فرهنگی مناسب، این شاخص می‌تواند مانند ابزاری برای ارتقای کیفیت زندگی شهری و بهبود روابط اجتماعی در شب استفاده شود. از سوی دیگر، اگر این شاخص مورد غفلت قرار گیرند یا به‌درستی مدیریت نشود، ممکن است کم‌تأثیر باقی بماند و پتانسیل‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در بافت تاریخی به هدر رود.

شاخص‌های مستقل^۸

شاخص‌های مستقل از سایر شاخص‌های سیستم تأثیر نمی‌پذیرند و بر آن‌ها تأثیر هم نمی‌گذارند. این شاخص‌ها در قسمت جنوب غربی نمودار قرار می‌گیرند و ارتباط بسیار کمی با سیستم دارند؛ زیرا نه باعث توقف یک شاخص اصلی و نه باعث تکامل و پیشرفت یک شاخص در سیستم می‌شوند. شاخص‌های مستقل به دو گروه شاخص‌های گسسته و اهرمی ثانویه تقسیم می‌شوند. تأثیرگذاری شاخص‌های اهرمی ثانویه نسبت به تأثیرپذیری آن‌ها بیشتر است و در بالای خط قطری قسمت جنوب غربی محور مختصات قرار دارند. در این پژوهش دو شاخص خوانایی و ایمنی تحت عنوان شاخص‌های مستقل و مستثنی سیستم شناسایی شده‌اند و قابل چشم‌پوشی هستند.

برخلاف بسیاری از پژوهش‌های پیشین که بر نقش پررنگ این شاخص‌ها در بهبود کیفیت فضاهای شهری و افزایش سرزندگی تأکید کرده‌اند (Song, et al, 2016; Chatterton and Hollands, 2003; Saitluanga, 2014)، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خوانایی و ایمنی در این نمونه موردی خاص، تأثیر مستقیمی بر سیستم نگذاشته است و بیشتر به‌عنوان شاخص‌های گسسته و خارج از چرخه تحول سیستم عمل کرده است. برای مثال، بررسی‌های هلند و چارتون (۲۰۰۳) و سانگ و همکاران (۲۰۱۶) بر اهمیت ایمنی در ارتقای فضای شهری و افزایش سرزندگی تأکید کرده است. از دیدگاه این پژوهش‌ها، ایمنی یکی از مؤلفه‌های اصلی تجربه شبانه شهر و جاذب افراد به فضاهای عمومی شناخته می‌شود. همچنین، خوانایی نیز به‌عنوان عاملی کلیدی در تسهیل حرکت و درک افراد از فضا نقش اساسی دارد و می‌تواند بر احساس امنیت و کیفیت تعاملات اجتماعی اثرگذار باشد.

این تفاوت ممکن است به ویژگی‌های خاص محله تاریخی ناسار و موقعیت زمینه‌ای این بافت بازگردد. ممکن است در این محله، عواملی مانند بافت تاریخی، زیرساخت‌های فیزیکی و فرهنگی یا سایر شاخص‌های مؤثر، نقش پررنگ‌تری در سرزندگی و حیات شبانه داشته باشند و ایمنی و خوانایی به‌دلیل ماهیت خاص محیط تاریخی یا عدم وجود مشکلات عمده‌ای در این زمینه‌ها، شاخص‌های حاشیه‌ای دانسته شده‌اند.

تحلیل اثرگذاری و اثرپذیری شاخص‌ها

براساس روش تحلیل اثرات متقابل در نرم‌افزار MICMAC، شاخص‌هایی که هم‌زمان دارای بیشترین میزان تأثیرگذاری



و تأثیرپذیری باشند، توانایی ایجاد تغییرات شدید و پیچیده در سیستم را دارند؛ از این رو از اهمیت بیشتری برخوردارند. در این روش، مجموع اعداد یک سطر نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری آن شاخص بر سایر شاخص‌هاست؛ در حالی که مجموع اعداد ستون برای یک شاخص بیانگر میزان تأثیرپذیری آن است. خروجی‌های نرم‌افزار MICMAC میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری شاخص‌ها را به صورت جداگانه ارائه می‌دهد و موقعیت هر شاخص بر اساس پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و مکان قرارگیری آن در نمودار تعیین می‌شود. برای شناسایی دقیق‌تر و ساده‌تر شاخص‌هایی که بیشترین میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را دارند، مجموع اعداد تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها محاسبه شده است و شاخص‌هایی که بیشترین مجموع عددی را دارند، به عنوان شاخص‌های کلیدی مشخص می‌شوند (جدول ۴).

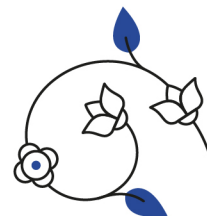
شاخص‌هایی که اثر مستقیم دارند و کمترین امتیاز را داشته‌اند نیز در سطح تأثیرگذاری خرده‌فروشی‌ها (۴۶۷)، دست‌فروشی‌ها (۴۶۷)، ایمنی (۶۱۵) و خوانایی (۶۱۵) و در سطح تأثیرپذیری ایمنی (۳۳۴)، خوانایی (۵۱۷) و تئاتر و سینما (۵۴۱) شناسایی شده‌اند. نکته جالب توجه این است که شاخص دست‌فروشی دارای تأثیرگذاری کم و تأثیرپذیری زیاد است و به عنوان یک شاخص وابسته شناخته می‌شود.

بر این اساس شاخص‌های تأثیرگذار که اثر مستقیم دارند و دارای بیشترین امتیاز هستند، در جدول ۴ با رنگ سبز نشان داده شده است و به ترتیب شامل کاربری‌های تفریحی و استراحت (۹۳۵)، امنیت (۸۳۷)، کمیت و مقیاس فضاهای عمومی (۸۱۲)، شغل شبانه (۷۸۸) و پارک عمومی (۷۸۸)، تعاملات اجتماعی (۷۶۳) و رویدادهای فرهنگی و جشن‌ها (۷۶۳) هستند. شاخص‌های تأثیرپذیر که اثر مستقیم دارند و دارای بیشترین امتیاز هستند (رنگ سبز) عبارت‌اند از: امنیت (۹۶۰)، کافی‌شاپ و رستوران (۸۶۲)، کاربری‌های تفریحی و استراحت (۸۳۷)، شغل شبانه (۸۱۲)، تعاملات اجتماعی (۷۸۸) و دست‌فروشی‌ها (۷۸۸).

همچنین شاخص‌هایی که اثر مستقیم دارند و کمترین امتیاز را داشته‌اند با رنگ قرمز نشان داده شده است و در سطح تأثیرگذاری شامل خرده‌فروشی‌ها (۴۶۷)، دست‌فروشی‌ها (۴۶۷)، ایمنی (۶۱۵) و خوانایی (۶۱۵) و در سطح تأثیرپذیری شامل ایمنی (۳۳۴)، خوانایی (۵۱۷) و تئاتر و سینما (۵۴۱) هستند.

جدول ۴. امتیاز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری شاخص‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم

ردیف	نام شاخص	اثرات مستقیم		اثرات غیرمستقیم	
		رتبه	تأثیرپذیری	رتبه	تأثیرپذیری
۱	خرده‌فروشی‌ها	۱۴	۶۸۹	۸	۴۷۹
۲	کاربری‌های تفریحی و استراحت	۱	۸۳۷	۳	۹۰۷
۳	مشاغل شبانه	۴	۷۸۸	۴	۷۷۷
۴	پارک عمومی	۴	۷۸۸	۷	۷۲۸
۵	تئاتر و سینما	۶	۷۳۸	۹	۷۳۱
۶	کافی‌شاپ و رستوران	۶	۷۳۸	۸	۷۴۶
۷	خوانایی	۸	۶۱۵	۱۱	۶۲۸
۸	مقیاس و کمیت فضاهای عمومی	۳	۸۱۲	۳	۶۵۸
۹	ایمنی	۸	۳۳۴	۱۲	۶۱۶
۱۰	امنیت	۲	۸۳۷	۲	۹۲۶
۱۱	تعاملات اجتماعی	۵	۷۶۳	۵	۷۶۵



ادامه جدول ۴، امتیاز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری شاخص‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم

۶	۷۸۷	۱۰	۶۸۵	۶	۷۶۳	۷	۶۶۵	۱۲	موسیقی خیابانی
۹	۷۲۱	۷	۷۶۱	۸	۶۸۹	۵	۷۶۳	۱۳	رویدادهای فرهنگی و جشن‌ها
۷	۷۷۲	۱۴	۴۷۴	۵	۷۸۸	۹	۴۶۷	۱۴	دست‌فروشی‌ها

نتیجه‌گیری

فضاهای عمومی همچون خیابان شهری مهم‌ترین بخش‌های شهر را تشکیل می‌دهند و مکان‌هایی برای برخورد و کنش‌های متقابل میان افراد هستند. در این فضاها، ابران پیاده به منظرهای عمده و اصلی شهر دسترسی فیزیکی و بصری دارند. این فضاها روزانه پذیرای قشر و گروه وسیعی از شهروندان از کودک تا پیر و زن و مرد هستند؛ بنابراین برای تقویت انسجام اجتماعی، توسعه اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی جمعی که همگی جزء اهداف توسعه پایدار است، پتانسیل کافی دارند. از سویی دیگر، یکی از اهداف توسعه پایدار شهری اجتناب از خلق فضاهای تک‌عملکردی و ایجاد ترکیبی از فعالیت‌های روزانه و شبانه در مناطق مختلف شهری از جمله خیابان‌هاست؛ بنابراین توجه به ارتقای حیات شبانه و سرزندگی با تأکید بر پایداری به‌عنوان یکی از راهکارهای افزایش حضورپذیری و تعاملات انسانی و بهبود کیفیت زندگی در این‌گونه فضاها بسیار مهم است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های تئاتر و سینما و کمیّت و مقیاس فضاهای عمومی بیشترین تأثیرگذاری و کمترین تأثیرپذیری را داشته و وضعیت سیستم و تغییرات آن وابسته به آن‌هاست که به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن انعطاف‌پذیری بسیار زیاد این دو شاخص است. برای مثال تئاتر و سینما علاوه بر نمایش فیلم و تئاتر پتانسیل این را دارد که به‌عنوان فضایی در نظر گرفته شود که پذیرای رویدادهای فرهنگی، فستیوال‌ها، جشن‌ها و موسیقی زنده باشد. با توجه به ساعات اجرای این برنامه‌ها که می‌تواند در شبانه‌روز در گردش باشد، طیف وسیعی از سایر کاربری‌ها همچون، خرده‌فروشی‌ها، دست‌فروشی‌ها، رستوران و کافی‌شاپ‌ها را فعال نگه می‌دارد که موجب ارتقای سرزندگی محدوده می‌شود.

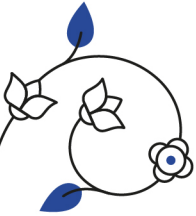
از سوی دیگر می‌توان گفت شاخص‌های ریسک از جمله امکانات و کاربری‌های تفریحی و استراحت و پارک عمومی، دارای ظرفیت بی‌شماری برای تبدیل شدن به عوامل کلیدی در حیات شبانه و سرزندگی فضایی در محله ناسار سمنان است. این شاخص‌ها به دلیل پتانسیل انعطاف‌پذیری و تأثیرگذاری درخور توجهشان، نیازمند مدیریت دقیق و هوشمندانه‌اند. در صورتی که این عوامل به‌خوبی هدایت نشوند، با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که به کیفیت حیات شهری آسیب می‌زند؛ بنابراین، سیاست‌گذاران باید به‌دقت بر این شاخص‌ها تمرکز کنند تا از پتانسیل آن‌ها بهره‌بردارند.

در کنار این شاخص‌ها، شاخص‌های هدف شامل شغل شبانه، امنیت، رستوران و کافه‌ها و تعاملات اجتماعی نیز به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده در پویایی شبانه در محدوده مورد مطالعه شناخته شده‌اند. این شاخص‌ها به‌مراتب بیشتر تأثیرپذیر از تغییرات هستند تا تأثیرگذار. این واقعیت نشان می‌دهد که مدیریت مؤثر این شاخص‌ها می‌تواند به دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک کند. به عبارتی، تقویت این شاخص‌ها نه تنها می‌تواند به بهبود حیات شبانه کمک کند، بلکه در راستای اهداف پایداری نیز قرار دارد. همچنین، شاخص‌های خرده‌فروشی، موسیقی و دست‌فروشی نشان‌دهنده تأثیرپذیری زیاد و تأثیرگذاری کم است. این فعالیت‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر دیگر عوامل شهری قرار می‌گیرد و برای ارتقا و پویایی حیات شبانه، به تقویت سایر شاخص‌ها نیاز دارد. به همین دلیل، توجه به امنیت و فضاهای عمومی می‌تواند به بهبود این شاخص‌ها و در نتیجه، ارتقای کیفیت حیات شبانه کمک کند.

در نهایت، شاخص‌های ایمنی و خوانایی به‌عنوان شاخص‌های مستقل شناسایی شدند که تأثیرپذیری و تأثیرگذاری کمی دارند. این یافته با برخی از پژوهش‌ها که این شاخص‌ها را مهم‌تر می‌دانند، در تضاد است. با وجود این، این تحقیق نشان می‌دهد که در این محله خاص، این شاخص‌ها به‌عنوان عوامل ثانویه شناخته می‌شوند و نیازمند بررسی‌های بیشتری هستند.

به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش بر اهمیت مدیریت مؤثر شاخص‌های کلیدی و تنظیمی در حیات شبانه تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که این شاخص‌ها چگونه می‌توانند به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک کنند. براساس





تحلیل‌های انجام‌شده، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که شاخص‌های شناسایی‌شده با اهداف توسعه پایدار شهری همسو است و نه تنها اختلالی در دستیابی به این اهداف ایجاد نمی‌کند، بلکه با تقویت آن‌ها، می‌توان به ایجاد محیطی پایدارتر و پویا در فضاهای شهری کمک کرد؛ بنابراین، توجه ویژه به این شاخص‌ها می‌تواند به برنامه‌ریزی شهری برای ارتقای کیفیت زندگی در محله‌های تاریخی و بهبود زندگی شبانه کمک شایانی کند. این نتایج همچنین بر اهمیت سیاست‌گذاری و مدیریت پایدار شهری تأکید دارند؛ به‌ویژه در مناطقی که زندگی شبانه و تعاملات اجتماعی نقش کلیدی در پویایی و سرزندگی آن‌ها ایفا می‌کند.

سرانجام می‌توان گفت این مقاله با استفاده از روش تحلیل اثرات متقاطع به شناسایی و تحلیل شاخص‌های کلیدی حیات شبانه و سرزندگی در محله تاریخی ناسار سمنان پرداخته و چارچوبی برای بررسی تأثیرات متقابل آن‌ها ارائه کرده است. سهم اصلی این پژوهش در ارائه چارچوبی برای بررسی تأثیرات متقابل این شاخص‌ها و چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها در تقویت یا تضعیف حیات شبانه در بافت تاریخی شهری است. یافته‌ها نشان می‌دهد شاخص‌هایی مانند امکانات تفریحی و امنیت در شکل‌دهی فضاهای پویا نقش مهمی دارند، درحالی‌که شاخص‌هایی نظیر ایمنی و خوانایی تأثیر کمتری دارند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، این نتایج با مطالعه تطبیقی در مناطق دیگر بررسی شود و تأثیرات اقتصادی و زیست‌محیطی شاخص‌ها نیز ارزیابی گردد. همچنین، استفاده از روش‌های کیفی و مشارکتی و طراحی راهکارهای سیاستی برای تقویت شاخص‌های کلیدی، به بهبود پایداری شهری و توسعه حیات شبانه کمک خواهد کرد.

پایانه‌ها

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده پردازی و طراحی مطالعه: مهسا قانع و امیرحسین تکمیل؛ گردآوری داده‌ها: امیرحسین تکمیل؛ تجزیه و تحلیل داده‌ها: مهسا قانع و امیرحسین تکمیل؛ نگارش نسخه اولیه: مهسا قانع و امیرحسین تکمیل؛ بازبینی و اصلاح مقاله: مهسا قانع و امیرحسین تکمیل؛ اعتبار سنجی و تأیید نهایی: تمام نویسندگان نسخه نهایی مقاله را تأیید کرده‌اند.

تشکر و قدردانی

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

پی‌نوشت

1. Jacobs
2. Putnam
3. WHO
4. Input Index
5. Intermediates Index
6. Resultant Index
7. Regulatory Index
8. Excluded Index

منابع

۱. عابدینی، ا. و کریمی، ر. (۱۳۹۵). سنجش زیست‌پذیری در شهرها براساس روش FANP (مطالعه موردی: نواحی پانزده‌گانه شهر ارومیه). محیط‌شناسی، ۲۴(۴)، ۷۳۵-۷۵۲.
۲. غضنفرپور، ح.، صداقت‌کیش، م.، سلیمانی دامنه، م.، و افضل‌نیز، م. (۱۳۹۸). سنجش سرزندگی و حیات شبانه میدان نقش جهان اصفهان با تأکید بر امنیت پایدار شهری. فصلنامه شهر پایدار، ۲(۲)، ۸۷-۱۰۶.
۳. قدیمی، س. د. و، کرامتی، غ. (۱۳۹۶). زندگی شبانه در کلان‌شهر با تأکید بر تأثیر عوامل فرهنگی بر فضای شهری (مطالعه موردی: ...)



۴. مرکز فعالیت‌های نوین تهران). مطالعات محیطی هفت حصار، ۲۷-۴۰. کرمی، ع.، و رضایی‌راد، ه. (۱۳۹۹). راهکارهای مؤثر در خلق و تقویت فضاهای شهری ۲۴ ساعته (نمونه موردی: خیابان ستارخان). فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۳(۶)، ۱۶۹-۱۹۷.
۵. هدایت‌نژاد کاشی، س. م.، هادیانی، ز.، حاجی‌نژاد، ع.، و عسگری، ع. (۱۳۹۸). سرزندگی شهری مفهومی میان‌رشته‌ای (واکوی اصول، ابعاد و شاخص‌ها). مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۶(۲۰)، ۷۵-۱۰۷.
6. Alderton, A., Davern, M., Nitvimol, K., Butterworth, I., Higgs, C., Ryan, E. & Badland, H. (2019). What is the meaning of urban liveability for a city in a low-to-middle-income country? Contextualising liveability for Bangkok, Thailand. *Globalization and Health* 1-13, (1)15.
7. Almeida, D. N., & Fumega, J. M. G. (2012). How can planning for sustainability improve Costa de Caparica's nightlife? *International Journal of Urban Sustainable Development*, 4(1), 111-123.
8. Al-Thani, S. K., Amato, A., Coç, M., & Al-Ghamdi, S. G. (2019). Urban sustainability and livability: An analysis of Doha's urban-form and possible mitigation strategies. *Sustainability*, 11(3), 786.
9. Bavinton, N. (2010). Putting leisure to work: City image and representations of nightlife. *Journal of Policy Research in Tourism, Leisure & Events*, 2(3), 236-250.
10. Becherucci, M. E., & Pon, J. P. S. (2014). What is left behind when the lights go off? Comparing the abundance and composition of litter in urban areas with different intensity of nightlife use in Mar del Plata, Argentina. *Waste Management*, 34(8), 1351-1355.
11. Brands, J., Schwanen, T., & van Aalst, I. (2014). Spatiotemporal variations in nightlife consumption: A comparison of students in two Dutch cities. *Applied Geography*, 54, 96-109.
12. del Mar Martínez-Bravo, M., Martínez-del-Río, J., & Antolín-López, R. (2019). Trade-offs among urban sustainability, pollution, and livability in European cities. *Journal of Cleaner Production*, 224, 651-660.
13. Elsemary, Y. (2015). Qualitative conceptions of livability between theory and applications in Egypt. In *International Conference on IT, Architecture and Mechanical Engineering (ICITAME'2015)*, May 22-23, Dubai, UAE.
14. Farrer, J. (2018). Nightlife and night-time economy in urban China. In *The SAGE Handbook of Contemporary China* (pp. 1112-1130).
15. Fu, B., Yu, D., & Zhang, Y. (2019). The livable urban landscape: GIS and remote sensing extracted land use assessment for urban livability in Changchun Proper, China. *Land Use Policy*, 87, 104048.
16. Gough, M. Z. (2015). Reconciling livability and sustainability: Conceptual and practical implications for planning. *Journal of Planning Education and Research*, 35(2), 145-160.
17. Gough, M. Z. (2015). Reconciling livability and sustainability: Conceptual and practical implications for planning. *Journal of Planning Education and Research*, 35(2), 145-160.
18. Grazian, D. (2009, December). Urban nightlife, social capital, and the public life of cities. In *Sociological Forum* (Vol. 24, No. 4, pp. 908-917). Oxford, UK: Blackwell Publishing Ltd.
19. Hollands, R., & Chatterton, P. (2003). Producing nightlife in the new urban entertainment economy: Corporatization, branding, and market segmentation. *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(2), 361-385.
20. Jacobs, J. (2016). *The death and life of great American cities*. Vintage.
21. Jiang, W. (2017). The role of urban nightlife in perceived social integration: Perspectives of international students in Nanjing (Master's thesis). [Name of Institution].
22. Kashef, M. (2016). Urban livability across disciplinary and professional boundaries. *Frontiers of Architectural Research*, 5(2), 239-253.
23. Laam, H. (2011). Dilemmas of the nightlife fix: Post-industrialization and the gentrification of nightlife in New York City. *Urban Studies*, 48, 3449-3465.
24. Liu, J., Nijkamp, P., Huang, X., & Lin, D. (2017). Urban livability and tourism development in China: Analysis of sustainable development by means of spatial panel data. *Habitat International*, 68, 99-107.
25. Lowe, M., Whitzman, C., Badland, H., Davern, M., Aye, L., Hes, D., ... & Giles-Corti, B. (2015). Planning healthy, liveable and sustainable cities: How can indicators inform policy? *Urban Policy and Research*, 33(2), 131-144.
26. McAndrews, C., & Marshall, W. (2018). Livable streets, livable arterials? Characteristics of commercial arterial roads associated with neighborhood livability. *Journal of the American Planning Association*, 84(1), 33-44.
27. Mecca, M. (2020). Adolescents' daily places to discover nightlife in Barcelona, Spain. *Children's Geographies*, 1-13.
28. Ngesan, M. R., & Karim, H. A. (2012). Night time social behavior in urban outdoor spaces of Shah Alam. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 50, 959-968.
29. Nofre, J. (2020). The touristification of nightlife: Some theoretical notes. *Urban Geography*, 1-10.



30. Okulicz-Kozaryn, A. (2013). City life: Rankings (livability) versus perceptions (satisfaction). *Social Indicators Research*, 110(2), 433-451.
31. Omuta, G. E. (1988). The quality of urban life and the perception of livability: A case study of neighbourhoods in Benin City, Nigeria. *Social Indicators Research*, 20(4), 417-440.
32. Saitluanga, B. L. (2014). Spatial pattern of urban livability in Himalayan Region: A case of Aizawl City, India. *Social Indicators Research*, 117(2), 541-559.
33. Shamsuddin, S., Hassan, N. R. A., & Bilyamin, S. F. I. (2012). Walkable environment in increasing the liveability of a city. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 50, 167-178.
34. Song, H., Pan, M., & Chen, Y. (2016). Nightlife and public spaces in urban villages: A case study of the Pearl River Delta in China. *Habitat International*, 57, 187-204.
35. Stanislav, A., & Chin, J. T. (2019). Evaluating livability and perceived values of sustainable neighborhood design: New Urbanism and original urban suburbs. *Sustainable Cities and Society*, 47, 101517.
36. Tang, H. T., & Lee, Y. M. (2016). The making of sustainable urban development: A synthesis framework. *Sustainability*, 8(5), 492.
37. Tomalty, R., & Mallach, A. (2015). Differences in livability and sustainability. In *America's urban future* (pp. 51-70). Island Press.
38. Van Liempt, I., Van Aalst, I., & Schwanen, T. (2015). Introduction: Geographies of the urban night.
39. Wang, Y., Zhu, Y., & Yu, M. (2019). Evaluation and determinants of satisfaction with rural livability in China's less-developed eastern areas: A case study of Xianju County in Zhejiang Province. *Ecological Indicators*, 104, 711-722.
40. Wey, W. M., & Huang, J. Y. (2018). Urban sustainable transportation planning strategies for livable city's quality of life. *Habitat International*, 82, 9-27.
41. Yassin, H. H. (2019). Livable city: An approach to pedestrianization through tactical urbanism. *Alexandria Engineering Journal*, 58(1), 251-259.
42. Zanella, A., Camanho, A. S., & Dias, T. G. (2015). The assessment of cities' livability integrating human wellbeing and environmental impact. *Annals of Operations Research*, 226(1), 695-726.



ABRIDGED PAPER

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Enhancing Urban Nightlife of Historical-Cultural Axes by Improving Citizens' Image at Night – Case study: Enghelab Street (Enghelab Square to Valiasr Intersection)*

Monireh Haghgooyi¹, Mohammadreza Pourjafar², Sousan Basiri^{3,**}

1. Master of Urban Design, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

3. Master of Urban Design, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

This study examines the role of cultural and historical corridors in enhancing urban social life at night, with a focus on Enghelab Street in Tehran. Urban design has historically prioritized daytime activities, often neglecting the unique spatial and psychological needs of nighttime environments. This research explores how mental imagery of urban spaces differs between day and night, highlighting the role of key urban elements such as paths, nodes, edges, landmarks, and districts. Using surveys, interviews, and mental mapping techniques with 150 participants, the study identifies significant contrasts in citizens' perceptions. While landmarks like the University of Tehran and City Theater strongly influence mental images during the day, their impact diminishes at night due to inadequate lighting, reduced social activity, and safety concerns. The findings underscore the critical role of lighting design, vibrant activities, and safety measures in creating engaging and inclusive nighttime spaces. Recommendations include dynamic lighting to enhance visibility and emphasize landmarks, introducing diverse cultural and recreational activities, and improving public safety through visible surveillance and active foot traffic. Additionally, leveraging the cultural and historical identity of Enghelab Street can foster collective memory and create a meaningful nighttime environment. This research offers actionable insights for urban planners and policymakers, demonstrating how cultural corridors can simultaneously preserve their historical significance and adapt to contemporary social needs, setting a benchmark for nighttime urban design in Tehran and beyond.

Highlights

- Day-Night Perception Differences: Landmarks like the University of Tehran and City Theater shape strong mental images during the day, but at night, poor lighting, reduced activities, and safety concerns diminish their impact.
- Challenges for Nighttime Use: Limited visibility, lack of vibrant activities, and safety issues hinder social engagement and the formation of clear mental imagery at night.
- Enhancing Nighttime Vitality: Proposed solutions include dynamic lighting, diverse cultural and recreational activities, improved safety measures, and fostering public interaction to revitalize Enghelab Street at night.
- Leveraging Cultural Identity: By emphasizing its historical and cultural significance, Enghelab Street can become an inclusive, dynamic hub for nighttime activity, setting a model for similar urban corridors.

ARTICLE INFO

Received 20/07/2024
Revised 06/08/2024
Accepted 22/08/2024
Available Online 16/09/2024

Keywords

night life
cultural and historical axis
common memories
city image
legibility



© 2024, IUDS. All rights reserved.



Citation of the article

Haghgooyi, M., Pourjafar, M. R., & Basiri, S. (2024). Enhancing nighttime social life of historical-cultural axes through improving citizens' mental image at night. Case study: Enghelab Street (from Enghelab Square to Vali-e-Asr Crossroad). *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 141-160.

*This article is taken from Monireh Haqgooyi's master's thesis entitled "Evaluating Citizens' Mental Image of Active Urban Axes During the Day and Night" under the supervision of Dr. Mohammad Reza Pourjafar, which was presented at the Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University.

**Author Corresponding:

Email: bassiri11@gmail.com

Introduction: The nocturnal life of cities is a vital component of urban vibrancy, yet it remains underdeveloped in many contexts, including Tehran. While the concept of nighttime social vitality has gained attention in urban planning, much of the focus has been on physical improvements, such as lighting and infrastructure, rather than on holistic approaches that incorporate cultural, historical, and psychological factors. This study argues that fostering nighttime social life requires more than adequate lighting; it necessitates spaces that are legible, meaningful, and imbued with collective memories.

Enghelab Street, one of Tehran's most prominent cultural-historical corridors, is the focal point of this study. The area, which connects significant cultural landmarks such as the University of Tehran and Tehran City Theatre, has historically played a central role in the city's identity. However, its nighttime usage has declined due to challenges related to security, inadequate lighting, and a lack of diverse nighttime activities. This research aims to address these gaps by understanding the mental imagery and experiences of citizens during both day and night.

The study focuses on the following objectives:

1. To assess the differences in citizens' mental images of urban spaces during the day and night.
2. To evaluate the role of physical, functional, and mental-social factors in shaping these images.
3. To propose design strategies for enhancing the nighttime social vitality of cultural-historical corridors.

Through this lens, the study aims to bridge the gap between theoretical urban design principles and practical applications that respond to the needs of users.

Materials and Methods: A mixed-methods approach was adopted to investigate the subject. The research combined qualitative methods, including interviews, mental mapping, and observations, with quantitative surveys distributed among diverse user groups. Participants included students, local residents, tourists, and business owners along Enghelab Street.

The methodology was designed to capture the dynamic interplay of physical and psychological factors influencing users' experiences. Surveys were used to identify key elements of the urban environment that affect mental imagery, while interviews and mental mapping exercises provided deeper insights into individual and collective perceptions. Observations of activity patterns at different times of the day and night further contextualized these findings.

Data analysis focused on identifying the relative importance of various urban design elements—such as paths, nodes, edges, landmarks, and districts—in shaping mental images. The study also compared these elements' effectiveness in creating a sense of security, legibility, and vitality during the day and night.

Findings: The findings revealed significant differences in how citizens perceive Enghelab Street during the day versus at night. Daytime images of the corridor were dominated by its functional role as a bustling hub for commerce, education, and culture. Key landmarks, such as the University of Tehran and the City Theatre, served as strong visual anchors that reinforced the street's identity. At night, however, perceptions shifted dramatically.

The lack of sufficient lighting and nighttime activities contributed to a sense of insecurity and diminished the street's legibility. Users reported feeling disconnected from the area's cultural and historical significance, as key landmarks became less visible and less accessible. The following factors emerged as critical to shaping nighttime mental imagery:

1. **Lighting and Visibility:** Inadequate lighting was identified as a primary barrier to nighttime usage. Poorly lit areas reduced the visibility of key landmarks and pathways, weakening the overall mental image of the street.
2. **Activity Levels:** The absence of vibrant social or recreational activities at night led to a perception of the street as desolate and unsafe.
3. **Cultural-Historical Associations:** While daytime perceptions were enriched by the street's cultural and historical significance, these associations weakened at night due to the lack of interpretive elements or activities that highlighted the area's heritage.



4. Physical Elements: Features such as edges, nodes, and pathways were more difficult to distinguish at night, further contributing to a sense of disorientation.

Discussion and Conclusion: The results highlight the importance of designing urban spaces that are not only functional but also emotionally resonant and adaptable to different times of the day. In the case of Enghelab Street, enhancing nighttime vitality requires a multi-faceted approach that addresses both tangible and intangible aspects of urban design.

1. **Enhancing Lighting Design:**

Effective lighting is essential for improving both visibility and aesthetic appeal. Strategic illumination of key landmarks, pathways, and gathering spaces can reinforce the street's identity and create a sense of safety. The use of dynamic and interactive lighting technologies could further enhance the nighttime experience by drawing attention to cultural and historical features.

2. **Activating Nighttime Spaces:**

Introducing diverse nighttime activities—such as cultural festivals, street performances, and late-night markets—can attract a broader range of users and create a more vibrant social atmosphere. These activities should be tailored to the unique cultural and historical context of the street, emphasizing its role as a hub for education and the arts.

3. **Strengthening Cultural Narratives:**

To maintain the street's cultural and historical identity at night, design interventions could include interpretive installations, such as plaques, projections, or augmented reality experiences that narrate the history of key landmarks. These elements can help bridge the gap between the physical environment and users' mental imagery.

4. **Improving Urban Legibility:**

The spatial organization of the street must be optimized to enhance legibility. Clear signage, well-defined pathways, and visually distinct nodes can help users navigate the area more confidently, even at night.

5. **Addressing Security Concerns:**

Ensuring a safe environment is fundamental to encouraging nighttime activity. Increased police presence, community-based surveillance, and the integration of passive surveillance through well-lit and populated areas can mitigate safety concerns.

The study contributes to the broader field of urban design by demonstrating the interplay between physical, functional, and mental-social dimensions in shaping nighttime experiences. It underscores the importance of cultural-historical contexts in urban revitalization efforts and offers a replicable framework for assessing and enhancing the mental imagery of urban spaces.

For policymakers and urban planners, the findings highlight the need to prioritize nighttime vitality as a key component of urban sustainability. By addressing both the physical and psychological barriers to nighttime usage, cities can foster more inclusive, dynamic, and resilient urban environments.

Enghelab Street's decline in nighttime usage reflects a broader challenge faced by urban corridors worldwide: balancing functionality with identity, and day-to-night adaptability. This study underscores the critical role of mental imagery in shaping users' experiences and perceptions of urban spaces. By leveraging cultural and historical narratives, enhancing legibility, and activating nighttime spaces, urban designers can transform such corridors into vibrant, inclusive, and memorable places.

In conclusion, the research not only sheds light on the unique challenges and opportunities of Enghelab Street but also provides actionable insights for reimagining urban nighttime life. As cities continue to evolve, fostering social vitality through thoughtful design will remain a cornerstone of sustainable urban development.



Declarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

Conceptualization and study design: Monireh Haghgooei, Dr. Mohammadreza Pourjafar; Data collection and management: Monireh Haghgooei, Sousan Basiri; Data analysis and interpretation: Monireh Haghgooei, Dr. Mohammadreza Pourjafar; Illustration: Monireh Haghgooei; Draft writing: Monireh Haghgooei; Review and revision of the manuscript: Monireh Haghgooei, Dr. Mohammadreza Pourjafar, Sousan Basiri; Research project management: Monireh Haghgooei, Dr. Mohammadreza Pourjafar; Validation and final approval: Monireh Haghgooei, Dr. Mohammadreza Pourjafar, Sousan Basiri.

Acknowledgments:

No acknowledgments have been reported by the authors.

References

6. Behzadfar, M. (2008). *City identity: Tehran, a perspective on city identity* (2nd ed.). City Publishing Institute. [In Persian].
7. Bell, S. (2007). *Pattern, perception, and process* (B. Aminzadeh, Trans.) (2nd ed.). University of Tehran Press. [In Persian].
8. Carmona, M. (2009). *Public places, urban spaces* (F. Gharai, Trans.). University of Art. [In Persian].
9. Commission for Architecture and the Built Environment. (2010, October). www.cabe.org.uk. Retrieved from <http://www.cabe.org.uk>
10. Gell, Y. (2008). *Life in spaces between buildings* (S. Shasti, Trans.). Agricultural Jihad Organization. [In Persian].
11. Gell, Y. (2010). *Public spaces and collective life* (A. Ghafari, Trans.). Shahid Beheshti University Press. [In Persian].
12. Ghorbani-Nia, A. (2010). *Examination of patterns of nighttime social functions planning in urban public spaces* (Unpublished master's thesis). Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. [In Persian].
13. Golkar, K. (2011). A review of city images. *Safah Journal*, 34, 75. [In Persian].
14. Golkar, K. (2011). Visual environment of the city. *Environmental Sciences Journal*, 5(4), 95-144. [In Persian].
15. Habibi, R. S. (2008). Mental images and the concept of place. *Fine Arts Journal*, 35, 39-50. [In Persian].
16. Haghgooyi, M. (2011). *Evaluation of citizens' mental image of active urban axes at night and day* (Unpublished master's thesis). Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. [In Persian].
17. Institute of Alcohol Studies. (2010, September). *The 24 hour city: Condition critical*. Retrieved from <http://www.ias.org.uk/resources/publication/alcoholalert/alert200201/al200201-p4.html>
18. Kaplan, S. (1973). Cognitive maps in perception and thought. In R. M. Downs & D. Seta (Eds.), *Image and environment* (pp. 63-78). Chicago: Aldine.
19. Kempenaar, A., & van den Brink, A. (2018). Regional designing: A strategic design approach in landscape architecture. *Design Studies*, 54, 80-95. Elsevier - Science Direct.
20. Lang, J. (2004). *The latest architectural theory* (A. Rezaeifar, Trans.) (2nd ed.). University of Tehran Press. [In Persian].
21. Lynch, K. (2008). *The image of the city* (M. Mazini, Trans.) (8th ed.). University of Tehran Press. [In Persian].
22. Moughtin, C. (2003). *Urban design: Street and square*. Architectural Press.
23. Moughtin, C., Oc, T., & Tiesdell, S. (1995). *Urban design: Ornament and decoration*. Architectural Press.
24. Nasser, U. (1977). *Cognition and reality*. San Francisco: Freeman.
25. Norberg-Schulz, C. (2003). *Architecture, place, and meaning* (B. Barazjani, Trans.). Jan Jahani Publications. [In Persian].
26. Nurnberg-Schulz, C. (1965). *Intentions in architecture*. Cambridge, MA: MIT Press.
27. Pakzad, J. (2007). *The evolution of thoughts in urban planning (2): From quantity to quality*. New Towns Development Company.
28. Pakzad, J. (2010). The image of the city and what Kevin Lynch understood from it (pp. 149-169). In *Essays on architecture and urban design* (2nd ed.). Arman Shahr Publications. [In Persian].
29. Project for Public Spaces. (2010, October). www.pps.org. Retrieved from <http://www.pps.org>
30. Relf, E. (2010). *Place and placelessness* (M. Mohammadi, Trans.). Arman Shahr Publications. [In Persian].
31. Seyed Majidi, S. (2013). The role of memory in city streets [Interview with Kamran Zakaavat]. *Ettela'at Newspaper*. [In Persian].



Persian].

32. Stea, D. (1965). Space, territoriality, and human movements. *Landscape*, 15, 13–16.

Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





بهبود حیات اجتماعی شبانه محورهای تاریخی-فرهنگی از طریق ارتقاء تصویر ذهنی شهروندان در شب - نمونه موردی: خیابان انقلاب (میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر)*

منیره حقگویی^۱، محمدرضا پورجعفر^۲، سوسن بصیری^{۳*}

۱. کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استاد، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مشخصات مقاله

تاریخ ارسال	۱۴۰۳/۰۴/۳۰
تاریخ بازنگری	۱۴۰۳/۰۵/۱۶
تاریخ پذیرش	۱۴۰۳/۰۵/۲۵
تاریخ انتشار آنلاین	۱۴۰۳/۰۶/۲۶

چکیده

یکی از مباحث اساسی که در طراحی شهری باید به آن توجه کرد، آفرینش حیات اجتماعی شبانه در محورهای فرهنگی-تاریخی شهری است که به طور مستقیم تحت تأثیر ذهنیات و دیدگاه‌های شهروندان و گروه‌های مخاطب فضا است. در حال حاضر آنچه از شهر و فضای شهری در ذهن شهروندان نقش می‌بندد و تبلور اجتماعی آن به صورت حیات شهری رخ می‌نماید، اغلب مربوط به تصویری است که آن‌ها هنگام روز از محور دریافت می‌کنند. با وجود مطرح شدن حیات اجتماعی شبانه در چند دهه اخیر، هنوز اغلب طراحی‌ها برای روز انجام می‌شود. این پژوهش بر آن است تا با مقایسه تصویر ذهنی شهروندان در شب و روز و بهره‌گیری از معیارهای عمده شکل‌گیری تصویر ذهنی در شب در طراحی فضای شهر، مؤلفه کلیدی حیات اجتماعی شبانه شهر یعنی میزان خوانایی تصویر ذهنی در شب را در محورهای تاریخی-فرهنگی مورد کنکاش قرار دهد. روند انجام این پژوهش مبتنی بر روش تحلیلی-مشاهده مشارکتی است. بدین ترتیب که پس از بررسی خصوصیات کالبدی، عملکردی-اجتماعی و ذهنی-معنایی عناصر تصویر ذهنی (راه، گره، لبه، نشانه و محله) میزان اهمیت هر یک از آن‌ها در تشکیل تصویر ذهنی در شب و روز از طریق برداشت‌های میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه) در نمونه مطالعاتی ارزیابی می‌شود.

در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌شود که هر چقدر یک مکان دارای بستر مناسب برای فعالیت‌های مختلف و پیشینه فرهنگی-تاریخی بیشتری باشد، به ضخامت حافظه جمعی آن جامعه افزوده می‌شود و خاطره‌هایی در ذهن استفاده‌کنندگان آن فضا نقش می‌بندد که تصویر ذهنی آن‌ها از مکان را ارتقا می‌بخشد.

واژگان کلیدی

حیات اجتماعی شبانه
محورهای فرهنگی-تاریخی
خاطره جمعی
تصویر ذهنی
خوانایی

نکات شاخص

- این پژوهش ۴۱ شاخص کلیدی در ابعاد کالبدی-کاربری و اجتماعی که بر پویایی زندگی شبانه در فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد، شناسایی کرده است.
- کاربری‌های تفریحی، پارک‌های عمومی و امکانات رفاهی به‌عنوان شاخص‌های ریسک شناخته شده‌اند که نیاز به مدیریت استراتژیک برای حفظ پایداری پویایی شهری دارند.
- سینماها و مقیاس و تعداد فضاهای عمومی به‌عنوان تأثیرگذارترین عوامل در بهبود پویایی زندگی شبانه شناسایی شده‌اند.
- اشتغال شبانه، تعاملات اجتماعی و رویدادهای فرهنگی، به‌عنوان شاخص‌های بسیار حساس به عوامل بیرونی، نقش اساسی در پویایی زندگی شبانه شهری دارند.
- ایمنی و خوانایی، علی‌رغم اینکه به‌طور سنتی شاخص‌های کلیدی محسوب می‌شوند، در بافت تاریخی نصار نقش ثانویه‌ای ایفا می‌کنند.

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

حقگویی، م، پورجعفر، م، ر، و بصیری، س. (۱۴۰۳). بهبود حیات اجتماعی شبانه محورهای تاریخی-فرهنگی از طریق ارتقای تصویر ذهنی شهروندان در شب. نمونه موردی: خیابان انقلاب (میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر). *نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران*، ۱(۱)، ۱۶۰-۱۴۱.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد منیره حقگویی؛ با عنوان «ارزیابی تصویر ذهنی شهروندان از محورهای فعال شهری در شب و روز» به راهنمایی دکتر محمد رضا پورجعفر است که در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس ارائه گردیده است.

** نویسنده مسئول: سوسن بصیری

آدرس پستی نویسنده مسئول: bassiri11@gmail.com





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Enhancing Urban Nightlife of Historical-Cultural Axes by Improving Citizens' Image at Night – Case study: Enghelab Street (Enghelab Square to Valiasr Intersection)*

Monireh Haghgooyi¹, Mohammadreza Pourjafar², Sousan Basiri^{3,**}

1. Master of Urban Design, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

3. Master of Urban Design, Department of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

This study examines the role of cultural and historical corridors in enhancing urban social life at night, with a focus on Enghelab Street in Tehran. Urban design has historically prioritized daytime activities, often neglecting the unique spatial and psychological needs of nighttime environments. This research explores how mental imagery of urban spaces differs between day and night, highlighting the role of key urban elements such as paths, nodes, edges, landmarks, and districts. Using surveys, interviews, and mental mapping techniques with 150 participants, the study identifies significant contrasts in citizens' perceptions. While landmarks like the University of Tehran and City Theater strongly influence mental images during the day, their impact diminishes at night due to inadequate lighting, reduced social activity, and safety concerns. The findings underscore the critical role of lighting design, vibrant activities, and safety measures in creating engaging and inclusive nighttime spaces. Recommendations include dynamic lighting to enhance visibility and emphasize landmarks, introducing diverse cultural and recreational activities, and improving public safety through visible surveillance and active foot traffic. Additionally, leveraging the cultural and historical identity of Enghelab Street can foster collective memory and create a meaningful nighttime environment. This research offers actionable insights for urban planners and policymakers, demonstrating how cultural corridors can simultaneously preserve their historical significance and adapt to contemporary social needs, setting a benchmark for nighttime urban design in Tehran and beyond.

Highlights

- Day-Night Perception Differences: Landmarks like the University of Tehran and City Theater shape strong mental images during the day, but at night, poor lighting, reduced activities, and safety concerns diminish their impact.
- Challenges for Nighttime Use: Limited visibility, lack of vibrant activities, and safety issues hinder social engagement and the formation of clear mental imagery at night.
- Enhancing Nighttime Vitality: Proposed solutions include dynamic lighting, diverse cultural and recreational activities, improved safety measures, and fostering public interaction to revitalize Enghelab Street at night.
- Leveraging Cultural Identity: By emphasizing its historical and cultural significance, Enghelab Street can become an inclusive, dynamic hub for nighttime activity, setting a model for similar urban corridors.

Citation of the article

Haghgooyi, M., Pourjafar, M. R., & Basiri, S. (2024). Enhancing nighttime social life of historical-cultural axes through improving citizens' mental image at night. Case study: Enghelab Street (from Enghelab Square to Vali-e-Asr Crossroad). *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 141-160.

*This article is taken from Monireh Haqgoui's master's thesis entitled "Evaluating Citizens' Mental Image of Active Urban Axes During the Day and Night" under the supervision of Dr. Mohammad Reza Pourjafar, which was presented at the Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University.

**Author Corresponding:

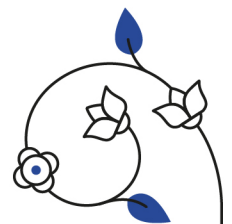
Email: bassiri11@gmail.com

ARTICLE INFO

Received	20/07/2024
Revised	06/08/2024
Accepted	22/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

night life
cultural and historical axis
common memories
city image
legibility



مقدمه

محورهای فرهنگی و تاریخی شهری با فعالیت‌های درونی آن تعریف می‌شود و همین فعالیت‌ها و روابط مابین انسان‌ها، تصاویر ذهنی و از سوی دیگر خاطره شهری را سبب می‌شود. بدین معنی که هر چقدر یک مکان دارای بستر مناسب بیشتری برای فعالیت‌های مختلف باشد، به ضخامت حافظه جمعی آن جامعه افزوده می‌شود. براساس فعالیت‌هایی که در یک مکان انجام می‌شود، خاطره‌هایی در ذهن استفاده‌کنندگان آن فضا نقش می‌بندد و جزئی از تصویر ذهنی آن‌ها از مکان می‌شود؛ بنابراین برای بهبود حیات شبانه اجتماعی نیاز به وجود فضاهای عمومی غنی در شب حس می‌شود. ارتقای تصاویر ذهنی خوانا و مطلوب از فضاهای شهری در شب می‌تواند به سرزندگی و کیفیت آن فضاها در شب و در نهایت ایجاد حیات شبانه اجتماعی شهر بینجامد.

پرداختن به تصاویر ذهنی ساکنان از آن جهت اهمیت بیشتری می‌یابد که به دنبال آن، کیفیاتی نظیر معنی، هویت و خوانایی مطرح می‌شود. اکثر مدیران و کارشناسان ما در عمل بین ذهنیت و عینیت تفاوتی نمی‌گذارند و به آنچه در ذهن شهروند می‌گذرد اهمیت نمی‌دهند. ایشان در تئوری و عمل، به تصاویری که شهروند ایرانی براساس تجربیات فردی و جمعی خود در طول تاریخ، در ذهن خود از مکان‌های زندگی‌اش پرورانده است، بی‌توجه‌اند.

تصویر ذهنی شهروندان از شهر در شب متفاوت است؛ بنابراین می‌توان با در نظر گرفتن معیارهای شکل‌گیری تصویر ذهنی در شب و با تأکید بر عناصر عمده تأثیرگذار بر آن در طراحی فضای شهری موجب ارتقای تصویر ذهنی شهر در شب و خوانایی و پویایی هرچه بیشتر محور و در نتیجه ارتقای حیات اجتماعی شبانه در آن شد.

محور انقلاب تا چهارراه ولیعصر به علت وجود کاربری‌های کلان آموزشی و فرهنگی از جمله تئاتر شهر، دانشگاه تهران، سینما سپیده و کاربری‌های تفریحی گردشگری و همچنین مراکز پایانه‌ای متعدد که این محور را تبدیل به نوعی شاهراه ارتباطی در سطح شهر کرده است، به عنوان یک محور فعال شهری هم در روز و هم در شب مطرح است؛ همچنین محور انقلاب در طی دهه‌های اخیر توسعه شهری تهران به تدریج عرصه تحولات کالبدی، فضایی و سیاسی تأثیرگذار در سطح ملی و حتی بین‌المللی گردیده است که هویت باارزش آن به خصوص در دوران معاصر می‌تواند تصویری یادمانی و بامعنا از این محور در ذهن شهروندان تداعی کند که متأسفانه در حال حاضر از ضعف طراحی به‌ویژه در شب‌هنگام رنج می‌برد.

در این پژوهش در راستای تحقق‌پذیری و سودمندی طراحی و توجه به دیدگاه و ذهنیات شهروندان، از چهار گروه اصلی کسبه و ساکنان، دانشجویان، گردشگران و عابران به صورت پرسش‌نامه باز (مصاحبه و گفت‌وگو)، پخش پرسش‌نامه کتبی و ترسیم نقشه ذهنی از محور و مهم‌ترین کانون‌های آن انجام شده و نیازها و توقعات فضایی آن‌ها از محور مورد مطالعه استخراج گردیده است. پس از استخراج و بررسی نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها، عناصر تأثیرگذار در تشکیل تصویر ذهنی در شب با توجه به میزان تأثیرگذاری آن‌ها استخراج شده و در نهایت راهکارها و پیشنهادهایی برای ارتقای تصویر ذهنی و همچنین تزریق حیات اجتماعی شبانه به محور ارائه شده است.

حیات اجتماعی شبانه شهر

«فضا زمانی برای ما دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی کرده و از طرف دیگر خود نیز به عنوان موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نموده و بالاخره بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم» (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۲۶).

یان گل^۱ (۱۹۳۶) فعالیت‌های بیرونی در فضاهای عمومی را در سه گروه طبقه‌بندی کرده است که هر یک نیازمند خصوصیات متفاوتی در محیط مصنوع هستند: فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی. هرچه فعالیت‌هایی که در یک فضای شهری رخ می‌دهد به سمت فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی سوق داده شود، آن فضا از سرزندگی و حیات اجتماعی غنی‌تری برخوردار خواهد بود.

از قرن نوزدهم به بعد و در پی نظم ناشی از انقلاب صنعتی و توسعه بعدی آن یک سازمان‌یافتگی اجتماعی بر گرد زمان کار شکل گرفت و کم‌کم تمام رفتارهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد که تا امروز ادامه یافته است. در شهرهای امروز بخش اصلی خدمات اوقات فراغت و فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی براساس نظم زمانی ترسیم شده بر پایه ساعت کاری انجام



می‌گیرد. این زمان‌بندی رفتاری، اختلال‌های کارکردی اجتماعی زیادی ایجاد کرده است که در زمینه‌هایی چون تحرک شهری (راه‌اندان‌ها) سرگرمی‌ها (انباشت و ازدحام در برخی زمان‌ها، دوره‌ها، آخر هفته‌ها و هزینه‌های ناشی از آن‌ها) و به‌طور کلی در زندگی روزمره (افزایش زمان انتظار در صف‌های مختلف) دیده می‌شود.

در اکثر شهرهای دنیا روز، زمان کار و فعالیت‌های ضروری است و هرچه به سمت عصر و شب پیش می‌رویم، شمار فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی افزایش می‌یابد. فعالیت‌های تفریحی همچون رفتن به رستوران‌ها، کافه‌ها، باشگاه‌ها، فعالیت‌های فرهنگی همچون تئاتر و سینما معمولاً در نیمه دوم روز اتفاق می‌افتند.

تشویق شهروندان به فعالیت بیشتر در ساعات شبانه علاوه بر اینکه بر رونق شهر می‌افزاید، از طریق ازدیاد ساعات مناسب برای فعالیت، از تراکم و تراجم فعالیت‌های روزانه نیز می‌کاهد.

ازجمله فواید این فعالیت‌ها می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- افزایش سرزندگی و نشاط در بسیاری از مردم و افزایش فعالیت در خیابان‌ها؛
- کمک به احیای مکان‌هایی که احتیاج به احیا و بازنده‌سازی دارند و جذاب‌تر و زندگی‌پذیر کردن این مناطق برای ساکنان و بازدیدکنندگان؛
- کمک به رشد اقتصاد شهری و محلی از طریق خلق فرصت‌های تجاری و تولید شغل؛
- کمک به ارتقای کیفیت روابط اجتماعی و توسعه فرهنگی شهر؛
- ایجاد امنیت.

ازطرفی حضور فعالیت‌های شبانه در شهر باعث ارتقای کیفیت روابط اجتماعی و توسعه فرهنگی می‌شود و سهم مؤثری در اقتصاد داخلی شهرها دارد. وجود فعالیت‌های تفریحی، فرهنگی و اجتماعی در ساعات بعد از کار باعث ایجاد سرزندگی و نشاط در بسیاری از مردم می‌شود و همچنین بر میزان فعالیت در خیابان‌ها می‌افزاید.

برای آفرینش حیات اجتماعی شبانه در شهر و ارتقای تصویر ذهنی شهروندان از محور فعال شهری در شب صرفاً روشنایی و قابل رؤیت بودن آن، هرچند شرط لازمی است، کافی نیست. همان‌طور که گفته شد، تصویر ذهنی غنی از محیط نیازمند داشتن ادراک قوی از آن محیط است و هرچه محیط خواناتر و دارای هویت و معنا و خاطره خاصی برای شخص باشد و شخص در آن محیط فعالیت کند و به دخل و تصرف در آن بپردازد، تصویر او از محیط غنی‌تر خواهد شد.

تصویر ذهنی شبانه و عوامل مؤثر بر آن

یکی از مباحث اساسی که در طرح شهری باید مورد توجه قرار گیرد، ذهنیات و دیدگاه‌های شهروندان و گروه‌های مخاطب فضاست. ادراک انسان از محیط و به دنبال آن شکل‌گیری تصویری از محیط متأثر از شکل فضایی و کیفیات قابل ارائه از سوی منظر مورد مشاهده است.

یکی از مفاهیمی که امروزه در دانش طراحی شهری، نقشی محوری یافته است، واژه (Image) و برگردان آن به فارسی یعنی سیما یا تصویر ذهنی است. مفهوم تصویر ذهنی اولین بار توسط کوین لینچ آ وارد ادبیات طراحی شهری شد. تصویر ذهنی یا سیمای شهر از نظر راپاپورت «کلیتی است که حتی پس از ترک محیط نیز در خاطر انسان می‌ماند؛ چراکه انسان را در مجموعه اجزا به شمار آورده، آن را با کلیت شهر درگیر می‌نماید. تصویر ذهنی شهر، درواقع کلیت به‌هم‌پیوسته‌ای از نمادها و نشانه‌هاست که به مفاهیم، ارزش‌ها، معانی و چیزهایی شبیه به آن واقعیت می‌بخشد» (راپاپورت، ۱۹۷۷: ۸).

سیما یا تصویر ذهنی ایجادشده، تصور شهروند از محیط بوده و به همین دلیل با واقعیت موجود انطباق کامل ندارد. شهروند براساس این تصویر ذهنی رفتار می‌کند و نه براساس واقعیت‌های موجود.

«به‌گفته لینچ منظور از تصویر ذهنی یا سیما کلیه برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود داشته، ارزش، کیفیات، عملکرد و اولویتهای متفاوت را در ذهن وی ایجاد می‌نماید. این ذهنیات تابعی است از کلیه اطلاعاتی که فرد تا آن برهه از زمان دریافت کرده و در ذهن خود انباشته است» (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۶).

تصویر ذهنی طی دو فرایند «احساس» و «ادراک» شکل می‌گیرد. در مرحله نخست شخص توسط حواس خود اطلاعاتی از محیط را در ذهن ثبت می‌کند. هرچه توانایی‌های حسی (بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه) انسان بیشتر باشد، اطلاعات به‌صورت واضح‌تری به مغز مخابره می‌شود. در مرحله بعدی که ادراک نام دارد، ذهن شروع به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌کند و آن را با



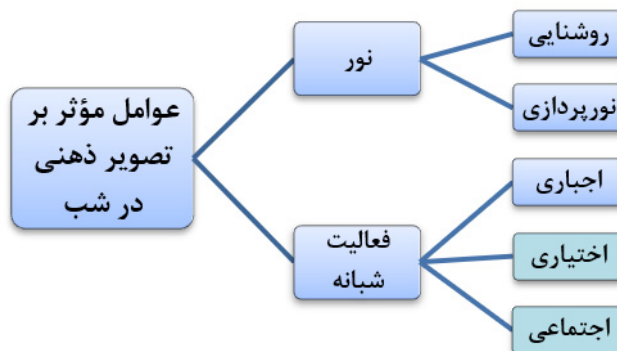
اطلاعات گذشته خود می‌سازد.

جدول ۱- عوامل سازمان‌دهنده تصویر ذهنی از دیدگاه نظریه پردازان رویکرد ادراکی - زمینه‌گرا - مأخذ: نگارندگان

نظریه پردازان رویکرد ادراکی - زمینه‌گرا						
رلف	کولج	دیوید استیا	نوربرگ شولتز	اپل یارد	لینچ	عوامل سازمان‌دهنده تصویر ذهنی
معنا، فعالیت فرم	مکان‌ها، ارتباطات مناطق	نقاط، حریم‌ها راه‌ها، موانع	مکان، راه، قلمرو	عناصر متوالی (راه، گره) عناصر فضایی (نشانه، محله، لبه)	راه، گره، لبه، نشانه، حوزه	

بدیهی است که عوامل تأثیرگذار بر ادراک از محیط فقط عوامل کالبدی نیست. مکان‌هایی وجود دارند که صرفاً به‌علت فعالیت اجتماعی خاصی که در آن‌ها شکل می‌گیرد یا خاطره جمعی که از آن مکان‌ها در ذهن شهروندان نقش بسته و نه به‌علت کالبدشان دارای هویت خاص و در نتیجه تصویر ذهنی قوی و غنی‌ای هستند؛ بنابراین کالبد، اجتماع و ذهن به‌طور قطعی بر ایجاد تصویر ذهنی از فضا تأثیرگذارند و باید برای سنجش تصویر ذهنی، مکان را از سه بُعد کالبدی، عملکرد- اجتماعی و ذهنی - معنایی تحلیل کرد.

در ارزیابی تصویر ذهنی در شب و روز می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شب به‌علت ضعف بینایی که در واقع ناشی از کمبود یا فقدان نور است، مرحله نخست تشکیل تصویر ذهنی که همان «احساس» است، دچار خدشه می‌شود و تصویر واضحی در این مرحله از محیط در ذهن بیننده شکل نخواهد گرفت؛ بنابراین می‌توان با نورپردازی مناسب عناصر تشکیل‌دهنده تصویر ذهنی (راه، گره، لبه، نشانه، حوزه) این ضعف را تا حدودی برطرف کرد و حتی با نورپردازی مناسب می‌توان تأثیر هر یک از این عناصر را در شکل‌گیری تصویر دوچندان نمود.

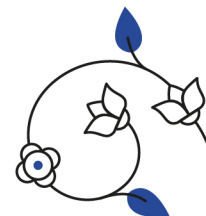


نمودار ۱- معیارهای ارزیابی تصویر ذهنی در شب - مأخذ: نگارندگان

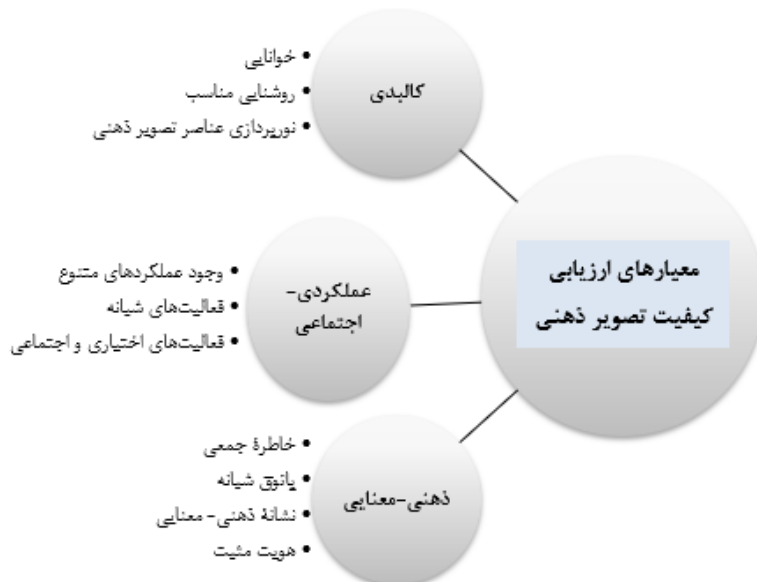
بنابراین دو عامل نور و فعالیت شبانه به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل تمایز تصویر ذهنی در روز و شب مطرح می‌شود. در نتیجه با نورپردازی مناسب عناصر عمده تصویر ذهنی شبانه و ایجاد زمینه برای حضور مردم در شب از طریق فعالیت‌های شبانه و همچنین بررسی پتانسیل‌های موجود در محور می‌توان موجب ارتقای تصویر ذهنی و تداوم حیات اجتماعی شبانه و به‌سبب آن موجب خلق معنا و هویت برای محور شد.

معیارهای ارزیابی تصویر ذهنی در شب و روز

با توجه به آنچه تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که معیارهای ارزیابی تصویر ذهنی در شب در محورهای فرهنگی - تاریخی همچون انقلاب، وجود هریک از عناصر تشکیل‌دهنده تصویر ذهنی به‌لحاظ کالبدی، عملکردی - اجتماعی و ذهنی - معنایی و همچنین امکان رؤیت آن‌ها در شب (روشنایی یا نورپردازی مناسب) و فعال بودن فضای شهری در



شب است (نمودار ۲).



نمودار ۲- معیارهای ارزیابی تصویر ذهنی در شب- مأخذ: نگارندگان

نمونه موردی

خیابان انقلاب در سیمای کلان‌شهر تهران یکی از مهم‌ترین محورهای شهری است. با توجه به مرکزیت جغرافیایی در سطح شهر تهران و اینکه مهم‌ترین محور شرقی غربی شهر است و با محورهای اصلی شمالی جنوبی تهران تقاطع دارد. از طرفی این محور در مقاطع تاریخی مختلف، شاهد وقایع مهم و تأثیرگذار به‌خصوص در تاریخ معاصر بوده است. مکان‌های خاطره‌انگیزی همچون سردر دانشگاه تهران، خیابان ۱۶ آذر، تئاتر شهر، پژوهشکده فرهنگ و ادب و سایر مکان‌های تاریخی واقع در این محور گواه این واقعیت‌اند. خیابان انقلاب به‌لحاظ فرهنگی نیز به‌علت وجود کاربری‌هایی نظیر دانشگاه تهران به‌عنوان مهم‌ترین قطب علمی شهر (حتی کشور) و تئاتر شهر به‌عنوان مهم‌ترین قطب فرهنگی، از پتانسیل‌های فراوانی برای تبدیل شدن به محور فعال فرهنگی-تاریخی شهری هم در روز و هم در شب برخوردار است. متأسفانه این محور ارزشمند در شب به مکانی ناامن و تاریک و مرده تبدیل شده و هویت خود را از دست داده است. همچنین این محور از لحاظ خوانایی فاقد ادراک مکانی و محیطی در مقیاس کلان‌شهر است که لازم است با توجه به این ارزش، به‌منظور ارتقای ادراک مکانی و محیطی و تقویت حیات اجتماعی شبانه، تدابیری در نظر گرفته شود.

اولین گام‌های شکل‌گیری این منطقه در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ و با تخریب باروهای ناصری در مسیر خندق شمالی تهران و با احداث خیابان انقلاب به طول ۵ کیلومتر برداشته شد. توسعه این منطقه از همان زمان با استقرار و مکان‌گزینی بسیاری از عناصر حکومتی، آموزشی و فرهنگی، به‌نوعی پذیرای اقشار تصمیم‌ساز سیاسی و اجتماعی بوده و در نتیجه منشأ تأثیرات اساسی در تحولات بعدی و ساختار شهر تهران بوده است (مهندسین مشاور نقش جهان پارس، ۱۳۸۶: ۱۲).

پیش از این نیز گفته شد که شهروندان در نقشه‌هایی که در ذهن از محل سکونت خود ترسیم می‌کنند، عناصر موجود در محیط خود را به پنج صورت گره، لبه، نشانه، راه، ناحیه تفکیک می‌کنند که ما از آن‌ها با عنوان عناصر تصویر ذهنی یاد کردیم. هریک از این عناصر به‌لحاظ کالبدی، عملکردی و ذهنی می‌توانند تصویر ما از شهر را خواناتر و واضح‌تر کنند یا با تداعی معنا و خاطره‌ای خاص باعث غنای تصویر ذهنی ما از مکان مورد نظر شوند.

در این پژوهش عوامل پنج‌گانه تأثیرگذار بر تصویر ذهنی از دیدگاه لینچ در محدوده مورد مطالعه، بررسی شده و نقش هریک در سه زمینه کالبدی، عملکردی و ذهنی‌معنایی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و استفاده‌کنندگان این فضاها مورد بررسی قرار گرفته است. نخست با تحلیل پرسش‌نامه‌ها مشخص خواهد شد که کدام‌یک از شاخص‌های کالبدی، عملکردی و ذهنی‌معنایی و به چه میزان در شکل‌گیری تصویر ذهنی مؤثرترند و تفاوت میزان این تأثیرگذاری در شب و روز کدام است. درنهایت به ارزیابی میزان تأثیر هریک از این عوامل پنج‌گانه بر ارتقای تصویر ذهنی در شب پرداخته خواهد شد.



برای این منظور از ۱۵۰ نفر که ترکیبی از ساکنان، شاغلان، عابران و خریداران و ۵۰ نفر متخصصان شهرسازی و معماری در سنین و جنسیت‌های مختلف بوده‌اند، خواسته شده است که پرسش‌نامه‌هایی را در رابطه با تصویر ذهنی‌شان از محدوده مورد نظر پر کنند و به ترسیم نقشه یا کروکی محور انقلاب تا چهارراه ولیعصر بپردازند. پاسخ‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها در جدول ۲ مشخص شده است که در ادامه به تحلیل آن‌ها پرداخته خواهد شد. جدول ۲ پاسخ‌های استخراج‌شده از پرسش‌نامه را به تفکیک شب و روز و با بیان علت تفاوت در موردهای خاص بررسی کرده است.

جدول ۲- پاسخ‌های استخراج‌شده از پرسش‌نامه به تفکیک شب و روز- مأخذ: نگارندگان

عوامل بررسی شده	زمان	نتایج	ملاحظات
شاخص‌ترین مکان	روز	دانشگاه تهران	
	شب	تئاتر شهر	
شاخص‌ترین عملکرد	روز	تجاری-ارتباطی	
	شب	تفریحی- فرهنگی	
استفاده از فضا	روز	+	کار و ضرورت
	شب		
تمایل استفاده از فضا	روز	+	امنیت
	شب		
فعالیت	روز	+	اجباری و ضروری
	شب		اجباری و اختیاری
شاخص‌های مؤثر بر ادراک	روز	نشانه عملکردی- اجتماعی	
	شب	نشانه عملکردی و ذهنی- معنایی	
امنیت	روز	+	حضور پلیس و مردم و روشنایی
	شب		خلوت و تاریک
امن‌ترین مکان	روز	کل محور به‌خصوص میدان انقلاب	
	شب	میدان انقلاب و چهارراه ولیعصر	روشنایی مناسب و حضور مردم
خوانایی	روز	+	راه
	شب		نشانه
مؤثرترین عنصر در خوانایی	روز	راه، نشانه عملکردی	علت رجوع
	شب	نشانه کالبدی	کنتراست
دلپذیری سیمای محور	روز		
	شب	+	ازدحام و شلوغی کمتر
هویت مکان	روز	شلوغ، آلوده، ترافیک، ازدحام	
	شب	خلوت، تاریک، ناامن، ساکت	



خاطره		انقلاب، راهپیمایی و اعتراضات، جشنواره فیلم و تئاتر، حادثه ۱۸ تیر، قرارهای ملاقات شخصی، روز دانشجو
مکان‌های مراجعه	روز	کتابفروشی‌ها، دانشگاه
	شب	میدان انقلاب، تئاتر شهر، سینما، کافه
شاخص‌ترین مکان‌های قرار ملاقات	روز	میدان انقلاب
	شب	چهارراه ولیعصر

در نمودار ۴-۱- میزان تأثیر هر یک از عناصر تصویر ذهنی به لحاظ کالبدی، عملکردی- اجتماعی و ذهنی- معنایی نشان داده شده است.

شاخص‌های عملکردی تصویر ذهنی (گره، لبه، نشانه، حوزه و راه) شاخص‌هایی هستند که به علت کاربری خاصی که دارند و طبق میزان نیاز شهروندان، در ذهن آن‌ها اولویت‌بندی شده‌اند و در ایجاد تصویر ذهنی به میزان چشمگیری ایفای نقش می‌کنند.

شاخص‌های کالبدی تصویر ذهنی (گره، لبه، نشانه، حوزه و راه) به لحاظ فرم و ویژگی‌های منحصر به فرد فیزیکی و زیبایی‌شناسی، توجه شهروندان را به خود جلب می‌کنند و نسبت به میزان دقت ناظر و قوت فرمی شاخص‌ها تأثیر متفاوتی بر تصویر ذهنی شهروندان می‌گذارند.

شاخص‌های ذهنی- معنایی، نه به لحاظ شکل فیزیکی منحصر به فرد و نه به لحاظ عملکرد خاص آن‌ها تعریف می‌شوند. کالبد و عملکرد هم‌راستا با معنای (رویداد و خاطرات جمعی) مکان می‌تواند میزان تأثیر این شاخص‌ها را در تصویر ذهنی افزایش دهد؛ اما در واقع می‌توان گفت که شاخص‌های ذهنی- معنایی شاخص‌هایی عمیق‌تر و شخصی‌تر هستند و ریشه در خاطرات و رویدادها و تصاویر گذشته دارند.

همان‌طور که در نمودار دیده می‌شود، اکثر استفاده‌کنندگان محور مورد نظر، آن را محوری تجاری دانسته و لبه کتابفروشی‌ها و دانشگاه تهران به لحاظ عملکرد خاص آن را خصوصیت بارز این محور می‌دانند و برای انجام فعالیت‌های ضروری به آن مراجعه می‌کنند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت شاخص‌های عملکردی بیشترین تأثیر را در تصویر ذهنی شهروندان می‌گذارند و شهروندان راحت‌تر آن‌ها را به خاطر می‌آورند. از میان پنج عنصر تصویر ذهنی نیز پرسش‌شوندگان به راه، گره، لبه، نشانه، و حوزه عملکردی بیش از سایر عناصر اشاره کرده‌اند. برای مثال لبه کتابفروشی‌ها یا دانشگاه تهران از لحاظ عملکرد، حوزه دانشگاهی، ترمینال‌های اتوبوس‌های درون‌شهری و غیره بیش از سردر دانشگاه تهران یا تئاتر شهر به لحاظ کالبد خاص آن یا ۱۶ آذر و میدان انقلاب به لحاظ رویدادهای تاریخی آن، در ذهن شهروندان ماندگار شده است.

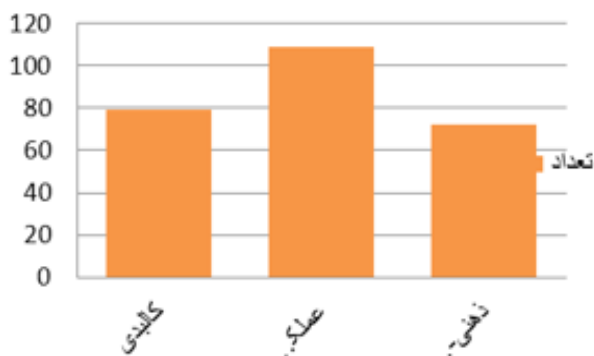
۱۱۳ نفر از ۱۵۰ نفر پرسش‌شونده در محور انقلاب تا چهارراه ولیعصر فقط در روز از این محور استفاده می‌کنند و نزدیک به ۸۵ درصد آن‌ها برای خرید کتاب و فعالیت‌های اجباری- ضروری به این محور مراجعه می‌کنند. این افراد عملکرد شاخص محور انقلاب در روز را عملکردی تجاری به لحاظ لبه کتابفروشی‌ها دانسته‌اند و شاخص‌ترین مکان‌ها از نظر آن‌ها در این محور لبه کتابفروشی‌ها و دانشگاه تهران به لحاظ اهمیت کاربری خاص آن بوده است.

همان‌طور که در نمودارهای ۴، ۵ و ۶ می‌بینیم، نشانه در هر سه بُعد کالبدی، عملکردی و معنایی بیش از سایر عناصر تصویر ذهنی در ذهن شهروندان نقش بسته است و وقتی آن را در سه بُعد کالبدی، عملکردی و معنایی مقایسه کنیم، می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که یک نشانه عملکردی- اجتماعی بیش از سایر عناصر در تصویر ذهنی شهروندان در این محور تأثیرگذار است. نتایج به دست آمده در شب نیز به همین صورت بوده است؛ با این تفاوت که با نورپردازی و شاخص کردن بناهای بااهمیت همچون تئاتر شهر یا سردر دانشگاه نشانه کالبدی نیز از اهمیتی تقریباً مساوی با نشانه عملکردی برخوردار شده و به همان میزان در تصویر ذهنی شهروندان مؤثر بوده است.



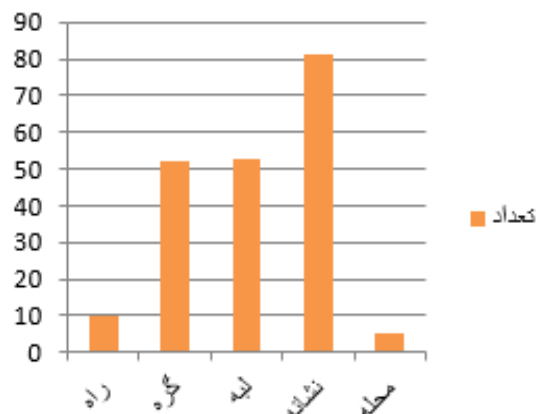


میزان تاثیر شاخص های کالبدی - عملکردی - معنایی



نمودار ۴- میزان تأثیر هریک از شاخص های کالبدی مؤثر بر تصویر ذهنی، مأخذ: نگارندگان

میزان تأثیر هریک از شاخص های کالبدی مؤثر بر تصویر ذهنی

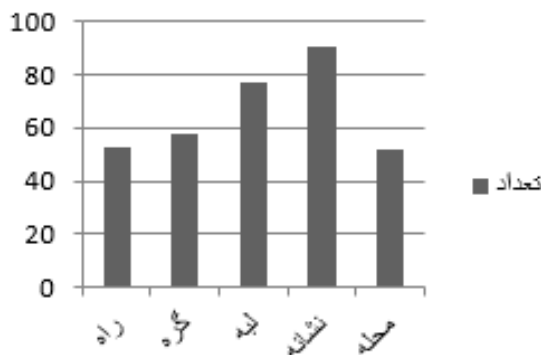


نمودار ۳- میزان تأثیر شاخص های کالبدی - عملکردی - معنایی بر تصویر ذهنی، مأخذ: نگارندگان

تعداد ۶۲ نفر از پرسش‌شوندگان دانشگاه تهران، تئاتر شهر و پاتوق‌هایی همچون آش نیکو صفت و کافه فرانسه را نماد و سمبل محور انقلاب و یادآور خاطرات و اتفاقات خاص گذشته دانسته‌اند و از آن‌ها به‌عنوان شاخص‌ترین مکان‌های محور یاد کرده‌اند.

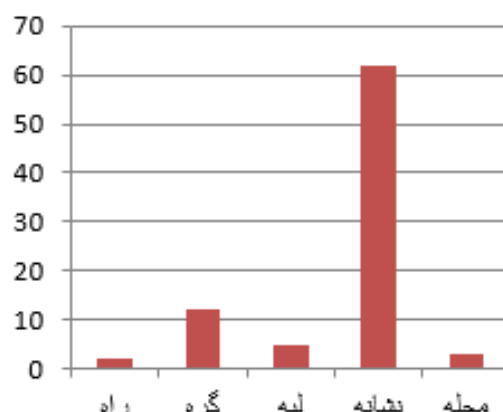
می‌توان نتیجه گرفت که در بُعد ذهنی - معنایی نیز یک نشانه که سمبل حوادث و اتفاقات خاص است، می‌تواند تأثیرگذارترین عنصر در تشکیل و ارتقای تصویر ذهنی شهروندان باشد. عملکرد شاخص این محور از دیدگاه این عده، محوری برای تجمعات انسانی و هسته اولیه جریان‌های سیاسی بوده است. پرسش‌شوندگان به حوزه دانشگاه تهران به‌عنوان حوزه حساس سیاسی و مسیرهای راهپیمایی، محل گردهمایی‌ها و حتی مکان دست‌فروش‌ها به‌عنوان گره اشاره کرده‌اند (نمودار ۶).

میزان تأثیر هریک از شاخص های عملکردی - اجتماعی مؤثر بر تصویر ذهنی



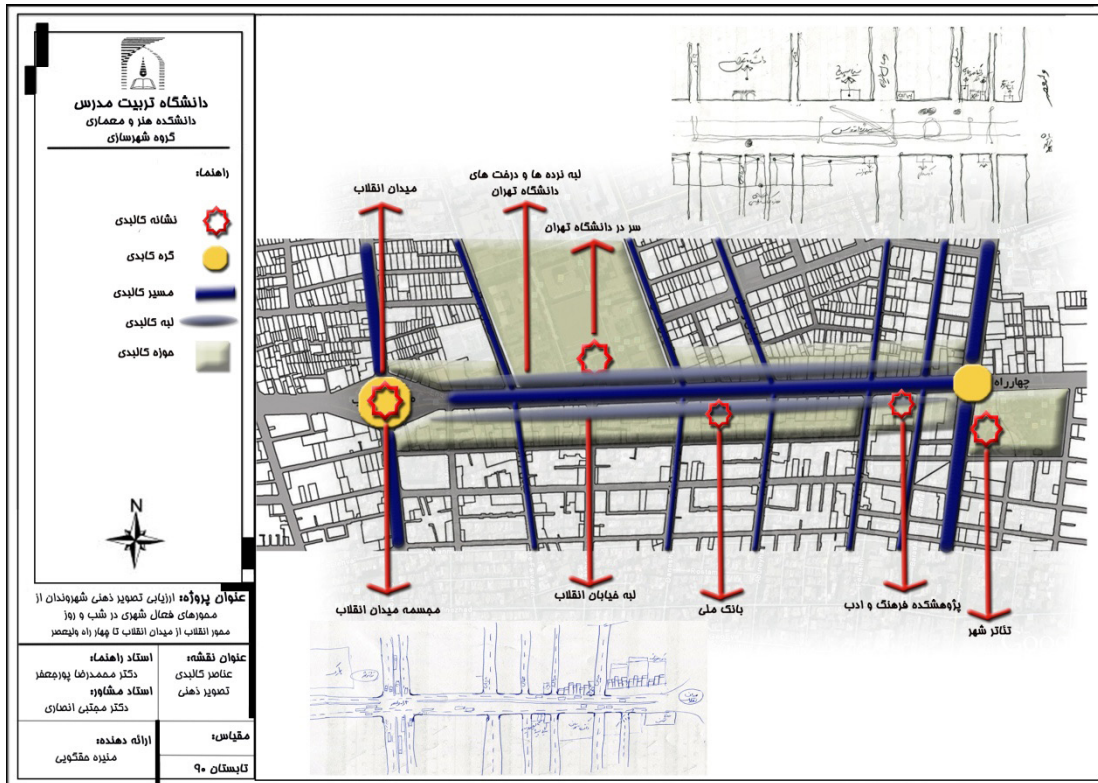
نمودار ۶- میزان تأثیر هریک از شاخص های ذهنی - معنایی مؤثر بر تصویر ذهنی - مأخذ: نگارندگان

میزان تأثیر هریک از شاخص های ذهنی - معنایی مؤثر بر تصویر ذهنی

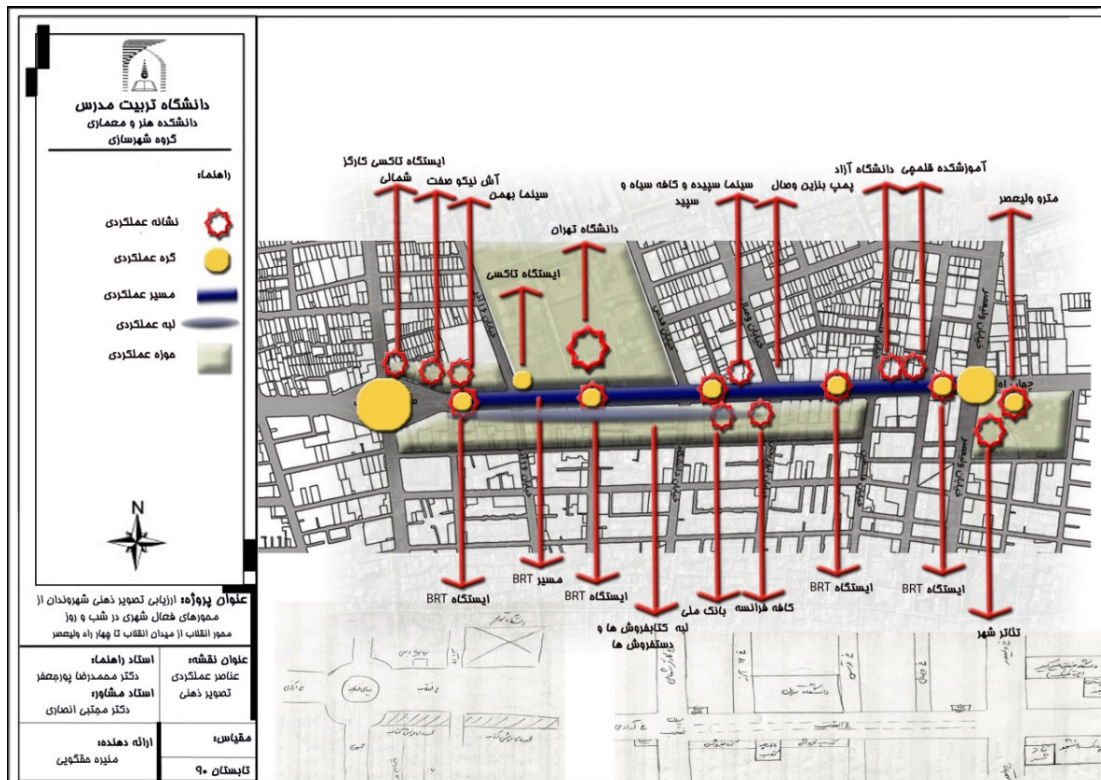


نمودار ۵- میزان تأثیر هریک از شاخص های عملکردی - اجتماعی مؤثر بر تصویر ذهنی - مأخذ: نگارندگان

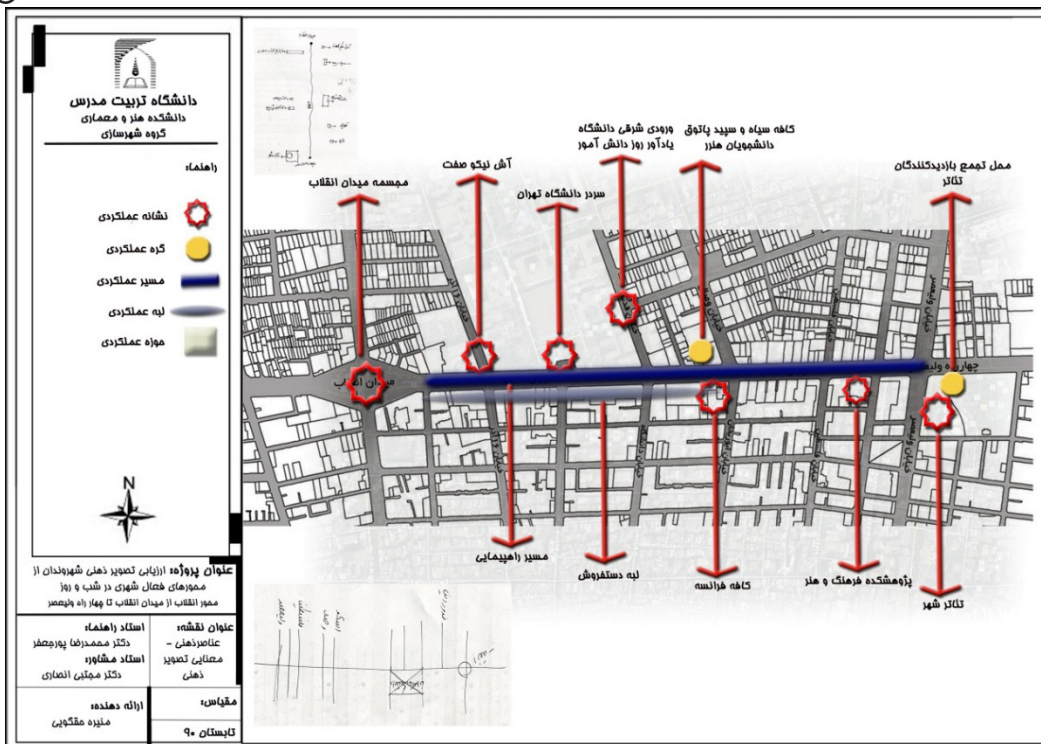




نقشه ۱- عناصر کابندی تصویر ذهنی محور انقلاب (میدان انقلاب تا چهارراه ولیعصر- مأخذ: نگارندگان)



نقشه ۲- عناصر عملکردی- اجتماعی تصویر ذهنی در محور انقلاب تا چهارراه ولیعصر- مأخذ: نگارندگان



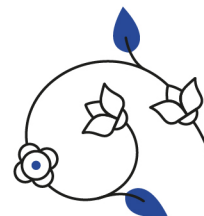
نقشه ۳- عناصر ذهنی - معنایی تصویر ذهنی در محور انقلاب تا چهارراه ولیعصر - مأخذ: نگارندگان

از سوی دیگر، وقتی تمایل شهروندان را در استفاده از محور در شب و روز ارزیابی کردیم، نبود امنیت از بزرگترین علل تمایل نداشتن افراد به استفاده از این محور بود که یا به علت تاریکی و روشنایی نامناسب محور ایجاد می‌شود یا ناشی از خلوتی بیش از حد و عدم حضور افراد در این ساعات شب است. برای بررسی میزان امنیت محور از سه شاخص کالبدی، کارکردی - عملکردی و اجتماعی در این تحقیق استفاده شده است و معیارهایی در هر زمینه کالبدی، کارکردی - عملکردی و اجتماعی برای سنجش امنیت در محور در جدول ۳ تعیین شده است.

جدول ۳- شاخص‌های تأثیرگذار بر امنیت - مأخذ: نگارندگان

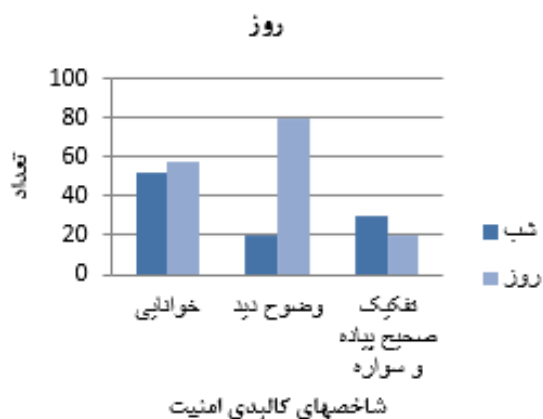
شاخص‌ها	معیارهای ارزیابی	امنیت
کالبدی	خوانایی، وضوح دید، تفکیک صحیح پیاده و سواره	
عملکردی	اختلاط کاربری، کاربری‌های متنوع و چندکارکردی کردن فضاها	
اجتماعی	در معرض دید بودن فضا، حضور افراد	

برای هر یک از این شاخص‌ها پرسشی متناظر با آن‌ها تعیین شد و نتایج زیر از پرسش‌نامه‌ها استخراج شد. ابتدا به بررسی خوانایی محور پرداخته شده است و ۱۰۹ نفر از پرسش‌شوندگان این محور را خوانا دانسته‌اند که از آن میان ۵۲ نفر آن را خوانا در شب و ۵۷ نفر آن را خوانا در روز ذکر کرده‌اند و به راحتی می‌توانند مسیرها و کاربری‌های مورد نظر خود را جهت‌یابی کنند. همچنین نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهند که از میان عناصر خوانایی (راه، لبه، گره، نشانه و محله) راه و نشانه بیشترین میزان تأثیر در خوانایی را داشته و در شب، نشانه تنها عامل مهم و تأثیرگذار در خوانایی بوده است (نمودار ۷).



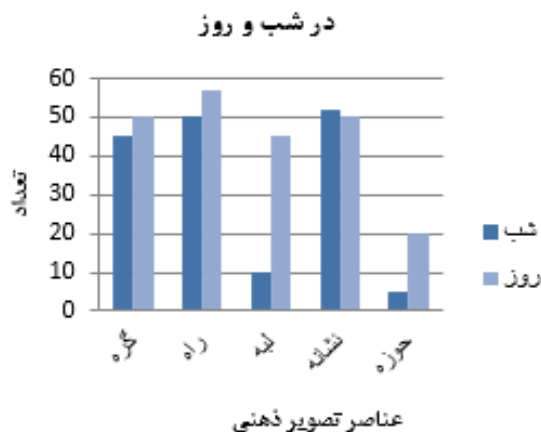
همین‌طور با مقایسه شاخص‌های کالبدی، عملکردی و اجتماعی امنیت در شب و روز می‌توان به این نتیجه رسید که در شب به‌علت عدم وضوح دید (که آن‌هم به‌علت نبود روشنایی مناسب است)، حضور نداشتن مردم و در معرض بودن فضاها و همین‌طور به‌علت تک‌کاری بودن محور (در شب فقط رستوران‌ها و سینماها باز است)، امنیت به‌طور کلی در مقایسه با روز کمتر است. از میان این سه شاخص نیز در مقایسه با یکدیگر، امنیت اجتماعی پایین‌ترین درجه را در شب داراست (نمودارهای ۷، ۸، ۹، ۱۰).

مقایسه شاخص‌های کالبدی امنیت در شب و



نمودار ۸- مقایسه میزان خوانایی عناصر تصویر ذهنی در شب و روز- مأخذ: نگارندگان

مقایسه میزان خوانایی عناصر تصویر ذهنی



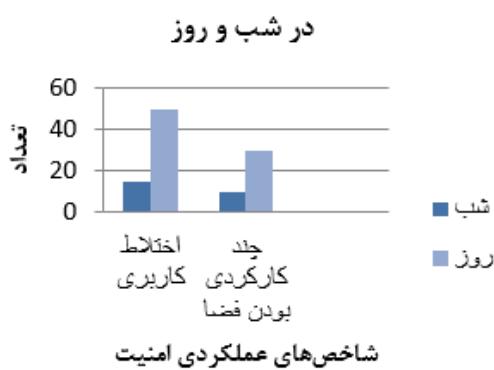
نمودار ۷- مقایسه شاخص‌های کالبدی امنیت در شب و روز- مأخذ: نگارندگان

مقایسه شاخص‌های اجتماعی امنیت



نمودار ۱۰- مقایسه شاخص‌های اجتماعی امنیت در شب و روز- مأخذ: نگارندگان

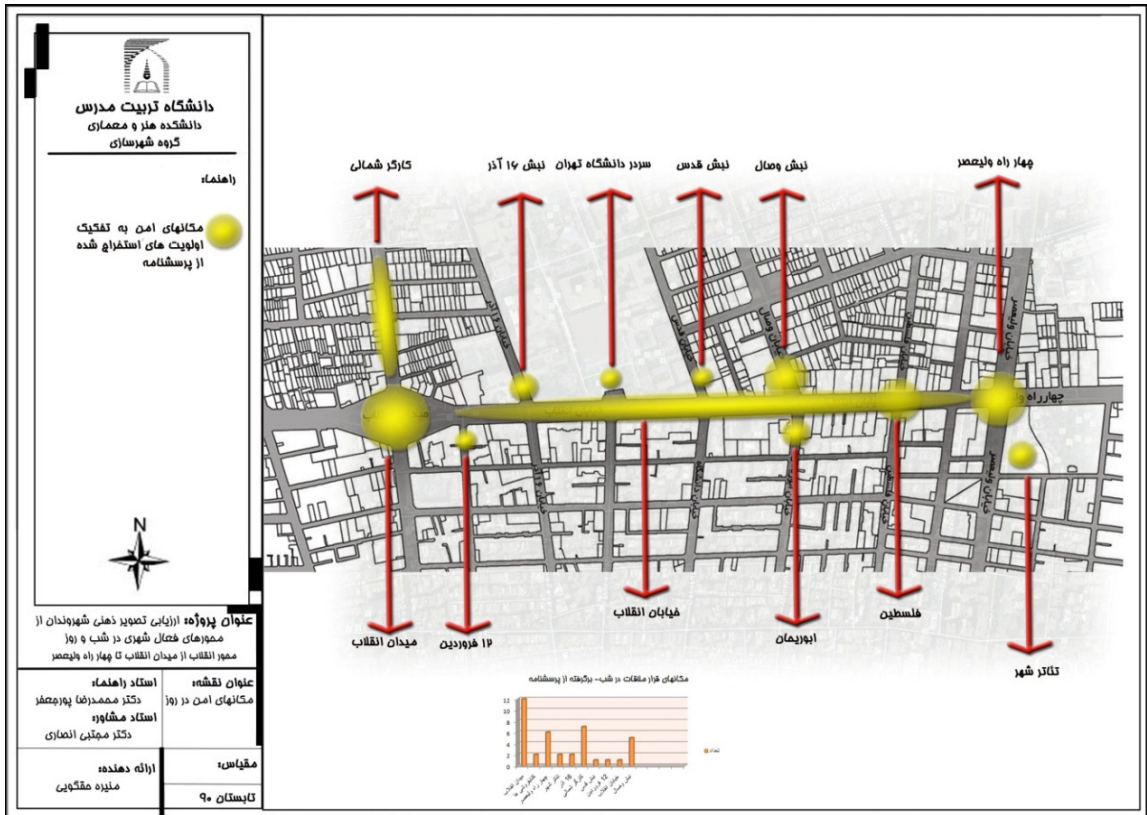
مقایسه شاخص‌های عملکردی امنیت



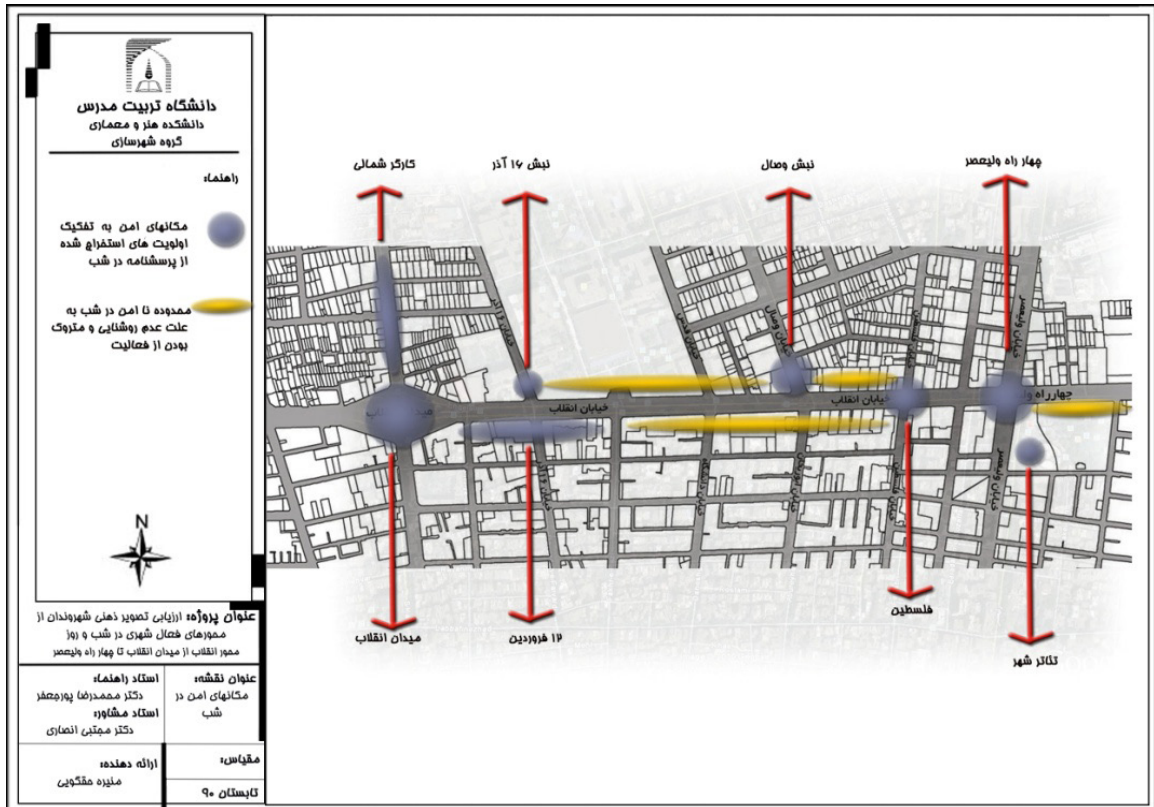
نمودار ۹- مقایسه شاخص‌های عملکردی امنیت در شب و روز- مأخذ: نگارندگان

نقشه‌های ۴ و ۵ نشان‌دهنده نقاط امن و فاقد امنیت به ترتیب اولویت در شب و روز است که از نتایج استخراج‌شده از پرسش‌نامه‌ها حاصل شده است. همان‌طور که در نقشه‌ها مشخص است، اغلب مکان‌های شاخص و مسیرهای موجود در محور در روز دارای امنیت هستند، اما در شب تنها گره‌ها و تقاطع‌های روشن و لبه‌های دارای کاربری‌های شبانه امنیت دارند؛ بنابراین ایجاد امنیت به‌عنوان فاکتور کلیدی در ترغیب افراد برای استفاده از فضا در شب باید در طراحی محورهای شبانه در نظر گرفته شود.





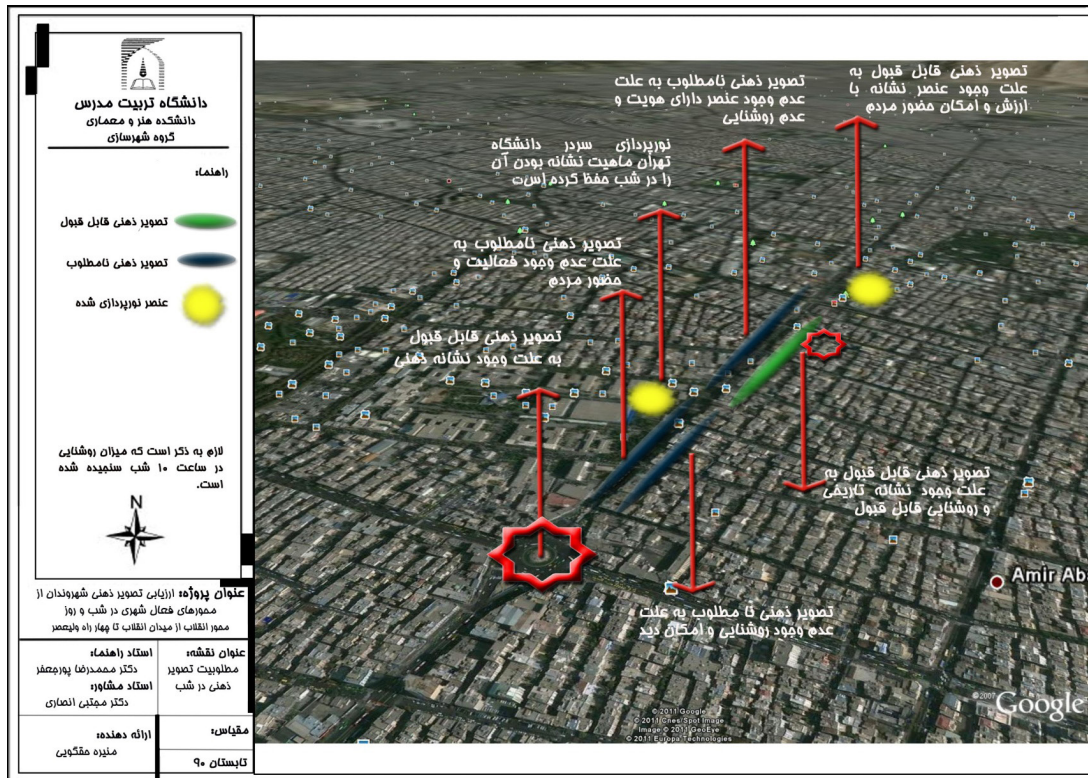
نقشه ۴- مکان های امن در روز- مأخذ: نگارندگان با استفاده از نتایج استخراج شده از پرسش نامه



نقشه ۵- مکان های امن در شب- مأخذ: نگارندگان با استفاده از نتایج استخراج شده از پرسش نامه



در نهایت با در نظر گرفتن معیارهای ارزیابی کیفیت تصویر ذهنی در شب (ارائه شده در نمودار ۲) و نتایج حاصل از پرسش نامه ها می توان تصویر ذهنی شهروندان از محور فرهنگی - تاریخی انقلاب را به صورت زیر ارزیابی کرد.



نقشه ۶- ارزیابی کیفیت تصویر ذهنی در محور انقلاب در شب- مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن نتایج حاصل از بررسی های میدانی و پرسش نامه ها می توان نتیجه گرفت که بدون شک مؤلفه های حیات اجتماعی شبانه محورهای تاریخی - فرهنگی به تصویر ذهنی شهروندان از آن محورها در شب وابسته است. به علت ضعف خوانایی و خدشه در رؤیت پذیری فضاها و امان های شهری (به علت ضعف نورپردازی) و عدم تعاملات اجتماعی (به علت ضعف فعالیت شبانه) در محورهای تاریخی - فرهنگی شهری در شب، تصویر ذهنی ناخوانا تر و در نتیجه حیات اجتماعی شبانه شهر منفعل تر است. بدین ترتیب مؤلفه های تأثیرگذار در ارتقای تصویر ذهنی شهروندان از محورهای تاریخی - فرهنگی شهری در شب که به طور مستقیم بر میزان حیات اجتماعی شهر مؤثر است، عبارت اند از:

جدول ۴- معیارهای ارتقای تصویر ذهنی مؤثر بر حیات اجتماعی - مأخذ: نگارندگان

هویت	سرزندگی	فعالیت	امنیت
<p>تأکید بر عناصر شاخص و باارزش</p> <p>- نورپردازی منحصر به فرد عناصر باارزش</p> <p>خاطره انگیزی</p> <p>- تأکید بر پاتوق ها</p> <p>- تقویت نشانه های ذهنی جمعی</p> <p>- امکان ایجاد تعاملات اجتماعی</p> <p>- تقویت هویت تاریخی، فرهنگی</p>	<p>نورپردازی</p> <p>- به کارگیری تکنیک های جذاب نورپردازی</p> <p>ایجاد فعالیت های متنوع</p> <p>خیابان های سیاحتی و پیاده</p>	<p>تشویق فعالیت های شبانه</p> <p>- اجازه و تشویق فعالیت زمانی بیشتر</p> <p>- تنوع فعالیت ها و خلاقیت</p> <p>- رستوران ها و کافه های خیابانی</p> <p>- مراکز خرید شبانه</p> <p>- پیش بینی فضا های مکتب و تجمع</p> <p>- بهبود حمل و نقل شبانه</p>	<p>اقدامات امنیتی</p> <p>- خیابان های روشن تر</p> <p>- روشنایی یکنواخت فضاها</p> <p>حضور پلیس</p> <p>دوربین های مدار بسته</p> <p>تشویق حضور مردم</p> <p>- نظارت اجتماعی</p> <p>- در معرض دید قرار گرفتن</p> <p>- خوانایی</p>



بیانیه‌ها

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده‌پردازی و طراحی مطالعه: منیره حقگوئی، دکتر محمدرضا پورجعفر؛ گردآوری و مدیریت داده‌ها: منیره حقگوئی، سوسن بصیری؛ تحلیل و تفسیر داده‌ها: منیره حقگوئی، دکتر محمدرضا پورجعفر؛ تصویرسازی: منیره حقگوئی؛ نگارش پیش‌نویس اولیه: منیره حقگوئی؛ بازبینی و اصلاح مقاله: منیره حقگوئی، دکتر محمدرضا پورجعفر، سوسن بصیری؛ مدیریت پروژه تحقیقاتی: منیره حقگوئی، دکتر محمدرضا پورجعفر؛ اعتبار سنجی و تأیید نهایی: منیره حقگوئی، دکتر محمدرضا پورجعفر، سوسن بصیری.

تشکر و قدردانی

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

پی‌نوشت

1. Jan Gehl
2. Kevin Lynch

منابع

- بل، س. (۶۸۳۱). منظر الگو، ادراک و فرایند (ترجمه: امین‌زاده، ب.). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (چاپ دوم)
- بهزادفر، م. (۷۸۳۱). هویت شهر (تهران نگاهی به هویت شهر). تهران: مؤسسه نشر شهر. (چاپ دوم)
- پاکزاد، ج. (۶۸۳۱). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲) از کمیّت تا کیفیت. شرکت عمران شهرهای جدید.
- پاکزاد، ج. (۹۸۳۱). سیمای شهر و آنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید (صص. ۹۴۱-۹۶۱). در مقالاتی در باب معماری طراحی شهری (چاپ دوم). تهران: انتشارات آرمان شهر.
- حبیبی، ر. س. (۷۸۳۱). تصاویر ذهنی و مفهوم مکان. نشریه هنرهای زیبا، ۵۳، ۹۳-۱۰۵.
- حقگوئی، م. (۰۹۳۱). ارزیابی تصویر ذهنی شهروندان از محورهای فعال شهری در شب و روز (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد طراحی شهری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- رلف، ا. (۹۸۳۱). مکان و بی‌مکانی (ترجمه: محمدی، م.). تهران: انتشارات آرمان شهر.
- سید مجیدی، ش. (۲۹۳۱). نقش خاطره بر خیابان‌های شهر (مصاحبه با کامران ذکاوت). روزنامه اطلاعات.
- قربانی‌نیا، آ. (۹۸۳۱). بررسی الگوهای برنامه‌ریزی کارکردهای اجتماعی شبانه در فضاهای عمومی شهری (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد شهرسازی). دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- کارمونا، م. (۸۸۳۱). مکان‌های عمومی فضاهای شهری (ترجمه: قرائی، ف.). تهران: دانشگاه هنر.
- گل، ی. (۹۸۳۱). فضاهای عمومی و زندگی جمعی (ترجمه: غفاری، ع.). تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گل، ی. (۷۸۳۱). زندگی در فضاهای میان‌ساختمان‌ها (ترجمه: شصتی، ش.). تهران: سازمان جهاد کشاورزی.
- گلکار، ک. بازنگری در سیمای شهر. فصلنامه صفا، ۴۳، ۵۷.
- گلکار، ک. محیط بصری شهر. فصلنامه علوم محیطی، ۴۵ (۴)، ۵۹-۴۴۱.
- لنگ، ج. (۳۸۳۱). آخرین نظریه معماری (ترجمه: عینی‌فر، ع.). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (چاپ دوم)
- لینچ، ک. (۷۸۳۱). سیمای شهر (ترجمه: مزینی، م.). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (چاپ هشتم)
- نوربرگ شولتز، ک. (۲۸۳۱). مکان و معنا (ترجمه: برازجانی). تهران: انتشارات جان جهان.
- gnitive maps in perception and thought. In R. M. Downs & D. Seta (Eds.), *Image and environment* (pp. 63–78). Chicago: Aldine.
- Kempenaar, A., & van den Brink, A. (2018). Regional designing: A strategic design approach in landscape architecture. *Design Studies*, 54, 80–95. Elsevier - Science Direct.
- Moughtin, C. (2003). *Urban design: Street and square*. Architectural Press.
- Moughtin, C., Oc, T., & Tiesdell, S. (1995). *Urban design: Ornament and decoration*. Architectural Press.
- Nasser, U. (1977). *Cognition and reality*. San Francisco: Freeman.
- Nurnberg-Schulz, C. (1965). *Intentions in architecture*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Stea, D. (1965). Space, territoriality, and human movements. *Landscape*, 15, 13–16.
- Project for Public Spaces. (2010, October). www.pps.org. Retrieved from <http://www.pps.org>
- Institute of Alcohol Studies. (2010, September). *The 24 hour city: Condition critical*. Retrieved from <http://www.ias.org.uk/resources/publication/alcoholalert/alert200201/al200201-p4.html>
- Commission for Architecture and the Built Environment. (2010, October). www.cabe.org.uk. Retrieved from <http://www.cabe.org.uk>



Evaluating the Spatial Quality of Beyn Ol-Harameyn, a Historical – Tourism Space in Shiraz, Iran: Urban Design Strategies for Recovering Place Identity

Amir Azimpour¹, Erfaneh Ghanbari^{2,*}, Ahmadreza Savareh³

1. Ph.D. Student in urban planning, School of Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Ph.D. Candidate in urban planning, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, University of Guilan, Rasht, Iran.

3. Graduated with a Bachelor's degree in Urban Planning, Department of Urban Planning, Larestan Higher education complex, Lar, Iran.

ABSTRACT

The present study aims to examine the spatial quality of the historical-touristic area of Beyn Ol - harameyn in Shiraz, with the goal of developing urban design strategies for restoring its place identity. This area, with a rich history of religious, cultural, and historical values, has faced identity erosion and a decline in spatial quality due to uncontrolled investments and excessive destruction. The research method is descriptive-analytical and based on quantitative data. In this context, various indicators are evaluated in terms of physical, semantic, and socio - cultural dimensions to prioritize issues and propose solutions for improving spatial quality and preserving the place identity of the area. Data collection was carried out through library studies and questionnaires, using random sampling. To assess the indicators, 40 urban experts and university professors were consulted, and for data analysis, the Swara and Friedman tests were employed. The results show that among the indicators examined, accessibility, sewage disposal, and aesthetic values play the most significant roles in enhancing the spatial quality and place identity of the area. From a theoretical perspective, this study provides a deeper understanding of the concept of place identity and clarifies its role in urban design. Practically, it can serve as a model for urban planning focused on improving the quality and identity of historical spaces. Ultimately, the research suggests that a coordinated approach to improving the physical-environmental dimensions — particularly their associated indicators — can not only aid in restoring the place identity of Beyn Ol - harameyn but also increase citizen satisfaction and attract tourists to the area. Attention to this approach in urban policy - making and planning for the preservation of the identity and vitality of historical spaces is essential. Accordingly, solutions within the urban design framework are proposed to improve this area from an urban design perspective.

Highlights

- A profound understanding of the place identity of destroyed historical spaces was presented.
- The assessment results of components of spatial quality identify the urban design priorities for enhancing the place identity of Beyn Ol-Harameyn site.
- The SWARA method and Friedman test have been employed to identify the priorities, and proposed the urban design strategies across physical, semantic, and socio-cultural dimensions.
- Accessibility and wastewater management from the physical-environmental dimension, and aesthetic values from the semantic dimension of place identity, are recognized as the action priorities.

ARTICLE INFO

Received	20/07/2024
Revised	10/08/2024
Accepted	27/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Place Identity
Historical- Tourism Space
Urban Recovery
Beyn Ol-Harameyn
Quality Enhancement



Citation of the article

Azimpour, A., Ghanbari, A., & Savaareh, A. (2024). Evaluation of spatial quality components in the historical-tourism space of Byn-Al-Harameyn, Shiraz: Providing urban design strategies to restore place identity. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 161-184.

*Author Corresponding:

Email: erfaneh.ghanbari@gmail.com

Introduction: The study has been conducted to investigate the spatial quality of the historical tourism space, Beyn Ol-Harameyn in Shiraz, Iran and develop urban design strategies to recover its place identity. Historical urban areas are critical to the cultural memory and continuity of cities and encompass several layers of religious, social, architectural, and historical values.

However, contemporary urbanization forces, including unregulated land-use changes, development and rapid changes in physical and socio-economic structures, pose a threat to the spatial identity of such heritage sites. For historical areas, place identity is defined as the connection between the physical space and the collective identity of residents and visitors.

It is often reflected in architectural aesthetics, cultural symbolism, and the continued social and ritualistic engagement within these spaces. The Beyn Ol-Harameyn, with its rich tapestry of religious and cultural significance, offers an ideal case for studying how urban identity may be preserved or even revitalized to align with modern urban demands while safeguarding its intrinsic character.

Recognizing the importance of both theoretical insight and practical implications, this study explores place identity's potential in not only preserving but also reinvigorating historical spaces. It aims to address pressing urban issues by investigating three primary dimensions—physical, semantic, and socio-cultural—as integral components in sustaining and enhancing the unique quality of Beyn Ol-Harameyn.

Materials and Methods: This study employs a descriptive-analytical approach supplemented by quantitative data collection methods. First, a literature review was conducted to establish the theoretical foundation for assessing spatial quality for recovering place identity.

This background information presented the development of a structured framework for evaluating spatial quality within the study area. Furthermore, by document review, indicators of spatial quality connected with place identity were derived and categorized into physical, semantic, and socio-cultural aspects.

In the second step, the data was collected by surveying method. In this regard, the study sampling included a group of urban planners, municipal officials, cultural heritage professionals, and residents with extensive knowledge of or connection to the Beyn Ol-Harameyn area.

A structured questionnaire utilizing the Likert scale was developed to assess the respondents' perception of various aspects of physical, semantic, and socio-cultural qualities that have a role in place identity. Data was analyzed using SPSS, employing deeper insights into the relative importance of each indicator, the SWARA and Friedman methods were applied, allowing the study to rank and weight factors.

Findings: The findings reveal that physical, semantic, and socio-cultural components each play a distinct and vital role in shaping the overall place identity of the Beyn Ol-Harameyn district. Among the physical factors, accessibility ranked as the most significant, emphasizing the importance of a well-designed network of pathways and connections that integrates the historical space with the surrounding urban context.

Accessibility not only facilitates ease of movement for residents and visitors but also reinforces the functional coherence of the area, making it more attractive and accessible to a wider audience. Furthermore, the management of wastewater emerged as a critical factor, as effective sanitation infrastructures are fundamental for maintaining environmental standards and preventing the degradation of historical sites.

Without adequate management, water damage and pollution could irreversibly harm the architectural and structural integrity of historical buildings within the area. Additionally, aesthetic considerations were found to have a profound impact, as visual harmony and the preservation of iconic architectural elements are essential in maintaining the unique character and appeal of Beyn Ol-Harameyn. These elements create an immediate sense of place, offering a visual and sensory experience that is deeply rooted in the area's heritage.

From a semantic standpoint, the findings demonstrate that the cultural heritage embedded in Beyn Ol-Harameyn—including its historical narratives and religious symbolism—plays a substantial role in



fostering emotional bonds and a sense of belonging. Indicators such as readability, historical continuity, and the preservation of collective memories were shown to strengthen the place identity and cultural significance of the area, encouraging deeper connections among both residents and tourists. This component highlights the importance of preserving symbolic meanings and stories associated with the area, as these elements contribute to a shared understanding of its value.

The readability of the space, or its capacity to communicate its cultural and historical significance through visual and spatial cues, enables visitors to appreciate the depth of history encapsulated within Beyn Ol-Harameyn, adding layers of meaning to their experience.

The socio-cultural dimension also significantly impacts place identity, particularly through aspects like social security, cultural cohesion, and inclusivity. Social security emerged as an essential element, as it fosters an environment conducive to social interaction and community engagement. The findings indicate that a sense of safety and security is integral for promoting positive social dynamics, allowing residents and visitors to interact freely and build connections within the space.

Cultural cohesion, or the ability of the space to reflect shared cultural values and norms, was also shown to be crucial in reinforcing place identity. The inclusivity of public spaces—making them accessible and inviting to people of all backgrounds—is another important factor, as it helps in fostering a sense of belonging and cultural ownership among a diverse population. The study reveals that when historical spaces are inclusive, they become more resilient, adapting to the needs of contemporary urban life without compromising their historical character.

Discussion and Conclusion: The research underscores the importance of a multidimensional approach to urban design and planning in historical areas, where the goal is to balance the preservation of cultural identity with the functional needs of modern cities. The strong positive correlation observed between place identity and physical quality in Beyn Ol-Harameyn suggests that improvements in infrastructure—such as enhanced accessibility and wastewater management—are instrumental in preserving and enhancing the spatial identity of historical areas.

These findings resonate with urban design theories that stress the importance of physical infrastructure as a foundation for cohesive and resilient urban spaces. In line with this, the study highlights that physical interventions aimed at improving environmental quality can also strengthen the emotional and cognitive connections individuals have with historical spaces, fostering a greater appreciation and understanding of their cultural significance.

Aesthetic and symbolic elements are particularly crucial in reinforcing cultural identity in historical contexts. By maintaining the visual integrity of historical structures and integrating them with the surrounding urban fabric, urban planners can facilitate the transmission of cultural heritage, preserving the area's identity across generations. This approach aligns with existing research on place identity, which posits that aesthetic coherence and symbolic representations of heritage play a significant role in building attachment to place.

In the context of Beyn Ol-Harameyn, aesthetic elements such as architectural harmony, iconic landmarks, and traditional urban patterns help create a visually compelling environment that resonates with residents and tourists alike. By fostering readability and continuity in design, these elements support the preservation of cultural memory and provide a stable reference point within the evolving urban landscape.

The socio-cultural dimension, encompassing factors like social security and inclusivity, is also essential for sustaining the vibrancy and appeal of historical spaces. Social security, in particular, is highlighted as a fundamental requirement for promoting positive social dynamics and ensuring the well-being of both residents and visitors. Spaces that are safe, inclusive, and culturally cohesive contribute to the formation of a robust social identity, encouraging diverse groups to engage with and feel a sense of ownership over the space.

In Beyn Ol-Harameyn, these factors contribute to the establishment of an inclusive urban environment,

where residents and visitors alike can feel connected to the area's cultural heritage. The study underscores that a coordinated strategy focusing on physical infrastructure, aesthetic and symbolic elements, and socio-cultural inclusivity is essential for reviving the spatial identity of historical urban areas.

The study concludes with practical recommendations for urban designers and policymakers, emphasizing the need to integrate place identity components into urban development strategies, especially in historical areas. Such an approach is anticipated to not only enhance the quality and sustainability of these spaces but also contribute to the broader goals of cultural preservation and social cohesion.

Through a holistic and inclusive framework, cities can protect their historical identity while supporting the dynamic needs of contemporary urban life. Ultimately, the study reaffirms that preserving place identity in historical contexts is not merely about maintaining physical structures but about fostering meaningful connections between people and places that endure over time.

Declarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

All authors have contributed equally to the conception, design, and execution of this research: Conceptualization and study design: Erfaneh Ghanbari; Data collection and management: Ahmadreza Savareh; Data analysis and interpretation: Amir Azimpour, Ahmadreza Savareh, Erfaneh Ghanbari; Tables, charts, maps, and illustrations: All authors; Draft manuscript writing: Amir Azimpour, Erfaneh Ghanbari; Manuscript revision and editing: Erfaneh Ghanbari, Amir Azimpour; Final approval: All authors have reviewed and approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments:



The authors sincerely thank the residents of Sang-e Siah neighborhood in Shiraz for their cooperation in providing the required information.

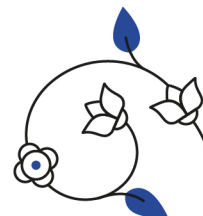
References

1. Ahmed, S. (2020). Loss of intrinsic qualities of urban form and local social processes in the face of globalisation: Case of Karachi's Old Town. *METU Journal of the Faculty of Architecture*, 37(1). <http://dx.doi.org/10.4305/metu.jfa.2020.1.10>
2. Balali Askoi, A., & Dehghan, S. (2019). Explaining the factors influencing the redesign of cultural historical spaces in the development of urban tourism industry, with a case study of the historical and cultural heritage of Urmia County. *Geography Quarterly (Regional Planning)*, 9(37), 377–396. [In Persian].
3. Bi-Taraf, A., Zarabadi, S., Sadat, Z., & Zebihei, H. (2021). Re-reading the criteria of vitality in historical places with emphasis on the heritage tourism approach. *Islamic Art Studies*, 18(41), 103–123. <https://doi.org/10.22034/ias.2020.218517.1180> [In Persian].
4. Bott, S., Cantrill, J. G., & Myers, O. E. (2003). Place and the promise of conservation psychology. *Human Ecology Review*, 10(2), 100–112. <http://www.jstor.org/stable/24706959>
5. Boussaa, D. (2020). The past as a catalyst for cultural sustainability in historic cities: The case of Doha, Qatar. *International Journal of Heritage Studies*, 27(5), 470–486. <https://doi.org/10.1080/13527258.2020.1806098>
6. Cilek, M. U., Altunkasa, M. F., & Uslu, C. (2024). Urban residents' attitudes towards the impact of public spaces on urban life quality: The case of Adana. *Open House International*, 49(2), 222–243. <https://doi.org/10.1108/OHI-01-2023-0007>
7. Dascălu, D. (2019). Urban heritage management: Planning with history – A review. *Territorial Identity and*



- Development, 4, 102–104. <https://doi.org/10.23740/TID220196>
8. Dzieciuchowicz, J., Klima, E., Mordwa, S., & Retkiewicz, W. (2005). Religia w czasach zmian w Łodzi: Struktury organizacyjne, przestrzenne i społeczne. *Space – Society – Economy*, 7, 286–300. <https://doi.org/10.18778/1733-3180.07.25>
 9. Eltarabily, S. (2022). Toward a conceptual framework for evaluating the quality of urban open spaces. *Journal of Sustainable Architecture and Civil Engineering*, 31(2), 58–84. <https://doi.org/10.5755/j01.sace.31.2.31311>
 10. Ernawati, J. (2018). Dimensions underlying place identity for sustainable urban development. *MATTER: International Journal of Science and Technology*, 3(3), 271–285. <https://doi.org/10.20319/mijst.2018.33.271285>
 11. Esmaeil-Dokht, M. (2021). The historic fabric as a visual arts museum for historical tourism with emphasis on the example of Shiraz. *Tourism Culture*, 2(4), 21–30. <https://doi.org/10.22034/toc.2021.255387.10292> [In Persian].
 12. Esmaeilpoorarabi, N., Yigitcanlar, T., & Guaralda, M. (2016). Towards an urban quality framework: Determining critical measures for different geographical scales to attract and retain talent in cities. *International Journal of Knowledge-Based Development*, 7(3), 290–312. <https://doi.org/10.1504/IJKBD.2016.078556>
 13. Etesamiyan, P., Pezhohanfar, M., & Nortaghani, A. (2019). Identifying and prioritizing the design factors influencing social interactions of citizens in urban public squares. *Journal of Spatial Geographic Planning*, 9(34), 117–132. <https://doi.org/10.30488/gps.2019.100314> [In Persian]
 14. Fathi, S., Sajadzadeh, H., Mohammadi Sheshkal, F., Aram, F., Pinter, G., Felde, I., & Mosavi, A. (2020). The role of urban morphology design on enhancing physical activity and public health. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(7), 2359. <https://doi.org/10.3390/ijerph17072359>
 15. Ferwati, M. S., Keyvanfar, A., Shafaghat, A., & Ferwati, O. (2021). A quality assessment directory for evaluating multi-functional public spaces. *Architecture and Urban Planning*, 17(1), 136–151. <https://doi.org/10.2478/aup-2021-0013>
 16. Hauge, Å. L. (2007). Identity and place: A critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review*, 50(1), 44–51. <https://doi.org/10.3763/asre.2007.5007>
 17. Hussein, F., Stephens, J., & Tiwari, R. (2020). Cultural memories and sense of place in historic urban landscapes: The case of Masrah Al Salam, the demolished theatre context in Alexandria, Egypt. *Land*, 9(8), 264. <https://doi.org/10.3390/land9080264>
 18. Irandoost, K., Gholami Zarchi, M., & Faizi, S. F. (2019). Analyzing public democratic spaces to enhance public participation (Case study: Yazd city). *Geography and Urban Space Development*, 6(2), 171–193. <https://doi.org/10.22067/gusd.v6i2.47003> [In Persian]
 19. Jabareen, Y., & Eizenberg, E. (2021). Theorizing urban social spaces and their interrelations: New perspectives on urban sociology, politics, and planning. *Planning Theory*, 20(3), 211–230. <https://doi.org/10.1177/1473095220976942>
 20. Jamal, A., Rizki, C. Z., Fitriyani, Rusdi, M., & Diana, A. (2023). Urban quality of life amidst COVID-19 pandemic in Indonesia: Do economic and geographical factors influence quality of life? *Journal of Maps*, 19(1). <https://doi.org/10.1080/17445647.2023.2232367>
 21. Kaveh, F., Vathiq, B., & Mehrkizadeh, M. (2020). Measuring and prioritizing the quality of identity in historical fabrics using the Entropy-Topsis method (Case study: Sang-Siah neighborhood of Shiraz). *Iranian Journal of Restoration and Architecture*, 10(23), 63–82. [In Persian].
 22. Kermani, A. A. (2020). Heritage management and urban development in Iran: Case study of Shiraz. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 10(4), 343–357. <https://doi.org/10.1108/JCHMSD-08-2019-0108>
 23. Knez, I., Ode Sang, Å., Gunnarsson, B., & Hedblom, M. (2018). Wellbeing in urban greenery: The role of naturalness and place identity. *Frontiers in Psychology*, 9, 491. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00491>
 24. Kosonkova, N. A., & Serova, A. A. (2018). The impact of architectural and historical environment on religious objects of Samara. *Urban Construction and Architecture*, 8(3), 93–98. <https://doi.org/10.17673/Vestnik.2018.03.18>
 25. Lei, H., & Zhou, Y. (2022). Conducting heritage tourism-led urban renewal in Chinese historical and cultural urban spaces: A case study of Datong. *Land*, 11(12), 2122. <https://doi.org/10.3390/land11122122>

- 
- 
26. Madanipour, A. (2006). Roles and challenges of urban design. *Journal of Urban Design*, 11(2), 173–193. <https://doi.org/10.1080/13574800600644035>
27. Mahabir, R., Crooks, A., Croitoru, A., & Agouris, P. (2016). The study of slums as social and physical constructs: Challenges and emerging research opportunities. *Regional Studies, Regional Science*, 3(1), 399–419. <https://doi.org/10.1080/21681376.2016.1229130>
28. Mehan, A. (2016). Blank slate: Squares and political order of city. *Journal of Architecture and Urbanism*, 40(4), 311–321. <https://doi.org/10.3846/20297955.2016.12469875>
29. Moninger, M. (1993). Organizing the city. Translated by S. Mahdavi. *Abadi Magazine*, 1373(13). [In Persian].
30. Oppio, A., Bottero, M., Giordano, G., & Arcidiacono, A. (2016). Valutare l’impatto della qualità urbana sulla salute pubblica: Un approccio multimetodologico. *Epidemiologia & Prevenzione*, 40(3–4), 249–256. <https://doi.org/10.19191/EP16.3-4.P249.092>
31. Petrovič, F., & Murgaš, F. (2021). Description relationship between urban space and quality of urban life: A geographical approach. *Land*, 10(12), 1337. <https://doi.org/10.3390/land10121337>
32. Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. *Environment and Behavior*, 10(2), 147–169. <https://doi.org/10.1177/0013916578102002>
33. Qazimi, S. (2014). Sense of place and place identity. *European Journal of Social Sciences Education and Research*, 1, 306–310. <https://doi.org/10.26417/ejserv1i1.p306-310>
34. Saheb Khabar. (2022). Revitalizing life; the only way to save the historical fabric of Shiraz. Retrieved from www.sahebkhavar.ir/news/58743180 [In Persian].
35. Sepe, M. (2010, July). Urban policies, place identity and creative regeneration: The Arabianranta case study. In 14th International Planning History Conference, Istanbul (pp. 12–15).
36. Severoğlu, C., & Akkurt, H. B. (2019). Rethinking the meaning of transformed historic environment through the non-Muslim religious structures of Izmir. *Resourceedings*, 2(3), 222–229. <https://doi.org/10.21625/resourceedings.v2i3.784>
37. Shajayi, S., Alami, B., & Jihani, H. (2021). Protecting the urban values of historical passageways by focusing on the pathology of the Upper Neighborhood passageway in Naraq city. *Urban Economics and Planning*, 2(3), 134–146. <https://doi.org/10.22034/UE.2021.2.03.02> [In Persian].
38. Shamsuddin, S. (1997). Identity of place: A case study of Kuantan town centre, Malaysia (PhD thesis). University of Nottingham.
39. Shiraz 1400 Analytical News Site. (2013). What the between the two shrines project has done to the historical fabric of Shiraz in the last 12 years, from Google Earth satellite images. Retrieved from <https://shiraz1400.ir/?p=5965> [In Persian].
40. Strandberg, C., & Styvén, M. E. (2024). The multidimensionality of place identity: A systematic concept analysis and framework of place-related identity elements. *Journal of Environmental Psychology*, 95, 102257. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2024.102257>
41. Sushantia, I. R., Setijanti, P., & Septanti, D. (2024). Social, religious, and economic interaction spaces as a community representational space. *Journal of Islamic Architecture*, 8(1), 39–53. <https://doi.org/10.18860/jia.v8i1.22767>
42. Tournois, L., & Rollero, C. (2020). “Should I stay or should I go?” Exploring the influence of individual factors on attachment, identity, and commitment in a post-socialist city. *Cities*, 102, 102740. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102740>
43. Ujang, N. (2017). Place attachment and continuity of urban place identity. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies*, 2(2), 117–132. <https://doi.org/10.21834/aje-bs.v2i2.182>
44. Ukabi, E. B., & Akçay, A. Ö. (2023). Conserving the historical identity of North Nicosia walled city: Exploring design approaches and implications from 1983 to 2003. *Buildings*, 13(9), 2199. <https://doi.org/10.3390/buildings13092199>
45. Van Hecke, L., Deforche, B., Van Dyck, D., De Bourdeaudhuij, I., Veitch, J., et al. (2016). Social and physical environmental factors influencing adolescents’ physical activity in urban public open spaces: A qualitative study using walk-along interviews. *PLOS ONE*, 11(5), e0155686. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0155686>
46. Varethi, H., Vazeen, N., & Azimi, M. (2023). The impact of urban identity factors on tourism development, case



- study: Shiraz city. Urban Tourism Journal, 10(3), 15–31. <https://doi.org/10.22059/jut.2023.350827.1080> [In Persian].
47. Woodhouse, A. (2011). Factors influencing the development of Brisbane's laneways as successful urban spaces. Australian Planner, 48(4), 292–304. <https://doi.org/10.1080/07293682.2011.605371>
48. Zagroba, M., Szczepańska, A., & Senetra, A. (2020). Analysis and evaluation of historical public spaces in small towns in the Polish region of Warmia. Sustainability, 12(20), 8356. <https://doi.org/10.3390/su12208356>



Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





ارزیابی مؤلفه‌های کیفیت فضایی در فضای تاریخی گردشگری بین‌الحرمین شیراز؛ ارائه راهکارهای طراحی شهری برای بازیابی هویت مکانی

امیرحسین عظیم‌پور^۱، عرفانه قنبری^{۲*}، احمدرضا سواره^۳

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. پژوهشگر دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، گیلان، رشت، ایران.
۳. دانش‌آموخته کارشناسی شهرسازی، گروه شهرسازی، مجتمع آموزش عالی لارستان، لار، ایران.

مشخصات مقاله

چکیده

تاریخ ارسال
تاریخ بازنگری
تاریخ پذیرش
تاریخ انتشار آنلاین

۱۴۰۳/۰۴/۳۰
۱۴۰۳/۰۵/۲۰
۱۴۰۳/۰۵/۲۷
۱۴۰۳/۰۶/۲۶

واژگان کلیدی

هویت مکانی
فضای تاریخی گردشگری
بازیابی شهری
محدوده بین‌الحرمین
کیفیت بخشی

پژوهش حاضر با هدف بررسی کیفیت فضایی محدوده تاریخی گردشگری بین‌الحرمین شیراز و به‌منظور توسعه راهکارهای طراحی شهری در راستای بازیابی هویت مکانی آن انجام گرفته است. این محدوده با پیشینه‌ای غنی از ارزش‌های مذهبی، فرهنگی و تاریخی، امروزه در اثر تخریبات بی‌رویه ناشی از سرمایه‌گذاری‌های کنترل‌نشده، با فرسایش هویت و کاهش کیفیت فضایی روبه‌رو شده است. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کمی است. در این راستا، شاخص‌های مختلفی در قالب ابعاد کالبدی، معنایی و اجتماعی-فرهنگی ارزیابی می‌شود تا با تعیین اولویت‌ها، راهکارهایی برای بهبود کیفیت فضایی و حفظ هویت مکانی این فضا ارائه دهد. گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه و با روش نمونه‌گیری تصادفی انجام گرفته است. برای ارزیابی شاخص‌ها از ۴۰ نفر از متخصصان حوزه شهری و استادان دانشگاه و در تحلیل داده‌ها از آزمون‌های سوارا و فریدمن بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از بین شاخص‌های موردبررسی، دسترسی، دفع فاضلاب و ارزش‌های زیبایی‌شناختی بیشترین اولویت را در بهبود کیفیت و هویت مکانی این منطقه ایفا می‌کند. از دیدگاه نظری، این پژوهش درک عمیق‌تری از مفهوم هویت مکانی ارائه می‌دهد و جایگاه آن را در طراحی شهری روشن‌تر می‌کند. همچنین از منظر عملی، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای برنامه‌ریزی شهری با تمرکز بر بهبود کیفیت و هویت فضاهای تاریخی استفاده شود. درنهایت، پژوهش نشان می‌دهد که توجه هماهنگ به بهبود ابعاد کالبدی محیطی و به‌طور خاص شاخص‌های آن، نه تنها می‌تواند به بازیابی هویت مکانی بین‌الحرمین کمک کند، بلکه موجب افزایش رضایت شهروندان و جذب گردشگران به این منطقه می‌شود. توجه به این رویکرد در سیاست‌گذاری‌ها و طرح‌های شهری برای حفظ هویت و پویایی فضاهای تاریخی ضروری است. به همین دلیل، راهبردهایی درباره بهبود این فضا از دیدگاه طراحی شهری ارائه شده است.

نکات شاخص

- پژوهش، درک عمیقی از مفهوم هویت مکانی در فضاهای تاریخی در معرض فرسودگی ارائه می‌کند.
- نتایج ارزیابی مؤلفه‌های کیفیت فضایی، اولویت‌های اقدامات طراحی شهری را جهت ارتقاء هویت مکانی فضای تاریخی - گردشگری بین‌الحرمین، مشخص می‌نماید.
- از شیوه سوارا و آزمون فریدمن برای تعیین اولویت‌ها و پیشنهاد راهکارهای طراحی شهری در ابعاد مختلف کالبدی، معنایی و اجتماعی-فرهنگی بهره گرفته شده است.
- ساماندهی دسترسی، دفع فاضلاب از بعد کالبدی - محیطی و ارزش‌های زیبایی‌شناختی از بعد معنایی هویت مکانی به‌عنوان اولویت‌های اصلی اقدام شناخته می‌شوند.

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

عظیم‌پور، ا.، قنبری، ع.، و سواره، ا. (۱۴۰۳). ارزیابی مؤلفه‌های کیفیت فضایی در فضای تاریخی گردشگری بین‌الحرمین شیراز: ارائه راهکارهای طراحی شهری برای بازیابی هویت مکانی. *نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران*، ۱(۱)، ۱۸۴-۱۶۱.

* نویسنده مسئول: عرفانه قنبری

آدرس پستی نویسنده مسئول: erfaneh.ghanbari@gmail.com





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Evaluating the Spatial Quality of Beyn Ol-Harameyn, a Historical – Tourism Space in Shiraz, Iran: Urban Design Strategies for Recovering Place Identity

Amir Azimpour¹, Erfaneh Ghanbari^{2,*}, Ahmadreza Savareh³

1. Ph.D. Student in urban planning, School of Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Ph.D. Candidate in urban planning, Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, University of Guilan, Rasht, Iran.

3. Graduated with a Bachelor's degree in Urban Planning, Department of Urban Planning, Larestan Higher education complex, Lar, Iran.

ABSTRACT

The present study aims to examine the spatial quality of the historical-touristic area of Beyn Ol - harameyn in Shiraz, with the goal of developing urban design strategies for restoring its place identity. This area, with a rich history of religious, cultural, and historical values, has faced identity erosion and a decline in spatial quality due to uncontrolled investments and excessive destruction. The research method is descriptive-analytical and based on quantitative data. In this context, various indicators are evaluated in terms of physical, semantic, and socio-cultural dimensions to prioritize issues and propose solutions for improving spatial quality and preserving the place identity of the area. Data collection was carried out through library studies and questionnaires, using random sampling. To assess the indicators, 40 urban experts and university professors were consulted, and for data analysis, the Swara and Friedman tests were employed. The results show that among the indicators examined, accessibility, sewage disposal, and aesthetic values play the most significant roles in enhancing the spatial quality and place identity of the area. From a theoretical perspective, this study provides a deeper understanding of the concept of place identity and clarifies its role in urban design. Practically, it can serve as a model for urban planning focused on improving the quality and identity of historical spaces. Ultimately, the research suggests that a coordinated approach to improving the physical-environmental dimensions — particularly their associated indicators — can not only aid in restoring the place identity of Beyn Ol - harameyn but also increase citizen satisfaction and attract tourists to the area. Attention to this approach in urban policy-making and planning for the preservation of the identity and vitality of historical spaces is essential. Accordingly, solutions within the urban design framework are proposed to improve this area from an urban design perspective.

Highlights

- A profound understanding of the place identity of destroyed historical spaces was presented.
- The assessment results of components of spatial quality identify the urban design priorities for enhancing the place identity of Beyn Ol-Harameyn site.
- The SWARA method and Friedman test have been employed to identify the priorities, and proposed the urban design strategies across physical, semantic, and socio-cultural dimensions.
- Accessibility and wastewater management from the physical-environmental dimension, and aesthetic values from the semantic dimension of place identity, are recognized as the action priorities.

Citation of the article

Azimpour, A., Ghanbari, A., & Savaareh, A. (2024). Evaluation of spatial quality components in the historical-tourism space of Byn-Al-Harameyn, Shiraz: Providing urban design strategies to restore place identity. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 161-184.

*Author Corresponding:

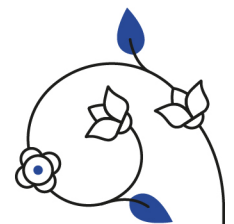
Email: erfaneh.ghanbari@gmail.com

ARTICLE INFO

Received	20/07/2024
Revised	10/08/2024
Accepted	27/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Place Identity
Historical- Tourism Space
Urban Recovery
Beyn Ol-Harameyn
Quality Enhancement



مقدمه

شهرها به‌عنوان بسترهای زندگی اجتماعی و فرهنگی، هویت‌مند و دارای ارزش هستند. در این میان بافت‌های تاریخی با نقشی کلیدی در حفظ و بازنمایی این هویت‌ها، به‌منزله پیوندی میان گذشته و حال و آینده شهرها محسوب می‌شوند (Drascalu, 2019). در نگاهی جامع، به‌ویژه در دوران معاصر که شهرها تحت‌تأثیر فرایندهای تجدد و جهانی شدن قرار گرفته‌اند، حفظ و ارتقای هویت مکانی و کیفیت فضاهای تاریخی، چالشی اساسی در طراحی شهری به‌شمار می‌رود (Madanipour, 2006). توسعه بی‌رویه، نوسازی غیراصولی و گسست میان ساختارهای سنتی و نوین، اغلب به فرسایش تدریجی هویت مکانی این بافت‌ها منجر می‌شود (Ahmed, 2020). این چالش نه‌فقط مختص یک منطقه خاص، بلکه مسئله‌ای جهانی است که در بسیاری از شهرها، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه با شدت بیشتری مشاهده می‌شود. شهرهایی که درگیر فرایندهای سریع تغییر کالبدی و اجتماعی هستند، بیشتر در فراروی از دست دادن هویت مکانی و فرهنگی قرار دارند.

مسئله هویت مکانی به‌دلیل تأثیرات مستقیم آن بر کیفیت زندگی شهروندان، جذب گردشگران و تعاملات اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در چنین شرایطی، توجه به بازیابی فضاهای شهری با محوریت هویت‌های تاریخی و فرهنگی، ضرورتی انکارناپذیر است. نمونه‌ای از این دست فضاهای تاریخی، شهر شیراز به‌ویژه بافت بین‌الحرمین است که در نتیجه تغییرات کالبدی و اجتماعی ناشی از طرح‌های توسعه شهری، دچار فرسایش هویت شده است. شیراز به‌عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران، همواره جایگاه مهمی در تاریخ و فرهنگ کشور داشته است. محدوده بین‌الحرمین، با پیشینه غنی تاریخی، مذهبی و اجتماعی، از مهم‌ترین محورهای تاریخی شهر محسوب می‌شود.

با این حال، در سال‌های اخیر، این محدوده تحت فشار نوسازی‌های شتاب‌زده و تغییرات کاربری از قبیل شکل‌گیری مجتمع‌های وسیع تجاری، قرار گرفته است که پویایی و هویت فضایی را دستخوش تغییراتی کرده است. تغییرات در ساختار فضا، کاهش توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و تاریخی در سیاست‌گذاری‌های توسعه شهری و ناهماهنگی میان نیازهای نوین و میراث سنتی، از جمله عواملی هستند که به کاهش کیفیت فضایی و هویتی این محدوده منجر شده‌اند. این مسئله نه‌تنها بر تعاملات اجتماعی و فرهنگی ساکنان محلی اثر گذاشته، بلکه حضور گردشگران و بازدیدکنندگان این منطقه را نیز با کاهش چشم‌گیری روبه‌رو ساخته است. پژوهش حاضر به‌دنبال ارائه راهکارهای بهینه‌ای برای کیفیت‌بخشی به محدوده بین‌الحرمین است تا بتواند ضمن حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، بستر مناسبی برای تعاملات اجتماعی و جذب گردشگر با تکیه بر هویت مکانی بافت فراهم آورد.

ضرورت انجام این پژوهش از دو جنبه نظری و کاربردی قابل‌تبیین است. از جنبه نظری، این پژوهش با ارائه درکی عمیق‌تر از مفهوم هویت مکانی و چالش‌های پیش روی فضای بین‌الحرمین شیراز که در سال‌های اخیر در میان کارشناسان مد نظر است، به ادبیات علمی حوزه طراحی شهری کمک می‌کند. از منظر کاربردی نیز نتایج این پژوهش می‌تواند موجب راهکارهایی مؤثر برای بازیابی فضاهای تاریخی و بهبود کیفیت زندگی شهر شود. با توجه به اهمیت این بافت و نقشی که می‌تواند در ارتقای کیفیت زندگی شهری و جذب گردشگر ایفا کند، پرسش اساسی این است که کدام مؤلفه‌ها و راهکارها در راستای بهبود کیفیت فضایی محدوده تاریخی گردشگری بین‌الحرمین و درنهایت بازیابی هویت مکانی اولویت دارند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در طی سال‌های اخیر در سطوح داخلی و خارجی پیرامون محور پژوهش بررسی شده است. پژوهشی با هدف بازشناسی معیارها و شاخص‌های سرزندگی در مکان‌های تاریخی برای توسعه سطح گردشگری میراثی، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، شش شاخص اعم از تنوع و جذابیت، انعطاف‌پذیری، زیبایی، دسترسی، آسایش و امنیت را به‌عنوان معیارهای ارتقادهنده سرزندگی در مکان‌های تاریخی تبیین کرده و تأمین سرزندگی و پویایی در این دست فضاها را به‌عنوان عامل کلیدی حفظ و احیای آن‌ها عنوان کرده است (بی‌طرف و همکاران، ۱۴۰۰). پژوهشگران کشور با هدف اولویت‌بندی و سنجش شاخص‌های هویت در بافت محله سنگ سیاه شیراز و حیات‌بخشی به کالبد بافت تاریخی، با رویکرد کمی و روش توصیفی تحلیلی دریافته‌اند که بسیاری از مؤلفه‌های هویت‌مندی بناهای تاریخی محله (عوامل ایجاد هویت و نشانه) به‌مرورزمان پاک یا تضعیف شده‌اند که با راهبردهای هویت‌محور، می‌توان آن‌ها را احیا و به پویایی زیست محله کمک کرد (کاوه و



همکاران، ۱۳۹۹).

پژوهشی دیگر برای ارزیابی تأثیر عوامل هویت شهری بر توسعه گردشگری شهر شیراز با روش کمی و شیوه پیمایشی نشان داد که آثار تاریخی، مشاهیر و ادیبان مهم‌ترین عوامل هویت شهری اثرگذار بر گردشگری شیراز بوده‌اند (وارثی و همکاران، ۱۴۰۲). در پژوهشی دیگر، به بررسی چگونگی تجلی تاریخ شهری و منابع فرهنگی در حفظ و بازسازی مناظر تاریخی شهری چین با روش مصاحبه عمیق با گروه خبرگان پرداخته شد و توسعه چهارچوب مفهومی برای ارزیابی رابطه بین مکان‌سازی، بازآفرینی شهری و معیارهای مناظر در بافت‌ها شامل شاخص‌های ادغام طراحی نما و نمای فعال، تجربه حرکتی، فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی در «فضای مشترک»، خاطرات جمعی، حس روند تاریخی، عوامل مؤثر بر خوانایی شهری و تصویر شهر رقم خورد (Lei & Zhou, 2022).

پژوهشی برای پاسخ به این پرسش که «از چه مسیری می‌توان نیروهای فرهنگی و اقتصادی را با شهر یا منطقه تاریخی ادغام کرد تا ضمن حفظ هویت مکانی، تغییرات را در خود جای دهد؟» با استفاده از روش مطالعه موردی در شهر دوحه قطر انجام شد و نتایج نشان داد که در بخش وسیعی تغییرات از مسیر تخریب خانه‌ها و بافت اولیه، هویت اصلی را در سطحی وسیع از بین برده است (Boussaa, 2020). پژوهشی دیگر به بررسی این موضوع در شهر اسکندریه مصر می‌پردازد که آیا ساکنان شهرهای تاریخی، خاطرات فرهنگی خود را هنگام مدیریت فضاهای تاریخی شهر مهم می‌دانند یا خیر.

این پژوهش با روش کیفی و با استفاده از مصاحبه، اهمیت حافظه فرهنگی مرتبط با عناصر شهری مانند ساختمان‌های میراث نمادین را نشان داد که بر ایجاد حس مکان و تقویت هویت محیط‌های شهری اثرگذار است (al et Hussein, 2020). پژوهشگران با هدف تحلیل و ارزیابی فضاهای عمومی شهری تاریخی (میدان بازار) در سه شهر کوچک منطقه وارمیا در شمال شرقی لهستان، با استفاده از روش تاریخی تفسیری دریافتند که برنامه‌های احیا به حفظ یا احیای مکان‌های جذاب با بازگرداندن تعادل مناسب میان عوامل اقتصادی و اجتماعی و میراث فرهنگی کمک می‌کند. همچنین برنامه‌ریزی منظم و هماهنگ فضاهای عمومی به‌طور چشمگیری بر درک فضا تأثیر می‌گذارد (al et Zagroba, 2020).

آنچه از پژوهش‌ها و اهداف مطالعاتی آن‌ها برمی‌آید، بیانگر این است که آثار معماری و شهرسازی گذشته حاصل بازتاب ارزش‌های انسانی در ساخت فضا است که در شکل‌گیری هویت مکان تأثیر شگرفی دارد. این اهمیت در بستر شهرهای با هویت تاریخی شدت می‌یابد. از این رو کیفیت‌بخشی به فضایی شهری همچون بین‌الحریمین شیراز نیازمند نگاهی وسیع است تا ضمن پوشش اهداف امروز، بتوان غنای فضا را نیز حفظ کرد.

شهر و فضای شهری

شهرها پدیده‌های پیچیده اجتماعی و فیزیکی هستند که تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارند. شرایط اقتصادی، مانند مصرف سرانه و رشد شهری، تأثیر مثبتی بر کیفیت زندگی شهری دارد (jamal et al., 2023 Abd). برای درک کامل و پرداختن به مسائل شهری، رویکردی کل‌نگر که جنبه‌های اجتماعی اقتصادی و سیاستی و فیزیکی را ادغام می‌کند، ضروری است (al et Mahabir, 2016). فضاهای اجتماعی شهری موجودیت‌های گفتمانی با کیفیت‌های واقعی و حسی‌اند که از مسیر روابط خاص شکل می‌گیرند و در درون نظامی از روابط متقابل شهری قرار می‌گیرند (Eizenberg & Jabareen, 2020). پیرو شهرهایی که درآمیخته با ارزش‌های اسلامی هستند، باید توجه داشت که سنت‌های مذهبی زیربنای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی شهر را در بر می‌گیرد (al et Sushanti, 2024). مایکل مونیگر بر این باور است که شهر نه تنها به‌صورت فضایی تعریف می‌شود، بلکه کارکردهای اجتماعی دارد که در قالب کالبد شهری جلوه‌گر می‌شوند (Monninger, 1993). باین‌حال تأثیر مذهب بر فضاهای شهری در طول تاریخ چشمگیر بوده و ساختارهای فیزیکی و اجتماعی شهرها را شکل داده است. در واقع معماری مذهبی عاملی کلیدی در حفظ هویت و میراث شهرهای تاریخی بوده است (Kosenkova & Serova, 2018). دگرگونی ساختارهای مذهبی غیراسلامی در از میر نشان می‌دهد که چگونه تلاش‌های حفاظتی می‌توانند هویت شهری و تعلق اجتماعی را تغییر دهند (Severoğlu & Birol Akkurt, 2019). به‌طور مشابه، تکامل فضاهای مذهبی منعکس‌کننده تغییرات در ساختارهای سازمانی، فضایی و اجتماعی شهر از اوایل قرن نوزدهم تا به امروز است (al et Dzieciuchowicz, 2005). تأثیرات مذهبی بر بافت تاریخی شهرها اغلب با پیامدهای منفی همراه است. به‌عنوان نمونه، رویکردهای طراحی معماری با هدف حفظ هویت تاریخی، با تمرکز بر خاطره‌انگیزی به‌جای ارزش‌های گونه‌شناختی، بر شخصیت لایه‌ای



شهر قبرس تأثیر منفی گذاشته است (Ukabi & Akçay, ۲۰۲۳). همچنین میادین عمومی ایران که از لحاظ تاریخی برای رسمی‌سازی روابط قدرت و اندیشه‌های مذهبی استفاده می‌شوند، دستخوش دگرگونی‌های فضایی شده‌اند که نشان‌دهنده پویایی‌های اجتماعی‌سیاسی در حال تغییر است (Mehan, 2016). مطالعات پیشین بر اهمیت رویکردی کل‌نگر و توجه به سنت‌های مذهبی در نمونه‌های مذهبی تأکید می‌کنند.

فضاهای تاریخی گردشگری شهری

فضاهای عمومی مانند میدان‌ها و خیابان‌ها به‌عنوان قلب تپنده شهر که نقش مهمی در رشد اجتماعی شهروندان دارند، حائز اهمیت هستند (اعتصامیان و همکاران، ۱۳۹۸). این فضاها بستر کنش‌های اجتماعی‌اند و به بهبود هویت شهری کمک می‌کنند. با این حال، فضاهای تاریخی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی شهرها، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردارند؛ زیرا علاوه بر کارکردهای اجتماعی، هویت تاریخی و فرهنگی شهر را نشان می‌دهند (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۸). فضاهای شهری تاریخی نقش مهمی در شکل دادن به حافظه شهری و بازتاب تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در طول زمان ایفا می‌کنند که به دلیل ارزش تاریخی‌شان، برای حفظ هویت شهر و جذب گردشگر ضروری است (بالالی اسکویی و دهقان، ۱۳۹۸). بافت‌های شهری تاریخی با ساختمان‌های قدیمی، مساجد و دیگر فضاهای شهری حفظ شده، به‌عنوان نمادهای هویت شناخته می‌شوند که سالانه گردشگران زیادی را به خود جذب می‌کنند و از آماج مهم گردشگری در کشورهای توسعه یافته مانند ایران محسوب می‌شوند (اسماعیل دخت، ۱۴۰۰). حفظ این فضاها نیازمند درکی عمیق از اهمیت هویتی آن‌هاست. با این حال تغییرات در گذرهای تاریخی باعث برهم زدن ساختار و هویت فرهنگی شده است و حفظ منظر شهری منطبق با بافت آن که بر تقویت عناصر و الگوهای برجسته معماری متمرکز باشد، راهکارهایی برای حفاظت از ارزش‌های رو به نابودی است (شجاعی و همکاران، ۱۴۰۰). فضاهای شهری تاریخی، مانند محدوده بین‌الحریمین شهر شیراز، نقش مهمی در حفظ خاطرات جمعی و جذب گردشگر دارند؛ اما بسیاری از آن‌ها به دلیل توسعه بی‌رویه و تغییرات کاربری، هویت خود را از دست داده‌اند (کرمانی، ۱۳۹۹). برای مقابله با این چالش‌ها، تغییر به سمت سیاست‌های یکپارچه و غیرمتمرکز در ایران صورت گرفته است که پروژه‌های محلی برای مدیریت بهتر میراث شهری و اجرای طرح‌های بازآفرینی آغاز شده‌اند (Kermani, 2020). فضاهای یادشده به‌عنوان کانون اصلی در شکل‌گیری هویت مکانی باید بیشتر مد نظر قرار گیرند.

هویت مکانی

هویت مکان به پیوند عاطفی و شناختی میان افراد و محیط فیزیکی آن‌ها اشاره می‌کند که شامل احساس دل‌بستگی، تعلق و خاطرات مرتبط با مکان‌های خاص است (Ujang, 2017, al et Bott, 2003, Knez et al., 2018). این مفهوم در طراحی شهری و روان‌شناسی حفاظت به دلیل تأثیرگذاری بر رفاه و ادراک محیطی اهمیت فراوانی دارد (al et Bott, 2003, Knez et al., 2018). هویت مکان از دو مؤلفه عاطفی و شناختی تشکیل شده است که جنبه عاطفی آن رابطه قوی‌تری با رفاه دارد (Knez et al., 2018). پروشانسکی استدلال می‌کند که هویت مکان، جزء فرعی خاصی از هویت فردی است که بازتاب اجتماعی شدن منحصر به فرد آن‌ها در جهان فیزیکی است (Proshansky, 1978). درک هویت مکان برای شهر ضروری است؛ زیرا می‌تواند به حفظ جاذبه و ارائه مزایای اقتصادی و گردشگری برای شهرها کمک کند (Ujang, 2012). البته گنجاندن تاریخ و هویت محلی در طرح‌های بازآفرینی شهری می‌تواند با ایجاد فرایندهای خلاقانه پایدار، ویژگی‌های متمایز یک مکان را حفظ کند (Sepe, 2010). در واقع هویت مکان به‌عنوان یک شاخص ارزیابی مهم برای توسعه مجدد استفاده می‌شود.

ابعاد هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن

پژوهشگران عموماً درباره مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری توافق دارند. با این حال در ابعاد رفتاری هویت مکانی تفاوت‌هایی وجود دارد. ارنواتی سه سویه روابط شخصی، محیط فیزیکی و تعهد را شناسایی کرد (Ernawati, 2018). استراندبرگ و استیون عناصر شناختی، عاطفی و مفهومی، ارزیابی را پیشنهاد کردند. پیچیدگی هویت مکان در مفهوم‌سازی‌های گوناگون و رویکردهای اندازه‌گیری در سراسر مطالعات مشهود است (Strandberg & Styvén, 2024). علی‌رغم تفاوت در اصطلاحات و



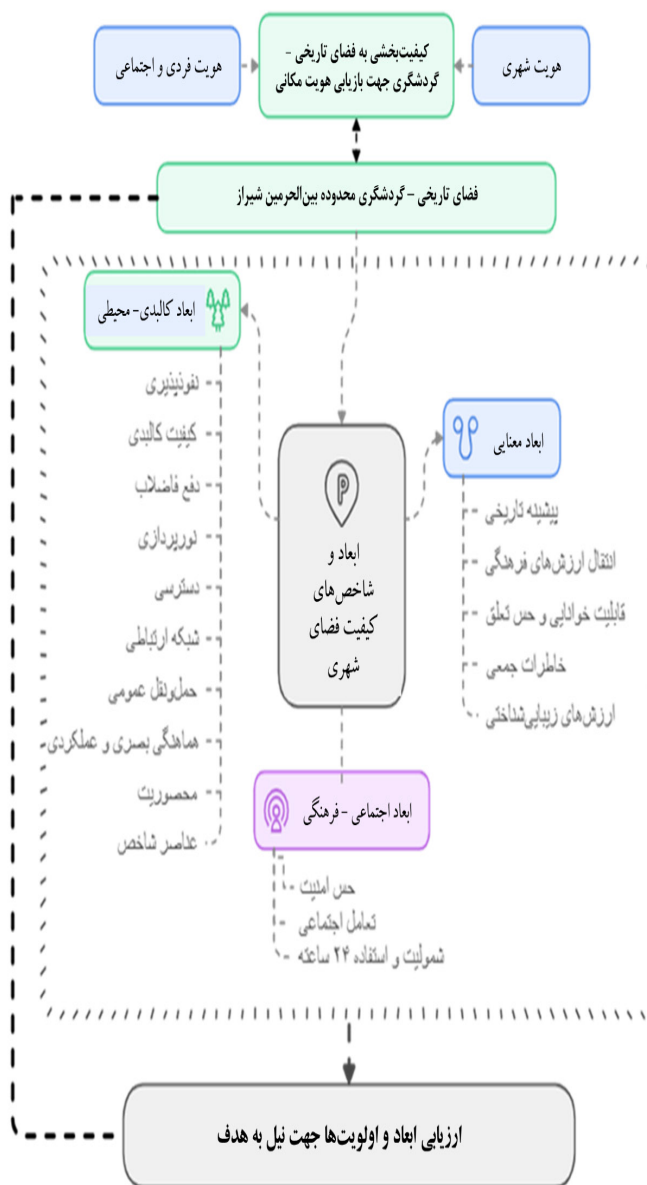
ابعاد خاص، در پژوهش‌های هویت مکانی، شناخت ثابتی از هر دو جنبه شناختی و عاطفی وجود دارد. هویت مکان تحت‌تأثیر عوامل مختلف فیزیکی و اجتماعی جمعیتی قرار دارد. عناصر فیزیکی مانند نشانه‌ها، مسیرها و گره‌ها به ممتاز بودن مکان و شکل دادن هویت آن کمک می‌کنند (Shamsuddin, 1997). محیط ساخته‌شده و طبیعی نقش مهمی در تأثیرگذاری بر هویت و ادراک فرد از خود ایفا می‌کند (Hauge, 2011). البته ویژگی‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی، از جمله سن و تحصیلات، بر دل‌بستگی و هویت مکانی تأثیر می‌گذارد. افراد مسن‌تر تمایل دارند سطوح بیشتری از دل‌بستگی و هویت داشته باشند (Rollero & Tournois, 2020). باین حال هویت مکان صرفاً یک مقوله نیست، بلکه ساختاری چندوجهی برای بازتاب درون‌مایه اجتماعی و فرهنگی و شخصی است (Qazimi, 2014). این مسئله نقش مهمی در شکل‌دهی خودپنداره و هویت‌های گروهی ایفا می‌کند و به‌عنوان یک نقطه مرجع برای افراد در راستای قراردادن خود در ساختارهای اجتماعی گسترده‌تر عمل می‌کند (al et Hong, 2010).

کیفیت‌بخشی به فضاهای شهری

کیفیت فضاهای شهری با در نظر گرفتن ابعاد مختلف بهبود می‌یابد. تنوع عملکردی، انعطاف‌پذیری فضایی و یکپارچگی در کنار زیست‌پذیری که جنبه‌های فیزیکی، عملکردی و ادراکی را در بر می‌گیرد، از مفهومی‌های مهم در ارزیابی کیفیت فضای شهری است (al et Fathi, 2020, Petrovič & Murgaš, 2021). در واقع کیفیت شهری پدیده‌ای چندبعدی است که تحت‌تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی و شخصی در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی قرار دارد (al et Esmailpoorarabi, 2016). باید توجه کرد که فضاهای باز عمومی نقش مهمی در بهبود تعامل اجتماعی، به‌ویژه در محله‌های کم‌درآمد ایفا می‌کنند (al et Hecke Van, 2016).

همچنین مطالعه‌ای در ترکیه چهار عامل اصلی مؤثر بر کیفیت زندگی شهری را فضاهای باز، امکانات فرهنگی، حمل‌ونقل و شرایط آب‌وهوایی شناسایی کرد (Cilek et al., 2024 Unal). این یافته‌ها اهمیت در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی و فیزیکی را هنگام طراحی و بهبود فضاهای شهری برای ارتقای کیفیت کلی زندگی ساکنان برجسته می‌کند. کیفیت فضاهای شهری با معیارهای مختلفی نظیر سرزندگی، تنوع کاربری، خوانایی، نفوذپذیری و ایمنی قابل‌ارزیابی است. ووده‌اوس به ارتباط قوی میان سطوح بالای سرزندگی و محیط‌های شهری باکیفیت، به‌ویژه درباره نفوذپذیری و دسترسی اشاره می‌کند (Woodhouse, 2010). همچنین شاخص‌های کیفیت مانند جذابیت، سرزندگی، فعالیت‌های یکپارچه، جذابیت بصری، ایمنی، اتصال و دسترسی در کنار یک رویکرد چند روش شناختی برای ارزیابی کیفیت فضای باز با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی مانند قابلیت دسترسی، زیست‌پذیری، سرزندگی و هویت اهمیت دارند (al et Oppio, 2022, Eltarabily, 2016). همچنین فرواتنی فهرستی برای ارزیابی کیفیت با پنج معیار اصلی شامل فراگیری، فعالیت‌های مطلوب، راحتی، ایمنی و لذت را پیشنهاد می‌کند (Ferwati et al., 2021). این مطالعات بر اهمیت تعامل اجتماعی، کیفیت محیطی و پیکربندی فضایی در ایجاد فضاهای شهری موفق تأکید دارند. ادغام جنبه‌های اجتماعی و فضایی برای طراحی فضاهای پر جنب‌وجوشی که به نیازهای جامعه در حال تغییر پاسخ می‌دهند، بسیار مهم است. شکل یک الگوی مفهومی و شکل دو شاخص انتخابی این پژوهش را به تصویر می‌کشد.





شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

روش‌شناسی و محدوده مطالعه پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی و ازلحاظ پارادایم نیز اثباتی است و با رویکرد کمی انجام می‌گیرد. روش تحلیل استفاده‌شده، توصیفی تحلیلی است. به‌منظور گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای اسنادی و میدانی استفاده شده است. نخست با بهره‌گیری از منابع مرتبط با موضوع، ادبیات پژوهش تشریح شد. همچنین با بهره‌گیری از ابزار مشاهده، واریسی میدانی و پرسش‌نامه با استفاده از گستره امتیازدهی لیکرت، به تدوین داده‌ها پرداخته شد. جامعه آماری و حجم نمونه پژوهش، تصادفی از خبرگان آشنا به وضعیت محدوده مورد مطالعه است که شامل کارشناسان، مسئولان شهری و استادان دانشگاهی است که از نظرات ۴۰ نفر از خبرگان (جدول دو) استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها از آزمون‌های سوارا و فریدمن در SPSS، بهره گرفته شده است.



جدول ۱. جمعیت آماری پژوهش

کل	بانوان	آقایان	
۷/۴۳	-	-	میانگین سنی
۴۰	۸	۳۲	جنسیت
۲۰	-	-	کارشناسی
۱۴	-	-	کارشناسی ارشد
۶	-	-	دکترا

معرفی موقعیت محدوده بین‌الحرمین شیراز

پروژه بین‌الحرمین شیراز در سال ۱۳۸۴ با کارفرمایی شهرداری شیراز و به‌قصد متوازن‌سازی خدمات شهری و هماهنگی بناهای تاریخی و فرهنگی و مذهبی در محدوده‌ای به طول هفتصد متر و در مساحت یازده هکتار در منطقه هشت شهر شیراز و در بین دو حرم مطهر حضرت احمدبن موسی (ع) و سید علاءالدین آغاز شد. این محدوده با تخریبات گسترده در راستای ایجاد مجتمع‌های تجاری و اقامتگاهی از طریق سرمایه‌گذاری‌های خارجی مواجه شده است. این سوداگری اقتدارگرایانه در حال حاضر به دلیل تأثیرات منفی اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی آن ناموفق بوده است. شکل ۲ موقعیت مکانی بین‌الحرمین و شکل ۳، سیر دگرگونی این محور را روایتگر می‌کند.



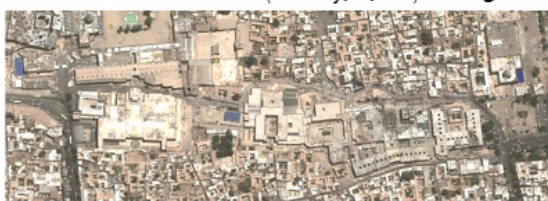
شکل ۲. معرفی موقعیت محدوده بین‌الحرمین در شیراز



الف. سال ۱۳۴۵ (صاحب‌خیر، ۱۴۰۱)



ب. سال ۲۰۰۳ (سایت خبری تحلیلی شیراز ۱۴۰۰، ۱۳۹۲)



ج. سال ۲۰۱۳ (همان، ۱۳۹۲)



د. سال ۲۰۲۳

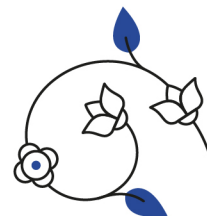
شکل ۳. سیر تحول کالبدی بین‌الحرمین طی سنوات مختلف

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با پیاده‌سازی داده‌های به‌دست‌آمده در سه دسته شاخص‌های کالبدی محیطی، معنایی و اجتماعی فرهنگی، نتایج آماری پژوهش به نحو زیر است. در بررسی شاخص‌های کالبدی محیطی دفع فاضلاب، دسترسی و محصوریت بیشترین وزن مجموع را داشته و نفوذپذیری کمترین وزن را دریافت کرده است. در بررسی شاخص‌های معنایی، شاخص ارزش‌های زیبایی‌شناختی بیشترین وزن و شاخص ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی کمترین وزن را به خود اختصاص داده‌اند. در نهایت بین شاخص‌های اجتماعی فرهنگی، تعامل اجتماعی بیشترین و احساس امنیت کمترین وزن را دریافت کرده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج آماری شاخص‌های پژوهش

شاخص‌های کالبدی محیطی										
شاخص	نفوذپذیری	کیفیت کالبدی	دفع فاضلاب	نور پردازی	دسترسی	شبکه ارتباطی حمل و نقل	حمل و نقل عمومی	هماهنگی بصری و عملکردی	محصوریت	عناصر شاخص
میانگین	۲/۲۲	۴/۶۷	۶/۵۲	۵/۰۲	۵/۷۲	۳/۵۷	۳/۶	۲/۷	۴/۴۵	۴/۲۵
میانه	۲	۵	۶	۵	۶	۴	۴	۳	۵	۴
نما	۲	۵	۶	۵	۵	۴	۴	۳	۵	۴
انحراف معیار	۰/۶۹۷	۰/۹۱۶	۱/۲۸	۱/۳۷	۰/۷۸	۱/۰۳	۰/۸۱	۰/۸۸	۱/۱۵	۰/۴۳۸
حداقل	۱	۳	۵	۳	۵	۲	۲	۱	۲	۴
حداکثر	۳	۶	۹	۷	۷	۵	۵	۴	۶	۵
مجموع	۸۹	۱۸۷	۲۶۱	۲۰۱	۲۲۹	۱۴۳	۱۴۴	۱۰۸	۱۷۸	۱۷۰
شاخص‌های معنایی										
	پیشینه تاریخی	ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی	خوانایی و حس تعلق	بروز خاطرات جمعی	ارزش‌های زیبایی‌شناختی					
میانگین	۲/۰۷	۱/۱۷	۲/۷۲	۳/۷۵	۵/۷					
میانه	۲	۱	۳	۴	۶					
نما	۲	۱	۳	۴	۵					
انحراف معیار	۰/۷۹۷	۰/۳۸۴	۰/۷۱۵	۰/۷۰۷	۰/۷۵۷					
حداقل	۱	۱	۲	۳	۵					
حداکثر	۳	۲	۴	۵	۷					
مجموع	۸۳	۴۷	۱۰۹	۱۵۰	۲۲۸					
شاخص‌های اجتماعی فرهنگی										
	احساس امنیت	تعامل اجتماعی	همه‌شمولی و ۲۴ ساعته بودن فضا							
میانگین	۱/۱	۳/۷	۲/۸۲							
میانه	۱	۴	۳							
نما	۱	۳	۳							
انحراف معیار	۰/۳۰۳	۰/۷۲۳	۰/۶۷۵							
حداقل	۱	۳	۲							
حداکثر	۲	۵	۴							
مجموع	۴۴	۱۴۸	۱۱۳							



تعیین سطوح اهمیت، اولویت ابعاد و مؤلفه‌های مطالعاتی

در این مرحله، به تعیین وضعیت و شرایط مؤلفه‌ها برای تشخیص جوانب توسعه‌ای محدوده مطالعاتی و ارائه پیشنهادی کارساز اقدام شده است. گستره نه‌امتیازی مبنای وزن‌دهی داده‌ها را تشکیل می‌دهد. نتایج حاصل از آزمون سوارا در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. نتایج روش SWARA

رتبه نهایی	$W_j=q_j$	$q_j=q_j-1/k_j$	$K_j=S_j+1$	S_j	مجموع امتیازات	برتری شاخص‌ها
۱	۰/۴۷۷۹	۱	۱	۰	۲۶۱	دفع فاضلاب
۲	۰/۲۵۴۵	۰/۵۳۲۷	۱/۸۷۷	۰/۸۷۷	۲۲۹	دسترسی
۳	۰/۱۲۷۵	۰/۲۶۶۹	۱/۹۹۶	۰/۹۹۶	۲۲۸	ارزش‌های زیبایی‌شناختی
۴	۰/۰۶۷۸	۰/۱۴۱۹	۱/۸۸۲	۰/۸۸۲	۲۰۱	نورپردازی
۵	۰/۰۳۵۱	۰/۰۷۳۵	۱/۹۳	۰/۹۳	۱۸۷	کیفیت کالبدی
۶	۰/۰۱۸	۰/۰۳۷۶	۱/۹۵۲	۰/۹۵۲	۱۷۸	محصولیت
۷	۰/۰۰۹۲	۰/۰۱۹۳	۱/۹۵۵	۰/۹۵۵	۱۷۰	عناصر شاخص
۸	۰/۰۰۴۹	۰/۰۱۰۲	۱/۸۸۲	۰/۸۸۲	۱۵۰	بروز خاطرات جمعی
۹	۰/۰۰۲۵	۰/۰۰۵۱	۱/۹۸۷	۰/۹۸۷	۱۴۸	تعامل اجتماعی
۱۰	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۲۶	۱/۹۷۳	۰/۹۷۳	۱۴۴	حمل‌ونقل عمومی
۱۱	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۱۳	۱/۹۹۳	۰/۹۹۳	۱۴۳	شبکه ارتباطی
۱۲	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۷	۱/۷۹	۰/۷۹	۱۱۳	همه‌شمولی و ۲۴ ساعته بودن فضا
۱۳	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴	۱/۹۶۵	۰/۹۶۵	۱۰۹	خوانایی و حس تعلق
۱۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۱/۹۹۱	۰/۹۹۱	۱۰۸	هماهنگی بصری و عملکردی
۱۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۱	۱/۸۲۴	۰/۸۲۴	۸۹	نفوذپذیری
۱۶	۰/۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰۵	۱/۹۳۳	۰/۹۳۳	۸۳	پیشینه تاریخی
۱۷	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۳	۱/۵۶۶	۰/۵۶۶	۴۷	ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی
۱۸	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۲	۱/۹۳۶	۰/۹۳۶	۴۴	احساس امنیت
		۲/۰۹۳				$\sum q_j$

بر پایه نتایج، مؤلفه‌های کالبدی محیطی و مؤلفه‌های معنایی به ترتیب مناسب‌ترین و نامناسب‌ترین سطح مطلوبیت و سازگاری را در محدوده مطالعاتی داشته‌اند. همچنین شاخص‌های دفع فاضلاب و احساس امنیت به ترتیب مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین وضعیت را در محدوده بین‌الحریمین دارند. وجود تعداد چشمگیری از مکان‌های مخروبه و متروکه در اطراف جداره اصلی محدوده، زمینه‌های بروز ناپهنجاری‌های اجتماعی شده است. به همین دلیل، امنیت اجتماعی باید در کانون توجه ساماندهی شهری قرار گیرد.

سنجش سطح اهمیت و اولویت شاخص‌ها

در ادامه به‌منظور سنجش سطح اهمیت و اولویت شاخص‌های پژوهش از آزمون ناپارامتری آماری فریدمن استفاده شده



است که نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۴ و ۵ نمایان است. در نتایج آزمون فریدمن مطابق نتایج روش سوارا، مؤلفه‌های کالبدی محیطی و مؤلفه‌های معنایی به‌ترتیب در جایگاه نخست و آخر شناخته شدند. همچنین شاخص‌های دفع فاضلاب و احساس امنیت، به‌ترتیب در اولویت نخست و آخر را در محدوده بین‌الحرمین شیراز به خود اختصاص داده‌اند. در کنار شاخص احساس امنیت، شاخص ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی قرار گرفته است که این دو اختلاف فاحشی را با شاخص دفع فاضلاب به‌عنوان رتبه نخست دارند.

جدول ۴. نتایج تحلیل آماری داده‌ها

شاخص	N	Mean	Std. Deviation	Minimum	Maximum
نفوذپذیری	۴۰	۲/۲۲	۰/۶۹۷	۱	۳
کیفیت کالبدی		۴/۶۷	۰/۹۱۶	۳	۶
دفع فاضلاب		۶/۵۲	۱/۲۸	۵	۹
نورپردازی		۵/۰۲	۱/۲۷	۳	۷
دسترسی		۵/۷۲	۰/۷۸۴	۵	۷
شبکه ارتباطی		۳/۵۷	۱/۰۳	۲	۵
حمل‌ونقل عمومی		۳/۶	۰/۸۱	۲	۵
همانگی بصری و عملکردی (تداوم و توالی)		۲/۷	۰/۸۸۲	۱	۴
محصوریت		۴/۴۵	۱/۱۵	۲	۶
عناصر شاخص		۴/۲۵	۰/۴۳۸	۴	۵
پیشینه تاریخی		۲/۰۷	۰/۷۹۷	۱	۳
ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی		۱/۱۷	۰/۳۸۴	۱	۲
خوانایی و حس تعلق		۲/۷۲	۰/۷۱۵	۲	۴
بروز خاطرات جمعی		۳/۷۵	۰/۷۰۷	۳	۵
ارزش‌های زیبایی‌شناختی		۵/۷	۰/۷۵۷	۵	۷
احساس امنیت		۱/۱	۰/۳۰۳	۱	۲
تعامل اجتماعی		۳/۷	۰/۷۲۳	۳	۵
همه‌شمولی و ۲۴ ساعته بودن فضا		۲/۸۲	۰/۶۷۵	۲	۴

جدول ۵. رتبه‌بندی نهایی

شرح	دفع فاضلاب	دسترسی	ارزش‌های زیبایی‌شناختی	نورپردازی	کیفیت کالبدی	محصوریت	عناصر شاخص	بروز خاطرات جمعی	تعامل اجتماعی
Mean Rank	۱۶/۸۱	۱۵/۸۵	۱۵/۸۳	۱۳/۷۱	۱۳/۰۴	۱۲/۳۹	۱۱/۸۴	۱۰/۰۳	۹/۸۴
شرح	حمل‌ونقل عمومی	شبکه ارتباطی	همه‌شمولی و ۲۴ ساعته بودن فضا	خوانایی و حس تعلق	همانگی بصری و عملکردی	نفوذپذیری	پیشینه تاریخی	ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی	احساس امنیت
Mean Rank	۹/۵۵	۹/۳۵	۶/۷۳	۶/۲۹	۶/۴۳	۴/۸۱	۴/۶	۲/۰۸	۱/۸۵



بر پایه نتایج آزمون فریدمن، بین مؤلفه‌های پیشنهادی تحقیق به لحاظ سطح اولویت و اهمیت، تفاوت معناداری وجود دارد و طبق دیدگاه گروه آماری، شاخص‌ها از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند (جدول ۶).

جدول ۶. نتایج معنی‌داری آماری آزمون فریدمن

Asymp. Sig.	df	Chi-Square	N	Test Statistics
.000	۱۷	۵۳۶/۹۲۹	۴۰	مقدار

بحث و نتیجه‌گیری

هویت مکان مفهومی چندبعدی است که از تعامل میان افراد و محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی و شکل‌گیری خاطره جمعی و تعلق در طول زمان شکل می‌گیرد. در بافت‌های تاریخی مانند بین‌الحرمین شیراز، حفظ و تقویت هویت مکانی نه تنها به افزایش جذابیت گردشگری محلی کمک می‌کند، بلکه حس تعلق و رضایت افراد از محیط زندگی را ارتقا می‌بخشد. باین حال بافت مورد مطالعه به دلیل تغییرات کالبدی و اجتماعی ناشی از توسعه‌های غیراصولی و شتاب‌زده دچار فرسایش هویت و کاهش کیفیت فضایی شده است. بر پایه یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های کالبدی محیطی، همچون دسترسی و دفع فاضلاب، بیشترین تأثیر را در بهبود کیفیت و هویت این فضا دارند. این یافته با نظریه‌های معماری شهری همخوانی دارد که تأکید می‌کند زیرساخت‌های مناسب می‌تواند حس پیوستگی و انسجام فضایی را افزایش دهد. این نکته با مدنی‌پور (۲۰۰۶) و شمس‌الدین (۱۹۹۷) همخوانی دارد که بیان می‌کنند زیرساخت‌های کالبدی به ایجاد حس پیوستگی و امنیت در فضاهای شهری کمک می‌کند؛ بنابراین در محدوده بین‌الحرمین، تقویت زیرساخت‌ها نه تنها موجب افزایش عملکرد فضایی، بلکه به ایجاد پیوندی عاطفی میان افراد و محیط تاریخی منجر می‌شود.

نتایج نشان داد که مؤلفه معنایی کمترین سطح اهمیت و تأثیرگذاری را در کیفیت‌بخشی به این محدوده دارند. شاخص‌هایی چون دفع فاضلاب و دسترسی از بعد محیطی و زیبایی‌شناختی در مؤلفه معنایی، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر شناسایی شدند. در حالی که امنیت اجتماعی، تعاملات فرهنگی و خوانایی فضا، از مؤلفه اجتماعی و معنایی، به‌ترتیب کمترین تأثیر را در کیفیت‌بخشی به این محدوده نشان دادند. در مؤلفه معنایی، شاخص‌هایی مانند زیبایی‌شناختی و خوانایی محیطی، در ایجاد پیوندهای عاطفی و افزایش جذابیت فضا نقش دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ارزش‌های تاریخی و فرهنگی در کنار زیبایی‌شناختی محیط، حس تعلق افراد به مکان را تقویت می‌کنند و به ایجاد ارتباطی عمیق‌تر با فضای تاریخی کمک می‌کنند. به‌طور کل، می‌توان نتیجه گرفت که تقویت هماهنگ شاخص‌ها شامل زیرساخت‌های کالبدی، امنیت اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی هم به ارتقای کیفیت فضا و هم به احیای هویت مکان در بافت تاریخی بین‌الحرمین منجر خواهد شد. باینکه پروشانسکی (۱۹۷۸) و هاگ (۲۰۰۷) تأکید دارند که امنیت اجتماعی بستر لازم را برای حضور و تعاملات افراد فراهم می‌کند و زمینه‌ساز تقویت هویت مکانی است؛ اما یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که امنیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی اجتماعی در این محدوده به سطح مطلوب نرسیده است و همین امر موجب کاهش تعاملات اجتماعی و حس تعلق روزافزون خواهد شد.

علاوه بر این، بر پایه یافته‌ها شاخص‌های زیبایی‌شناختی و خوانایی فضا در مؤلفه معنایی نقشی کلیدی در ارتقای ادراک افراد از محیط و تقویت هویت مکانی ایفا می‌کند. همان‌طور که کنز و همکاران (۲۰۱۸) اشاره می‌کنند که زیبایی‌شناسی و خوانایی فضا، حسی از انسجام و جذابیت را در محیط ایجاد می‌کند و خاطرات و ارزش‌های فرهنگی را به نمایش می‌گذارد. یافته‌های پژوهش با تأیید این موضوع نشان داد که زیبایی‌شناسی محیط و پیوند افراد با ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، عامل مؤثری در جذب گردشگر و ایجاد پیوند عمیق با هویت مکانی است. در نهایت، همبستگی قوی و مثبت میان کیفیت‌بخشی به فضا و هویت مکانی، این دیدگاه را اثبات می‌کند که توجه به کیفیت زیرساخت‌ها، امنیت و مؤلفه‌های معنایی، ضمن بهبود فضای شهری، به تقویت هویت مکان و افزایش رضایت افراد منجر می‌شود. این همبستگی دقیقاً با آنچه در مبانی نظری پیرامون رابطه کیفیت فضایی و هویت مکانی مطرح شده است، تطابق دارد و بر لزوم بهبود همه‌جانبه این عوامل برای بازیابی فضاهای تاریخی تأکید می‌کند.

بهبود کیفیت محیطی در بافت‌های تاریخی می‌تواند به احیای هویت و تعاملات اجتماعی فرهنگی کمک کند و خاطرات جمعی و تاریخی را برای شهروندان و گردشگران تداعی کند. نتایج این پژوهش با یافته‌های بوسا (۲۰۲۰) و احمد (۲۰۲۰) که بر



اهمیت حفاظت از هویت کالبدی و عناصر محیطی تأکید کرده‌اند و آن‌ها را در بهبود کیفیت محیطی و اجتماعی مناطق تاریخی مؤثر می‌دانند، همسوست. سایر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بازآفرینی فضاهای شهری و توجه به کیفیت زیرساخت‌های کالبدی محیطی، در افزایش جذب گردشگران و تقویت تعاملات اجتماعی نقش اساسی دارد (شجاعی و همکاران، ۱۴۰۰؛ وارثی و همکاران، ۱۴۰۲). این هم‌راستایی نشان می‌دهد که توجه به عناصر کالبدی محیطی، مانند دسترسی، نورپردازی و دفع فاضلاب، در احیای هویت تاریخی و جذب افراد به فضاهای تاریخی بسیار مؤثر است.

همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های کاوه و همکاران (۱۳۹۹) و بی‌طرف و همکاران (۱۴۰۰) که بر لزوم توجه به شاخص‌های سرزندگی و پویایی در فضاهای تاریخی تأکید داشته‌اند، تطابق دارد. آن‌ها نشان داده‌اند که از طریق تقویت شاخص‌هایی چون امنیت و کیفیت بصری و عملکردی می‌توان به‌عنوان ابزاری برای ارتقای کیفیت کلی این فضاها و جذب افراد به فضاهای تاریخی استفاده کرد.

در پاسخ به پرسش پژوهش باید گفت که براساس یافته‌ها، استفاده از مؤلفه‌های کالبدی محیطی و تقویت ویژگی‌های امنیتی و ارزش‌های فرهنگی، مؤثرترین راهکار برای ارتقای کیفیت این فضای تاریخی است. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های کالبدی محیطی مانند دفع فاضلاب، دسترسی و نورپردازی به‌عنوان عناصر کلیدی در بهبود کیفیت فضای بین‌الحرمین شناسایی شدند.

بنابراین، بهبود زیرساخت‌های کالبدی و محیطی، همراه با افزایش امنیت و ایجاد بسترهای اجتماعی و فرهنگی پویا می‌تواند به شکل مؤثری در ارتقای کیفیت این فضای تاریخی و بازیابی هویت مکانی آن نقش آفرین باشد. سرانجام بر پایه یافته‌های پژوهش، راهبردها و سیاست‌های کاربردی طراحی شهری برای ارتقای هویت مکانی و کیفیت بخشی به محدوده تاریخی بین‌الحرمین شیراز ارائه می‌شود (جدول ۷).

جدول ۷. راهبرد و سیاست‌های طراحی شهری برای بهبود هویت مکانی و کیفیت بخشی به محدوده بین‌الحرمین شیراز

اهداف	راهبردها	سیاست‌ها
تقویت بعد کالبدی محیطی هویت مکانی	بهبود نفوذپذیری فضا و بهینه‌سازی شبکه دسترسی با محوریت پیاده	بازتعریف مسیرهای پیاده، دوچرخه و سواری اضطراری. طراحی ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی برای دسترسی بهتر کاربران، گردشگران و ساکنان.
	ساماندهی زیرساخت‌های شهری	احداث شبکه دفع فاضلاب. طراحی و زه‌کشی مناسب برای جمع‌آوری آب‌های سطحی. توجه به شیب زمین در طراحی مسیرهای سواری اضطراری، پیاده و دوچرخه.
	هماهنگ‌سازی و هم‌پیوندی کالبدی، عملکردی و بصری طراحی با ساختارهای زمینه تاریخی	توجه به مقیاس عملکردی کاربری‌ها؛ تزریق کاربری‌های خردمقیاس تجاری، فرهنگی، آموزشی و خدماتی متناسب با ظرفیت محدود. تبعیت الگوهای معماری، نما و مصالح بناهای نوساز از الگوهای زمینه تاریخی؛ الگوهای ساخت ریزدانه و دانه متوسط و به‌کارگیری مصالح خشت، آجر و سنگ.
	تقویت نورپردازی و منظر شبانه‌محور	تزریق کاربری‌های فعال شبانه‌روزی؛ کافه‌ها، نمایشگاه‌ها و ... تعبیه عناصر نورپردازی در فضا.
	همسنگی محصوریت در محور	رعایت تراکم و حدود ارتفاعی بناها و خط آسمان مطلوب با توجه به عرض محور و ضوابط مربوط به حریم بناهای واجد ارزش تاریخی. ایجاد تعین فضایی با توده‌گذاری در زمین‌های بایر و تخریب‌شده.
	تأکید بر عناصر شاخص به‌عنوان نقاط کانونی محور	تأکید بر بناهای واجد ارزش به روش مرمت کالبدی و تزریق محتوای بومی، همچون غذاخوری‌ها، نمایشگاه آثار هنری و صنایع دستی و ...



ادامه جدول ۷. راهبرد و سیاست‌های طراحی شهری برای بهبود هویت مکانی و کیفیت‌بخشی به محدوده بین‌الحرمین شیراز

تقویت بعد اجتماعی-فرهنگی مکانی هویت مکانی	تقویت احساس امنیت	فراهم‌سازی امکان نظارت طبیعی و عمومی به‌منظور تسهیل حضور بانوان و کودکان در فضا. از بین بردن فضاها و گوشه‌های مستعد وقوع جرم به مانند فضاهای بلااستفاده ایجادشده در اثر تخریب بناها. زریق سرمایه به‌منظور بهبود کیفیت، مجهزسازی فضا و حضورپذیری به جای احداث مجتمع‌های تجاری با فعالیت موقت در ساعات خاصی از شبانه‌روز.
	فعال بودن فضا در شبانه‌روز	برون‌ریز فعالیت‌ها در فضا؛ در نظر گرفتن فضای مناسب برای استقرار دستفروش‌ها، نمایش‌های خیابانی، رویدادها و مراسم جمعی متناسب با فرهنگ و سنت و آیین‌های مذهبی. تسهیل مشارکت مردمی و طراحی فضا توسط شهروندان و برای آن‌ها.
	بهبود سطح تعامل اجتماعی	جانمایی مناسب مبلمان شهری. طراحی متناسب به‌منظور تسهیل حضور کم‌توانان جسمی و ذهنی در فضا.
تقویت بعد معنایی هویت مکانی	همه‌شمولی	پوستگی فضای و هم‌پیوندی طراحی جدید در محور با بناها و فضاهای تاریخی محله‌های مجاور.
	بارسازی ارزش‌های زیبایی‌شناختی	حفظ ارزش‌ها و پیشینه تاریخی، فرهنگی و مذهبی اجتماع محلی. ارتباط و انتقال ارزش‌های فرهنگی. فراهم‌سازی عرصه شکل‌گیری خاطرات جمعی.
	بهبود خوانایی و حس تعلق	تزیین فعالیت‌ها و کاربری‌های بومی و ماندگار در ذهن. جانمایی نشانه‌ها، هنرهای عمومی بازتاب‌دهنده فرهنگ منطقه در فضا. استفاده از عناصر آب و پوشش گیاهی همساز با اقلیم و مذهب.



بر پایه نتایج و مطالعات پژوهشگران پیرامون موضوع حاضر در محدوده بین‌الحرمین شیراز، از آنجایی که باوجود اهمیت مداخلات کالبدی در این محدوده، تأثیرات این مداخلات بر پویایی اجتماعی و پیوندهای فرهنگی کمتر بررسی شده است، مواردی برای مطالعات آتی طراحان شهری پیشنهاد می‌شود:

- ارزیابی تأثیرات مداخلات معاصر بر ساختار اجتماعی و فرهنگی محدوده؛
- تحلیل کیفی نقش الگوهای معماری و منظر شهری در احیای هویت بافت تاریخی گردشگری؛
- پیش‌بینی وضعیت آینده‌محور بر مبنای شرایط فعلی آن.

بیانیه‌ها

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به‌صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده‌پردازی و طراحی مطالعه: عرفانه قنبری؛ گردآوری و مدیریت داده‌ها: احمدرضا سواره؛ تحلیل و تفسیر داده‌ها: امیرحسین عظیم‌پور، احمدرضا سواره.



20. Esmailpoorarabi, N., Yigitcanlar, T., & Guaralda, M. (2016). Towards an urban quality framework: Determining critical measures for different geographical scales to attract and retain talent in cities. *International Journal of Knowledge-Based Development*, 7(3), 290–312. <https://doi.org/10.1504/IJKBD.2016.078556>
21. Fathi, S., Sajadzadeh, H., Mohammadi Sheshkal, F., Aram, F., Pinter, G., Felde, I., & Mosavi, A. (2020). The role of urban morphology design on enhancing physical activity and public health. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(7), 2359. <https://doi.org/10.3390/ijerph17072359>
22. Ferwati, M. S., Keyvanfar, A., Shafaghat, A., & Ferwati, O. (2021). A quality assessment directory for evaluating multi-functional public spaces. *Architecture and Urban Planning*, 17(1), 136–151. <https://doi.org/10.2478/aup-2021-0013>
23. Hauge, Å. L. (2007). Identity and place: A critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review*, 50(1), 44–51. <https://doi.org/10.3763/asre.2007.5007>
24. Hussein, F., Stephens, J., & Tiwari, R. (2020). Cultural memories and sense of place in historic urban landscapes: The case of Masrah Al Salam, the demolished theatre context in Alexandria, Egypt. *Land*, 9(8), 264. <https://doi.org/10.3390/land9080264>
25. Jabareen, Y., & Eizenberg, E. (2021). Theorizing urban social spaces and their interrelations: New perspectives on urban sociology, politics, and planning. *Planning Theory*, 20(3), 211–230. <https://doi.org/10.1177/1473095220976942>
26. Jamal, A., Rizki, C. Z., Fitriyani, Rusdi, M., & Diana, A. (2023). Urban quality of life amidst COVID-19 pandemic in Indonesia: Do economic and geographical factors influence quality of life? *Journal of Maps*, 19(1). <https://doi.org/10.1080/17445647.2023.2232367>
27. Kermani, A. A. (2020). Heritage management and urban development in Iran: Case study of Shiraz. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 10(4), 343–357. <https://doi.org/10.1108/JCHMSD-08-2019-0108>
28. Knez, I., Ode Sang, Å., Gunnarsson, B., & Hedblom, M. (2018). Wellbeing in urban greenery: The role of naturalness and place identity. *Frontiers in Psychology*, 9, 491. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00491>
29. Kosonkova, N. A., & Serova, A. A. (2018). The impact of architectural and historical environment on religious objects of Samara. *Urban Construction and Architecture*, 8(3), 93–98. <https://doi.org/10.17673/Vestnik.2018.03.18>
30. Lei, H., & Zhou, Y. (2022). Conducting heritage tourism-led urban renewal in Chinese historical and cultural urban spaces: A case study of Datong. *Land*, 11(12), 2122. <https://doi.org/10.3390/land11122122>
31. Madanipour, A. (2006). Roles and challenges of urban design. *Journal of Urban Design*, 11(2), 173–193. <https://doi.org/10.1080/13574800600644035>
32. Mahabir, R., Crooks, A., Croitoru, A., & Agouris, P. (2016). The study of slums as social and physical constructs: Challenges and emerging research opportunities. *Regional Studies, Regional Science*, 3(1), 399–419. <https://doi.org/10.1080/21681376.2016.1229130>
33. Mehan, A. (2016). Blank slate: Squares and political order of city. *Journal of Architecture and Urbanism*, 40(4), 311–321. <https://doi.org/10.3846/20297955.2016.12469875>
34. Oppio, A., Bottero, M., Giordano, G., & Arcidiacono, A. (2016). Valutare l'impatto della qualità urbana sulla salute pubblica: Un approccio multimetodologico. *Epidemiologia & Prevenzione*, 40(3–4), 249–256. <https://doi.org/10.19191/EP16.3-4.P249.092>
35. Petrovič, F., & Murgaš, F. (2021). Description relationship between urban space and quality of urban life: A geographical approach. *Land*, 10(12), 1337. <https://doi.org/10.3390/land10121337>
36. Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. *Environment and Behavior*, 10(2), 147–169. <https://doi.org/10.1177/0013916578102002>
37. Qazimi, S. (2014). Sense of place and place identity. *European Journal of Social Sciences Education and Research*, 1, 306–310. <https://doi.org/10.26417/ejser.v1i1.p306-310>
38. Sepe, M. (2010, July). Urban policies, place identity and creative regeneration: The Arabianranta case study. In 14th International Planning History Conference, Istanbul (pp. 12–15).
39. Severoğlu, C., & Akkurt, H. B. (2019). Rethinking the meaning of transformed historic environment through the non-Muslim religious structures of Izmir. *Resourceedings*, 2(3), 222–229. <https://doi.org/10.21625/resourceedings.v2i3.784>



40. Shamsuddin, S. (1997). Identity of place: A case study of Kuantan town centre, Malaysia (PhD thesis). University of Nottingham.
41. Strandberg, C., & Styvén, M. E. (2024). The multidimensionality of place identity: A systematic concept analysis and framework of place-related identity elements. *Journal of Environmental Psychology*, 95, 102257. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2024.102257>
42. Sushantia, I. R., Setijanti, P., & Septanti, D. (2024). Social, religious, and economic interaction spaces as a community representational space. *Journal of Islamic Architecture*, 8(1), 39–53. <https://doi.org/10.18860/jia.v8i1.22767>
43. Tournois, L., & Rollero, C. (2020). “Should I stay or should I go?” Exploring the influence of individual factors on attachment, identity, and commitment in a post-socialist city. *Cities*, 102, 102740. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102740>
44. Ujang, N. (2017). Place attachment and continuity of urban place identity. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies*, 2(2), 117–132. <https://doi.org/10.21834/aje-bs.v2i2.182>
45. Ukabi, E. B., & Akçay, A. Ö. (2023). Conserving the historical identity of North Nicosia walled city: Exploring design approaches and implications from 1983 to 2003. *Buildings*, 13(9), 2199. <https://doi.org/10.3390/buildings13092199>
46. Van Hecke, L., Deforche, B., Van Dyck, D., De Bourdeaudhuij, I., Veitch, J., et al. (2016). Social and physical environmental factors influencing adolescents’ physical activity in urban public open spaces: A qualitative study using walk-along interviews. *PLOS ONE*, 11(5), e0155686. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0155686>
47. Woodhouse, A. (2011). Factors influencing the development of Brisbane’s laneways as successful urban spaces. *Australian Planner*, 48(4), 292–304. <https://doi.org/10.1080/07293682.2011.605371>
48. Zagroba, M., Szczepańska, A., & Senetra, A. (2020). Analysis and evaluation of historical public spaces in small towns in the Polish region of Warmia. *Sustainability*, 12(20), 8356. <https://doi.org/10.3390/su12208356>

ABRIDGED PAPER

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Prioritization of Urban Design Functions Affecting Urban Form Elements to Increase the Sociability of Public Spaces – Case Study: Public Spaces of Shiraz Metropolitan AreaSeyedeh Aida Hosseini¹

1. PhD student in Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

The population of cities worldwide is increasing at an unpredictable rate. This has led to a decline in the quality of urban public spaces in social, cultural, physical, environmental, and other domains, as they have been sacrificed for industrialization in pursuit of economic improvement. As a result of this decline, citizens are increasingly choosing social media over physical presence in urban public spaces to establish and foster connections, or they merely pass through urban environments out of necessity. This phenomenon has severe consequences. In this context, the present study aims to introduce and prioritize urban design functions affecting urban form elements in order to enhance the sociability of public spaces. The study is applied in nature and employs a descriptive-analytical approach with both quantitative and qualitative methods. Data collection was conducted through library research and fieldwork, using a researcher-designed questionnaire and interviews. The results of the t-test indicate that, on average, citizens' weekly presence in public spaces, with a score of 2.71, is below the average, suggesting the need for improvements in the conditions of public spaces. Furthermore, this test showed that citizens identified access, traffic, and sidewalk quality as the most important factors affecting their presence in public spaces. The Pearson correlation test further revealed that sites, with a correlation value of 0.612 and a beta value of 0.287 from the regression analysis, have the highest correlation and predictive value for enhancing the sociability of urban public spaces. Based on these results, the study offers several recommendations for improving current conditions, including enhancing public transportation networks, improving sidewalk quality, increasing greenery, using trees suited to the regional climate, designing building facades in line with the culture of each city, creating movable awnings, and other related factors.

Highlights

- Urban form elements have a significant impact on most urban design functions.
- Adequate visibility and access to the surrounding environment have a considerable effect on the level of citizens' presence in public spaces.
- The formula for predicting the level of presence in urban public spaces, based on the impact of urban form elements, is provided.

ARTICLE INFO

Received	02/08/2024
Revised	17/08/2024
Accepted	03/09/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Urban design functions
urban form elements
public spaces
Shiraz metropolitan area



Citation of the article

Hosseini, S. A. (2024). Prioritizing urban design functions influencing urban form elements to enhance the sociability of public spaces: A case study of public spaces in Shiraz metropolitan area. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 185-212.

Introduction: With the rise in urbanization projected to reach 68% by 2050, cities have become the primary hubs for economic and social growth. While urban development plays a critical role in accommodating the growing population, it often comes at the expense of social, environmental, and cultural quality. This approach has led to a weakened link between economic growth and environmental quality, undermining sociability in urban spaces. Furthermore, the declining quality of public spaces has resulted in reduced public presence in these areas and an increased reliance on social media for fostering connections.

Urban design serves as a tool to redefine and enhance the sociability of urban spaces. This discipline has evolved from merely focusing on aesthetics to examining how people use spaces and engage in social interactions within urban environments. Sociability refers to the ability of public spaces to facilitate social interactions, foster connections, and improve quality of life. Elements such as the arrangement of urban forms, spatial configurations, and the quality of pathways play a significant role in social interactions. Thoughtful design of these elements can encourage behaviors such as walking, standing, and sitting, thereby increasing mobility and social engagement.

The city of Shiraz, with its rich historical, cultural, and religious heritage, stands as one of Iran's most significant metropolitan areas, offering immense potential for attracting domestic and international tourists. The presence of historical, religious, and medical centers has positioned Shiraz as the cultural capital of Iran. However, challenges such as traffic congestion, insufficient greenery, poor-quality pathways, uncoordinated façades, air pollution, and urban heat islands have diminished the quality of the city's public spaces and negatively impacted its sociability.

To improve public spaces in Shiraz, identifying the factors influencing sociability is essential. This study aims to determine urban design practices that affect elements of urban form and prioritize these factors to propose strategies for enhancing sociability. Sociability requires the integration of physical, social, cultural, and environmental dimensions in the design of spaces. Such an approach can address issues like social isolation, reduced face-to-face interactions, and the lack of quality in public spaces, ultimately enhancing the quality of life for both residents and visitors.

Materials and Methods: Given that this study seeks to improve the sociability conditions of public spaces using urban design practices in the metropolitan city of Shiraz, it is applied in terms of purpose and descriptive-analytical with a quantitative-qualitative approach in terms of methodology. Initially, it describes the sociability conditions of public spaces from the perspective of citizens and then analyzes the impact of urban design factors on sociability.

Data collection was conducted through both library and field methods. Scientific resources such as documents, theses, articles, and books relevant to the research domains were utilized for the library-based approach. In the field method, data were gathered through interviews and a researcher-designed questionnaire, with direct visits by researchers to the study area.

The first section of the questionnaire addressed demographic questions (including three items), while the second section focused on the independent and dependent variables of the study (including 21 questions). The questions referred to public spaces such as streets, open spaces, green areas, and the influence of buildings, landscapes, sites, and lots across physical, social, cultural, and environmental dimensions. These were framed using the indicators presented in Chart No. 2. The questionnaire items were based on a five-point Likert scale (ranging from 1 to 5).

The statistical population consisted of all citizens residing in the metropolitan city of Shiraz. The sample size was estimated to be 384 individuals using Cochran's formula, and data collection was conducted using a simple random sampling method. Data analysis was performed using SPSS software and included one-sample t-tests, Pearson correlation, and regression analysis. To ensure the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha coefficient was calculated, and the Kolmogorov-Smirnov test was employed to assess the normality of the data.



Findings: The descriptive findings regarding the individual characteristics of respondents indicate that, in terms of gender, women accounted for a higher percentage of responses. In terms of age groups, the majority of responses were from individuals aged 21–30, followed by the 31–40 age group. Regarding education level, the largest group of respondents held a bachelor's degree.

The highest statistics obtained regarding the average presence of citizens in public spaces show that 36.5% of citizens are present in urban public spaces on an average of three days per week (moderate), followed by 23.7% who attend two days per week (low), voluntarily.

The results of the one-sample t-test revealed that the average weekly presence of citizens (2.71) is below the medium threshold, indicating the need for actions to enhance sociability in public spaces. Additionally, the findings show that in street design, the transportation dimension, including traffic and types of vehicles for accessibility, as well as the quality of sidewalks, had the most significant impact on sociability, with mean scores of 4.27 and 4.23, respectively. On the other hand, the street layout had the least impact, with a mean score of 2.99.

In open spaces, greenery (mean score of 4.38) was found to be more significant than the type of trees used. Regarding sites, most citizens preferred an open environment, which scored a mean of 4.04. For buildings, based on the respondents' feedback, the style and pattern of buildings (mean score of 4.02) and high building density (mean score of 3.70) had the greatest impact, while uniform building height (mean score of 2.76) had the least impact on citizens' presence.

In the environmental dimension, the suitability of sunlight (mean score of 4.11) and extreme heat or cold (mean score of 4.04) had the greatest influence, while greenhouse gas emissions (mean score of 3.80) had the least influence on citizens' presence in public spaces.

The results of the Pearson correlation test indicate that sites (correlation coefficient: 0.612) have the strongest relationship with sociability in public spaces, while lots and buildings (correlation coefficient: 0.432) have the weakest. The beta values obtained from regression analysis demonstrate that sites ($\beta = 0.287$), streets ($\beta = 0.245$), environmental factors ($\beta = 0.159$), open spaces ($\beta = 0.139$), and lots and buildings ($\beta = 0.133$) influence the sociability of urban public spaces in descending order.

Discussion and Conclusion: In summarizing the findings, it can be stated that the most important factors influencing citizens' presence in urban public spaces are, first and foremost, the openness of sites, followed by accessibility, traffic levels, public transportation services, and the quality of sidewalks. Environmental factors rank third, with the most important indicators being the desirability of sunlight, followed by extreme temperatures (either hot or cold). The next important factor is the amount of greenery in open spaces, which also has a significant impact. Lastly, the building facade design patterns and the level of construction density in lots and buildings influence the sociability of public spaces in the city of Shiraz.

The factors identified in this study align with previous research (as shown in Chart 1), but the prioritization of these factors differs. This discrepancy can be attributed to the specific social conditions, the citizens' culture, and the regional climate. Based on the theoretical framework, prior studies, and the researcher's observations, the following suggestions are made to improve the current situation of urban public spaces:

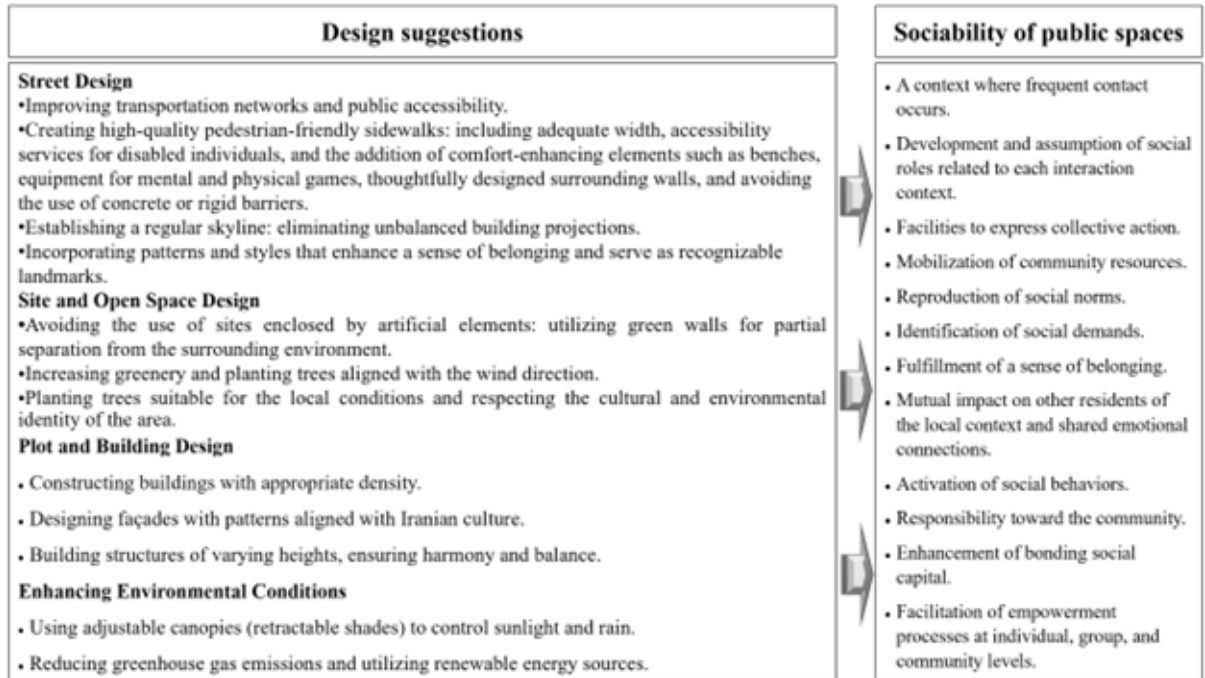


Figure 1. Research suggestions and their effects on the sociability of public spaces

Declarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

Study Conceptualization and Design; Data Collection and Management; Data Analysis and Interpretation; Visualization; Drafting the Initial Manuscript; Reviewing and Revising the Article; Research Project Management; Validation and Final Approval: All the aforementioned tasks were carried out by Seyedeh Aida Hosseini.

Acknowledgments:

The author extends sincere gratitude to all citizens who participated by completing the questionnaire for this study.

References

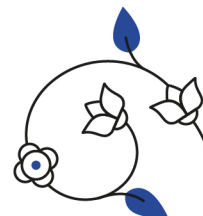
1. Abd Elrahman, A. S., & Asaad, M. (2021). Urban design and urban planning: A critical analysis of the theoretical relationship gap. *Ain Shams Engineering Journal*, 12, 1163–1173. <https://doi.org/10.1016/j.asej.2020.04.020>
2. Abdullah, A., Safizadeh, M., Hedayati, M., & Maghsoo.
3. odi, M. J. (2021). The mediating role of sense of belonging in the relationship between the built environment and victimization: A case of Penang, Malaysia. *Open House International*, 46(2), 173–188. <https://doi.org/10.1108/OHI-11-2020-0164>
4. Ameen, R. F. M., Mourshed, M., & Li, H. (2015). A critical review of environmental assessment tools for sustainable urban design. *Environmental Impact Assessment Review*, 55, 110–125. <https://doi.org/10.1016/j.eiar.2015.07.006>
5. Asaad, M., Khalifa, M., & Abd Elrahman, A. S. (2020). Bridging the gap between theory and practice in the urban design



- process: Towards multidisciplinary success considerations. In *Urban and Transit Planning: A Culmination of Selected Research Papers from IEREK Conferences on Urban Planning, Architecture and Green Urbanism, Italy and Netherlands* (2017) (pp. 261–274). Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-17308-1_25
6. Askarizad, R., Lamíquiz, P., & Garau, C. (2024). The application of space syntax to enhance sociability in public urban spaces: A systematic review. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 13, Article 227. <https://doi.org/10.3390/ijgi13070227>
 7. Benn, S. I., & Gaus, G. F. (1983). *Public and private in social life*. Taylor & Francis.
 8. Biddulph, M. (2012). The problem with thinking about or for urban design. *Journal of Urban Design*, 17, 1–20. <https://doi.org/10.1080/13574809.2011.646251>
 9. Blečić, I., Cecchini, A., & Trunfio, G. A. (2017). Computer-aided drafting of urban designs for walkability. In *Computational Science and Its Applications – ICCSA 2017, Lecture Notes in Computer Science* (pp. 695–709). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-62401-3_51
 10. Carmona, M. (2010a). *Public places, urban spaces: The dimensions of urban design*. Routledge.
 11. Carmona, M. (2010b). Contemporary public space, part two: Classification. *Journal of Urban Design*, 15(2), 157–173.
 12. Carmona, M., De Magalhães, C., & Hammond, L. (2008). *Public space: The management dimension*. Routledge.
 13. Chokhachian, A., Perini, K., Giulini, S., & Auer, T. (2020). Urban performance and density: Generative study on interdependencies of urban form and environmental measures. *Sustainable Cities and Society*, 53, Article 101952. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101952>
 14. Chow, K. L., & Ameijde, J. V. (2020). Generative housing communities: Design of participatory spaces in public housing using network configurational theories. In *Proceedings of the 25th CAADRIA Conference*, 2, 283–292.
 15. Coorey, B., & Coorey, A. (2017). Generating urban form. In *Proceedings of the 22nd International Conference of the Association for Computer-Aided Architectural Design Research in Asia (CAADRIA) 2017* (pp. 261–270).
 16. Coutu De Goede, S. (2024). Applying the Seven Generation Cities ethos to urban design: Reflections and pathways towards creating drastically inclusive, caring, and regenerative public places. Master's thesis, McGill University Institutional Digital Repository.
 17. Daher, E., Kubicki, S., & Guerriero, A. (2017). Data-driven development in the smart city: Generative design for refugee camps in Luxembourg. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 4, 364–379. [https://doi.org/10.9770/jesi.2017.4.3S\(11\)](https://doi.org/10.9770/jesi.2017.4.3S(11))
 18. Duering, S., Chronis, A., & Koenig, R. (2020). Optimizing urban systems: Integrated optimization of spatial configurations. In *Proceedings of the 11th Annual Symposium on Simulation for Architecture and Urban Design (SimAUD)* (pp. 1–7).
 19. Elshani, D., Koenig, R., Duering, S., Schneider, S., & Chronis, A. (2021). Measuring sustainability and urban data operationalization: An integrated computational framework to evaluate and interpret the performance of the urban form. In *Proceedings of the 26th CAADRIA Conference*, 2, 407–416.
 20. Fedorova, S. (2021). GANs for urban design. *SimAUD*, 2021, 1–9. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2105.01727>
 21. Franck, K., & Stevens, Q. (2006). *Loose space: Possibility and diversity in urban life*. Routledge.
 22. Guo, Y., Liu, Y., Lu, S., Chan, O. F., Chui, C. H. K., & Lum, T. Y. (2021). Objective and perceived built environment, sense of community, and mental wellbeing in older adults in Hong Kong: A multilevel structural equation study. *Landscape and Urban Planning*, 209, Article 104058. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104058>
 23. Hooper, P., Foster, S., Knuiman, M., & Giles-Corti, B. (2020). Testing the impact of a planning policy based on New Urbanist planning principles on residents' sense of community and mental health in Perth, Western Australia. *Environment and Behavior*, 52(3), 305–339. <https://doi.org/10.1177/0013916518798882>
 24. Hou, J. (2010). *Insurgent public space: Guerrilla urbanism and the remaking of contemporary cities*. Routledge.
 25. Istrate, A.-L., & Chen, F. (2022). Liveable streets in Shanghai: Definition, characteristics and design. *Progress in Planning*, 158, Article 100544. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2021.100544>
 26. Jabareen, Y., & Zilberman, O. (2017). Sidestepping physical determinism in planning: The role of compactness, design and social perceptions in shaping sense of community. *Journal of Planning Education and Research*, 37(1), 18–28. <https://doi.org/10.1177/0739456x16636940>
 27. Jia, J., Zhang, X., & Zhang, W. (2025). Between place attachment and urban planning in Jinan: Does environmental quality affect human perception in a developing country context? *Land Use Policy*, 148, Article 107384. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2024.107384>
 28. Juntti, M., Costa, H., & Nascimento, N. (2021). Urban environmental quality and wellbeing in the context of incomplete urbanisation in Brazil: Integrating directly experienced ecosystem services into planning. *Progress in Planning*, 143, Article 100433. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2019.04.003>
 29. Karimi, K. (2023). The configurational structures of social spaces: Space syntax and urban morphology in the context of analytical, evidence-based design. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 12, Article 2084.
 30. Khallaf, M., & Jupp, J. (2017). Performance-based design of tall building envelopes using competing wind load and wind

flow criteria. *Procedia Engineering*, 180, 99–109. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2017.04.169>

31. Koenig, R., Miao, Y., Aichinger, A., Knecht, K., & Konieva, K. (2020). Integrating urban analysis, generative design, and evolutionary optimization for solving urban design problems. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 47, 997–1013. <https://doi.org/10.1177/2399808319894986>
32. Kohn, M. (2004). *Brave new neighborhoods: The privatization of public space*. Routledge.
33. Lei, Y., Wang, D., Jia, H., Li, J., Chen, J., Li, J., & Yang, Z. (2021). Multi-stage stochastic planning of regional integrated energy system based on scenario tree path optimization under long-term multiple uncertainties. *Applied Energy*, 300, Article 117224. <https://doi.org/10.1016/j.apenergy.2021.117224>
34. Levy, J. M. (2016). *Contemporary urban planning*. Taylor & Francis.
35. Li, J., Dang, A., & Song, Y. (2022). Defining the ideal public space: A perspective from the publicness. *Journal of Urban Management*. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2022.08.005>
36. Lima, F., Brown, N., & Duarte, J. (2021). Urban design optimization: Generative approaches towards urban fabrics with improved transit accessibility and walkability. In *Proceedings of the 26th CAADRIA Conference* (pp. 719–728).
37. Liu, J., Meng, B., Wang, J., Chen, S., Tian, B., & Zhi, G. (2021). Exploring the spatiotemporal patterns of residents' daily activities using text-based social media data: A case study of Beijing, China. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 10(6), 389.
38. Low, S., & Smith, N. (2013). *The politics of public space*. Routledge.
39. Marsault, X., & Torres, F. (2019). An interactive and generative eco-design tool for architects in the sketch phase. *Journal of Physics: Conference Series*, 1343. <https://doi.org/10.1088/1742-6596/1343/1/012136>
40. Mehta, V. (2019). Streets and social life in cities: A taxonomy of sociability. *Urban Design*, 24, 16–37.
41. Mehta, V., & Palazzo, D. (2020). *Companion to public space*. Routledge.
42. Mukkavaara, J., & Sandberg, M. (2020). Architectural design exploration using generative design: Framework development and case study of a residential block. *Buildings*, 10, Article 201. <https://doi.org/10.3390/buildings10110201>
43. Nagy, D., Villaggi, L., & Benjamin, D. (2018). Generative urban design: Integrating financial and energy goals for automated neighborhood layout. In *Proceedings of the Symposium on Simulation for Architecture and Urban Design (SimAUD)* (pp. 1–8).
44. Natanian, J., & Wortmann, T. (2021). Simplified evaluation metrics for generative energy-driven urban design: A morphological study of residential blocks in Tel Aviv. *Energy and Buildings*, 240, Article 110916. <https://doi.org/10.1016/j.enbuild.2021.110916>
45. Oliveira, V. (2016). *Urban morphology*, The Urban Book Series. Cham: Springer International Publishing. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-32083-0>
46. Owaki, T., & Machida, T. (2020). RoadNetGAN: Generating road networks in planar graph representation. In *International Conference on Neural Information Processing* (pp. 535–543). https://doi.org/10.1007/978-3-030-63820-7_61
47. Pérez-Martínez, I., Martínez-Rojas, M., & Soto-Hidalgo, J. M. (2020). A preliminary approach to allocate categories of buildings into lands based on generative design. In *2020 IEEE International Conference on Fuzzy Systems (FUZZ-IEEE)* (pp. 1–6). <https://doi.org/10.1109/FUZZ48607.2020.9177853>
48. Quan, S. J., Park, J., Economou, A., & Lee, S. (2019). Artificial intelligence-aided design: Smart design for sustainable city development. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 46, 1581–1599. <https://doi.org/10.1177/2399808319867946>
49. Rahimian, M. (2019). A grammar-based generative urban design tool considering topographic constraints - The case for American urban planning. In *Proceedings of the 37th eCAADe and 23rd SIGraDi Conference* (Vol. 3, pp. 267–276). <https://doi.org/10.52842/conf.ecaade.2019.3.267>
50. Ramos-Vidal, I., & Domínguez de la Ossa, E. (2023). A systematic review to determine the role of public space and urban design on sense of community. *Universidad Tecnológica de Bolívar, Repositorio Institucional UTB*. <https://hdl.handle.net/20.500.12585/12565>
51. Rugel, E. J., Carpiano, R. M., Henderson, S. B., & Brauer, M. (2019). Exposure to natural space, sense of community belonging, and adverse mental health outcomes across an urban region. *Environmental Research*, 171, 365–377. <https://doi.org/10.1016/j.envres.2019.01.034>
52. Saadallah, D. M. (2020). Utilizing participatory mapping and PPGIS to examine the activities of local communities. *Alexandria Engineering Journal*, 59(1), 263–274. <https://doi.org/10.1016/j.aej.2019.12.038>
53. Serdar, S. E., & Kaya, M. E. (2019). Generative landscape modeling in urban open space design: An experimental approach. *Journal of Digital Landscape Architecture*, 231–238.
54. Showkatbakhsh, M., & Makki, M. (2020). Application of homeostatic principles within evolutionary design processes: Adaptive urban tissues. *Journal of Computational Design and Engineering*, 7, 1–17. <https://doi.org/10.1093/jcde/qwaa002>
55. Stroope, J. (2021). Active transportation and social capital: The association between walking or biking for transportation



- and community participation. *Preventive Medicine*, 150, 106666. <https://doi.org/10.1016/j.ypmed.2021.106666>
56. Tian, R. (2021). Suggestive site planning with conditional GAN and urban GIS data. In *Proceedings of the 2020 Digital Futures* (pp. 103–113). https://doi.org/10.1007/978-981-33-4400-6_10
57. Vanoutrive, T. (2017). Don't think of them as roads. Think of them as road transport markets: Congestion pricing as a neoliberal political project. *Progress in Planning*, 117, 1–21. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2016.04.001>
58. Varna, G. (2014). *Measuring public space: The star model*. Ashgate Publishing, Ltd.
59. Wang, X., Song, Y., & Tang, P. (2020). Generative urban design using shape grammar and block morphological analysis. *Frontiers of Architectural Research*, 9, 914–924. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2020.09.001>
60. Wilson, L., Danforth, J., Davila, C. C., & Harvey, D. (2019). How to generate a thousand master plans: A framework for computational urban design. In *Proceedings of the Symposium on Simulation for Architecture and Urban Design (SimAUD)* (pp. 113–119). <https://dl.acm.org/doi/10.5555/3390098.3390126>
61. Wong, K. K. C., & Ameijde, J. V. (2021). In-between spaces: Data-driven analysis and generative design for public housing estate layouts. In *Proceedings of the 26th CAADRIA Conference (Vol. 2, pp. 397–406)*.
62. Yang, P. P.-J., Chang, S., Saha, N., & Chen, H. W. (2020). Data-driven planning support system for a campus design. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 47, 1474–1489. <https://doi.org/10.1177/2399808320910164>
63. Young, I. M. (1986). The ideal of community and the politics of difference. *Social Theory and Practice*, 12(1), 1–26.
64. Yu, A. (2021). Open space and sense of community of older adults: A study in a residential area in Hong Kong. *Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research*, 15(3), 539–554. <https://doi.org/10.1108/ARCH-11-2020-0260>
65. Yu, R., Wong, M., & Woo, J. (2019). Perceptions of neighborhood environment, sense of community, and self-rated health: An age-friendly city project in Hong Kong. *Journal of Urban Health*, 96(2), 276–288. <https://doi.org/10.1007/s11524-018-00331-3>
66. Zhang, F., Loo, B. P., & Wang, B. (2022). Aging in place: From the neighborhood environment, sense of community, to life satisfaction. *Annals of the American Association of Geographers*, 112(5), 1484–1499. <https://doi.org/10.1080/24694452.2021.1985954>

Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





اولویت‌بندی عملکردهای طراحی شهری مؤثر بر عناصر فرم شهری به‌منظور افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی - نمونه موردی: فضاهای عمومی کلان‌شهر شیراز

سیده آیدا حسینی^۱

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

مشخصات مقاله

چکیده

تاریخ ارسال
تاریخ بازنگری
تاریخ پذیرش
تاریخ انتشار آنلاین

۱۴۰۲/۰۵/۱۲
۱۴۰۲/۰۵/۲۷
۱۴۰۳/۰۶/۱۳
۱۴۰۳/۰۶/۲۶

واژگان کلیدی

عملکردهای طراحی شهری
عناصر فرم شهری
فضاهای عمومی
کلان‌شهر شیراز

جمعیت شهرهای جهان با روندی پیش‌بینی‌ناپذیر در حال افزایش است. این امر موجب شده است فضاهای عمومی شهری در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، زیست‌محیطی و مانند آن، کیفیت خود را برای افزایش صنعتی شدن درازای بهبود شرایط اقتصادی از دست بدهند. به دنبال کاهش کیفیت، شهروندان به‌جای حضور در فضاهای عمومی شهری، رسانه‌های اجتماعی را برای ایجاد و پرورش ارتباطات برمی‌گزینند یا صرفاً برای حضور اجباری از محیط‌های شهری عبور می‌کنند که این عوامل تبعات جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. در این راستا، پژوهش پیش رو در نظر دارد ضمن معرفی عملکردهای طراحی شهری مؤثر بر عناصر فرم شهری، آن‌ها را به‌منظور افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی اولویت‌بندی کند. پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف از نوع کاربردی است و از نظر روش نیز توصیفی-تحلیلی با رویکرد کمی کیفی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی انتخاب شده و یافته‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته و مصاحبه به دست آمده است. نتایج آزمون تی حاکی از آن بوده که درحال حاضر، حضور شهروندان به‌طور میانگین هفتگی با عدد ۲,۷۱، کمتر از حد متوسط است؛ یعنی نیازمند بهبود شرایط حاکم بر فضاهای عمومی هستیم. همچنین این آزمون نشان داده است شهروندان شاخص‌های نوع دسترسی، ترافیک و کیفیت پیاده‌روها را مهم‌ترین عامل حضور خود در فضاهای عمومی انتخاب کرده‌اند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نیز ثابت می‌کند که سایت‌ها با میزان همبستگی ۰,۶۱۲ و بتای ۰,۲۸۷، به‌دست‌آمده از آزمون رگرسیون، بیشترین میزان همبستگی و پیش‌بینی را به‌جهت افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری دارد. بنا بر نتایج به‌دست‌آمده، خلاصه‌ای از پیشنهادها این پژوهش در راستای بهبود شرایط حاکم به این شرح است: بهبود شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی، بهبود کیفیت پیاده‌روها، افزایش سبزی‌نگی محیط، بهره‌گیری از درختان مطابق با شرایط آب‌وهوای منطقه، نماهای ساختمان‌ها مطابق با فرهنگ هر شهر، ایجاد سایه‌بان‌های متحرک و عواملی از این دست.

نکات شاخص

- عناصر فرم شهری، بر اکثر عملکردهای طراحی شهری، مؤثر هستند.
- وجود دید کافی و دسترسی به محیط اطراف، تأثیر بسزایی بر میزان حضور شهروندان در فضاهای عمومی دارد.
- فرمول پیش‌بینی میزان حضور در فضاهای عمومی شهری، با توجه به تأثیر عناصر فرم شهری، ارائه گردیده است.

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

حسینی، س. آ. (۱۴۰۳). اولویت‌بندی عملکردهای طراحی شهری مؤثر بر عناصر فرم شهری به‌منظور افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی (نمونه موردی: فضاهای عمومی کلان‌شهر شیراز). *نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران*، (۱)، ۱۸۵-۲۱۲.





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Prioritization of Urban Design Functions Affecting Urban Form Elements to Increase the Sociability of Public Spaces – Case Study: Public Spaces of Shiraz Metropolitan Area

Seyedeh Aida Hosseini¹

1. PhD student in Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

The population of cities worldwide is increasing at an unpredictable rate. This has led to a decline in the quality of urban public spaces in social, cultural, physical, environmental, and other domains, as they have been sacrificed for industrialization in pursuit of economic improvement. As a result of this decline, citizens are increasingly choosing social media over physical presence in urban public spaces to establish and foster connections, or they merely pass through urban environments out of necessity. This phenomenon has severe consequences. In this context, the present study aims to introduce and prioritize urban design functions affecting urban form elements in order to enhance the sociability of public spaces. The study is applied in nature and employs a descriptive-analytical approach with both quantitative and qualitative methods. Data collection was conducted through library research and fieldwork, using a researcher-designed questionnaire and interviews. The results of the t-test indicate that, on average, citizens' weekly presence in public spaces, with a score of 2.71, is below the average, suggesting the need for improvements in the conditions of public spaces. Furthermore, this test showed that citizens identified access, traffic, and sidewalk quality as the most important factors affecting their presence in public spaces. The Pearson correlation test further revealed that sites, with a correlation value of 0.612 and a beta value of 0.287 from the regression analysis, have the highest correlation and predictive value for enhancing the sociability of urban public spaces. Based on these results, the study offers several recommendations for improving current conditions, including enhancing public transportation networks, improving sidewalk quality, increasing greenery, using trees suited to the regional climate, designing building facades in line with the culture of each city, creating movable awnings, and other related factors.

Highlights

- Urban form elements have a significant impact on most urban design functions.
- Adequate visibility and access to the surrounding environment have a considerable effect on the level of citizens' presence in public spaces.
- The formula for predicting the level of presence in urban public spaces, based on the impact of urban form elements, is provided.

Citation of the article

Hosseini, S. A. (2024). Prioritizing urban design functions influencing urban form elements to enhance the sociability of public spaces: A case study of public spaces in Shiraz metropolitan area. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 185-212.

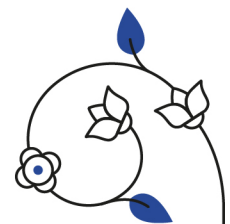
Author Corresponding:
Email: s.aida.hosseini1993@gmail.com

ARTICLE INFO

Received	02/08/2024
Revised	17/08/2024
Accepted	03/09/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Urban design functions
urban form elements
public spaces
Shiraz metropolitan area



مقدمه

با توجه به رشد روزافزون جمعیت سیاره زمین، شهرنشینی به یکی از مهم‌ترین مسائل قرن بیست و یکم تبدیل شده است و انتظار می‌رود جمعیت شهری تا سال ۲۰۵۰ از ۵۵ درصد به ۶۸ درصد افزایش یابد (United Nations, 2019). این مناطق شهری که با نرخ بالای شهرنشینی و صنعتی شدن مشخص می‌شوند، اساس رشد اقتصادی را تشکیل داده است و به همه ساکنان آن‌ها خدمت می‌کند. در اکثر مواقع، مدیران و تصمیم‌گیرندگان توسعه شهری، توسعه اقتصادی را به قیمت نزول کیفیت اجتماعی، زیست‌محیطی، فرهنگی و کالبدی دنبال می‌کنند. این پیشامد به قطع ارتباط میان رشد اقتصادی و کیفیت محیطی در همه ابعاد و در نهایت کاهش اجتماع‌پذیری شهری منجر شده است (Jia et al., 2025). در واقع، کاهش کیفیت عینی محیط‌های عمومی شهری، موجب تنزل ادراک انسانی درباره کیفیت مناطق عمومی شده است و به دنبال آن، مردم زمان بیشتری را در رسانه‌های اجتماعی برای ایجاد و پرورش ارتباطات می‌گذرانند و حضور اختیاری در فضاهای شهری، روزبه‌روز کمتر می‌شود (al et Liu, 2021).

در این میان، واضح است که طراحی شهری و حیطه‌های عملکردی آن می‌تواند بر ادراک انسان تأثیر بگذارد و با سنجیدن همه مسائل خصوصی و عمومی، جامعه‌پذیری در محیط شهری را بهبود ببخشد. به بیانی جامع‌تر، عملکردهای طراحی شهری به‌عنوان رویکردهای استراتژیک برای پیمایش پیچیدگی ذاتی و ایجاد چارچوب‌های حل مسئله عمل می‌کنند که با پیکربندی و مدل‌سازی مجدد، شکل‌دهی مکان‌های بهتر و کارآمدتر را ممکن می‌سازد (Levy, 2016). در همین راستا، شواهد حاکی از آن است که طراحی شهری معاصر مجموعه‌ای از دگرگونی‌های مترقی را تجربه کرده که منعکس‌کننده تغییر اولویت‌ها و فلسفه‌های طراحی در توسعه شهری است. همان‌طور که کارمونا بیان می‌کند: «سنت طراحی از تمرکز صرف بر بُعد بصری‌هنری (کیفیت زیبایی‌شناختی)، به مفهوم جریان - مکان عناصر فیزیکی و شیوه‌ای که مردم از فضا استفاده می‌کنند (تنظیمات رفتاری)، تکامل یافته است (Carmona, 2010a)»؛ از این‌رو، طراحی فضاهای عمومی شهری به‌طور گسترده برای تشویق تعامل اجتماعی، بسیار مهم شناخته شده است؛ زیرا ارتباط ساختار و شکل فضاهای شهری و اجتماع‌پذیری، هنوز موضوعی پیچیده و بحث‌برانگیز است.

اجتماع‌پذیری در فضاهای شهری عمومی، به قابلیت این مناطق برای تسهیل تعامل اجتماعی، ارتباطات و معاشرت‌ها اشاره دارد که نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کند (Askarizad et al., 2024). اجتماع‌پذیری مکان، جنبه‌هایی مانند سهولت ملاقات و تعامل با دیگران، حضور فعالیت‌های اجتماعی و قابلیت زندگی کلی فضا را در بر می‌گیرد. بالطبع مورفولوژی یک منطقه، می‌تواند با شکل دادن به نحوه حرکت و تعامل افراد در داخل فضا، به‌طور چشمگیری بر جامعه‌پذیری آن تأثیر بگذارد (Mehta, 2019). بنا بر آنچه گفته شد، طراحی عناصر فرم شهری و نحوه قرارگیری آن‌ها در کنار یکدیگر، امری پیشرو است که چگونگی بعد فضایی و اجتماعی یک مکان را مفهوم‌سازی می‌کند. چیدمان یک محیط ساخته‌شده با تحریک راه رفتن، ایستادن و نشستن، بر معاشرت‌پذیری و میزان تحرک زندگی اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد (Karimi, 2023). از همین‌رو، طراحی شهری در بررسی ما با فرایند شکل‌دهی عناصر فرم فضاهای شهری مشخص می‌شود و چارچوبی پیشنهاد می‌دهد که ابعاد فیزیکی، فرهنگی اجتماعی و زیست‌محیطی و اجتماعی فضا را در راستای افزایش اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی ادغام می‌کند و آن را برای حل مشکلات انزوا و حضور نداشتن شهروندان مؤثر می‌داند. شیراز، این کلان‌شهر باستانی و کهن، همانند بسیاری از شهرها و کلان‌شهرهای دیگر ایران و جهان دارای فضاهای عمومی بسیاری است. آنچه به مکان‌های عمومی این کلان‌شهر نسبت به شهرهای دیگر اهمیت روزافزون می‌بخشد، بهره‌گیری از مراکز مذهبی، فرهنگی، تاریخی و... است که موجب شده تا شیراز به‌عنوان پایتخت فرهنگی ایران برگزیده شود. از سوی دیگر، وجود مراکز بهداشتی‌درمانی شاخص، نگاه بسیاری را در جهان به خود دوخته است. این عوامل و بسیاری دیگر، سبب شده است شیراز بتواند علاوه بر شهروندانش، مردمان سایر نقاط جهان را نیز به‌سوی خود جذب کند. طبعاً این مردمان هنگام حضور، به دنبال فضاهای عمومی باکیفیتی هستند که در آن گام بردارند و از ویژگی‌های گوناگون شیراز بهره ببرند.

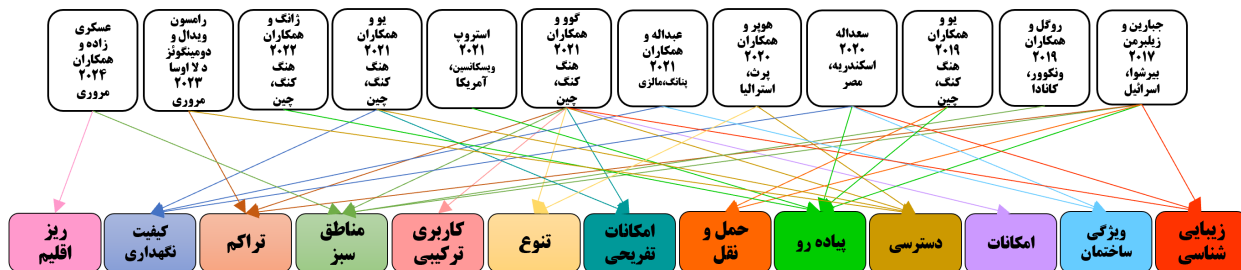
متأسفانه برخلاف عوامل جاذب جمعیت، عواملی همچون ترافیک، رسیدگی نکردن به سبزینگی در بسیاری از فضاها، کم بودن عرض یا کیفیت نامناسب معابر، نماها و ساختمان‌های فاقد هماهنگی، جزایر گرمایی، آلودگی هوا و مانند آن، موجب شده است شاهد افول کیفیت و اجتماع‌پذیری نامناسب در بخش‌های زیادی از فضاهای عمومی این کلان‌شهر پراهمیت باشیم. می‌توان نتیجه گرفت شناسایی عواملی که سبب بهبود اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی کلان‌شهر شیراز خواهد شد، امری



ضروری و مهم به نظر می‌رسد. در این راستا، پژوهش حاضر در نظر ضمن شناسایی عملکردهای طراحی شهری مؤثر بر عناصر فرم شهری به جهت افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی، آن‌ها را اولویت‌بندی کند و پیشنهادهایی برای بهبود شرایط موجود ارائه دهد.

پیشینه و مبانی نظری

پژوهشگران بسیاری در پژوهش‌های خود دریافته‌اند ویژگی‌های عناصر فرم شهری و نحوه قرارگیری آن‌ها کنار یکدیگر که مورفولوژی شهر را شکل می‌دهند، تأثیر بسیار زیادی بر میزان اجتماع‌پذیری مکان‌های عمومی دارد. نمودار زیر، نتایج پژوهش‌ها را به تفکیک زمان، مکان و شاخص‌های مؤثر بیان می‌کند. همان‌طور که در نمودار شماره یک مشاهده می‌شود، بررسی نتایج تحقیقات بیانگر این است که امکان پیاده‌روی، دسترسی مناسب و وجود مناطق سبز، بیشترین تأثیر را بر میزان اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری داشته‌اند و پس از آن، زیبایی‌شناسی، تراکم و کیفیت نگهداری در درجه دوم اهمیت قرار گرفته‌اند.



نمودار ۱. عوامل به‌دست‌آمده از نتایج پژوهش‌های پیشین به جهت افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای شهری

اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری

عمومی بودن، کیفیتی اساسی است که به فضاهای شهری ویژگی «عمومی» می‌بخشد (Varna, 2014). عمومیت به‌عنوان یک مفهوم دویبعده از یک سو می‌تواند به افرادی اطلاق شود که به‌عنوان جامعه مفهوم‌سازی می‌شوند؛ به این معنا که افراد دور هم جمع می‌شوند و از طریق اجتماع، گفت‌وگوهای عمومی و یک جمع را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، به‌عنوان حالت و ویژگی‌ای است که مقامات به برخی از فضاها نسبت می‌دهند (Carmona et al., 2008; Hou, 2010). معنای در حال تغییر عمومیت، شاهد افزایش شمول و باز بودن فضای عمومی بوده است. به‌طور سنتی، ویژگی عمومی وجود دارد؛ زیرا چیزی وجود دارد که «خصوصی» تلقی می‌شود.

با این حال، دوگانگی عمومی/خصوصی به‌دلیل دشواری ترسیم مرز دقیق بین آن‌ها در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مدرن، همچنان وجود دارد (Kohn, 2004). در محیط شهری معاصر، جوامع محلی و افراد هنوز در تلاش برای یافتن فضای عمومی از طریق تصاحب مکان‌های عمومی رسمی، بازپس‌گیری فضای شهری کم‌استفاده، تخطی از مرزهای بین حوزه‌های عمومی و خصوصی و تعدد و تفسیر مجدد عمومیت نهفته در فضای شهری هستند؛ این موضوع می‌تواند از طریق اقدامات خودجوش و اشغال هدفمند عمومیت خود را به دست آورد (Mehta & Palazzo, 2020).

عمومی بودن فضا ممکن است به‌صورت پویا از روابط پیچیده‌ای که بین محیط و افراد حاضر در آن روی می‌دهد، بیان شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد مفهوم عمومی بودن را باید از ابعاد چندگانه تفسیر کرد. همان‌طور که جدول شماره یک نشان می‌دهد، برخی پژوهشگران مفهوم فضای عمومی را با لنز اجتماع‌پذیری دیده‌اند و تلاش کرده‌اند تا مشخص کنند عمومیت از کجا می‌آید و عناصر مختلف آن را برای بررسی پیدا کرده‌اند.



جدول ۱. تعاریف فضای عمومی اجتماع‌محور از نگاه نظریه‌پردازها

نظریه پرداز	نظریه / تعریف	ویژگی‌ها / شاخص‌ها
بن و گاوس (۱۹۸۳) ^۱	عمومیت، یک مفهوم اجتماعی با ساختاری پیچیده است.	۱. دسترسی: دسترسی فیزیکی به فضاها، دسترسی به فعالیت‌ها و تعاملات، دسترسی به اطلاعات و دسترسی به منابع؛ ۲. عاملیت: انگیزه کارگزاران در جهت منافع خود یا منافع عموم؛ ۳. علاقه: میزان حضور اختیاری.
یانگ (۱۹۸۶) ^۲	عمومی بودن، رویکردی برای دستیابی به اجتماع‌پذیری است. فضای عمومی می‌تواند از طریق انواع کاربران و موقعیت‌ها، احساسات، وابستگی‌ها و دیدگاه‌های متمایز آن‌ها را در خود جای دهد.	۱. دسترسی؛ ۲. شمول؛ ۳. تحمل تفاوت‌ها.
کوهن (۲۰۰۴) ^۳	مکانی برای تسهیل تماس‌های برنامه‌ریزی‌نشده بین غریبه‌ها، دوستان و آشنایان و همچنین به‌عنوان مکانی برای استفاده‌های بی‌واسطه و بدها.	۱. مالکیت؛ ۲. دسترسی؛ ۳. بیندذنی (ارتباط و تعامل بین مردم).
فرانک و استیونز (۲۰۰۶) ^۴	یک فضای عمومی انعطاف‌پذیر، پذیرای فعالیت‌ها و شهروندان متفاوتی است؛ اما فضاها خشک، حضور را به‌شدت محدود می‌کند.	۱. انعطاف‌پذیری و ۲. صلبیت.
کارمونا (۲۰۱۰) ^۵	فضای عمومی مکانی است که عملکردهای آن باید باهم سازگاری داشته باشد تا مردم را به‌سوی خود جذب کند.	۱. عملکرد؛ ۲. ادراک؛ ۳. مالکیت.
لو و اسمیت (۲۰۱۳) ^۶	عمومی بودن مردمان در مقابل خصوصی بودن آن‌ها.	۱. قوانین دسترسی؛ ۲. منبع و ماهیت کنترل بر ورود؛ ۳. رفتار فردی و جمعی؛ ۴. قوانین استفاده.
لی و همکاران (۲۰۲۲) ^۷	فضایی که در دسترس همگان و دارای هنجارهای اجتماعی است، اجازه فعالیت‌های خودجوش را می‌دهد و توانایی ارتقای جامعه‌پذیری را دارد.	۱. حس زیستن؛ ۲. دسترسی؛ ۳. مدیریت؛ ۴. فراگیر بودن.
کوتو دی گود (۲۰۲۴) ^۸	مکان‌هایی برای هم‌زیستی که در آن موجودات زنده گوناگون، آگاهانه یا ناآگاهانه از مسیر عبور می‌کنند و باهم تکامل می‌یابند.	۱. استعمار نکردن؛ ۲. حفظ پیشینه‌های فرهنگی و تاریخی؛ ۳. وجود حس تعلق.

عناصر فرم شهری

فرم شهری معمولاً برای اشاره به هندسه‌های فیزیکی یا کالبدی مناطق شهری با تمرکز بر ساختار فضایی عناصر شهری و روابط درونی فرمی، هندسی، توپولوژیکی، عملکردی، زیبایی‌شناختی و فرهنگی آن‌ها در نظر گرفته می‌شود (Rahimian, 2019). عناصر شهری، مؤلفه‌های اساسی فرم شهری است که ویژگی‌های آن ساختار فیزیکی مکان‌های شهری را تعیین می‌کند و بر چگونگی تعامل انسان با انسان و انسان با محیط تأثیر می‌گذارد (Torres & Marsault, 2019). همان‌طور که در جدول شماره دو نشان داده شده است، فرم شهری به‌طور کلی به‌عنوان پنج عنصر سایت‌ها، خیابان‌ها، قطعه‌ها، ساختمان‌ها و فضاها باز مدل‌سازی می‌شود.

جدول ۲. معرفی عناصر فرم شهری، مأخذ: نگارنده با اقتباس از Coorey & Coorey, 2017; Oliveira, 2016

عناصر فرم شهری	تعاریف
خیابان	شبکه‌های حمل‌ونقلی را تشکیل می‌دهد که مکان‌های شهری را برای جابه‌جایی شهری، از جمله جاده‌های اولیه، ثانویه و سوم، به هم مرتبط می‌کند.
فضای باز	فضاهای باز به معنای مناطق غیراشغالی مانند فضاهای خالی و فضای سبز است. فضای باز می‌تواند خصوصی، دولتی یا مبهم باشد؛ هر یک از این‌ها می‌تواند دسترسی عمومی باز، دسترسی خصوصی یا دسترسی محدود داشته باشد.
سایت	به‌طور کلی به‌عنوان یک واحد طبیعی اولیه زمین شهری در نظر گرفته می‌شود و دارای ویژگی‌های کلیدی مرز فضایی (کاداستر، حقوق مالکیت قانونی؛ احتمالاً توسط چندین قطعه کاداستر تشکیل شده است)، توپوگرافی، منظر، کاربری زمین، تاریخ، آب‌وهوا و مانند آن است.
قطعه	زیرمجموعه‌هایی از سایت‌های شهری است که توسط شبکه‌های خیابانی و بخش‌های کاداستر (مانند بلوک‌ها) از هم جدا شده است.
ساختمان	سازه‌های ساخته‌شده‌ای که روی زمین‌هایی برای فعالیت‌های انسانی گذاشته شده است.



بنابراین عناصر شهری به صورت سلسله مراتبی به عنوان یک کل ارگانیک با مکانیسم‌های سازمانی خاص (برنامه‌ریزی شده یا خودبه‌خود) ترکیب می‌شوند که تکامل فرم شهری را با عملکردهای فیزیکی و ویژگی‌های قابل شناسایی تسهیل می‌کند (Coorey & Coorey, 2017)؛ از این رو، ویژگی‌های عناصر شهری را می‌توان در سه بعد هندسی، جغرافیایی و توپولوژیکی دسته‌بندی کرد:

بعد هندسی، ساختار فیزیکی و شکل هندسی عناصر شهری را توصیف می‌کند که شامل متغیرهای طول، عرض، ارتفاع، شکل، اندازه و تعداد عناصر است (Showkatbakhsh & Makki, 2020). بعد جغرافیایی، اطلاعات مکانی و ویژگی‌های توپوگرافی عناصر شهری، از جمله متغیرهای موقعیت، جهت‌گیری و فاصله عناصر را توصیف می‌کند (Ameijde & Wong, 2021). بعد گونه‌شناختی، دسته‌های خاصی از عناصر شهری را توصیف می‌کند؛ از جمله متغیرهای کیفی گونه‌شناسی بلوک، گونه‌شناسی خیابان، گونه‌شناسی ساختمان و سناریوهای طراحی (Kaya & Serdar, 2019).

طراحی شهری

طراحی شهری اصطلاحی است که از کلمه لاتین «urbs» (به معنی شهر) نشئت گرفته و در جایگاه یک حوزه مطالعاتی متمایز، پس از کنفرانس تأثیرگذار هاروارد در سال ۱۹۵۶ شهرت یافته است (Elrahman & Asaad, 2021 Abd). مفهوم طراحی شهری در طول سال‌ها با نظریه‌پردازان و دست‌اندرکارانی که براساس تجربه و تخصص حرفه‌ای خود، تعریف‌ها و دامنه‌های مختلفی را پیشنهاد می‌کنند، تکمیل شده است. به‌طور خلاصه، طراحی شهری به‌عنوان هنر شهرسازی به معنای یک فعالیت عملی و خلاقانه که با کیفیت‌های فرم ساخته‌شده سروکار دارد یا فعالیتی که فضای ساختاری را با تولید سازمان فضایی جدید تنظیم می‌کند، تعریف می‌شود (Biddulph, 2012). برخی از محققان نیز بیشتر بر اهداف طراحی شهری تمرکز کرده‌اند؛ برای مثال، اسعد و همکارانش ۸ هدف طراحی شهری در برنامه‌های توسعه شهر را خلاصه کرده‌اند که عبارت است از: زیست‌پذیری، مناسب بودن، کارآمدی، هویت، تنوع، کنترل، دسترسی و اتصال و پایداری محیطی (Asaad et al., 2020). از نظر مقیاس فضایی و وسعت مورد مداخله، طراحی شهری یک حوزه میان‌رشته‌ای محدود به یک بعد واحد نیست و در واقع دامنه متنوعی از ساختمان‌ها، محله‌ها، منطقه‌ها و شهرها را در بر می‌گیرد. علاوه بر آنچه بیان شد، تعاریف دیگری نسبت به مفهوم طراحی شهری در دسترس است که موجب شده همچنان نتوان به معنای واحدی از آن اتکا کرد؛ اما شکل دادن مکان‌های بهتر برای مردم، به‌عنوان مخرج مشترک تمام تعاریف پذیرفتنی است (Carmona, 2010a). از این رو، اهداف و اصول طراحی شهری مانند یک چارچوب راهنمای نظری و عملی برای طراحی عمل می‌کند؛ اما دستیابی به نتایج عملکردی و زیبایی‌شناختی مطلوب، به زمینه محلی، مقیاس و درک ذی‌نفعان از عملکرد طراحی بستگی دارد.

عملکردهای طراحی شهری

در این پژوهش، چهار عملکرد طراحی شهری مؤثر بر عناصر فرم شهری، به‌همراه جنبه‌های فرعی و معیارهای ارزیابی، به شرح زیر ارائه می‌شود:

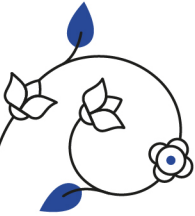
عملکرد زیست‌محیطی: اکنون به‌طور یکسان پذیرفته شده است که عملکرد محیطی باید در مراحل اولیه طراحی شهری در نظر گرفته شود (al et Juntti, 2021). عملکرد محیطی، تأثیر شکل شهری و پیکربندی ساختمان را بر محیط محلی، شهری، منطقه‌ای و جهانی ارزیابی می‌کند. جنبه‌های فرعی عملکرد زیست‌محیطی شامل انرژی حرارتی، باد، نور و انتشار است (Elshani, 2021).

عملکرد انرژی: نشان‌دهنده کارایی انرژی در محیط ساختمان است که با معیارهایی مانند تابش خورشیدی، پتانسیل PV و انرژی خورشیدی ارزیابی می‌شود (Natanian & Wortmann, 2021).

عملکرد حرارتی: معمولاً به کارایی انتقال حرارت بین اشیای ساخته‌شده و محیط شهری اشاره می‌کند که با معیارهایی نظیر دمای سطح زمین و دمای سطح پوشش ارزیابی می‌شود (Chokhachian et al, 2020).

عملکرد باد: اثرات جریان باد را بر پوشش ساختمان‌ها و محیط‌های شهری ارزیابی می‌کند که با معیارهایی مانند بار باد، سرعت باد و توزیع فشار باد سطحی توصیف می‌شود (Jupp & Khallaf, 2017).





عملکرد نور: شرایط نور را در بافت‌های ساختمانی نشان می‌دهد که با معیارهایی همچون ضریب نور روز، ساعات نور خورشید و استقلال فضایی و مداوم نور روز ارزیابی می‌شود (Ameijde & Chow, 2020). عملکرد انتشار: به میزان مواد تخلیه‌شده از شکل شهری اشاره دارد که با معیارهای انتشار CO₂ و انتشار کربن ارزیابی می‌شود (Lei et al., 2021).

در ادبیات بررسی‌شده، عوامل عملکرد محیطی که بر طراحی ساختمان و فضای باز تمرکز دارد، اهمیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا منطقه‌ای که بلافاصله توسط ساختمان‌ها و فضاهای باز محدود می‌شود، یک اکوسیستم را تشکیل می‌دهد که مواد طبیعی (مانند خورشید، باد) را جذب و آزاد می‌کند و بر فعالیت‌ها در سایت‌های طراحی‌شده و مکان‌های نزدیک اثر می‌گذارد (Ro- al et drigues, 2019).

عملکرد فیزیکی: عملکرد فیزیکی ارزیابی ساختارهای فیزیکی و ویژگی‌های عملکردی فرم شهری را توصیف می‌کند. جنبه‌های فرعی عملکرد فیزیکی شامل قابلیت استفاده و میزان تنوع فضایی (تغییرپذیری) است که معمولاً در طراحی مرتبط با ساختمان به دست می‌آید (Sandberg & Mukkavaara, 2020).

قابلیت استفاده از فضا: به ساختار فضایی و تراکم ساختمانی فرم شهری مربوط می‌شود که معمولاً با معیارهایی مانند شاخص طبقه همکف، ردپای ساختمان، ارتفاع متوسط ساختمان و تراکم ساختمان ارزیابی می‌شود (Quan et al., 2019). **تغییرپذیری:** به تنوع محیط ساخته‌شده اشاره می‌کند که با معیارهایی نظیر تعداد، فراوانی و وقوع هم‌زمان انواع مختلف ساختمان و تنوع ساختمان ارزیابی می‌شود (Martínez et al., 2020-erez P).

عملکرد اقتصادی: عملکرد اقتصادی به‌طور معمول امکان‌سنجی اهداف پولی پروژه‌های طراحی شهری را توصیف می‌کند. ممکن است به‌عنوان در نظر گرفتن ارزش اقتصادی گسترده‌تر یک پروژه تلقی شود که شامل هزینه‌ها و منافع عمومی و خصوصی است. جنبه‌های فرعی عملکرد اقتصادی شامل هزینه و سودآوری است (Torres & Marsault, 2019).

هزینه: به ارزش پولی مخارج برای اجرای طراحی اشاره دارد که اغلب با معیار هزینه ساخت‌وساز ارزیابی می‌شود (Blecic et al., 2017).

سودآوری: نشان‌دهنده درآمد خالص است که با کم کردن هزینه از کل درآمد پروژه‌های طراحی به دست می‌آید. سودآوری با معیارهایی نظیر پتانسیل ارزش سرمایه‌گذاری، پتانسیل قدمت و سود پروژه ارزیابی می‌شود (Elshani et al., 2021).

عملکرد اجتماعی فرهنگی: معیارهای عملکرد اجتماعی سعی می‌کند نشان دهند ذی‌نفعان تا چه اندازه راحتی زندگی، برابری اجتماعی و سایر ارزش‌های رفاه انسانی راه‌حل‌های طراحی شهری را ارزیابی می‌کند. جنبه‌های فرعی عملکرد اجتماعی شامل تحرک ترافیک، راحتی بصری و هویت است (Fedorova, 2021).

تحرک ترافیک: ارتباط نزدیکی با طراحی مولد خیابان دارد که نشان‌دهنده راحتی رفت‌وآمد و ابعاد دسترسی شبکه‌های خیابانی است. معیارهای ارزیابی تحرک ترافیک شامل فاصله، ادغام، اتصال، تداوم، مرکزیت و دسترسی است (Lima et al., 2021).

راحتی بصری: میدان دید را به تصویر می‌کشد که با شاخص‌های فاکتور نمای آسمان، محدوده دید، ناحیه بصری، فشردگی بصری، دید و علاقه بصری اندازه‌گیری می‌شود. راحتی بصری معمولاً با قابلیت استفاده از فضا در تضاد است؛ زیرا توزیع متراکم ساختمان ممکن است دامنه دید را در محیط‌های ساخته‌شده مسدود کند (al et Wilson, 2019).

هویت: هویت در عملکرد اجتماعی، به الگوها یا سبک‌های خاص شکل شهری در طراحی شهری مکان اشاره می‌کند. هویت با معیارهای طبقه‌بندی‌شده مانند سبک‌های ساختمان و انواع الگوی خیابان توصیف می‌شود (Tian, 2021).





جدول ۳. عملکردها و شاخص‌های طراحی شهری پایدار، مأخذ: نگارنده با اقتباس از نویسندگان درون متن و al et Ameen, 2015

ابعاد عملکرد	شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها
زیست‌محیطی و فیزیکی	اکولوژی	جمعیت‌شناسی، میکرو اقلیم، کاهش جزیره گرمایی، چشم‌انداز و توزیع فضاهای سبز
	زمین مورد استفاده و زیرساخت	کاربری مختلط، رابطه عملکرد، اراضی اصلاحی، طرح کاربری زمین، محیط ساخته‌شده، شبکه زیرساخت
	مدیریت مواد	مواد پایدار، مواد محلی، مواد مورد استفاده مجدد و بازیافت، مواد کم‌انتشار
	منابع و انرژی	استراتژی‌ها و مدیریت انرژی، انرژی ساختمان، منابع طبیعی و تجدیدپذیر (خورشید، باد و...)
	کیفیت آب	در نظر گرفتن کیفیت آب، بهره‌وری آب ساختمان، آلودگی آب، مدیریت آب باران
	کیفیت هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای	کیفیت خوب هوا، محیط‌های صوتی و ارتعاشی، تهویه، کاهش حرارت شهری، انتشار کربن
	مدیریت پسماند	طبقه‌بندی مدیریت زباله، تصفیه و بازیافت، زباله‌های جامد و آلی، مدیریت زباله‌های خطرناک
	خطرات	ارزیابی و مدیریت خطرات، خطر سیل، خطر باد، زلزله، تپه‌های شنی، بهمن و ریزش
اقتصادی	ساختمان‌های پایدار	استفاده مجدد از ساختمان‌ها، کاهش محصولات ساختمانی، آسایش حرارتی در ساختمان‌ها، کیفیت صوتی و نور روز
	تأثیر اقتصادی	اثرات اقتصادی، ماندگاری اقتصادی
اجتماعی فرهنگی	کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری و اشتغال	مهارت‌های شخصی صنایع محلی، اشتغال‌پذیری، هزینه‌یابی چرخه عمر
	طراحی سازگار با محیط‌زیست	طراحی جامع و شبکه شهری، مکان هوشمند و ترجیحی، ساختمان‌های سازگار با محیط‌زیست
	فضای شهری	فضاهای عمومی شهر، فضاهای باز و محصور، تأسیسات و امکانات، فعالیت‌ها و فواصل، مشارکت
	حمل‌ونقل، تحرک	جامعه ارزیابی حمل‌ونقل، شبکه‌های خیابانی، پیاده‌روها، پارکینگ خودرو، ظرفیت و تقاضای سیستم حمل‌ونقل
	ایمنی	ایمن‌سازی ساختمان‌ها، ایمنی مناطق عابران پیاده، تخلیه سریع و ایمن، پیشگیری از جرم و جنایت
	مناطق فضای باز راحت	آلودگی نوری و صوتی، کاهش اثرات ارتعاش، کاهش تأثیر بو، آسایش حرارتی در فضای باز
	عملیات، حفاظت درازمدت	مدیریت حفاظت درازمدت، حفظ منابع تاریخی، حفاظت شهری
	حاکمیت و مشارکت جامعه	مشاوره و مشارکت، مدیریت اجتماعی امکانات، آگاهی از پایداری و بررسی طراحی ساختمان‌ها
	انعطاف‌پذیری و نوآوری	هوشمند، نوآوری و عملکرد مؤثر، انعطاف‌پذیری تقاضا در حال تغییر
	خدمات	تحويل خدمات، سیستم‌های اطلاعاتی خدمات، قابلیت استفاده، نزدیکی به خدمات، تجهیزات سرگرمی
جامعه محلی و فرهنگ و میراث	جامعه محلی و شمول اجتماعی، تاریخ و شناسایی فرهنگ و میراث، دارایی‌های فرهنگی و طبیعی، حفاظت، تشکیل زیرساخت‌های اجتماعی، شیوه‌های فرهنگی	





نقش عملکردهای طراحی شهری بر عناصر فرم شهری

طراحی خیابان

توسعه اولیه و ثانویه اصلی زمین شهری تقریباً همیشه نیازمند رویکرد طراحی سلسله‌مراتبی از بالا به پایین است که طراحی خیابان به‌عنوان مرحله فعالیت اولیه محسوب می‌شود (Vanoutrive, 2017). زیرساخت‌های خیابان و دسترسی‌ها و در پی آن، ارزش زمین‌هایی که دستخوش تغییر می‌شود، از بسیاری جهات یک کالای عمومی اولیه است (Istrate & Chen, 2022). شبکه‌های خیابانی تولیدشده، علاوه بر اینکه تمایل ساکنان را برای به حداکثر رساندن تحرک خیابان برای جوامع فعال تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، الزامات توسعه‌دهندگان برای به حداقل رساندن هزینه‌های ساخت‌وساز به‌جهت سودآوری اقتصادی را نیز تعیین می‌کند (al et Koenig, 2020). اشکال فیزیکی شبکه‌های خیابانی معمولاً با متغیرهای هندسی (مثلاً طول و عرض خیابان‌ها، موقعیت خیابان و زاویه خیابان) و متغیرهای جغرافیایی (مثل موقعیت خیابان و جهت‌گیری خیابان) نشان داده می‌شود (al et Wang, 2020). علاوه بر اهداف کمی، برخی مطالعات نیز بر این باور است که اندازه‌گیری اهداف کیفی مانند هویت خیابان نیز اهمیت بالقوه‌ای دارد. هویت خیابانی به سبک‌های خیابانی خاص یا الگوهای خیابانی اشاره می‌کند که از محیط‌های شهری واقعی گرفته شده است (Machida & Owaki, 2020).

طراحی فضای باز

فضای باز معمولاً به‌عنوان مناطق باقی‌مانده از سازه‌های ساخته‌شده و قطعات قابل‌ساخت در سایت‌های شهری، محسوب می‌شود؛ بنابراین ساختار عملکردی و شکل فضای باز را در بیشتر مواقع، با طراحی ساختمان ترکیب می‌کنند تا بافت‌های شهری تولید کنند (Ameijde & Wong, 2021). اشکال فیزیکی فضای باز را با متغیرهای هندسی (برای مثال اندازه و شکل فضای باز)، متغیرهای جغرافیایی (مثلاً مکان فضای باز مرتفع) و متغیرهای گونه‌شناختی (مثل فضای خالی، فضای سبز، پارک) معرفی می‌کند (Nagy et al., 2018).

طراحی منظر که به‌طور چشمگیری بر ظواهر شهری و محیط‌های اکولوژیکی تأثیر می‌گذارد، وظیفه ویژه‌ای در طراحی فضای باز بر عهده دارد. برخی پژوهشگران معتقدند به‌جای در نظر گرفتن فضای سبز به‌عنوان سطح دوبعدی، چگونگی طراحی مناظر با اشیای سه‌بعدی، مانند درختان سه‌بعدی و پوشش گیاهی سه‌بعدی، برای دستیابی به اهداف عملکرد مرتبط با معیارهای اجتماعی یا محیطی، باید بررسی شود (Duering et al, 2020). طراحی منظر سه‌بعدی چالش‌های فنی خاصی را ایجاد می‌کند؛ برای مثال، چگونگی پارامترسازی بهتر ویژگی‌های درخت با توجه به ویژگی‌های هندسی، جغرافیایی، توپولوژیکی و مواد. چگونگی توسعه مدل‌های ریزاقليمی متنوع‌تر برای شبیه‌سازی منظر سه‌بعدی و نحوه ادغام عوامل انسانی در محیط سه‌بعدی (Wortmann & Natanian, 2021).

طراحی سایت

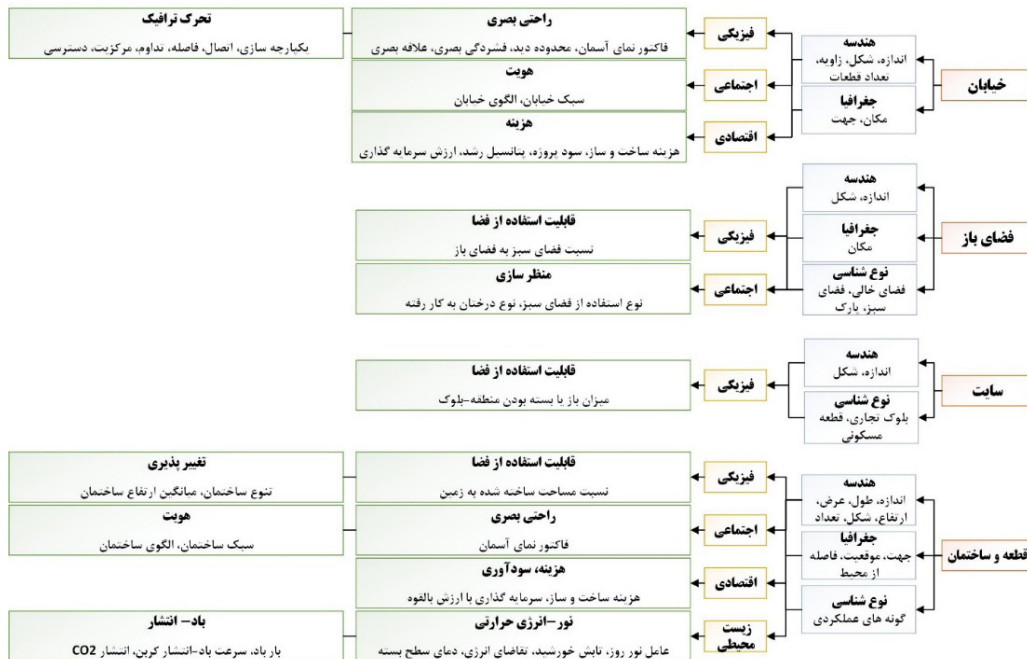
طراحی شهری تمایل دارد شکل فیزیکی قطعات شهری را با متغیرهای هندسی (مثلاً اندازه بلوک، شکل و تعداد بلوک‌ها) و متغیرهای توپولوژیکی (مانند بلوک تجاری و قطعه مسکونی) نشان دهد (Quan et al., 2019)؛ از این‌رو، طراحی سایت معمولاً فرایندی میانی در تولید فرم شهری محسوب می‌شود که در آن بلوک‌ها معمولاً محصولات جانبی توزیع خیابان است و قطعات از مکان‌های تقسیم‌بندی فرعی برای قراردعی ساختمان، کارآمد بیرون می‌آید. به‌دلیل وابستگی زیاد و متقابل طراحی ساختمان‌ها به طراحی خیابانی، قطعه‌ها به‌ندرت به‌عنوان تنها عنصر، طراحی می‌شوند. قطعه‌ها معمولاً به‌عنوان عنصری برای یکپارچه‌سازی طراحی خیابان‌ها و ساختمان‌ها برای تولید بافت‌های پیچیده شهری به حساب می‌آیند (al et Daher, 2017).

طراحی ساختمان

ساختمان‌ها سازه‌های بادوام در مکان‌های شهری هستند که شخصیت‌های بصری فرم شهری را شکل می‌دهند و محیط‌های راحت را برای تعامل انسانی فراهم می‌آورند (al et Yang, 2020). اشکال فیزیکی ساختمان‌ها با متغیرهای هندسی (مثلاً اندازه و شکل ساختمان و تعداد ساختمان)، متغیرهای جغرافیایی (برای مثال جهت ساختمان، موقعیت ساختمان و فاصله ساختمان) و متغیر نوع‌شناسی (مانند عملکردی مسکن، اداری و خرده‌فروشی)، نشان داده شده است. اهداف به‌دست‌آمده



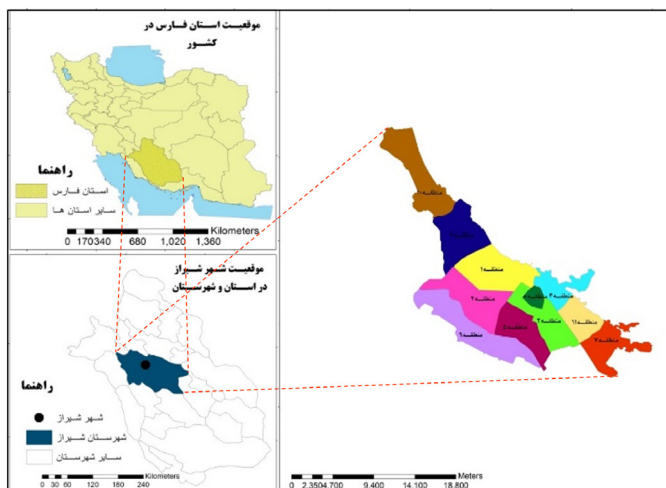
در طراحی ساختمان عبارت‌اند از: قابلیت استفاده از فضا و تغییرپذیری عملکرد فیزیکی، آسایش بصری و هویت عملکرد اجتماعی، هزینه و سودآوری عملکرد اقتصادی و جنبه‌های انرژی، حرارتی، باد، نور و انتشار عملکرد محیطی (Showkatbakhsh and Makki, 2020). براساس نتایج به‌دست‌آمده از پیشینه پژوهش و با توجه به آنچه در مبانی نظری بیان شد، مدل مفهومی تحقیق به این شرح ارائه می‌شود:



نمودار ۲. مدل مفهومی، ابعاد و شاخص‌های پژوهش

روش‌شناسی و محدوده مورد مطالعه

شیراز، پنجمین کلان‌شهر ایران و مرکز استان فارس است که در بخش جنوب غربی کشور واقع شده است و یازده منطقه دارد. جمعیت شیراز در سال ۱۳۹۵ خورشیدی بالغ بر ۱۵۶۵۰۵۷۲ تن بوده است که این رقم با احتساب جمعیت ساکن در حومه شهر به ۱۵۸۶۹۰۰۰۱ تن می‌رسد. مساحت بالغ بر ۲۴۰ کیلومترمربع و جمعیت آن موجب شده است تا سیصد و بیست و یکمین شهر پرجمعیت جهان و بیستمین کلان‌شهر پرجمعیت خاورمیانه به شمار آید.



تصویر ۱. موقعیت استان فارس در ایران، شیراز در استان فارس و منطقه‌بندی شیراز



با توجه به اینکه این پژوهش در پی بهبود شرایط حاکم بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی با بهره‌گیری از عملکردهای طراحی شهری در کلان‌شهر شیراز است، به‌لحاظ هدف از نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی تحلیلی با رویکرد کمی کیفی است. ابتدا به توصیفی از شرایط اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی از دیدگاه شهروندان می‌پردازد و سپس میزان تأثیر عوامل طراحی شهری بر اجتماع‌پذیری را تحلیل می‌کند.

جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی است که در آن از منابع علمی شامل اسناد، پایان‌نامه، مقاله، کتاب و... در حوزه‌های مربوط به پژوهش بهره گرفته شده است. در روش میدانی، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه و پرسش‌نامه محقق‌ساخته و با مراجعه مستقیم پژوهشگران در محدوده مورد صورت پذیرفته است.

بخش اول پرسش‌نامه مربوط به پرسش‌های جمعیت‌شناختی (شامل ۳ پرسش) و بخش دوم متعلق به متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش است (شامل ۲۱ پرسش). پرسش‌ها با اشاره به فضاهای عمومی مانند خیابان‌ها و فضای باز و سبز و تأثیر ساختمان‌ها، منظر، سایت‌ها و قطعه‌ها و در ابعاد فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، با شاخص‌هایی که در نمودار شماره ۲ بیان شد، مطرح شده است. طیف پرسش‌های پرسش‌نامه براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (۱ تا ۵) است.

جامعه آماری شامل تمام شهروندان ساکن در کلان‌شهر شیراز است که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر برآورد شده و نحوه جمع‌آوری اطلاعات با بهره‌گیری از روش تصادفی ساده صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با بهره‌گیری از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای، همبستگی پیرسون و رگرسیون انجام شده است. برای به‌دست‌آوردن پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرون‌باخ و به‌جهت نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده است که نتایج آن‌ها به شرح زیر ارائه می‌شود:

جدول ۴. پایایی پرسش‌نامه

تعداد پرسش‌ها	ضریب پایایی آلفای کرون‌باخ
۲۱	۰/۹۳

همان‌طور که بیان شد، برای سنجش سازگاری درونی پرسش‌نامه از آلفای کرون‌باخ استفاده شده است. به میزان ارتباط گویه‌ها با یکدیگر (متغیرهای تحقیق)، این ضریب بزرگ‌تر می‌شود. با توجه به اینکه ضریب به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر در بازه بالای ۰/۹۰ است، نتیجه می‌گیریم که میزان پایایی پرسش‌نامه در سطح بسیار خوب قرار دارد.

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای متغیرهای مستقل

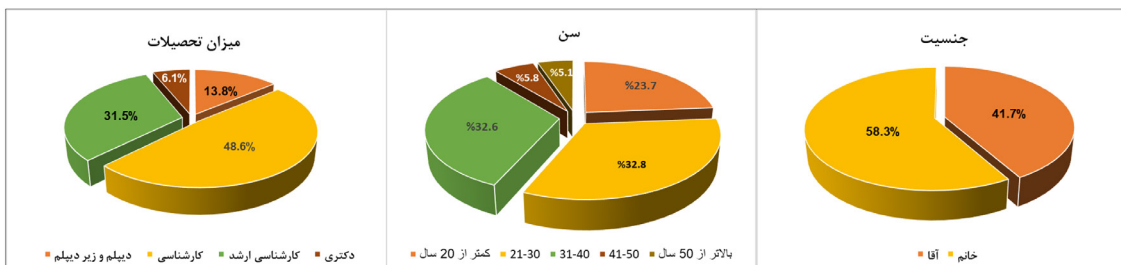
متغیر	Z	sig
عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری (مستقل)	۰/۹۶	۰/۳۲
میزان حضور در فضاهای عمومی شهری (وابسته)	۰/۹۰	۰/۳۹

همان‌طور که در جدول بالا مشخص شده است، مقدار sig یا سطح معناداری در هر دو متغیر از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است و زمانی که در آزمون کولموگروف اسمیرنوف مقدار sig بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد، نتیجه می‌گیریم که توزیع نمرات بهنجار و طبیعی است؛ بنابراین مجاز به استفاده از آزمون‌های پارامتری یا نرمال هستیم.



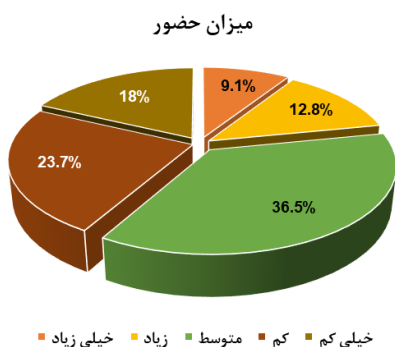
یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ ویژگی‌های فردی پاسخگویان، میزان حضور شهروندان در فضاهای عمومی



نمودار ۳. خصوصیات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان

یافته‌های توصیفی در خصوص ویژگی‌های فردی پاسخگویان، حاکی از آن است که به‌لحاظ جنسیت بانوان دارای درصد بیشتری از پاسخ‌ها بوده‌اند. از نظر گروه سنی، بیشترین پاسخ مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ و پس از آن گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ است. از نظر میزان تحصیلات، بیشترین گروه پاسخ‌دهنده متعلق به افراد با مدرک کارشناسی بود. به‌منظور دستیابی به میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته، پرسشی از پرسش‌نامه به سنجش میانگینی از میزان حضور اختیاری شهروندان در فضاهای عمومی شهری (متغیر وابسته) اختصاص یافت که نتایج توصیفی آن به این شرح است:



جدول ۴ و نمودار ۴. میزان حضور اختیاری شهروندان در فضاهای عمومی شهر شیراز به‌طور میانگین در هفته

میزان حضور در فضاهای عمومی	فراوانی	درصد
خیلی زیاد (۷ روز در هفته)	۳۵	۹/۱
زیاد (۵ روز در هفته)	۴۹	۱۲/۸
متوسط (۳ روز در هفته)	۱۴۰	۳۶/۵
کم (۲ روز در هفته)	۹۱	۲۳/۷
خیلی کم (۱ روز در هفته)	۶۹	۱۸
جمع	۳۸۴	۱۰۰

همان‌طور که در جدول و نمودار بالا مشاهده می‌شود، بیشترین آمار به‌دست‌آمده مربوط به ۳۶.۵٪ از شهروندان است که به‌طور میانگین هفتگی، سه روز (متوسط) و سپس ۲۳.۷٪ از شهروندان دو روز (کم)، به‌صورت اختیاری در فضاهای عمومی شهری حضور دارند.

یافته‌های استنباطی

جدول ۷. وضعیت میزان حضور و عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای

عناصر فرم شهری	ابعاد	متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	درجه آزادی	آماره T	sig	تفسیر
متغیر مستقل										
	حضور‌پذیری	میزان حضور اختیاری در فضاهای عمومی	۳۸۴	۲/۷۱	۱/۱۷	-۰/۲۹	۳۸۳	-۴/۷۹	۰/۰۰۱	کمتر از متوسط
متغیرهای وابسته										
مختار	فیزیکی	محدود بودن دید روبه‌جلو و دید به آسمان	۳۸۴	۳/۰۹	۱/۳۸	۰/۰۹	۳۸۳	۱/۲۲	۰/۲۲۳	در حد متوسط





خیابان	اجتماعی فرهنگی	نوع الگوی خیابان	۳۸۴	۲/۹۹	۱/۴۳	-۰/۰۱	۳۸۳	-۰/۰۳۶	۰/۹۷۲	در حد متوسط
	اجتماعی فرهنگی	نوع سبک خیابان	۳۸۴	۳/۹۶	۱/۰۹	۰/۹۶	۳۸۳	۱۷/۱۷	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	حمل و نقل	ترافیک موجود در خیابان	۳۸۴	۴/۲۷	۰/۹۴	۱/۲۷	۳۸۳	۲۶/۴۰	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	فیزیکی	وجود پیاده‌روهایی با عرض و کیفیت مناسب	۳۸۴	۴/۲۳	۰/۹۹	۱/۲۳	۳۸۳	۲۴/۳۸	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
فضای باز	فیزیکی	وجود فضاهای سبز	۳۸۴	۴/۳۸	۰/۹۳	۱/۳۸	۳۸۳	۲۹/۲۰	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	اجتماعی فرهنگی	خصوصیات درختان و فضای سبز	۳۸۴	۳/۹۱	۱/۲۷	۰/۹۱	۳۸۳	۱۴/۰۰	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
سایت	فیزیکی فرهنگی	میزان باز بودن محیط	۳۸۴	۴/۰۴	۱/۰۶	۱/۰۴	۳۸۳	۱۹/۰۹	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	فیزیکی فرهنگی	میزان بسته بودن محیط	۳۸۴	۳/۶۰	۱/۲۸	۰/۶۰	۳۸۳	۹/۲۳	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
قطعه و ساختمان	فیزیکی	وجود تراکم ساختمانی زیاد	۳۸۴	۳/۷۰	۱/۱۴	۰/۷۰	۳۸۳	۱۱/۸۶	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	فیزیکی	یکدست نبودن ارتفاع ساختمان‌ها	۳۸۴	۲/۸۲	-۱/۲۹	-۰/۱۸	۳۸۳	-۲/۷۲	۰/۰۰۷	کمتر از متوسط
	فیزیکی	ارتفاع متعادل و یکدست ساختمان‌ها	۳۸۴	۲/۷۶	-۱/۳۵	-۰/۲۴	۳۸۳	-۳/۴۰	۰/۰۰۱	کمتر از متوسط
	کاربری و عملکرد	تنوع عملکردی و کارکردی ساختمان‌ها	۳۸۴	۳/۴۲	۱/۱۴	۰/۴۲	۳۸۳	۷/۱۵	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	کاربری و عملکرد	عملکردهای یکسان ساختمان‌ها	۳۸۴	۳/۲۰	۱/۲۱	۰/۲۰	۳۸۳	۳/۲۸	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	فیزیکی فرهنگی	تنوع نمای ساختمان‌ها	۳۸۴	۳/۵۳	۱/۲۰	۰/۵۳	۳۸۳	۸/۵۴	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	اجتماعی فرهنگی	سبک و الگوی ساختمان‌ها	۳۸۴	۴/۰۲	۱/۰۲	۱/۰۲	۳۸۳	۱۹/۵۵	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	زیست محیطی	میزان مطلوب بودن نور خورشید	۳۸۴	۴/۱۱	۱/۱۴	۱/۱۱	۳۸۳	۱۹/۰۱	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	زیست محیطی	میزان گرما یا سرمای زیاد	۳۸۴	۴/۰۴	۰/۹۷	۱/۰۴	۳۸۳	۲۰/۸۴	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
	زیست محیطی	وجود باد نامطلوب	۳۸۴	۳/۹۴	۱/۰۲	۰/۹۴	۳۸۳	۱۸/۱۷	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط
زیست محیطی	انتشار گازهای گلخانه‌ای	۳۸۴	۳/۸۰	۱/۱۸	۰/۸۰	۳۸۳	۱۳/۲۲	۰/۰۰۱	بیشتر از متوسط	



بررسی رابطه عملکردهای طراحی فرم و عناصر شهری با میزان حضور در فضاهای عمومی

جدول ۸. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	میزان حضور در فضاهای عمومی
خیابان	$r=0.551^{**}$
فضای باز	$r=0.513^{**}$
سایت	$r=0.612^{**}$
قطعه و ساختمان	$r=0.432^{**}$
زیست محیطی	$r=0.516^{**}$

$$Sig < .001, ** P > .01$$

همان‌طور که در جدول شماره هفت مشخص شده است، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان بیان کرد که بین عملکردهای طراحی فرم و عناصر شهری و حضور در فضاهای عمومی رابطه مستقیم و مثبت و معناداری وجود دارد.

حال که مشخص شد بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، برای بررسی میزان تأثیر متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک از رگرسیون استفاده می‌کنیم. در تحلیل رگرسیون، میزان حضور در فضاهای عمومی به‌عنوان متغیر ملاک (وابسته) و عملکردهای طراحی فرم و عناصر شهری، به‌عنوان متغیر پیش‌بین (مستقل) وارد شده است. در این مرحله از رگرسیون چندمتغیره استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول‌های زیر آورده شده است:

جدول ۹. همبستگی نمرات متغیر عوامل مؤثر بر حضورپذیری و حضور در فضاهای عمومی

متغیر ملاک (وابسته)	متغیر پیش‌بین (مستقل)	ضریب همبستگی	مجازور ضریب همبستگی تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
حضور در فضاهای عمومی	خیابان، فضای باز، سایت، قطعه و ساختمان، آسایش محیطی	۰/۶۹۱	۰/۴۷۷	۰/۵۸۱

در جدول بالا، همبستگی نمرات متغیر پیش‌بین با متغیر ملاک آورده شده و مشخص شده است که همبستگی بین متغیر پیش‌بین به‌طور کلی با متغیر ملاک ۰/۶۹۱ است که همبستگی بالایی به حساب می‌آید. مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۴۷۷ است که نشان می‌دهد حدود ۴۸ درصد از تغییرات میزان حضور در فضاهای عمومی توسط عملکردهای طراحی عناصر فرم شهری که در این پژوهش بیان شد، تعیین می‌شود.

جدول ۱۰. نتایج تحلیل واریانس برای معنی‌داری مدل

مدل	متغیر ملاک	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	ضریب F	معناداری
یک	حضور در فضاهای عمومی	رگرسیون	۲۵۰/۳۲	۵۰/۰۶	۵	۶۹/۰۲۳	۰/۰۰۱
		باقی مانده	۲۷۴/۱۷	۰/۷۲۵	۳۷۸		
	مجموع	۵۲۴/۴۹	---	۳۸۳			

همان‌طور که در جدول شماره ۹ مشخص شده است، مدل رگرسیون، مدل معناداری است. همچنین با توجه به مقدار $F(۶۹/۰۲۳)$ و سطح معناداری ($sig < ۰/۰۵$) مشخص می‌شود که متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی میزان حضور در فضاهای عمومی سهم مهم و معناداری دارد. برای مشخص کردن میزان تأثیر متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک از نتایج جدول زیر استفاده می‌کنیم.

جدول ۱۱. ضرایب رگرسیون برای متغیر پیش‌بین در پیش‌بینی میزان حضور در فضاهای اجتماعی

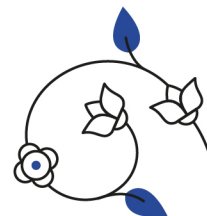
متغیر ملاک	مدل	B	Beta بتا	خطای استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
میزان حضور در فضاهای عمومی	یک مقدار ثابت	-۱/۴۵	---	۰/۲۴۷	-۵/۸۶	۰/۰۰۱
	خیابان	۰/۳۱۵	۰/۲۴۵	۰/۰۶۱	۵/۲۰	۰/۰۰۱
	فضای باز	۰/۱۷۱	۰/۱۳۹	۰/۰۶۰	۲/۸۴	۰/۰۰۵
	سایت	-۰/۳۳۸	۰/۲۸۷	۰/۰۷۶	۴/۴۷	۰/۰۰۱
	قطعه و ساختمان	-۰/۱۶۵	۰/۱۳۳	۰/۰۵۳	۳/۱۰	۰/۰۰۲
	زیست‌محیطی	-۰/۱۸۳	۰/۱۵۹	۰/۰۷۳	۴/۲۳	۰/۰۰۱

با توجه به یافته‌های جدول بالا، نتیجه می‌گیریم که همه عوامل بررسی شده بر میزان حضور در فضاهای عمومی شهری تأثیر دارند و با توجه به میزان ضریب بتا می‌توان میزان تأثیر هر مؤلفه را مشخص کرد؛ بنابراین مؤلفه‌های اثرگذار بر اجتماع‌پذیری به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: سایت، خیابان، زیست‌محیطی، فضای باز، قطعه و ساختمان.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله باهدف اولویت‌بندی عملکردهای طراحی شهری مؤثر بر عناصر فرم شهری به‌جهت افزایش اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی، با بررسی فضاهای عمومی کلان‌شهر شیراز به‌عنوان نمونه موردی پژوهش صورت پذیرفت. در این راستا، پس از بیان مسئله و اهمیت پژوهش، به بررسی پیشینه‌های مرتبط با تحقیق پرداخته شد و مهم‌ترین شاخص‌های به‌دست‌آمده از مطالعات پیشین، به‌طور اجمالی نشان داده شد (نمودار شماره یک). در گام بعدی، به بیانی مختصر از مفاهیم فضای عمومی، طراحی شهری و عملکردهای آن و همچنین نقش و جایگاه آن‌ها نسبت به عناصر فرم شهری رسیدگی شد. سپس روش انجام پژوهش بیان و محدوده مورد مطالعه معرفی شد. شاخص‌های پژوهش با در نظرگیری چهار گونه از فضاهای عمومی تحت عناوین خیابان، فضای باز و سبز، سایت، قطعه و ساختمان (به‌عنوان بخش‌ها و دیواره‌هایی از فضای عمومی که بر بستر آن تأثیر دارد) و در چهار بعد فیزیکی، حمل‌ونقل، اجتماعی فرهنگی و زیست‌محیطی شناسایی (نمودار شماره ۲) و در پرسش‌نامه محقق‌ساخته مطرح شد. در گام آخر، آماره‌های حاصل از پرسش‌نامه که در فضاهای عمومی کلان‌شهر شیراز توسط شهروندان تکمیل شده بود، بررسی شد.

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای حاکی از آن بود که میزان حضور شهروندان با میانگین هفتگی ۲،۷۱، کمتر از حد متوسط است و نیازمند به‌کارگیری اقداماتی به‌جهت افزایش میزان اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی هستیم. همچنین نتایج نشان داد که برای طراحی خیابان، بعد حمل‌ونقل که شامل ترافیک و نوع وسایل نقلیه به‌منظور دسترسی و همچنین کیفیت پیاده‌رو است، به ترتیب با میانگین نمرات ۴،۲۷ و ۴،۲۳، دارای بیشترین تأثیر بوده و نوع الگوی خیابان با میانگین ۲،۹۹ کمترین تأثیر را بر میزان اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی شهر شیراز گذاشته است. در فضاهای باز اثبات شد که سبزی‌نگی محیط با میانگین ۴،۳۸ مهم‌تر از نوع درختان به‌کاررفته است. در سایت‌ها اکثریت شهروندان ترجیح دادند محیط اطرافشان باز باشد که این امر میانگین ۴،۰۴ را به خود اختصاص داد. در بحث ساختمان‌ها با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده از پاسخ‌های شهروندان، مشخص شد سبک و الگوی ساختمان‌ها و وجود تراکم زیاد ساختمانی به ترتیب با میانگین‌های ۴،۰۲ و ۳،۷۰ بیشترین تأثیر را دارد و ارتفاع متعادل و یکدست ساختمان‌ها با میانگین ۲،۷۶ دارای کمترین تأثیر بر میزان حضور شهروندان است. در مبحث زیست‌محیطی میزان مطلوب بودن نور خورشید و میزان گرما یا سرمای زیاد، به ترتیب با میانگین‌های ۴،۱۱ و ۴،۰۴، بیشترین تأثیر و انتشار گازهای گلخانه‌ای با میانگین ۳،۸۰، کمترین تأثیر را بر میزان حضور داشتند.



نتایج آزمون پیرسون حاکی از آن بود که سایت‌ها با میزان ۰.۶۱۲ بیشترین و قطعه و ساختمان با میزان ۰.۴۳۲ کمترین میزان همبستگی با اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی را دارند. عده‌های به‌دست‌آمده از بتا در آزمون رگرسیون حاکی از آن است که به ترتیب سایت‌ها با بتای ۰.۲۸۷، خیابان با بتای ۰.۲۴۵، عوامل زیست‌محیطی با بتای ۰.۱۵۹، فضای باز با بتای ۰.۱۳۹ و قطعه و ساختمان با بتای ۰.۱۳۳ از بیشترین تا کمترین میزان تأثیر را بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری دارند. در جمع‌بندی نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل برای حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهری، ابتدا باز بودن سایت‌ها و سپس نوع دسترسی، میزان ترافیک، خدمات حمل‌ونقل عمومی و کیفیت پیاده‌روها هستند. عوامل زیست‌محیطی رتبه سوم را به خود اختصاص داده‌اند که مهم‌ترین شاخص‌های آن، مطلوب بودن نور خورشید و پس از آن، گرما یا سرما زیاد است. عامل مهم بعدی، میزان سبزی‌گی فضای باز است که تأثیرگذار خواهد بود و در نهایت، نوع الگوی به‌کاررفته در نمای ساختمان‌ها و میزان تراکم ساخت در قطعه‌ها و ساختمان‌ها بر میزان اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهر شیراز اثرگذار هستند. عوامل مؤثر به‌دست‌آمده در این پژوهش با پژوهش‌های پیشین که در نمودار شماره یک نشان داده شد، مطابقت دارد؛ اما به لحاظ اولویت‌بندی با آن‌ها متفاوت است. می‌توان این موضوع را به نوع شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه، فرهنگ شهروندان و آبهوای منطقه نسبت داد. پیشنهادهای پژوهش با توجه به مبانی نظری و تحقیقات پیشین و همچنین مشاهده‌های پژوهشگر، به جهت بهبود وضعیت حاکم در فضاهای عمومی شهری، به این شرح ارائه می‌شود:



تصویر ۲. پیشنهاد‌های پژوهش و اثرات آن‌ها بر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی

در نهایت، فرمول زیر برای انجام تحقیقات آینده و به‌منظور پیش‌بینی میزان حضور در فضاهای عمومی شهری پیشنهاد می‌شود. در صورت استفاده از ابعاد و شاخص‌های این پژوهش، با بهره‌گیری از فرمول زیر، دیگر نیازی به انجام محاسبات آماری نیست و صرفاً با به‌دست‌آوردن نمرات هر بعد با استفاده از پرسش‌نامه و ضرب آن در عدد به‌دست‌آمده از بتا در آزمون رگرسیون این پژوهش، می‌توان میزان حضور‌پذیری را محاسبه کرد.

راهنما: $۱/۴۵ = \text{مقدار ثابت } B$ ، اعداد ضرب‌شده در ابعاد = مقدار بتا، در جدول رگرسیون. اعدادی که باید جایگزین ابعاد شود و در بتا ضرب شود = جمع نمرات شاخص‌های به‌دست‌آمده مربوط به هر بعد در پرسش‌نامه.

فرمول پیش‌بینی میزان حضور در فضاهای عمومی شهری

$$-۱/۴۵ + (۰/۱۳۳ * \text{محیط‌زیست}) + (۰/۱۳۳ * \text{قطعه و ساختمان}) + (۰/۲۸۷ * \text{سایت}) + (۰/۱۳۹ * \text{فضای باز}) + (۰/۲۴۵ * \text{خیابان}) + ۱/۴۵$$

بیانیه‌ها

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به‌صورت کتبی اعلام کرده‌اند

مشارکت نویسندگان

ایده‌پردازی و طراحی مطالعه؛ گردآوری و مدیریت داده‌ها؛ تحلیل و تفسیر داده‌ها؛ تصویرسازی؛ نگارش پیش‌نویس اولیه؛ بازبینی و اصلاح مقاله؛ مدیریت پروژه تحقیقاتی؛ اعتبار سنجی و تأیید نهایی. تمامی موارد ذکرشده، توسط سیده آیدا حسینی انجام‌شده است

تشکر و قدردانی

نویسنده از تمام شهروندانی که پرسشنامه این پژوهش را تکمیل نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نماید.

پی‌نوشت

- 1 Benn & Gaus
- 2 Young
- 3 Kohn
- 4 Franck & Stevens
- 5 Carmona
- 6 Low & Smith
- 7 Li
- 8 Coutu De Goede

منابع

1. Abd Elrahman, A. S., & Asaad, M. (2021). Urban design and urban planning: A critical analysis of the theoretical relationship gap. *Ain Shams Engineering Journal*, 12, 1163–1173. <https://doi.org/10.1016/j.asej.2020.04.020>
2. Abdullah, A., Safizadeh, M., Hedayati, M., & Maghsoodi, M. J. (2021). The mediating role of sense of belonging in the relationship between the built environment and victimization: A case of Penang, Malaysia. *Open House International*, 46(2), 173–188. <https://doi.org/10.1108/OHI-11-2020-0164>
3. Ameen, R. F. M., Mourshed, M., & Li, H. (2015). A critical review of environmental assessment tools for sustainable urban design. *Environmental Impact Assessment Review*, 55, 110–125. <https://doi.org/10.1016/j.eiar.2015.07.006>
4. Asaad, M., Khalifa, M., & Abd Elrahman, A. S. (2020). Bridging the gap between theory and practice in the urban design process: Towards multidisciplinary success considerations. In *Urban and Transit Planning: A Culmination of Selected Research Papers from IEREK Conferences on Urban Planning, Architecture and Green Urbanism, Italy and Netherlands (2017)* (pp. 261–274). Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-17308-1_25
5. Askarizad, R., Lamíquiz, P., & Garau, C. (2024). The application of space syntax to enhance sociability in public urban spaces: A systematic review. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 13, Article 227. <https://doi.org/10.3390/ijgi13070227>
6. Benn, S. I., & Gaus, G. F. (1983). *Public and private in social life*. Taylor & Francis.
7. Biddulph, M. (2012). The problem with thinking about or for urban design. *Journal of Urban Design*, 17, 1–20. <https://doi.org/10.1080/13574809.2011.646251>
8. Blečić, I., Cecchini, A., & Trunfio, G. A. (2017). Computer-aided drafting of urban designs for walkability. In *Computational Science and Its Applications – ICCSA 2017, Lecture Notes in Computer Science* (pp. 695–709).



- Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-62401-3_51
9. Carmona, M. (2010a). Public places, urban spaces: The dimensions of urban design. Routledge.
 10. Carmona, M. (2010b). Contemporary public space, part two: Classification. *Journal of Urban Design*, 15(2), 157–173.
 11. Carmona, M., De Magalhães, C., & Hammond, L. (2008). Public space: The management dimension. Routledge.
 12. Chokhachian, A., Perini, K., Giulini, S., & Auer, T. (2020). Urban performance and density: Generative study on interdependencies of urban form and environmental measures. *Sustainable Cities and Society*, 53, Article 101952. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101952>
 13. Chow, K. L., & Ameijde, J. V. (2020). Generative housing communities: Design of participatory spaces in public housing using network configurational theories. In *Proceedings of the 25th CAADRIA Conference*, 2, 283–292.
 14. Coorey, B., & Coorey, A. (2017). Generating urban form. In *Proceedings of the 22nd International Conference of the Association for Computer-Aided Architectural Design Research in Asia (CAADRIA) 2017* (pp. 261–270).
 15. Coutu De Goede, S. (2024). Applying the Seven Generation Cities ethos to urban design: Reflections and pathways towards creating drastically inclusive, caring, and regenerative public places. Master's thesis, McGill University Institutional Digital Repository.
 16. Daher, E., Kubicki, S., & Guerriero, A. (2017). Data-driven development in the smart city: Generative design for refugee camps in Luxembourg. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 4, 364–379. [https://doi.org/10.9770/jesi.2017.4.3S\(11\)](https://doi.org/10.9770/jesi.2017.4.3S(11))
 17. Duering, S., Chronis, A., & Koenig, R. (2020). Optimizing urban systems: Integrated optimization of spatial configurations. In *Proceedings of the 11th Annual Symposium on Simulation for Architecture and Urban Design (SimAUD)* (pp. 1–7).
 18. Elshani, D., Koenig, R., Duering, S., Schneider, S., & Chronis, A. (2021). Measuring sustainability and urban data operationalization: An integrated computational framework to evaluate and interpret the performance of the urban form. In *Proceedings of the 26th CAADRIA Conference*, 2, 407–416.
 19. Fedorova, S. (2021). GANs for urban design. *SimAUD*, 2021, 1–9. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2105.01727>
 20. Franck, K., & Stevens, Q. (2006). Loose space: Possibility and diversity in urban life. Routledge.
 21. Guo, Y., Liu, Y., Lu, S., Chan, O. F., Chui, C. H. K., & Lum, T. Y. (2021). Objective and perceived built environment, sense of community, and mental wellbeing in older adults in Hong Kong: A multilevel structural equation study. *Landscape and Urban Planning*, 209, Article 104058. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2021.104058>
 22. Hooper, P., Foster, S., Knuiman, M., & Giles-Corti, B. (2020). Testing the impact of a planning policy based on New Urbanist planning principles on residents' sense of community and mental health in Perth, Western Australia. *Environment and Behavior*, 52(3), 305–339. <https://doi.org/10.1177/0013916518798882>
 23. Hou, J. (2010). *Insurgent public space: Guerrilla urbanism and the remaking of contemporary cities*. Routledge.
 24. Istrate, A.-L., & Chen, F. (2022). Liveable streets in Shanghai: Definition, characteristics and design. *Progress in Planning*, 158, Article 100544. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2021.100544>
 25. Jabareen, Y., & Zilberman, O. (2017). Sidestepping physical determinism in planning: The role of compactness, design and social perceptions in shaping sense of community. *Journal of Planning Education and Research*, 37(1), 18–28. <https://doi.org/10.1177/0739456x16636940>
 26. Jia, J., Zhang, X., & Zhang, W. (2025). Between place attachment and urban planning in Jinan: Does environmental quality affect human perception in a developing country context? *Land Use Policy*, 148, Article 107384. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2024.107384>
 27. Juntti, M., Cošta, H., & Nascimento, N. (2021). Urban environmental quality and wellbeing in the context of incomplete urbanisation in Brazil: Integrating directly experienced ecosystem services into planning. *Progress in*



Planning, 143, Article 100433. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2019.04.003>

28. Karimi, K. (2023). The configurational structures of social spaces: Space syntax and urban morphology in the context of analytical, evidence-based design. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 12, Article 2084.
29. Khallaf, M., & Jupp, J. (2017). Performance-based design of tall building envelopes using competing wind load and wind flow criteria. *Procedia Engineering*, 180, 99–109. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2017.04.169>
30. Koenig, R., Miao, Y., Aichinger, A., Knecht, K., & Konieva, K. (2020). Integrating urban analysis, generative design, and evolutionary optimization for solving urban design problems. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 47, 997–1013. <https://doi.org/10.1177/2399808319894986>
31. Kohn, M. (2004). *Brave new neighborhoods: The privatization of public space*. Routledge.
32. Lei, Y., Wang, D., Jia, H., Li, J., Chen, J., Li, J., & Yang, Z. (2021). Multi-stage stochastic planning of regional integrated energy system based on scenario tree path optimization under long-term multiple uncertainties. *Applied Energy*, 300, Article 117224. <https://doi.org/10.1016/j.apenergy.2021.117224>
33. Levy, J. M. (2016). *Contemporary urban planning*. Taylor & Francis.
34. Li, J., Dang, A., & Song, Y. (2022). Defining the ideal public space: A perspective from the publicness. *Journal of Urban Management*. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2022.08.005>
35. Lima, F., Brown, N., & Duarte, J. (2021). Urban design optimization: Generative approaches towards urban fabrics with improved transit accessibility and walkability. In *Proceedings of the 26th CAADRIA Conference* (pp. 719–728).
36. Liu, J., Meng, B., Wang, J., Chen, S., Tian, B., & Zhi, G. (2021). Exploring the spatiotemporal patterns of residents' daily activities using text-based social media data: A case study of Beijing, China. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 10(6), 389.
37. Low, S., & Smith, N. (2013). *The politics of public space*. Routledge.
38. Marsault, X., & Torres, F. (2019). An interactive and generative eco-design tool for architects in the sketch phase. *Journal of Physics: Conference Series*, 1343. <https://doi.org/10.1088/1742-6596/1343/1/012136>
39. Mehta, V. (2019). Streets and social life in cities: A taxonomy of sociability. *Urban Design*, 24, 16–37.
40. Mehta, V., & Palazzo, D. (2020). *Companion to public space*. Routledge.
41. Mukkavaara, J., & Sandberg, M. (2020). Architectural design exploration using generative design: Framework development and case study of a residential block. *Buildings*, 10, Article 201. <https://doi.org/10.3390/buildings10110201>
42. Nagy, D., Villaggi, L., & Benjamin, D. (2018). Generative urban design: Integrating financial and energy goals for automated neighborhood layout. In *Proceedings of the Symposium on Simulation for Architecture and Urban Design (SimAUD)* (pp. 1–8).
43. Natanian, J., & Wortmann, T. (2021). Simplified evaluation metrics for generative energy-driven urban design: A morphological study of residential blocks in Tel Aviv. *Energy and Buildings*, 240, Article 110916. <https://doi.org/10.1016/j.enbuild.2021.110916>
44. Oliveira, V. (2016). *Urban morphology*, The Urban Book Series. Cham: Springer International Publishing. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-32083-0>
45. Owaki, T., & Machida, T. (2020). RoadNetGAN: Generating road networks in planar graph representation. In *International Conference on Neural Information Processing* (pp. 535–543). https://doi.org/10.1007/978-3-030-63820-7_61
46. Pérez-Martínez, I., Martínez-Rojas, M., & Soto-Hidalgo, J. M. (2020). A preliminary approach to allocate categories of buildings into lands based on generative design. In *2020 IEEE International Conference on Fuzzy Systems (FUZZ-IEEE)* (pp. 1–6). <https://doi.org/10.1109/FUZZ48607.2020.9177853>



47. Quan, S. J., Park, J., Economou, A., & Lee, S. (2019). Artificial intelligence-aided design: Smart design for sustainable city development. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 46, 1581–1599. <https://doi.org/10.1177/2399808319867946>
48. Rahimian, M. (2019). A grammar-based generative urban design tool considering topographic constraints - The case for American urban planning. In *Proceedings of the 37th eCAADe and 23rd SIGraDi Conference (Vol. 3, pp. 267–276)*. <https://doi.org/10.52842/conf.ecaade.2019.3.267>
49. Ramos-Vidal, I., & Domínguez de la Ossa, E. (2023). A systematic review to determine the role of public space and urban design on sense of community. *Universidad Tecnológica de Bolívar, Repositorio Institucional UTB*. <https://hdl.handle.net/20.500.12585/12565>
50. Rugel, E. J., Carpiano, R. M., Henderson, S. B., & Brauer, M. (2019). Exposure to natural space, sense of community belonging, and adverse mental health outcomes across an urban region. *Environmental Research*, 171, 365–377. <https://doi.org/10.1016/j.envres.2019.01.034>
51. Saadallah, D. M. (2020). Utilizing participatory mapping and PPGIS to examine the activities of local communities. *Alexandria Engineering Journal*, 59(1), 263–274. <https://doi.org/10.1016/j.aej.2019.12.038>
52. Serdar, S. E., & Kaya, M. E. (2019). Generative landscape modeling in urban open space design: An experimental approach. *Journal of Digital Landscape Architecture*, 231–238.
53. Showkatbakhsh, M., & Makki, M. (2020). Application of homeostatic principles within evolutionary design processes: Adaptive urban tissues. *Journal of Computational Design and Engineering*, 7, 1–17. <https://doi.org/10.1093/jcde/qwaa002>
54. Stroope, J. (2021). Active transportation and social capital: The association between walking or biking for transportation and community participation. *Preventive Medicine*, 150, 106666. <https://doi.org/10.1016/j.ypmed.2021.106666>
55. Tian, R. (2021). Suggestive site planning with conditional GAN and urban GIS data. In *Proceedings of the 2020 Digital Futures (pp. 103–113)*. https://doi.org/10.1007/978-981-33-4400-6_10
56. Vanoutrive, T. (2017). Don't think of them as roads. Think of them as road transport markets: Congestion pricing as a neoliberal political project. *Progress in Planning*, 117, 1–21. <https://doi.org/10.1016/j.progress.2016.04.001>
57. Varna, G. (2014). *Measuring public space: The star model*. Ashgate Publishing, Ltd.
58. Wang, X., Song, Y., & Tang, P. (2020). Generative urban design using shape grammar and block morphological analysis. *Frontiers of Architectural Research*, 9, 914–924. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2020.09.001>
59. Wilson, L., Danforth, J., Davila, C. C., & Harvey, D. (2019). How to generate a thousand master plans: A framework for computational urban design. In *Proceedings of the Symposium on Simulation for Architecture and Urban Design (SimAUD) (pp. 113–119)*. <https://dl.acm.org/doi/10.5555/3390098.3390126>
60. Wong, K. K. C., & Ameijde, J. V. (2021). In-between spaces: Data-driven analysis and generative design for public housing estate layouts. In *Proceedings of the 26th CAADRIA Conference (Vol. 2, pp. 397–406)*.
61. Yang, P. P.-J., Chang, S., Saha, N., & Chen, H. W. (2020). Data-driven planning support system for a campus design. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 47, 1474–1489. <https://doi.org/10.1177/2399808320910164>
62. Young, I. M. (1986). The ideal of community and the politics of difference. *Social Theory and Practice*, 12(1), 1–26.
63. Yu, A. (2021). Open space and sense of community of older adults: A study in a residential area in Hong Kong. *Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research*, 15(3), 539–554. <https://doi.org/10.1108/ARCH-11-2020-0260>
64. Yu, R., Wong, M., & Woo, J. (2019). Perceptions of neighborhood environment, sense of community, and self-rat-



ed health: An age-friendly city project in Hong Kong. *Journal of Urban Health*, 96(2), 276–288. <https://doi.org/10.1007/s11524-018-00331-3>

65. Zhang, F., Loo, B. P., & Wang, B. (2022). Aging in place: From the neighborhood environment, sense of community, to life satisfaction. *Annals of the American Association of Geographers*, 112(5), 1484–1499. <https://doi.org/10.1080/24694452.2021.1985954>



ABRIDGED PAPER

ORIGINAL RESEARCH PAPER

The application of Hillier's space syntax theory in measuring the quality of urban spacey – Case study: Queen Street, Auckland (New Zealand)Anahita Tabaieian¹, Elnaz Behzadpour^{2,*}

1. Ph.D. Candidate in Urban Planning. Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Engineering, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. M.A. in Urban Design, University of Auckland, Auckland, New Zealand; Ph.D. in Urban Planning. Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Engineering, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Urban design, by addressing social, economic, and environmental needs, organizes urban spaces in a way that not only meets citizens' demands but also enhances social interactions and quality of life. This process, with a focus on sustainability and efficiency, creates environmentally friendly and economically opportunistic spaces that foster a sense of belonging among citizens and improve their living environment. Therefore, well-executed urban design can enhance the quality of urban spaces and, ultimately, urban life. Integrating urban design with analytical methods applied during specific stages of the design process not only influences the ideation phase but also ensures that outcomes at various stages can be evaluated and refined, allowing for the selection of effective solutions with a lower risk of failure. This study examines the application of space syntax theory to Queen Street, located in the Central Business District (CBD) of Auckland, aiming to answer how the quality of urban spaces on this street can be assessed using space syntax theory and what challenges exist in this regard. The research employs a mixed-method approach (quantitative and qualitative), with data analyzed using Depth Map software. The findings indicate that the street effectively fulfills its role within the urban street network, providing sufficient integration and connectivity with other routes. However, further actions are necessary to enhance its performance. Challenges identified in applying space syntax theory to this street include complex data analysis requirements, subjectivity in interpretations, the integration of temporal factors, cultural sensitivities, and limited predictability. These challenges highlight the need for ongoing interdisciplinary research and collaboration to address and overcome these obstacles.

Highlights

- Application of Space Syntax Method at the Urban Space Scale
- Exploring the Advantages and Disadvantages of Using the Space Syntax Method on Queen Street in Auckland, New Zealand

ARTICLE INFO

Received	08/07/2024
Revised	25/07/2024
Accepted	10/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Urban Space
Space Syntax Theory
Queen Street



Citation of the article

Tabaieian, A., & Behzadpour, E. (2024). The application of Hillier's space syntax theory in assessing urban space quality: A case study of Queen Street in Auckland. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 213-232.

* Tehran, Pasdaran, Golnabi street, No. 1

Author Corresponding:

Email: elnazbehzadpour@gmail.com

Phone: 09125981912

Introduction: Urban design, due to its inherent complexities and the diversity of associated issues, has always been a challenging process. Over time, these challenges have not diminished; on the contrary, they have deepened with the increasing expectations and needs of urban areas. If urban design is carried out without precise foresight and based on a superficial and generalized perspective, it can result in anomalies in urban spaces, stripping them of their social essence and human interactions, leading ultimately to decline and abandonment. To better understand the relationships between space and behavior, "space syntax" has emerged as both a theory and a research method. It examines the impact of spatial configurations and layouts on the social aspects of urban spaces. Developed by Professor Bill Hillier and his colleagues, this method seeks to create a direct link between the physical dimensions of cities and social behaviors, assisting architects and urban designers in the decision-making process. This research aims to evaluate the spatial quality of Queen Street—one of Auckland's bustling commercial and cultural hubs—by applying the space syntax method to provide a detailed analysis of this space and better understand its performance. The study includes a comprehensive analysis of the street network, its connection to surrounding neighborhoods, and other adjacent urban spaces. It examines the strengths and weaknesses of Queen Street in terms of spatial configuration and its impact on social interactions, accessibility, and user behavior. Finally, the research highlights the advantages and disadvantages of using space syntax for studying and improving public spaces like Queen Street to enhance understanding of this method's potential and limitations in urban design and planning.

Materials and Methods: This research is applied in its objectives and qualitative in terms of data nature and analysis methods. From the perspective of data collection, it is classified as documentary research and, in terms of research methodology, falls under the mixed-methods approach. By employing the space syntax technique, qualitative concepts such as integration, legibility, depth, connectivity, presence of individuals, and behavioral patterns can be examined. To evaluate these concepts, using maps, quantitative measurements, and specialized software like DepthMap, a mixed-methods approach incorporating both qualitative and quantitative perspectives was adopted. This process involved creating a base map from Open Street Map (OSM), refining it using ArcGIS software, and producing axial maps. These maps were drawn using minimal lines to cover each space, avoiding lines between buildings, and connecting extended lines to maximize coverage. The axial maps were then analyzed using UCL DepthMap, calculating values such as integration, connectivity, depth, and control. The results were presented in map format, and further analysis was conducted with ArcGIS.

Findings: To address the study's primary question, several important spatial qualities, including integration, connectivity, accessibility, and legibility, were evaluated for Queen Street:

1. **Integration:** Queen Street demonstrates a high degree of integration. The intersection of Queen Street and Wellesley Street is particularly prominent due to its high integration, acting as a hub for movement and interaction. The vibrant nature of this intersection attracts businesses, cultural events, retail activities, restaurants, and other public services, driven by increased traffic and population. Its strategic location enhances accessibility and draws a wide range of users. The integration map illustrates Queen Street's role in fostering urban vitality and meeting diverse public needs and preferences.
2. **Connectivity:** Connectivity assesses the direct relationship of Queen Street with its surrounding streets. At the neighborhood scale, this concept gains localized significance. The connectivity map reveals strong connectivity at the southern section of Queen Street near Wellesley Street, while the northern section shows moderate connectivity. Strong connectivity from Wellesley Street to the southern segment facilitates pedestrian movement and improves access to numerous destinations.
3. **Accessibility:** Queen Street is easily accessible from surrounding areas and other parts of the city, offering straightforward and convenient routes. Additionally, the street is well-integrated into the urban fabric, with minimal barriers for pedestrian movement. This ease of access enhances the street's attractiveness and positions it as a desirable destination for diverse activities.



4. Legibility: The intersection of Queen Street and Wellesley Street, along with the southern section of Queen Street, stands out for its legibility. These areas attract significant pedestrian traffic as they create a clear mental image of the street, enhancing the overall walking experience.

Discussion and Conclusion: Space syntax analysis provides valuable insights into the spatial structure and connectivity of urban environments like Queen Street, facilitating urban design and planning decisions based on pedestrian movement patterns and identifying key nodes and connections. However, there are limitations and criticisms of this approach. The space syntax theory tends to prioritize networked structures, potentially overshadowing other critical design elements and ignoring the embodied nature of space. Additionally, it often overlooks contextual considerations, such as social dynamics, economic activities, and cultural features. To address these limitations, an integrated approach is necessary to obtain a comprehensive understanding of Queen Street and enable effective decision-making. Efforts are underway to develop more inclusive theories, such as form analysis, to address these critiques. Nevertheless, these theories are still evolving, requiring further research to refine spatial theories and achieve a holistic understanding of urban communities and the physical aspects of cities. Based on the space syntax analysis of Queen Street, several recommendations are proposed to enhance social interactions, improve pedestrian accessibility, and strengthen the street's spatial identity:

1. Enhancing Connectivity and Integration: In space syntax, connectivity and integration refer to the relationship between urban spaces and the continuity of pedestrian routes. Streets that are more aligned with the urban network and occupy high connectivity points naturally attract more pedestrians and businesses. In Queen Street, creating better connections with side streets and improving smaller pathways can establish a more cohesive space. This would increase access to shops and urban attractions, providing greater comfort for pedestrians.
2. Designing Gathering and Resting Spaces: Rest areas like benches, shaded spots, and green zones allow pedestrians to pause, rest, and enjoy their surroundings. Creating gathering points not only fosters social interactions but also strengthens the sense of belonging to urban spaces. Small green spaces, such as pocket parks or cultural and artistic zones, could revitalize Queen Street, creating more appealing spots for socializing and relaxation.
3. Strengthening Pedestrian Pathways and Reducing Vehicle Traffic: Allocating more space to sidewalks and reducing motor vehicle traffic are additional measures to improve Queen Street. This approach has been successful in other bustling urban streets worldwide, reducing pollution and noise while enhancing urban quality. For Queen Street, restricting or partially limiting vehicle access on side streets could allocate more space for pedestrians, facilitating easier movement.
4. Providing Adequate Lighting and Safety: Proper lighting and enhanced safety in public spaces allow pedestrians to use them with peace of mind at all times. Adequate lighting along sidewalks and side streets can improve both safety and appeal, creating a more inviting atmosphere for nighttime leisure and activities.
5. Incorporating Cultural and Local Design Elements: Adding cultural elements, such as urban art inspired by Auckland's indigenous heritage and using native plants, can foster a stronger sense of local identity. Incorporating features like regional flora and artistic designs rooted in local culture would deepen the connection to the area's history and culture, enhancing the sense of belonging.
6. Analyzing Natural Movement and High-Traffic Paths: Using space syntax to model pedestrian movement patterns can identify the busiest routes, highlighting areas that require improved infrastructure. This analysis can pinpoint parts of Queen Street needing wider sidewalks, signage enhancements, or upgraded facilities for pedestrians.

In conclusion, integrating space syntax with a multidisciplinary approach can unlock new possibilities for improving urban environments, balancing spatial efficiency with social and cultural richness to create vibrant and resilient urban spaces.

Declarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

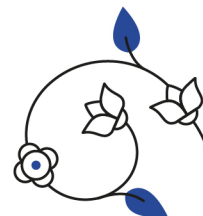
Conceptualization: Anahita Tabaeian, Elnaz Behzadpour; Data Curation and Investigation: Anahita Tabaeian, Elnaz Behzadpour; Formal analysis: Anahita Tabaeian, Elnaz Behzadpour; Writing (Original Draft): Anahita Tabaeian; Writing (Review & Editing): Elnaz Behzadpour; Final approval: All authors have approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments:

There are no acknowledgments to declare.

References

- Alabi, M. O. (2021). Space syntax: Evaluating the influence of urban form and socio-economy on walking behavior in neighborhoods of Akure, Nigeria. *Urban, Planning and Transport Research*, 9(1), 579–597. <https://doi.org/10.1080/21650020.2021.2003234>
- Architectus Australia. (2023). Retrieved from <https://architectus.com.au/> on December 20, 2023 at 14:30.
- Askarizad, R., Lamíquiz Daudén, P. J., & Garau, C. (2024). The application of space syntax to enhance sociability in public urban spaces: A systematic review. *International Journal of Geo-Information*, 13, 227. <https://doi.org/10.3390/ijgi13070227>
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., Tiesdell, S., & Carmona, M. (2003). *Public Places - Urban Spaces*. Routledge, London. <https://doi.org/10.4324/9780080515427>
- Doğan, U. (2021). A comparison of space quality in streets in the context of public open space design: The example of Izmir, Barcelona, and Liverpool. *Journal of Urban Affairs*, 45(7), 1282–1315. <https://doi.org/10.1080/07352166.2021.1919018>
- Haarhoff, E. (2023). *Urban Morphology; Urban design theory and practice*. University of Auckland.
- Hidayati, I., Yamu, C., & Tan, W. (2019). The emergence of mobility inequality in Greater Jakarta, Indonesia: A socio-spatial analysis of path dependencies in transport–land use policies. *Sustainability*, 11(18), 5115. <https://doi.org/10.3390/su11185115>
- Hillier, B. (2007). *Space is the Machine: A configurational theory of architecture space syntax*. Cambridge University Press.
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). *The social logic of space*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511597237>
- Hillier, B., Penn, A., Hanson, J., Grajewski, T., & Xu, J. (1993). Natural movement: Or, configuration and attraction in urban pedestrian movement. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 20(1), 29–66. <https://doi.org/10.1068/b200029>
- Hillier, B., Yang, T., & Turner, A. (2012). Normalizing least angle choice in Depth map and how it opens new perspectives on the global and local analysis of city space. *The Journal of Space Syntax*, 3, 155–193.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Random House.
- Jiang, B., Claramunt, C., & Klarqvist, B. (2000). Integration of space syntax into GIS for modeling urban spaces. *International Journal of Applied Earth Observation and Geof ormation*, 2(3-4), 161–171.
- Kalin, G. (1998). *Selected Urban Landscapes* (M. Tabibian, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian].
- Karimi, K. (2012). A configurational approach to analytical urban design: 'Space syntax' methodology. *Urban Design International*, 17, 297–318. <https://doi.org/10.1057/udi.2012.19>
- Karimi, K. (2017). Space syntax: Consolidation and transformation of an urban research field. *Journal of Urban Design*, 23(1), 1. <https://doi.org/10.1080/13574809.2018.1403177>
- Koning, R. E., Roald, H. J., & van Nes, A. (2020). A scientific approach to the densification debate in Bergen Centre in Norway. *Sustainability*, 12(21), 9178. <https://doi.org/10.3390/su12219178>
- Koohsari, M. J., Oka, K., Owen, N., & Sugiyama, T. (2019). Natural movement: A space syntax theory linking urban form and function with walking for transport. *Health & Place*, 58, 102–111. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2019.01.002>
- Lefebvre, H., & Nicholson-Smith, D. (2017). *The production of space*. Blackwell.
- Lei, Y., Zhou, H., Xue, L., Yuan, L., Liu, Y., Wang, M., & Wang, C. (2024). Evaluating and comparing human perceptions of streets in two megacities by integrating street-view images, deep learning, and space syntax. *Buildings*, 14, 1847. <https://doi.org/10.3390/buildings14061847>



21. Lynch, K. (1979). The image of the city. MIT Press.
22. OurAuckland. (2023). Retrieved from <https://ourauckland.aucklandcouncil.govt.nz/> on December 18, 2023, at 17:30.
23. Pinelo, J., & Turner, A. (2010). Introduction to UCL Depth map 10 Version 10.08.00r. UCL University Press.
24. Sahin Körmeçli, P. (2023). Analysis of walkable street networks by using space syntax and GIS techniques: A case study of Çankırı City. ISPRS International Journal of Geo-Information, 12, 216. <https://doi.org/10.3390/ijgi12060216>
25. Toker, U., Baran, P., & Mull, M. (2005). Suburban evolution: A cross-temporal analysis of spatial configuration in an American town (1989–2002). 5th International Space Syntax Symposium, June 13-17, Delft, Netherlands.
26. Turner, A., Penn, A., & Hillier, B. (2005). An algorithmic definition of the axial map. Environment and Planning B: Planning and Design, 32(3), 425–444. <https://doi.org/10.1068/b31097>
27. Tzortzi, K. (2011). Space: Interconnecting museology and architecture. The Journal of Space Syntax, 2, 26–53.
28. van Nes, A. (2009). Analyzing larger metropolitan areas: On identification criteria for middle-scale networks. In Proceedings of the 7th International Space Syntax Symposium, Stockholm, Sweden, 8–11.
29. van Nes, A., & Yamu, C. (2020). Exploring challenges in space syntax theory building: The use of positivist and hermeneutic explanatory models. Sustainability, 12(17), 7133. <https://doi.org/10.3390/su12177133>
30. van Nes, A., & Yamu, C. (2021). Space syntax applied in urban practice. In A. van Nes & C. Yamu (Eds.), Introduction to space syntax in urban studies (pp. 213–237). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-59140-3_7
31. Yamu, C., van Nes, A., & Garau, C. (2021). Bill Hillier's legacy: Space syntax - A synopsis of basic concepts, measures, and empirical applications. Sustainability, 13(6), 3394. <https://doi.org/10.3390/su13063394>

Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





کاربرد نظریهٔ نحو فضایی هیلبر در سنجش کیفیت فضای شهری؛ مطالعهٔ موردی: خیابان کوئین در اوکلند

آناهیتا طبائیان^۱، الناز بهزادپور^{۲*}

۱. دانشجوی دکترای شهرسازی، گروه معماری و شهرسازی، دانشکدهٔ فنی و مهندسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه اوکلند، اوکلند، نیوزلند؛ دکترای شهرسازی، گروه معماری و شهرسازی، دانشکدهٔ فنی و مهندسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

مشخصات مقاله

تاریخ ارسال
تاریخ بازنگری
تاریخ پذیرش
تاریخ انتشار آنلاین

۱۴۰۳/۰۴/۱۸
۱۴۰۳/۰۵/۰۴
۱۴۰۳/۰۵/۲۱
۱۴۰۳/۰۶/۲۶

طراحی شهری با در نظر گرفتن نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، فضاهای شهری را به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که هم به نیازهای شهروندان پاسخ دهد و هم تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی را بهبود بخشد. این فرایند با تمرکز بر پایداری و بهره‌وری، فضاهایی سازگار با محیط‌زیست و فرصت‌آفرین از نظر اقتصادی ایجاد می‌کند که حس تعلق شهروندان را تقویت و محیط زندگی را ارتقا می‌بخشد. به همین دلیل، یک طراحی شهری خوب می‌تواند کیفیت فضای شهری و در نهایت کیفیت زندگی شهری را بهبود بخشد. تلفیق فرایند طراحی شهری با روش‌های تحلیلی که در مراحل خاص فرایند طراحی به کار می‌رود، نه تنها در مرحلهٔ ایده‌پردازی تأثیرگذار خواهد بود، بلکه سبب می‌شود تا خروجی‌های به‌دست‌آمده در مراحل مختلف، قابلیت ارزیابی و اصلاح داشته باشند و راه‌حل‌های سودمند که احتمال شکست کمتری دارند، برگزیده شوند. این پژوهش به بررسی کاربرد نظریهٔ نحو فضا در خیابان کوئین، در منطقهٔ تجاری مرکزی شهر اوکلند پرداخته و به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان کیفیت فضاهای شهری را در این خیابان با استفاده از نظریهٔ نحو فضا ارزیابی کرد و چه چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد. روش پژوهش، آمیخته (کمی و کیفی) بوده است و داده‌ها در نرم‌افزار Depth Map تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این خیابان به‌خوبی نقش خود را در شبکهٔ معابر شهری ایفا می‌کند و یکپارچگی و اتصال کافی با سایر معابر دارد. با وجود این، اقداماتی لازم است تا این عملکرد تقویت شود. هنگام به‌کارگیری نظریهٔ نحو فضا در این خیابان چالش‌هایی چون الزامات پیچیدهٔ تجزیه و تحلیل داده‌ها، ذهنی بودن تفاسیر، ترکیب عوامل زمانی، حساسیت‌های فرهنگی، پیش‌بینی‌پذیری محدود، شناسایی شد که ضرورت انجام تحقیقات بین‌رشته‌ای مستمر و همکاری برای غلبه بر این چالش‌ها را می‌طلبد.

واژگان کلیدی

فضای شهری
نظریهٔ نحو فضا،
خیابان کوئین

نکات شاخص

- استفاده از روش نحو فضا در مقیاس فضای شهری
- تبیین مزایا و معایب استفاده از روش نحو فضا در خیابان کوئین در شهر اوکلند (نیوزلند)

نحوهٔ ارجاع دهی به این مقاله

طبائیان، آ. و بهزادپور، ا. (۱۴۰۳). کاربرد نظریهٔ نحو فضایی هیلبر در سنجش کیفیت فضای شهری؛ مطالعهٔ موردی: خیابان کوئین در اوکلند. نشریهٔ علمی مطالعات طراحی شهری ایران، (۱)، ۲۳۲-۲۱۳.

*تهران، خیابان پاسداران، خیابان گل‌نبی، پلاک ۱، واحد ۵۵

نویسندهٔ مسئول: الناز بهزادپور

آدرس پستی نویسندهٔ مسئول: elnazbehzadpoor@gmail.com

تلفن: ۰۹۱۲۵۹۸۱۹۱۲





ORIGINAL RESEARCH PAPER

The application of Hillier's space syntax theory in measuring the quality of urban spacey – Case study: Queen Street, Auckland (New Zealand)

Anahita Tabaeian¹, Elnaz Behzadpour^{2,*}

1. Ph.D. Candidate in Urban Planning. Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Engineering, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. M.A. in Urban Design, University of Auckland, Auckland, New Zealand; Ph.D. in Urban Planning. Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Engineering, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Urban design, by addressing social, economic, and environmental needs, organizes urban spaces in a way that not only meets citizens' demands but also enhances social interactions and quality of life. This process, with a focus on sustainability and efficiency, creates environmentally friendly and economically opportunistic spaces that foster a sense of belonging among citizens and improve their living environment. Therefore, well-executed urban design can enhance the quality of urban spaces and, ultimately, urban life. Integrating urban design with analytical methods applied during specific stages of the design process not only influences the ideation phase but also ensures that outcomes at various stages can be evaluated and refined, allowing for the selection of effective solutions with a lower risk of failure. This study examines the application of space syntax theory to Queen Street, located in the Central Business District (CBD) of Auckland, aiming to answer how the quality of urban spaces on this street can be assessed using space syntax theory and what challenges exist in this regard. The research employs a mixed-method approach (quantitative and qualitative), with data analyzed using Depth Map software. The findings indicate that the street effectively fulfills its role within the urban street network, providing sufficient integration and connectivity with other routes. However, further actions are necessary to enhance its performance. Challenges identified in applying space syntax theory to this street include complex data analysis requirements, subjectivity in interpretations, the integration of temporal factors, cultural sensitivities, and limited predictability. These challenges highlight the need for ongoing interdisciplinary research and collaboration to address and overcome these obstacles.

Highlights

- Application of Space Syntax Method at the Urban Space Scale
- Exploring the Advantages and Disadvantages of Using the Space Syntax Method on Queen Street in Auckland, New Zealand

Citation of the article

Tabaeian, A., & Behzadpour, E. (2024). The application of Hillier's space syntax theory in assessing urban space quality: A case study of Queen Street in Auckland. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 213-232.

* Tehran, Pasdaran, Golnabi street, No. 1

Author Corresponding:

Email: elnazbehzadpour@gmail.com

Phone: 09125981912

ARTICLE INFO

Received 08/07/2024

Revised 25/07/2024

Accepted 10/08/2024

Available Online 16/09/2024

Keywords

Urban Space

Space Syntax Theory

Queen Street



مقدمه

طراحی شهری به دلیل پیچیدگی‌های ذاتی و تنوع موضوعات مرتبط، همواره فرایندی چالش‌برانگیز بوده و این چالش‌ها در گذر زمان نه تنها کاهش نیافته، بلکه با افزایش انتظارات و نیازهای شهری، بیش از پیش عمیق‌تر شده است. این پیچیدگی‌ها شامل ترکیب نیازهای اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی در یک بستر فیزیکی است که پاسخگوی نیازهای متنوع کاربران باشد. در چنین بستری، یک طراح شهری ماهر و باتجربه، می‌تواند با استفاده از ابزارها و روش‌های بصری تا حدودی این پیچیدگی‌ها را مدیریت کند و همچنان به یک طرح باکیفیت دست یابد. با این حال، با افزایش ابعاد و پیچیدگی پروژه‌ها و با ورود موضوعاتی چون پایداری، عدالت فضایی و تناسب با فرهنگ محلی، تکیه بر شهود و تجربهٔ طراح نمی‌تواند به‌تنهایی ضامن موفقیت طرح باشد (Karimi, 2012).

محصول نهایی فرایند طراحی شهری، فضای شهری است که هدف اصلی آن فراهم آوردن بستری برای فعالیت‌های انسانی و تقویت ارتباطات اجتماعی بین شهروندان است. فضاهای شهری عمومی به‌عنوان محیط‌هایی حیاتی و پویا نقش ویژه‌ای در تقویت تعاملات اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و ایجاد حس تعلق شهروندان به شهر ایفا می‌کنند. با این حال، درک اینکه چگونه طراحی و چیدمان‌های فضایی می‌تواند رفتارهای اجتماعی مثبت را ترویج دهد و تعاملات مفید را در میان افراد تشویق کند، همچنان یکی از چالش‌های اساسی و بحث‌برانگیز برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری به شمار می‌رود. در واقع، طراحی این محیط‌ها نیازمند فهم عمیقی از روابط انسانی و نیازهای اجتماعی است که بدون مطالعه و بررسی دقیق، امکان‌پذیر نخواهد بود (al et Askarizade, 2024).

در صورتی که طراحی شهری بدون پیش‌بینی دقیق و براساس یک نگاه کلی و سطحی انجام شود، نتایج آن می‌تواند منجر به ایجاد ناهنجاری‌هایی در فضاهای شهری شود؛ به طوری که این فضاها از ماهیت اجتماعی و تعاملات انسانی تهی شوند و به سوی افول و در نهایت نابودی سوق داده شوند. در پاسخ به این نیاز برای درک بهتر روابط میان فضا و رفتار، «نحو فضایی» به‌عنوان یک نظریه و روش تحقیق مطرح شده است که به بررسی تأثیر چیدمان‌ها و پیکربندی‌های فضایی بر جنبه‌های اجتماعی فضا می‌پردازد. این روش که توسط پروفیسور بیل هیلبر و همکارانش توسعه یافته است، تلاش می‌کند تا با ایجاد ارتباط مستقیم میان بُعد فیزیکی شهر و رفتارهای اجتماعی، به معماران و طراحان شهری در فرایند تصمیم‌گیری کمک کند. نحو فضایی که به ابزاری کارآمد در دنیای طراحی شهری تبدیل شده، تجزیه و تحلیل بافت‌های پیچیدهٔ شهری و ساختمان‌ها را امکان‌پذیر ساخته است؛ همچنین به معماران و طراحان این امکان را می‌دهد که استفادهٔ گروه‌های مختلف از فضاهای شهری و تأثیر این فضاها بر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را مورد مطالعه قرار دهند (Long, 2007). این روش به‌طور گسترده در پروژه‌های مختلف طراحی و برنامه‌ریزی شهری، از مقیاس کوچک فضاهای عمومی تا مقیاس کل شهرها، استفاده شده و کمک کرده است تا طراحان بتوانند با نگاهی عمیق‌تر و مبتنی بر داده‌های عینی، فضاهای کارآمد و انسان‌محور ایجاد کنند. نحو فضایی به‌عنوان یک ابزار تحلیلی به‌ویژه در محیط‌های شهری پیچیده و پُر ازدحام مفید است؛ زیرا کمک می‌کند تا به الگوهای رفتاری موجود در شهر و تأثیر فضا بر تعاملات اجتماعی پی ببریم (Karimi, 2012).

این پژوهش با هدف سنجش کیفیت فضایی خیابان کوئین، یکی از مراکز تجاری و فرهنگی شلوغ در شهر اوکلند، انجام شده است و از روش نحو فضا برای تحلیل دقیق این فضا و درک بهتر عملکرد آن استفاده می‌کند. این بررسی شامل تجزیه و تحلیل جامع شبکه‌های خیابانی، ارتباط آن با محله‌های اطراف و سایر فضاهای شهری مجاور است و می‌کوشد تا نقاط قوت و ضعف این خیابان از منظر چیدمان فضایی و تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی، دسترسی‌ها و رفتارهای کاربران بررسی کند. در پایان این پژوهش، مزایا و معایب استفاده از روش نحو فضا در مطالعه و بهبود فضاهای عمومی همچون خیابان کوئین مطرح خواهد شد تا درک بهتری از قابلیت‌ها و محدودیت‌های این روش در طراحی و برنامه‌ریزی شهری حاصل شود.

مبانی نظری فضای شهری

فضای شهری به باور اندیشمندان معماری و شهرسازی، فراتر از فضای کالبدی و مؤلفه‌های هندسی آن است. آن چنان که کالن فضای شهری را مهم‌ترین مکان برای نمایش دادن و اهمیت بخشیدن به رویدادها و واقعه‌های اجتماعی تعریف می‌نماید (کالن، ۱۳۷۷). تعاریف و ابعاد فضای شهری در بین نظریه‌پردازان مختلف متفاوت است و منعکس‌کنندهٔ دیدگاه‌ها و رویکردهای



منحصربه‌فرد آن‌ها برای درک و مفهوم‌سازی محیط‌های شهری است. فضای شهری به قلمرو واقعی شهر اطلاق می‌شود که در آن فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت می‌گیرد و هویت و شخصیت شهر را شکل می‌دهد. جین جیکوبز (۱۹۶۱) توجه خود را به ویژگی‌های فضای شهری پویا و قابل سکونت معطوف کرد. کار او بر ضرورت استفاده از زمین‌های متنوع در محله‌ها، اجرای بلوک‌های کوتاه‌تر، ادغام سنین و سازه‌های مختلف ساختمانی و جمعیت متراکم برای ایجاد یک قلمرو عمومی امن و پررونق تأکید درخور توجهی داشت (Jacobs, 1961).

از دیدگاه کوین لینچ (۱۹۷۹)، مسیرها، لبه‌ها، مناطق، گره‌ها و نشانه‌ها پنج مؤلفه هستند که به نحوه دیده شدن فضای شهری کمک می‌کنند. او بر ارزش خوانایی و ظرفیت افراد برای درک و جهت‌یابی محیط‌های شهری تأکید می‌کند (Lynch, 1979). هانری لوفور (۲۰۱۷) استدلال کرد که فضای شهری یک محصول اجتماعی است که تحت تأثیر نیروهای سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرد (Lefebvre, 2017). کارمونا (۲۰۰۳) چهار بُعد برای فضای شهری ارائه می‌کند: فیزیکی، عملکردی، زمانی و ادراکی. این ابعاد شامل ویژگی‌های فیزیکی، فعالیت‌ها و عملکردها، تغییرات در طول زمان و تجربیات ذهنی مرتبط با محیط‌های شهری است (al et Carmona, 2003).

نحو فضا

نظریه نحوه فضا که برای اولین بار توسط بیل هیلیر در کتاب فضای اجتماعی در سال ۱۹۸۴ ارائه شد، به بررسی همبستگی بین سازمان فضایی و الگوهای رفتار اجتماعی می‌پردازد. به گفته محقق بریتانیایی، بیل هیلیر، ترکیب فضایی یک محیط ساخته شده می‌تواند تأثیر شایان توجهی بر جامعه و اقتصاد داشته باشد (al et Hillier, 1993). رویکرد نحوی فضا، رویکردهای تحلیلی را برای بهبود شیوه‌های برنامه‌ریزی و طراحی برای محیط‌های ساخته شده پایدار و همچنین توصیف دقیق ویژگی‌های فضایی محیط‌های شهری پایدار ارائه می‌کند (al et Yamu, 2021).

امروزه، تحقیقات نحوه فضا به یک زمینه چندرشته‌ای با ارتباطات قوی با رشته‌های مختلف تبدیل شده است که به طراحی مبتنی بر شواهد، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، تاب‌آوری شهری، آگاهی زیست‌محیطی، گسترش شهری، مطالعات پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، بازسازی شهری، پژوهش‌های زیرساختی، روشنایی شهری و موارد دیگر کمک فراوانی کرده است (Karimi, 2017).

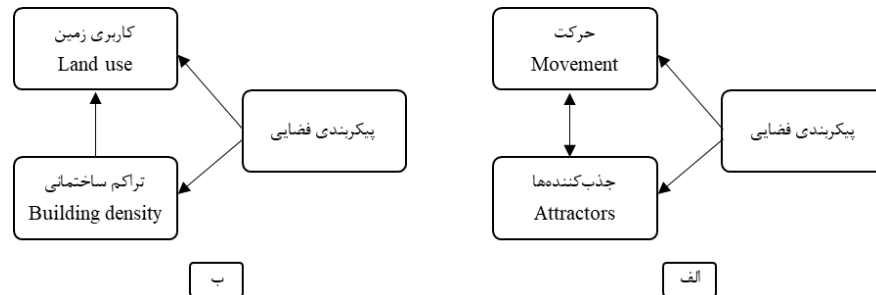
این نظریه به بررسی رابطه بین آرایش فضایی و پویایی شهری با هدف بهبود محیط‌های شهری می‌پردازد (al et Yamu, 2021; al et Hidaiti, 2021). در رشته‌های مختلف دانشگاهی از جمله معماری، برنامه‌ریزی، طراحی شهری، جغرافیا، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، مهندسی راه و فلسفه ادغام شده است (Ness van, 2009; Tzortzi, 2010; al et Hidaiti, 2021). به‌طور کلی، نحوه فضا چارچوبی برای درک رابطه بین پیکربندی فضایی و رفتار انسان در موقعیت‌های مختلف را فراهم می‌کند (al et Lee, 2023). هدف نظریه نحوه فضا، بررسی تأثیر آرایش فیزیکی یک شهر یا منطقه شهری بر تعاملات اجتماعی و تجربه کلی شهری است. روش نحوه فضا در طول سال‌ها به‌طور تجربی آزمایش شده است و اثربخشی خود را در تجزیه و تحلیل روابط فضایی برای درک و توضیح سازمان‌دهی فضایی-اجتماعی محیط‌های ساخته شده نشان داده است (al et Yamu, 2021).

نظریه نحوه فضا بر دو گزاره اساسی استوار است: اول اینکه فضا بخشی فعال و جدایی‌ناپذیر از فعالیت انسان است، نه صرفاً یک پس‌زمینه منفعل و ثانیا، پیکربندی فضا در یک شبکه بر فعالیت‌هایی که در فضاهای فردی رخ می‌دهد، تأثیر می‌گذارد. مطالعات تجربی از این نظریه حمایت کرده‌اند و همبستگی‌های بین حجم ترافیک و رفتار انسانی، مانند میزان جرم، سطوح ایمنی و فعالیت‌های خرده‌فروشی را آشکار می‌کنند. با مدل‌سازی این روابط، پیش‌بینی دقیق رفتار انسان در فضاهای شهری امکان‌پذیر می‌شود. برای مثال، مناطق با ترافیک زیاد عابران پیاده، امن‌تر و از نظر تجاری فعال‌تر هستند، درحالی‌که خیابان‌هایی با ترافیک کم ممکن است نرخ جرم و جنایت بالاتری را تجربه کنند (Haarhoff, 2023).

تحقیقات نحوی فضایی منجر به توسعه دو نظریه درباره دگرگونی شهرها شده است: نظریه فرایند اقتصادی حرکت طبیعی^۱ و نظریه فرایند طبیعی تحول شهری.^۲ تئوری فرایند اقتصادی حرکت طبیعی نشان می‌دهد که یکپارچگی فضایی شبکه خیابانی بر الگوهای حرکت و مکان فعالیت‌های تجاری تأثیر می‌گذارد. تئوری فرایند طبیعی تحول شهری بیان می‌کند که درجه



یکپارچگی فضایی شبکهٔ خیابانی بر تراکم ساختمان و تنوع کاربری زمین نیز تأثیر می‌گذارد (Yamu & Ness van, 2020).



شکل ۱: (الف) ساختار نظری فرایند اقتصادی حرکت طبیعی و نظریهٔ فرایند طبیعی تحول شهری؛ (ب) ساختار نظری فرایند طبیعی تحول شهری (al et Koning, 2020)

هدف تئوری نحو فضا ارزیابی کمی ویژگی‌های رابطه‌ای فضای شهری است. براساس این فرض خطوط دید طولانی‌تر، چرخش‌های کمتر، اتصال بیشتر و ظرفیت افزایش یافته برای دسترسی به نقاط از هر مکانی در داخل فضا مطلوب تلقی می‌شود. یافته‌های تجربی نشان‌دهندهٔ همبستگی مثبت بین بروز فعالیت و فضاهایی است که این ویژگی‌های ترجیحی را نشان می‌دهند (al et Carmona, 2003).

پیشرفت‌های درخور توجه در تکنیک‌های تحلیل نحو فضا از سال ۲۰۱۲ منجر به محاسبات فضایی دقیق برای پیکربندی شبکهٔ خیابانی در شهرها و مناطق شده است (al et Hillier, 2012). از طریق پالایش و بررسی مداوم در مطالعات موردی مختلف، نظریهٔ نحو فضا به یک رویکرد تحلیل تجربی تبدیل شده است. قبل از استفاده از نرم‌افزارهای حرفه‌ای مانند Map، می‌توان محور دستوری فضای استاندارد، بخش‌های خط یا مدل تحلیل نما را برای بررسی پویایی‌های اجتماعی و پیکربندی توپولوژیکی بین فضایی ایجاد کرد (Alabi, 2021).

اصول و معیارهای کلیدی از تحلیل نحوی فضایی کلاسیک

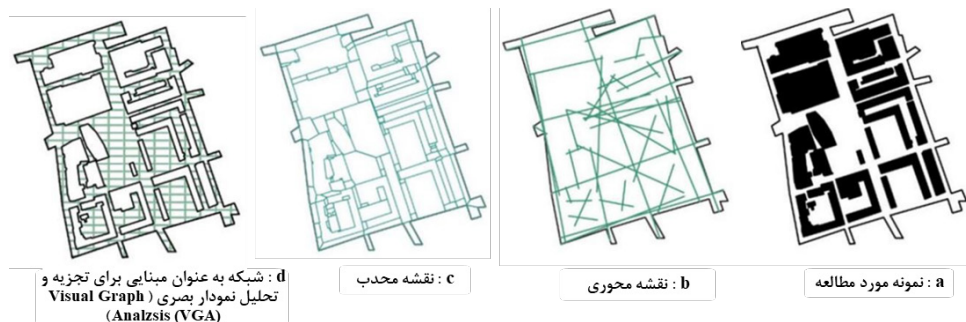
- ابعاد و عناصر فضای شهری که به آن‌ها پرداخته شده است، ارتباط مستقیمی با نظریهٔ نحو فضا دارند و این رابطه را می‌توان به صورت مستقیم و غیرمستقیم کمی‌سازی کرد.
- خط محوری: طولانی‌ترین خط دید که نشان‌دهندهٔ یک مسیر متحرک در منطقه‌ای خاص از محیط ساخته‌شده است، خط محوری است. هر خط محوری در مطالعات شهری مربوط به یک فضای شهری عمومی است که به سایر فضاهای شهری عمومی متصل می‌شود (al et Yamu, 2021).
- نقشهٔ محوری: نقشهٔ محوری یک محیط ساخته‌شده شامل طولانی‌ترین و کمترین تعداد خطوط محوری است (Turner al et, 2005).
- نقشهٔ محدب: نقشه‌های محدب برای تجزیه و تحلیل فضاهای داخلی ساختمان‌ها و همچنین مناطق باز در بین گروهی از ساختمان‌ها استفاده می‌شود (Hanson & Hillier, 1984).
- یکپارچگی: یکپارچگی متغیر درخور توجهی است که در روش چیدمان فضایی به دست می‌آید و نشان‌دهندهٔ درجهٔ انسجام است. این مقدار اهمیت زیادی دارد؛ زیرا منعکس‌کنندهٔ مفهوم اساسی آرایش فضا است که درجهٔ اتصال هر خط یا فضا است. میانگین تعداد خطوط به عنوان رابطی عمل می‌کند که از طریق آن می‌توان به تمام فضاهای شهر دسترسی داشت (Hillier, 2007).
- عمق: عمق به تعداد فضاهایی اطلاق می‌شود که برای رسیدن به یک فضا از فضای دیگر باید طی شود. شاخص عمق نشان‌دهندهٔ میزان جدایی فضا از سایر فضاهای شهری است. به عبارت دیگر، مقدار عمق بیشتر نشان می‌دهد که رسیدن به آن فضای خاص مستلزم عبور از فضاهای میانی بیشتری است (Hillier, 2007).
- اتصال: مفهوم اتصال به اتصال فضایی اشاره می‌کند که تعداد اتصالات بین فضای مورد نظر و سایر فضاها را نشان می‌دهد. عملاً به عنوان دسترسی درک می‌شود که نشان‌دهندهٔ ارتباط مستقیم بین گره‌ها در یک گراف متصل است.



- پارامتر اتصال نقش مهمی در تحلیل فضایی ایفا می‌کند؛ زیرا به دسترسی شهر بستگی دارد (al et Jiang, 2000). خوانایی: به اندازه‌گیری همبستگی بین ارزش‌های ارتباط و ادغام در سطح شهر یا رابطه بین ارزش‌های یکپارچه‌سازی جهانی و محلی اشاره دارد. این سطح درک یک سیستم شهری را نشان می‌دهد و بیان می‌کند که منطق الگوی خیابان یک منطقه محلی می‌تواند به درک کل شهر کمک کند. فهم‌پذیر بودن با مفهوم خوانایی کوین لینچ و همچنین با نقشه‌برداری شناختی مرتبط است (al et Yamu, 2021).
- نقشه عمق: یک برنامه کامپیوتری است که برای تحلیل خوانایی شبکه‌های شهری استفاده می‌شود، نقشه‌های شبکه شهری را به‌عنوان ورودی می‌گیرد و ارتباطات بصری بین مکان‌های شبکه شهری را به‌عنوان خروجی ایجاد می‌کند (Hillier, 2007). در این روش، نقشه‌های محوری و نمودارهای متصل فضاهای شبکه شهری تهیه و وارد نرم‌افزار Depth map می‌شود. در مرحله بعد شبکه‌بندی نقاط روی نمودار براساس نوع خروجی مورد نظر تشکیل می‌شود و آنالیز گراف در داخل نرم‌افزار انجام می‌شود (Turer & Pinelo, 2010). پیکربندی فضایی به‌تنهایی می‌تواند عامل اصلی پیش‌بینی حرکت عابر پیاده در نظر گرفته شود (al et Toker, 2005).



شکل ۲: واحدهای فضایی ابتدایی که در نحو فضا استفاده می‌شوند (la te umaY, ۱۲۰۲)



شکل ۳: نقشه‌های مختلف که در نحو فضا استفاده می‌شوند (la te umaY, ۱۲۰۲)

به‌طور خلاصه، نظریه نحو فضا به ارتباط پیچیده بین محیط شهری و رفتار انسان، با تأکید ویژه بر تحرک و تعامل می‌پردازد. تأثیری را که سازمان فضایی یک شهر بر پویایی‌های اجتماعی می‌گذارد، برجسته می‌کند و عناصری مانند اتصال خیابان و عمق فضایی را که می‌توانند بر حرکت و تعامل مردم تأثیر بگذارند، تشخیص می‌دهد. با بررسی دقیق این ویژگی‌های فضایی، برنامه‌ریزان و طراحان شهری می‌توانند مناطق در دسترس‌تر و سرزنده‌تری را طراحی کنند که تعامل اجتماعی و کیفیت کلی زندگی را افزایش می‌دهد.

پیشینه تحقیق

نحو فضا^۳ به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل فضاهای شهری، ابزاری برای درک ساختار فضایی شهرها و اثر آن بر الگوهای رفتاری و دسترسی افراد به فضاهاست که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در اواسط دهه ۱۹۹۰، اولین کاربردهای نحو فضا در حوزه مشاوره انجام شد. در شهر لندن با همکاری آزمایشگاه نحو فضای دانشگاه کالج لندن، چندین پروژه مشاوره با هدف بهبود قلمرو عمومی شهری از محله‌های منفرد تا مناطق بزرگ شهری انجام شد. نمونه‌هایی از

پروژه‌ها عبارت‌اند از: طرح جامع جده،^۴ طراحی مجدد میدان‌های وولویچ^۵ در لندن، بازسازی مناطق اطراف ایستگاه کینگز کراس^۶ در لندن، ارتقای میدان اولد مارکت در ناتینگهام،^۷ ارزیابی موقعیت پل هزاره^۸ در لندن و ایجاد استراتژی‌های فضایی برای شهر چانگچون^۹ در چین (Yamu & Nes van, 2021). نحو فضا به‌طور گسترده در تحلیل و طراحی خیابان‌های شهری به کار می‌رود و در درک ساختار خیابان‌ها، دسترسی‌پذیری و نحوهٔ تعامل مردم با این فضاها نقش مهمی دارد. در ادامه به چند پژوهش از کاربردهای نحو فضا در تحلیل خیابان‌های شهری اشاره می‌شود. این مطالعات، به شیوه‌هایی از جمله تحلیل داده‌های شبکه، مشاهدات میدانی، تصاویر خیابانی و هوش مصنوعی تکیه کرده‌اند تا کیفیت فضای شهری را ارتقا دهند و درک بهتری از تعاملات اجتماعی و دسترسی‌ها ارائه دهند.

لی و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و مقایسهٔ درک انسان از خیابان‌ها در دو کلان‌شهر با ادغام تصاویر نمای خیابان، یادگیری عمیق و نحو فضا»، به تحلیل کیفیت خیابان‌ها در شهرهای شانگهای^{۱۰} و چنگدو^{۱۱} در چین پرداختند. در این تحقیق، از تصاویر خیابانی و یادگیری عمیق استفاده شده است تا درک شهروندان از کیفیت خیابان‌ها بررسی شود. این پژوهش نشان داد که الگوهای متفاوت توزیع فضای شهری و اجزای خیابان در دو شهر، موجب برداشت‌های مختلفی از کیفیت خیابان شده است. خیابان‌های شانگهای با توزیع پراکنده‌تر و چندمرکزی و خیابان‌های چنگدو با توزیع‌های متفاوت‌تر در کنار رودخانه‌ها و مناطق پرترد، هریک تأثیرات متفاوتی بر تعاملات شهری و کیفیت زندگی داشته‌اند (al et Lei, 2024).

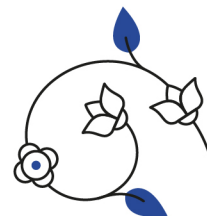
دوگان^{۱۲} (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسهٔ کیفیت فضا در خیابان‌ها در زمینهٔ طراحی فضای باز عمومی: نمونه‌ای از ازمیر، بارسولونا و لیورپول»، به مقایسهٔ کیفیت فضای خیابانی در سه شهر بزرگ و تاریخی، ازمیر، بارسولونا و لیورپول می‌پردازد. این پژوهش با استفاده از تحلیل نحو فضا و دیگر روش‌های ارزیابی فضایی، چگونگی طراحی و کیفیت فضاهای عمومی این سه شهر را از نظر دسترسی‌پذیری، جذابیت و میزان تعاملات اجتماعی بررسی می‌کند. هدف این مقاله ارائهٔ توصیه‌هایی برای بهبود طراحی فضاهای عمومی با استفاده از تجارب موفق هر شهر است (Doğan, 2021).

کوهساری و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «حرکت طبیعی: نظریهٔ نحوی فضایی که فرم و عملکرد شهری را با پیاده‌روی برای حمل‌ونقل مرتبط می‌کند»، به نظریه‌ای در نحو فضا می‌پردازد که ارتباط میان فرم شهری و عملکرد آن را، به‌ویژه در زمینهٔ پیاده‌روی به‌عنوان یک روش حمل‌ونقل، بررسی می‌کند. در این پژوهش، حرکت طبیعی^{۱۳} به‌عنوان مفهومی معرفی می‌شود که نشان می‌دهد چگونه افراد با استفاده از مسیرهای مشخص‌شده در شبکهٔ شهری حرکت می‌کنند، بدون آنکه نیاز به نشانه‌های اضافی یا راهنماهای فیزیکی داشته باشند. براساس این نظریه، شبکه‌ای از خیابان‌های متصل و پیوسته با یکپارچگی^{۱۴} چشمگیر می‌تواند باعث افزایش تردد عابران پیاده شود.

به عبارت دیگر، خیابان‌هایی که در شبکهٔ شهری به‌خوبی به دیگر خیابان‌ها متصل هستند، جاذبهٔ بیشتری برای پیاده‌روی دارند و از نظر اقتصادی نیز پتانسیل بیشتری برای جذب فعالیت‌های تجاری دارند. این مقاله با بهره‌گیری از ابزارهای تحلیل نحو فضا، به‌ویژه شاخص‌های اتصال و یکپارچگی، نشان می‌دهد که چگونه طراحی و سازماندهی فضایی مناسب می‌تواند به بهبود دسترسی، افزایش تعاملات اجتماعی و کاهش وابستگی به حمل‌ونقل موتوری کمک کند (al et Koohsari, 2019).

در مقالهٔ دیگر با عنوان «تحلیل شبکه‌های خیابانی قابل پیاده‌روی با استفاده از نحو فضایی و تکنیک‌های GIS: مطالعهٔ موردی شهر چانگری»، به تحلیل پیاده‌محوری و شبکهٔ خیابانی در شهر چانگری ترکیه می‌پردازد و از تکنیک‌های نحو فضا و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) برای بررسی قابلیت پیاده‌روی در این شهر استفاده می‌کند. هدف این پژوهش، شناسایی ساختارهای شهری و ویژگی‌های فضایی است که به افزایش پیاده‌روی در محیط‌های شهری کمک می‌کند. با بهره‌گیری از روش نحو فضا، این مطالعه شاخص‌های فضایی مانند یکپارچگی و اتصال را بررسی می‌کند تا مناطقی با بیشترین قابلیت دسترسی پیاده را شناسایی نماید. از طرف دیگر، GIS در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل مکان‌یابی دقیق و ایجاد نقشه‌های گرافیکی استفاده شده است که مناطق پیاده‌محور و الگوهای فضایی مرتبط با تردد عابران را به تصویر می‌کشد.

این روش‌ها به تحلیل دقیق‌تری از الگوهای رفت‌وآمد عابران و شناسایی مناطق با دسترسی فراوان پیاده کمک می‌کنند. این مقاله در نهایت به ارائهٔ پیشنهادهایی برای بهبود زیرساخت‌های پیاده‌روی در شهر چانگری پرداخته است تا محیطی مناسب‌تر برای عابران پیاده ایجاد شود و از مزایای بهبود پیاده‌روی، مانند کاهش ترافیک و بهبود سلامت اجتماعی و فردی بهره‌مند شود (Körmeçli Sahin, 2023).



روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف‌گذاری کاربردی و از لحاظ ماهیت اطلاعات و شیوه تحلیل آن‌ها جزء تحقیقات کیفی است. از منظر روش جمع‌آوری اطلاعات در زمره پژوهش‌های اسنادی و در نهایت بر مبنای روش پژوهش، جزء تحقیقات آمیخته است. با استفاده از تکنیک نحوی فضا برای اندازه‌گیری، می‌توان مفاهیم کیفی مانند یکپارچگی، خوانایی، عمق، ارتباط، حضور افراد و الگوهای رفتاری را بررسی کرد. برای ارزیابی این مفاهیم با استفاده از نقشه‌ها، اندازه‌گیری‌های کمی و نرم‌افزار تخصصی Map Depth، از یک روش ترکیبی که شامل هر دو رویکرد کیفی و کمی است، استفاده می‌شود. این فرایند شامل تهیه نقشه پایه از OSM) Map Street Open (OSM) و پالایش آن با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS است. نقشه‌های محوری با ترسیم حداقل خطوط برای پوشش هر فضا، اجتناب از خطوط بین ساختمان‌ها و اتصال خطوط طولانی برای به حداکثر رساندن پوشش ایجاد می‌شوند. سپس نقشه محوری با استفاده از نرم‌افزار map Depth UCL مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مقادیری مانند یکپارچگی، اتصال، عمق و کنترل ایجاد شد. نتایج در قالب نقشه ارائه شد و برای تحلیل بیشتر از نرم‌افزار ArcGIS نیز استفاده گردید.

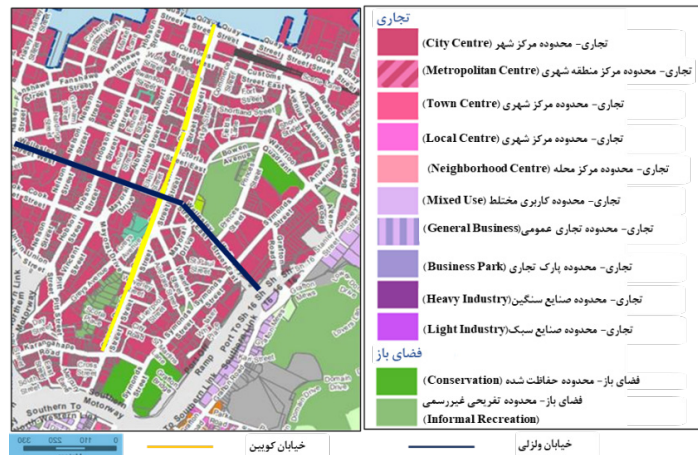
نمونه موردی

خیابان کوئین در اوکلند یکی از مهم‌ترین مناطق شهری این شهر است که به دلیل ویژگی‌های تجاری، تاریخی و فرهنگی خود مشهور است. در دهه‌های اخیر، پروژه‌های بازسازی گسترده‌ای در این خیابان انجام شده که هدف آن‌ها بهبود دسترسی عابران، افزایش زیبایی ظاهری و بهبود عملکرد کلی خیابان بوده است. این تغییرات با هدف حفظ جایگاه خیابان کوئین به عنوان یک فضای عمومی مهم و تطبیق آن با نیازهای روز انجام شده است. پروژه به‌روزرسانی خیابان کوئین که مراحل اصلی آن در سال‌های ۲۰۰۸ و سپس در بازه ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ تکمیل شد، به معرفی ویژگی‌هایی همچون عریض‌تر شدن پیاده‌روها، نصب نیمکت‌ها و استفاده از گیاهان بومی پرداخته است تا محیطی یکپارچه و انسان‌محور ایجاد شود. این تغییرات شامل استفاده از مصالح خاص، مانند سنگ‌فرش‌های بلو استون^{۱۶} و کاشت نخل‌های نیکائو^{۱۷} بومی بود تا هویت خاصی به خیابان داده شود؛ همچنین طراحی جدید اولویت استفاده از خیابان را به عابران و وسایل نقلیه غیردوچرخه اختصاص داده و دسترسی خودروها را به حداقل رسانده است. این اقدام، بخشی از برنامه جامع مرکز شهر اوکلند است که هدف آن ایجاد یک هسته شهری دوستدار عابر پیاده است. این تغییرات به‌ویژه با پروژه‌های زیرساختی جدیدی مانند لینک ریلی شهری^{۱۸} (CRL) که دسترسی به مناطق مرکزی را افزایش می‌دهد، هماهنگ است و موجب جذب بیشتر عابران و رشد بخش خرده‌فروشی شده است (OurAuckland, 2023).

تغییرات طراحی در خیابان کوئین، فلسفه‌ای انعطاف‌پذیر در معماری شهری را منعکس می‌کند که در آن، حفظ میراث تاریخی در کنار نیازهای مدرن قرار گرفته است. سازه‌های تاریخی مانند فروشگاه بزرگ اسمیت و کاگهی^{۱۹} که از سال ۱۸۸۰ در این خیابان حضور داشته‌اند، در کنار کسب‌وکارهای جدید و امکانات شهری مدرن، ترکیبی منحصر به فرد از قدیم و جدید را شکل داده‌اند. این به‌روزرسانی‌ها نقش خیابان کوئین را به عنوان یک مقصد خرید و تفریحی تقویت کرده است و به عنوان بخشی اساسی از چشم‌انداز شهری اوکلند برای ساکنان و بازدیدکنندگان باقی نگه داشته است (Architec-; 2023, OurAuckland, Australia tus, 2023).



شکل ۴: خیابان کوئین



شکل ۵: کاربری خیابان کوئین (Auckland Council, 2023)

یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، چندین کیفیت مهم فضا از جمله یکپارچگی، اتصال، دسترسی و خوانایی در این خیابان ارزیابی شده است. تجزیه و تحلیل این معیارها در خیابان کوئین با استفاده از نرم‌افزار Depth Map در قالب نقشه و نمودار است.

یکپارچگی

نقشهٔ یکپارچگی (شکل ۶) نشان می‌دهد که خیابان کوئین از یکپارچگی چشمگیری برخوردار است. خیابان‌هایی که سطوح بالایی از اتصال و یکپارچگی را دارند، نقش مهمی در تضمین دسترسی مناسب در یک محله یا کل شهر بر عهده دارند. مکان‌هایی که در نقشه یکپارچه‌تر هستند، برای تخصیص فعالیت‌ها، کاربری‌ها و خدمات عمومی بسیار مناسب‌اند؛ زیرا به دلیل یکپارچگی زیاد، مردم بیشتر به آنجا مراجعه می‌کنند و حضور افراد در آنجا افزایش می‌یابد. مهم‌ترین مکان در خیابان کوئین در تقاطع خیابان ولزلی^{۲۰} است. هر دو خیابان با رنگ قرمز روی نقشه مشخص شده‌اند و رنگ قرمز نشان‌دهندهٔ خیابانی با یکپارچگی بالاست. تقاطع خیابان کوئین و خیابان ولزلی به دلیل یکپارچگی زیاد، مرکزی برای حرکت و تعامل است. با توجه به افزایش ترافیک و جمعیت، فضای پر جنب و جوش مشاغل، رویدادهای فرهنگی، خرده‌فروشی، رستوران‌ها و سایر خدمات عمومی را به خود جذب می‌کند. موقعیت مناسب این تقاطع دسترسی به آن را آسان می‌سازد و طیف وسیعی از مردم را به خود جذب می‌کند. در مجموع، نقشهٔ یکپارچگی اهمیت خیابان کوئین را در افزایش نشاط شهری و ترسیم فعالیت‌ها و خدمات مختلف برای رفع نیازها و سلايق مردم نشان می‌دهد.

اتصال

مفهوم اتصال در این پژوهش به جای در نظر گرفتن همهٔ خیابان‌های محله یا شهر، بر دسترسی خیابان مورد مطالعه و ارتباط مستقیم آن با خیابان‌های مجاور تمرکز می‌کند. بدین ترتیب این مفهوم میزان ارتباط مستقیم خیابان کوئین با خیابان‌های اطراف آن را ارزیابی کرده است که در سطح واحد محله، این دیدگاه بومی‌سازی شده، اهمیت فزاینده‌ای دارد. الزامات اتصال برای خیابان کوئین در نقشهٔ اتصال (شکل ۷) نشان داده شده است. این نقشه نشان می‌دهد که بخش جنوبی خیابان کوئین در تقاطع با خیابان ولزلی، اتصال قوی و در بخش شمالی دارای اتصال متوسط است و بدین معناست که خیابان کوئین اتصال نسبتاً خوبی با خیابان‌های مجاور در این دو محدوده (شمالی و جنوبی) دارد. اتصال قوی از خیابان ولزلی به خیابان کوئین جنوبی، رفت‌وآمد مردم را به صورت پیاده آسان‌تر می‌کند و دسترسی به بسیاری از مکان‌ها را بهبود می‌بخشد. خیابان کوئین یک مسیر عبور و مرور ضروری است که به شهروندان و بازدیدکنندگان از شهر اجازه می‌دهد بین محله‌ها، نواحی و مکان‌های تاریخی شهر اوکلند سفر کنند. اهمیت آن به عنوان یک گذرگاه بزرگ عابر پیاده در شهر به ارتباطات قوی آن نسبت داده می‌شود که تضمین می‌کند عابران پیاده می‌توانند به راحتی به محله‌های اطراف دسترسی داشته باشند و به آسانی تردد کنند.



دسترسی

برای بررسی دسترسی در خیابان کوئین، از نقشه عمق (شکل ۸) استفاده می‌شود. در این نقشه، خیابان کوئین با رنگ آبی به تصویر کشیده شده است که نشان‌دهنده عمق کمتری نسبت به خیابان‌های دیگر است. این نشان می‌دهد که دسترسی به خیابان کوئین از مناطق اطراف یا سایر نقاط شهر به سهولت انجام می‌شود و مسیر مستقیم و آسان‌تری دارد. علاوه بر این، خیابان کوئین به خوبی با بافت شهری ادغام شده است و موانع کمتری برای حرکت عابران پیاده ایجاد می‌کند. این نکته سبب شده است تا جذابیت و سهولت دسترسی خیابان افزایش یابد و آن را به مقصدی مطلوب برای فعالیت‌های مختلف تبدیل کند.



شکل ۸: نقشه عمق خیابان کوئین



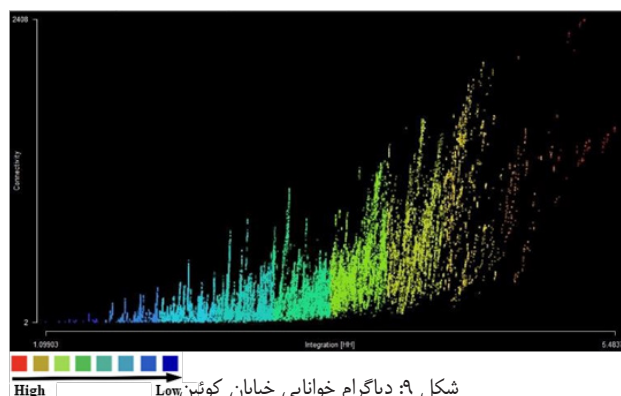
شکل ۷: نقشه اتصال خیابان کوئین



شکل ۶: نقشه یکپارچگی خیابان کوئین

خوانایی

خوانایی خیابان کوئین از طریق مفاهیم انسجام و ارتباط سنجش می‌شود؛ هرچه همبستگی بالاتر باشد، نشان‌دهنده خوانایی بیشتر فضا است. شکل ۹ یک نمودار نقطه‌ای با رنگ‌های متمایز است که در آن هر نقطه، یک مرکز، کوچه یا خیابان است و چندین نقطه نشان‌دهنده خیابان‌هایی با پیچ‌ها یا تقاطع‌های متعدد است. وجود نقاط قرمز در هر دو نقشه یکپارچگی و اتصال نشان‌دهنده خوانایی بیشتر است؛ به این معنی که عابران پیاده می‌توانند بدون زحمت این مناطق را پیمایش و درک کنند. تقاطع خیابان کوئین و خیابان ولزلی، به همراه بخش جنوبی خیابان کوئین، به‌ویژه به دلیل خوانایی، تعداد عابران پیاده درخور توجه است؛ زیرا تصویر ذهنی روشنی از خیابان ایجاد می‌کند و تجربه کلی پیاده‌روی را بهبود می‌بخشد.



شکل ۹: دیاگرام خوانایی خیابان کوئین

بحث درباره مزایا و معایب نحو فضا در خیابان کوئین

تجزیه و تحلیل نحو فضا هنگام اعمال در خیابان کوئین چندین مزیت را ارائه می‌دهد:

۱. شناخت آرایش فضایی: استفاده از نحو فضا در درک پیکربندی فضایی خیابان کوئین مؤثر است. این مزیت بینش‌های

ارزشمندی را دربارهٔ روابط متقابل، اتصال و دسترسی در میان فضاهای مختلف مانند معابر، تقاطع‌ها و مکان‌های دیدنی ارائه می‌دهد. چنین دانشی می‌تواند تأثیر درخور توجهی بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌ریزی و طراحی شهری داشته باشد.

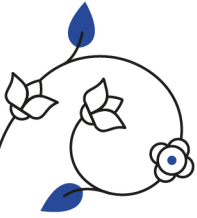
۲. تقویت حرکت عابر پیاده: با بررسی وسعت، اتصال و یکپارچگی خیابان کوئین، نحو فضایی می‌تواند راه‌حلی را برای بهبود دسترسی و گردش عابر پیاده شناسایی کند. می‌تواند به ساده‌سازی خیابان، یافتن گلوگاه‌ها یا موانع احتمالی و ارائهٔ پیشنهادهایی برای بهبود جریان عابر پیاده کمک کند.
 ۳. ارائهٔ طرح و مداخلهٔ شهری: از تحلیل نحوی فضا می‌توان برای هدایت مکان و طراحی عناصر و مداخلات شهری در خیابان کوئین استفاده کرد. این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری برای قرار دادن مکان‌های نشستن، زیرساخت‌های عابر پیاده، امکانات عمومی و موارد دیگر کمک کند.
- معایب تجزیه و تحلیل نحو فضا هنگام اعمال در خیابان کوئین به شرح زیر است:

۱. ارتقای ساختار شبکه‌ای منظم: این نظریه به نادیده گرفتن فضای تجسم‌یافته و تجربهٔ انسانی در فضاها به نفع ساختار شبکه‌ای منظم بافت‌های شهری تمایل دارد.
 ۲. برخورد با شهرها به‌عنوان سطوح مسطح: این نظریه پیچیدگی تعاملات فضایی و تأثیرات عناصر سه‌بعدی بر فضاهای شهری را نادیده می‌گیرد. روش نحو فضا، تنوع گستردهٔ ارتفاعات موجود در محیط‌های شهری را نادیده می‌گیرد و توانایی ما را برای درک روابط فضایی، پیامدهای سازه‌ها و الگوهای کاربری زمین به خطر می‌اندازد.
 ۳. بازنمایی ساده و بی‌توجهی به عوامل غیرفضایی: مطالعهٔ نحوی فضا جنبه‌های غیرفضایی از جمله پویایی اجتماعی، فعالیت اقتصادی و ویژگی‌های فرهنگی را که بر پویایی خیابان کوئین، تمرکز بر ویژگی‌ها و پیوندهای فضایی تأثیر می‌گذارد، حذف می‌کند.
 ۴. ملاحظات متنی: ویژگی‌ها و زمینهٔ خاص خیابان کوئین ممکن است به اندازهٔ کافی توسط تحلیل نحوی فضا در نظر گرفته نشود. لازم است تحقیقات بیشتری در خصوص عواملی از جمله جغرافیا، الگوهای کاربری زمین، شبکه‌های حمل‌ونقل و پویایی‌های فرهنگی اجتماعی انجام شود.
- در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای پرداختن به انتقادات و توسعهٔ نظریه‌های جامع‌تر، مانند تحلیل فرم که نقاط قوت نظریهٔ نحو فضا و نظریه‌های دیگر مانند کنزبان و هیلبر^{۳۱} را ادغام می‌کند، صورت گرفته است. با این حال، این تلاش‌ها هنوز ادامه دارد و هنوز کار زیادی برای درک کامل و اصلاح نظریه‌های فضایی برای پرداختن مؤثر به پیچیدگی‌های جوامع شهری و جنبه‌های فیزیکی شهرها وجود دارد.

نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل نحو فضا بینش‌های ارزشمندی را دربارهٔ ساختار فضایی و اتصال محیط‌های شهری مانند خیابان کوئین ارائه می‌دهد و تصمیم‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهری را براساس الگوهای حرکت عابر پیاده و شناسایی گره‌ها و اتصالات کلیدی، تسهیل می‌کند. با این حال محدودیت‌ها و انتقادهایی در این تحلیل وجود دارد. نظریهٔ نحو فضا تمایل دارد ساختارهای شبکه‌ای منظم را در اولویت قرار دهد و به‌طور بالقوه سایر اجزای مهم طراحی را تحت‌الشعاع در نظر بگیرد و ماهیت تجسم‌یافتهٔ فضا را نادیده بگیرد. علاوه بر این، پویایی‌های اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی و ویژگی‌های فرهنگی را در ملاحظات زمینه‌ای نادیده می‌گیرد. برای رسیدگی به این محدودیت‌ها، یک رویکرد یکپارچه برای به دست آوردن درک جامع‌تری از خیابان کوئین و تسهیل تصمیم‌گیری مؤثر، مورد نیاز است. تلاش‌هایی برای توسعهٔ تئوری‌های فراگیرتر، مانند تجزیه و تحلیل فرم، در حال انجام است که هدف آن رسیدگی به انتقادات و محدودیت‌های تحلیل نحو فضا است. با این حال، این نظریه‌ها هنوز در حال تکامل هستند و تحقیقات بیشتری برای اصلاح نظریه‌های فضایی و دستیابی به درک جامعی از جوامع شهری و جنبه‌های فیزیکی شهرها مورد نیاز است.

برای بهبود خیابان کوئین براساس تحلیل انجام‌شده با استفاده از روش نحو فضا، می‌توان پیشنهادها را با هدف افزایش تعاملات اجتماعی، بهبود دسترسی عابران و تقویت هویت فضایی خیابان ارائه کرد.





۱. افزایش اتصال و یکپارچگی مسیرها: اتصال و یکپارچگی در نظریهٔ نحو فضا به معنای ارتباط فضاهای مختلف شهری و پیوستگی مسیرهای پیاده‌رو است. خیابان‌هایی که بیشتر با شبکهٔ شهری هماهنگ و در نقاط اتصال بالایی قرار دارند، به‌طور طبیعی جذابیت بیشتری برای عابران و کسب‌وکارها ایجاد می‌کنند. در خیابان کوئین، می‌توان با متصل کردن بهتر خیابان‌های جانبی و بهبود پیاده‌روهای کوچک‌تر، فضای یکپارچه‌ای ایجاد کرد. این امر باعث افزایش دسترسی به فروشگاه‌ها و جاذبه‌های شهری می‌شود و حس راحتی بیشتری برای عابران فراهم می‌آورد.
۲. طراحی فضاهای تجمع و استراحت: فضاهای مکث و استراحت مانند نیمکت‌ها، سایه‌بان‌ها و محوطه‌های سبز به عابران امکان می‌دهد که در فضای شهری توقف و استراحت کنند و از محیط پیرامون لذت ببرند. ایجاد نقاط جمعی، علاوه بر افزایش تعاملات اجتماعی، می‌تواند به برقراری ارتباط بهتر بین افراد کمک کند و حس تعلق به فضای شهری را تقویت نماید. فضاهای سبز کوچک، مانند پارک‌های جیبی یا محوطه‌های فرهنگی و هنری می‌تواند به خیابان کوئین روحی تازه بخشد و فضای جذاب‌تری برای توقف و معاشرت ایجاد کند.
۳. تقویت مسیرهای پیاده‌رو و کاهش ترافیک موتوری: تخصیص فضای بیشتر به پیاده‌روها و کاهش تردد وسایل نقلیهٔ موتوری از دیگر راهکارهای بهبود خیابان کوئین است. این اقدام در خیابان‌های شهری پرتردد در جهان با موفقیت انجام شده و موجب کاهش آلودگی و صدا و افزایش کیفیت محیط شهری شده است. در خیابان کوئین، می‌توان برخی خیابان‌های جانبی را برای خودروها بست یا دسترسی محدودتری برای آن‌ها ایجاد کرد تا فضای بیشتری به عابران اختصاص یابد و رفت‌وآمد عابران آسان‌تر شود.
۴. تأمین روشنایی و ایمنی بیشتر: روشنایی مناسب و افزایش امنیت فضاهای عمومی به عابران اجازه می‌دهد که با آرامش و امنیت بیشتری در هر ساعتی از شبانه‌روز از این فضاها استفاده کنند. ایجاد روشنایی مناسب برای پیاده‌روها و معابر جانبی، علاوه بر افزایش ایمنی، فضای جذاب‌تری برای تفریحات و گردش‌های شبانه فراهم می‌کند. این اقدام به‌ویژه در خیابان کوئین که یکی از نقاط پرتردد اوکلند است، می‌تواند به رشد کسب‌وکارهای شبانه و افزایش جذابیت‌های اجتماعی کمک کند.
۵. استفاده از عناصر طراحی فرهنگی و بومی: افزودن المان‌های فرهنگی، مانند هنرهای شهری با الهام از فرهنگ بومی اوکلند و به‌کارگیری گیاهان بومی به خیابان کوئین می‌تواند حس تعلق و هویت محلی بیشتری ایجاد کند. استفاده از عناصر بومی مانند کاشت گیاهان خاص منطقه و طراحی هنری با موضوعات بومی، حس اتصال به فرهنگ و تاریخ منطقه را تقویت می‌کند. چنین المان‌هایی در نقاط دیگر شهرهای بزرگ نیز موفق بوده و باعث شده‌اند تا افراد با فضای شهری احساس نزدیکی بیشتری داشته باشند.
۶. تحلیل حرکت طبیعی و مسیرهای پرتردد: با استفاده از تحلیل نحو فضا و مدل‌سازی دقیق الگوهای حرکت عابران، می‌توان مسیرهایی را شناسایی کرد که بیشترین تردد را دارند و در نتیجه بیشترین نیاز به بهبود زیرساخت‌های پیاده‌روی در آن‌ها احساس می‌شود. این تحلیل می‌تواند نشان دهد که کدام قسمت‌های خیابان کوئین نیاز به تعریض پیاده‌روها، ایجاد نشانه‌ها یا بهبود امکانات برای پیاده‌روی دارد.

بیانیه‌ها

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به‌صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده‌پردازی و طراحی مطالعه: آناهیتا طبائیان، الناز بهزادپور؛ گردآوری داده‌ها: آناهیتا طبائیان، الناز بهزادپور؛ تجزیه و تحلیل داده‌ها: آناهیتا طبائیان، الناز بهزادپور؛ نگارش نسخه اولیه: آناهیتا طبائیان؛ بازبینی و اصلاح مقاله: الناز بهزادپور؛ اعتبارسنجی و تأیید نهایی: تمام نویسندگان نسخه نهایی مقاله را تأیید کرده‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسنده از تمام شهروندانی که پرسشنامهٔ این پژوهش را تکمیل نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نماید.



- 1- the Economic Process Theory of Natural Movement
- 2- the Natural Process Theory of Urban Transformation
- 3- Space Syntax
- 4- Master plan of Jeddah
- 5- Woolwich Squares
- 6- King's Cross Station
- 7- Old Market Square in Nottingham
- 8- Millennium Bridge
- 9- Changchun
- 10- Shanghai
- 11- Chengdu
- 12- Doğan
- 13- Natural Movement
- 14- Integration
- 15- <https://www.openstreetmap.org/#map=2/-41.2/-6.6>.
- 16- Bluestone paving
- 17- Nikau palms
- 18- City Rail Link
- 19- Smith and Caughey
- 20- Wellesley Street
- 21- Kenzian and Hillier

۱. کالن، گ. (۱۳۷۷). گزیده منظر شهری (م. طیبیان، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

1. Alabi, M. O. (2021). Space syntax: Evaluating the influence of urban form and socio-economy on walking behavior in neighborhoods of Akure, Nigeria. *Urban, Planning and Transport Research*, 9(1), 579–597. <https://doi.org/10.1080/21650020.2021.2003234>
2. Architectus Australia. (2023). Retrieved from <https://architectus.com.au/> on December 20, 2023 at 14:30.
3. Askarizad, R., Lamiquiz Daudén, P. J., & Garau, C. (2024). The application of space syntax to enhance sociability in public urban spaces: A systematic review. *International Journal of Geo-Information*, 13, 227. <https://doi.org/10.3390/ijgi13070227>
4. Carmona, M., Heath, T., Oc, T., Tiesdell, S., & Carmona, M. (2003). *Public Places - Urban Spaces*. Routledge, London. <https://doi.org/10.4324/9780080515427>
5. Doğan, U. (2021). A comparison of space quality in streets in the context of public open space design: The example of Izmir, Barcelona, and Liverpool. *Journal of Urban Affairs*, 45(7), 1282–1315. <https://doi.org/10.1080/07352166.2021.1919018>
6. Haarhoff, E. (2023). *Urban Morphology; Urban design theory and practice*. University of Auckland.
7. Hidayati, I., Yamu, C., & Tan, W. (2019). The emergence of mobility inequality in Greater Jakarta, Indonesia: A socio-spatial analysis of path dependencies in transport–land use policies. *Sustainability*, 11(18), 5115. <https://doi.org/10.3390/su11185115>
8. Hillier, B. (2007). *Space is the Machine: A configurational theory of architecture space syntax*. Cambridge University Press.
9. Hillier, B., Penn, A., Hanson, J., Grajewski, T., & Xu, J. (1993). Natural movement: Or, configuration and attraction in urban pedestrian movement. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 20(1), 29–66. <https://doi.org/10.1068/b200029>



10. Hillier, B., Yang, T., & Turner, A. (2012). Normalizing least angle choice in Depth map and how it opens new perspectives on the global and local analysis of city space. *The Journal of Space Syntax*, 3, 155–193.
11. Hillier, B., & Hanson, J. (1984). *The social logic of space*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511597237>
12. Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Random House.
13. Jiang, B., Claramunt, C., & Klarqvist, B. (2000). Integration of space syntax into GIS for modeling urban spaces. *International Journal of Applied Earth Observation and Geoformation*, 2(3-4), 161–171.
14. Karimi, K. (2012). A configurational approach to analytical urban design: ‘Space syntax’ methodology. *Urban Design International*, 17, 297–318. <https://doi.org/10.1057/udi.2012.19>
15. Karimi, K. (2017). Space syntax: Consolidation and transformation of an urban research field. *Journal of Urban Design*, 23(1), 1. <https://doi.org/10.1080/13574809.2018.1403177>
16. Koning, R. E., Roald, H. J., & van Nes, A. (2020). A scientific approach to the densification debate in Bergen Centre in Norway. *Sustainability*, 12(21), 9178. <https://doi.org/10.3390/su12219178>
17. Lefebvre, H., & Nicholson-Smith, D. (2017). *The production of space*. Blackwell.
18. Lei, Y., Zhou, H., Xue, L., Yuan, L., Liu, Y., Wang, M., & Wang, C. (2024). Evaluating and comparing human perceptions of streets in two megacities by integrating street-view images, deep learning, and space syntax. *Buildings*, 14, 1847. <https://doi.org/10.3390/buildings14061847>
19. Lynch, K. (1979). *The image of the city*. MIT Press.
20. Koohsari, M. J., Oka, K., Owen, N., & Sugiyama, T. (2019). Natural movement: A space syntax theory linking urban form and function with walking for transport. *Health & Place*, 58, 102–111. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2019.01.002>
21. OurAuckland. (2023). Retrieved from <https://ourauckland.aucklandcouncil.govt.nz/> on December 18, 2023, at 17:30.
22. Pinelo, J., & Turner, A. (2010). *Introduction to UCL Depth map 10 Version 10.08.00r*. UCL University Press.
23. Sahin Körmeçli, P. (2023). Analysis of walkable street networks by using space syntax and GIS techniques: A case study of Çankırı City. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 12, 216. <https://doi.org/10.3390/ijgi12060216>
24. Toker, U., Baran, P., & Mull, M. (2005). Suburban evolution: A cross-temporal analysis of spatial configuration in an American town (1989–2002). 5th International Space Syntax Symposium, June 13-17, Delft, Netherlands.
25. Turner, A., Penn, A., & Hillier, B. (2005). An algorithmic definition of the axial map. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 32(3), 425–444. <https://doi.org/10.1068/b31097>
26. Tzortzi, K. (2011). Space: Interconnecting museology and architecture. *The Journal of Space Syntax*, 2, 26–53.
27. van Nes, A. (2009). Analyzing larger metropolitan areas: On identification criteria for middle-scale networks. In *Proceedings of the 7th International Space Syntax Symposium*, Stockholm, Sweden, 8–11.
28. van Nes, A., & Yamu, C. (2020). Exploring challenges in space syntax theory building: The use of positiv-ist and hermeneutic explanatory models. *Sustainability*, 12(17), 7133. <https://doi.org/10.3390/su12177133>
29. van Nes, A., & Yamu, C. (2021). Space syntax applied in urban practice. In A. van Nes & C. Yamu (Eds.),



Introduction to space syntax in urban studies (pp. 213–237). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-59140-3_7

30. Yamu, C., van Nes, A., & Garau, C. (2021). Bill Hillier's legacy: Space syntax - A synopsis of basic concepts, measures, and empirical applications. *Sustainability*, 13(6), 3394. <https://doi.org/10.3390/su13063394>



ABRIDGED PAPER

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Analyzing the relationships between community-led urban regeneration indicators in urban design with an interpretive structural modeling approach – A case study of the old urban fabric of Kan Neighborhood, TehranParya Sanjideh¹, Mirhassan Mousavi², Mohammad Hassan Salmanian^{3,*}

1.Parya Sanjideh, PhD Candidate in Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

2.Mirhassan Mousavi, MSc in Regional Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

3.Mohammad Hassan Salmanian, PhD Candidate in Urban Design, Universiti Putra Malaysia.

ABSTRACT

Community-led urban regeneration requires the cooperation of neighborhood communities and reaching a collective agreement, and the more the role of people and local communities in such projects increases, the more it helps to improve the quality of life and citizen satisfaction. The current research was conducted to identify and analyze the indicators of community-oriented urban regeneration in urban design in the Kon neighborhood of Tehran with the interpretive structural modeling (ISM) approach. Information collection has been done in two ways: identifying and compiling effective social indicators in the process of urban regeneration in related researches and answering the questionnaire of ten elite experts related to the research. Experts' opinions and the final interpretative structural model show a strong multifaceted relationship between the indicators of community-oriented urban regeneration and that all the examined indicators are in the same direction and towards the common goals of community-oriented urban regeneration, and there is a need for an integrated and comprehensive approach to urban design.

Highlights

- There is a strong multi-faceted relationship between community-led urban regeneration indicators in the old urban fabric of Kan Neighborhood in Tehran.
- The reviewed indicators are all in the same direction and towards the common goals of community-led urban regeneration, which remind us of the need for an integrated and comprehensive approach to urban design.
- 3. Community-led urban regeneration requires the cooperation of neighborhood communities in order to improve the quality of life of citizens.

ARTICLE INFO

Received	15/08/2024
Revised	30/08/2024
Accepted	13/09/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Community-led urban regeneration
urban design
interpretive structural modeling
kan neighborhood



Citation of the article

Sanjideh, P., Mousavi, M. H., & Solmanian, M. H. (2024). Analyzing the relationships between community-oriented urban regeneration indicators in urban design with a structural-interpretive modeling approach: A case study of the worn-out neighborhood of Kan, Tehran. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 233-256.

Introduction: Given the increasing problems of urbanization and the related challenges, especially in dilapidated and inefficient areas, urban regeneration has become an unavoidable necessity in improving the quality of life for citizens and ensuring the sustainability of urban communities. Urban regeneration is the process of transforming degraded or underutilized areas of a city into more usable and productive spaces. This process can include physical, social, economic, and environmental interventions. A necessary condition for sustainable urban regeneration is the participation of local communities and achieving social cohesion and continuity. The current research aims to identify and analyze the key indicators of community-led urban regeneration in urban design and investigates the various dimensions of this process in the Kan neighborhood of Tehran. The indicators investigated in this research include public participation, social capital, social security, urban identity, social interactions, social cohesion, sense of belonging to a place, social trust, and social justice. The neighborhood of Kan has been selected as a suitable area for the analysis of these indicators due to its prominent features such as tourism capacities, recreational spaces, the existence of religious identity elements such as Imamzadehs, a long history, and the active participation of residents in social ceremonies. Paying attention to the social dimension of urban regeneration is very important; Because it not only helps to strengthen social trust in the society, but it will also be the basis for sustainable urban development. The goals of the current research are “identification of effective social indicators in the process of urban regeneration” and “interpretive structural modeling of effective social indicators in the process of urban regeneration and analysis of the relationships between them”.

Materials and Methods: In order to collect information, a documentary method was used with the help of articles and books related to the research topic, and a field sampling method was used with the help of a questionnaire tool, and the sampling method is non-random and purposeful. Interpretive Structural Modeling (ISM) was also used in this research for data analysis. To conduct the current research, firstly, 65 Latin articles related to the social dimension of urban regeneration were reviewed, and then 9 indicators that were directly mentioned in the text of these studies were extracted; These indicators include public participation, social capital, social security, urban identity (place identity), social interactions (communications), social cohesion, sense of belonging to a place (place attachment), social trust and social justice. In this regard, initially, relevant research on urban regeneration was reviewed, and ultimately, the effective social indicators in the urban regeneration process were extracted. Then, a questionnaire was designed for the pairwise comparison of the indicators, and using the results of the survey, the interrelationships between the research indicators were modeled with an ISM approach and calculated using Excel software. ISM is a quantitative-qualitative method derived from the initials Interpretive Structural Modelling, aimed at classifying factors and identifying relationships between criteria.

Findings: Different indicators of urban regeneration in this neighborhood work mutually and depend on each other. This dependence is such that strengthening one of the indicators can affect other dimensions. For example, strengthening social interactions leads to increasing social cohesion, promoting social security and trust, and strengthening social capital. Moreover, the interplay between these indicators highlights the importance of a holistic approach to urban regeneration. When residents engage more actively in community activities, they not only foster a sense of belonging but also enhance their collective identity, which in turn reinforces urban identity. This interconnectedness suggests that interventions aimed at improving one dimension should be designed with an awareness of their potential ripple effects on others.

Discussion and Conclusion: The final interpretive structural model of the research showed that all these indicators are located simultaneously and towards a common goal in the community-led urban regeneration process. This finding means that urban regeneration in this neighborhood requires an integrated approach that takes into account all social and cultural aspects. Also, this study showed



that changes in each of the social dimensions can lead to positive and synergistic changes in other dimensions, which highlights the importance of balanced and comprehensive planning in the process of urban regeneration. The research also emphasizes the importance of active participation of local communities in urban regeneration projects. The greater the role of residents and local communities in this process, the higher the quality of life and satisfaction of citizens will be. Also, this research emphasizes the importance of continuous cooperation between people and city officials, because this cooperation can help strengthen the sense of trust and belonging to the place among residents and improve the efficiency of regeneration projects. Finally, this research suggests that researchers focus on more complex and deeper layers of community-led urban regeneration indicators in future studies and consider the possibility of separating indicators into more detailed and complex levels. In addition, the influence of external factors such as economic, political, and cultural variables should also be considered in future analyses. Also, the active participation of local institutions and residents in all stages of regeneration projects, from identification of needs to implementation, is necessary to achieve more accurate and effective results. The findings of this research can be used as a scientific basis for urban planners and policymakers in the direction of designing sustainable and dynamic urban spaces with an emphasis on social dimensions and public participation. The study underscores the necessity for urban planners and policymakers to recognize the interconnected nature of these indicators when designing regeneration strategies. By fostering an environment where social interactions are prioritized, communities can create a robust framework for sustainable urban development that not only addresses immediate needs but also builds resilience for the future. In conclusion, it is suggested that future research should focus on deeper layers of the community-centered urban regeneration process in urban design, as well as the diversity of its indicators and the possibility of breaking these indicators down into more complex levels. This would help identify more details about the interactions and impacts of these indicators on one another. Additionally, the influence of various external factors, such as economic and political variables, should also be considered. Furthermore, to gather more accurate data and identify the primary needs of the local community, the participation of local residents and institutions should be emphasized.

Declarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

Conceptualization: Parya Sanjideh, Data Curation and Investigation: Parya Sanjideh and Mirhassan Mousavi, Formal analysis: Parya Sanjideh and Mirhassan Mousavi, Visualization: Parya Sanjideh and Mirhassan Mousavi, Writing (Original Draft): Parya Sanjideh, Writing (Review & Editing): Parya Sanjideh and Mirhassan Mousavi, Project administration: Parya Sanjideh, Mirhassan Mousavi and Mohammadhassan Salmanian, Validation and Final Approval: Parya Sanjideh, Mirhassan Mousavi, and Mohammadhassan Salmanian.

Acknowledgments:

There are no acknowledgments to declare.

References

1. Abd Ghapar, M. H., Zakariya, K., Harun, N. Z., & Zen, I. (2016). Factors influencing the change in the sense of place of markets in urban regeneration. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 24(2), 353-358.

2. Aitken, D. J. (2015). Trust and participation in urban regeneration. Sheffield Hallam University (United Kingdom).
3. Alvarado, D. I., & Duarte, C. M. (2015). Urban security: Urban perception techniques as a tool to analyse urban regeneration.
4. Arbaci, S., & Tapada-Berteli, T. (2012). Social inequality and urban regeneration in Barcelona city centre: Reconsidering success. *European Urban and Regional Studies*, 19(3), 287-311.
5. Arthurson, K. (2001). Achieving social justice in estate regeneration: The impact of physical image construction. *Housing Studies*, 16(6), 807-826.
6. Bailey, C., Miles, S., & Stark, P. (2004). Culture-led urban regeneration and the revitalisation of identities in Newcastle, Gateshead and the North East of England. *International Journal of Cultural Policy*, 10(1), 47-65.
7. Bailey, N. (2010). Understanding community empowerment in urban regeneration and planning in England: Putting policy and practice in context. *Planning Practice & Research*, 25(3), 317-332.
8. Battisti, A., & Tucci, F. (2015). Urban regeneration featuring environmental quality, the management of resources, and social cohesion. *TECHNE-Journal of Technology for Architecture and Environment*, 141-152.
9. Benneworth, P. (2016). Tensions in university–community engagement: Creative economy, urban regeneration, and social justice. In *Higher Education and the Creative Economy* (pp. 223-241). Routledge.
10. Blessi, G. T., Tremblay, D. G., Sandri, M., & Pilati, T. (2012). New trajectories in urban regeneration processes: Cultural capital as source of human and social capital accumulation—Evidence from the case of Tohu in Montreal. *Cities*, 29(6), 397-407.
11. Borbely, D., & Rossi, G. (2023). Urban regeneration projects and crime: Evidence from Glasgow. *Journal of Economic Geography*, 23(6), 1273-1301.
12. Boussaa, D. (2017). Urban regeneration and the search for identity in historic cities. *Sustainability*, 10(1), 48.
13. Bruce, A., & Clarson, D. (2017). Assessing the potential and limits of community-based initiatives in urban regeneration: Three decades of experience on Sheffield's Manor estate. *Regional Studies, Regional Science*, 4(1), 80-93.
14. Carra, M., Caselli, B., Rossetti, S., & Zazzi, M. (2023). Widespread urban regeneration of existing residential areas in European medium-sized cities—A framework to locate redevelopment interventions. *Sustainability*, 15(17), 13162.
15. CeNSU, SIU, INU. (2021). Le leggi regionali a confronto per il buon governo del paese. *Il Sole 24 Ore, Dossier di NT+ Enti Locali & Edilizia*.
16. Cento Bull, A., & Jones, B. (2006). Governance and social capital in urban regeneration: A comparison between Bristol and Naples. *Urban Studies*, 43(4), 767-786.
17. Cervelló-Royo, R., Garrido-Yserte, R., & Segura-García del Río, B. (2012). An urban regeneration model in heritage areas in search of sustainable urban development and internal cohesion. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 2(1), 44-61.
18. Clark, J., & Wise, N. (2022). *Urban renewal, community and participation*. McGraw-Hill.
19. Coach, C. (1990). *Urban renewal: Theory and practice* [Chapter 1 covers post-war approaches to the reconstruction of urban areas]. Basingstoke: Macmillan.
20. Cornelius, N., & Wallace, J. (2010). Cross-sector partnerships: City regeneration and social justice. *Journal of Business Ethics*, 94, 71-84.
21. Deakin, M. (2012). The case for socially inclusive visioning in the community-based approach to sustainable urban regeneration. *Sustainable Cities and Society*, 3, 13-23.
22. Deakin, M. (2009). A community-based approach to sustainable urban regeneration. *Journal of Urban Technology*, 16(1), 91–112. <https://doi.org/10.1080/10630730903090354>
23. Doering, H. (2014). Competing visions of community: Empowerment and abandonment in the governance of coalfield regeneration. *International Journal of Urban and Regional Research*, 38(3), 1003–1018.
24. Engberg, L. A., & Larsen, J. N. (2010). Context-orientated meta-governance in Danish urban regeneration. *Planning Theory & Practice*, 11(4), 549–571.
25. Eren, İ. Ö. (2014). What is the threshold in urban regeneration projects in the context of urban identity? The case of Turkey. *Spatium*, 14-21.
26. Falanga, R. (2020). Formulating the success of citizen participation in urban regeneration: Insights and perplexities from Lisbon. *Urban Research & Practice*, 13(5), 477-499.
27. Falanga, R. (2022). Understanding place attachment through the lens of urban regeneration. *Insights from Lisbon. Cities*, 122, 103590.
28. Falanga, R., & Nunes, M. C. (2021). Tackling urban disparities through participatory culture-led urban regeneration. *Insights from Lisbon. Land Use Policy*, 108, 105478.
29. Fu, D., & Jiang, M. (2024). Enhancing the sense of place: Insights from urban design practices in harbourside regeneration. *Journal of Housing and the Built Environment*, 1-21.
30. Gannon, J., & O'Brien, G. (2005). The role of corporate social responsibility in urban regeneration.

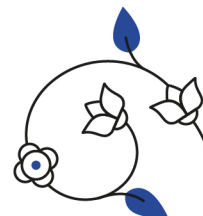


31. Glackin, S., & Dionisio, M. R. (2016). 'Deep engagement' and urban regeneration: Tea, trust, and the quest for co-design at precinct scale. *Land Use Policy*, 52, 363-373.
32. Grant, J. (2012). Regenerating out crime: The impact of an urban regeneration programme on safety and security in a Dublin suburb.
33. Hancock, L. (2001). *Community, crime and disorder: Safety and regeneration in urban neighbourhoods*. Springer.
34. Heath, S. C., Rabinovich, A., & Barreto, M. (2017). Putting identity into the community: Exploring the social dynamics of urban regeneration. *European Journal of Social Psychology*, 47(7), 855-866.
35. Henry, E., Menzies, D., Paul, J., Kahungunu, N., & Ngāpuhi, N. T. (2019, December). Urban regeneration and social cohesion. In *State of Australian Cities Conference*.
36. Hibbitt, K., Jones, P., & Meegan, R. (2001). Tackling social exclusion: The role of social capital in urban regeneration on Merseyside—From mistrust to trust? *European Planning Studies*, 9(2), 141–161.
37. Hussein, S. H., Abdulla, Z. R., & Salih, N. M. M. (2019). Urban regeneration through post-war reconstruction: Reclaiming the urban identity of the old city of Mosul. *Periodicals of Engineering and Natural Sciences*, 7(1), 294-301.
38. Hwang, K. H. (2014). Finding urban identity through culture-led urban regeneration. *Journal of Urban Management*, 3(1-2), 67-85.
39. Kalantari, S., & Huang, Y. (2018). Community-led regeneration: Applying the experience of the 'community facilitator' in Iran to China. *Journal of Urban Regeneration & Renewal*, 11(3), 293-306.
40. Kearns, A. (2003). Social capital, regeneration and urban policy. In *Urban renaissance?* (pp. 37-60). Policy Press.
41. Kim, G., Newman, G., & Jiang, B. (2020). Urban regeneration: Community engagement process for vacant land in declining cities. *Cities*, 102, 102730.
42. Kim, J. Y., & Kim, J. H. (2022). Urban regeneration involving communication between university students and residents: A case study on the Student Village Design Project. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(23), 15834.
43. Kim, K., Križnik, B., & Kamvasinou, K. (2021). Between the state and citizens: Changing governance of intermediary organisations for inclusive and sustainable urban regeneration in Seoul. *Land Use Policy*, 105, 105433.
44. Korkmaz, C., & Balaban, O. (2020). Sustainability of urban regeneration in Turkey: Assessing the performance of the North Ankara Urban Regeneration Project. *Habitat International*, 95, 102081.
45. Kort, M., & Klijn, E. H. (2013). Public–private partnerships in urban regeneration: Democratic legitimacy and its relation with performance and trust. *Local Government Studies*, 39(1), 89-106.
46. Lawson, L., & Kearns, A. (2010). Community engagement in regeneration: Are we getting the point? *Journal of Housing and the Built Environment*, 25(1), 19–36.
47. Lee, J. H., & Lim, S. (2018). An analytic hierarchy process (AHP) approach for sustainable assessment of economy-based and community-based urban regeneration: The case of South Korea. *Sustainability*, 10(12), 4456.
48. Lee, J. H., Seo, E. K., & Lim, J. H. (2009). Analyses on type and characteristics of urban regeneration for establishment of urban identity. *KIEAE Journal*, 9(5), 85-96.
49. Li, K., Huang, R., Liu, G., Shrestha, A., & Fu, X. (2022). Social capital in neighbourhood renewal: A holistic and state of the art literature review. *Land*, 11(8), 1202.
50. Li, X., Zhang, F., Hui, E. C. M., & Lang, W. (2020). Collaborative workshop and community participation: A new approach to urban regeneration in China. *Cities*, 102, 102743.
51. Liu, B., Lu, X., Hu, X., Li, L., & Li, Y. (2022). What's wrong with the public participation of urban regeneration project in China: A study from multiple stakeholders' perspectives. *Engineering, Construction and Architectural Management*, 29(1), 91-109.
52. Lomas, M. J., Ayodeji, E., & Brown, P. (2021). Experiences of place attachment and mental wellbeing in the context of urban regeneration. *Health & Place*, 70, 102604.
53. Lupton, R., & Tunstall, R. (2008). Neighbourhood regeneration through mixed communities: A 'social justice dilemma'? *Journal of Education Policy*, 23(2), 105-117.
54. Maginn, P. J. (2007). Towards more effective community participation in urban regeneration: The potential of collaborative planning and applied ethnography. *Qualitative Research*, 7(1), 25–43.
55. McCarthy, J. (2010). Social justice and urban regeneration policy in Scotland. *Urban Research & Practice*, 3(3), 241-256.
56. McDonald, S., Malys, N., & Maliene, V. (2009). Urban regeneration for sustainable communities: A case study. *Ukio Technologinis Ir Ekonominis Vystymas*, 15(1), 49–59.
57. Meegan, R. (2003). Urban regeneration, politics and social cohesion: The Liverpool case. In *Reinventing the*



city (pp. 53-79).

58. Meegan, R., & Mitchell, A. (2001). 'It's not community round here, it's neighbourhood': Neighbourhood change and cohesion in urban regeneration policies. *Urban Studies*, 38(12), 2167-2194.
59. Miśkowiec, M., & Masierek, E. (2023). Factors and levels of community participation using the example of small-scale regeneration interventions in selected neighbourhood spaces in Polish cities. *Urban Research & Practice*, 16(5), 797-821.
60. Moreira de Souza, T. (2019). Urban regeneration and tenure mix: Exploring the dynamics of neighbour interactions. *Housing Studies*, 34(9), 1521-1542.
61. Muminovic, M. I. L. I. C. A. (2016). Place identity and sustainable urban regeneration: Public space in Canberra City Centre. *Urban Regeneration & Sustainability*, 374.
62. Oh, H., Jang, I. S., & Hwang, H. Y. (2016). Impacts of awareness of urban regeneration project on place attachment: Focused on urban regeneration project of Jungang-dong in Cheongju. *Journal of the Korean Association of Regional Geographers*, 22(3), 643-654.
63. Ozden, P. (2008). Looking at urban regeneration from the viewpoint of urban safety: Istanbul's crime areas. *WIT Transactions on Ecology and the Environment*, 117, 579-590.
64. Pan, Y., & Cobbinah, P. B. (2023). Embedding place attachment: Residents' lived experiences of urban regeneration in Zhuanghe, China. *Habitat International*, 135, 102796.
65. Pourzakarya, M., & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, S. (2021). Community-led regeneration practice in Ghalam Gudeh District, Bandar Anzali, Iran: A participatory action research (PAR) project. *Land Use Policy*, 105, 105416.
66. Roberts, P., & Sykes, H. (2000). *Urban regeneration: A handbook*. London: SAGE Publications.
67. Robinson, J. B. (2008). Crime and regeneration in urban communities: The case of the big dig in Boston, Massachusetts. *Built Environment*, 34(1), 46-61.
68. Samara, T. R. (2010). Policing development: Urban renewal as neo-liberal security strategy. *Urban Studies*, 47(1), 197-214.
69. Savini, F. (2011). The endowment of community participation: Institutional settings in two urban regeneration projects. *International Journal of Urban and Regional Research*, 35(5), 949-968.
70. Sedova, A., & Celani, A. (2023). Urban regeneration: What are the architectural trends? In *Proceedings of the International Scientific and Practical Symposium "The Future of the Construction Industry: Challenges and Development Prospects"* (Vol. 457, Article 03016).
71. Seo, U. S. (2020). Urban regeneration governance, community organizing, and artists' commitment: A case study of Seongbuk-dong in Seoul. *City, Culture and Society*, 21, 100328.
72. Shin, B. (2022). Determinants of social capital from a network perspective: A case of Sinchon regeneration project using exponential random graph models. *Cities*, 120, 103419.
73. Srivarathan, A., Jørgensen, T. S. H., Lund, R., Nygaard, S. S., & Kristiansen, M. (2023). 'They are breaking us into pieces': A longitudinal multi-method study on urban regeneration and place-based social relations among social housing residents in Denmark. *Health & Place*, 79, 102965.
74. Sushil, P. (2012). Interpreting the Interpretive Structural Model. *Global Journal of Flexible Systems Management*, 13(2), 87-106.
75. Ujang, N., & Zakariya, K. (2015). The notion of place, place meaning and identity in urban regeneration. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 170, 709-717.
76. Ujang, N., Moulay, A., & Zakaria, J. (2018). Visitors' attachment to historic tourism places in Kuala Lumpur city centre towards sustainable urban regeneration. *Environment-Behaviour Proceedings Journal*, 3(9), 165-172.
77. Van Eijk, G., & Engbersen, R. (2011). Facilitating 'light' social interactions in public space: A collaborative study in a Dutch urban renewal neighbourhood. *Journal of Urban Regeneration & Renewal*, 5(1), 35-50.
78. Wang, H., Zhao, Y., Gao, X., & Gao, B. (2021). Collaborative decision-making for urban regeneration: A literature review and bibliometric analysis. *Land Use Policy*, 107, 105479.
79. Warfield, J. N. (1973). Binary matrices in system modeling. *IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics*, (5), 441-449.
80. Warfield, J. N., & Cárdenas, A. R. (1994). *A handbook of interactive management*. Ames, IA: The Iowa State University Press.
81. Wilkie, S., & Michialino, P. (2014). The influence of participative co-production use for urban public-space regeneration on residents' perceptions of life satisfaction and social cohesion. *Journal of Architectural and Planning Research*, 271-281.
82. Yang, J., Yang, L., & Ma, H. (2022). Community participation strategy for sustainable urban regeneration in Xiamen, China. *Land*, 11(5), 600.
83. Yarker, S. (2018). Tangential attachments: Towards a more nuanced understanding of the impacts of cultural urban regeneration on local identities. *Urban Studies*, 55(15), 3421-3436.
84. Zhai, B., & Ng, M. K. (2013). Urban regeneration and social capital in China: A case study of the Drum Tower



- Muslim District in Xi'an. Cities, 35, 14-25.
85. Zhang, S. (2024). Through urban regeneration to improve urban security: Some research and guide for Turin (Doctoral dissertation, Politecnico di Torino).
 86. Zhang, Y., Kang, S., & Koo, J. H. (2021). Perception difference and conflicts of stakeholders in the urban regeneration project: A case study of Nanluoguxiang. Sustainability, 13(5), 2904.
 87. Eskoei Aras, A., & Badamchizadeh, P. (2023). An analysis of neighborhood-based planning approaches and community-driven regeneration. Geography and Human Relations, 6(3), 733-767. [In Persian].
 88. Esmailpour, N., Piruzmehr, D., Akbari, R., & Esmailpour, F. (2022). Explanation of social factors affecting residents' participation in community-driven regeneration in inefficient urban areas (Case study: Qaleh and Valiabad neighborhood of Mashhad). Spatial Planning Journal, 12(3), 1-24. [In Persian].
 89. Izadi, M. S., & Saheizadeh, M. (2004). Urban conservation and development: Complementary or conflicting approaches. Abadi, 14(Issue 43), 12-21. [In Persian]
 90. Roberts, M. (2002). Urban design and the renewal of urban identities (translated by Malami, B.). Haft Shahr Quarterly. [In Persian].
 91. Ghanad, F., & Sarafi, M. (2019). Strategic planning for the development of Akhund neighborhood in Qazvin with a community-driven regeneration approach. Urban Planning Geography Research, 7(2), 211-238. [In Persian].
 92. Lotfi, S. (2011). Urban regeneration and the redefinition of deterioration criteria: A beginning for sustainable urban conservation. Shahr Negar Bi-Monthly Journal, 7. [In Persian].
 93. Bahrini, S. H., Izadi, M. S., & Mofidi, M. (2014). Approaches and policies of urban renewal (From reconstruction to sustainable urban regeneration). Urban Studies, 3(9), 17-30. [In Persian].
 94. Mohadd, A., Gholi, A., & Izadi, P. (2013). The function of the sustainable urban regeneration approach in informal settlements (Case study: Saadi neighborhood in Shiraz). Human Geography Research, 45(1), 105-122. [In Persian].
 95. Nezhadabrahimi, E., & Nezhadagi, N. (2018). Developing a conceptual framework for community-based urban regeneration through education in historical areas. Urban Planning Knowledge, 2(3), 21-34. [In Persian].
 96. Nezhadabrahimi, E., & Nezhadagi, N. (2018). Community-based urban regeneration through education based on Islamic realism philosophy in the historical context of Sorkhab neighborhood, Tabriz. Urban Research and Planning, 9(35), 139-150. [In Persian].

Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





تحلیل روابط بین شاخص‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور در طراحی شهری با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری - مورد مطالعاتی: محله بافت فرسوده کن تهران

پریا سنجیده^۱، میرحسن موسوی^۲، محمدحسن سلمانیان^۳

۱. پریا سنجیده؛ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
۲. میرحسن موسوی؛ کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۳. محمدحسن سلمانیان؛ دانشجوی دکتری طراحی شهری دانشگاه پوترا مالیزیا.

مشخصات مقاله

چکیده

تاریخ ارسال
۱۴۰۳/۰۵/۲۵
تاریخ بازنگری
۱۴۰۳/۰۶/۰۹
تاریخ پذیرش
۱۴۰۳/۰۶/۱۶
تاریخ انتشار آنلاین
۱۴۰۳/۰۶/۲۶

بازآفرینی شهری اجتماع‌محور به همکاری اجتماعات محله‌ای و دستیابی به توافق جمعی نیاز دارد. هرچقدر نقش مردم و اجتماعات محلی در پروژه‌های این‌چنینی پررنگ‌تر شود، به بهبود کیفیت زندگی و رضایت شهروندان کمک خواهد کرد. پژوهش حاضر باهدف شناسایی و تحلیل شاخص‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور در طراحی شهری در محدوده محله کن تهران با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت شناسایی و گردآوری شاخص‌های اجتماعی مؤثر در فرایند بازآفرینی شهری در پژوهش‌های مرتبط و پاسخ پرسش‌نامه ده نفر از نخبگان صاحب‌نظر مرتبط با پژوهش صورت‌گرفته است. نظرات کارشناسان و مدل‌نهایی ساختاری تفسیری نشان می‌دهد که ارتباط چندسویه قوی بین شاخص‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور وجود دارد و تمام شاخص‌های بررسی‌شده همه‌باهم در یک راستا و در جهت اهداف مشترک بازآفرینی شهری اجتماع‌محور قرار دارند و نیاز به رویکردی یکپارچه و جامع در طراحی شهری است.

واژگان کلیدی

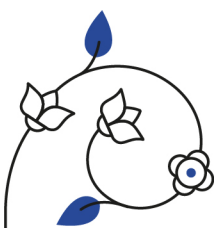
بازآفرینی شهری اجتماع‌محور
طراحی شهری
مدل‌سازی ساختاری تفسیری
محله کن

نکات شاخص

- یک ارتباط چندسویه قوی بین شاخص‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور در بافت فرسوده کن تهران وجود دارد.
- تمامی شاخص‌های بررسی‌شده، در یک راستا و در جهت اهداف مشترک بازآفرینی شهری اجتماع‌محور قرار دارند که نیاز به یک رویکرد یکپارچه و جامع در طراحی شهری را یادآور می‌شوند.
- بازآفرینی شهری اجتماع‌محور نیاز به همکاری اجتماعات محله‌ای دارد تا موجب بهبود کیفیت زندگی شهروندان شود.

نحوه ارجاع دهی به این مقاله

سنجیده، پ.، موسوی، م. ح. و سلمانیان، م. ح. (۱۴۰۳). تحلیل روابط بین شاخص‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور در طراحی شهری با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری؛ مورد مطالعاتی: محله بافت فرسوده کن تهران. *نشریه علمی مطالعات طراحی شهری ایران*، (۱)، ۲۵۶-۲۳۳.





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Analyzing the relationships between community-led urban regeneration indicators in urban design with an interpretive structural modeling approach – A case study of the old urban fabric of Kan Neighborhood, Tehran

Parya Sanjideh¹, Mirhassan Mousavi², Mohammad Hassan Salmanian^{3,*}

1. Parya Sanjideh, PhD Candidate in Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

2. Mirhassan Mousavi, MSc in Regional Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

3. Mohammad Hassan Salmanian, PhD Candidate in Urban Design, Universiti Putra Malaysia.

ABSTRACT

Community-led urban regeneration requires the cooperation of neighborhood communities and reaching a collective agreement, and the more the role of people and local communities in such projects increases, the more it helps to improve the quality of life and citizen satisfaction. The current research was conducted to identify and analyze the indicators of community-oriented urban regeneration in urban design in the Kon neighborhood of Tehran with the interpretive structural modeling (ISM) approach. Information collection has been done in two ways: identifying and compiling effective social indicators in the process of urban regeneration in related researches and answering the questionnaire of ten elite experts related to the research. Experts' opinions and the final interpretative structural model show a strong multifaceted relationship between the indicators of community-oriented urban regeneration and that all the examined indicators are in the same direction and towards the common goals of community-oriented urban regeneration, and there is a need for an integrated and comprehensive approach to urban design.

Highlights

- There is a strong multi-faceted relationship between community-led urban regeneration indicators in the old urban fabric of Kan Neighborhood in Tehran.
- The reviewed indicators are all in the same direction and towards the common goals of community-led urban regeneration, which remind us of the need for an integrated and comprehensive approach to urban design.
- 3. Community-led urban regeneration requires the cooperation of neighborhood communities in order to improve the quality of life of citizens.

ARTICLE INFO

Received	15/08/2024
Revised	30/08/2024
Accepted	13/09/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Community-led urban regeneration
urban design
interpretive structural modeling
kan neighborhood

Citation of the article

Sanjideh, P., Mousavi, M. H., & Salmanian, M. H. (2024). Analyzing the relationships between community-oriented urban regeneration indicators in urban design with a structural-interpretive modeling approach: A case study of the worn-out neighborhood of Kan, Tehran. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 233-256.

*Author Corresponding:

Email: gs57464@student.upm.edu.my



مقدمه

با توجه به مشکلات روزافزون شهرنشینی و چالش‌های مرتبط با آن به‌ویژه در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، بازآفرینی شهری به‌عنوان یکی از جدیدترین رویکردها در سیر تحول نظریه‌های طراحی شهری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان و پایداری جوامع شهری است. بازآفرینی شهری فرایند تبدیل مناطق تخریب‌شده یا کم‌استفاده از یک شهر به فضاهای قابل‌استفاده و مولدتر است. این فرایند می‌تواند شامل مداخلات فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی باشد. شرط لازم در بازآفرینی شهری پایدار، مشارکت جوامع محلی و دستیابی به انسجام و پیوستگی اجتماعی است.

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هماهنگ‌کنندگان فرایندهای بازآفرینی، همکاری دائمی با جامعه محلی، تشویق فعالیت‌ها، خلاقیت و کارآفرینی و ایجاد شرایط مطلوب برای توسعه روابط بین ساکنان آن است (Miśkowiec & Masierek, 2023)، می‌توان گفت توجه به بُعد اجتماعی بازآفرینی شهری بسیار مهم است؛ زیرا نه تنها به تقویت اعتماد اجتماعی در جامعه کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار شهری نیز خواهد بود. با این حال، از طرفی با وجود اهمیت فراوان این موضوع و از طرفی دیگر با توجه به اینکه معمولاً مسائل شهری از نوع مسائل اجتماعی بدساختارند و به طبع فرایند بازآفرینی شهری، به‌ویژه در بُعد اجتماعی آن، در پروژه‌های طراحی شهری نیز معمولاً پیچیده است، درک کاملی از روابط میان عوامل مؤثر بر بازآفرینی شهری اجتماع‌محور وجود ندارد. در این راستا در این پژوهش استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری که برای حل مسائل بدساختار و ساختاردهی به آن‌ها به کار می‌رود، به تحلیل و درک روابط بین شاخص‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور منجر می‌شود. استفاده از این روش به پژوهشگران و برنامه‌ریزان شهری در شناسایی روابط و ساختارهای پیچیده و وابستگی‌های متقابل بین این شاخص‌ها و در نهایت ارائه راهبردهای مؤثرتر برای بهبود کیفیت زندگی شهری در جوامع محلی فرسوده و ناکارآمد کمک می‌کند.

بنابراین، اهداف پژوهش حاضر عبارت‌اند از شناسایی شاخص‌های اجتماعی مؤثر در فرایند بازآفرینی شهری و مدل‌سازی ساختاری تفسیری شاخص‌های اجتماعی مؤثر در فرایند بازآفرینی شهری و تحلیل روابط بین آن‌ها. بدین منظور در ابتدا شاخص‌های مد نظر پژوهش از مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین گردآوری می‌شود و سپس با استناد به نظرات کارشناسان و با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط میان این شاخص‌ها و چگونگی اثرگذاری آن‌ها برهم تحلیل خواهد شد.

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

در رابطه با موضوع پژوهش حاضر، مطالعاتی مرتبط انجام شده است که در جدول‌های زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش در مقاله‌های فارسی

نویسندگان	عنوان پژوهش انجام شده	هدف اصلی پژوهش	نتایج پژوهش
نجم اسمعیل پور، دلارام پیروز مهر، رضا اکبری، فاطمه اسمعیل پور (۱۴۰۱)	تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت ساکنان در بازآفرینی اجتماع‌محور در بافت‌های ناکارآمد شهری (مورد مطالعه: محله قلعه وکیل آباد شهر مشهد)	تبیین نقش برخی عوامل اجتماعی بر تمایل ساکنان برای مشارکت اجتماعی در فرایند بازآفرینی در محله	احساس تعلق، اعتماد به اهالی، تعاملات اجتماعی، اعتماد به سازمان‌های دولتی، اعتماد به سازمان‌های مردم‌نهاد و انسجام و همبستگی به ترتیب بیشترین نقش را بر تمایل ساکنان به مشارکت در فرایند بازآفرینی اجتماع‌محور در این محله دارد. از نظر اهالی مشارکت اجتماعی مردم، اصل اساسی در موفقیت اقدامات بازآفرینی محله است؛ بنابراین مسئولان و برنامه‌ریزان باید به روش‌های مختلف درصدد افزایش و برانگیزش نقش هر یک از این متغیرها در محله باشند تا با اتکا به مشارکت ساکنان بازآفرینی موفق‌تری تجربه شود.



ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش در مقاله‌های فارسی

نویسندگان	عنوان پژوهش انجام شده	هدف اصلی پژوهش	نتایج پژوهش
۲ احدنژاد ابراهیمی، نسترن نژداعی (۱۳۹۷)	تدوین چارچوب مفهومی بازآفرینی شهری اجتماع محور مبتنی بر آموزش در بافت‌های تاریخی	تبیین رابطه بین آموزش و بازآفرینی شهری و همچنین تعیین نقش و جایگاه آموزش در فرایند بازآفرینی شهری اجتماع محور	نتایج تحقیق نشان می‌دهد اتخاذ رویکرد مشارکت به‌عنوان پارادایم برنامه‌ریزی، منجر به موفقیت پروژه‌های بازآفرینی شهری خواهد شد و آموزش به اجتماع نباید ابزاری برای رسیدن به اهداف باشد؛ بلکه ابزار اجرایی برای جلب مشارکت ساکنان باید در نظر گرفته شود و همچنین آموزش در این مفهوم به‌عنوان ابزاری برای نیل به توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و نهادسازی در میان ساکنان محله خواهد بود که منجر به آگاهی‌بخشی و زمینه‌ساز مشارکت اجتماعی، عامل حساس‌سازی ساکنان نسبت به محیط و همچنین عامل مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به توسعه آتی محله خواهد بود.
۳ فاطمه قناد، مظفر صرافى (۱۳۹۸)	برنامه‌ریزی راهبردی توسعه محله آخوند شهر قزوین با رویکرد بازآفرینی اجتماع محور	تدوین برنامه و راهبردهایی براساس اصول رویکرد بازآفرینی اجتماع محور به‌منظور مرتفع کردن مشکلات محله	راهبردهای برتر بر پایه اطلاع‌رسانی، آموزش، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی ساکنان و مدیران، مشارکت و بهره‌گیری از انواع سرمایه‌ها و دارایی اجتماع محلی در زمینه بهسازی و نوسازی و احیای هویت تاریخی و مسکونی محله قرار گرفت.
۴ احدنژاد ابراهیمی، نسترن نژداعی (۱۳۹۷)	بازآفرینی شهری اجتماع محور از طریق آموزش براساس فلسفه رتالیسم اسلامی در بافت تاریخی محله سرخاب تبریز	پاسخ به عوامل سبب‌ساز نبود مشارکت محلی در فرایند توسعه محلات بافت‌های تاریخی، تبیین اصول آموزش اجتماعی مبتنی بر فلسفه رتالیسم اسلامی و سنجش میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های مؤثر در بازآفرینی شهری اجتماع محور در یکی از محلات تاریخی تبریز	چنین نتیجه‌گیری می‌شود که میزان تأثیرگذاری اجرای آموزش‌های اجتماعی در محله مورد مطالعه بر هر چهار مؤلفه بازآفرینی شهری اجتماع محور اعم از اجتماعی کالبدی، اجتماعی اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و اجتماعی زیست‌محیطی، بالاتر از حد متوسط است.
۵ علی اسکویی ارس، پربناز بادامچی‌زاده (۱۴۰۲)	واکوی رهیافت‌های برنامه‌ریزی محله محور و بازآفرینی اجتماع محور	بررسی و مرور دو رویکرد برنامه‌ریزی محله محور و بازآفرینی اجتماع محور جوامع شهری	به‌طور کلی می‌توان گفت برنامه‌ریزان شهری امروزه لاجرم باید با بهره‌گیری از مدیریت محله‌محوری و همچنین بازآفرینی جوامع شهری مبتنی بر رویکرد اجتماع‌محوری با همکاری اجزای مدیریت محله (مردم محلی، سرمایه‌گذاران محلی، گروه‌های محلی و مسئولان برنامه‌ریزی محلی) در راستای نیل به جوامع شهری دموکراتیک چاره‌اندیشی کنند.



جدول ۲. خلاصه پیشینه پژوهش در مقالات لاتین

نویسندگان	عنوان مطالعه انجام شده	هدف اصلی پژوهش	نتایج پژوهش
Maryam Pourzakarya, Somayeh Fadaei Nezhad (Bahramjerdi) (2021)	اقدام بازآفرینی اجتماع محور منطقه قلم گوده، بندر انزلی، ایران: پروژه اقدام پژوهی مشارکتی (PAR)	بررسی عملکرد بازآفرینی از پایین به بالا از طریق برنامه‌ریزی مشارکتی ده مرحله‌ای با مشارکت جامعه محلی و سایر ذی‌نفعان احتمالی در محله قلم گوده	بر اساس اعتمادسازی و افزایش آگاهی، ساکنان به مشارکت در فرایند بازآفرینی علی‌رغم نگرش‌های متناقض نسبت به پروژه بازآفرینی اجتماع محور تمایل دارند. با مشارکت و توانمندسازی شرکت‌کنندگان، می‌توان یک چشم‌انداز یکپارچه باهدف تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، فیزیکی و محیطی منطقه برای افزایش سطح کیفیت زندگی ایجاد کرد.
Binqing Zhai, Mee Kam (Ng) (2013)	بازآفرینی شهری و سرمایه اجتماعی در چین: مطالعه موردی منطقه مسلمانان درام تاور در شیان	بررسی شرایط یک جامعه در منطقه مسلمانان درام تاور در شیان که با اجرای طرح توسعه مجدد منطقه مقابله کرد. بررسی این موضوع که چگونه سرمایه اجتماعی قوی مذهبی و قومی ساکنان مسلمان به آن‌ها کمک کرد تا مبارزه برای حق خود را در مکان حفظ کنند.	پیگیری مداوم ساکنان در نهایت دولت منطقه را مجبور کرد که حفظ شیوه زندگی و کسب‌وکار آن‌ها را در طرح توسعه مجدد اصلاح شده بگنجانند.
Alistair Brucea and David Clarsonb (2017)	ارزیابی پتانسیل و محدودیت‌های ابتکارات مبتنی بر جامعه در بازآفرینی شهری: سه دهه تجربه در املاک شفیلد مانور	این مقاله تکامل گروهی از سازمان‌های جامعه‌محور را در منطقه مانور شفیلد، بریتانیا طی سه دهه نشان می‌دهد که به دنبال ایجاد پایه‌ای برای بازسازی اقتصادی و اجتماعی آن بوده‌اند.	نتایج نشان می‌دهد که مشارکت تا حد زیادی به بازسازی سرمایه، احترام و محیط اجتماعی محدود می‌شود. بهبودهای مادی و قابل‌اندازه‌گیری در شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، علاوه بر این، نیازمند درک قوی‌تر از ارزش دانش و یادگیری سازمانی و توسعه شبکه هدفمندتر است.
Cansu Korkmaz, Osman (Balaban) (2019)	پایداری بازآفرینی شهری در ترکیه: ارزیابی عملکرد پروژه بازآفرینی شهری شمال آنکارا	ارزیابی عملکرد پایداری پروژه بازآفرینی شهری شمال آنکارا، ترکیه	این تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت پروژه در پایداری شهری حداقل بوده است؛ بنابراین تلاش‌های بیشتری برای بهبود عملکرد پایداری پروژه‌های بازآفرینی شهری در ترکیه مورد نیاز است.
Sedigheh Kalantari, Yap-(ing Huang) (2018)	بازآفرینی اجتماع محور: به‌کارگیری تجربه «تسهیل‌کننده جامعه» در ایران تا چین	هدف این مقاله در نظر گرفتن میزان تأثیرگذاری جوامع محلی در محله‌های محروم با توجه به تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر توسعه مجدد آن محدوده است.	مشارکت جامعه در توسعه مجدد محله در چین در انتهای نردبان مشارکت باقی می‌ماند.
Xun Li, Fan Zhang, Eddie Chi-man Hui, Wei Lang ((2020)	کارگاه مشارکتی و مشارکت جامعه: رویکردی جدید برای بازآفرینی شهری در چین	بررسی یک مدل مشارکت اجتماعی برای احیای شهری در چین، با تمرکز بر روستای شنجینگ در گوانگژو	کارگاه مشارکتی به‌عنوان ترکیبی از روش‌های بالا به پایین و پایین به بالا، الگویی مفید برای مشارکت جامعه در بازآفرینی شهری است که همکاری دولت و مردم را از طریق مشورت و مذاکره ارتقا می‌دهد و جلب توجه منافع ذی‌نفعان و تخصیص مساوی منابع را تضمین می‌کند. همچنین، یک سیستم برنامه‌ریزی تکمیلی برای ارتقای برنامه‌ریزان جامعه برای چین و سایر کشورهای در حال توسعه ضروری است.
Mark Deakin (2012)	نمونه موردی برای چشم‌انداز جامع اجتماعی در رویکرد اجتماع محور به بازآفرینی شهری پایدار	بیان چشم‌انداز جامع اجتماعی در رویکرد اجتماع محور به بازآفرینی شهری پایدار	نتایج نشان می‌دهد که چشم‌انداز جامع اجتماعی به رویکرد جامعه‌محور و بازآفرینی شهری پایدار که بر آن استوار است، کمک می‌کند.
Jin Hui Lee and Sangyon (Lim) (2018)	رویکرد فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) برای ارزیابی پایدار بازآفرینی شهری مبتنی بر اقتصاد و جامعه: مورد کره جنوبی	توسعه یک رویکرد مبتنی بر شاخص‌ها برای ارزیابی نتایج پروژه‌های احیای شهری در کره جنوبی	نتایج مدل‌های ارزیابی سلسله‌مراتبی، تفاوت‌های شاخص‌های حیاتی مرتبط با پروژه‌های بازآفرینی شهری مبتنی بر اقتصاد و اجتماع محور را نشان می‌دهد.



با توجه به پیشینه پژوهش و پیچیدگی‌های موجود در فرایند بازآفرینی شهری اجتماع‌محور و شکاف‌های موجود در ادبیات نظری پژوهش، استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری جهت تحلیل روابط بین شاخص‌های اجتماعی بازآفرینی شهری در طراحی شهری ضروری به نظر می‌رسد و در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است. حال، به تعاریف مفاهیم مربوط به بازآفرینی شهری در طراحی شهری پرداخته می‌شود.

بازآفرینی و بازآفرینی شهری

در فرهنگ عمید، واژه بازآفرینی به معنای «دوباره آفریدن چیزی» ذکر شده است. معادل لاتین واژه بازآفرینی، Regeneration است که از ریشه فعل Regenerate به معنای زنده کردن، زنده شدن، دوباره جان بخشیدن و... بوده است. همچنین در تعریف این واژه، بازآفرینی از تولید طبیعی دوباره، بخشی از یک ماهیت زنده که در معرض نابودی و از بین رفتن قرار گرفته است، نام برده می‌شود (لطفی، ۱۳۹۰: ۷۹).

اصطلاح «بازآفرینی شهری» پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و بریتانیا، عمدتاً به دلیل کاهش صنایع پس از جنگ شکل گرفت. از آن زمان، سیاست‌های دولت بر بازآفرینی شهری برای دستیابی به جامعه بهتر متمرکز شده است (al et McDonald, 2009).

در جدول زیر به سیر تکامل بازآفرینی شهری در جهان پرداخته شده است:

جدول ۳. سیر تکامل بازآفرینی شهری در جهان، مأخذ: رابرتز (۱۳۸۱) به نقل از صحرزاده و ایزدی (۱۳۸۳)

نوع سیاست هر دوره	دهه ۱۹۵۰ بازسازی	دهه ۱۹۶۰ باززنده‌سازی	دهه ۱۹۷۰ نوسازی	دهه ۱۹۸۰ توسعه مجدد	دهه ۱۹۹۰ بازآفرینی
راهبرد اصلی و جهت‌گیری	بازسازی و گسترش مناطق قدیمی‌تر شهرها و شهرک‌ها اغلب براساس یک طرح جامع، رشد حومه‌نشینی	تداوم راهبردهای دهه ۱۹۵۰، رشد حومه‌ای و حاشیه‌ای؛ برخی چالش‌های اولیه در توانمندسازی	تمرکز روی نوسازی در جای اولیه خود و طرح‌های واحد همسایگی؛ کم‌اکان توسعه در حاشیه شهر	طرح‌های متعدد بزرگ برای توسعه و توسعه مجدد پروژه‌های کلان‌مقیاس پرهزینه پروژه‌های خارج از شهر	حرکت به سوی شکل جامع‌تری از سیاست‌گذاری و اعمال تمرکز بر راه‌حل‌های یکپارچه
دست‌اندرکاران بانفوذ و گروه‌های ذی‌نفع	دولت ملی و محل، پیمان‌کاران و توسعه‌دهندگان خصوصی زمین و املاک	حرکت به سوی توازن بیشتر میان بخش‌های عمومی و خصوصی	نقش روبه‌افزایش بخش خصوصی و تمرکززدایی با واگذاری قدرت بیشتر به دولت محلی	تأکید بر نقش بخش خصوصی و کارگزاران خاص افزایش شراکت	شراکت به‌عنوان رویکرد غالب
کانون اقتصادی	سرمایه‌گذاری بخش عمومی مداخله نسبی بخش خصوصی	ادامه روند دهه ۱۹۵۰ با افزایش اثر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	محدودیت منابع بخش عمومی و رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	تسلط بخش خصوصی با تأمین‌گزینشی بودجه از سوی بخش عمومی	توازن بیشتر میان بودجه تأمین‌شده از سوی بخش عمومی، خصوصی و داوطلبانه
محتوای اجتماعی	بهبود معیارهای زندگی و ساخت مسکن	بهبود اجتماعی و رفاه	اقدام اجتماع‌مدار و اختیار بیشتر	گروه‌های اجتماعی خودیار با حمایت بسیار گزینشی دولت	تأکید بر نقش گروه‌های اجتماعی
تأکید فیزیکی	جایگزینی نواحی درونی و توسعه حاشیه‌ای	تداوم برخی رویکردهای دهه ۱۹۵۰ موازی با توانمندسازی نواحی	نوسازی‌های گسترده بیشتر در مناطق شهری قدیمی‌تر	طرح‌های بزرگ جایگزینی و توسعه جدید، طرح‌های کلان‌مقیاس پرهزینه	میان‌روتر از دهه ۱۹۸۰، توجه به میراث و نگاهداشت ابنیه
رویکرد محیطی	منظرسازی و تا حدودی گسترش فضای سبز	بهسازی‌های گزینشی	بهسازی محیطی	افزایش توجه به رویکردی گسترده‌تر نسبت به محیط	معرفی ایده گسترده‌تری از پایداری محیط

بازآفرینی شهری به‌عنوان یکی از موضوعات کلیدی در دستور کار سیاست‌ها و شیوه‌های برنامه‌ریزی و تحقیقات است (al et Carra, 2023) و به‌عنوان یک سیستم پیچیده مداخلاتی، نقشی محوری در نوسازی فضاهای شهری دارد؛ بدون اینکه موجب تخریب زمین شود (al et CeNSU, 2021). این فرایند ممکن است به توسعه مجدد مناطق قهوه‌ای، بازسازی مکان‌های کم‌استفاده، استفاده مجدد، حفظ میراث، فعال‌سازی مجدد فضا و... نیاز داشته باشد. همچنین این قدرت را دارد که



مناطق بی‌استفاده را به مناطقی زیست‌پذیر، سرزنده، پررونق و پایدار تبدیل کند. بدین ترتیب بازآفرینی شهری به‌عنوان ابزاری مؤثر برای آماده‌سازی مناطق شهری برای رویارویی با تغییرات جمعیت شهری به کار می‌رود (Celani & Sedova, 2023). بازآفرینی شهری رویکردی کل‌نگر و یکپارچه است که هم‌زمان در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی و محیط‌زیستی، به‌عنوان ابزاری تأثیرگذار برای افزایش کیفیت زندگی و ارتقای سطح پایداری کاربرد دارد (قناد و صرافی، ۱۳۹۸). این واژه به شکل گسترده‌ای پس از سال ۱۹۹۵، به‌عنوان جایگزینی برای نوسازی شهری در عرصه ادبیات شهرسازی جریان یافت. کوچ این جایگزینی را چنین بیان می‌کند: «بازآفرینی شهری، از آرمان‌ها و دستاوردهای نوسازی شهری که به‌صورت فرایندی از تغییرات کالبدی اساسی دیده می‌شود و نیز از تجدید حیات شهری که هرگاه نیاز به اقدام را پیشنهاد می‌دهد، در دقت نظر رویکردی با شکست مواجه می‌شود، بسیار فراتر حرکت می‌کند» (1990:2, coach).

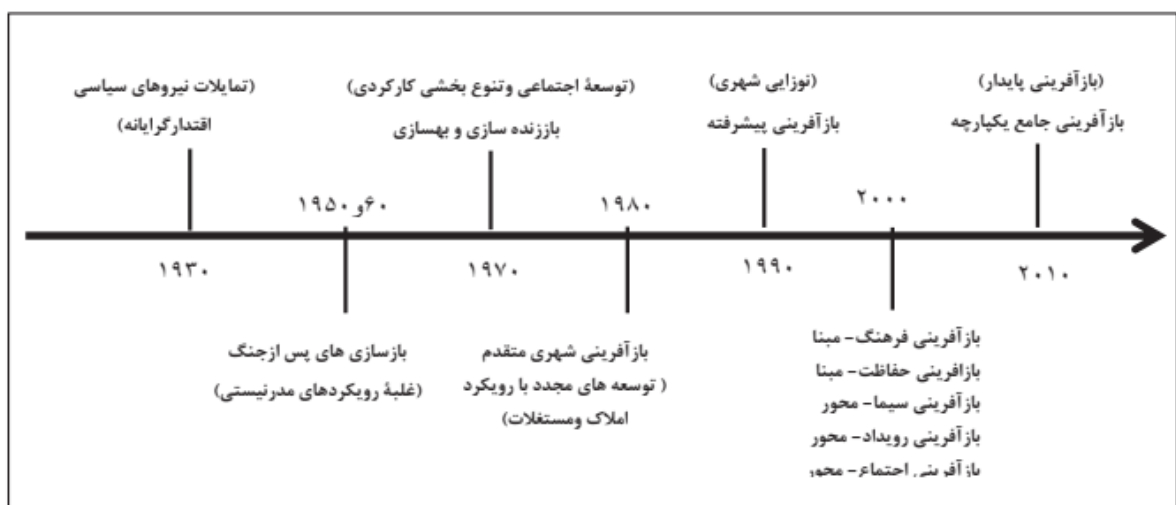
بازآفرینی شهری براساس دو اصل اهمیت برابر مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و توانمندسازی گروه‌های ذی‌نفع، برای شرکت در فرایند تصمیم‌گیری، از طریق توسعه چشم‌انداز همگانی قرار دارد که دانش و تجربه‌های متخصصان مختلف شهری و نیازها و خواسته‌های اجتماعات محله‌ای را در هم می‌آمیزد. بازآفرینی شهری در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی رخ داده و در هریک از ابعاد بر موضوعات متعددی تأکید کرده است (ضیا خواه، ۱۳۸۳: ۴۹۲). در ادامه به بررسی ابعاد گوناگون این رویکرد پرداخته می‌شود.

- بازآفرینی کالبدی: بازآفرینی کالبدی در راستای ارزیابی عناصر کالبدی به جست‌وجوی محدودیت‌ها و توان‌های بالقوه کالبدی می‌پردازد و کالبد شهر را با دگرگونی‌های سریع اقتصادی و اجتماعی هماهنگ می‌کند (Sykes & Roberts, 2000).

- بازآفرینی اقتصادی: به‌طور کلی بازآفرینی پایدار اقتصادی، سیاست‌ها و اهدافی را همچون جذب سرمایه‌های داخلی، تشویق به خوداشتغالی، ایجاد شغل‌های موقت و پاره‌وقت، بهبود آموزش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای، کاهش هزینه‌های زندگی در بر می‌گیرد (موحد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

- بازآفرینی اجتماعی و فرهنگی: به حداقل رساندن جرائم و خشونت، فراهم کردن خدمات بهداشتی و درمانی مناسب، کاهش کج‌روی‌های فرهنگی، تقویت اجتماعات خرد، تأکید بر توانمندسازی اجتماعات، توجه به نیازهای گروه‌های مختلف از اهداف این بُعد بازآفرینی است (موحد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

در شکل زیر به رویکردهای غالب بازآفرینی شهری اشاره شده است:



شکل ۱. رویکردهای غالب در مقاطع زمانی (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳)

بازآفرینی شهری اجتماع محور

بازآفرینی اجتماع محور رویکردی متأخر در بازآفرینی است. این رویکرد به موضوعی کلیدی در حفظ توسعه مجدد شهری و بهبود کیفیت زندگی تبدیل شده است (Pourzakarya & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, 2021). رویکرد مبتنی بر



جامعه شامل سیاست‌های بازسازی مناطق شهری است که از بحران عظیمی از طریق مفهوم کیفیت زندگی رنج می‌برند. این مفهوم با یکپارچه شدن در حفظ فرایند توسعه اجتماعی اقتصادی، نوع بیشتر مردم محور و مکان محور پیشرفت نوسازی شهری را ارائه می‌دهد (Deakin, 2009). هدف بازآفرینی اجتماع محور توانمندسازی اجتماعات محلی دارای رکود اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی و بازسازی اجتماعات خود است (قناد و صرافی، ۱۳۹۸).

از طرفی در نقطه تلاقی روند رویکرد بازآفرینی شهری با مفهوم مشارکت اجتماعی، به شکل‌گیری رویکرد بازآفرینی اجتماع محور منجر شده است. مشارکت مردمی در روند بازآفرینی منجر به افزایش حس تعلق به مکان، سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری نسبت به مکان می‌شود و در نهایت پایداری اجتماعی صورت خواهد پذیرفت (نژادابراهیمی و نژداعی، ۱۳۹۷). در واقع مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری به‌طور گسترده نقش بسیار مهمی در تسهیل این فرایند ایفا می‌کند (Li & al, 2020). رویکرد مشارکتی در بازآفرینی شهری از سه دیدگاه مختلف پدیدار شده است: (۱) تشویق ذی‌نفعان مختلف برای مشارکت در ایجاد مکان برای افزایش آگاهی درباره فرایند برنامه‌ریزی؛ (Bailey, 2010; Kearns and Lawson, 2010; Savini, 2011) (۲) گسترش مشارکت جامعه در طرح یکپارچه و پایدار بازآفرینی شهری برای توسعه سرمایه اجتماعی و رفاه؛ (Larsen and Engberg, 2010; Maginn, 2007) و (۳) تعادل تضاد منافع در میان ذی‌نفعان مختلف از طریق دموکراسی مشارکتی (Doering, 2014).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف در رده پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش و ماهیت در رده پژوهش‌های توصیفی تحلیلی قرار می‌گیرد. جهت گردآوری اطلاعات از روش اسنادی به کمک ابزار مقالات و کتاب‌های مرتبط با موضوع پژوهش و روش برداشت میدانی به کمک ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. جهت اخذ نظرات خبرگان، پرسش‌نامه بین ده نفر از کارشناسان حوزه شهرسازی توزیع شده است. با توجه به اینکه این افراد را نویسندگان انتخاب کرده‌اند، روش نمونه‌گیری از نوع غیر تصادفی هدفمند است. در جدول زیر، به مشخصات کارشناسان اشاره شده است:

جدول ۴. مشخصات کارشناسان

جنسیت	۵۰٪ مرد
	۵۰٪ زن
سن	۷۰٪ ۲۰-۳۰ سال
	۳۰٪ ۳۱-۴۰ سال
تحصیلات	۶۰٪ کارشناسی ارشد
	۴۰٪ دکتری
سابقه کاری	۶۰٪ ۵-۱۰ سال
	۳۰٪ کمتر از ۵ سال
	۱۰٪ ۱۱-۱۵ سال

برای تحلیل اطلاعات نیز از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) استفاده شده است. در این راستا، در ابتدا پژوهش‌های مرتبط با بازآفرینی شهری بررسی و در نهایت شاخص‌های اجتماعی مؤثر در فرایند بازآفرینی شهری استخراج شده‌اند. سپس پرسش‌نامه‌ای برای مقایسه زوجی شاخص‌ها طراحی شده و با استفاده از نتایج نظرسنجی، روابط متقابل بین شاخص‌های پژوهش با رویکرد ISM و انجام محاسبات آن با استفاده از نرم‌افزار اکسل مدل‌سازی شده است. ISM یک روش کمی کیفی است که از حروف اول عبارت Modelling Structural Interpretive گرفته شده است و هدف آن طبقه‌بندی عوامل و شناسایی روابط بین معیارهاست.

این روش تحلیل را نخستین بار جورج وارفیلد در سال ۱۹۷۳ معرفی کرد و در سال‌های بعد آن را برای مطالعه و نمایش مسائل پیچیده به‌عنوان نمودارهای منطقی و قابل فهم توسعه داد (Warfield, 1973). همچنین این فرایند یادگیری تعاملی به کمک رایانه است که در آن مدل‌های ساختاری تولید و مطالعه می‌شوند و ابزاری است که به‌وسیله آن یک گروه مدل‌سازی می‌تواند

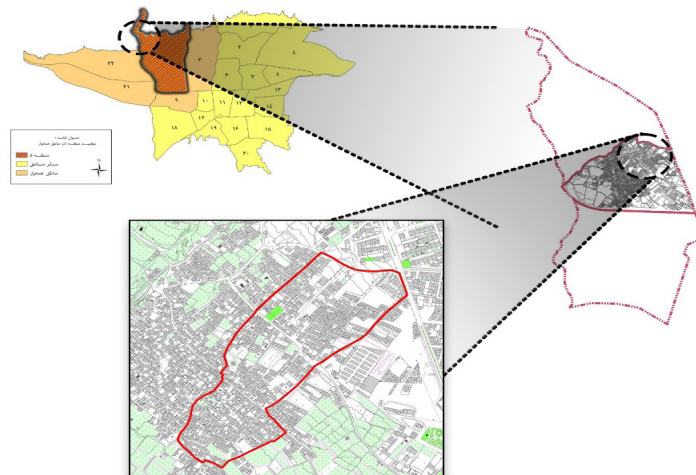


نظمی را بر پیچیدگی روابط بین عناصر تحمیل کند. این روش از این جهت تفسیری است که قضاوت گروه تصمیم می‌گیرد عناصر به هم مرتبط‌اند یا خیر (rdenas'Ca & Warfield, 1994). فرایندی است که مدل‌های ذهنی نامشخص و ضعیف سیستم‌ها را به مدل‌های قابل مشاهده و کاملاً تعریف شده و مفید برای اهداف گوناگون، تبدیل می‌کند (Sushil, 2012).

محدوده مورد مطالعه

محلۀ کن واقع در شمال غرب تهران، از قدیمی‌ترین محله‌ها و روستاهای شهر تهران است. این محله بافت قدیمی خود را حفظ کرده و به دلیل قرارگیری در مسیر منتهی به امامزاده داوود، یکی از زیارتگاه‌های مهم شهر تهران، از قدیم مورد توجه اهالی تهران بوده است. این محله در ابتدا متعلق به شهرری (تهران قدیم) بوده و با توسعه شهر به مرور در ناحیه ۲ منطقه ۵ شهرداری تهران قرار گرفته است. بافت فرسوده محدوده کن از جنس بافت فرسوده نوع دوم است. این نوع به بافتی اطلاق می‌شود که علاوه بر داشتن ۶۰ درصد ساختمان‌های کم‌دوام، ۶۰ درصد قطعات زمین با مساحت کمتر از ۱۰۰ مترمربع دارد. این نوع بافت را در منطقه ۵ تهران فقط در محله کن و باغ فیض می‌توان ملاحظه کرد.

روستای کن با مساحت ۱,۴۷۱ کیلومتر مربع در سال ۱۳۵۵ دارای ۵۰۷ نفر جمعیت بوده است و جمعیت آن در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۱۳۲۹۳ نفر، ۱۷۷۰۹ نفر، ۱۸۸۱۸ نفر و ۲۰۱۵۳ نفر بوده است. تراکم نسبی جمعیت این محله در سال ۱۴۰۰ برابر ۱۴ نفر در هر کیلومتر مربع است. در شکل ۱، موقعیت این محدوده نشان داده شده است:



شکل ۲. موقعیت محله کن روی نقشه

تجزیه و تحلیل داده‌ها

شناسایی شاخص‌های اجتماعی مؤثر در فرایند بازآفرینی شهری

برای انجام پژوهش حاضر در ابتدا ۶۵ مقاله لاتین مرتبط با بُعد اجتماعی بازآفرینی شهری، بررسی شد. سپس ۹ شاخص که به‌طور مستقیم در متن پژوهش‌ها به آن‌ها اشاره شده بود، استخراج شد. در جدول ۱، به این شاخص‌ها اشاره شده است:

جدول ۵. شاخص‌های اجتماعی مؤثر در فرایند بازآفرینی شهری، مأخذ: نگارندگان

Wilkie & Michialino, 2014 / Aitken, 2015 / Glackin & Dionisio, 2016 / Li et al, 2020 / Seo, 2020 / Kim et al, 2020 / Falanga, 2020 / Wang et al, 2021 / Falanga & Nunes, 2021 / Zhang et al, 2021 / Kim et al, 2021 / Kim & Kim, 2022 / Yang et al, 2022 / Clark & Wise, 2022 / Liu et al, 2022	مشارکت مردمی	۱
Hibbitt et al, 2001 / Kearns, 2003 / Cento Bull & Jones, 2006 / Zhai & Ng, 2013 / Shin, 2022 / Li et al, 2022	سرمایه اجتماعی	۲



Hancock, 2001 / Robinson, 2008 / Ozden, 2008 / Samara, 2010 / Grant, 2012 / Alvarado & Duarte, 2015 / Borbely & Rossi, 2023 / Zhang, 2024	امنیت اجتماعی	۳
Bailey et al, 2004 / Lee et al, 2009 / Eren, 2014 / Hwang, 2014 / Ujang & Zakariya, 2015 / Muminovic, 2016 / Boussaa, 2017 / Heath et al, 2017 / Yarker, 2018 / Hussein et al, 2019	هویت شهری (هویت مکان)	۴
Mitchell, 2001 / Van Eijk & Engbersen, 2011 / Moreira de Souza, 2019 / & Meegan Srivarathan et al, 2023	تعاملات (ارتباطات) اجتماعی	۵
Mitchell, 2001 / Meegan, 2003 / Cervelló-Royo et al, 2012 / Wilkie & & Meegan Michialino, 2014 / Battisti & Tucci, 2015 / Henry et al, 2019	پیوستگی (انسجام) اجتماعی	۶
Oh et al, 2016 / Abd Ghapar et al, 2016 / Ujang et al, 2018 / Lomas et al, 2021 / Falanga, 2022 / Pan & Cobbinah, 2023 / Fu & Jiang, 2024	حس تعلق به مکان (دلبستگی مکان)	۷
Hibbitt et al, 2001 / Kort & Klijn, 2013 / Aitken, 2015 / Glackin & Dionisio, 2016	اعتماد اجتماعی	۸
Arthurson, 2001 / Lupton & Tunstall, 2008 / McCarthy, 2010 / Cornelius & Wallace, 2010 / Arbaci & Tapada-Berteli, 2012 / Benneworth, 2016	عدالت اجتماعی	۹

مدل‌سازی ساختاری تفسیری شاخص‌های اجتماعی مؤثر در فرایند بازآفرینی شهری و تحلیل روابط بین آن‌ها

پس از شناسایی شاخص‌های اجتماعی بازآفرینی شهری گام‌های زیر به ترتیب دنبال شدند:

- گام ۱) تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری: در این مرحله، کارشناسان شاخص‌ها را به صورت دودویی باهم در نظر گرفتند و ارتباط بین آن‌ها را ارزیابی کردند. مقایسه شاخص‌ها به شکل زیر انجام شده است:

جدول ۶. ماتریس خودتعاملی ساختاری

	C _۱	C _۲	C _۳	C _۴	C _۵	C _۶	C _۷	C _۸	C _۹
مشارکت مردمی (C _۱)		X	V	X	X	X	X	X	V
سرمایه اجتماعی (C _۲)			V	X	A	X	A	A	A
امنیت اجتماعی (C _۳)				X	X	X	V	X	A
هویت مکان (شهری) (C _۴)					A	A	X	O	O
تعاملات اجتماعی (C _۵)						X	V	X	O
پیوستگی (انسجام) اجتماعی (C _۶)							V	X	X
حس تعلق (دلبستگی) به مکان (C _۷)								A	O
اعتماد اجتماعی (C _۸)									O
عدالت اجتماعی (C _۹)									

در جدول بالا، به این صورت حروف در ماتریس قرار داده شده‌اند که در صورتی که عامل اول باعث تحقق عامل دوم باشد، خیره از نماد V، در صورتی که عامل دوم باعث تحقق عامل اول باشد، خیره از نماد A، در صورتی که هر دو عامل باعث تحقق یکدیگر شوند، خیره از نماد X و در صورتی که بین عامل اول و دوم هیچ ارتباطی نباشد، خیره از نماد O استفاده کرده است. پس از گردآوری پرسش‌نامه‌ها و بررسی نظرات خبرگان، نظر اکثریت به‌عنوان نظر نهایی در ترسیم ماتریس خودتعاملی ساختاری انتخاب شده است. برای مثال در مقایسه دو شاخص مشارکت مردمی و سرمایه اجتماعی، از بین ده نفر از کارشناسان، تعداد هفت



خبره نماد X را به آن سلول اختصاص داده‌اند؛ چون بیش از نیمی از افراد نظر یکسان داشته‌اند، همین نماد به‌عنوان نماد نهایی برای آن سلول انتخاب شده است.

- گام ۲) تشکیل ماتریس دستیابی اولیه: در این مرحله با تبدیل نمادهای ماتریس خودتعاملی ساختاری به اعداد ۰ و ۱ به شکل زیر ماتریس مرحله دوم ایجاد شده است:

جدول ۷. ماتریس دستیابی اولیه

	C_1	C_2	C_3	C_4	C_5	C_6	C_7	C_8	C_9
C_1	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
C_2	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰
C_3	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰
C_4	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰
C_5	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰
C_6	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
C_7	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰
C_8	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰
C_9	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱

این اعداد ۰ و ۱ به این صورت انتخاب شده‌اند که در صورتی که نماد خانه حرف V باشد، در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه عدد ۰، در صورتی که نماد خانه حرف A باشد، در آن خانه عدد ۰ و در خانه قرینه عدد ۱، در صورتی که نماد خانه حرف X باشد، در آن خانه عدد ۱ و در خانه قرینه نیز عدد ۱ و در صورتی که نماد خانه حرف O باشد، در آن خانه عدد ۰ و در خانه قرینه نیز عدد ۰ قرار داده شده است.

- گام ۳) تشکیل ماتریس دستیابی نهایی: در این مرحله وجود شرط زیر در ماتریس دستیابی اولیه بررسی و در غیر این صورت به شکل دستی اعمال شده است:

«اگر عامل اول باعث تحقق عامل دوم باشد و عامل دوم باعث تحقق عامل سوم، آنگاه عامل اول باعث تحقق عامل سوم است و عامل اول و سوم باهم رابطه دارند.»

جدول ۸. ماتریس دستیابی نهایی

	C_1	C_2	C_3	C_4	C_5	C_6	C_7	C_8	C_9
C_1	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
C_2	۱	۱	۱	۱	*۱	۱	*۱	*۱	*۱
C_3	*۱	*۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	*۱
C_4	۱	۱	۱	۱	*۱	*۱	۱	*۱	*۱
C_5	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	*۱
C_6	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
C_7	۱	۱	*۱	۱	*۱	*۱	۱	*۱	*۱
C_8	۱	۱	۱	*۱	۱	۱	۱	۱	*۱
C_9	*۱	۱	۱	*۱	*۱	۱	*۱	*۱	۱

- گام ۴) تعیین سطح متغیرها: جهت تعیین سطح متغیرها، مجموعه معیارهای ورودی (پیش‌نیاز) و معیارهای خروجی (دستیابی) برای هر شاخص محاسبه و عوامل مشترک مشخص شده است. شاخصی که مجموعه خروجی با مجموعه مشترک آن برابر باشد، دارای بیشترین سطح است. پس از شناسایی این شاخص‌ها، سطر و ستون آن‌ها از جدول

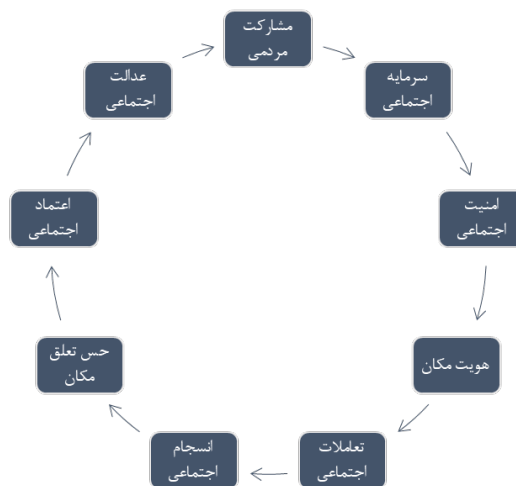


حذف شده و عملیات دوباره روی دیگر شاخص‌ها تکرار شده است. سطح یک به‌عنوان تأثیرپذیرترین و سطح آخر به‌عنوان تأثیرگذارترین سطح در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۹. ماتریس تعیین سطح شاخص‌ها

سطح	مجموعه مشترک	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی
۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱
C_1	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱
C_2	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱
C_3	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱
C_4	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱
C_5	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱
C_6	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱
C_7	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱
C_8	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱
C_9	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱	۹۸۷۶۵۴۳۲۱

در این مرحله از مدل‌سازی، سطح‌بندی شاخص‌ها نشان می‌دهد که تمامی آن‌ها در سطح ۱ اثرگذاری و اثرپذیری قرار دارند. این به این معناست که هر نه شاخص، هم به‌شدت برهم تأثیر می‌گذارند و هم از هم تأثیر می‌پذیرند و اولویت آن‌چنانی نسبت به هم ندارند. گام (۵) ترسیم شبکه تعاملات: در این مرحله با توجه به سطوح شاخص‌ها و روابط بین آن‌ها، شبکه تعاملات آن‌ها به شکل زیر ترسیم شده است:



شکل ۳. مدل ساختاری تفسیری نهایی و نحوه ارتباط شاخص‌ها

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل شاخص‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور در طراحی شهری شامل مشارکت مردمی، سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، هویت شهری (هویت مکان)، تعاملات (ارتباطات) اجتماعی، پیوستگی (انسجام) اجتماعی، حس تعلق به مکان (دلبستگی مکان)، اعتماد اجتماعی و عدالت اجتماعی برای محدوده محله کن تهران با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری انجام شده است. این محله به دلیل وجود قابلیت‌های فراوان گردشگری و فضاهای تفریحی (باغ‌های وسیع) برای ساکنان و شهروندان دیگر، وجود اماکن مذهبی و زیارتی متعدد مانند امامزاده‌ها به‌عنوان عناصر هویتی محله، وجود اقشار گوناگون اجتماعی و مشارکت مردمی در مراسم و آیین‌ها و مواردی از این دست، به‌عنوان محدوده مورد مطالعه انتخاب شد و شاخص‌های بازآفرینی شهری اجتماع‌محور در طراحی شهری در این محدوده توسط خبرگان پرسش شدند. این محدوده از لحاظ

قدمت، سابقه طولانی داشته است؛ چنان‌که از تهران قدیم و شهری سابق، این محدوده در نقشه‌ها ذکر شده است. این قدمت زیاد و ساکنانی که همچنان به این محدوده حس تعلق چشمگیری دارند، سبب شده است هویت اجتماعی خاصی داشته باشند. نظرات کارشناسان و مدل‌نهایی ساختاری تفسیری نشان می‌دهد که ارتباط چندسویه قوی بین شاخص‌های بازآفرینی شهری اجتماع محور وجود دارد. وجود این وابستگی و ارتباط متقابل، موجب می‌شود که تغییر در یکی از شاخص‌ها موجب تغییر در شاخص‌های دیگر شود. به‌عنوان مثال به‌دنبال ارتقای تعاملات اجتماعی در این محله، انسجام، امنیت، اعتماد، سرمایه اجتماعی و سایر شاخص‌ها تقویت خواهند شد؛ بنابراین پرداختن به همه این شاخص‌ها در بازآفرینی این محله و دستیابی به جامعه محلی پایدار و پویا حائز اهمیت است.

مدل‌نهایی نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌های بررسی شده همه باهم در یک راستا و در جهت اهداف مشترک بازآفرینی شهری اجتماع محور قرار دارند و نیاز به رویکردی یکپارچه و جامع در طراحی شهری است.

بازآفرینی شهری اجتماع محور نیاز به همکاری اجتماعات محله‌ای و دستیابی به توافق جمعی دارد و هرچقدر نقش مردم و اجتماعات محلی در پروژه‌های این‌چنینی پررنگ‌تر شود، به بهبود کیفیت زندگی و رضایت شهروندان کمک خواهد کرد؛ به‌ویژه اینکه نتایج این پژوهش رابطه نزدیک و تنگاتنگ بین شاخص‌های اشاره شده را نشان می‌دهد. به این معناست که در صورتی که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری حتی اگر بتوانند یک بُعد از این شاخص‌ها را در محدوده مورد مطالعه تقویت کنند، تغییرات در سایر ابعاد اجتماعی بازآفرینی شهری پدیدار خواهد شد. به همین ترتیب، اثرات مثبت، خودشان را در دیگر ابعاد نشان خواهند داد؛ بنابراین اتخاذ راهبردها و سیاست‌ها در فرایند بازآفرینی باید براساس روابط موجود بین این شاخص‌ها باشد. همان‌طور که Masierek و Miskowiec (2022) اشاره می‌کنند ایجاد همکاری دائمی با جامعه محلی و تشویق فعالیت‌ها، خلاقیت و کارآفرینی و ایجاد شرایط مطلوب برای توسعه روابط میان ساکنان، یکی از اصلی‌ترین اهداف مسئولان در فرایندهای بازآفرینی است.

با توجه به اینکه در این پژوهش فقط شاخص‌های کلیدی و اصلی و پرتکرار استخراج شده‌اند و مدل‌سازی نهایی بر این اساس صورت گرفته است، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده بر لایه‌های عمیق‌تری از فرایند بازآفرینی شهری اجتماع محور در طراحی شهری و تنوع در شاخص‌های آن و امکان تفکیک شاخص‌ها به سطوح پیچیده‌تر تمرکز کنند تا جزئیات بیشتری از روابط متقابل و تأثیرات این شاخص‌ها بر یکدیگر شناسایی شود. علاوه بر این‌ها، تأثیر عوامل بیرونی مختلف مانند متغیرهای اقتصادی و سیاسی هم در نظر گرفته شود؛ همچنین برای گردآوری داده‌های دقیق‌تر و شناسایی نیازهای اصلی جامعه محلی، مشارکت ساکنان محلی و نهادهای محلی مورد توجه قرار گیرد.

بیانیه‌ها

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به‌صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده‌پردازی و طراحی مطالعه: پریا سنجدیه؛ گردآوری و مدیریت داده‌ها: پریا سنجدیه، میرحسن موسوی؛ تحلیل و تفسیر داده‌ها: پریا سنجدیه، میرحسن موسوی؛ تصویرسازی: پریا سنجدیه، میرحسن موسوی؛ نگارش پیش‌نویس اولیه: پریا سنجدیه؛ بازبینی و اصلاح مقاله: پریا سنجدیه، میرحسن موسوی؛ مدیریت پروژه تحقیقاتی: پریا سنجدیه، میرحسن موسوی، محمدحسن سلمانیان؛ اعتبار سنجی و تأیید نهایی: پریا سنجدیه، میرحسن موسوی، محمدحسن سلمانیان.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از تمامی کارشناسانی که در تکمیل پرسشنامه‌ها و گردآوری داده‌ها در این پژوهش همکاری کرده‌اند، تشکر می‌کنند.



منابع

۱. اسکوئی ارس، ع. و بادامچی‌زاده، پ. (۱۴۰۲). واکوی رهیافت‌های برنامه‌ریزی محله‌محور و بازآفرینی اجتماع‌محور. جغرافیا و روابط انسانی، ۳۶(۳)، صص ۷۶۷-۷۳۳.
۲. اسمعیل‌پور، ن. و پیروزمهر، د. و اکبری، ر. و اسمعیل‌پور، ف. (۱۴۰۱). تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت ساکنان در بازآفرینی اجتماع‌محور در بافت‌های ناکارآمد شهری (مورد مطالعه: محله قلعه و کیل‌آباد شهر مشهد). نشریه برنامه‌ریزی فضایی، ۱۲(۳)، ۱-۲۴.
۳. ایزدی، م.س. و صحنی‌زاده، م. (۱۳۸۳). حفاظت و توسعه شهری، دو رویکرد مکمل یا مغایر. آبادی، ۱۴(۴۳)، ۱۲-۲۱.
۴. رابرتز، م. (۱۳۸۱). طراحی شهری و تجدید حیات شهری، مترجم: معلمی، ب. فصلنامه هفت شهر.
۵. قناد، ف. و صرافی، م. (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه محله آخوند شهر قزوین با رویکرد بازآفرینی اجتماع‌محور. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۷(۲)، ۲۱۱-۲۳۸.
۶. لطفی، س. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری و بازتعریف معیارهای فرسودگی: آغازی بر مرمت شهری پایدار.
۷. دوماهنامه شهر نگار، صص ۷-۷. بحرینی، س.ج. و ایزدی، م.س. و مفیدی، م. (۱۳۹۳). رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). مطالعات شهری، ۳(۹)، ۱۷-۳۰.
۸. موحد، ع. و گلی، ع. و ایزدی، پ. (۱۳۹۲). کارکرد رهیافت بازآفرینی پایدار شهری محله‌های حاشیه‌نشین (مطالعه موردی: محله سعدی شیراز). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۲.
۹. نژادابراهیمی، ا. و نژادغی، ن. (۱۳۹۷). تدوین چارچوب مفهومی بازآفرینی شهری اجتماع‌محور مبتنی بر آموزش در بافت‌های تاریخی. دانش شهرسازی، ۳(۳)، ۲۱-۳۴.
۱۰. نژادابراهیمی، ا. و نژادغی، ن. (۱۳۹۷). بازآفرینی شهری اجتماع‌محور از طریق آموزش براساس فلسفه رئالیسم اسلامی در بافت تاریخی محله سرخاب تبریز. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۵)، ۱۳۹-۱۵۰.
11. Abd Ghapar, M. H., Zakariya, K., Harun, N. Z., & Zen, I. (2016). Factors influencing the change in the sense of place of markets in urban regeneration. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 24(2), 353-358.
12. Aitken, D. J. (2015). Trust and participation in urban regeneration. *Sheffield Hallam University (United Kingdom)*.
13. Alvarado, D. I., & Duarte, C. M. (2015). Urban security: Urban perception techniques as a tool to analyse urban regeneration.
14. Arbaci, S., & Tapada-Berteli, T. (2012). Social inequality and urban regeneration in Barcelona city centre: Reconsidering success. *European Urban and Regional Studies*, 19(3), 287-311.
15. Arthurson, K. (2001). Achieving social justice in estate regeneration: The impact of physical image construction. *Housing Studies*, 16(6), 807-826.
16. Bailey, C., Miles, S., & Stark, P. (2004). Culture-led urban regeneration and the revitalisation of identities in Newcastle, Gateshead and the North East of England. *International Journal of Cultural Policy*, 10(1), 47-65.
17. Bailey, N. (2010). Understanding community empowerment in urban regeneration and planning in England: Putting policy and practice in context. *Planning Practice & Research*, 25(3), 317-332.
18. Battisti, A., & Tucci, F. (2015). Urban regeneration featuring environmental quality, the management of resources, and social cohesion. *TECHNE-Journal of Technology for Architecture and Environment*, 141-152.
19. Benneworth, P. (2016). Tensions in university-community engagement: Creative economy, urban regeneration, and social justice. In *Higher Education and the Creative Economy* (pp. 223-241). Routledge.
20. Blessi, G. T., Tremblay, D. G., Sandri, M., & Pilati, T. (2012). New trajectories in urban regeneration processes: Cultural capital as source of human and social capital accumulation—Evidence from the case of Tohu in Montreal. *Cities*, 29(6), 397-407.
21. Borbely, D., & Rossi, G. (2023). Urban regeneration projects and crime: Evidence from Glasgow. *Journal of Economic Geography*, 23(6), 1273-1301.
22. Boussaa, D. (2017). Urban regeneration and the search for identity in historic cities. *Sustainability*, 10(1), 48.
23. Bruce, A., & Clarkson, D. (2017). Assessing the potential and limits of community-based initiatives in urban regeneration: Three decades of experience on Sheffield's Manor estate. *Regional Studies, Regional Science*, 4(1), 80-93.
24. Carra, M., Caselli, B., Rossetti, S., & Zazzi, M. (2023). Widespread urban regeneration of existing residential areas in European medium-sized cities—A framework to locate redevelopment interventions. *Sustainability*,



15(17), 13162.

25. CeNSU, SIU, INU. (2021). Le leggi regionali a confronto per il buon governo del paese. *Il Sole 24 Ore*, Dossier di NT+ Enti Locali & Edilizia.
26. Cento Bull, A., & Jones, B. (2006). Governance and social capital in urban regeneration: A comparison between Bristol and Naples. *Urban Studies*, 43(4), 767-786.
27. Cervelló-Royo, R., Garrido-Yserte, R., & Segura-García del Río, B. (2012). An urban regeneration model in heritage areas in search of sustainable urban development and internal cohesion. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 2(1), 44-61.
28. Clark, J., & Wise, N. (2022). *Urban renewal, community and participation*. McGraw-Hill.
29. Coach, C. (1990). *Urban renewal: Theory and practice* [Chapter 1 covers post-war approaches to the reconstruction of urban areas]. Basingstoke: Macmillan.
30. Cornelius, N., & Wallace, J. (2010). Cross-sector partnerships: City regeneration and social justice. *Journal of Business Ethics*, 94, 71-84.
31. Deakin, M. (2012). The case for socially inclusive visioning in the community-based approach to sustainable urban regeneration. *Sustainable Cities and Society*, 3, 13-23.
32. Deakin, M. (2009). A community-based approach to sustainable urban regeneration. *Journal of Urban Technology*, 16(1), 91-112. <https://doi.org/10.1080/10630730903090354>
33. Doering, H. (2014). Competing visions of community: Empowerment and abandonment in the governance of coalfield regeneration. *International Journal of Urban and Regional Research*, 38(3), 1003-1018.
34. Engberg, L. A., & Larsen, J. N. (2010). Context-orientated meta-governance in Danish urban regeneration. *Planning Theory & Practice*, 11(4), 549-571.
35. Eren, İ. Ö. (2014). What is the threshold in urban regeneration projects in the context of urban identity? The case of Turkey. *Spatium*, 14-21.
36. Falanga, R. (2020). Formulating the success of citizen participation in urban regeneration: Insights and perplexities from Lisbon. *Urban Research & Practice*, 13(5), 477-499.
37. Falanga, R. (2022). Understanding place attachment through the lens of urban regeneration. *Insights from Lisbon. Cities*, 122, 103590.
38. Falanga, R., & Nunes, M. C. (2021). Tackling urban disparities through participatory culture-led urban regeneration. *Insights from Lisbon. Land Use Policy*, 108, 105478.
39. Fu, D., & Jiang, M. (2024). Enhancing the sense of place: Insights from urban design practices in harbourside regeneration. *Journal of Housing and the Built Environment*, 1-21.
40. Gannon, J., & O'Brien, G. (2005). The role of corporate social responsibility in urban regeneration.
41. Glackin, S., & Dionisio, M. R. (2016). 'Deep engagement' and urban regeneration: Tea, trust, and the quest for co-design at precinct scale. *Land Use Policy*, 52, 363-373.
42. Grant, J. (2012). Regenerating out crime: The impact of an urban regeneration programme on safety and security in a Dublin suburb.
43. Hancock, L. (2001). *Community, crime and disorder: Safety and regeneration in urban neighbourhoods*. Springer.
44. Heath, S. C., Rabinovich, A., & Barreto, M. (2017). Putting identity into the community: Exploring the social dynamics of urban regeneration. *European Journal of Social Psychology*, 47(7), 855-866.
45. Henry, E., Menzies, D., Paul, J., Kahungunu, N., & Ngāpuhi, N. T. (2019, December). Urban regeneration and social cohesion. In *State of Australian Cities Conference*.
46. Hibbitt, K., Jones, P., & Meegan, R. (2001). Tackling social exclusion: The role of social capital in urban regeneration on Merseyside—From mistrust to trust? *European Planning Studies*, 9(2), 141-161.
47. Hussein, S. H., Abdulla, Z. R., & Salih, N. M. M. (2019). Urban regeneration through post-war reconstruction: Reclaiming the urban identity of the old city of Mosul. *Periodicals of Engineering and Natural Sciences*, 7(1), 294-301.
48. Hwang, K. H. (2014). Finding urban identity through culture-led urban regeneration. *Journal of Urban Management*, 3(1-2), 67-85.
49. Kalantari, S., & Huang, Y. (2018). Community-led regeneration: Applying the experience of the 'community facilitator' in Iran to China. *Journal of Urban Regeneration & Renewal*, 11(3), 293-306.



50. Kearns, A. (2003). Social capital, regeneration and urban policy. In *Urban renaissance?* (pp. 37-60). Policy Press.
51. Kim, G., Newman, G., & Jiang, B. (2020). Urban regeneration: Community engagement process for vacant land in declining cities. *Cities*, 102, 102730.
52. Kim, J. Y., & Kim, J. H. (2022). Urban regeneration involving communication between university students and residents: A case study on the Student Village Design Project. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(23), 15834.
53. Kim, K., Križnik, B., & Kamvasinou, K. (2021). Between the state and citizens: Changing governance of intermediary organisations for inclusive and sustainable urban regeneration in Seoul. *Land Use Policy*, 105, 105433.
54. Korkmaz, C., & Balaban, O. (2020). Sustainability of urban regeneration in Turkey: Assessing the performance of the North Ankara Urban Regeneration Project. *Habitat International*, 95, 102081.
55. Kort, M., & Klijn, E. H. (2013). Public-private partnerships in urban regeneration: Democratic legitimacy and its relation with performance and trust. *Local Government Studies*, 39(1), 89-106.
56. Lawson, L., & Kearns, A. (2010). Community engagement in regeneration: Are we getting the point? *Journal of Housing and the Built Environment*, 25(1), 19-36.
57. Lee, J. H., & Lim, S. (2018). An analytic hierarchy process (AHP) approach for sustainable assessment of economy-based and community-based urban regeneration: The case of South Korea. *Sustainability*, 10(12), 4456.
58. Lee, J. H., Seo, E. K., & Lim, J. H. (2009). Analyses on type and characteristics of urban regeneration for establishment of urban identity. *KIEAE Journal*, 9(5), 85-96.
59. Li, K., Huang, R., Liu, G., Shrestha, A., & Fu, X. (2022). Social capital in neighbourhood renewal: A holistic and state of the art literature review. *Land*, 11(8), 1202.
60. Li, X., Zhang, F., Hui, E. C. M., & Lang, W. (2020). Collaborative workshop and community participation: A new approach to urban regeneration in China. *Cities*, 102, 102743.
61. Liu, B., Lu, X., Hu, X., Li, L., & Li, Y. (2022). What's wrong with the public participation of urban regeneration project in China: A study from multiple stakeholders' perspectives. *Engineering, Construction and Architectural Management*, 29(1), 91-109.
62. Lomas, M. J., Ayodeji, E., & Brown, P. (2021). Experiences of place attachment and mental wellbeing in the context of urban regeneration. *Health & Place*, 70, 102604.
63. Lupton, R., & Tunstall, R. (2008). Neighbourhood regeneration through mixed communities: A 'social justice dilemma'? *Journal of Education Policy*, 23(2), 105-117.
64. Maginn, P. J. (2007). Towards more effective community participation in urban regeneration: The potential of collaborative planning and applied ethnography. *Qualitative Research*, 7(1), 25-43.
65. McCarthy, J. (2010). Social justice and urban regeneration policy in Scotland. *Urban Research & Practice*, 3(3), 241-256.
66. McDonald, S., Malys, N., & Maliene, V. (2009). Urban regeneration for sustainable communities: A case study. *Ukio Technologinis Ir Ekonominis Vystymas*, 15(1), 49-59.
67. Meegan, R. (2003). Urban regeneration, politics and social cohesion: The Liverpool case. In *Reinventing the city* (pp. 53-79).
68. Meegan, R., & Mitchell, A. (2001). 'It's not community round here, it's neighbourhood': Neighbourhood change and cohesion in urban regeneration policies. *Urban Studies*, 38(12), 2167-2194.
69. Miśkowiec, M., & Masierek, E. (2023). Factors and levels of community participation using the example of small-scale regeneration interventions in selected neighbourhood spaces in Polish cities. *Urban Research & Practice*, 16(5), 797-821.
70. Moreira de Souza, T. (2019). Urban regeneration and tenure mix: Exploring the dynamics of neighbour interactions. *Housing Studies*, 34(9), 1521-1542.
71. Muminovic, M. I. L. I. C. A. (2016). Place identity and sustainable urban regeneration: Public space in Canberra City Centre. *Urban Regeneration & Sustainability*, 374.
72. Oh, H., Jang, I. S., & Hwang, H. Y. (2016). Impacts of awareness of urban regeneration project on place attachment: Focused on urban regeneration project of Jungang-dong in Cheongju. *Journal of the Korean Association of Regional Geographers*, 22(3), 643-654.
73. Ozden, P. (2008). Looking at urban regeneration from the viewpoint of urban safety: Istanbul's crime areas. *WIT*



Transactions on Ecology and the Environment, 117, 579-590.

74. Pan, Y., & Cobbinah, P. B. (2023). Embedding place attachment: Residents' lived experiences of urban regeneration in Zhuanghe, China. *Habitat International*, 135, 102796.
75. Pourzakarya, M., & Fadaei Nezhad Bahramjerdi, S. (2021). Community-led regeneration practice in Ghalam Gudeh District, Bandar Anzali, Iran: A participatory action research (PAR) project. *Land Use Policy*, 105, 105416.
76. Roberts, P., & Sykes, H. (2000). *Urban regeneration: A handbook*. London: SAGE Publications.
77. Robinson, J. B. (2008). Crime and regeneration in urban communities: The case of the big dig in Boston, Massachusetts. *Built Environment*, 34(1), 46-61.
78. Samara, T. R. (2010). Policing development: Urban renewal as neo-liberal security strategy. *Urban Studies*, 47(1), 197-214.
79. Savini, F. (2011). The endowment of community participation: Institutional settings in two urban regeneration projects. *International Journal of Urban and Regional Research*, 35(5), 949-968.
80. Sedova, A., & Celani, A. (2023). Urban regeneration: What are the architectural trends? In *Proceedings of the International Scientific and Practical Symposium "The Future of the Construction Industry: Challenges and Development Prospects"* (Vol. 457, Article 03016).
81. Seo, U. S. (2020). Urban regeneration governance, community organizing, and artists' commitment: A case study of Seongbuk-dong in Seoul. *City, Culture and Society*, 21, 100328.
82. Shin, B. (2022). Determinants of social capital from a network perspective: A case of Sinchon regeneration project using exponential random graph models. *Cities*, 120, 103419.
83. Srivatharan, A., Jørgensen, T. S. H., Lund, R., Nygaard, S. S., & Kristiansen, M. (2023). 'They are breaking us into pieces': A longitudinal multi-method study on urban regeneration and place-based social relations among social housing residents in Denmark. *Health & Place*, 79, 102965.
84. Sushil, P. (2012). Interpreting the Interpretive Structural Model. *Global Journal of Flexible Systems Management*, 13(2), 87-106.
85. Ujang, N., & Zakariya, K. (2015). The notion of place, place meaning and identity in urban regeneration. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 170, 709-717.
86. Ujang, N., Moulay, A., & Zakaria, J. (2018). Visitors' attachment to historic tourism places in Kuala Lumpur city centre towards sustainable urban regeneration. *Environment-Behaviour Proceedings Journal*, 3(9), 165-172.
87. Van Eijk, G., & Engbersen, R. (2011). Facilitating 'light' social interactions in public space: A collaborative study in a Dutch urban renewal neighbourhood. *Journal of Urban Regeneration & Renewal*, 5(1), 35-50.
88. Wang, H., Zhao, Y., Gao, X., & Gao, B. (2021). Collaborative decision-making for urban regeneration: A literature review and bibliometric analysis. *Land Use Policy*, 107, 105479.
89. Warfield, J. N. (1973). Binary matrices in system modeling. *IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics*, (5), 441-449.
90. Warfield, J. N., & Cárdenas, A. R. (1994). *A handbook of interactive management*. Ames, IA: The Iowa State University Press.
91. Wilkie, S., & Michialino, P. (2014). The influence of participative co-production use for urban public-space regeneration on residents' perceptions of life satisfaction and social cohesion. *Journal of Architectural and Planning Research*, 271-281.
92. Yang, J., Yang, L., & Ma, H. (2022). Community participation strategy for sustainable urban regeneration in Xiamen, China. *Land*, 11(5), 600.
93. Yarker, S. (2018). Tangential attachments: Towards a more nuanced understanding of the impacts of cultural urban regeneration on local identities. *Urban Studies*, 55(15), 3421-3436.
94. Zhai, B., & Ng, M. K. (2013). Urban regeneration and social capital in China: A case study of the Drum Tower Muslim District in Xi'an. *Cities*, 35, 14-25.
95. Zhang, S. (2024). *Through urban regeneration to improve urban security: Some research and guide for Turin* (Doctoral dissertation, Politecnico di Torino).
96. Zhang, Y., Kang, S., & Koo, J. H. (2021). Perception difference and conflicts of stakeholders in the urban regeneration project: A case study of Nanluoguxiang. *Sustainability*, 13(5), 2904.

What is the role of urban environment in the citizens' mental health? Learning from the published studies in Iran

Fatemeh Shahvaran ¹, Hajar Asadpour ^{2,*}

1. Ph.D. Candidate in Urban Planning & Design, Department of Urban Planning & Design, Faculty of Art & Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.
2. Ph.D. in Urbanism, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture & Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

ABSTRACT

Understanding and achieving a deeper perception of urban environments as components of a city's structure in adaptation to psychological effects can create urban spaces with desirable environmental quality and citizens' mental health. A deep look at the studies conducted by conducting a systematic review will largely consolidate the domestic literature in this field and clarify its continuation. This study aims to review domestic-related research in terms of urban environments and mental health based on the systematic review method and quantitative and qualitative content analysis. After reviewing the research in scientific databases related to urban studies and eliminating and monitoring articles through the PRISMA process, 43 studies were selected, and their content has been reviewed and analyzed in terms of time, journal, study origin, type of scale of the study space, research method and approach, keywords, focus of study objectives, and research findings. The results show that; Over time, concerns about mental health in urban environments have increased, and the weakness of using repetitive methods and tools in domestic research is evident; therefore, the combined application of quantitative-qualitative approaches can lead to more efficient results in subject literature. Qualitative findings also indicate that the objectives of the selected studies are mainly focused on the study category of environmental dimensions and quality, urban green landscape, and physical-spatial components concerning mental health. The mental health of individuals is affected by two environmental aspects (Physical, Social, Functional, Perceptual-Visual, Ecological, Access, Safety and Security, and Economic dimensions) and the individual. Among them, the perceptual-visual dimension has the greatest diversity of indicators after the individual component in the research. After these two dimensions, the Physical, Social, Functional, and Ecological dimensions were placed, and the Accessibility, Safety, Security, and Economic dimensions were used in the final positions, respectively, due to the multitude of indicators.

Highlights

- The objectives of the selected research are mainly focused on the study category of environmental dimensions and quality, urban green landscape, and physical-spatial components concerning mental health.
- The mental health of individuals is affected by two environmental aspects (physical, social, functional, perceptual-visual, environmental, accessibility, safety and security, and economic) and individual.
- The weakness of using repetitive methods and tools in domestic research and sometimes the lack of compliance with the requirements of the correct research structure is evident in some of them.

ARTICLE INFO

Received	22/07/2024
Revised	05/08/2024
Accepted	15/08/2024
Available Online	16/09/2024

Keywords

Urban Studies
Urban Environment
Mental Health
Systematic Review



Citation of the article

Shahvaran, F., & Asadpour, H. (2024). What role do urban environments play in the mental health of citizens? Lessons from studies conducted in Iran. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 257-284.

*Shiraz, West Qudousi Blvd., Sobhani St., Mabaas Apartment, Block. 110, Unit 10.

Author Corresponding:

Email: h.asadpour@avi.ac.ir

Phone: +989177907669

Introduction: In recent decades, the rapid growth of urbanization has reached a point where it is projected that 68% of the global population will reside in urban areas by 2050. The widespread migration from rural to urban areas over the past decades highlights the allure of urban living for modern humans. However, despite its numerous advantages, urbanization has led to a decline in environmental quality and the emergence of social and psychological challenges, negatively impacting citizens' mental health. Studies indicate that urban environments and modern lifestyles have given rise to psychological challenges at various levels. On the other hand, mental health, recognized as a fundamental human right, has become one of the most critical issues related to urban ecosystems. Consequently, mental health has been incorporated as a key component of policymaking agendas and global health guidelines, including those of the World Health Organization. Recent studies in environmental psychology and sustainable urban design have focused on creating urban spaces that prioritize the mental and physical well-being of citizens. Nevertheless, a comprehensive systematic review of the domestic literature in this field is still lacking. The present study aims to examine and analyze domestic research on urban environments and mental health systematically, using the PRISMA checklist, covering the period from 2013 onward. This study seeks to identify research gaps, outline relevant research trajectories on mental health within urban contexts, and propose strategic pathways for future design and planning initiatives in this domain.

Materials and Methods: This research employs a descriptive-analytical approach and systematically examines domestic studies on mental health and urban environments. Utilizing the PRISMA checklist, the keyword "mental health" was searched across reputable domestic databases such as Magiran, SID, and the Comprehensive Humanities Portal. Through a multi-stage screening process, a subset of studies was filtered and refined based on specific criteria (e.g., lack of a structured research article format, irrelevance to urban design and planning, unavailability of complete article files, etc.). Ultimately, 43 selected studies were analyzed. The content and structure of these studies were thoroughly reviewed from a descriptive and qualitative perspective to assess the progression of the articles in detail.

Findings: The findings of this research, derived from a content analysis of the selected articles, are presented within two frameworks: descriptive findings and qualitative findings. The descriptive findings include the time of publication, frequency of journals, research origin, type of spatial scale, and the approach and methodology of the studies. The qualitative findings focus on the frequency and emphasis of keywords, research themes, and findings derived from the content analysis. The descriptive findings reveal that the focus on mental health in urban environments has grown over time, reflecting increased concerns about psychological challenges and a shift towards human-centered urban design in recent years. These studies have been predominantly published in a range of reputable domestic journals. The research origin of place-based studies is largely concentrated in metropolitan areas, with most studies conducted at micro and meso spatial scales, particularly within urban neighborhoods. Most studies adopt a quantitative approach, often employing descriptive-analytical methodologies, followed by qualitative content analysis and literature reviews. The sampling strategies primarily target urban residents, typically adults, living in specific residential complexes, neighborhoods, or urban regions, with simple random sampling being the most commonly used method. The selected studies show a high degree of similarity in their tools and techniques. The qualitative findings indicate that "mental health" is closely associated with concepts such as presence experience and mindfulness, aesthetics and environmental preference, happiness and depression, social capital, social vitality, walkability, citizen participation, urban ecology, age-friendly cities, and urban regeneration. The research objectives emphasize themes such as:

- a) Environmental dimensions and qualities (with the conceptual themes of environmental quality, environmental design, urban design, physical environment, quality of urban life, environmental dimensions, public space, urban landscape and abandoned space)



- b) Urban green landscape (with the conceptual themes of nature, urban green environment, environmental sustainability, garden, urban green space, urban park, green infrastructure, urban landscape)
- c) Physical-spatial components of the environment (with the conceptual themes of physical-spatial characteristics, spatial quality, density, characteristics of the built environment, characteristics of the physical environment, physical component, urban furniture, urban arts) in relation to mental health.

Mental health is broadly influenced by two dimensions: environmental and individual. The environmental dimension includes aspects such as physical, social, functional, perceptual-visual, environmental, accessibility, safety and security, and economic factors, with perceptual-visual dimensions being most frequently associated with mental health after individual factors. Environmental factors affect citizens' interaction with urban spaces, ultimately influencing their mental health. Similarly, individual factors directly impact mental health by fostering attributes like self-confidence, motivation, creativity, and stress reduction.

The analysis of recommendations reveals that about three-quarters of the selected studies, despite having structured research frameworks, fail to offer actionable suggestions to guide readers toward future paths in their specific research domains. This is identified as a significant weakness in the structural quality of the articles. Additionally, the provided recommendations are often general, articulated in the form of strategic or policy-oriented proposals for planning and design.

Discussion and Conclusion: Urban environments, as key factors influencing citizens' mental health, have garnered significant attention from researchers in recent years. This study aimed to provide a novel and in-depth approach to investigating the impact of urban environments on citizens' mental health. The trends in domestic research over the period examined indicate an increasing focus on this field of study. Mental health is affected by various dimensions of the urban environment, particularly the perceptual-visual dimension. The primary research objectives have also centered around environmental quality dimensions and urban green landscapes. However, domestic research demonstrates weaknesses such as repetitive use of research methods, a lack of systematic data analysis, and limited innovation in research structure. A critical review of the formality of the articles suggests that the problem statement sections often follow a similar pattern, with researchers claiming no prior studies in their chosen area. This claim frequently stems from insufficient examination of prior research or merely an unfounded attempt to justify the novelty of their work. Overlooking research limitations and the failure to propose practical solutions based on research findings are additional shortcomings. Although limited studies have been conducted in recent years on mental health in urban studies, no deeply innovative or distinct research has been observed among these efforts. This study sought to chart a course for future research in this field by focusing on environmental factors and developing innovative tools for assessment. The authors recommend that future studies employ advanced techniques, combined quantitative-qualitative approaches, and localized standard tools. Emphasis should also be placed on diversifying study population groups and extending the scope of research to contemporary and trending concepts within the field.

Declarations

Conflict of Interest

The authors declare no conflicts of interest related to this research.

Funding

This research did not receive any financial support from governmental or private organizations.

Informed Consent

All participants in this study provided their informed consent in writing.

Authors' Contributions:

Conceptualization: Hajar Asadpour and Fatemeh Shahvaran; Data Curation and Investigation: Hajar Asadpour; Formal analysis: Hajar Asadpour and Fatemeh Shahvaran; Illustrations: Most by Fatemeh Shahvaran and some by Hajar Asadpour;

Acknowledgments:

No acknowledgments have been reported by the authors.

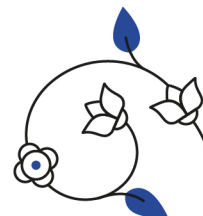
References

1. Abdullahzadeh-Fard, A., & Shams-Dini, A. (2020). The role of neighborhood environmental quality in the mental and psychological health of residents (A case study of the Sang Siah neighborhood, Shiraz metropolis). *Urban Planning Journal*, 4(2), 95–114. [In Persian].
2. Abron, A. A., Gharaei, F., & Tabatabaeian, M. (2018). Analysis of urban environmental quality dimensions affecting citizens' mental health levels: A study of Bahar and Enghelab-e Eslami neighborhoods in Sabzevar city. *Arman-Shahr Architecture and Urban Development*, 11(25), 251–263. [In Persian].
3. Alizadeh, A., Danesh, P., Maleki, E., & Javaheri, F. (2023). The social factors influencing the mental health of women compared to men. *Social-Psychological Studies of Women*, 1(21), 121–149. [In Persian].
4. Andreucci, M. B., Russo, A., & Olszewska-Guizzo, A. (2019). Designing urban green-blue infrastructure for mental health and elderly wellbeing. *Sustainability*, 11, 6425.
5. Arasteh, M., & Heidarzadeh, E. (2020). Explanation of criteria affecting citizens' presence experience and their mental health enhancement in natural recreational environments in Tabriz city. *Geography and Environmental Planning*, 31(4), 95–112. [In Persian].
6. Asgari, A., Behzadfar, M., & Naghi, E. (2020). The mechanism of the impact of natural visual corridors in the city of Hamadan on the mental health of citizens. *Iranian Architecture and Urban Development*, 11(20), 111–128. [In Persian].
7. Ashkani, S. (2024). A study on the impact of social networks and emotional online relationships on students' mental health and quality of life (structural equation modeling). *New Approach to Children's Education*, 6(1), 61–73. [In Persian].
8. Azimi-Almira, S., Sattar-Zadeh-Dariush, D., Belilian, L., Abdullahzadeh-Taraf, E., & Farahmari-Asl, M. (2020). Evaluating the impact of physical-environmental factors of public spaces on the mental health of citizens (A case study of the city of Ardabil). *Journal of Applied Geographic Sciences*, 20(59), 307–319. [In Persian].
9. Bilger, M., & Carrieri, V. (2013). Health in the cities: When the neighborhood matters more than income. *Journal of Health Economics*, 32(1), 1–11.
10. Cao, S., Song, C., Jiang, S., Luo, H., Zhang, P., Huang, Y., Yu, J., Li, K., Li, N., Guo, B., & Li, X. (2024). Effects of urban greenway environmental types and landscape characteristics on physical and mental health restoration. *Forests*, 15, 679.
11. Choi, H. S. (Sunny), Bruyns, G., Cheng, T., Zhang, W., & Sharma, S. (2024). Human cognition and emotions for human-centred design in vertical interior urban spaces. *Journal of Urban Design*, 1–24.
12. Clark, C., Myron, R., Stansfield, S. A., & Candy, B. (2007). A systematic review of the evidence on the effect of the built and physical environment on mental health. *Journal of Public Mental Health*, 6(2), 14–27.
13. Dehghan, F., Golkar, K., & Hakimian, P. (2022). The role of urban design in mental health: Explaining a conceptual framework of the relationship between urban environment qualities and the mental health of city residents with an emphasis on depression. *Armanshahr Architecture and Urban Development*, 15(38), 199–215. [In Persian].
14. Enayati, E., Qamarani, E., & Abedi, E. (2021). The effect of urban space on the mental and social health of children and adolescents in Isfahan. *Geography and Environmental Studies*, 10(38), 37–47. [In Persian].
15. Esmaeili, M., Eslam-Karami, A., & Dehghan-Mongabadi, A. (2024). The role of perceptual-aesthetic components of place in residents' mental health: Case study of Talare Gorgan residential complexes. *Geography and Planning*, 28(88), 416–443. [In Persian].
16. Evered, E. (2016). The role of the urban landscape in restoring mental health in Sheffield, UK: Service user perspectives. *Landscape Research*, 41(6), 678–694.
17. Fanaei, S., & Haqiqat-Nayini, G. R. (2021). Environmental stress factors affecting the mental health of neighborhood residents. *Urban Design Studies and Urban Research*, 2(15), 1–16. [In Persian].
18. Faraji, M., Rostami, R., & Shabak, M. (2023). The impact of neighborhood environmental characteristics on mental health with an emphasis on the mediating variable of residents' preferences. *Quarterly Journal of Urban and Regional Development Planning*, 8(27), 133–162. [In Persian].
19. Farzad Behtash, M. R., & Sarlak, S. (2021). Organizing Golha Square in the Marzadaran neighborhood with a child-friendly



- city approach to enhance the mental health of children. *Armanshahr Architecture and Urban Development*, 14(34), 183–191. [In Persian].
20. Forough-Mand A'arabi, H., & Karimi-Fard, L. (2015). Age-friendly city and design criteria for senior citizens' social interaction centers with a focus on mental health. *Urban Management*, 13(39), 7–34. [In Persian].
 21. Ghafari-Gilandeh, A., & Mohammadi, C. (2023). Investigating the urban environment and landscape condition and its relationship with the mental health of citizens in the city of Paveh. *Geography and Human Relations*, 5(4), 262–280. [In Persian].
 22. Ghasemi-Siyani, M., & Fertash-Mohr, N. (2023). Examining the role of public spaces in the mental health of citizens: A case study of District 2 in Kermanshah Municipality. *Geography and Human Relations*, 6(2), 628–642. [In Persian].
 23. Gholandarian, E., & Younesi, Z. (2020). Visual reflection of child-friendly urban spaces in the paintings of children aged 7–12. *City Identity*, 15(47), 15–28. [In Persian].
 24. Ginter, E. J. (1999). Contribution to the developmentally based life skill approach. *Journal of Mental Health Counseling*, 21(3), 191–202.
 25. Gu, D., Zhu, H., Brown, T., Hoenig, H., & Zeng, Y. (2016). Tourism experiences and self-rated health among older adults in China. *Journal of Aging Health*, 28, 675–703.
 26. Haghi, M. R., & Heidarzadeh, E. (2022). The impact of urban neighborhood environmental quality on maintaining citizens' mental health during the COVID-19 pandemic: A case study of Kermanshah city. *Environmental Risk Management*, 9(1), 17–30. [In Persian].
 27. Hakimian, P., & Mazhari, M. (2020). Developing a conceptual framework to explain urban design qualities related to residents' mental health. *Urban Design Discourse: A Review of Contemporary Literature and Theories*, 1(1), 17–11. [In Persian].
 28. Hashempour, E. R., & Ezatimehr, M. R. (2021). The impact of green spaces (neighborhood parks) on the mental health (happiness) of residents: A case study of the Mirdamad and Maqsoodiyeh neighborhoods in Tabriz. *Construction Engineering and Management*, 6(2), 22–28. [In Persian].
 29. Hosseini, S. H. (2023). Investigating the relationship between urban artificial environment features and citizens' mental health: A study of Mashhad city. *Urban Structure and Function Studies*, 10(36), 233–257. [In Persian].
 30. Iamtrakul, P., Chayphong, S., & Hayashi, Y. (2024). An integrative investigation of travel satisfaction, streetscape perception, and mental health in urban environments. *Sustainability*, 16, 3526.
 31. Jowadzadeh, M., Loolaki, M., & Abedpour, E. (2022). The importance of the Persian garden in creating a sense of vitality and improving physical and mental health. *Architecture Studies*, 5(23), 139–152. [In Persian].
 32. Jowind, L. (2020). Examining the relationship between identity and urban sculptures and their impact on women's mental health in the city. *Journal of Visual and Applied Arts*, (27), 33–44. [In Persian].
 33. Kamalifar, F., & Fanaei, S. (2022). The relationship between urban spaces and the mental health of women. *Green Architecture Journal*, 8(30), 99–108. [In Persian].
 34. Karimi, F., Chareh-Joo, F., & Keta-Allah, K. (2022). Assessing the impact of urban design qualities on the mental health and happiness of citizens: A case study of the Chaharbagh and Souran neighborhoods in Sanandaj. *Geography and Environmental Planning*, 33(4), 27–48. [In Persian].
 35. Keyes, C. M., & Shapiro, A. (2004). Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology. In O. G. Brim, C. D. Ryff, & R. C. Kessler (Eds.), *How healthy are we? A national study of well-being at midlife* (pp. 350–372). The University of Chicago Press.
 36. Khomenko, S., Nieuwenhuijsen, M., Ambros, A., Wegener, S., & Mueller, N. (2020). Is a liveable city a healthy city? Health effects of urban and transport planning in Vienna, Austria. *Environmental Research*, 183, 109238.
 37. Mansouri-Moradian, S., Shams, M., & Malek-Hosseini, A. (2018). Explaining the indicators of social capital for enhancing social vitality and mental health of citizens: A case study of Hamadan city. *Quarterly Journal of New Perspectives in Human Geography*, 11(1), 284–299. [In Persian].
 38. Masoudi-Mena, P. J. M. R. (2023). Happy aging: A systematic review of research on the mental health of elderly people in Iran: A co-occurrence study. *Quarterly Journal of Psychological Health Research*, 17(4), 101–117. [In Persian].
 39. Melis, G., Gelormino, E., Marra, G., Ferracin, E., & Costa, G. (2015). The effects of the urban built environment on mental health: A cohort study in a large northern Italian city. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 12(11), 14898–14915.
 40. Mir-Helmi, M., Ghara-Begloo, M., & Nozomani, N. (2017). Evaluating the impact of social and physical dimensions of neighborhood environments on the mental health and well-being of residents: A case study of the Roshdieh neighborhood in Tabriz. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 22(2), 63–74. [In Persian].
 41. Moghaddai-Khorasgani, E., Aminzadeh-Goharrizi, B., & Sepehri, H. R. (2022). Urban space design to enhance mental

- health: A case study of Hafez Street in Isfahan. *Iranian Urban Planning*, 5(8), 48–68. [In Persian].
42. Moghani-Rahimi, K., Behzadfar, M., & Jalili-Sadrabad, S. (2023). Explaining the relationship between the city and mental health using content analysis and MAXQDA software. *City Identity*, 17(54), 33–52. [In Persian].
 43. Monfries, J. (2020). The psychological effects of urban design. *Topophilia: The Human Geography and Planning Student Journal*, 46–52.
 44. Nawrath, M., Guenat, S., Elsey, H., & Dallimer, M. (2021). Exploring uncharted territory: Do urban greenspaces support mental health in low- and middle-income countries? *Environmental Research*, 194, 110625.
 45. Nazmfar, H., Barkbaf, N. S., & Vafadari-Komari Ali, D. (2024). Investigating the role of urban parks in citizen tranquility with a focus on improving mental health. *Environmental Science Studies*, 9(2), 8429–8440. [In Persian].
 46. Pfeiffer, D., & Cloutier, S. (2016). Planning for happy neighborhoods. *Journal of the American Planning Association*, 82(3), 267–279. <https://doi.org/10.1080/01944363.2016.1166347>
 47. Pourahmad, A., Farhadi, A., Ghorbani, R., & Doroodi-Nia, A. (2018). The impact of urban landscapes on citizens' mental health (case study: Districts 2 and 9 of Tehran city). *Sustainable City Quarterly*, 1(3), 17–33. [In Persian].
 48. Pourbasat, V., Alfti, F., Beiranvandzadeh, M., Yousefzadeh, Z., & Sobhani, N. (2020). Evaluation of psychological health performance in urban spaces: A case study of Boroujerd city. *Environmental Science and Technology*, 22(2), 179–193. [In Persian].
 49. Prasad, A., Gray, C. B., Ross, A., & Kano, M. (2016). Metrics in urban health: Current developments and future prospects. *Annual Review of Public Health*, 37, 113–133.
 50. Raouf, F., Motamedi, M., & Pourahmad, A. A. (2023). Explaining the social participation indicators to enhance social and mental health of Shirvan citizens with an emphasis on environmental participation. *Urban Future Studies Quarterly*, 3(8-1), 30–45. [In Persian].
 51. Razm-Ahang, V., & Kashmiri, H. (2023). Evaluation and examination of the role of physical-environmental components in the mental health of residential complex residents. *New Architectural Research*, 3(1), 7–21. [In Persian].
 52. Rugel, E. (2015). *Green space and mental health: Pathways, impacts, and gaps*. Vancouver, BC: National Collaborating Centre for Environmental Health.
 53. Saberi-Far, R. (2018). Examining the relationship between the functions of different urban parks and the mental health of the elderly. *Health-Oriented Research Journal*, 4(3), 289–300. [In Persian].
 54. Saidi-Mofrad, S., & Golroo, E. (2019). Evaluation of improving mental health in abandoned urban spaces with a focus on creating a healthy city: A case study of Mashhad. *Geography and Human Relations*, 2(2), 58–82. [In Persian].
 55. Samadi, F., & Delir, M. (2020). The role of mental and social health in the sexual health of elderly women. *Quarterly Journal of Social Psychological Research*, 10(40), 21–42. [In Persian].
 56. Shahabi Shahmiri, M., & Khatami, S. M. (2020). Developing a research agenda on the relationship between the built environment and mental health. *Urban Structure and Function Studies*, 7(25), 85–114. [In Persian].
 57. Shams, M., & Moradi, K. (2014). Urban furniture and its impact on mental health (A case study of Malayer). *Quarterly Journal of New Perspectives in Human Geography*, 25, 78–102. [In Persian].
 58. Shia, E., Zahra-Sadat Saeedeh Zarabadi, M., & Yazdanpanahi, M. (2013). Investigating and explaining the concept of a healthy neighborhood in traditional Iranian neighborhoods. *Urban and Regional Studies and Research*, 17, 1–20. [In Persian].
 59. Sturm, R., & Cohen, D. (2014). Proximity to urban parks and mental health. *The Journal of Mental Health Policy and Economics*, 17(1), 19.
 60. Sugiyama, T., Leslie, E., Giles-Corti, B., & Owen, N. (2008). Associations of neighbourhood greenness with physical and mental health: Do walking, social coherence and local social interaction explain the relationships? *Journal of Epidemiology and Community Health*, 62(9), 118–125.
 61. Tabatabaian, M., & Tamanei, M. (2013). The role of built environments in mental health. *Armanshahr Architecture and Urban Development*, 6(11), 101–109. [In Persian].
 62. Taheri, T., & Taheri, J. (2019). Evaluation of environmental factors affecting mental health in residential complexes (A case study of the 512 and 600-unit complexes in Mashhad). *City Identity*, 13(4), 57–74. [In Persian].
 63. Torkali, N., & Majedi, H. (2013). The role of green and natural environments in promoting mental well-being. *Urban Identity*, 13, 23–33. [In Persian].
 64. UN-Habitat. (2022). *World cities report*. Nairobi, Kenya: United Nations Human Settlements Programme.
 65. Vahid Chokdeh, H., Khampour-Shamsabadi, M. R., & Sobhati-Lo, A. (2023). The role of knowledge commercialization in explaining the psychological health of students: A narrative review study. *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 10(4), 109–125. [In Persian].
 66. Vanaken, G. J., & Danckaerts, M. (2018). Impact of green space exposure on children's and adolescents' mental health: A systematic review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 15(12), 2668.



67. Velayati, Sh., & Rezaei-Tabrizi, S. (2024). Investigating the impact of physical components on the enhancement of citizens' mental health in urban spaces (A case study of Ainali and El-Goli in Tabriz). *Geography and Planning*, 28(87), 337–357. [In Persian].
68. Wahabi-Qashlaghi, S., Safavi, S. A., Lak, A., & Rashedi, V. (2023). The built and social environment and the mental health of the elderly at the neighborhood scale: A case study in Qazvin. *Discourse in Urban Design: A Review of Contemporary Literature and Theories*, 4(3), 103–118. [In Persian].
69. Wells, N. M., & Evans, G. W. (2003). Nearby nature: A buffer of life stress among rural children. *Environment and Behavior*, 35(3), 311–330.
70. Wen, M., Fan, J., Jin, L., & Wang, G. (2010). Neighborhood effects on health among migrants and natives in Shanghai, China. *Health and Place*, 16(3), 452–460.
71. Zhang, Y., Mavoa, S., Zhao, J., Raphael, D., & Smith, M. (2020). The association between green space and adolescents' mental well-being: A systematic review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(18), 6640.
72. Zhao, J., Wu, J., & Wang, H. (2020). Characteristics of urban streets in relation to perceived restorativeness. *Journal of Exposure Science & Environmental Epidemiology*, 30(2), 309–319.
73. Zheng, Y., Cheng, B., Dong, L., Zheng, T., & Wu, R. (2024). The moderating effect of social participation on the relationship between urban green space and the mental health of older adults: A case study in China. *Land*, 13, 317.
- 74.

Note for Readers:

This paper contains an identical English abstract in two sections:

Abridged Paper: To provide an overview for international readers.

Persian Section: To meet the standardized structure of Persian academic publications.

This repetition is intentional to ensure alignment with academic standards and facilitate readability for both audiences. Readers are encouraged to review the full paper for comprehensive details.

یادداشت برای خوانندگان:

این مقاله شامل یک چکیده انگلیسی در دو بخش است:

Abridged Paper: برای ارائه یک دید کلی به خوانندگان بین‌المللی.

بخش فارسی: به منظور رعایت استانداردهای ساختار مقالات علمی فارسی.

تکرار این چکیده، با هدف انطباق با استانداردهای علمی و تسهیل مطالعه برای هر دو گروه از مخاطبان طراحی شده است. خوانندگان می‌توانند برای دریافت جزئیات کامل، به متن اصلی مقاله مراجعه کنند.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the International Journal of Iranian Urban design studies (IUDS). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.





محیط‌های شهری چه نقشی بر سلامت روان شهروندان دارند؟ درس‌آموزی از مطالعات انجام‌شده در ایران

فاطمه شاهوران^۱، هاجراسدپور^{۲*}

۱. پژوهشگر دکتری شهرسازی، بخش شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، ایران.
۲. دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

مشخصات مقاله

چکیده

تاریخ ارسال ۱۴۰۳/۰۵/۰۱
تاریخ بازنگری ۱۴۰۳/۰۵/۱۵
تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۵/۲۵
تاریخ انتشار آنلاین ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

شناخت و دستیابی به درک عمیق‌تری از محیط‌های شهری به‌مثابه اجزای تشکیل‌دهنده ساختار شهر در تطبیق با اثرات روان‌شناسانه می‌تواند به خلق فضاهای شهری با کیفیت محیطی مطلوب منجر شود. بخش مهمی از سلامت روان شهروندان در گروه همین برآوردهای محیطی شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد نگاهی عمیق به مطالعات انجام‌شده از طریق یک مرور نظام‌یافته تا حدود زیادی ادبیات موضوع داخلی در این حوزه را منسجم سازد و ادامه مسیر آن را روشن نماید. پژوهش پیش رو با هدف مرور پژوهش‌های مرتبط داخلی و درس‌آموزی از آن‌ها در حوزه محیط‌های شهری و سلامت روان در مطالعات شهری، مبتنی بر روش مرور سیستماتیک و تحلیل محتوای کمی و کیفی انجام شده است. پس از بررسی پژوهش‌ها در پایگاه‌های داده علمی مرتبط با مطالعات شهری و حذف و پایش مقالات طی فرایند پریزما، تعداد ۴۳ پژوهش انتخاب شدند و محتوای تمامی آن‌ها در زمینه‌های زمان انتشار، نشریه، خاستگاه مطالعاتی، نوع مقیاس فضای مطالعاتی، روش و رویکرد انجام پژوهش، واژگان کلیدی، تمرکز اهداف مطالعاتی و یافته‌های پژوهشی بررسی و تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد در گذر زمان نگرانی‌ها درباره موضوع سلامت روان در ارتباط با محیط‌های شهری افزایش یافته است و ضعف استفاده از روش و ابزارهای تکراری در پژوهش‌های داخلی مشهود است؛ بنابراین کاربست تلفیقی رویکردهای کمی و کیفی می‌تواند در حوزه ادبیات موضوعی نتایج کارآمدتری در پی داشته باشد. یافته‌های کیفی نیز بیانگر این است که اهداف پژوهش‌های منتخب عمدتاً متمرکز بر مقوله مطالعاتی ابعاد و کیفیت محیطی، منظر سبز شهری و مؤلفه‌های کالبدی فضایی در ارتباط با سلامت روان‌اند. سلامت روان افراد متأثر از دو جنبه محیطی (ابعاد کالبدی، اجتماعی، عملکردی، ادراکی-بصری، زیست‌محیطی، دسترسی، ایمنی، امنیت و اقتصادی) و فردی است و در این میان، بعد ادراکی-بصری پس از مؤلفه فردی، بیشترین تنوع شاخص‌ها را در پژوهش‌ها داشته است.

واژگان کلیدی

مطالعات شهری
محیط شهری
سلامت روان
مرور سیستماتیک

نکات شاخص

- اهداف پژوهش‌های منتخب عمدتاً متمرکز بر مقوله مطالعاتی ابعاد و کیفیت محیطی، منظر سبز شهری و مؤلفه‌های کالبدی-فضایی در ارتباط با سلامت روان‌اند.
- سلامت روان افراد متأثر از دو جنبه محیطی مشتمل بر ابعاد کالبدی، اجتماعی، عملکردی، ادراکی-بصری، زیست‌محیطی، دسترسی، ایمنی و امنیت و اقتصادی و جنبه فردی است.
- ضعف استفاده از روش و ابزارهای تکراری در پژوهش‌های داخلی و عدم رعایت الزامات ساختار صحیح پژوهشی در برخی از آن‌ها مشهود است.

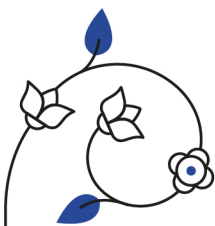
نحوه ارجاع دهی به این مقاله

شاهوران، ف. و اسدپور، ه. (۱۴۰۳). محیط‌های شهری چه نقشی بر سلامت روان شهروندان دارند؟ درس‌آموزی از مطالعات انجام‌شده در ایران. نشریه علمی مطالعات طراحی شهری/ایران، ۱(۱)، ۲۸۴-۲۵۷.

*شیراز، بلوار قدوسی غربی، خیابان سبحانی، آپارتمان‌های مبعث، بلوک ۰۱۱ واحد ۰۱

آدرس پستی نویسنده مسئول: h.asadpour@ui.ac.ir

تلفن: ۰۹۱۷۷۹۰۷۶۶۹





ORIGINAL RESEARCH PAPER

What is the role of urban environment in the citizens' mental health? Learning from the published studies in Iran

Fatemeh Shahvaran¹, Hajar Asadpour^{2,*}

1. Ph.D. Candidate in Urban Planning & Design, Department of Urban Planning & Design, Faculty of Art & Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.
2. Ph.D. in Urbanism, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture & Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

ABSTRACT

Understanding and achieving a deeper perception of urban environments as components of a city's structure in adaptation to psychological effects can create urban spaces with desirable environmental quality and citizens' mental health. A deep look at the studies conducted by conducting a systematic review will largely consolidate the domestic literature in this field and clarify its continuation. This study aims to review domestic-related research in terms of urban environments and mental health based on the systematic review method and quantitative and qualitative content analysis. After reviewing the research in scientific databases related to urban studies and eliminating and monitoring articles through the PRISMA process, 43 studies were selected, and their content has been reviewed and analyzed in terms of time, journal, study origin, type of scale of the study space, research method and approach, keywords, focus of study objectives, and research findings. The results show that; Over time, concerns about mental health in urban environments have increased, and the weakness of using repetitive methods and tools in domestic research is evident; therefore, the combined application of quantitative-qualitative approaches can lead to more efficient results in subject literature. Qualitative findings also indicate that the objectives of the selected studies are mainly focused on the study category of environmental dimensions and quality, urban green landscape, and physical-spatial components concerning mental health. The mental health of individuals is affected by two environmental aspects (Physical, Social, Functional, Perceptual-Visual, Ecological, Access, Safety and Security, and Economic dimensions) and the individual. Among them, the perceptual-visual dimension has the greatest diversity of indicators after the individual component in the research. After these two dimensions, the Physical, Social, Functional, and Ecological dimensions were placed, and the Accessibility, Safety, Security, and Economic dimensions were used in the final positions, respectively, due to the multitude of indicators.

Highlights

- The objectives of the selected research are mainly focused on the study category of environmental dimensions and quality, urban green landscape, and physical-spatial components concerning mental health.
- The mental health of individuals is affected by two environmental aspects (physical, social, functional, perceptual-visual, environmental, accessibility, safety and security, and economic) and individual.
- The weakness of using repetitive methods and tools in domestic research and sometimes the lack of compliance with the requirements of the correct research structure is evident in some of them.

ARTICLE INFO

Received 22/07/2024
Revised 05/08/2024
Accepted 15/08/2024
Available Online 16/09/2024

Keywords

Urban Studies
Urban Environment
Mental Health
Systematic Review

Citation of the article

Shahvaran, F., & Asadpour, H. (2024). What role do urban environments play in the mental health of citizens? Lessons from studies conducted in Iran. *International Journal of Iranian Urban design studies*, 1(1), 257-284.

*Shiraz, West Qudousi Blvd., Sobhani St., Mabaas Apartment, Block. 110, Unit 10.

Author Corresponding:

Email: h.asadpour@ui.ac.ir

Phone: +989177907669



مقدمه

سیل جمعیت که در دهه ۷۰-۶۰ از روستاها به شهرها سرازیر شد، نشان داد انسان معاصر شهر را محلی مناسب برای زندگی قلمداد کرده است. درحالی‌که خود شهر اثر معکوسی بر سلامت انسان گذاشته است (پوربساط و همکاران، ۱۳۹۹)، با ادامه افزایش شهرنشینی، شیوع فزاینده‌ای از افرادی که با مسائل مربوط به سلامت روان و اثرات ناشی از بُعد روان‌شناختی متعدد سروکار دارند، در حال وقوع است (al et Zhao, 2020). رشد سریع شهرنشینی به افزایش نسبت جمعیت جهان در مناطق شهری منجر شده است. این در حالی است که تا سال ۲۰۲۱، جمعیت شهری در سراسر جهان ۵۶ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌داد. پیش‌بینی می‌شود این میزان تا سال ۲۰۵۰ به ۶۸ درصد افزایش یابد (Habitat-UN, 2022). در واقع شهرنشینی پدیده‌ای دویعدی است که ضمن فراهم کردن امکانات و خدمات و ایجاد بستری برای تعاملات اجتماعی و شکوفایی توانایی‌های فردی، می‌تواند مشکلاتی از قبیل شلوغی، آلودگی و کاهش کیفیت محیطی و شرایط نامطلوب اقتصادی را به همراه داشته باشد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷).

از سویی محیط‌های زندگی شهری با تراکم بالا و سبک‌های زندگی نوین، منجر به خستگی ذهنی و مسائل روانی گسترده مابین ساکنان شده است. این موضوع چالش‌های متعدد چشمگیری را در سراسر جهان ایجاد می‌کند (al et Cao, 2024). از سوی دیگر، سلامت نیز به‌مثابه یک حق اساسی برای بشریت، یکی از موضوعات اصلی در بحث اکوسیستم شهری به شمار می‌رود (Keyes & Shapiro, 2004). در این میان، نگرانی‌های ناشی از سلامت روان به‌مثابه یکی از عمده‌ترین بحث‌ها در حیطه سلامت شهری در دهه‌های اخیر اهمیت یافته است. دستورالعمل‌های سازمان جهانی بهداشت (۲۰۱۰) راهبردهای دنبال کردن سلامت روان در سیاست‌های دولتی را ترویج کرده است و مطابق این دستورالعمل تخمین زده‌اند که حدود ۴۵۰ میلیون نفر در سراسر جهان از مشکلات سلامت روان رنج می‌برند (Service Health National, 2012). اختلال‌های رایج سلامت روان مانند اضطراب و افسردگی با ویژگی‌های فردی و اجتماعی و مباحث اقتصادی مرتبط است. مشکلات مرتبط با سلامت روان، با هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم درمان روبه‌روست.

انواع هزینه‌های غیرمستقیم با کاهش بهره‌وری اقتصادی، افزایش نرخ بیکاری را به دنبال دارد؛ اما اطلاعات اندکی درباره تأثیر ساختار شهر بر سلامت وجود دارد (حسینی، ۱۴۰۲ و al et Melis, 2015). شکاف‌های علمی موجود از ادغام مزایای بهداشتی فضای باز شهری در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای عمومی برای ارتقای سلامت و رفاه جلوگیری می‌کند (Evered, 2016). سیر نگران‌کننده عوامل تهدید سلامت شهروندان، برنامه‌ریزان حوزه سلامت و شهر را به مطرح کردن اصطلاح برنامه‌ریزی سلامت سوق داده است. این نوع برنامه‌ریزی به دنبال پیوند محیط شهری با سلامت فیزیکی و روحی ساکنان است. حوزه ادبیات موضوعی انسان‌محور در اوایل دهه ۲۰۱۰ به رسمیت شناخته شد و حدود یک دهه بعد به اوج رسید. درحالی‌که مطالعات مربوط به حوزه روان‌شناسی محیطی از دهه ۱۹۹۰ آغاز به کار کرده و شهرت یافته است (al et Choi, 2024). علاوه بر این، رویکرد «طراحی شهری پایدار» نیز بر طراحی فضاهای عمومی و محله‌های شهری با در نظر گرفتن آسایش و سلامت روانی و فیزیکی ساکنان تأکید دارد (عنایتی و همکاران، ۱۴۰۰).

هدف پژوهش پیش رو، ردیابی خطوط ادبیات آکادمیک مرتبط با این حیطه است که می‌تواند به نفع توسعه عمیق‌تری از ادبیات مطالعات شهری داخلی با تأکید بر سلامت روان شهروندان باشد. در پژوهش‌های داخلی نیز تقریباً هیچ مطالعه مشخصی مبتنی بر مرور نظام‌مند در زمینه انسجام ادبیات موضوعی مطالعات شهری به‌صورت کامل و سازمان‌یافته انجام نشده است. خلأ پژوهشی در این زمینه بیانگر ضرورت پرداختن به این مهم، در پژوهش پیش رو است. سؤال اساسی این است که محیط‌های شهری چه نقشی بر سلامت روان و بازیابی روان‌شناختی شهروندان دارند؟ در همین راستا، پاسخ به این پرسش‌ها که مهم‌ترین اهداف متمرکز پژوهش‌های داخلی انجام‌شده در حوزه محیط شهری و سلامت روان کدام‌اند و ضعف پژوهش‌های داخلی انجام‌شده در حوزه سلامت روان و مطالعات شهری در کدام بخش‌ها مشهود است، در چهارچوب یک مرور نظام‌مند از ادبیات مرتبط می‌تواند راهگشای مسیر طراحان و برنامه‌ریزان شهری باشد و مسیر پژوهش‌های آتی را تغییر دهد و در فرایند نظری پرداختن به موضوع سلامت روان مؤثر باشد. پژوهش پیش رو با هدف مرور سیستماتیک و درس‌آموزی از مطالعات انجام‌شده داخلی در حوزه «محیط شهری» و «سلامت روان» در بازه زمانی ۱۱ سال اخیر (۱۳۹۲ تا اکنون) تدوین شده است. در همین راستا با جمع‌آوری پژوهش‌ها و بررسی ساختار محتوایی آن‌ها مبتنی بر چک‌لیست پریزما، محتوای پژوهش‌های منتخب تحلیل شده است. بدین منظور، با تأکید بر فرایند مرور نظام‌مند، پس از بررسی ادبیات نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط، روش و



فرایند انتخاب پژوهش‌ها بررسی شده و سپس یافته‌های توصیفی و کیفی با رویکرد تحلیلی تشریح شده است.

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

ادبیات موضوع

مفهوم سلامت روان^۱

مفهوم سلامت روان از ویلیام سویتسر که پیشگام اصطلاح «بهداشت روان» بود، سرچشمه گرفت. سلامت روان در رشته‌های مختلف از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و جغرافیا، توصیف و بررسی شده است (La te gnehZ, 2024). یکی از معیارهای سنجش سلامت جوامع، بهداشت روان افراد است. مقوله سلامت در حال حاضر به‌عنوان یکی از مخاطرات مهم و حیاتی، در کشورهای در حال توسعه مطرح است. بُعد سلامت جسمانی (شامل خرده‌مقیاس‌های کارکرد یا محدودیت‌های جسمی، سلامت عمومی و درد بدنی) و بُعد سلامت روانی اجتماعی (شامل خرده‌مقیاس‌های محدودیت‌های اجتماعی، عاطفی رفتاری، عزت‌نفس، سلامت روانی، رفتار و مشکلات خانوادگی) مطابق پرسش‌نامه سلامت کودک^۲ لندگراف^۳ و آبتز^۴ (۱۹۹۶) بر سلامت روان تأثیر گذارند (عنایتی و همکاران، ۱۴۰۰). همواره بر بُعد روانی سلامتی کمتر از بُعد جسمی آن تأکید شده است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷).

سازمان بهداشت جهانی، سلامت روان را به‌عنوان وضعیتی کلی از بودن و درگیر شدن در فرایندهای روزمره مطرح می‌کند. بخش مهمی از ظرفیت افراد برای داشتن یک زندگی کامل، در واقع بهزیستی روان‌شناختی یا ذهنی آن‌هاست. در وضعیت سلامت روان، فرد به توانایی‌های خود پی می‌برد و با استرس‌های متداول زندگی کنار می‌آید تا در جامعه مفید باشد. در مجموع، سلامت روان، پایه و مبنای رفاه فردی و عملکرد مؤثر در یک جامعه است. سلامت روان فقط نبود اختلال روان‌پزشکی نیست، بلکه داشتن احساس درونی خوب، مطمئن بودن از کارآمدی خویش، پذیرفتن واقعیت‌های اجتماعی و توانایی سازگاری با آن‌ها و شکوفایی استعدادهای درونی و ذاتی است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۴). سلامت روان، حالت عملکرد موفقیت‌آمیز کنشگری روانی است که از فعالیت‌های مولد، روابط رضایت‌بخش با سایر افراد، توانایی سازگاری با تغییر و کنار آمدن با مشکلات حاصل می‌شود (Ginter, 1999). به‌عبارتی بهتر، دستیابی به سلامت، نیازمند تلاش برای سلامت کامل جسمی و روانی است. برخورداری از سلامت روان حالتی است که در آن فرد بیشترین رضایت را دارد، می‌تواند اطراف را درک کند، احساسش را کنترل کند، با خواسته روزانه خود کنار بیاید و در زندگی هدف داشته باشد (al et Andreucci, 2019).

براساس روان‌شناسی مثبت‌گرا، مدل دوعاملی سلامت روان تبیین می‌شود که در این مدل، سلامت روان حالتی دوجبه‌ای از وجود است و دو عنصر ضروری سلامت فردی از طریق مفاهیم مثبت مانند رضایت از زندگی و حس ذهنی بهزیستی و شاخص‌های روان‌شناختی منفی مانند افسردگی، احساسات منفی و حساسیت به روابط ارزیابی و تشخیص داده می‌شود (Gu al et, 2016). مقوله سلامت روان در اندیشه‌های روان‌شناسان و مکاتب فکری مطرح شده است. در میان روان‌کاوان، فروید، راجرز، ایس، فروم و آدلر نظریه‌هایی مطرح کردند. در میان مکاتب روان‌شناسی، دو مکتب رفتارگرایی و انسان‌گرایی بر سلامت روان بسیار تأکید داشتند. مکتب رفتارگرایی، سلامت روان را وجود رفتار سازگارانه می‌داند؛ رفتاری که فرد را به هدف‌هایش برساند (صمدی و دلیر، ۱۳۹۹). از سال ۱۹۷۴، بُعد محیطی در حوزه سلامت روان به ابعاد فردی و جمعی افزوده شد و به نقش رشته‌های مرتبط با طراحی محیط در تجربه افراد و میزان سلامتی آن‌ها توجه گردید. امروزه نیز با شیوع همه‌گیری، اهمیت محیط به‌مثابه ظرف زیست انسان دوچندان شده است (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱). توجه به ارتقای سطح سلامت افراد همواره مد نظر بوده است؛ اما مشکل اصلی، توجه پژوهشگران این حوزه به سلامت جسمانی و غافل ماندن از پرداختن به اثرپذیری سلامت روانی و روحی و عاطفی کاربران از فضاهای عمومی و شهری است (Cloutier & Pfeiffer, 2016). می‌توان اشاره کرد که یکی از مهم‌ترین اقدامات طراحی و برنامه‌ریزی شهری ایده شهر سالم بود که با هدف ارتقای سلامت و بهداشت و حفظ اکوسیستم شهر و اتخاذ راهبردهای تمرکززدایی از بخش‌های دولتی و انجام فعالیت بین‌بخشی و مشارکت اجتماعی، به جنبشی در سطح جهانی تبدیل شد.

نقش محیط شهری در سلامت روان

محیط‌ها بر بسیاری از افراد تأثیر گذاشته است و این تأثیرات کوچک فردی، تأثیرات بزرگی را در سطح جامعه به همراه دارد



(Cohen & Sturm, 2014). فضاهای شهری در رفع نیازهای اجتماعی و فردی کودکان نیز نقش مؤثری دارد. ارتقای کیفیت این فضاها در سلامت و رشد قوای جسمانی، افزایش تعاملات اجتماعی و پرورش خلاقیت در آنها نقش دارد (قلندریان و یونسی، ۱۳۹۹). عواملی که بر سلامت روان تأثیر مستقیم دارد، شامل عوامل استرس‌زای محیط در فضاهای عمومی همچون حرارت اضافی، نبود روشنایی مطلوب در روز، وجود الگوهای آب‌وهوایی خاص، درجه بالای آلودگی هوا، وجود سروصدا، در معرض دید بودن زباله‌ها، وجود جرم و جنایت و تراکم جمعیت بالا هستند. مواردی مانند احساس تعلق به محله و وجود روابط اجتماعی، میزان مشارکت در مدیریت محله و احساس امنیت و ایمنی، وضعیت مسکن و امکانات و تسهیلات محله در دسته شاخص‌های اجتماعی و کالبدی جای می‌گیرند (شیعه و همکاران، ۱۳۹۲؛ al et Wen, 2010, al et Bilger, 2010, al et Clark, 2013, al et, 2007). علاوه بر این، سایر ابعاد محیطی مانند خوانایی و کیفیت بصری، دسترسی به فضای سبز شهری، امنیت فضای شهری، کیفیت مبلمان شهری، اختلاط و تنوع کاربری‌ها نیز بر سلامت روان شهروندان تأثیرگذارند (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۹).

برای حفظ سلامت روان شهروندان و کاهش استرس محیطی می‌توان از ایجاد مناظر کالبدی زیبا و احداث زیرساخت‌های شهری مطلوب کمک گرفت (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷). قرار گرفتن در معرض طبیعت به‌طور بالقوه بر سلامت روان تأثیرگذار است. رابطه میان سرسبزی محله و سلامت روان در پژوهش‌های متعددی تأیید شده و مد نظر بوده است. این رابطه تا حد زیادی با فعالیت جسمانی و فیزیکی تعریف شده است. خومنکو و همکاران (۲۰۲۰) نیز دریافته بودند که اختصاص فضای مناسب برای پیاده‌روی و استفاده شهروندان از دوچرخه، می‌تواند زمینه‌ساز سلامت افراد باشد. از طرفی تماس با طبیعت در شهرها، توانایی مقابله با عوامل استرس‌زای زندگی، بهبود بهره‌وری در شغل و کاهش حس ناامیدی، افزایش عزت‌نفس، افزایش ظرفیت توجه و رضایتمندی بیشتر از زندگی را دارد (al et, Khomenko, 2020, Sullivan, Matsuoka, 2011, Grahn & 2003, Sugiyama et al., 2008). نزدیک بودن محل زندگی به پارک‌ها و فضاهای باز با پوشش مناسب فضای سبز و درختان سبب شده است که افراد از نظر فیزیکی فعال‌تر باشند و میزان تعاملات اجتماعی و طول عمر بیشتری در میانشان وجود داشته باشد (al et Wells, 2010). اثرات مثبت دسترسی به فضای سبز بر سلامت روان، توسط پژوهشگران مختلفی در شهرهای کشورهای با درآمد بالا (Danckaert & Vanaken 2018, Rugel, 2015, 2020, al et Zhang, 2020) و شهرهای کشورهای با درآمد متوسط (al et Nawrath, 2020) بررسی شده و از اهمیت برخوردار بوده است. نتیجه اینکه، توجه به فضای سبز، منجر به کاهش تنش‌های زندگی معاصر شده است و می‌تواند به‌مثابه فضاهای کاهنده تنش معرفی شود (جوادی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱).

به‌طور کلی می‌توان گفت، سلامت روان ما به‌شکلی مستقیم تحت تأثیر محیط اطراف ما یعنی محیط ساخته‌شده، است. سبک‌های ساختمان‌ها، چیدمان خیابان‌ها و فضای سبز به‌طور ناخودآگاه روان‌شناسی ما را تغییر می‌دهد. شهرها می‌توانند با در نظر گرفتن طراحی شهری مطلوب‌تر، رفاه ذهنی بهتری ایجاد کنند. در دورانی که درک تأثیرات سلامت روانی ضعیف اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند، فرصتی برای استفاده از مطالعات مرتبط با شهر می‌تواند به یک وضعیت روانی سالم‌تر و با ثبات بیشتر کمک‌کننده باشد (Monfries, 2020). در حقیقت، سلامت روان به‌طور درخور توجهی بر کیفیت کلی زندگی تأثیرگذار است؛ بنابراین شناسایی و آمادگی برای چالش‌های ناشی از نادیده گرفتن آن اهمیت ویژه‌ای دارد. اولویت‌بندی اثرات ناشی از سلامت روان در برنامه‌ریزی و توسعه شهری، نه تنها به بهبود رفاه افراد، بلکه به پایداری جوامع شهری نیز کمک می‌کند (al et Iamtrakul, 2024).

پیشینه پژوهش

تعریف ارائه‌شده در سومین کنفرانس بین‌المللی سلامت روان در سال ۱۹۴۶ بیان کرد که سلامت روان نه تنها به فقدان بیماری‌های روانی و سازگاری اجتماعی مطلوب اشاره دارد، بلکه به کمال شخصیت و رشد کامل توانایی‌های ذهنی و همچنین بهترین حالت ذهنی تحت شرایط عینی خاص اشاره دارد (Zheng et al., 2024). سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۵) سلامت روانی را یکی از مهم‌ترین چالش‌های مرتبط با سلامت عمومی در جهان مطرح کرده است که از میان ابعاد سه‌گانه سلامت عمومی (سلامت جسمانی، سلامت اجتماعی و سلامت روانی) نیز نسبت به دو حوزه دیگر کمتر بررسی شده است (حسینی، ۱۴۰۲). بسیاری از پژوهش‌های داخلی انجام‌شده در حوزه سلامت روان یا به بررسی سلامت روان قشر دانش‌آموز زنان پرداخته (اشکانی، ۱۴۰۳، علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲ و واحد چوکده، ۱۴۰۲) یا سالمندان را گروه هدف قرار داده است. به‌عنوان نمونه، مروری





نظام‌مند بر مطالعات حوزه سلامت روان سالمندان انجام داده (مسعودی و همکاران، ۱۴۰۲) و صرفاً بر جنبه روان‌شناختی سلامت روان تأکید داشته است. در دسته‌بندی زمانی پژوهش‌ها باید اشاره کرد که برخی پژوهش خود را به دوره همه‌گیری کرونا محدود کرده‌اند؛ دوره‌ای که سلامت جسمی و روانی تحت تأثیر قرار گرفت (حقی و حیدرزاده، ۱۴۰۱). تبیین رابطه شهر و سلامت روان توسط مغانی رحیمی و همکاران (۱۴۰۲) با تحلیل محتوا پیش برده شد و نتایج نشان داد که شهر تأثیرات مستقیمی بر سلامت روان دارد و به ترتیب از طریق عوامل استرس‌زای اجتماعی، کالبدی، محیطی، عوامل متفرقه، عوامل مرتبط با مسکن و حمل‌ونقل، باعث کاهش سلامت روان می‌شود. در این میان، پژوهش‌هایی نیز به بررسی تأثیر عوامل محیطی شهر بر سلامت روان پرداخته‌اند. در این پژوهش‌ها دو بخش سلامت روان و بررسی تأثیر متغیرهای محیطی با ابزارهای مختلف سنجش شده‌اند و اغلب آن‌ها پرسش‌نامه‌های استاندارد در حوزه سلامت روان مانند GHQ-۲۸ و پرسش‌نامه ۱۲ سوآلی سلامت روان لندگراف و آبتز را به کار گرفته‌اند.

قاسمی سیانی و فراتاش‌مهر (۱۴۰۲) دریافتند که در رابطه محیط مصنوعی و سلامت روان، توجه به ویژگی‌های فردی، جمعی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی شهروندان اهمیت دارد. در میان ویژگی‌های فردی، صابری (۱۳۹۷) در پژوهش خود تأیید کرد که سالمندان متأهل نسبت به مجرد از سلامت روان بیشتری برخوردارند. پوربساط و همکاران (۱۳۹۹) اشاره کردند که مناطق دارای شرایط اقتصادی مرفه، به لحاظ سلامت روان، وضعیت مطلوبی نسبت به سایر مناطق دارند. بالین‌حال، ولایتی و رضایی تبریزی (۱۴۰۳) اذعان دارند که همبستگی میان بیش از ۹۰ درصد مؤلفه‌های کالبدی و روانی به میزان قوی یا متوسط هستند.

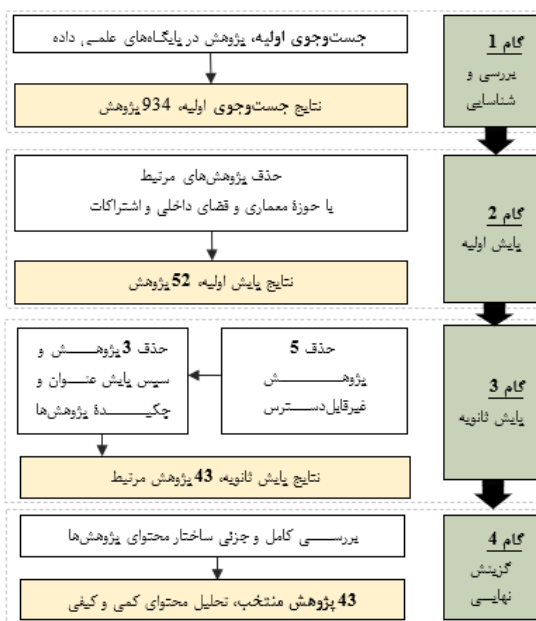
در نگاهی کلی به گونه مسکن، تراکم و شدت استفاده از زمین و چگونگی چیدمان بلوک‌ها، مؤلفه‌هایی شناسایی شدند که بر سلامت روان مؤثرند (میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۶). این مهم نشان‌دهنده اهمیت عرصه‌های نیمه‌خصوصی و روابط اجتماعی بر سلامت افرادند. با عبور از مقیاس محله و رسیدن به مقیاس‌های خرد مانند فضاهای شهری، پژوهش‌هایی بر نقش این فضاها بر سلامت تأکید داشتند (عنایتی و همکاران، ۱۴۰۰). در مجموع، اغلب پژوهش‌ها به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کالبدی / فضایی و اجتماعی بر سلامت روان پرداختند. بیشترین ناراضی‌های عموم ساکنان نیز در بعد کالبدی بیان شده و هرچه ادراک فرد از وجود خطرهای فیزیکی و کالبدی محیطی کمتر بوده، سطح سلامت عمومی افزایش یافته است (رزم آهنگ و کشمیری، ۱۴۰۲).

در نگاهی متفاوت، جوادی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) نقش باغ ایرانی و منظر طبیعی در سلامت را بررسی کردند. توجه به فضاهای سبز و پارک‌ها نیز در میان محیط‌های مؤثر بر ارتقای سطح سلامت مطرح بوده است (حسینی، ۱۴۰۲، هاشمی‌پور و عزتی‌مهر، ۱۴۰۰ و نظم‌فر و همکاران، ۱۴۰۳). در میان روند پژوهش‌های داخلی، ضرورت انجام پژوهش حاضر، مروری سیستماتیک به گذشته و مسیر پیش روی مطالعات سلامت روان در شهر است تا به‌عنوان تلنگری به فرایند مطالعاتی در این حوزه، سمت‌وسویی متفاوت عرضه کند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی و توصیفی با بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک و با استفاده از چک‌لیست پریزما (نمودار ش. ۱) پیش برده شده است. تحلیل محتوا و روند تجزیه و تحلیل مطالعات داخلی انجام شده به صورت کیفی و کمی صورت گرفت. انتخاب پژوهش‌ها بر مبنای جست‌وجو در پایگاه‌های علمی داخلی مانند مگ‌ایران، Sid و پرتال جامع علوم انسانی انجام شد. جست‌وجو با انتخاب کلیدواژه اصلی «سلامت روان» در عنوان انجام شد. در گام اول، تعداد ۹۳۴ مقاله استخراج شد که پس از غربال اولیه و بررسی دقیق عنوان پژوهش‌ها و با حذف مواردی که به‌طور مشخص به حوزه‌های روان‌شناسی یا سلامت و درمان مرتبط بودند، تعداد ۵۲ مقاله مبنای بررسی در گام‌های بعد قرار گرفت. در گام بعد، پس از حذف پنج پژوهش غیرقابل دسترس (فایل پی‌دی‌اف در اینترنت در دسترس نبوده است) و سه پژوهش با پایش عنوان و مطالعه چکیده مقالات، ۴۳ مقاله انتخاب و با روش کیفی و تحلیل محتوا بررسی شد.





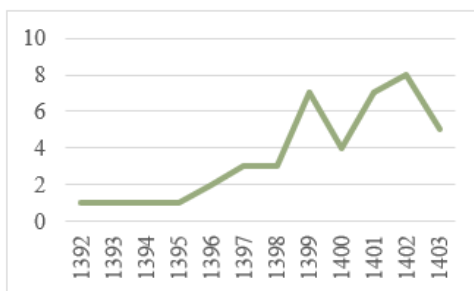
نمودار ۱: روند انجام مرور سیستماتیک مطابق چک‌لیست پریزما

یافته‌ها

پس از گزینش ۴۳ پژوهش مرتبط با حوزه مطالعاتی، یافته‌های برآمده از تحلیل محتوای آن‌ها در چهارچوب یافته‌های توصیفی شامل بررسی زمان انتشار، فراوانی نشریه‌ها، خاستگاه مطالعاتی پژوهش، نوع مقیاس فضایی مطالعاتی، رویکرد و روش انجام پژوهش تدوین شده است؛ همچنین یافته‌های کیفی مشتمل بر تمرکز فراوانی کلیدواژه‌ها، تم‌های مطالعاتی و یافته‌های پژوهشی نیز تبیین شده‌اند.

۱. یافته‌های توصیفی الف) زمان انتشار

این پژوهش، مبتنی بر مرور مطالعات در بازه زمانی ۱۱ سال اخیر، یعنی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳ انجام شده است. با توجه به نمودار ۲، می‌توان دریافت تمرکز پژوهش‌های منتخب در حوزه نقش سلامت روان در محیط‌های شهری با گذشت زمان افزایش یافته است. البته توجه به این نکته نیز ضروری است که تعداد زیادی از پژوهش‌های مرتبط با حوزه معماری یا سلامت روان به‌طور عام در روند چک‌لیست پریزما از حوزه بررسی خارج شدند. با این حال، تمرکز پژوهش‌ها در نیمه دوم یک دهه اخیر به‌طرز چشمگیری به سمت اهمیت موضوعی سلامت روان در محیط‌های شهری پیش رفته است. این موضوع می‌تواند ناشی از افزایش دغدغه‌ها و نگرانی‌ها برابر چالش‌های روان‌شناختی و توجه به طراحی انسان‌محور محیط‌های شهری در سال‌های اخیر باشد. نمودار ۲، فراوانی پژوهش‌ها را براساس زمان انتشار آن‌ها نشان می‌دهد.

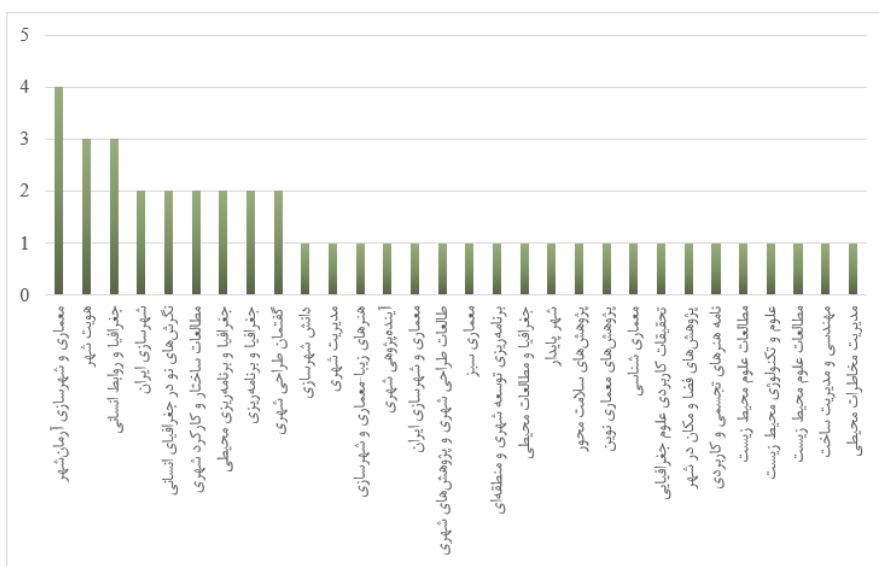


نمودار ۲: فراوانی نشر پژوهش‌ها مبتنی بر زمان



ب) نشریات دربردارنده

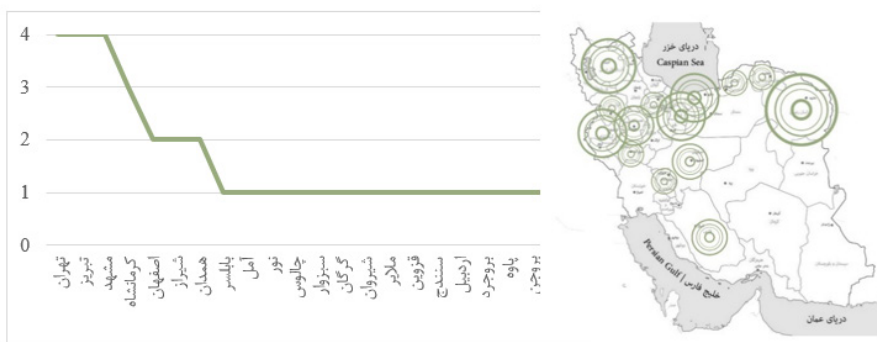
بررسی کمی نشریات حاوی پژوهش‌های منتخب به شناسایی ۳۱ نشریه منجر شد. با توجه به فراوانی نشریات پژوهش‌های منتخب، می‌توان گفت پژوهش‌ها در چهارچوب ادبیاتی متناسب با حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و همچنین سلامت، شهرسازی و پایداری جای گرفته‌اند. عمده پژوهش‌ها به ترتیب در نشریات معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، هویت شهر و جغرافیا و روابط انسانی چاپ شده‌اند و سهم نیمی از نشریات مرتبط با حوزه مدیریت، محیط‌زیست و شهر پایدار صرفاً پژوهش بوده است. علی‌رغم این انسجام ادبیاتی، اهمیت و ضرورت چهارچوب‌بندی منسجمی در این زمینه در نشریات معتبر دیگری همچون مطالعات شهری که به دنبال تقویت پژوهش‌های نوآورانه در حوزه‌های میان‌رشته‌ای شهر است نیز می‌تواند در پژوهش‌های آتی کمک‌کننده باشد. نمودار ش.۳ فراوانی نشریات حاوی پژوهش‌های منتخب را نشان می‌دهد.



نمودار ۳: فراوانی نشریات پژوهش‌های منتخب

ج) خاستگاه مطالعاتی پژوهش

در زمینه خاستگاه و موقعیت مکانی مطالعه موردی پژوهش‌ها، نتایج ۲۲ مورد را برشمرده‌اند. بیشترین تمرکز مطالعات موردی در تهران، تبریز، مشهد و کرمانشاه بوده است. در درجه بعد اصفهان، شیراز و همدان و سایر شهرها به همراه یک زمینه فضای مجازی نیز به‌نوعی محدودتر زمینه‌ساز مطالعات موردی پژوهش‌ها بوده‌اند. می‌توان گفت در این زمینه انتخاب مطالعاتی در کلان‌شهرها پیشگام بوده است. این امر می‌تواند ناشی از دغدغه پژوهشگران درباره تأثیر محیط شهری کلان‌شهرها و شهرهای پرجمعیت‌تر بر سلامت روان باشد. نمودار ش.۴ فراوانی خاستگاه‌ها (در چپ) و خاستگاه‌ها با شدت فراوانی مورد مطالعاتی (تصویر ش.۱۰ در سمت راست) را نشان می‌دهد.

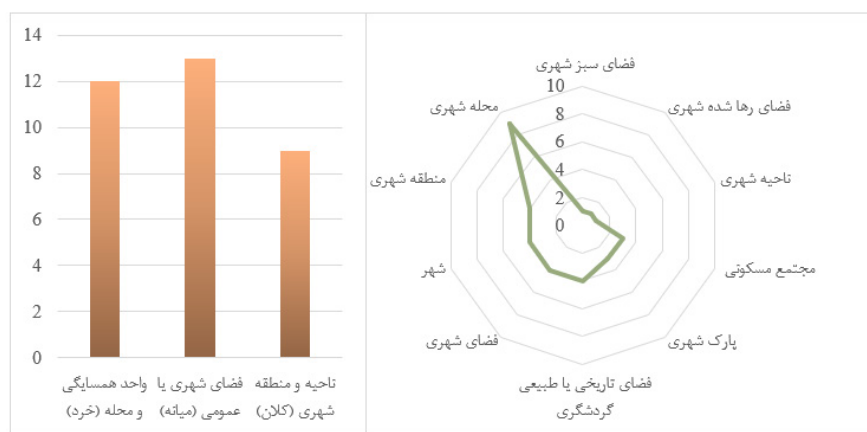


نمودار ۴: فراوانی خاستگاه‌ها مطالعاتی پژوهش‌ها (چپ) و تصویر ۱- فراوانی خاستگاه (راست)



د) تنوع مقیاس فضایی نمونه‌های مطالعاتی

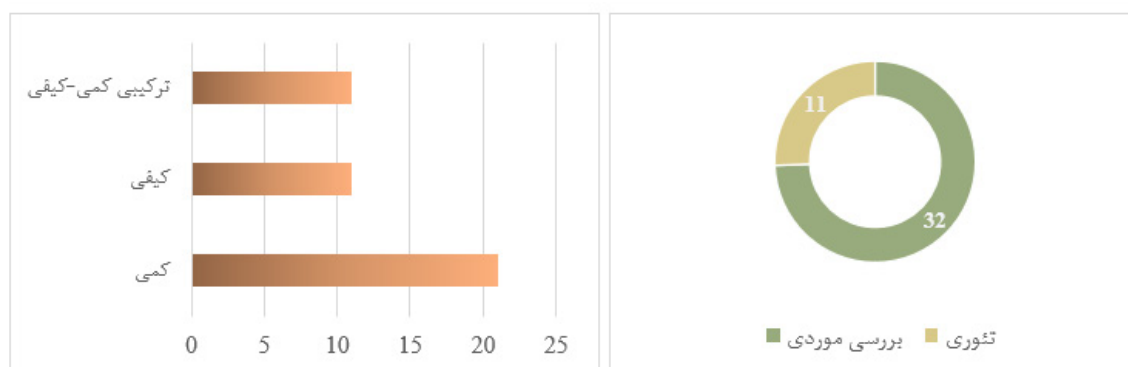
علی‌رغم این موضوع که در جست‌وجوی پژوهش تأکید بر کلیدواژه محیط شهری بوده است، آن دسته از پژوهش‌های منتخب که مورد مطالعاتی داشته‌اند، به‌طور کلی دربردارنده مقیاس واحد همسایگی و محله، فضاهای شهری یا عمومی و ناحیه و منطقه شهری بوده‌اند. در همین راستا با بررسی کامل این مطالعات، مقیاس فضایی در سه سطح خرد، میانه و کلان گونه‌بندی شدند (نمودار ش. ۵. چپ). همچنین با شناسایی مورد مطالعاتی، گونه‌بندی محیط‌ها در ده گونه فضایی سبز شهری، رهاشده شهری، ناحیه شهری، مجتمع مسکونی، پارک شهری، فضای تاریخی یا طبیعی گردشگری، فضای شهری، شهر، منطقه شهری و محله شهری به ترتیب فراوانی کم تا زیاد تبیین شده است (نمودار ش. ۵. راست). نتایج نشان می‌دهد این پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً موارد مطالعاتی خود را بر پایه مقیاس فضایی خرد و میانه و در نوع محله شهری پی‌ریزی کرده‌اند. نمودار ش. ۵. فراوانی مقیاس فضایی مورد مطالعه و فراوانی نوع محیط‌ها را به ترتیب از چپ به راست نشان می‌دهد.



نمودار ۵: فراوانی مقیاس فضایی مورد مطالعاتی (چپ) و فراوانی نوع محیط‌ها (راست)

ه) رویکرد و روش‌شناسی

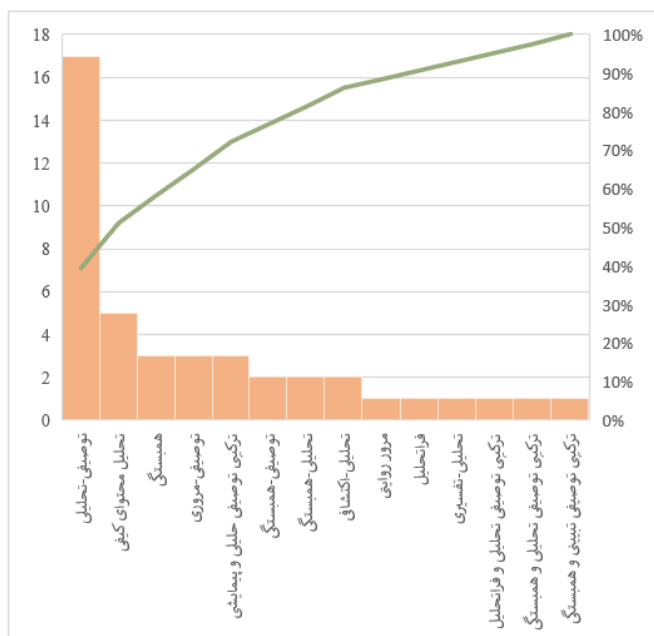
نتایج بررسی و تحلیل کاربردی نوع پژوهش‌های منتخب نشان داده حدود ۷۵ درصد از مقالات مکان‌محور و مبتنی بر مورد مطالعاتی انجام شده‌اند. این در حالی است که تنها حدود ۲۵ درصد مقالات مبتنی بر رویکرد مفهوم‌محور و تحلیل‌های تئوریک پیش رفته‌اند؛ همچنین تقریباً هیچ مطالعه‌ای مبتنی بر محوریت ترکیبی مطالعه موردی تئوری انجام نشده است. با بررسی تحلیلی روش‌شناسی پژوهش‌ها، رویکرد غالب دیدگاهی با رویکرد کمی است و این موضوع می‌تواند بر تقویت یکپارچگی و انسجام پژوهش‌ها و نقش مکملی رویکردهای کمی در ترکیب با رویکردهای کیفی تأکید کند. نمودار ش. ۶. فراوانی رویکرد پژوهشی و محوریت پژوهشی را به ترتیب از چپ به راست نشان می‌دهد.



نمودار ۶: فراوانی رویکرد پژوهشی (چپ) و فراوانی محوریت پژوهشی (راست)



توجه به رویکرد پژوهش‌های منتخب، روش‌ها و شیوه‌های انجام پژوهش در روش‌های مبتنی بر رویکرد کمی، رویکرد کیفی و رویکرد ترکیبی گونه‌بندی شده‌اند. بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها (حدود ۴۰ درصد) با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در درجه دوم، روش مروری و تحلیلی محتوای کیفی بیشترین تعداد پژوهش‌ها را در بر دارد. تعدادی از پژوهش‌ها نیز مبتنی بر روش‌های همبستگی، توصیفی-مروری، ترکیبی توصیفی-تحلیلی با پیمایشی، توصیفی-همبستگی، تحلیلی-همبستگی و تحلیلی-اکتشافی پیش رفته است و مابقی پژوهش‌ها نیز به صورت تک‌موردی از روش‌های مرور روایتی، فراتحلیل، تحلیلی-تفسیری و چند روش ترکیبی بهره گرفته‌اند. به نظر می‌رسد دیدگاهی که مبتنی بر کاربست رویکرد ترکیبی کمی کیفی و استفاده هم‌زمان یا متوالی از روش‌ها و شیوه‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و کیفی باشد، در پژوهش‌های مشابه این زمینه مطالعاتی مؤثرترند؛ چراکه نتایج برآمده از ارزیابی و بررسی موضوع، قابلیت تعمیم‌پذیری و اعتبارسنجی بیشتری دارد. نمودار ۷ فراوانی روش‌های انجام‌شده در پژوهش‌های منتخب را نشان می‌دهد.



نمودار ۷: فراوانی روش‌های انجام شده در پژوهش‌های منتخب

با بررسی جامعه آماری و روش نمونه‌گیری در مطالعات منتخب پژوهش مبتنی بر رویکرد کمی یا ترکیبی کمی کیفی می‌توان دریافت که بیشترین آمار مربوط به انتخاب جامعه آماری به ترتیب شامل شهروندان (غالباً بزرگسال)، ساکنان مجموعه مسکونی، محله یا منطقه شهری (بنا به تنوع نمونه مطالعاتی) و پس از آن به صورت منحصربه‌فرد با کودکان، زنان، سالمندان و افراد مراجعه‌کننده یا بازدیدکننده از نمونه‌های مطالعاتی به‌منابۀ کاربران محیط (به صورت مقطعی یا طولی) بوده‌اند. پس از آن نیز در برخی مطالعات مبتنی بر روش پیمایشی، از متخصصان مرتبط با حوزه مطالعات شهری یا روان‌شناسی و جامعه‌شناسی کمک گرفته شده است. بازه حدودی کمی این جامعه آماری در پژوهش‌های مختلف در صورت اعلام شدن، بنا به ضریب آلفای کرونباخ یا هدف پژوهش، با یکدیگر متفاوت است که از حداقل ۱۵۰ نفر تا حدود ۴۰۰ نفر را نیز در بر داشته است.

همچنین در این مطالعات، روش نمونه‌گیری غالباً بر روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مبتنی بوده است. در این میان، اغلب با برخی روش‌های نمونه‌گیری دیگر از جمله، خوشه‌ای (عنایتی و همکاران، ۱۴۰۰؛ حسینی، ۱۴۰۲) و سهمیه‌ای (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷) به صورت ترتیبی تلفیق شده است. همچنین در اندک مطالعاتی نیز نمونه‌گیری به صورت طبقه‌بندی‌شده (فرجی و همکاران، ۱۴۰۲؛ صابری‌فر، ۱۳۹۷) غیراحتمالی یا هدفمند (آراسته و حیدرزاده، ۱۳۹۹) انجام شده است و تنها یک مطالعه در بخش روش‌شناسی به کاربست تکنیک گلوله‌برفی در انتخاب متخصصان پاسخ‌گو اشاره کرده است (کشاورز و شبانی، ۱۴۰۳). مطالعات دیگر یا براساس رویکرد کیفی و تئوری‌محور پیش رفته‌اند یا هیچ اشاره‌ای به انتخاب نوع روش نمونه‌گیری در فرایند پیشبرد

پژوهش خویش نداشته‌اند.

مطالعات داخلی منتخب، درزمینه ابزار و تکنیک، غالباً به یکدیگر شباهت دارند. غالب مطالعات مبتنی بر رویکرد کمی یا کمی کیفی از پرسش‌نامه استاندارد سلامت عمومی (GHQ) و پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده کرده‌اند. این در حالی است که هم‌زمان با استفاده از نرم‌افزارهای آماری مختلف همچون Spss, Lisrel, Amos, SmartPLS و بررسی آزمون‌های آماری ساده یا استنباطی و مدل‌های متعدد همچون رگرسیون خطی یا سلسله‌مراتبی و چندگانه، آزمون تی، استفاده از ضریب‌های همبستگی پیرسون یا اسپیرمن، کندال کروسکال و الکیس، تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل واریانس، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل همبستگی، دلفی فازی و همچنین مدل معادلات ساختاری به پیشبرد پژوهش خود کمک کرده‌اند. همان‌طور که مشخص است، بیشتر مطالعات با استفاده از یک پرسش‌نامه استاندارد سلامت عمومی، پژوهش را تدوین نموده‌اند که نوآوری پژوهش‌های این حوزه را کاهش می‌دهد. ترکیب این پرسش‌نامه با پرسش‌نامه‌های محقق ساخته که برآمده از چهارچوب مفهومی پژوهش‌اند یا تکمیل آن نیز می‌تواند در این حوزه، شکاف موجود را پاسخ دهد.

مطالعات مبتنی بر رویکرد کیفی نیز به‌واسطه مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته، مطالعه اسنادی متون و تحلیل محتوا، مشاهده میدانی، برداشت کروکی، عکس‌برداری، فیلم‌برداری، پرس‌وجوی غیرسازماندهی شده، استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل محتوای کیفی همانند MaxQda و ti. Atlas انجام شده‌اند. در برخی از این مطالعات به‌رغم انتظار، ساختار درست پژوهشی، ابزار و تکنیک تحلیل مرور یا محتوای داده‌ها به‌درستی تبیین نشده است و این موضوع به‌عنوان نقطه‌ضعف پژوهش برای مخاطب درک‌ناپذیر است.

۲. یافته‌های کیفی

الف) واژگان کلیدی پژوهش‌های منتخب

با بررسی محتوای پژوهش‌های منتخب، کلیدواژه‌های پایان چکیده هر پژوهش بررسی شد. به‌صورت معمول پژوهش‌ها حداقل چهار کلیدواژه را دنبال کرده‌اند. ابرکلمات واژگان کلیدی مطابق تصویر ش. ۲ نشان داد که واژه سلامت روان در ۳۶ مورد از پژوهش‌ها در میان واژگان کلیدی بود. انتخاب محیط اجتماعی و فیزیکی محله، محیط‌های طبیعی، محیط ساخته‌شده، فضای سبز یا تأکید بر مؤلفه‌های محیطی و مؤلفه‌های کالبدی مشهود بوده است. علاوه بر این، بررسی سلامت روان در کنار مفاهیمی نظیر تجربه حضور و ذهن‌آگاهی، زیبایی‌شناسی و ترجیح محیط، شادمانی و افسردگی، اوقات فراغت یا دیگر مفاهیم شهرسازی همچون سرمایه اجتماعی، نشاط اجتماعی، پیاده‌مداری، مشارکت شهروندان، اکولوژی شهری، شهر دوستدار سالمند، بازآفرینی شهری مورد توجه بوده است.



تصویر ۲: ابرکلمات واژگان کلیدی پژوهش‌ها

ب) تمرکز اهداف پژوهش

با بررسی محتوای پژوهش‌های منتخب، تمرکز اهداف پژوهش‌ها با نگاهی تحلیلی تبیین شد؛ چراکه هر پژوهش طبعاً به‌صورت حداقلی یک تا چند هدف را دنبال کرده است. این امر با استفاده از نوعی تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. بدین ترتیب در گام اول اهداف اساسی هر پژوهش به‌صورت جداگانه تبیین و به‌عنوان کدهای باز تبیین شدند، سپس برای هر هدف یک تم کلی با استفاده از نوعی رمزبازی از کدگذاری ذهنی عبارت هدف در نظر گرفته شد (ستون تم کلی جدول



ش.۱). در گام بعد نیز تم‌های کلی مبتنی بر یک گونه‌بندی تماتیک در چهارچوب مقوله‌هایی^۶ (تحلیل ۹ مقوله) به‌عنوان مقوله‌های متمرکز بر اهداف پژوهش تبیین شدند. اهداف پژوهش‌ها به ترتیب بر مقولات ابعاد و کیفیت محیطی و سلامت روان، منظر سبز شهری و سلامت روان، مؤلفه‌های کالبدی فضایی محیط و سلامت روان، احساسات و جنبه روان‌شناختی سلامت روان، همه‌شمولی و توجه به سلامت روان گروه‌های خاص، ادراک و سلامت روان، چهارچوب و مدل مفهومی طراحی شهری درزمینه سلامت روان، پایداری اجتماعی و سلامت روان، بازآفرینی شهری و سلامت روان متمرکز بودند.

جدول ۱: مقوله‌های متمرکز بر اهداف پژوهش‌های داخلی در حوزه سلامت روان

مقوله	تم کلی (کلید اصلی اهداف)	مقوله	فراوانی	تم کلی (کلید اصلی اهداف)	فراوانی
ادراک محیطی و سلامت روان	ادراک، ترجیح محیطی، تجربه، لذت حضور، ذهن‌آگاهی، زیبایی‌شناسی	پایداری اجتماعی و سلامت روان	۴	مشارکت اجتماعی، آسیب اجتماعی، تعاملات اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نشاط اجتماعی	۳
ابعاد و کیفیت محیطی و سلامت روان	کیفیت محیطی، طراحی محیط، طراحی شهری، محیط کالبدی، کیفیت زندگی شهری، ابعاد محیطی، فضای عمومی، منظر شهری، فضای رهاشده	چهارچوب و مدل مفهومی طراحی شهری درزمینه سلامت روان	۱۴	دستور کار پژوهشی، چهارچوب کاربردی، خطمشی موضعی، خطمشی موضوعی، ضوابط و راهکار، مدل مفهومی	۴
همه‌شمولی و توجه به سلامت روان گروه‌های خاص	فضای بازی کودک، فضای دوستدار کودن، زنان، سالمندان، فضای دوستدار سالمند، نوجوانان	احساسات و جنبه روان‌شناختی سلامت روان	۵	اختلال روانی، افسردگی، استرس، روان‌شناسی محیطی، نظریه شناختی، عامل استرس‌زا، اضطراب، شادمانی، آرامش روانی	۷
منظر سبز شهری و سلامت روان	طبیعت، محیط سبز شهری، پایداری زیست‌محیطی، باغ، فضای سبز شهری، پارک شهری، زیرساخت سبز، چشم‌انداز شهری	مؤلفه‌های کالبدی فضایی محیط و سلامت روان	۱۰	ویژگی کالبدی فضایی، کیفیت فضایی، تراکم، ویژگی محیط مصنوع، ویژگی محیط کالبدی، مؤلفه کالبدی، مبلغان شهری، مجسمه‌های شهری	۹
بازآفرینی شهری و سلامت روان	بازآفرینی شهری و بازآفرینی پایدار		۱		

ج) بررسی یافته‌های برآمده از پژوهش‌ها

یافته‌های پژوهش‌های منتخب همانند اهداف آن‌ها نیز ابتدا به‌واسطه کدگذاری ذهنی بررسی و تحلیل شدند. براساس تحلیل محتوای کیفی یافته‌ها، مشخص شد نتایج پژوهش‌ها در سه دسته کلی الف) وضعیت نمونه مورد مطالعه و رتبه سلامت روان آن، ب) نوع و میزان رابطه میان شاخص‌ها و مؤلفه‌ها و سلامت روان و ج) اولویت‌بندی شاخص‌های مؤثر بر سلامت روان جای دارند.

نتایج بررسی وضعیت شاخص‌ها در نمونه‌های بررسی‌شده نشان داد که در اغلب موارد، وضعیت در برخی از شاخص‌ها نامطلوب بوده است و این موضوع در نمونه‌ها تفاوت دارد. به‌عنوان مثال، وضعیت نسبتاً نامطلوب ایمنی معابر و راه‌ها و وضعیت نسبتاً مطلوب امنیت در پژوهش بهتاش و سرلک (۱۴۰۰) در فضای شهری گزارش شد یا ناراضی‌تی از سرانه فضای سبز شهری توسط توکلی و ماجدی (۱۳۹۲) در فضای پارک چیتگر از جانب استفاده‌کنندگان مطرح شد.

در بخش دوم که به بررسی نوع و میزان رابطه میان شاخص‌ها و مؤلفه‌ها و سلامت روان پرداخته شد، غالب پژوهش‌ها مبتنی بر رویکرد کمی یا کمی کیفی به کمک ابزار پرسش‌نامه استاندارد سلامت عمومی (GHQ) و پرسش‌نامه محقق‌ساخته انجام شده است و درنهایت با انجام آزمون‌های آماری نتایج میزان تأثیر هر شاخص بر سلامت روان تعیین شد.

در پژوهش انجام‌شده توسط مغانی رحیمی و همکاران (۱۴۰۱)، تأثیر مستقیم شهر بر سلامت روان به ترتیب به کمک عوامل استرس‌زای اجتماعی، کالبدی، محیطی و سایر عوامل مرتبط با مسکن و حمل‌ونقل تأیید شده است. اثربخشی مستقیم و غیرمستقیم محیط ساخته‌شده بر سلامت روان نیز پیش‌تر توسط طباطبائیان و تمنای (۱۳۹۱) در پژوهشی کیفی اشاره شده بود و نتایج مطالعات کمی بعدی نشان داد که هر پژوهش به‌طور مشخص به بررسی شاخص‌هایی پرداخته است که نتایج آن‌ها تفاوت‌هایی با یکدیگر داشتند. مؤلفه محیط کالبدی نقش مهمی در کیفیت زندگی داشته و بیشترین ناراضی‌تی و تأثیر منفی را بر سلامت روان ساکنان به همراه داشته است (رزم‌آهنگ و کشمیری، ۱۴۰۲، طاهری و طاهری، ۱۳۹۸). ازطرفی کیفیت

محیط و کالبد محله‌های شهری ارتباط مثبت و معناداری با سلامت دارد (آبرون و همکاران، ۱۳۹۵، عبدالله‌زاده‌فرد و شمس‌الدینی، ۱۳۹۵). اثربخشی هم‌افزایی کیفیت محیط مصنوع شهری به‌عنوان عامل سطح میانی در مطالعه کیفی انجام‌شده توسط دهقان و همکاران (۱۴۰۱) نیز تأیید شد. در واقع طراحی مطلوب فضای شهری می‌تواند بر افزایش احساس آرامش و امنیت اجتماعی و کاهش اضطراب در افراد مؤثر باشد (شمس و مرادی، ۱۳۹۳). با این حال میان مؤلفه کیفیت محیط کالبدی با سایر مؤلفه‌ها مانند سرمایه اجتماعی و فضای سبز، دسترسی به خدمات، سیما و منظر و کالبد و عملکرد نیز ارتباط معناداری وجود دارد (عبدالله‌زاده‌فرد و شمس‌الدینی، ۱۳۹۵). در مقیاسی خردتر، طراحی مبلمان شهری و توجه به چیدمان مناسب آن‌ها نیز ارتباط مستقیمی با سلامت روان دارد (شمس و مرادی، ۱۳۹۳).

در میان مؤلفه‌های فردی مؤثر بر سلامت روان که اغلب با پرسش‌نامه استاندارد عمومی بررسی شده است، دو شاخص جنسیت و مدت سکونت اثربخشی مستقیم و منفی و تراکم ناخالص جمعیت دارای بیشترین اثر غیرمستقیم بر سلامت روان است (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۳، حسینی، ۱۴۰۲). سلامت روان در میان زنان در سطح بالاتری نسبت به مردان قرار دارد و در میان افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری با یکدیگر وجود ندارد؛ اما در بین افراد مالک و مستأجر تفاوت معناداری دیده می‌شود (کمالی‌فر و فنائی، ۱۴۰۱، قاسمی سیانی و فرتاش‌مهر، ۱۴۰۲). متغیرهای قومیت، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، درآمد و تحصیلات رابطه معناداری داشته است و مناطق با شرایط اقتصادی بهتر، وضعیت مطلوبی در زمینه سلامت روان دارند و سن، پوشش بیمه‌ای، جنسیت، محل تولد و تعداد فرزندان رابطه معناداری نداشتند (پوربساط و همکاران، ۱۳۹۹، صابری‌فر، ۱۳۹۷، وهابی و همکاران، ۱۴۰۲). بعد ادراکی و بصری نیز بخشی از مؤلفه‌های مؤثر بر سلامت روان را تشکیل می‌دهد که میان ادراک ویژگی‌های محیط، عامل ترجیح محیط و زیبایی‌شناسی با سلامت روان به ترتیب ارتباط مثبت، معکوس و منفی و معنادار برقرار است (فرجی و همکاران، ۱۴۰۲، اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۳).

با این حال رابطه معنی‌داری میان تنوع کاربری اراضی با سلامت روانی مشاهده نشد (حسینی، ۱۴۰۲)؛ اما عبدالله‌زاده‌فرد و شمس‌الدینی (۱۳۹۹) دریافتند که فضای سبز بر سلامت روان مؤثر است و این متغیر در مطالعه حسینی (۱۴۰۲) و عظیمی و همکاران (۱۳۹۹) نیز بیشترین اثر مستقیم بود. فضاهای سبز شهری بیشترین نقش را بر کاهش اضطراب داشتند و هرچه میزان دسترسی به فضای سبز بیشتر می‌شد، سطح شادمانی ساکنان نیز افزایش می‌یافت (نظم‌فر و وفاداری کمار علیا، ۱۴۰۳، هاشم‌پور و عزتی‌مهر، ۱۴۰۰). کیفیت‌های محیطی مانند نفوذپذیری، ایمنی و امنیت، غنای حسی آسایش اقلیمی، زیبایی و اجتماع‌پذیری به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با مؤلفه واسطه‌ای فعالیت بدنی، تعاملات اجتماعی، کیفیت خواب، تاب‌آوری برابر استرس و خلق‌وخو، بر افسردگی و سلامت روان تأثیرگذارند. دسترسی به فضای سبز شهری، امنیت فضای شهری، کیفیت مبلمان شهری، تنوع کاربری‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر سلامت روان دارند (دهقان و همکاران، ۱۴۰۱، عظیمی و همکاران، ۱۳۹۹).

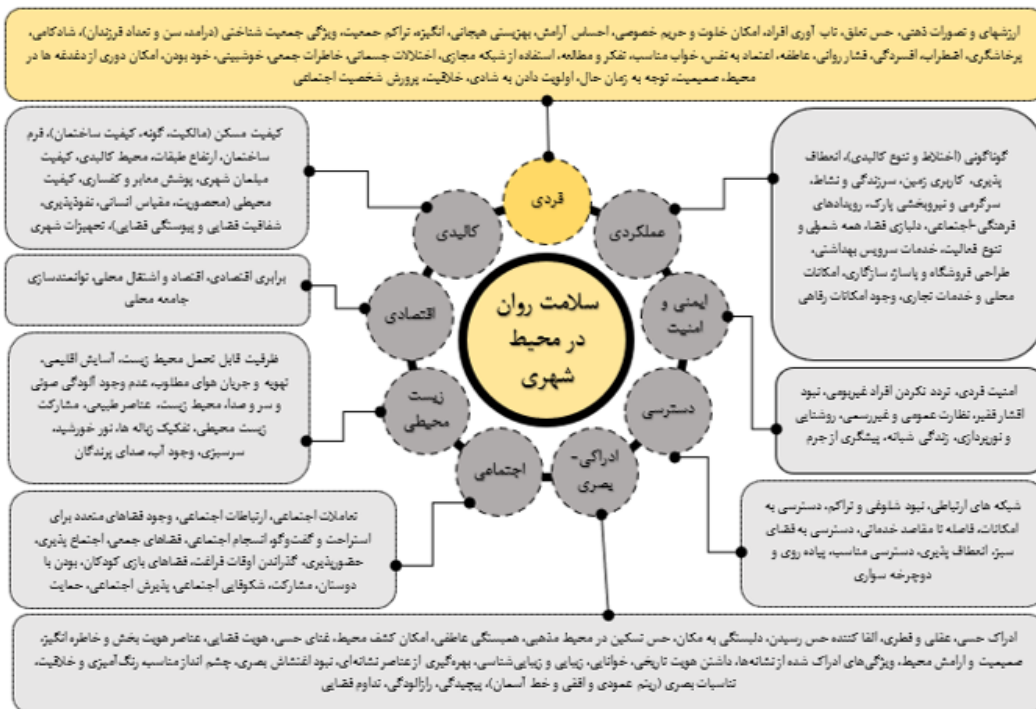
در بخش سوم، اولویت‌بندی شاخص‌های مؤثر انجام شده است و نتایج مطالعات در مجموع حاکی از این بود که کیفیت‌های ادراکی بصری، اجتماعی و عملکردی به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر سلامت روان دارند. بعد ادراکی بیشترین تأثیر و کیفیت حمل‌ونقل کمترین تأثیر را بر سلامت روان شهروندان داشته است (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱). در میان مؤلفه‌های فردی، مؤلفه اضطراب، ارتباط بیشتری با سایر کیفیات محیط داشت. در دوره همه‌گیری کرونا دو مؤلفه عملکردی و سیمای بصری بیشترین ارتباط را با سلامت روان داشتند (حقی و حیدرزاده، ۱۴۰۱). ارزش معنایی محله، کیفیت‌های عملکردی و فیزیکی محله بر سلامت روان به ترتیب مؤثرند (آبرون و همکاران، ۱۳۹۵). علاوه بر این، انسجام اجتماعی (آرامش محله) و شکوفایی اجتماعی (رعایت عدالت اجتماعی در جامعه) به ترتیب تأثیر مستقیم و معنادار مشارکت بر سلامت اجتماعی را تأیید می‌کنند (رئوف و همکاران، ۱۴۰۲). کیفیت فضای سبز شهری و متغیر اختلاط و تنوع کاربری‌ها نیز به ترتیب دارای بیشترین و کمترین تأثیر بر سلامت روان هستند (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۹).

در میان پیشنهادها آتی اشاره شده در تعداد محدودی از پژوهش‌ها، تهیه گزارش‌های جامع با کمک سایر متخصصان (بهداشت محیطی) از وضعیت محلات شهری و بررسی تأثیر گونه ساختمانی (بلوک شهری، مجموعه‌ها و مجتمع‌های مسکونی مساکن کوتاه و بلندمرتبه) بر سلامت روان، نکات حائز اهمیت بودند (طاهری و طاهری، ۱۳۹۸ و سعیدی منفرد و گلرو، ۱۳۹۸). البته میرغلامی و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند که ساکنان گونه سکونتی کم‌تراکم با فضای نیمه‌خصوصی از سلامت روانی بیشتری برخوردارند.



د) چهارچوب مفهومی برآمده از شاخص‌ها

بررسی عمیق متن پژوهش‌ها نشان داد که مؤلفه‌های مؤثر بر سلامت روان به‌طور کلی به دو جنبه محیطی و فردی تقسیم می‌شوند. تصویر ش. ۳. مؤلفه‌های زیرمجموعه هر دو جنبه را نشان می‌دهد. شاخص‌های اشاره‌شده در مقالات که در قالب چهارچوب مفهومی به‌عنوان پشتوانه تنظیم پرسش‌نامه‌ها قرار گرفتند، از تنوع فراوانی برخوردار بودند. در جنبه محیطی، ابعاد کالبدی، عملکردی، اقتصادی، ایمنی و امنیت، دسترسی، ادراکی بصری، اجتماعی و زیست محیطی جای دارند. بخش متمایز مؤلفه‌ها نسبت به مؤلفه‌های عام طراحی شهری، زیرمجموعه‌های بعد ادراکی بصری است. این موضوع در حالی رخ داده است که سهم مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد فردی بیشتر از سایر مؤلفه‌ها بوده و تنوع بیشتری داشته و در جایگاه دوم بعد ادراکی بصری قرار گرفت. پس از این دو بعد، ابعاد کالبدی، اجتماعی، عملکردی و زیست محیطی قرار گرفتند و ابعاد دسترسی و ایمنی و امنیت و اقتصادی به ترتیب در جایگاه‌های انتهایی از بابت تعدد شاخص‌ها قرار داشتند. در واقع پژوهشگران در دسته‌های ادراکی بصری و فردی اتفاق نظر کمتری دارند.



تصویر ۳: چهارچوب مفهومی سلامت روان در محیط شهری

ه) بررسی پیشنهاد‌های آتی مفهوم محور

در زمینه پیشنهاد‌های پژوهش‌های منتخب در ارتباط با روشن‌سازی مسیر پژوهش‌های آتی، نگارندگان پیشنهادها را همانند بخش اهداف و یافته‌ها به‌صورت گزاره‌ای در گام صفر تبیین کرده‌اند. نتایج برآمده از گزاره‌ها نشان می‌دهد حدود سه‌چهارم (۷۵ درصد) مطالعات منتخب، علی‌رغم انتظار ساختار پژوهشی، هیچ پیشنهادی در جهت رهنمون ساختن مخاطبان به مسیرهای پیش رو در حوزه خاص آن پژوهش نداشته‌اند و این نقطه‌ضعف جدی در ساختار مقالات به شمار می‌رود. اندک مطالعات دیگری که پیشنهادهایی در این زمینه داشته‌اند، به بحث‌های بررسی تنوعی از شاخص‌های محیطی و عوامل ترجیحات محیطی در جهت ارتقای سلامت روان و کاهش خطرات تهدیدکننده پرداخته‌اند (فرجی و همکاران، ۱۴۰۲). در زمینه ادراک محیطی مرتبط با سلامت روان، لزوم انجام مطالعات میان‌رشته‌ای یا تجربی و موردی بیشتر در حوزه شناسایی فرایندهای اثربخش و مکانیزم‌های اثربخش بر سلامت روان برای دستیابی به نتایج تعمیم‌پذیر رسیده‌اند (دهقان و همکاران، ۱۴۰۱؛ طباطبائی‌ان و تمنایی، ۱۳۹۱؛ حسینی، ۱۴۰۲). در حوزه ارتباط و هم‌راستایی حوزه‌های دانشی، کاربردی موضوع پژوهشی مرتبط با سلامت روان در نمونه‌های



مطالعاتی مختلف با مقیاس‌های متعدد در جهت تعمیم‌پذیری صحیح نتایج انجام شده است (مغانی رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱؛ وهابی و همکاران، ۱۴۰۲؛ میرغلامی و همکاران، ۱۳۹۶؛ طاهری و طاهری، ۱۳۹۸). در حیطه تنوع‌بخشی به نمونه‌های مطالعاتی، تهیه گزارش‌های جامع با کمک متخصصان (سعیدی منفرد و گلرو، ۱۳۹۸)، فرهنگ‌سازی و برگزاری جلسات و همایش‌های متناسب با نیاز گروه‌های سنی و جنسی در راستای آشنایی با موضوع (صابری‌فر، ۱۳۹۷) مبتنی بر یک فرایند مشارکتی در راستای سیاست‌گذاری‌های اجرایی پرداخته‌اند.

پژوهش پیش رو نشان داد سلامت روان شهروندان در محیط‌های شهری تحت تأثیر دوگانه محیطی و فردی است که می‌توان از این دوگانه به مثابه دو جنبه کلیدی در برنامه‌ریزی و طراحی نام برد. مؤلفه‌های محیطی در قالب ابعاد متنوعی بر چگونگی تعامل شهروندان با محیط شهری و در نتیجه بر سلامت روان آن‌ها اثربخش‌اند. مؤلفه‌های جنبه فردی نیز به‌طور مستقیم بر سلامت روان تأثیرگذارند و می‌توانند به تقویت ویژگی‌هایی مانند اعتماد به نفس، انگیزه، خلاقیت و کاهش استرس کمک کنند. طبعاً افراد با درک بهتری از ارزش‌های خود و محیط پیرامونشان، توانایی مقابله با مشکلات و فشارهای روانی را خواهند داشت. در این راستا، نگارندگان پیشنهادها کاربردی را به‌شکلی عام در قالب راهبردها و سیاست‌های مرتبط برنامه‌ریزانه یا طراحانه تبیین کرده‌اند. به نظر می‌رسد کاربرد این راهبردها به‌گونه‌ای در بهبود کیفیت زندگی شهری و ارتقای بهزیستی روانی شهروندان مؤثر واقع شوند (جدول ش.۲).

جدول ۲: تبیین پیشنهادهای کاربردی عام در راستای چارچوب مفهومی پژوهش

سیاست	راهبرد	ابعاد	جنبه
طراحی پیشخوان‌ها با الگوهای ارگانیک و منحنی القاکننده حس آرامش استفاده از مصالح متناسب با بافت‌های گرم در کف‌سازی و مبلمان شهری	طراحی فضاهای شهری آرامش‌بخش در جهت کاهش استرس	کابندی	محیطی
طراحی فضاهای چندمنظوره با هدف حضور حداکثری تعبیه مبلمان شهری گروهی جهت تعامل و گفت‌وگو	تقویت تعاملات اجتماعی در جهت کاهش انزوای فردی		
اختصاص بخش‌هایی از فضا به مناطق سکوت طراحی دیوارهای صوتی در محیط‌های پرتردد استفاده از آب‌نماها و المان‌های طبیعی دیگر با پوشش نوبه‌های محیطی	ایجاد فرصت‌هایی باهدف تجربه سکوت و خلوت شهری		
ایجاد بازارهای محلی برای حمایت از کسب‌وکارهای خرد حمایت از کارآفرینی اجتماعی با تسهیلات مالی و آموزش ساکنان محلی طراحی فضاهای مشترک کاری	تقویت فرصت‌های اشتغال محلی به‌منظور کاهش نگرانی اقتصادی	اقتصادی	
ایجاد زمینه مدیریت پروژه‌های درآمدزا با مشارکت جامعه برگزارآموزش دوره‌های آموزشی و مشاوره شغلی	توانمندسازی جامعه محلی به‌منظور تقویت حس خودکارآمدی و امنیت روانی		
اختصاص بخشی از محیط به غرفه‌های فروش موقت هنرمندان محلی ایجاد کمپین‌های اجتماعی در محلات با هدف جمع‌آوری کمک‌های مالی	استفاده از محیط‌های شهری به‌منظور افزایش درآمد و کاهش فشار مالی		
طراحی سایه‌بان‌ها باهدف کاهش دمای در فصول گرم استفاده از مصالح خنک‌کننده و بازتاب‌دهنده حرارت در کف‌سازی و نماها طراحی آب‌نماها به‌منظور تعدیل دما و ایجاد آرامش صوتی	بهبود شرایط اقلیمی و افزایش آسایش حرارتی	زیست‌محیطی	
کنترل و ساماندهی تابلوها و تبلیغات شهری برای کاهش آلودگی بصری افزایش فضاهای بدون خودرو در مناطق پرتراکم شهری نصب دیوارهای سبز یا حائل‌های صوتی	کاهش آلودگی‌های محیطی در جهت کاهش اضطراب و استرس		
آموزش‌های عمومی زیست‌محیطی در مراکز اجتماعی برگزاری کمپین‌های پاک‌سازی با مشارکت شهروندان	تشویق به مشارکت زیست‌محیطی باهدف تقویت حس مسئولیت‌پذیری و تعلق اجتماعی		
توسعه پارک‌های شهری با طراحی ارگانیک و مسیرهای مناسب پیاده‌روی استفاده از عناصر آبی در محیط‌های شهری ایجاد فضاهایی برای فعالیت‌های گروهی مؤثر مانند یوگا یا مدیتیشن	بهبود کیفیت محیط‌های سبز و آبی برای تقویت آرامش روانی	اجتماعی	
طراحی فضاهای باز و قابل دسترس برای تمامی گروه‌های اجتماعی ایجاد مراکز چندفرهنگی به‌منظور تبادل و پذیرش تفاوت‌ها برگزاری کارگاه‌ها یا برنامه‌های آموزشی در زمینه پذیرش اجتماعی	تقویت پذیرش و حمایت اجتماعی باهدف کاهش احساس تبعیض		
تشویق افراد به مشارکت در پروژه‌های جمعی مانند رویدادها فراهم آوردن بستر گفت‌وگوی محلی برای شناسایی دیدگاه شهروندان	تشویق به مشارکت اجتماعی به‌منظور تقویت حس کنترل و اثربخشی فردی		



ادامه جدول ۲: تبیین پیشنهادهای کاربردی عام در راستای چارچوب مفهومی پژوهش

		محیطی	
عمکردی	تقویت اختلاط و تنوع کاربری در جهت افزایش سرزندگی و کاهش استرس	توسعه فضاهای چندمنظوره با امکان فعالیتهای متنوع تزییق فعالیتهای ثانویه و پشتیبان در محیطهای شهری	
	طراحی فضاهای رویدادپذیر در جهت افزایش تعاملات فرهنگی	استفاده از فضاهای بلااستفاده شهری به بستر برگزاری رویدادهای متنوع	
	تقویت همهشمولی در دسترسی به امکانات و فعالیتهای شهری	تخصیص فضا برای فعالیتهای انواع گروههای اجتماعی	
امینیت و ایمنی	افزایش حس ایمنی و امنیت روانی در محیطهای شهری	طراحی فضاهای محصور و با دید مناسب در جهت کاهش احساس خطر استفاده از نورپردازی گرم در شب در جهت کاهش اضطراب محیطی حذف عناصر اضافی و ایجاد نظم در طراحی	
	تقویت حیات شبانه با هدف کاهش انزوا و افزایش حس امنیت جمعی	توسعه فعالیتهای شبانه برای حضورپذیری در شب	
	طراحی شهری مبتنی بر پیشگیری از جرم و کاهش استرسهای محیطی	بهرهگیری از اصول پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) تغییر مناطق بلااستفاده شهری به فضای جذاب مکت	
دسترسی	بهبود شبکه ارتباطی باهدف افزایش انسجام شهری و کاهش تنش ناشی از جابهجایی	ایجاد ایستگاههای حملونقل چندمنظوره و یکپارچه رفع موانع فیزیکی در مسیرهای ارتباطی برای تسهیل حرکت	
	تشویق به حملونقل فعال برای کاهش استرس ترافیکی	توسعه مسیرهای پیادهایم و جذاب ایجاد شبکهای پیوسته از مسیرهای دوچرخهسواری	
	افزایش دسترسی به فضاهای سبز و باز عمومی بهمنظور ایجاد آرامش روانی	طراحی فضاهای سبز در نزدیکی محلات مسکونی جهت استفاده روزانه ایجاد کریدورهای طبیعی و سبز	
ادراکی بصری	تقویت ادراک حسی و تجربههای مثبت شهری بهمنظور ارتقای بهزیستی روانی	تلفیق رنگهای طبیعی و ملایم در کفسازی، نماها و المانهای شهری طراحی فضاهای موضوعی در جهت تجربههای مثبت روانی تعبیه المانهای شهری تحریککننده تمام حواس کاربر محیط	
	تقویت تعلق مکانی و دلبستگی به مکان شهری	طراحی فضاهای تقویتکننده هویت محیطی استفاده از المانهای فرهنگی و تاریخی معنادر و هویتبخش	
	امکان کشف و رازآلودگی محیط باهدف تحریک کنجکاوی و تعاملات روانی مثبت	امکان نورپردازی و سایه بازی بهمنظور ایجاد حس پیچیدگی و کاوش	
	تقویت غنای حسی و زیباییشناسی بهمنظور ارتقای رضایت و آسایش روانی	تحریک حس زیباییشناسی با الگوهای متنوع تقویت دلپذیری محیطی با هنر همگانی، عناصر طبیعی و مصنوع	
	ارتقای ارزشها و تصورات ذهنی مثبت با هدف تقویت اعتمادبه نفس و کاهش استرس	در بررسی پیشنهادهای عام بعد فردی ناشی از سلامت روان، سیاست گذاری بهطور خاص می تواند مرتبط با راهبردهای تبیین شده در زمینههای تعاملی روان شناسی محیطی، روان شناسی اجتماعی و علوم مرتبط با زمینههای مشابه انجام شود. بهطور کلی طراحی فضاهای مشخص باهدف برگزاری کارگاهها و دورههای آموزشی، خلاقیتی، تقویت مهارتهای ارتباطی و جمعی و بعضاً تعریف پروژههای فردی یا گروهی مرتبط با این زمینه در بستر محیطهای شهری با اهدافی که جهت گیری آن نهایتاً به ارتقای سلامت روان شهروندان برسد، می تواند مؤثر باشد.	
فردی	ارتقای تاب آوری فردی برای مقابله با فشارهای روانی و استرس		
	تقویت بهزیستی هیجانی و کاهش افسردگی و اضطراب		
	افزایش حس تعلق فردی و اجتماعی بهمنظور داشتن حس پشتیبانی و حمایت روانی		
	تقویت حس خاطره جمعی و هویت اجتماعی بهمنظور کاهش استرس و اضطراب فردی		



بحث و نتیجه‌گیری

سلامت روان به‌عنوان یکی از معیارهای سلامت جوامع شهری، تحت‌تأثیر محیط شهری است. پژوهش‌های متعددی در سال‌های اخیر در ایران و جهان بر تأثیر محیط بر سلامت روان انجام شده است؛ با این حال مروری سیستماتیک در میان پژوهش‌های داخلی به‌عنوان هدف اصلی پژوهش پیش رو می‌تواند مسیر آینده پژوهش در این حوزه را روشن کند و در راستای درس‌آموزی از تجارب پژوهشی انجام‌شده، گامی مؤثر بردارد. بدین ترتیب پژوهش‌های مرتبط داخلی با حوزه محیط شهری و سلامت روان از سال ۱۳۹۲ به‌صورت کمی و کیفی تحلیل محتوا شدند. روند صعودی افزایش تعدد پژوهش‌های انجام‌شده در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۹ مشهود است. سال ۱۴۰۰ در واقع نقطه عطفی در روند پژوهش‌ها بوده و تعداد پژوهش‌ها کاهش یافته و مجدد در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ روند صعودی قبل ادامه یافته است و سال ۱۴۰۲ بیشترین فراوانی پژوهش‌ها دیده شده است. پژوهش‌ها عمدتاً بر مقیاس فضایی خرد و میانه و در نوع محله شهری پیش برده شدند.

داده‌های استانی گویای آن است که خراسان رضوی به‌لحاظ سلامت روانی در جایگاه ۲۰ در میان استان‌های کشور قرار دارد و با توجه به سهم بالای مشهد در جمعیت استان، این جایگاه را می‌توان برای شهر مشهد نیز تعمیم داد (حسینی، ۱۴۰۲). بررسی‌ها نشان داد که مشهد نیز در کنار تهران و تبریز در جایگاه اول از نظر فراوانی پژوهش‌های انجام‌شده جای دارد. در مجموع استان خراسان رضوی در جایگاه اول قرار گرفته است و آذربایجان شرقی، مازندران، تهران و کرمانشاه در جایگاه دوم و شهرها و استان‌های شرقی و جنوبی ایران نیز به‌عنوان گروه هدف انتخاب نشده‌اند.

حدود ۴۰ درصد از پژوهش‌ها مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی پیش برده شده‌اند و پس از آن روش مروری و تحلیلی محتوای کیفی بیشترین استفاده را داشته است؛ همچنین بررسی جامعه آماری و روش‌های نمونه‌گیری نشان داد که غالب جامعه آماری منتخب از میان شهروندان و ساکنان مجموعه‌های شهری و به روش تصادفی ساده بوده‌اند. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش که محیط‌های شهری چه نقشی بر سلامت روان و بازبایی روان‌شناختی شهروندان دارند، سلامت روان افراد به‌طور کلی متأثر از دو جنبه محیطی (ابعاد کالبدی، اجتماعی، عملکردی، ادراکی بصری، زیست‌محیطی، دسترسی، ایمنی و امنیت و اقتصادی) و فردی است (تصویر ش. ۳). در پاسخ به پرسش فرعی اول پژوهش که مهم‌ترین اهداف متمرکز پژوهش‌های داخلی انجام‌شده در حوزه محیط شهری و سلامت روان کدام‌اند، یافته‌ها نشان دادند که مقوله ابعاد و کیفیت محیطی و سلامت روان (۱۴ فراوانی) در جایگاه اول و مقوله منظر سبز شهری و سلامت روان (۱۰ فراوانی) در جایگاه دوم و مقوله مؤلفه‌های کالبدی فضایی محیط و سلامت روان (۹ فراوانی) در میان اهداف متمرکز پژوهش‌ها در جایگاه سوم جای گرفت (جدول ش. ۱).

این نتیجه در هم‌گرایی با سایر اقدامات انجام‌شده در حوزه سلامت روان، محیط مصنوع به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های مهمی بوده است که در پژوهش‌های متعددی ارتباط آن با سلامت روانی افراد بررسی شده است. نتایج پژوهشی سیستماتیک (مروری) نشان می‌دهد که طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ تعداد تحقیقات مربوط به سلامت شهری و محیط مصنوع بیش از ۳ برابر (از ۳۸ به ۱۳۲ عدد) و تعداد پژوهش‌های منتشرشده مربوط به محیط مصنوع و سلامت روان بیش از ۵ برابر (از ۷ به ۳۹ مقاله) افزایش یافته است (al et, Prasad, 2016 بر گرفته از حسینی، ۱۴۰۲).

در پاسخ به پرسش فرعی دوم پژوهش که ضعف پژوهش‌های داخلی انجام‌شده در حوزه سلامت روان و مطالعات شهری در کدام بخش‌ها مشهود است، باید اشاره کرد که مطالعات مبتنی بر رویکردهای کمی به‌صورت مشابه و تکرارپذیر با استفاده از پرسش‌نامه سلامت عمومی و آزمون‌های آماری و مطالعات مبتنی بر رویکردهای کیفی با روش‌های مشاهده‌ای، مصاحبه عمیق و تحلیل محتوا انجام شده‌اند. در این میان، مطالعات مبتنی بر مرور محتوا غالباً بدون اشاره به فرایند انجام تحلیل داده‌ها پیش رفته‌اند. این موضوع بار دیگر بر اهمیت استفاده از رویکردهای ترکیبی کمی کیفی به‌صورتی که روند انجام پژوهش برای مخاطب درک‌پذیر باشد، تأکید می‌کند. اغلب پژوهش‌ها با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد سلامت روان در کنار پرسش‌نامه محقق ساخته پیش برده شده بود و اغلب بر پایه مقیاس فضایی خرد و میانه و به‌ویژه محله شهری انجام شده بود. اغلب به بررسی ابعاد و کیفیت محیطی و عوامل محیطی و کالبدی پرداختند؛ اما توجه به مؤلفه‌های روان‌شناسی و دموگرافیک نیز مد نظر بوده است.

با نگاهی انتقادی به ساختار فرمی مقالات می‌توان مطرح کرد که بخش بیان مسئله اغلب آن‌ها مشابه یکدیگر بوده است و پژوهشگران این ادعا را مطرح کرده‌اند که در زمینه انتخابی اقدام پژوهشی صورت نگرفته است. این موضوع در واقع ناشی از بررسی سطحی مطالعات پیشین یا صرفاً تلاشی بی‌پایه برای توجیه بیان جنبه نوآورانه پژوهش خود بوده است. با وجود



پژوهش‌های اندک انجام‌شده در این سال‌ها در زمینه سلامت روان در حوزه مطالعات شهری، پژوهش عمیق و متمایزی در میان آن‌ها دیده نشد و درحقیقت، موضوع در نمونه‌های موردی متفاوت با روش‌ها و ابزارهای تکراری پیش برده شده است. نتایج پژوهش‌ها نشان از این دارد که محیط زندگی نقش مؤثری در سلامت روان افراد دارد؛ با این حال گام را جلوتر نگذاشته‌اند و در موارد محدودی به راهکار عملی برای کم کردن شکاف نظریه و عمل اشاره شده بود. بیشتر پیشنهادها مطرح‌شده عام بودند و برای دستیابی به هر موضوعی در حیطه مطالعات شهری قابل کاربست هستند. توجه به جامعه آماری منتخب در مطالعات می‌تواند تأکید ویژه‌ای بر اهمیت نقش گروه‌های سنی و جنسی مختلف در مقوله اثربخشی سلامت روان داشته باشد. در نهایت باید توجه کرد که در بخش ساختاری چالش‌هایی از جمله اشاره نکردن به محدودیت‌های پژوهش و ذکر نکردن پیشنهادها پژوهشی آتی نیز بسیار دیده شد.

پژوهش حاضر با نگاهی عمیق به مطالعات انجام‌شده در حوزه سلامت روان و مطالعات شهری، سعی در ارائه نگاهی متفاوت داشته است تا در ادامه فرایند بررسی موضوع، مسیر پژوهش‌ها سمت‌وسویی متفاوت به خود گیرد. در این مسیر محدودیت‌هایی مانند نبود قابلیت جست‌وجوی حرفه‌ای در پایگاه‌های داخلی و نبود نسخه الکترونیک برخی مقالات وجود داشت. پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه سلامت روان و شهر می‌توانند به دنبال بررسی مؤلفه‌های محیطی سازنده سلامت روان با روش‌های کیفی و ترکیبی و تکنیک‌های به‌روزتر بروند یا حتی به تدوین پرسش‌نامه استاندارد در حوزه سلامت روان و محیط شهری اقدام کنند تا در کنار پرسش‌نامه استاندارد جهانی قابل استفاده باشد. علاوه بر این، می‌توانند در پژوهش‌های آتی خود به سمت بررسی مفاهیم شهرسازی، از قبیل شهر هوشمند و رابطه آن با سلامت روان گام بردارند.

بیانیه تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تعارض منافع در این پژوهش وجود ندارد.

مشارکت مالی

این پژوهش از هیچ منبع مالی اعطایی سازمان‌های دولتی یا خصوصی برای پیشبرد تحقیق استفاده نکرده است.

رضایت آگاهانه

تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش رضایت آگاهانه خود را به صورت کتبی اعلام کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

ایده‌پردازی و طراحی مطالعه: هاجر اسدیپور و فاطمه شاهوران؛ گردآوری و مدیریت داده‌ها: هاجر اسدیپور؛ تحلیل و تفسیر داده‌ها: هاجر اسدیپور و فاطمه شاهوران؛ تصویرسازی: اکثر موارد توسط فاطمه شاهوران و برخی توسط هاجر اسدیپور؛ اعتبارسنجی و تأیید نهایی: تمام نویسندگان نسخه نهایی مقاله را مطالعه و تأیید کرده‌اند.

تشکر و قدردانی

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

پی‌نوشت

- 1Mental health
- 2Child Health Questionnaire (CHQ)
- 3Landgrave
- 4 Abetz

۵ اشاره به مطلب واحد در حیطه یک موضوع دارد و در روش تحلیل محتوا، به عنوان واحد تحلیل شناخته می‌شود.
۶ مقوله در روش تحلیل محتوا به عنوان گونه‌بندی واحدهای تحلیل تعبیر می‌شود.



منابع

۱. آبرون، ع.ا.، فرایی، ف.، و طباطبائیان، م. (۱۳۹۷). واکاوی ابعاد کیفیت محیط شهری مؤثر بر سطح سلامت روانی شهروندان، مطالعاتی: محله‌های بهار و انقلاب اسلامی شهر سبزوار. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۱(۲۵)، ۲۶۳-۲۵۱.
۲. آراسته، م.، و حیدرزاده، ا. (۱۳۹۹). تبیین معیارهای مؤثر بر تجربه حضور شهروندان و ارتقای سلامت روانی آن‌ها در محیط‌های تفرجگاهی طبیعی شهر تبریز. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۱(۴)، ۹۵-۱۱۲.
۳. اسماعیلی، م.، اسلام‌کرمی، ا.، و دهقان‌منگابادی، ا. (۱۴۰۳). نقش مؤلفه‌های ادراکی زیباشناختی مکان در سلامت روان ساکنان، مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی شهرک تالار گرگان. جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۸(۸۸)، ۴۴۳-۴۱۶.
۴. اشکانی، س. (۱۴۰۳). مطالعه‌ای بر تأثیر شبکه‌های اجتماعی و روابط عاطفی اینترنتی بر سلامت روان و کیفیت زندگی در دانش‌آموزان (مدل‌سازی معادلات ساختاری). رویکردی نو بر آموزش کودکان، (۱) ۶، ۷۳-۶۱.
۵. پوراحمد، ا.، فرهادی، ا.، قربانی، ر.، و درودی‌نیا، ع. (۱۳۹۷). تأثیر چشم‌اندازهای شهری بر سلامت روان شهروندان (مطالعه موردی: مناطق ۲ و ۹ شهر تهران). فصلنامه شهر پایدار، ۱(۳)، ۱۷-۳۳.
۶. پورسباط، و.، الفتی، ف.، بیرانوندزاده، م.، یوسف‌زاده، ز.، و سبحانی، ن. (۱۳۹۹). بررسی میزان عملکرد سلامت روان‌شناختی شهروندان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شهر بروجرد). علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۲۲(۲)، ۱۹۳-۱۷۹.
۷. توکلی، ن.، و ماجدی، ح. (۱۳۹۲). عملکرد محیط‌های سبز و طبیعی در ارتقای سلامت روحی‌روانی انسان. هویت شهر، ۱۳، ۳۳-۲۳.
۸. جوادزاده، م.، لولاکی، م.، و عابدپور، ا. (۱۴۰۱). اهمیت باغ ایرانی در خلق حس سرزندگی و بهبود سلامت جسم و روان. معماری‌شناسی، ۱۵(۲۳)، ۱۵۲-۱۳۹.
۹. جوینده، ل. (۱۳۹۹). بررسی رابطه هویت و مجسمه‌های شهری و تأثیر آن بر سلامت روان زنان در شهر. نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ۲۷(۲۷)، ۴۴-۳۳.
۱۰. حسینی، س.ه. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط ویژگی‌های محیط مصنوع شهری با سلامت روانی شهروندان، مطالعه شهر مشهد. مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۱۰(۳۶)، ۲۵۷-۲۳۳.
۱۱. حقی، م.ر.، و حیدرزاده، ا. (۱۴۰۱). تأثیر کیفیت محیطی محلات شهری در حفظ سلامت روان شهروندان در دوره همه‌گیری کرونا (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). مدیریت مخاطرات محیطی، ۹(۱)، ۳۰-۱۷.
۱۲. حکیمیان، پ.، و مظهری، م. (۱۳۹۹). تدوین چهارچوب مفهومی تبیین‌کننده کیفیت‌های طراحی شهری مرتبط با سلامت روان ساکنان محلات شهری. گفت‌وگو طراحی شهری: مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر، ۱(۱)، ۱۱-۱۷.
۱۳. دهقان، ف.، گلکار، ک.، و حکیمیان، پ. (۱۴۰۱). نقش طراحی شهری بر سلامت روان: تبیین چهارچوب مفهومی رابطه کیفیت‌های محیط شهری و سلامت روان ساکنان شهر با تأکید بر افسردگی. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۵(۳۸)، ۲۱۵-۱۹۹.
۱۴. رزم‌آهنگ، و.، و کشمیری، ه. (۱۴۰۲). ارزیابی و بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی محیطی بر سلامت روان ساکنان مجتمع‌های مسکونی. پژوهش‌های معماری نوین، ۳(۱)، ۲۱-۷.
۱۵. رئوف، ف.، معتمدی، م.، و پوراحمد، ع.ا. (۱۴۰۲). تبیین شاخص‌های مشارکت اجتماعی در راستای ارتقای سلامت اجتماعی و سلامت روان شهروندان شهر شیروان با تأکید بر مشارکت زیست‌محیطی. فصلنامه آینده‌پژوهی شهری، ۳(۱-۸)، ۴۵-۳۰.
۱۶. سعیدی‌مفرد، س.، و گلرو، ا. (۱۳۹۸). ارزیابی ارتقای سلامت روان در فضاهای رهاشده شهری با محوریت شکل‌گیری شهر سالم، مطالعه موردی: شهر مشهد. جغرافیا و روابط انسانی، ۲(۲)، ۸۲-۵۸.
۱۷. شمس، م.، و مرادی، خ. (۱۳۹۳). مبلمان شهری و تأثیر آن بر سلامت روانی (نمونه مورد مطالعه شهر ملایر). فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۲۵، ۱۰۲-۷۸.
۱۸. شهبابی‌شهمیری، م.، و خاتمی، س.م. (۱۳۹۹). تدوین دستور کاری پژوهشی پیرامون ارتباط میان محیط کالبدی و سلامت روان. مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۷(۲۵)، ۸۵-۱۱۴.
۱۹. شیعه، ا.، زهرالسادات سعیده زرابادی، م.، و یزدان‌پناهی، م. (۱۳۹۲). بررسی و تبیین مفهوم محله سالم در محلات سنتی ایران. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۷، ۲۰-۱.
۲۰. صابری‌فر، ر. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین عملکردهای مختلف پارک‌های شهری با سلامت روانی سالمندان. مجله پژوهش‌های سلامت‌محور، ۴(۳)، ۳۰۰-۲۸۹.
۲۱. صمدی، ف.، و دلیر، م. (۱۳۹۹). نقش سلامت روانی و اجتماعی در سلامت جنسی زنان سالمند. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۰(۴۰)، ۴۲-۲۱.
۲۲. طاهری، ث.، و طاهری، ج. (۱۳۹۸). ارزیابی عوامل محیطی مؤثر بر سلامت روان در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجموعه‌های ۵۱۲ و ۶۰۰ دستگاه شهر مشهد). هویت شهر، ۱۳(۴)، ۷۴-۵۷.
۲۳. طباطبائیان، م.، و تمنایی، م. (۱۳۹۲). نقش محیط‌های ساخته‌شده در سلامت روان. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۶(۱۱)، ۱۰۹-۱۰۱.
۲۴. عبدالله‌زاده‌فرد، ع.، و شمس‌الدینی، ع. (۱۳۹۹). نقش کیفیت محیطی محله در سلامت روحی و روانی ساکنان (مطالعه موردی محله سنگ سیاه، کلان‌شهر شیراز). دانش شهرسازی، ۴(۲)، ۹۵-۱۱۴.
۲۵. عسگری، ع.، بهزادفر، م.، و نقدی، ا. (۱۳۹۹). سازوکار اثرگذاری دالان‌های دید طبیعی شهری در شهر همدان بر میزان سلامت روان شهروندان. معماری و شهرسازی ایران، ۱۱(۲۰)، ۱۱۱-۱۱۱.
۲۶. عظیمی‌المیرا، س.، ستارزاده‌داریوش، د.، بلیلان، ل.، عبدالله‌زاده طرف، ا.، و فرامرزی‌اصل، م. (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر عوامل کالبدی محیطی فضاهای عمومی بر سلامت روان شهروندان (مطالعه موردی: شهر اردبیل). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۳۰(۵۹)، ۳۰۷-۳۱۹.
۲۷. عزیززاده، ع.، دانش، پ.، ملکی، ا.، و جواهری، ف. (۱۴۰۲). عوامل اجتماعی اثرگذار بر سلامت روان زنان در مقایسه با مردان. مطالعات



۲۸. عنایتی، ا.، قمرانی، ا.، و عابدی، ا. (۱۴۰۰). اثر فضای شهری بر سلامت روانی اجتماعی کودکان و نوجوانان شهر اصفهان. جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۰(۳۸)، ۳۷-۴۷.
۲۹. غفاری گیلانده، ع.، و محمدی، چ. (۱۴۰۲). بررسی وضعیت محیط و منظر شهری و ارتباط آن با سلامت روان شهروندان شهر پاهو. جغرافیا و روابط انسانی، ۵(۴)، ۲۸۰-۲۶۲.
۳۰. فرجی، م.، رستمی، ر.، و شبک، م. (۱۴۰۲). تأثیر ویژگی‌های محیط محله بر سلامت روان با تکیه بر متغیر واسطه‌ای ترجیحات ساکنان. فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۸(۲۷)، ۱۶۲-۱۳۳.
۳۱. فرزاد بهتاش، م.، و سرلک، س. (۱۴۰۰). ساماندهی میدان گل‌ها محله مرزداران، با رویکرد شهر دوستدار کودک در جهت سلامت روان کودکان. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۴(۳۴)، ۱۹۱-۱۸۳.
۳۲. فروغ‌مند اعرابی، ه.، و کریمی‌فرد، ل. (۱۳۹۴). شهر دوستدار سالمند و معیارهای طراحی مراکز تعاملات اجتماعی سالمندی با رویکرد سلامت روان. مدیریت شهری، ۱۳(۳۹)، ۳۴-۷.
۳۳. فبایی، س.، و حقیقت‌نائینی، غ.ر. (۱۴۰۰). عوامل استرس‌زای محیطی اثرگذار بر سلامت روان ساکنان محلات. مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، ۲(۱۵)، ۱-۱۶.
۳۴. قاسمی سیانی، م.، و فراتاش مهر، ن. (۱۴۰۲). بررسی نقش فضاهای عمومی در سلامت روان شهروندان، مطالعه موردی: منطقه ۲ شهرداری کرمانشاه. جغرافیا و روابط انسانی، ۶(۲)، ۶۲۸-۶۴۲.
۳۵. قلندریان، ا.، و یونسسی، ز. (۱۳۹۹). بازتاب تصویری فضای شهری دوستدار کودک در نقاشی کودکان ۷-۱۲ سال. هویت شهر، ۱۵(۴۷)، ۱۵-۲۸.
۳۶. کریمی، ف.، چاره‌جو، ف.، و کتاب‌اللهی، ک. (۱۴۰۱). ارزیابی تأثیر کیفیت‌های طراحی شهری بر سلامت روانی و شادمانی شهروندان (نمونه موردی: محله‌های چهارباغ و سوران در شهر سنندج). جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۳(۴)، ۴۸-۲۷.
۳۷. کمالی‌فر، ف.، و فنایی، س. (۱۴۰۱). رابطه فضاهای شهری و سلامت روانی زنان. نشریه معماری سبز، ۸(۳۰)، ۹۹-۱۰۸.
۳۸. مسعودی منا، ب.ج.م. (۱۴۰۲). پیری سعید. مروری نظام‌مند بر تحقیقات پیرامون حوزه سلامت روان سالمندان در ایران: مطالعه هم‌واژگانی. فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۱۷(۴)، ۱۱۷-۱۰۱.
۳۹. مغانی رحیمی، خ.، بهزادفر، م.، و جلیلی صدآباد، س. (۱۴۰۲). تبیین رابطه شهر و سلامت روان با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا و نرم‌افزار MAXQDA. هویت شهر، ۱۷(۵۴)، ۵۲-۳۳.
۴۰. مقتدائی خوراسگانی، ا.، امین‌زاده گوهرریزی، ب.، و سپهری، ح.ر. (۱۴۰۱). طراحی فضای شهری در راستای ارتقای سلامت روان، نمونه موردی: خیابان حافظ اصفهان. شهرسازی ایران، ۵(۸)، ۶۸-۴۸.
۴۱. منصوری مرادیان، س.، شمس، م.، و ملک‌حسینی، ع. (۱۳۹۷). تبیین شاخص‌های سرمایه اجتماعی در راستای ارتقای نشاط اجتماعی و سلامت روان شهروندان (مطالعه موردی: شهر همدان). فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۱)، ۲۹۹-۲۸۴.
۴۲. میرحلمی، م.، قره بگلو، م.، و نوزمانی، ن. (۱۳۹۶). ارزیابی تأثیر ابعاد اجتماعی و کالبدی محیط محله بر سلامت روانی و حس سلامتی ساکنان (مورد پژوهی محله رشیدیه تبریز). نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۲(۲)، ۷۴-۶۳.
۴۳. نظم‌فر، ح.، برکاف، ن. س.، و وفاداری کمار علیا، د. (۱۴۰۳). بررسی نقش پارک‌های شهری در آرامش شهروندان با رویکرد افزایش سلامت روان. مطالعات علوم محیط‌زیست، ۹(۲)، ۸۴۴۰-۸۴۲۹.
۴۴. واحد چوکده حسین، کمپور شمس‌آبادی محمدرضا، و صحبت‌لو علی. (۱۴۰۲). نقش تجاری‌سازی دانش در تبیین سلامت روان‌شناختی دانش‌آموزان: مطالعه مروری روایتی. فصلنامه سلامت روان کودک، ۱۰(۴)، ۱۲۵-۱۰۹.
۴۵. ولایتی، ش.، و رضایی تبریزی، س. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر ارتقای سلامت روان شهروندان در فضاهای شهری (نمونه مورد مطالعه: عینالی و ائل‌گولی شهر تبریز). جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۸(۸۷)، ۳۵۷-۳۳۷.
۴۶. وهابی قشلاقی، س.، صفوی، س.ع.، لک، آ.، و راشدی، و. (۱۴۰۲). محیط ساخته‌شده و اجتماعی و سلامت روان سالمندان در مقیاس محله مورد پژوهی: شهر قزوین. گفت‌وگوهای طراحی شهری: مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر، ۴(۳)، ۱۱۸-۱۰۳.
۴۷. هاشم‌پور، ا.ر.، و عزتی‌مهر، م. (۱۴۰۰). تأثیر فضاهای سبز (پارک محله‌ای) بر سلامت روانی (شادمانی) ساکنان، نمونه موردی: محله‌های میرداماد و مقصودیه در شهر تبریز. مهندسی و مدیریت ساخت، ۶(۲)، ۲۲-۲۸.

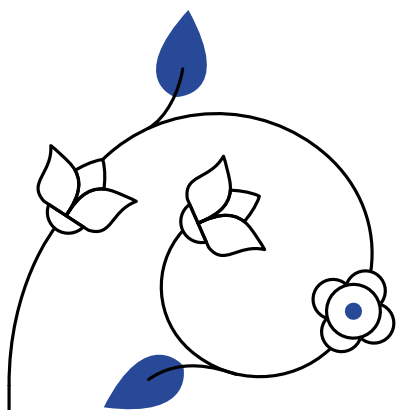
48. Andreucci, M. B., Russo, A., & Olszewska-Guizzo, A. (2019). Designing urban green-blue infrastructure for mental health and elderly wellbeing. *Sustainability*, 11, 6425.
49. Bilger, M., & Carrieri, V. (2013). Health in the cities: When the neighborhood matters more than income. *Journal of Health Economics*, 32(1), 1-11.
50. Cao, S., Song, C., Jiang, S., Luo, H., Zhang, P., Huang, Y., Yu, J., Li, K., Li, N., Guo, B., & Li, X. (2024). Effects of urban greenway environmental types and landscape characteristics on physical and mental health restoration. *Forests*, 15, 679.
51. Choi, H. S. (Sunny), Bruyns, G., Cheng, T., Zhang, W., & Sharma, S. (2024). Human cognition and emotions for human-centred design in vertical interior urban spaces. *Journal of Urban Design*, 1-24.
52. Clark, C., Myron, R., Stansfield, S. A., & Candy, B. (2007). A systematic review of the evidence on the effect of the built and physical environment on mental health. *Journal of Public Mental Health*, 6(2), 14-27.



53. Evered, E. (2016). The role of the urban landscape in restoring mental health in Sheffield, UK: Service user perspectives. *Landscape Research*, 41(6), 678–694.
54. Ginter, E. J. (1999). Contribution to the developmentally based life skill approach. *Journal of Mental Health Counseling*, 21(3), 191–202.
55. Gu, D., Zhu, H., Brown, T., Hoenig, H., & Zeng, Y. (2016). Tourism experiences and self-rated health among older adults in China. *Journal of Aging Health*, 28, 675–703.
56. Iamtrakul, P., Chayphong, S., & Hayashi, Y. (2024). An integrative investigation of travel satisfaction, streetscape perception, and mental health in urban environments. *Sustainability*, 16, 3526.
57. Keyes, C. M., & Shapiro, A. (2004). Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology. In O. G. Brim, C. D. Ryff, & R. C. Kessler (Eds.), *How healthy are we? A national study of well-being at midlife* (pp. 350–372). The University of Chicago Press.
58. Khomenko, S., Nieuwenhuijsen, M., Ambros, A., Wegener, S., & Mueller, N. (2020). Is a liveable city a healthy city? Health effects of urban and transport planning in Vienna, Austria. *Environmental Research*, 183, 109238.
59. Melis, G., Gelormino, E., Marra, G., Ferracin, E., & Costa, G. (2015). The effects of the urban built environment on mental health: A cohort study in a large northern Italian city. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 12(11), 14898–14915.
60. Monfries, J. (2020). The psychological effects of urban design. *Topophilia: The Human Geography and Planning Student Journal*, 46–52.
61. Nawrath, M., Guenat, S., Elsey, H., & Dallimer, M. (2021). Exploring uncharted territory: Do urban greenspaces support mental health in low- and middle-income countries? *Environmental Research*, 194, 110625.
62. Pfeiffer, D., & Cloutier, S. (2016). Planning for happy neighborhoods. *Journal of the American Planning Association*, 82(3), 267–279. <https://doi.org/10.1080/01944363.2016.1166347>
63. Prasad, A., Gray, C. B., Ross, A., & Kano, M. (2016). Metrics in urban health: Current developments and future prospects. *Annual Review of Public Health*, 37, 113–133.
64. Rugel, E. (2015). *Green space and mental health: Pathways, impacts, and gaps*. Vancouver, BC: National Collaborating Centre for Environmental Health.
65. Sturm, R., & Cohen, D. (2014). Proximity to urban parks and mental health. *The Journal of Mental Health Policy and Economics*, 17(1), 19.
66. Sugiyama, T., Leslie, E., Giles-Corti, B., & Owen, N. (2008). Associations of neighbourhood greenness with physical and mental health: Do walking, social coherence and local social interaction explain the relationships? *Journal of Epidemiology and Community Health*, 62(9), 118–125.
67. UN-Habitat. (2022). *World cities report*. Nairobi, Kenya: United Nations Human Settlements Programme.
68. Vanaken, G. J., & Danckaerts, M. (2018). Impact of green space exposure on children's and adolescents' mental health: A systematic review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 15(12), 2668.
69. Wells, N. M., & Evans, G. W. (2003). Nearby nature: A buffer of life stress among rural children. *Environment and Behavior*, 35(3), 311–330.
70. Wen, M., Fan, J., Jin, L., & Wang, G. (2010). Neighborhood effects on health among migrants and natives in Shanghai, China. *Health and Place*, 16(3), 452–460.
71. Zhang, Y., Mavoa, S., Zhao, J., Raphael, D., & Smith, M. (2020). The association between green space and adolescents' mental well-being: A systematic review. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(18), 6640.
72. Zhao, J., Wu, J., & Wang, H. (2020). Characteristics of urban streets in relation to perceived restorativeness. *Journal of Exposure Science & Environmental Epidemiology*, 30(2), 309–319.
73. Zheng, Y., Cheng, B., Dong, L., Zheng, T., & Wu, R. (2024). The moderating effect of social participation on the relationship between urban green space and the mental health of older adults: A case study in China. *Land*, 13, 317.



INTERNATIONAL JOURNAL OF



Holder of rights: "Shiraz University"
Publisher: "Shiraz University" in collaboration with the "Iranian Society of Architecture and Urbanism"

 iuds.shirazu.ac.ir

 iuds@shirazu.ac.ir